کارنامه و خاطرات
هاشمی رفسنجانی
سال ۱۳۶۳










به سوی سرنوشت

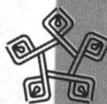
به اهتمام:
محسن هاشمی

بسم الله الرحمن الرحیم

کارنامه و خاطرات
هاشمی رفسنجانی
سال ۱۳۶۳

به سوی سرنوشت

به اهتمام:
محسن هاشمی

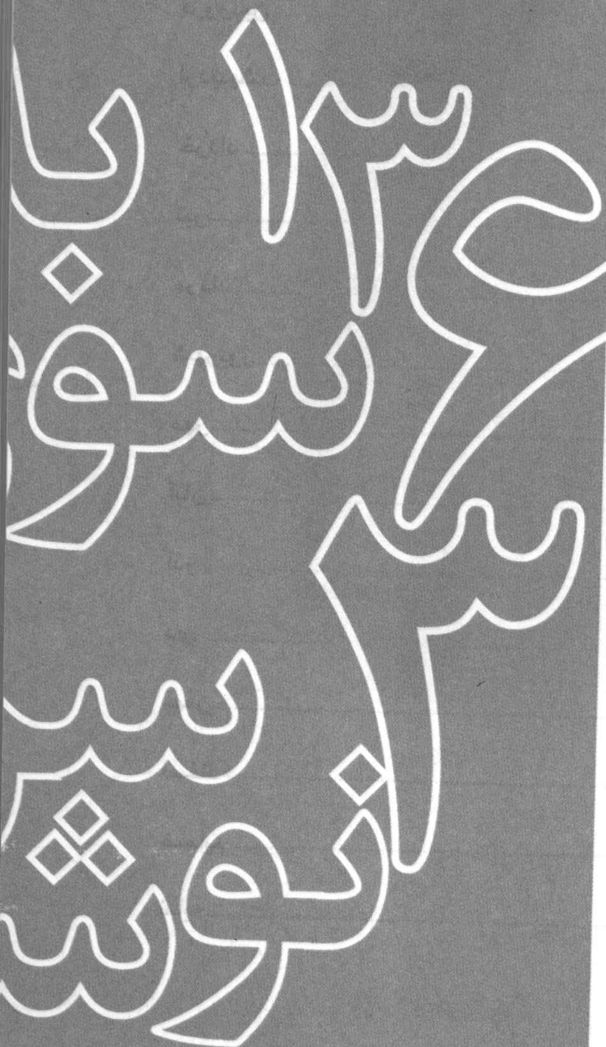


دفتر
نشر معارف انقلاب
۱۳۸۵

به سوی سرنوشت

ISBN 964-7193-11-4

فهرستنویسی براساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه به صورت زیرنویس.
۱- هاشمی رفسنجانی، اکبر ۱۳۱۳- خاطرات.
۲- هاشمی رفسنجانی، اکبر، ۱۳۱۳،
یادداشتها، ۰۳ ایران- تاریخ - جمهوری اسلامی،
۱۳۵۸- خاطرات. الف. هاشمی بهرمانی، محسن، ۱۳۴۰-
ب. عنوان. ج. عنوان: به سوی سرنوشت کارنامه و خاطرات سال ۱۳۶۳.
کارنامه و خاطرات سال ۱۳۶۳.
DSR ۱۶۷۰/ ۵آ۲ه ۹۵۵/۰۸۴۲۹۲
۱۳۸۵
کتابخانه ملی ایران ۴۹۳۹۹- ۸۵ م



هاشمی رفسنجانی
به‌سوی سرنوشت
کارنامه و خاطرات سال ۱۳۶۳

به اهتمام: محسن هاشمی

ویراستار: قادر باستانی
طرح و پردازش: دفتر نشر معارف انقلاب
طراحی جلد و صفحات اول: کارگاه گرافیک سپهر
تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه
چاپ سوم: ۱۳۸۶
قیمت: ۷۰/۰۰۰ ریال

شابک ۴-۱۱-۷۱۹۳-۹۶۴



دفتر نشر معارف انقلاب
تهران-خیابان شهید باهنر، خیابان یاسر، خیابان سوده
کوچه شهید امیدیان تلفن ۲۲۲۸۴۰۰۷ فاکس ۲۲۲۸۵۷۶۰

فهرست مطالب

عنوان | صفحه



八

حرف اول

بسم‌الله الرحمن الرحیم

سال ۶۳ در مقایسه با سال‌های قبل و بعد، دارای ویژگی‌هایی است که هر یک به سهم خود منشاء تحولات است. در این سال نیز جنگ تقریباً همه امور کشور را تحت‌الشعاع داشت و در صدر همهٔ مسائل و مورد همهٔ توجهات بود. امکانات محدودی که داشتیم، در درجه اول به جنگ داده می‌شد. عملاً تحت تحریم بودیم و عمدتاً متکی به امکانات خود و دشمنان تلاش زیادی داشتند که مانع بهره‌گیری از امکانات داخلی‌مان هم بشوند. به چند مسئله مهم کشور در این سال در مقدمه اشاره می‌کنم:

۱- دفاع مقدس

در جبهه‌های جنگ، توجه ویژه به آماده کردن مقدمات برای عملیات سرنوشت ساز متمرکز

بود و آثارش را در سال‌های بعد نشان داد. طبعاً در این دورهٔ زمانیِ آماده شدن، حالت رکود همراه با حوادث مهم چالشی و خطرناک حاکم بود و این اسم می‌تواند شایسته نامگذاری این سال باشد: **به سوی سرنوشت**

بعد از عملیات خیبر در پایانَ سال ۶۲ و اوایل سال ۶۳، وضع کاملاً جدیدی پیش آمد. با تصرف جزایر مجنون و هور هویزه و تصرف موقت ساحل دجله، مشخص شد که نیروهای مسلح ایران، قدرت عبور از استحکامات دشمن و تصرف نقاط حساس عراق را دارند.

به خصوص منطقه هور و جزایر ـ که یکی از حوزه‌های مهم نفت‌خیز عراق است ـ و قطع جاده بغداد و بصره ـ گرچه موقت ـ نشان از آسیب‌پذیری ارتش بعث عراق به حساب آمد و این شاهراه حیاتی عراق در تیررس نیروهای ما قرار گرفت و ناامن شد و عراق برنامهٔ ساخت جادهٔ دیگری در غرب دجله را آغاز کرد.

ابتکارات ناشناخته لجستیک نظامی ایران در عبور از هور و نیزارها و ساخت و نصب پـل مهم و استراتژیک ۱۳ کیلومتری خیبر و وصل جزیره مجنون به خاک ایران ـ آن هم زیر آتش مستقیم دشمن ـ تبلور بخشی دیگر از قدرت صنایع نظامی ایران و پشتیبانی عملیات بود که توجه محافل نظامی و استراتژیک جنگ را متوجه خود کرد.

مطرح شدن عملیات سرنوشت ساز به عنوان راه ختم جنگ و احقاق حـق ایـران و تـنبیه متجاوز، از دید ناظران سیاسی و نظامی جدی گرفته شد و عملی بودن آن را در آن شرایط، دور از انتظار نمی‌دانستند. اگر چه ما رسماً چنین چیزی را مطرح نکرده بودیم اما بحث‌های قرارگاهی، رفته رفته در جامعه شایع شده بود و در همین راستا، راهکار دیگری برای ختم جنگ از سوی بعضی از محافل جهانی مطرح شد و آن تصاحب مخازن نفت آن منطقه از سوی ایران به عنوان غرامت جنگ بود که فقط یک بخش از حقوق ما را تأمین مـی‌کرد و تـنبیه مـتجاوز را تأمـین نمی‌ساخت؛ گرچه این راهکار از سوی عراق و از طرف ما و از جانب قدرت‌های جهانی، جدی گرفته نشد.

***

سیاست دفاعی کشور را پس از بحث‌های فراوان در قرارگاهها و شورای عالی دفاع، به ایـن شکل مشخص کردیم:

۱- نجات ایران و عراق و منطقه از شرّ بعث عراق.
۲- رفع کامل اشغال ایران و تنبیه متجاوز و گرفتن غرامت.
۳- مقابله با فتنه‌انگیزی‌های استکبار در جهت تضعیف انقلاب و حمایت از صدامیان متجاوز.
۴- مقابله با شرارت‌های جنبی دشمن در زدن شهرها و کشتی‌ها و ایجاد ناامنی‌ها و جنایات جنگی، به ویژه کاربرد سلاح شیمیایی.
۵- در بُعد اجرایی، گرفتن نقطه‌های حساس و استراتژیک از عراق به عنوان وسیله‌ای جهت تأمین اهداف دفاع.



مطرح شدن عملیات سرنوشت‌ساز، آثار فراوانی در ایران و عراق و جهان داشت. صدامیان که به شدت متوحش بودند، برای حفظ روحیهٔ نظامیان و مردمشان، در داخل تبلیغات وسیعی به راه انداختند و در طول سال، این تبلیغات ادامه داشت و در صحنهٔ جهانی، ماشین دیپلماسی عراق و کشورهای حامی‌اش، برای جلب امکانات مالی و نظامی و حمایت‌های سیاسی به کار افتاد که یکی از دستاوردهای این تلاش، گرفتن امکانات و چراغ سبز برای شرارت‌ها و جنایات جنگی و نیز تلاش‌های عربی و جهانی برای بستن دست ایران با استفاده از این ناامنی‌ها بود که در تمام دوران سال ادامه داشت و خوانندگان ما، نمونه‌های مهم آن را در این کتاب ملاحظه خواهند کرد که بخش مهمی از تاریخ حوادث سال در منطقه، ایران و عراق است.



اما در ایران آثار آن فضا، ابعاد گوناگونی داشت:

اول، مشکلات فراوانی که از ناحیه آن شرارت‌ها و جنایاتِ جنگی، دامنگیرمان می‌شد. از قبیل آسیب دیدن ده‌ها کشتی حامل نفت و کالا و نیز زدن هواپیماهای مسافربری و هواپیماربایی‌های زیاد با استفاده از ضدانقلاب در ایران، به خصوص منافقان.

ناامن کردن شهرها با زدن موشک‌های دوربرد و بمباران‌های وسیع و گاه شیمیایی که با استفاده از امکانات فراوان قدرت‌های حامی خود به دست می‌آورد و اقدامات ایذایی فراوان

دیگر که نمونه‌های آن را در کتاب می‌بینید.

این شرارت‌ها علاوه بر خسارات مالی فراوان، باعث سلب امنیت راههای هوایی و دریایی و سواحل ایران و بالا رفتن نرخ بیمه‌ها و مخدوش شدن حیثیت نظامی و دفاعی ایران و مجموعاً یک جنگ وسیع روانی علیه مردم و نیروهای مسلح ما و نشان دادن قدرت تهاجمی دشمن در مقابل قدرت نظامی ایران در جبهه و نیز جبران ضعف مفرط نیروهای نظامی عراق در جبهه‌ها به حساب می‌آمد.

دوم، با مشاهده قدرت رزمی رزمندگان در عملیات خیبر و وعدهٔ عملیات سرنوشت‌ساز برای ختم جنگ، توقع مردم و مسؤولان بالا رفته بود و رفته رفته با تأخیرهایی که پیش آمد، این انتظار، فشار فوق‌العاده‌ای روی فرماندهان جنگ وارد می‌ساخت. در حالی که فرماندهان دفاع، مشکلات خاص خود را داشتند. بخشی از این مشکلات عبارت بود از:

۱- آماده نبودن یک طرح عملیاتی مورد قبول ارتش و سپاه، با توجه به سلیقه‌ها و روش‌های متفاوت در این دو بخش نظامی و جمع نبودن امکانات در دست یکی از آنها برای یک عملیات بزرگ. نیروهای رزمنده در یک طرف و تجهیزات مهم نظامی در طرف دیگر بودند. حتی در انتخاب منطقه عملیات هم نمی‌توانستند به توافق برسند، چون با دانش و تجربهٔ متحد و شبیه هم عمل نمی‌کردند. تا زمانی که در خاک خودمان با دشمن اشغالگر می‌جنگیدند، این گونه مشکلات کمتر بروز می‌کرد، اما جنگیدن در خاک دشمن، تفاوت زیادی با دفاع در خاک خودی دارد. دشمن در خاک خود دارای استحکامات نیرومند بود و ارتش عراق در دفاع از خاک خود انگیزه بیشتری از دفاع در خاک ایران داشت.

در یادداشت‌ها ملاحظه خواهید کرد که چه مقدار وقت، صرف بررسی طرح‌های دو طرف و در جا زدن‌ها شده است.

۲- عدم وجود امکانات مالی و تجهیزاتی برای یک عملیات بزرگ در سرزمین دشمن که بایستی فرض طولانی بودن و وسیع بودن را محرز گرفت. گرفتن امکانات از خارج با فضای بین‌المللی که اشاره کردم، بسیار مشکل شده بود و تأمین نیازهای مالی و تدارکاتی داخلی هم با جدی‌تر شدن مشکلات مالی دولت سخت شده بود.

۳- اقدامات اصلی برای عملیاتی از آن نوع در مراحل اول کار، بیشتر بر دوش نیروهای داوطلب بسیجی و مردمی بود که علاوه بر نیاز زمانی برای آموزش و توجیه، به خاطر روشن

نبودن محل و طرح عملیات، منطقی نبود که نیروها آماده و اعزام شوند. معمولاً اینگونه نیروها برای حدود سه ماه می‌توانستند در اختیار جنگ باشند، گرچه در این دوره، شور و اشتیاق برای حضور در جبهه‌ها خیلی بالا بود.

سوم، در این شرایط صحبت‌ها و انتقادها هم اوج گرفته بود و حتی دامن فرماندهی سپاه را چسبیده بود. جواب انتقادها و رفع شبهات، هم مشکل بود و هم وقت‌گیر.

من فرماندهی جنگ را به عهده داشتم. از سوی دیگر ریاست مجلس را هم عهده‌دار بودم و توقعات رزمندگان این بود که به سرعت، نیازهای جبهه را به وفور تأمین کنیم. آنها مشکلات مالی و تدارکاتی و روابط خارجی دولت راکمتر می‌دانستند و افشا کردنی هم نبود و معلوم بود که اگر دولت از تأمین نیازهای ضروری جامعه غافل شود، پشت جبهه، دفاع و انقلاب دچار ضعف خواهد شد و جمع بین این دو نیاز مهم، بسیار مشکل داشت.

***

با این توضیحات فشرده، خوانندگان محترم می‌توانند به عمق مسائل فراوانی که در یادداشت‌های روزانه کتاب می‌بینند، پی ببرند و یکی از عوامل پذیرفتن مسئولیت فرماندهی جنگ از سوی من هم همین مشکلات است.

در مقابله به مثل با شرارت‌ها، دشمن هیچ محدودیت انسانی، شرعی، اخلاقی، سیاسی، جهانی و تدارکاتی نداشت و ما در همه این زمینه‌ها محدودیت داشتیم. برای زدن یک شهر یا یک کشتی و ... خیلی چیزها را باید مراعات می‌کردیم. نمی‌توانستیم مردم عراق را به جرم جنایت بعثی‌ها کیفر بدهیم. آنها را همراه انقلاب اسلامی‌مان می‌دیدیم؛ حتی بسیاری از نظامی‌های آنان در دوران اسارت، این حقیقت را ثابت کردند و همان‌ها، امروز سرمایه مردم عراق در مقابل شرارت‌های شورشیان و اشغالگرانند.

البته این شرارت باعث شد که ما به فکر تهیه امکانات برای این نوع از تجاوزات برآییم که یکی از آنها، جدی گرفتن تهیه موشک‌های دوربرد است که در دو فاز شروع شد:

۱- تهیه موشک از خارج که در این بخش تا حدودی موفق شدیم و در اینجا باید از کشور لیبی و شخص آقای معمّر قذافی قدردانی داشته باشیم.

۲- در ساخت موشک، کار را از صفر شروع کردیم و به سرعت پیش رفتیم. اواخر دوران

دفاع موفق به بهره‌برداری، هم از موشک‌های میان برد با طراحی و ساخت داخلی شدیم و هم موشک استراتژیک شبیه تاو ـ که در میدان جنگ زرهی بسیار کارساز است ـ و در ادامه کـار، امروز کشورمان به فضل الهی، یک صنعت مستقل موشک‌سازی از همه نوع آن دارد.

اینها و عوامل دیگر باعث شد که تا آخر سال، نیروهای مسلح ما نتوانند عملیات مورد انتظار را انجام دهند و وقتی هم که عملیات بدر انجام شد، اهداف مورد نظر را تأمین نکرد، اما ایـن مقدمات و این تجارب، ما را برای عملیات بزرگ و مهم دیگری آماده کرد که نمونه‌های مهمتر آنها در عملیات فاو، شلمچه، حلبچه، والفجر ۸، کربلای ۵ و ... تجلی دارد. البته در این دورهٔ رکود، چند عملیات کوچک و متوسط در جبهه‌ها انجام شد از قبیل ظفرها و عاشوراها که جنگ از نفس نیفتد.

۲ـ مجلس

انتخابات دوره دوم مجلس، باعث التهاب‌های سیاسی زیادی در کشور شد و لرزه‌ها و پس لرزه‌های آن، تقریباً تمام سال را تحت تأثیر گرفته بود.

اختلافات جناحی و فردی و منطقه‌ای در تبلیغات انتخابات مجلس، میان نیروهای وفادار به انقلاب بروز کرد و به خاطر کمی تجربه دمکراسی، آثار عمیقی به جای گذاشت. این اختلافات یکپارچگی مورد نیاز دوران جنگ را مخدوش کرد و بسیار وقت‌گیر بود. مـتأسفانه هـنوز هـم انتخابات‌های ما این خسارات را به بار می‌آورد و بدتر هم شده است.

من، هم در کانون جنگ و هم در کانون مجلس بودم و انبوه مراجعات، توقعات و شکایات، خسته کننده بود و عملاً سنگ صبور این گرفتاری‌ها بودم. ناگفته پیداست که در اینگونه موارد، کار زیادی هم نمی‌شود کرد و چون در حزب جمهوری اسلامی و روحانیت مبارز ـ که دو مرکز تأثیرگذار در انتخابات بودند ـ عضو بودم، توقعات را به حق از من بیشتر می‌کرد. آقای زرهانی نماینده دزفول در توصیف فضای انتخاباتی، شعری طنزگونه سروده بودند که خواندن آن بخشی از واقعیت‌های آن زمان را نشان می‌دهد.[1]

در این کتاب بسیاری از واقعیت‌های تاریخی موجود با اشاره فشـرده و فـهرست‌وار دیـده

---

۱ ـ بخشی از این شعر بلند، در پایان کتاب در قسمت ضمائم آمده است.

می‌شود.

***

یکی از مشکلات نظام در این دوره، هنوز اختلاف نظر شورای نگهبان و مجلس و دولت در مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بود که در چالش‌های بین مجلس و شورای نگهبان در مصوبات بروز می‌کرد. یکی از موارد مهم آن مسأله مالیات بود که بخشی از جناح راست آن را مخالف احکام اولیه می‌دانست و استفاده از آن را در حد ضرورت و حکم ثانوی و موقتی قبول داشت و طرف دیگر آن را حکم اولی و رکن مهم در اداره کشور و اقتصاد سالم می‌دید.

در این میدان، اظهارات سخنگوی شورای نگهبان و ... از یک طرف و اظهارات دولت و بخشی از مجلسی‌ها از سوی دیگر و نامه مهمی که در این خصوص، اینجانب به امام(ره) نوشته‌ام و از ایشان درخواست کرده‌ام که به عنوان وظیفه رهبری و مرجعیت، این مشکل نظام و کشور را مورد بررسی قرار دهند و چاره‌ای بفرمایند و در مقدمه نامه، آن را به حق تاریخی توصیف کرده‌ام، قابل ذکر است.[1]

۳ـ حزب جمهوری اسلامی ایران

در همان هفته اول پس از پیروزی انقلاب، ضرورت وجود حزب نیرومند برای اداره کشور محسوس شد و تا آن زمان، امام اجازه تأسیس حزب را علی‌رغم درخواست‌های مکرر دوستان ما نداده بودند.

در یک ملاقات تاریخی، موفق شدم موافقت امام را به تأسیس حزب جلب کنم و بلافاصله با همکاری و تلاش همه جانبه آیات خامنه‌ای، بهشتی، موسوی اردبیلی و باهنر به عنوان هیأت مؤسسین حزب، کار را آغاز کردیم و چون در گذشته، مقدمات کار آماده شده بود و فقط منتظر چراغ سبز رهبر و بنیان‌گذار انقلاب بودیم، توانستیم یک هفته پس از پیروزی انقلاب در تاریخ ۱۳۵۷/۱۱/۲۸ تأسیس حزب جمهوری اسلامی را اعلان کنیم.

امت اسلامی‌مان که با دیدن تحرکات مزاحم ده‌ها حزب و گروه دیگر، عطش و اشتیاق زیادی

---

۱ ـ متن کامل این نامه در بخش ضمایم همین کتاب چاپ شده است.

برای تشکیلاتِ مورد اعتماد سیاسی ـ مذهبی از متن انقلاب داشتند، با وسعت و گرمی استقبال کردند و در سراسر کشور، نام نویسی و تأسیس دفاتر و ... آغاز شد و این ابتکار، موج عظیمی را در سطح داخلی و خارجی به وجود آورد و بازتاب‌های گوناگونی داشت.

یکی از شخصیت‌های سیاسی سَابقه‌دار و صاحب‌نظر، در یک مذاکره تلفنی به من تبریک گفت و تأکید کرد، اگر بتوانید این کار را خوب اداره کنید، از اصل انقلاب مهمتر است. شاید همین رشد بالاتر از بادکنکی، از عوامل ناکامی‌های سال‌های بعد باشد.



مایل بودیم که از همه سلیقه‌ها در حزب حضور داشته باشند و به همین دلیل در شورای مرکزی و مدیریت واحدها از سلیقه‌های راست، چپ، تندرو، محافظه‌کار، معتدل، اصناف و بخش‌های جامعه استفاده شد. احتمالاً این هم یکی دیگر از عوامل درگیری‌ها و ناسازگاری‌های بعدی است. معمولاً احزاب دنیا، چنین جامعیتی را نمی‌خواهند و شاید با اهداف تحزب هم ناسازگار باشد.

در سال ۶۳ تحت تأثیر انتخابات مجلس دوم، این ناسازگاری‌ها آثار خود را نشان داد و تلاطمی نفس‌گیر و مخرب در مراکز تصمیم‌گیری ـ منجمله در شورای مرکزی حزب ـ به وجود آمد. سه گروه چپ و راست و میانه، درگیر مشاجرات بی‌پایان شدند و جلسات بررسی و رسیدگی نتیجه بخش نبود و بخشی از این اختلافات به سمع امام هم می‌رسید و ایشان را هم نگران می‌کرد. اسناد قابل توجهی از آن بحث‌ها وجود دارد که بجاست برای غنای تاریخ و انتقال تجربه منتشر شود. نامه‌هایی از جریان رادیکال به آیت‌الله خامنه‌ای ـ که آن روز دبیر کل حزب بودند ـ و من داده شده که بخشی از واقعیت را نشان می‌دهد.[1]



در انتخابات مجلس دوم، رخنه‌های دیگری هم در حزب به وجود آمد که آثار تخریبی آن، شاید بیش از اولی باشد. معلوم است که حزب در نامزد کردن داوطلبان نمی‌توانست به همه

۱ ـ متن کامل نامه پنج تن از اعضای شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی به دبیر کل در بخش ضمایم این کتاب به چاپ رسیده است.

توقعات، جواب مساعد بدهد و بسیاری از افراد لایق یا مدعی لیاقت، پشت در ماندند و این گزینش‌ها، رنگ و لعاب جناحی و باندی هم گرفته بود و نارضایتی‌های وسیعی را در سطح کشور به وجود آورد. نبود آموزش، تربیت، انضباط، تجربه، تعهد حزبی و کار تشکیلاتی هم کار را سخت‌تر کرد و حتی کنگره حزب در معرض خطر قرار گرفت و بعضی اعلان عدم حضور در کنگره کردند.



سرانجام ضربه کاری را نگرانی امام از اختلاف، انحصار و انحراف به حزب وارد کرد و ایشان پس از بی‌اثر دیدن نصایح مشفقانه، شروع به تراشیدن حزب کردند. ابتدا ائمه جمعه را از عضویت در حزب ممنوع کردند؛ البته من و آیت‌الله خامنه‌ای را مستثنی نمودند. شاید به خاطر نگرانی از نفوذ این عوامل و فرقه‌بازی در تریبون‌های نماز جمعه ـ که باید فراجناحی باشند ـ و حزب هم قرار بود فراجناحی عمل کند که نکرد.

در مرحله دوم، افراد بسیج را از عضویت در حزب منع فرمودند که عملاً بخش مهمی از بدنه حزب را لاغر می‌کرد و جدایی این دو بخش کیفی و ارزشی، کارایی و اعتبار حزب را کاهش می‌داد.

چون اخطارها و اقدامات عملی را هم در رفع اختلافات و چالش ـ که در مجلس و دولت هم دیده می‌شد ـ مشکل گشا ندیدند، به فکر انحلال حزب افتادند و در این مراحل حرکت امام، مرحوم حاج احمدآقا معمولاً مستقیم یا از طریق خود من، مسائل را برای چاره‌جویی به حزب منتقل می‌کردند، که چاره هم نشد.

بالاخره با ارزیابی موقعیت حزب در جامعه، هیأت مؤسس و شورای مرکزی با بحث‌های طولانی به این نتیجه رسیدند که به جای انحلال، فتیله حزب را پایین بیاورند و موجودیت حزب محفوظ باشد که شاید در آینده در شرایطی دیگر به کار آید.

آیت‌الله خامنه‌ای و من در این خصوص در جلسه‌ای با امام مذاکره کردیم و امام هم همین را به مصلحت دانستند و پس از آن، ما پایین کشیدن فتیله و خاموشی مشعل حزب را با اظهار امید به تجدید شعله حزب اعلان داشتیم و متأسفانه هنوز هم، شرایط تجدید حیات حزب به وجود نیامده و بسیاری از امکانات حزب هم تحت نظر دبیر کل حزب، به جاهای مناسب دیگر واگذار

شده و بخشی دیگر منجمله اسناد مهمی هم وجود دارد.

به امید عاقبت به خیری این نهاد ارزشمند که در چند سال اول تأسیس، نقش بی‌بدیلی در نجات انقلاب از دست نااهلان و برگزاری انتخابات‌های مؤثر در سرنوشت انقلاب ایفا کرد.

در مقدمه وارد جزییات این قطعه مهم تاریخ نمی‌شوم و خوانندگان، ضمن مطالعهٔ خاطرات، چیزهای زیادی ـ بیش از آنچه در این سطور اشاره کردم ـ به دست می‌آورند.

۴ـ دولت

ترکش تنازعات خطی و جناحی، دولت را تحت فشار داشت. انتقادات فراوانی به سیاست تمرکزگرایی و دولتی کردن دولت بود که در مسائل مالیات، بازرگانی، انتخابات و موارد دیگر خود را نشان می‌داد و درون دولت هم قبلاً همین اختلاف نظرها بود.

اقدام نخست وزیر به گرفتن رأی اعتماد ـ به گونه متفاوت از رسم جاری ـ و مشکل تعیین چند وزیر هم مدتی طولانی، وقت‌گیر و مشکل آفرین بود.

در این میدان، تنش‌ها دارای بروزات در سطح جامعه بود و گاهی نگرانی‌آور؛ به خصوص تحت تأثیر ترکیب مجلس دوم. پادزهر این سموم، انفاس مقدس امام راحل بود که گاه گاهی با عصای معجزه‌آسای نصیحت یا نهیب، سطح برونی را آرام می‌کردند؛ اما درون وضع دیگری داشت. در این میان در سخنرانی‌های امام، انتقادهایی هم از مسئولان و مشکلات کشور وجود داشت که موارد آن در دستگاه اجرایی بیشتر بود و از همین رهگذر، تحلیل‌ها برای بهره‌گیری از گفته‌های علیه دولت با طرف مقابل، بخشی از چالش‌های جاری و مداوم آن سال بود و نمونه بارز آن خطبه جمعه تاریخ ۱۳۶۳/۶/۱۶ من و عکس‌العمل جناح مقابل دولت است که مکاتبات مهمی به دنبال داشت.[1]

۵ـ سیاست خارجی

نگرانی استکبار از شکست مقاومت بعث عراق و پیروزی ایران، باعث شیطنت‌های فراوان و مزاحمت‌های زیاد قدرت‌های استکباری و ارتجاع منطقه و صهیونیسم در این سال علیه ایران

۱ ـ متن کامل نامه اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و پاسخ آقای هاشمی رفسنجانی در بخش ضمایم این کتاب به چاپ رسیده است.

بود. علاوه بر دادن تجهیزات پیشرفته و چراغ سبز به عراق، برای شرارت و ارتکاب جنایات جنگی علیه ایران، موارد مهم دیگری هم بروز کرد:

۱- تحریک و مساعدت تروریست‌ها، به خصوص منافقین و سلطنت‌طلبان به عملیات تروریستی و ربودن هواپیماها که ناامنی زیادی برای هوانوردی ایران داشت و برای خنثی کردن آن مجبور به گماردن گاردهای حفاظت در پروازها شدیم. با این تدبیر که برای کشور، هزینه‌های مالی و انسانی و حیثیتی داشت، موفق به تأمین نسبی امنیت پروازها شدیم که هنوز هم ادامه دارد.

۲- متهم کردن ایران به هواپیماربایی در مواردی که عملیات مشکوکی در آن فضای آلوده رخ می‌داد و هواپیمای ربوده شده‌ای به ایران یا لبنان برده می‌شد؛ علی‌رغم اینکه ایران در حل مشکل با اهداف انسانی کمک می‌کرد. این تهمت‌های ناروا برای کم کردن فشار از روی تروریست‌های عامل استکبار و خودشان بود.

۳- تهدید به دخالت نظامی در منطقه به بهانه ناامنی خطوط کشتیرانی و انتقال نفت که خود معلول شرارت‌های برنامه‌ریزی شده خودشان و به دست صدام بود و استناد به مواردی از عملیات مقابله به مثل که در حد ضروری و بازدارندگی از سوی نیروهای ما انجام می‌شد.

با اینکه مشخص بود ارتش عراق با استفاده از تجهیزات پیشرفته آنها و اطلاعات واگذاری و بهره‌گیری از امکانات موجود در سواحل جنوبی خلیج فارس شرارت می‌کرد و می‌دانستند که اگر ایران سیاست ناامن کردن این آبره را داشت، با حضور چشمگیر و بی‌رقیب خود در سراسر خلیج فارس و تنگه هرمز و دریای عمان به آسانی از عهده انجام آن برمی‌آمد.

معلوم بود که ایران به خاطر نیاز شدید به درآمد نفت و وابستگی به کشتیرانی امن در این آبراه، با قاطعیت پاسدار امنیت منطقه است و مواردی از مقابله به مثل هم در مسیر سیاست حفظ امنیت خلیج فارس بود. در همین راستا، ایران آتش بس پیشنهادی ژاپن در دریا و سپس سازمان ملل در مورد حمله به اهداف غیر نظامی را پذیرفت.

۴- تحریک کشورهای همسایه و منطقه برای ایجاد مزاحمت علیه ایران که نمونه بارز آن درگیری هواپیماهای نظامی عربستان با هواپیماهای نظامی ایران بود که برفراز خلیج فارس در حال مأموریت بودند و سقوط یک فروند هواپیمای ایران و اسارت یک خلبان به وقوع پیوست.

اگر چه این حادثه ـ که می‌توانست منشاء حوادث مهمی شود ـ با خویشتن‌داری ایران و

دیپلماسی موثر ما خاتمه یافت. شاه عربستان برای تلطیف فضای بحرانی، از من برای زیارت حج، دعوت به عمل آورد که خود آن هم، مدتی محور اظهارات مثبت و منفی در داخل و خارج بود.

نمونه‌های دیگر آن، فشار بر ترکیه و بعضی کشورهای دیگر بود در جهت محدودتر و تنگ‌تر کردن این مسیرها که عملاً فشارهایی بر اقتصاد و زندگی و بازرگانی ما بود، که راه عبور و ترانزیت کالا برای ما بودند.

به طور کلی از این سال تا آخر جنگ، سیاست حامیان صدام، تضعیف منابع مالی ایران به منظور ایجاد اشکال در لجستیک و تدارکات و نیازهای جنگ و اداره کشور بود که از رهگذر مضیقه‌های اقتصادی، مجبور به کوتاه آمدن در جنگ شویم و بالاخره هم این سیاست و اعمال فشار در تصمیمات نهایی ایران بی‌تأثیر نبود.

۵- در همین جهت، در دریای سرخ در این سال حوادثی رخ داد که دستمایه‌ای برای جنگ روانی علیه ما و زمینه‌ای برای فشار بیشتر و حتی دخالت نظامی استکبار شد. در زمان محدودی در اثر انفجار چند مین یا حملات قایق‌های ناشناس، چند انفجار در دریای سرخ رخ داد و بوق‌های تبلیغاتی غرب، انگشت اتهام را به سوی ایران اشاره کردند؛ شبیه همان وضع در هواپیماربایی‌ها و انفجارات لبنان. موج تبلیغات زمانی آرام شد که شواهدی بر دست داشتن اسراییل و یا سازمان سیا در آن انفجارها به دست آمد.

۶- ضربات کاری که مجاهدان لبنانی در بیروت بر پیکر اشغالگران لبنان وارد کردند از قبیل انفجار سفارتخانه و مراکز استقرار نظامیان اشغالگر، یکی دیگر از بهانه‌های فشار و تهدید علیه ایران اسلامی شده و بروزات زیادی در خاطرات این سال دارد.

۷- از اقدامات نشاندار و سئوال برانگیز آمریکا در جهت حمایت از عراق و خروج از بی‌طرفی ادعایی، پذیرش خروج صدامیان از جرگه حامیان تروریسم است. این گونه اتهام‌ها از راهکارهای شناخته شده آمریکا برای فشار بر مخالفان خود در تاریخ جدید بوده و هست و معمولاً با حربه حقوق بشر و تروریسم و امثال اینها، کشورها و جریانات موافق یا مخالف خود را تنبیه و یا تشویق می‌کند و به خاطر بی‌ضابطگی و گزینشی عمل کردن، این حربه‌ها در سطح جهان کند شده، ولی قدرت‌های غربی، به خصوص آمریکا حاضر نیستند از این حربه زنگ زده و نخ نما دست بردارند و اگر بتوانند در تصمیمات نهادهای بین‌المللی هم از آن بهره‌گیری می‌کنند.

بی‌پروایی را در استفاده از این عناوین به جایی رسانده‌اند که با این همه ترور و وحشت‌آفرینی بعث عراق و استفاده گستاخانه از منافقین در ترورها و هواپیماربایی‌ها و ترور و کشتار وسیع مخالفان صدام در داخل عراق، جایزه خروج عراق از زمره حامیان تروریسم به صدام داده می‌شود و ایران مظلوم و قربانی بزرگ تروریسم، متهم به حمایت از تروریسم می‌شود.

۸- سوء استفاده اسرائیل و آمریکا از مسائل جنگ و شرارت‌ها به حدی رسید که دامن فلسطینی‌ها را هم گرفت و در ارتباط با مسائل لبنان و حوادث دیگر، بهره‌گیری زیادی به نفع اسرائیل و علیه مردم فلسطین شد.

کار این سوء استفاده‌ها به جایی رسید که سازمان فتح و شخص عرفات به فکر چارهٔ جدید و پاک کردن دامن خود از آلودگی‌های بعث عراق و ارتجاع عرب افتادند و در این رهگذر مرحوم یاسر عرفات، یک نامه تاریخی با پیک ویژه برای اینجانب فرستاد که در آن افشاگری‌هایی علیه بعث عراق و بعضی از قدرت‌های عربی منطقه دارد و برای نجات ایران و منطقه پیشنهادهایی دارد که به خاطر اینکه پیشنهاد پذیرش آتش‌بس به تلاش در جهت نجات صدام تفسیر شد، مورد قبول ایران قرار نگرفت. متن آن سند، تاریخی است، به خصوص اظهارات پیک ویژه به عنوان تکمیل متن نامه که شفاهاً ابلاغ شد و جواب من.[1]

***

در خاطرات به مسائل مهم فراوانی برخورد می‌کنید که مختصر یا مفصل مطرح شده که لازم نیست به همه آنها در مقدمه اشاره شود، به جز در چند مورد مهمتر از قبیل:

۱- واگذاری حقوق و وظایف هیأت موسس دانشگاه آزاد اسلامی و بنیاد تاریخ به من به خاطر اینکه در اثر وجود مسائل فراوان در جلسات سران کشور، معمولاً به این مسائل نمی‌رسیدیم و امور آنها را دچار رکود و تأخیر می‌کرد و مقرر شد که من به تنهایی تصمیم‌گیری کنم و عقب‌ماندگی‌ها را جبران نمایم.

۲- بحث‌های مربوط به صداوسیما بسیار وقت‌گیر بود. معمولاً روزهای شنبه که مجلس

۱ـ این نامه در بخش ضمایم کتاب به چاپ رسیده است.

جلسه نداشت، جلسات شورا[ی سیاستگزاری سازمان صداوسیما] در منزل خود من تشکیل می‌شد و من به عنوان رئیس شورای سرپرستی، وقت زیادی به آن اختصاص می‌دادم و از ارتباط آسانم با امام، برای حل مشکلاتی که از ناحیه نامشخص بودن سیاست‌های ارزشی، فرهنگی و سیاسی و توقعات قوا و جریان‌ها و نهادها استفاده می‌شد و نیز موارد مربوط به سران قوا را در جلسه سران حل می‌کردیم. گاهی هم اعضای شورا در جلسات سران قوا شرکت می‌کردند و به خاطر شکل نگرفتن سیاست و چارچوب‌های رسانه ملی در انقلاب، نیاز به مراقبت و نظارت وسیع و شدید بود و به موارد بسیاری در این کتاب برمی‌خورید.

۱- اختلافات سپاه با دادستان انقلاب و نیز با وزارت تازه تأسیس اطلاعات هم بسیار وقت‌گیر بود. چون مسئولیت دخالت‌های زیادی در هر دو مورد داشت و حدود و ثغور آن مشخص نشده بود، به خصوص اطلاعات که تداخل زیادی از جهت اطلاعات نظامی و غیر نظامی و موارد مشترک داشت. اختلافات بخشی از نیروهای خود سپاه با فرماندهی آن هم مشکلاتی برای جنگ و صرف وقت و انرژی زیاد داشت.

حرف آخر

خاطرات و کارنامه سال ۱۳۶۲ با عنوان «آرامش و چالش» چهار سال پیش انتشار یافت و مورد استقبال قرار گرفت و اکنون همانند کتاب‌های «دوران مبارزه»، «عبور از بحران» و «پس از بحران» نایاب است و برنامه‌ای برای چاپ مجدد این کتاب‌ها در دفتر نشر معارف انقلاب با همکاری سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران جریان دارد.

علت اینکه بعد از گذشت چهار سال، خاطرات و کارنامه سال ۱۳۶۳ به خوانندگان فهیم عرضه می‌شود، دغدغه خاطری بود که از عدم تدوین و انتشار خاطرات مربوط به سال‌های ۱۳۵۷، ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ داشتم.

اگر خوانندگان با مجموعه خاطرات اینجانب آشنا باشند، می‌دانند که خاطراتم تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در مجموعه دو جلدی «دوران مبارزه» با استفاده از حجم انبوه اسناد و مدارکی که از فعالیت‌های من در ساواک موجود بود، آورده شده و کارنامه و خاطرات سال‌های ۱۳۶۰، ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲ نیز به استناد مطالبی که از حوادث مهم داخلی و خارجی به صورت روزنوشت در صفحه‌ای از تقویم متعلق به همان روز نوشته‌ام، پس از تنظیم نهایی منتشر شده

است.

اما در این میان، علی‌رغم اهمیت فوق‌العاده سال‌های آغازین انقلاب به جهت اینکه یادداشت‌های منظمی از حوادث و رویدادهای آن سال‌ها نداشتم و بعدها نیز فرصتی برای تنظیم خاطرات این دوره به دست نیاورده بودم، خاطراتم تدوین و انتشار نیافته بود.

خدای را شکر می‌کنم که به من این توفیق را داد که در حیات خود شاهد آماده شدن، تنظیم و انتشار خاطرات مربوط به این سال‌ها در قالب کتاب‌های «انقلاب و پیروزی» و «انقلاب در بحران» باشم. بنابراین حاصل وقفه برای ادامه انتشار کارنامه و یادداشت‌های روزنوشت، تکمیل خاطرات بوده است و اکنون انتشار کتاب‌ها به شکل کامل و توالی تاریخی به تدریج انجام خواهد شد.

همان‌گونه که در کتاب‌های قبلی نیز یادآور شده‌ام، تقریباً تمام یادداشت‌ها به همان گونه که در آن زمان نوشته شده، چاپ و منتشر می‌شود و اصلاح و تغییر و حذف و تکمیل، جزیی و محدود به اصلاح‌های لفظی و ادبی و ویراستاری است.

همچنین در مواردی برای حفظ آبروی اشخاص یا حفظ اسراری که هنوز زمان افشای آن مناسب نیست و یا توضیحات مطالب مبهم برای امروزی‌ها که در گذشته روشن بوده و چیزهای دیگری در این حدود، اصلاحات جزیی شده است.

امیدوارم دفتر نشر معارف انقلاب بتواند از این به بعد هر سال خاطرات و کارنامه یکساله اینجانب را به همراه سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها، پیام‌ها، خطبه‌های جمعه و نطق‌های پیش از دستور در اختیار علاقه‌مندان به تاریخ انقلاب و کشور بگذارد و مطمئنم که سلسله نشریات می‌تواند مرجع مطمئنی برای پژوهشگران تاریخ انقلاب باشد.

اکبر هاشمی رفسنجانی

۱۳۸۵/۵/۱

یادداشت ناشر

بسم‌الله الرحمن الرحیم

خدای بزرگ را سپاسگزاریم که به ما توفیق داد تا صفحه دیگری بر تاریخ انقلاب شکوهمند اسلامی بیفزائیم. کتاب «به سوی سرنوشت؛ کارنامه و خاطرات سال ۱۳۶۳» در ادامه کتابهای دوران مبارزه، انقلاب و پیروزی، انقلاب در بحران، عبور از بحران، پس از بحران و آرامش و چالش، خدمت خوانندگان فهیم و ارجمند تقدیم می‌شود.

در این کتاب با توجه به نقش حساس و تعیین کننده نویسنده، نکات بسیار مهم و ناگفته‌ای بیان شده است که پژوهشگران و مورخان را در تدوین تاریخ معاصر ایران، انقلاب و جنگ یاری خواهد کرد. در سال ۱۳۶۳ آیت‌الله هاشمی رفسنجانی علاوه بر فرماندهی جنگ، ریاست مجلس شورای اسلامی و نمایندگی حضرت امام(ره) در شورای عالی دفاع را عهده‌دار بوده و عملاً در تصمیم‌گیریهای مربوط به سیاستهای کلان کشور، نقش برجسته داشتند.

به همین دلیل مطالبی که به قلم ایشان در آن روزها نوشته شده علاوه بر اهمیت روایی و سندی، نشان دهنده بخشی از تفکر، روحیه و عمل مسئولان کشور در آن سالها است. مطمئناً این دست نوشته‌ها در تدوین واقعیت‌های تاریخ انقلاب اسلامی نقش ارزنده و مفید خواهد داشت.

دفتر نشر معارف انقلاب در طول بیش از یک دهه فعالیت مستمر در زمینه گردآوری، آماده‌سازی و انتشار آثار مربوط به تاریخ انقلاب اسلامی، توانسته است ۲۵ عنوان کتاب را روانه بازار کتاب نماید. ضمن اینکه به همین تعداد کتاب را آماده انتشار دارد. این کتابها در زمینه

کـتاب‌شناسی هـاشمی رفسـنجانی و مـجموعه‌های جـنبی خـاطرات شـامل مـصاحبه‌ها، سخنرانی‌ها، پیامها، نطق‌های پیش از دستور و خطبه‌های نماز جمعه می‌باشد. همچنین کتابهای دیگری نیز دربارهٔ مسایل مربوط به آیت‌الله هاشمی رفسنجانی تهیه و تدوین شـده است کـه دفترنشرمعارف انقلاب به چاپ و نشر این کتب کـمک کـرده است. مـانند کـتابهای انـصراف، نقدناتمام، کارنامه مجمع تشخیص مصلحت نظام، فلسطین و انتفاضه و ... .

استقبال روز افزون پژوهشگران، مورخان و علاقمندان به نشر فرهنگ انقلاب اسلامی به ما دلگرمی و انگیزه مضاعف می‌دهد که تلاش خود را افزون‌تر کنیم و به حول و قوه الهی از این پس، عرضه کتابهای جدید سرعت بیشتری به خود خواهد گرفت.

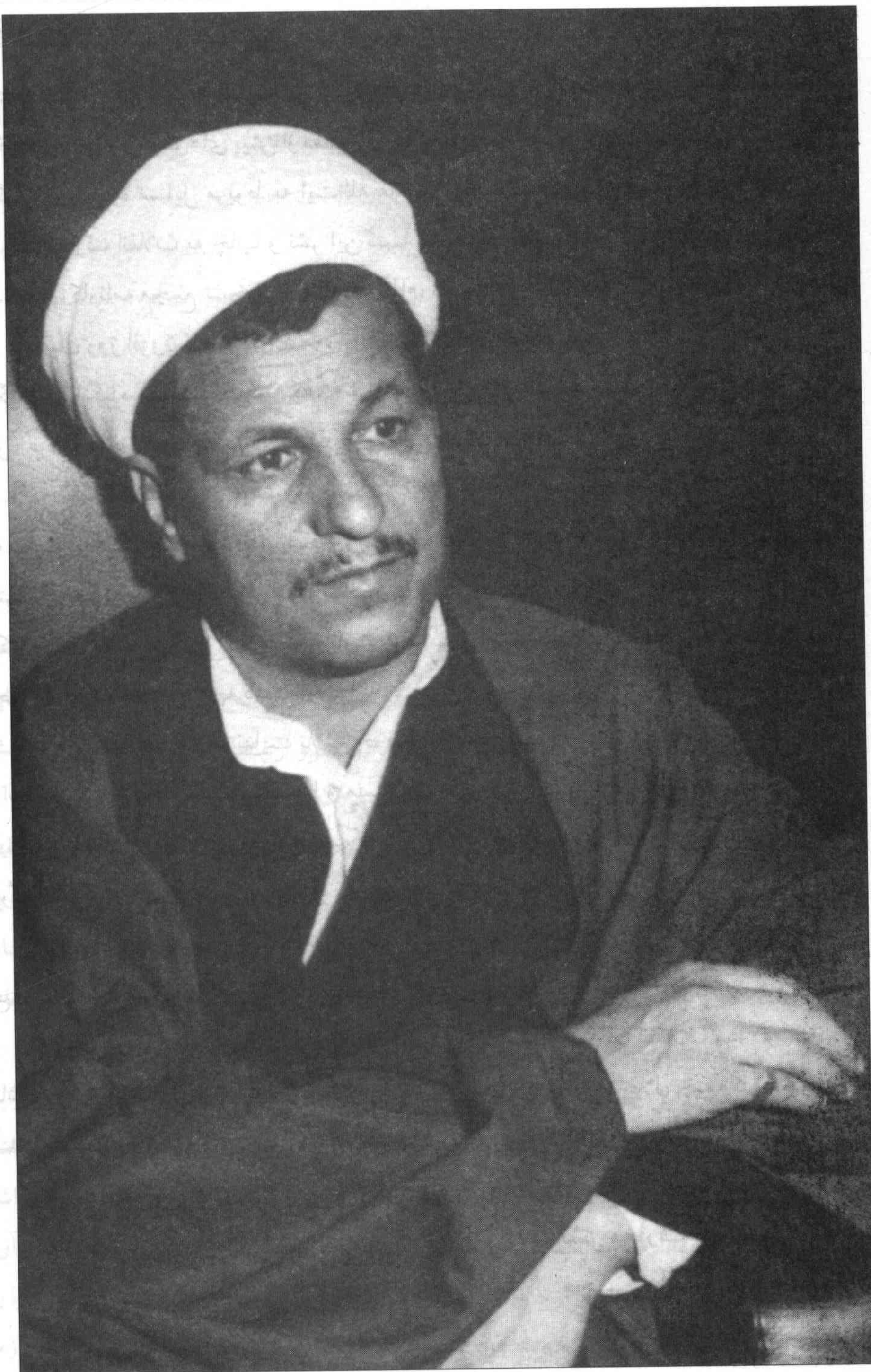
اکنون تعداد ۲۵ جلد خاطرات روز نوشت (۱۳۶۰ تا ۱۳۸۵) در دست ماست که با این کتاب که پیش رو دارید، چهار جلد انتشار یافته و ۲۱ جلد دیگر در برنامه آماده‌سازی و انتشار قرار دارد. دفتر نشر معارف انقلاب امیدوار است با حمایت بیشتر نهادهای فرهنگی از جمله سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسـلامی، تـوفیق عـرضه سـریع مجلدات را به شما عزیزان به دست آورد.

دفتر نشر معارف انقلاب نهایت تلاش خود را به کار می‌گیرد تا متونی صحیح، پاکیزه و روان با اسناد دست اول و عکسها، نقشه‌ها و مستندات تاریخی را انتشار دهد. در این مسیر نیازمند یاری هموطنان فرهیخته و بزرگوار هستیم که با ارسال عکس، سند و نامه‌های تاریخی در این کار بزرگ فرهنگی سهیم باشند.

ازدرگاه خداوند سبحان مسئلت می‌نمائیم توفیقات خود را بر ما ارزانی دارد تا بتوانـیم در خدمت فرهنگ ایران اسلامی باشیم و سهم خود را در انجام وظایف تاریخی به خوبی اداء کنیم.

در پایان لازم می‌دانم از تلاشهای هـمکارانـم در دفـتر نشـر مـعارف انـقلاب سـرکار خـانم کاشانی‌زاده، جناب آقایان سید علی نقی موسوی، داریوش باریکانی، جلال خیمه‌کبود، مجید اسدی، مسعود هاشمی و ویراستار مجموعه جناب آقای قادر باستانی قدردانی و تشکر کنم.

دفترنشر معارف انقلاب
محسن هاشمی
زمستان ۱۳۸۵



اکبر هاشمی رفسنجانی - ۱۳۶۳

فروردین ماه ۱۳۶۳



چهارشنبه ۱ فروردین ۱۳۶۳ ۱۷ جمادی‌الثانی ۱۴۰۴ 21. March.1984.

در منزل تنها بودم. عفت و بچه‌ها به رفسنجان رفته‌اند. فائزه هم به منزل خودش رفته است. بعد از نماز صبح، به کارهای عقب مانده پرداختم.

از آقایان [میرحسین موسوی] نخست وزیر و [آیت‌الله موسوی اردبیلی] رئیس دیوان‌عالی کشور[۱] و [آیت‌الله خامنه‌ای] رئیس جمهور، تلفنی دعوت کردم که شب برای صرف شام به منزل ما بیایند؛ احمد آقا هم در تهران نبود.

فرماندهان ارتش، می‌خواستند برای عید دیدنی بیایند؛ گفتم برنامه دیدار برای آنها تنظیم می‌کنم. آقایان [سیدمحمد موسوی] خوئینی‌ها و [مصطفی] کفاش‌زاده آمدند. آقای خوئینی‌ها[۲] از برنامه حج آینده گفت و اینکه اعلام کرده‌ایم، یکصدو پنجاه هزار نفر را به حج می‌بریم و عربستان سعودی پذیرفته است. امّا شرکت هواپیمائی هما می‌گوید، احتیاج به چهار هواپیمایِ بزرگ دیگر دارد که مشکل می‌شود برای آن زمان، تهیه کرد؛ چه اجاره و چه خرید. گفتم باید قاطعانه خواست که اجرا شود و اگر هواپیما به دست نیامد، برنامه پروازهای عادی را تغییر بدهند. راجع به جنگ هم بحث شد. ایشان گفت، شایعه شهدای فراوان در جنگ، هنوز هم در میان مردم قوت دارد و تبلیغات دشمنان[۳] و سم‌پاشی ضدانقلاب، اثر خود را کرده است.

۱- پیش از بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸، رئیس دیوان عالی کشور، ریاست قوه قضائیه را برعهده داشت. در بازنگری قانون اساسی، این دو پست از هم تفکیک شدند.

۲- آقای سید محمد موسوی خوئینی‌ها در آن سال، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، نایب رئیس دوم مجلس و نماینده حضرت امام خمینی(ره) و سرپرست حجاج ایرانی بود.

۳- در آن سال‌ها، مطبوعات غربی، تبلیغات زهرآگین و هدفمندی را علیه جمهوری نوپای اسلامی دنبال می‌کردند. مجله نیوزویک چاپ ایالات متحده آمریکا در یک دروغپردازی آشکار در شماره ۱۲ مارس ۱۹۸۴ (۲۲ اسفند ۱۳۶۲) نوشت: در منطقه‌ای که از محل غوطه خوردن اجساد بادکردهٔ سربازان ایرانی در میان آبهایِ مرداب حوالی بصره، چندان دور نبود، یک سرباز عراقی، ماهی بزرگی صید کرد و سرباز دیگری آن را بر آتشی بریان کرد و گفت: "ماهیان ما با تغذیه از اجساد ایرانیان، چاق و چله می‌شوند". روزنامه لیبرالسیون چاپ فرانسه نیز در شماره روز ۱۳ مارس ۱۹۸۴ به دروغ مدعی شد: "میزان ارسال کفن از ترکیه به ایران، چندین برابر شده است و به موجب قراردادی که اخیراً کارخانه نساجی متعلق به "سومربانک" ازمیر با ایران بسته است،

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

عصر هم آقای توسلی[1] آمد و راجع به نامزدی آقای [فضل الله]محلاتی [نماینده امام در سپاه] ـ که حزب [جمهوری اسلامی] او را نپذیرفته است ـ صحبت شد.

شب آقایان خامنه‌ای، موسوی اردبیلی و مهندس [میرحسین] موسوی آمدند. راجع به استفاده عراق از اسلحه شیمیائی بحث شد و درباره تهیه امکانات برای مقابله به مثل ـ[2] با مراعات تبلیغات مناسب ـ مذاکره کردیم. تأکید شد که در وضع موجود، کار تبلیغاتی بیشتری انجام شود. با توجه به امکان اینکه روسها، بمب‌های شیمیائی به عراق داده باشند، قرار شد روابط را خیلی تیره نکنیم. اعزام خبرنگاران خارجی به جزایر مجنون هم تصویب شد؛ سپاه [با این عمل] موافق نیست. در مورد آزاد کردن زندانیان بیشتر هم به قوه قضائیه تأکید شد. مهندس موسوی [نخست وزیر] از پیشرفت و رشد صنایع در سال گذشته ـ در حدود ۲۳درصد ـ راضی است.

چون خانواده در منزل نبودند، برای شام از بیرون چلوکباب آوردند و آقا جلال هم پذیرایی می‌کرد. در جبهه دیشب موفق به زدن خاکریزهای مورد نظر شده‌اند و تلاش عراق را برای جلوگیری از آن، خنثی کرده‌اند. عراقی‌ها هم امروز از اسلحهٔ شیمیائی، زیاد استفاده کرده‌اند؛ گلوله‌های سمی را با توپ می‌اندازند.

پنجشنبه ۲ فروردین ۱۳۶۳

بعد از نماز صبح، گزارشها را خواندم. هنوز موضوع کاربرد سلاح شیمیایی توسط عراقی‌ها و تبلیغات کاذب آنان در مورد جزایر[3]، مسأله روز است.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

یک میلیون متر چلوار تحویل ایران داده است و قرار است چهار میلیون متر چلوار دیگر نیز تحویل دهد". اینها تنها بخش کوچکی از تبلیغات ناجوانمردانه دشمنان و مظلومیت جمهوری اسلامی را نشان می‌دهد.

۱- آیت‌الله محمد رضا توسلی یکی از اعضای دفتر امام خمینی(ره) بود.

۲- جمهوری اسلامی تا آخر جنگ از بکارگیری سلاح شیمیایی علیه دشمن به خاطر ملاحظات انسانی و اسلامی خودداری کرد و با اینکه از لحاظ علمی و فنی، قادر به ساخت آن بود، فعالیت خود را روی امکانات حفاظتی و دفاعی و درمانی متمرکز ساخت.

۳- عراق در تبلیغات جنگی خود، اشغال جزایر مجنون توسط ایران را تکذیب می‌کرد. خبرنگاران خارجی هم که از بخش

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

دکتر [هادی] منافی [وزیر بهداری] آمد و راجع به شهادت فرزندش صحبت کردیم. پاسداران محافظ، برای عید دیدنی آمدند. متن خطبهٔ عربی نماز جمعه را نوشتم.

برای عیادت از مجروحان بمب شیمیائی، به بیمارستان شهید لبافی‌نژاد رفتم. حدود هفتاد نفر آنجا بستری بودند. با همه ملاقات و مذاکره کردم. دو سه نفری، وضعشان وخیم است و بقیه جراحت سطحی دارند؛ بیشتر آنها سوختگی در نقاط مرطوب بدن مانند زیر بغل‌ها، کشاله ران، ریه‌ها و چشم‌ها و سوختگی صورت و دستها دارند و رو به بهبودی هستند. کم‌کم با حفاظت [از خود در برابر بمب شیمیایی] آشنا شده‌اند؛ اثرش کم شده است. تاکنون حدود دو هزار و هفتصد نفر مصدوم و چهل نفر شهید شده‌اند و حدود نصف آنها به جبهه برگشته‌اند. چند نفری هم در جریان دستکاری بمبهای عمل نکرده، مجروح شده‌اند. مجروحان شیمیایی اصرار داشتند که ما هم بمب شیمیایی بسازیم و بکار ببریم.

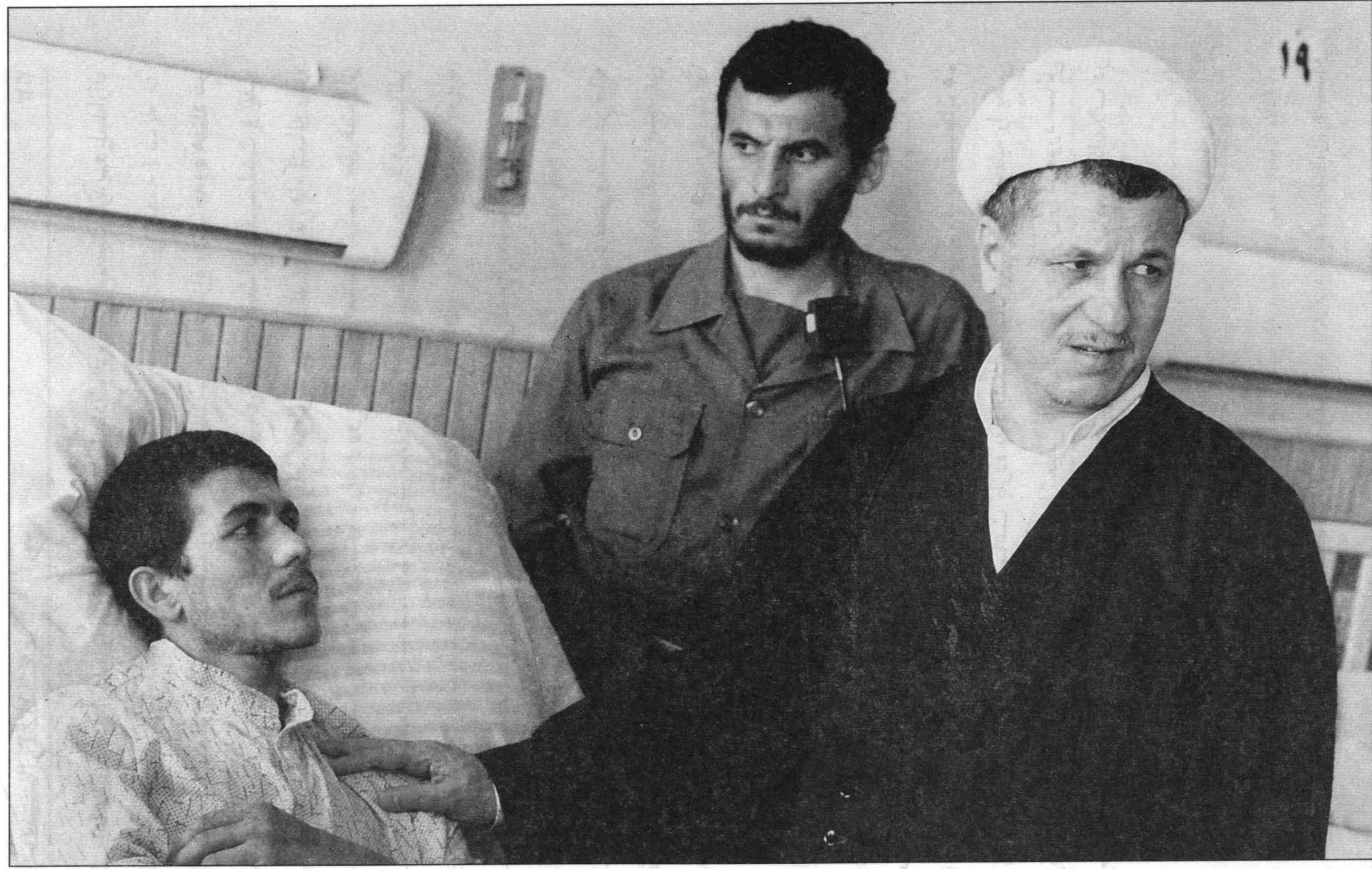
امروز باران فراوانی بارید؛ با توجه به کمی بارندگی، مایهٔ خوشحالی است. عصر و شب در خانه دربارهٔ موضوع تبعیض‌نژادی ـ که بحث خطبه‌های آیندهٔ نمازجمعه در زمینهٔ عدالت اجتماعی خواهد بود ـ مطالعه می‌کردم. اول شب، با قرارگاه نجف تماس گرفتم. در آنجا هم بارش باران، شدید است. به آقای [محسن] رضائی [فرمانده سپاه پاسداران] گفتم برای بردن خبرنگاران خارجی به جزایر مجنون، آماده شوند.

جمعه ۳ فروردین ۱۳۶۳

تا ساعت ده‌ونیم صبح، در منزل برای خطبه‌های نماز جمعه، مطالعه می‌کردم. به رفسنجان هم تلفن زدم و احوال خانواده را پرسیدم. ساعت یازده به دانشگاه تهران رسیدم. دو خطبه را یکی دربارهٔ عدالت اجتماعی اسلام در زمینهٔ مبارزه با تبعیض نژادی در دنیا و دیگری را در مورد مسائل روز جنگ، عملیات خیبر، [بکارگیری] پل شناور در جزایر مجنون، اقدامات عناصر ضدانقلاب در

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

جنوبی جزیره مجنون بازدید کرده بودند، گزارش دادند که جزیره مجنون، هم در دست عراقی‌ها و هم در دست ایرانی‌هاست. به گفته مقامات ایرانی، تنها دو کیلومتر از ۲۰۰ کیلومتر وسعت جزیره مجنون، در دست ارتش عراق بود.



ملاقات با مجروحان شیمیایی

خارج از کشور، معیارهای انتخاب نمایندهٔ مجلس و کاربرد سلاح شیمیائی ایراد کردم[1]. احساس تب خفیفی دارم. دیشب شوفاژ خانه، گازوئیل تمام کرده و خانه سرد شده بود.

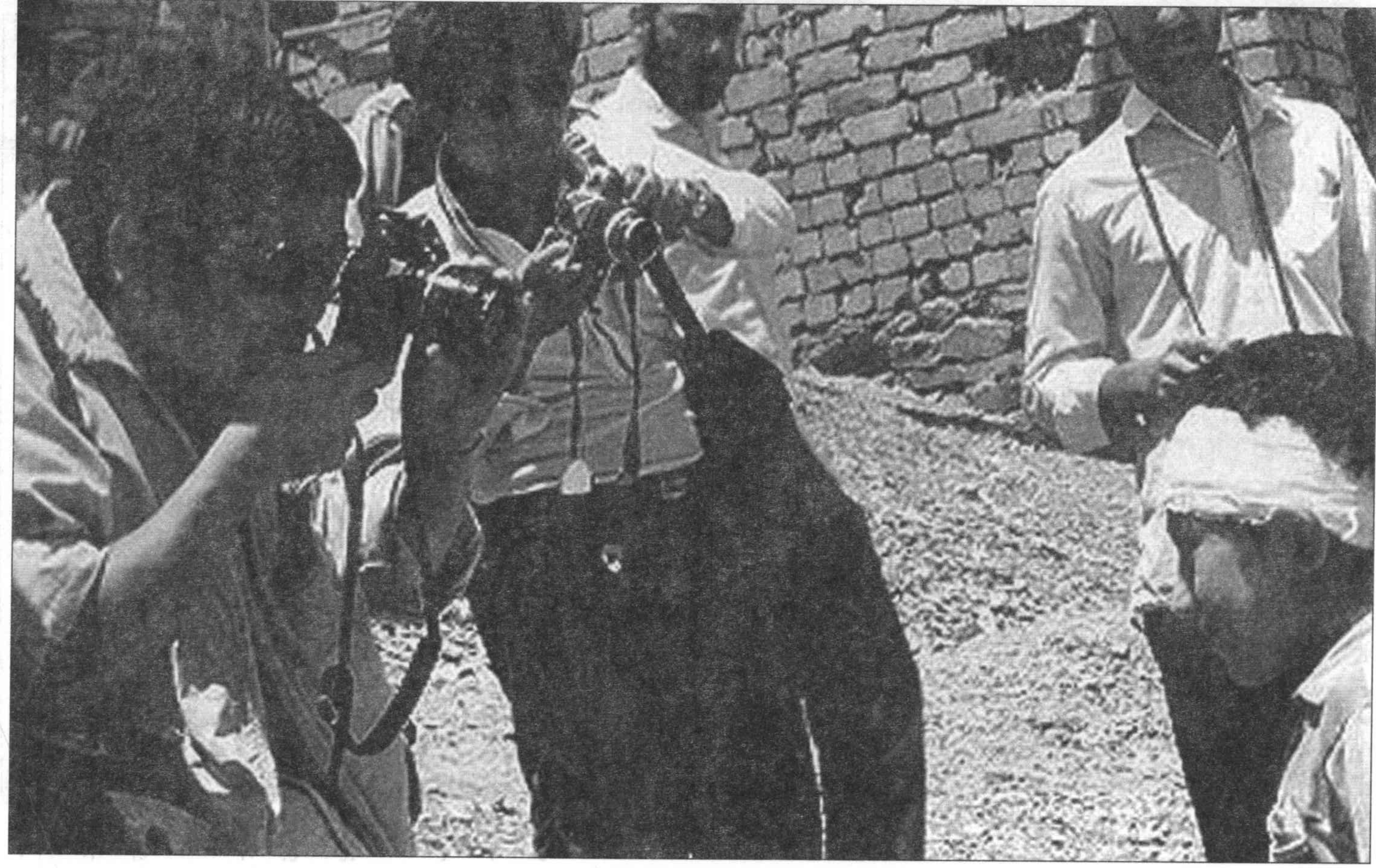
عصر، آقای دکتر [عبدالله]جاسبی آمد. گزارشی از وضع دانشگاه آزاد اسلامی و حزب جمهوری اسلامی داد و در مورد انتقاداتی که به ایشان متوجه کرده‌اند، از خود دفاع کرد. تذکرات و نظراتی دادم. حمید لاهوتی[2] و فائزه هم آمدند. فائزه، شام درست کرد. از حمید، راجع به وضع بهداری رفسنجان، اطلاعاتی گرفتم.

شب، با قرارگاه نجف تماس گرفتم؛ وضعشان خوب است. گفتند امروز دو هواپیمای عراقی را ساقط کرده‌اند؛ یکی در جزیره [مجنون] و دیگری در هور. با نخست وزیر، تلفنی صحبت کردم و خواستم که به آقای [سیدکمال]خرازی[3] اطلاع دهند تا از خبرنگاران خارجی، برای دیدن جزایر مجنون، دعوت کنند.

۱- بخش مهم این خطبه‌ها که مورد توجه اغلب رسانه‌های ارتباط جمعی جهان قرار گرفت، موضوع مقابله به مثل حملات شیمیایی بود. در این خطبه آمده است: "ما الان معتقدیم که بمب شیمیایی استفاده نکنیم، اما مسأله معلوم نیست تاکی این طور بماند. ما تصمیم داریم این کار را انجام ندهیم، اما آیا تا همیشه می‌شود صبر کرد. اولاً مسأله سلاحهای شیمیایی چیز مهمی نیست. ایران در تمام خاورمیانه، قوی‌ترین کشور است. کارخانه‌های داروسازی ما و شیمی دانهای ما، دانشمندان ما در سطح بالای همه خاورمیانه هستند و صنایع پیچیده شیمیایی هم داریم. ترکیب اینها هم چندان چیز پیچیده‌ای نیست. یکی از این بمب‌ها را اگر تجزیه و تحلیل کنند، روشن می‌شود که از چه موادی درست شده است. انواع بمب‌سازی و گلوله‌سازی در کشور ما هست. این گلوله‌های ۱۵۵ [میلیمتری] که ما می‌سازیم، ۲۷ تا ۲۸ کیلومتر برد دارد و می‌شود، به جای مواد منفجره، داخل آن مواد سمی بریزیم. اگر بنا داشته باشیم این کار را بکنیم، تحقیقاً دست ما از همه کشورهای منطقه بازتر است. ما به خاطر تعهدی که در مقابل انسانیت داریم، این مسابقه استفاده از بمب شیمیایی را بسیار خطرناک می‌دانیم. اگر این مسابقه شروع شد و قبح آن ریخت، در آینده، هیچ کس و هیچ جا امنیت ندارد. این برای دنیا، خطرناک است." برای مطالعه بیشتر رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های نماز جمعه، سال ۱۳۶۳، جلد ششم، صفحه ۱۰،" زیر نظر محسن هاشمی، دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۷۵.

۲- دکتر حمید لاهوتی اشکوری، همسر خانم فائزه هاشمی و دکتر سعید لاهوتی اشکوری، همسر خانم فاطمه هاشمی فرزندان مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ حسن لاهوتی و دامادان آقای هاشمی رفسنجانی هستند.

۳- آقای سید کمال خرازی در آن سالها، رئیس ستاد تبلیغات جنگ و مدیر عامل خبرگزاری جمهوری اسلامی - ایرنا - بود.



خبرنگاران خارجی در جبهه های جنگ

صحنه هایی از نبرد رزمندگان اسلام

شنبه ۴ فروردین ۱۳۶۳

تمام امروز را در منزل بودم و مطالعه بیشتر وقتم را پر کرد. قدم زدن در حیاط خانه و انجام بعضی از کارها با تلفن هم داشتم. ناهار را طبق معمول از دفتر امام آوردند. عصر و شب هم تلویزیون تماشا کردم. برنامه‌های سرگرمی نوروز، در مجموع نسبتاً خوب بود؛ هنرمندان دوران طاغوت، کم‌کم با انقلاب خو می‌گیرند.

آقای [محسن]رضائی از جبهه اطلاع داد که امروز هم دشمن، بمب شیمیائی به کار برده است. می‌خواست که آستان قدس [رضوی] برای کارهایشان، چند خانه در هویزه در اختیار آنها بگذارد. از طرف نمایندگان و وزارت کشور هم، دربارهٔ حوزه‌هائی که بیش از تعداد مورد نیاز، نامزد ندارد، تلفن‌های مکرر شد. گفتم ظاهر قانون، جواز انجام انتخابات است. از اول شب، باران شروع به باریدن کرد. گزارش‌های تلکس‌ها را آوردند؛ مطلب مهمی نداشت.

فائزه، آخر شب، تلفنی اطلاع داد که فردا با حمید به رفسنجان خواهند رفت. گفتم در آنجا اگر لازم دیدید، از شهربانی و یا سپاه بخواهید که برایتان محافظ بگمارند. آقای هادی خامنه‌ای هم تلفن کرد؛ از حزب [جمهوری اسلامی] مشهد، آقای [عباس واعظ]طبسی [تولیت آستان قدس رضوی]، برادرش رئیس جمهور و کمی هم از من، گله داشت که در انتخابات از ایشان حمایت نکرده‌اند.

یکشنبه ۵ فروردین ۱۳۶۳

تمام روز را در خانه بودم. بیشتر وقتم به مطالعه گذشت. به آقای خرازی، مسئول تبلیغات جنگ گفتم از خبرنگاران خارجی برای بازدید از جزیره مجنون دعوت کنند. قرار شد، خبرنگاران روز سه‌شنبه آینده [به جزیره مجنون] بروند. با آیت‌الله خامنه‌ای، تلفنی صحبت کردم و گله‌های برادرش آقا سید هادی را منتقل نمودم.

از [آقای علی اکبر ناطق‌نوری] وزیر کشور دربارهٔ وضع انتخابات، توضیح خواستم؛ گفت حدود هزار نفر اسم نوشته‌اند و نهضت‌آزادی، شرکت نکرده است[1]. وضع در همه جا عادی است.

۱- نهضت آزادی ایران، انتخابات دوره دوم مجلس شورای اسلامی را به گفته خود به دلیل "فقدان شرایط دموکراتیک" تحریم و

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

با سرهنگ موسوی قویدل در قرارگاه خاتم‌الانبیاء تماس گرفتم. از وضع جبهه‌ها راضی بود و گفت که بارش باران زیاد در هفته اخیر، جبهه‌ها را آرام کرد؛ از دیشب تا امشب، مرتباً باران می‌بارد و خیلی خوب شد، چون نیروهای ما در جزایر و هور، هنوز مواضع جدید خود را تحکیم نکرده‌اند؛ آسیب‌پذیریم و باران، فرصتی برای تحکیم مواضع، بدست می‌دهد.

دوشنبه ۶ فروردین ۱۳۶۳

امروز هم، تمام وقت را در منزل بودم. باران، دیشب و امروز، یکسره می‌بارید[1]. صبح زود آقای [محسن]رضائی از جبهه تلفن کرد و از سخنرانی آقای سرهنگ [علی]صیاد شیرازی برای فرماندهان قرارگاه کربلا تا سطح فرمانده گردان، گله داشت. گفت، باران مانع تحرک نیروهای ما و عراقی ها است و بازدید خبرنگاران از جزیره را هم، مشکل کرده است. مطالب ایشان را با آیت‌الله خامنه‌ای در میان گذاشتم. قرار شد نوار صحبت های آقای صیاد شیرازی از عقیدتی سیاسی ارتش خواسته شود. ظهر، در این باره با آقای صیاد شیرازی، تلفنی صحبت کردم؛ قبول نداشت و خواهان رسیدگی شد.

ظهر احمد آقا آمد. اطلاع داد که دادگاه عالی آلمان، آقای صادق طباطبائی را تبرئه کرده است و باید مخارج وکلاء و خسارت وارده را بپردازند و کشف شده است که [در مورد اتهام علیه او]، ضدانقلاب توطئه کرده بود[2]. از اختلاف در مورد سپاه و عملیات اخیر، ابراز نگرانی می‌کرد.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

اعلام کرده بود: "نهضت آزادی ایران به علت اینکه وسایل ارتباط جمعی مانند روزنامه و رادیو و تلویزیون، از رساندن پیام به مردم خودداری می‌کنند، به مردم دسترسی ندارد. ضمناً آزادی عمل و امنیت کاندیداهایی که از سیاست‌های حکومت، حمایت نمی‌کنند، تضمین نمی‌شود."

۱- طبق اعلام منابع خبری، بارش شدید باران در اغلب نقاط کشور، موجب خسارات جانی و مالی شد. در استان خوزستان به دلیل جاری شدن سیلاب در بهبهان ۴ زن جان خود را از دست دادند. در شوشتر نیز بین ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ رأس احشام در اثر سیل تلف شدند. براثر طغیان شدید سیل، پل ارتباطی سرخس به مشهد در استان خراسان نیز به کلی از بین رفت.

۲- آقای صادق طباطبائی، برادر همسر مرحوم حاج سید احمد خمینی است. وی در زمستان سال ۱۳۶۱ در دوسلدورف آلمان به

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

می‌گفت گروهی را پیش ائمه جمعه فرستاده است و تفتین کرده‌اند. آیت‌الله منتظری هم تحت تأثیر این حرفها، اظهارات منفی می‌کنند. می‌گفت، امام هم از اینکه اظهارات ایشان، اثر نامطلوب داشته باشد، ناراحت هستند.

عصر، آقای بهزاد نبوی [وزیر صنایع سنگین] آمد؛ پیشنهاد داشت بخشی از امکانات [وزارت] صنایع سنگین در خدمت جنگ درآید. از ساختن پل[1] برای جزیره مجنون الهام گرفته بود. راجع به انتخابات هم صحبت شد. سپس آقای [محسن] رفیق‌دوست [وزیر سپاه پاسداران] برای تعقیب همان حرفهای صبح آقای محسن رضائی [در مورد سخنرانی سرهنگ صیاد شیرازی] آمد و گفت که از این ماجراها، استفاده سیاسی می‌شود. گفت وزارت صنایع سنگین، برای ساختن پلِ [جزیره مجنون]، پول خیلی زیادی گرفته است. دربارهٔ ساختن داروی معالجه اثرات سلاح شیمیائی عراق و راهکار برای مقابله به مثل، گزارشی داد.

با آقای [واعظ] طبسی [تولیت آستان قدس رضوی] درباره دادن چندباب خانه در هویزه به سپاه صحبت کردم. مصاحبه تلفنی با روزنامه جمهوری اسلامی داشتم[2]. آقای [محسن] رضائی،

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

اتهام حمل تریاک دستگیر شد. در دادگاه بدوی به سه سال زندان محکوم گردید، اما با مشخص شدن توطئه ضدانقلاب و اینکه تریاک در ساک وی قرار داده شده بود، دادگاه عالی آلمان، حکم برائت برای وی صادرکرد. امام خمینی در آن موقع از وزارت خارجه خواستند به طور رسمی اقدام کند و جلوی توطئه احتمالی گرفته شود. امام(ره) گفتند: "اگر از او حمایت نشود و محکوم شود، نظام ما بدنام شده و ممکن است نسبت به دیگران هم پیش بیاید". آقای طباطبائی در آن سال‌ها، در زمینه تهیه ملزومات تسلیحاتی جنگ فعالیت می‌کرد. وی در دوره اول انتخابات ریاست جمهوری، کاندیدا بود.

۱- پل جزیره مجنون، اوج روح ابتکار و عمل در شرایط سخت توسط رزمندگان اسلام بود. این پل متحرک به طول ۱۳ کیلومتر بدون پایه در مدت زمانی بسیارکوتاه روی آب نصب شد. این پل خارق‌العاده، طوری ساخته شده بود که در صورت بمباران، به سرعت در نقطه خسارت دیده، قابل تعویض بود. پیشنهاد ساخت پل جزیره مجنون، توسط مهندسان جهاد سازندگی داده شد و در عرض ۳۵ روز توسط کارخانه‌های وزارت صنایع سنگین ساخته و نصب شد. انتقال این پل عظیم ۱۳ کیلومتری با ۳ متر عرض و ۲ متر بال محافظ به منطقه جنگی توسط وسایل نقلیه، کار بسیار بزرگی بود که در سالهای دفاع مقدس انجام گرفت.

۲- در این مصاحبه، دربارهٔ آخرین وضعیت جنگ، پاسخ به تبلیغات جنگی عراق، سفر نماینده ویژه آمریکا و وزیر امور خارجه

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

نامه‌ای به آقای رئیس جمهور، نوشته و رونوشت آن را برای من فرستاده است. در این نامه، درباره اختلافات، مطالبی مطرح شده است. شب، اخوی محمد [رئیس سازمان صداوسیما] آمد و راجع به کمی بودجهٔ صداوسیما و برنامه‌ها، صحبت شد. شب را در منزل ما ماند.

سه شنبه ۷ فروردین ۱۳۶۳

اخوی محمد، صبحانه را حاضر کرد. تا ساعت هشت صبح، راجع به وضع شیلات در کشورهای پاکستان، هند، کره، ژاپن و... مطالعه می‌کردم. سپس به زیارت امام رفتم. ایشان از وضع زندانیان نگران بودند. قرار شد، برای آزادی آنها که خطری ندارند، توجه بیشتری بشود. من راجع به جنگ و اختلاف ارتش و سپاه صحبت کردم و ایشان با من در اینکه مشکل بزرگ جنگ، همین اختلاف است، هم عقیده بودند و نیز از صدمه‌ای که ملّت دو کشور می‌بینند.

من، ایشان و احمد آقا، اظهار نگرانی کردیم. روی هم رفته، نتیجه این بود که اگر یک عملیات بزرگ موفق انجام شود، بعد از آن، ما باید پیشقدم برای اتمام جنگ شویم و از آن طریق، برای اسقاط حزب بعث عراق، اقدام کنیم. متفق بودیم که با وضع موجود در جبهه‌ها، نمی‌توانیم صلح را بپذیریم. درباره مشکلاتی که نطق‌های پیش از دستورِ انتقادی و تند نمایندگان می‌آفرینند، هم صحبت شد. قرار شد در آینده فکری بشود. همچنین قرار شد، امام، فرماندهان سپاه و نیروی زمینی ارتش را احضار کنند و در مورد اختلافات، به آنها اخطار نمایند.

دکتر معتمدی ـ پزشک امام ـ به منزل آمد و از سیاست وزارت بهداری در مورد پزشکان شکایت داشت. سرهنگ [مصطفی] ترابی از دفتر مشاورت امام [در ارتش] آمد و گزارشی آورد. آقای بهزاد نبوی هم از جلسه امشب جامعه روحانیت مبارز [تهران] و احتمال حذف بعضی از

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

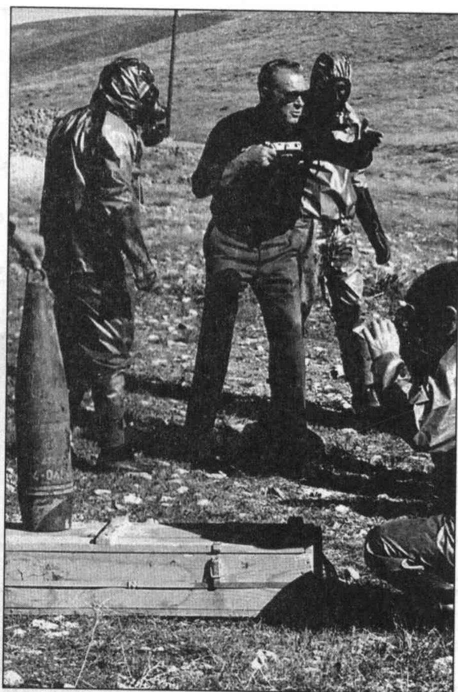
مصر به بغداد، اوضاع لبنان، دوره آینده مجلس شورای اسلامی و خودکفایی در امر کشاورزی مطالبی مطرح شده است. ایشان در پاسخ به دلایل سفر دونالد رامسفلد فرستاده ویژه ایالات متحده آمریکا به بغداد و عادی سازی روابط با عراق گفت: "برای حفظ روحیه صدام و حزب بعث عراق، این سفرها انجام می‌شود و این کارها همان حرکات تبلیغاتی و حمایت نمودن از رژیم عراق است." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" زیر نظر محسن هاشمی، دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

همفکرانش از لیست کاندیداهای مورد حمایت جامعه روحانیت مبارز تهران، تلفنی اظهار نگرانی کرد.

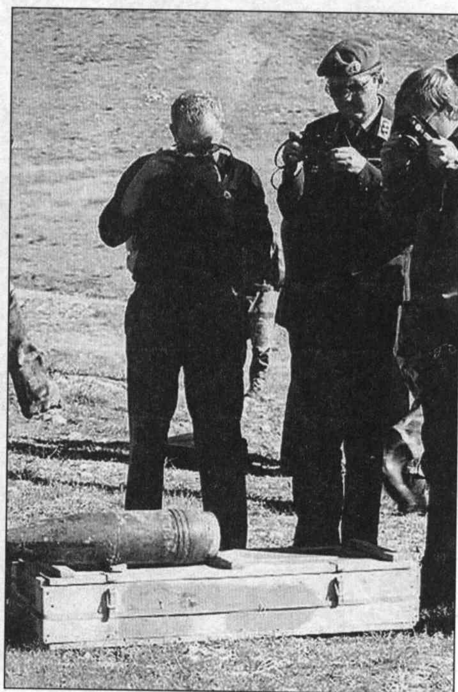
گزارش‌های جبهه را آوردند. مسأله مهم، تأیید هیأت کارشناسان سازمان ملل در مورد کاربرد بمب شیمیائی علیه نیروهای ما است[1]؛ گرچه صریحاً اسم عراق را نبرده‌اند، ولی مطلب روشن است؛ گو اینکه شیاطین از همین عدم صراحت، برای تبرئه صدام استفاده خواهند کرد.

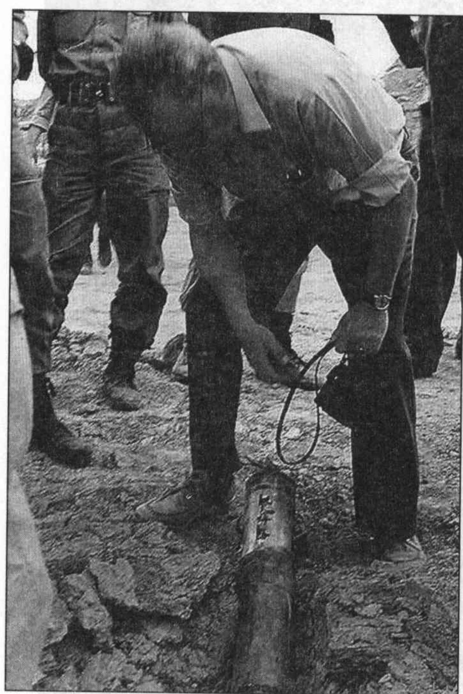
با جبهه هم تماس گرفتم؛ خبرنگاران را برای بازدید از جزایر مجنون به اهواز برده‌اند. دفترچه رمزی که برای تماس تلفنی با جبهه تهیه شده است، کار را آسان کرده، امّا چون زود به زود عوض می‌شود، وقت‌گیر است. آقای [جلال] ساداتیان و آقای [محمدجواد] اقبالی[پور] آمدند؛ برنامه مسافرت به قم را تنظیم کردیم.

۱- اعضای هیأت کارشناسان سازمان ملل متحد عبارت بودند از: دکتر گوستاو اندرسون شیمیدان بلندپایه انستیوی ملی پژوهش‌های دفاعی سوئد، دکتر مانوئیل دمین گوز، سرهنگ ارتش و استاد پیشگیری بیماری‌ها از اسپانیا، دکتر پیتردان دانشمند آزمایشگاه تحقیقات وزارت دفاع استرالیا و سرهنگ اولیریخ ایموبرشتک رئیس دایره دفاع در برابر سلاح شیمیایی در ارتش سوئیس. این کارشناسان پس از دیدار از ایران گزارش دادند که در مناطق مورد بازدیدشان، مدارکی محکم دربارهٔ استفاده از سلاح‌های شیمیایی به صورت بمب‌های هوایی وجود دارد. به گفته آنان این تسلیحات، گازخردل و عناصر فلج کننده اعصاب را نیز دربر می‌گیرد. کارشناسان سازمان ملل متحد که یک هفته در ایران بودند، مستقیماً و به گونه‌ای مشخص، عراق را متهم به استفاده از این سلاح‌ها نکردند، بلکه در گزارش آنان، این نکته روشن شده که سلاح‌های شیمیایی، در مناطق مرزی به کار گرفته شده است. این دانشمندان در نمونه‌های خود، هیچ مدرک و شاهدی دربارهٔ استفاده از مایکوتوکسین‌ها و سمومی که اصطلاحاً "باران زرد" خوانده می‌شود، نیافته بود. اعضای هیأت سازمان ملل متحد روز ۱۳ مارس ۱۹۸۴ (۲۳ اسفند ۱۳۶۲) همراه با اقبال رضا یکی از مسئولان دفتر امور سیاسی ویژه در سازمان ملل وارد تهران شدند. آنان روز بعد برای بررسی شواهد و مدارک موجود و گردآوری نمونه‌های لازم برای آزمایش در آزمایشگاه‌های ویژه اروپا به جبهه جنگ رفتند. این کارشناسان در تهران، قطعات، خرده‌ها و روکش و غلاف بمب‌هایی را که گمان می‌رفت، حامل مواد شیمیایی بوده‌اند، مورد آزمایش قرار دادند. بیش از چهل بیمار را که در معرض تسلیحات شیمیایی قرار گرفته‌اند، معاینه کردند. خاویرپرز دکوئیار دبیر کل سازمان ملل متحد هنگام ارائه گزارش کارشناسان به شورای امنیت سازمان ملل گفت: "محاسبات تمامی اعضای هیأت، ادعاهای مربوط به استفاده از سلاح‌های شیمیایی را تأیید می‌کند و من جز ابراز تأسف، چیزی برای گفتن ندارم."

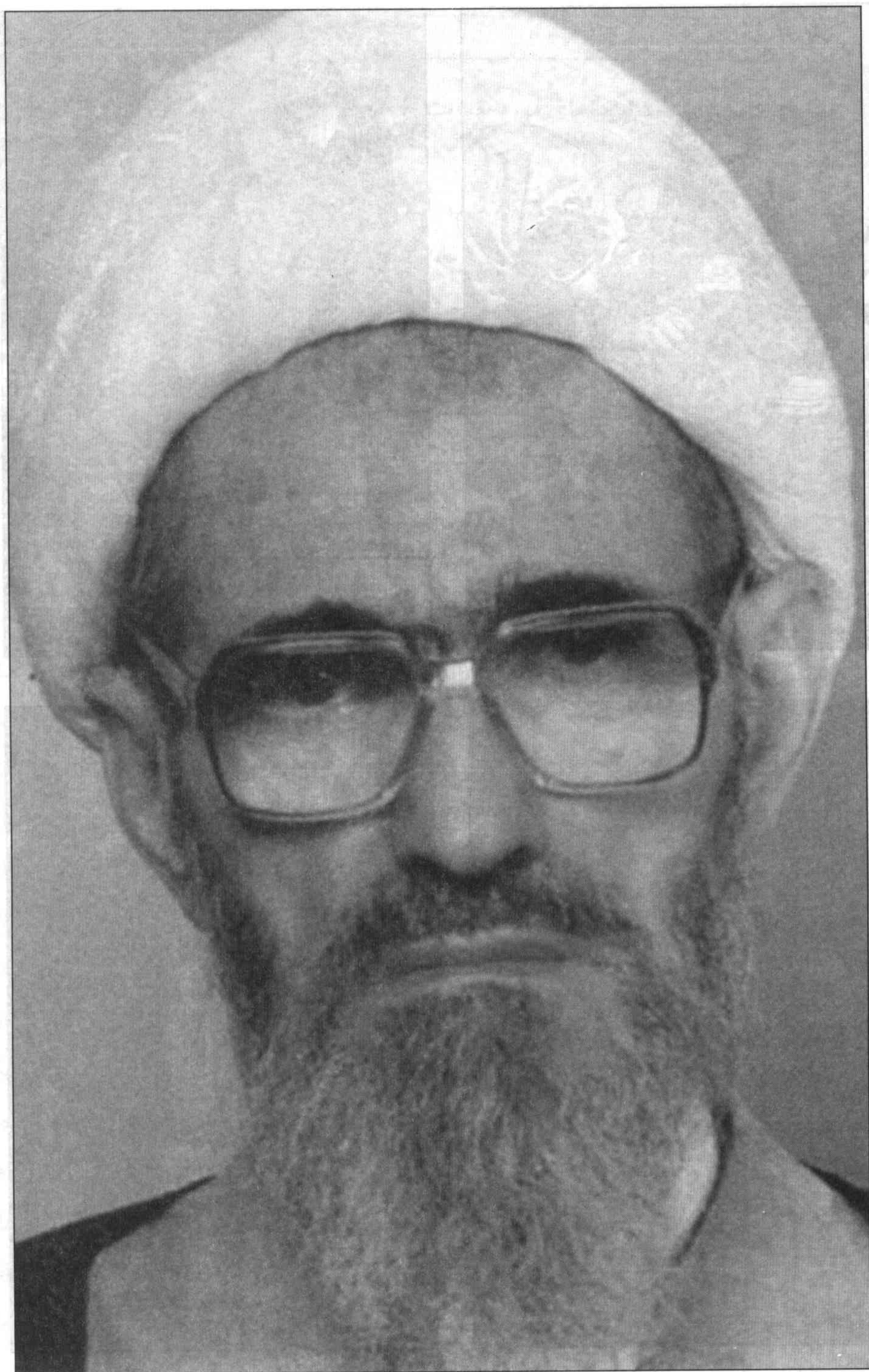








بازدید کارشناسان سازمان ملل از بمبهای شیمیایی



آیت الله مشکینی

چهارشنبه ۸ فروردین ۱۳۶۳

تا ساعت سه‌ونیم بعد از ظهر در منزل بودم. احمد آقا آمد و نامه‌ای از آقای نبیه‌بری [رهبر سیاسی جنبش "امل"] از لبنان [خطاب] به امام آورده بود که اظهار وفاداری به جمهوری اسلامی می‌کرد و از عدم توجه ایران به او و جنبش امل گلایه داشت. قرار شد در جلسه سران قوا به بحث گذاشته شود. در مورد اسناد موجود در مرکز اسناد انقلاب اسلامی که احیاناً می‌تواند بعضی از چهره‌ها رامخدوش کند، و اینکه باید اعتبار این اسناد محفوظ بماند، بحث شد.

با آقای خامنه‌ای، تلفنی صحبت کردم. معلوم شد، جلسه دیشب جامعه روحانیت مبارز که برای حذف بعضی از کاندیداهای نمایندگی مجلس ـ از قبیل آقایان [فخرالدین]حجازی و [سیدمحمود] دعائی ـ از لیست، بنا بود تشکیل شود، رسمیت نیافته است؛ من هم به عنوان اعتراض شرکت نکرده بودم. آقای [حسن] روحانی از من خواست که در جلسه علمای تهران که برای توجیه آنها در خصوص انتخابات [دوره دوم مجلس شورای اسلامی] تشکیل می‌شود، شرکت نمایم و صحبت کنم؛ نپذیرفتم. به دفترم گفتم در برنامه مسافرت به قم، جلسه سخنرانی در جمع مردم و طلاب را هم در نظر بگیرند.

با ستاد تبلیغات جنگ درباره بهره گیری بهتر از گزارش کارشناسان سازمان ملل درخصوص کاربرد سلاح شیمیائی در جنگ و حضور خبرنگاران در جزایر مجنون صحبت کردم. ساعت چهار بعد از ظهر، به مجلس رفتم. چند نفر از پاسداران آمدند و اعتراضاتی به شیوه جنگ داشتند. سفرای جدیدمان در کویت و آلمان شرقی آمدند و درباره خط مشی‌شان با من مشورت کردند. آقای شیرازی از سازمان تبلیغات اسلامی آمد و از کمبود امکانات و عدم همکاری نهادها با سازمان، مطالبی گفت و از بدهکاری که به من داشت، کسب تکلیف کرد؛ بخشیدم.

دو نفر از ایرانیهای مقیم کویت آمدند. یکی از آنها را به تازگی اخراج کرده‌اند؛ استمداد داشتند. گزارش‌ها را خواندم. وضع تبلیغاتی ما در ارتباط با کاربرد سلاح شیمیائی از طرف عراق، خوب است و به همین نسبت، وضع عراق بد است[1].

۱ـ رسانه‌های ارتباط جمعی منطقه‌ای و بین‌المللی، پس از انتشار گزارش کارشناسان سازمان ملل دربارهٔ استفاده از سلاحهای شیمیایی در جنگ عراق با ایران، موضوع را به شکل گسترده‌ای پوشش خبری دادند. خبرگزاری رویتر در گزارش خود آورده بود:

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

شب، در دفتر رئیس جمهور جلسه داشتیم. داوران ایرانی دادگاه لاهه هم حاضر بودند. به خاطر امکان زیاد تأیید صلاحیت دادگاه، درخصوص رسیدگی به دعاوی ایرانیان فراری دارای تابعیت مضاعف آمریکائی، خروج ما از داوری لاهه مطرح بود؛ قرار شد تهدید به خروج کنیم و به دولت هلند به خاطر حمایت از آمریکا، اعتراض نماییم. درباره جنگ و آزادی زندانیان و تقاضای آقای نبیه‌بری از لبنان و چیزهای دیگر هم بحث و اتخاذ تصمیم شد. ساعت ۱۲ شب، به مجلس رفتم و خوابیدم.

پنجشنبه ۹ فروردین ۱۳۶۳

تا ساعت هفت‌ونیم صبح، در مجلس گزارشها را خواندم. سفر خبرنگاران خارجی به جزایر مجنون، آثار خوبی داشته است[1]. سپس به طرف قم حرکت کردیم. ساعت نه‌ونیم صبح، به منزل

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

"دیپلماتهای مطلع در تهران به رویتر گفتند که مهمترین بخش گزارش این کارشناسان، تائید استفاده از عامل عصبی تابون بوده است. آنها گفتند که این گاز توسط آلمان نازی در جنگ جهانی دوم تکمیل و مورد استفاده قرارگرفته بود و دارای اثر هولناک و رنج‌آوری می‌باشد. این دیپلماتها گفتند که دولتهای آنان با انتشار این گزارش، از شورای امنیت سازمان ملل می‌خواهند که عراق را به خاطر تخطی از پروتکل ۱۹۲۵ ژنو در مورد کاربرد سلاحهای شیمیایی محکوم کند و احتمالاً دولتهای دیگر نیز دست به اقداماتی علیه دولت بغداد خواهند زد. آنها گفتند که عراق ظاهراً متوسل به استفاده وسیع از بمب‌های سولفوری خردل و گاز اعصاب شده است که همزمان با پیشروی ایرانیان در ماه گذشته به صورت بمبارانهای هوایی و آتش توپخانه مورد استفاده قرارگرفته است."

۱- خبرنگاران، عکاسان و فیلمبرداران خارجی بامداد روز ۸ فروردین از بخش‌های شمالی و جنوبی جزایر مجنون بازدید کردند و از قسمت‌های مختلف آن عکس، فیلم وگزارش تهیه نمودند. این خبرنگاران در حالی که ماسکهای ضد گازهای شیمیایی همراه داشتند، ضمن بازدید از مناطقی که توسط هواپیماهای ارتش عراق بمباران شیمیایی شده بود، از مواضع پدافندی نیروهای ایران و حلقه چاههای نفت دیدن کردند. همچنین گروهی از این خبرنگاران از بالای دکلهای دیده‌بانی، جاده مهم و استراتژیک بصره - العماره و روستاهای اطراف آن را مشاهده نمودند. در این دیدار هفت ساعته، خبرنگاران قسمت‌های زیادی از جزیره مجنون را دیدند و بر بی‌اساس بودن ادعاهای دولت عراق درخصوص باز پس‌گیری جزایر مجنون از ایران صحه گذاشتند. در طول مدت بازدید خبرنگاران خارجی از جزایر مجنون، هواپیماهای عراقی هشت بار حمله هوایی کردند اما در همه حملات، بمبهای خود را

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

آقای منتظری رسیدیم. حدود دو ساعت با ایشان صحبت کردم. ایشان مطالبی درباره جنگ، سپاه، زندانیان، توزیع کالا، سوبسید، روستائیان، جهاد و ... داشتند و من از ایشان درباره موضع‌گیری‌های انتقادی‌شان و پخش انتقاداتشان از رسانه‌ها، انتقاد داشتم. فکر می‌کنم جلسه و مذاکراتِ مفید و سازنده‌ای داشتیم.

سپس به منزل آیت‌الله [سیدشهاب‌الدین مرعشی]نجفی رفتم. مطلب مهمی مطرح نشد. تشریفات بود. ایشان فقط خواستار گذشت از خطاهای روحانیون خطاکار در زمان شاه بودند؛ حالشان هم خوب نیست.

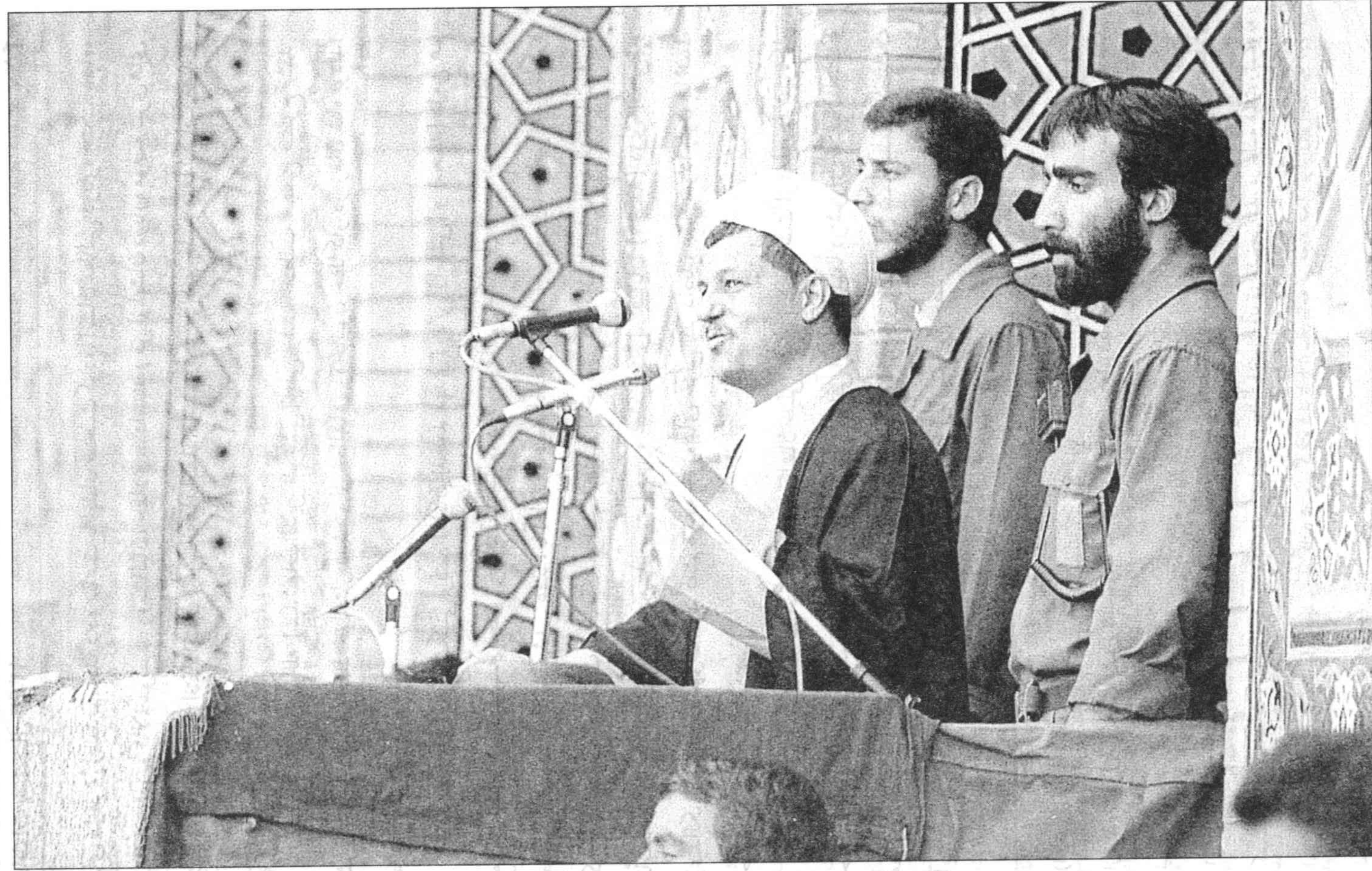
ظهر، به منزل آقای مشکینی رفتم. آقایان [محمد مهدی] ربانی [املشی] و [محمد] مؤمن هم آمدند. جلسه هیأت رئیسه مجلس خبرگان داشتیم. درباره زمان و مکان اجلاسیه دوم و ساختمان خبرگان، تصمیماتی اتخاذ شد[1]. عصر، با آقای معادیخواه دبیر حزب [جمهوری اسلامی] قم مذاکره کردم. از ضعف امکانات و ضعف موقعیت حزب و خودش گله داشت. راجع به انتخابات قم و تأیید کاندیداهای جامعه مدرسین [حوزه علمیه قم]، آقایان [احمد]آذری [قمی] و [عبدالکریم]شرعی مشورت کرد. گفتم هرچه حوزه‌های حزبی نظر دادند، عمل شود؛ چون بنا است حوزه‌ها مستقل عمل کنند.

سپس به دیدن آیت‌الله گلپایگانی رفتم. حالشان خیلی خوب است؛ دست از انتقاد به شیوه کار حکومت برنداشته‌اند. گفتم با اینکه آقای [لطف الله]صافی از طرف شما در شورای نگهبان است و معمولاً اعمال نظر به نام شرع و قانون اساسی می‌کند، دیگر جای گله برای شما نیست؛ گفتند که ایشان فقط ناظر هستند و دخالت نمی‌کنند. سپس به زیارت حرم حضرت معصومه رفتم و در صحن

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

از ارتفاع بسیار زیاد و بدون هدف پرتاب نمودند که موجب حیرت خبرنگاران شد. آنان از پل ۱۳کیلومتری معلق جزیره مجنون نیز دیدن کردند.

۱- در این جلسه، تاریخ اجلاسیه سالانه مجلس خبرگان، روز شنبه ۲۳ تیرماه ۶۳ تعیین شد. همچنین در این جلسه اعضای کمیسیون امور محاسبات و بودجه مجلس خبرگان تعیین و اعضای ستاد ساختمان آن نیز مشخص شد. در جلسه هیأت رئیسه، به استناد ماده یک آئین نامه داخلی مجلس خبرگان، تصمیم گرفته شد تا با ارسال نامه در مورد محل برگزاری اجلاسیه دوم از نمایندگان این مجلس، نظرخواهی شود.



سخنرانی در حرم حضرت معصومه (س)

مطهر برای مردم و طلاب سخنرانی کردم[1].

بعد از نماز مغرب با آقایان سید هادی هاشمی و قاضی‌عسکر درباره بیت آیت‌الله منتظری و لزوم کنترل اخبار، صحبت کردم. آنها هم از مشکلات دبیرخانه شورای مرکزی ائمه جمعه و عدم اعتماد رئیس جمهور به آن و تداخل با کارهای آقای ابطحی کاشانی به عنوان نماینده امام در امور دفتر ائمه جمعه، مطالبی گفتند.

شب، با جامعه مدرسین جلسه‌ای داشتیم. بیشتر درباره جنگ بحث شد؛ برای رفع ابهام توضیحاتی دادم. آنها خواستند که حزب جمهوری اسلامی از آقایان آذری [قمی] و شرعی، حمایت کند. گفتم به خود حزب قم مربوط است. مصاحبهٔ تلویزیونی کردم[2] و به تهران آمدم. ساعت یازده شب رسیدم. عفت و بچه‌ها از رفسنجان برگشته بودند. دیر وقت، شام حاضری خوردم و خوابیدم.

جمعه ۱۰ فروردین ۱۳۶۳

تمام امروز را در منزل ماندم. نماز جمعه را آیت‌الله خامنه‌ای خواندند. با ایشان درباره سفرم به قم، تلفنی صحبت کردم. نظر ایشان این بود که حزب [جمهوری اسلامی] قم به خاطر اجتناب از درگیری، در اختلافات جامعه مدرسین و مخالفانشان در انتخابات، اظهار نظر نکند. گفتم به آنها اطلاع دهند. با جبهه هم صحبت کردم؛ تازه مهمی نداشتند. کارها به خوبی پیش می‌رود. احمد آقا

۱- در این سخنرانی که جمع انبوه وگسترده مردم دیندار شهر مقدس قم، زوار حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه(س)، خانواده‌های شهدا و جمع زیادی از فضلا و طلاب علوم دینی حضور داشتند، دربارهٔ دستاوردهای انقلاب اسلامی و اهمیت ۱۲ فروردین روز جمهوری اسلامی، اهمیت عملیات خیبر، اعتراف آمریکایی‌ها به پیشرفت اقتصادی ایران، توصیف پل معلق در جزیره مجنون، سازندگی با وجود جنگ تحمیلی درکشور، مأیوس شدن دشمنان، گزارش کارشناسان سازمان ملل در مورد کاربرد سلاح شیمیایی در جنگ و نقش طلاب دینی در جبهه‌های جنگ مطالبی بیان شد. برای مطالعه متن کامل این سخنرانی رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" زیر نظر محسن هاشمی، دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۲- در این مصاحبه تلویزیونی دربارهٔ هدف از مسافرت به قم، مسایل مطرح شده در ملاقاتها و اهمیت مرحله دوم طرح "لبیک یا خمینی" مطالبی عنوان گردید. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

آمد و راجع به جنگ و نتایج سفر قم و مسائل دیگر صحبت کردیم. گزارش‌ها را آوردند، خواندم؛ موج محکوم یا تقبیح کردن عراق در استفاده از اسلحه شیمیائی به راه افتاده است، ولی خیلی شدید نیست. اسم نمی‌برند؛ تلویحاً می‌گویند. شورای امنیت سازمان ملل هم بیانیه ضعیفی داده است[1].

شنبه ۱۱ فروردین ۱۳۶۳

تمام روز در منزل بودم. به خاطر بین دو تعطیل قرارگرفتن امروز، از طرف دولت تعطیل رسمی اعلام شده است. بیشتر وقتم به مطالعه گزارش‌ها، تلکسها و مطالعهٔ سناریوی "سریال سربداران" گذشت. این روزها، رسانه‌های جمعی غرب در مجموع، اجباراً به نفع ما حرف می‌زنند. استفاده عراق از اسلحه شیمیائی، فرصتی برای رسوا کردن بعثی‌های عراق پیش آورده و دیدار خبرنگاران غربی از جزایر مجنون هم به نفع ما بوده است؛ گرچه شورای امنیت، سست و محافظه کارانه نظر داده، اما تأثیر خوبی داشته است. شوروی‌ها موضع خوبی ندارند؛ خودشان [به ارسال بمب‌شیمیایی به عراق] متهمند.

در مجموع، رسانه‌های استکباری، خیلی کمتر از آنچه این حادثه مهم اقتضا دارد، عمل می‌کنند. اگر این جنایت علیه یکی از کشورهای اقماری غرب و یا شرق صورت می‌گرفت، امواج محکومیت، افشاگری و حتی دخالت‌ها، بسیار زیادتر از اینها بود؛ اما سابقه آن در جنگ جهانی دوم و حافظه جهانی، ایجاب کرده است که کمی به آن بپردازند. از طرفی می‌دانند که اگر پیگیری نشود، ممکن است رسوائی جدی برای خودشان ـ که این امکانات را در اختیار حزب بعث عراق قرار داده‌اند ـ فراهم شود.

آقای [عبدالمجید] معادیخواه، برای تصویب اساسنامه بنیادتدوین تاریخ [انقلاب اسلامی]، تلفنی تأکید کرد. در این خصوص با آقای خامنه‌ای تلفنی صحبت کردم؛ قرار شد جلسه‌ای داشته باشیم. قرار شد برای اقامه نمازجمعه در دو هفته آینده ـ به خاطر برگزاری انتخابات ـ خود ایشان اقدام کنند[2].

۱- شورای امنیت سازمان ملل در بیانیه خود، بدون نام بردن از کشور خاصی، استفاده از سلاح‌های شیمیایی را محکوم و بر لزوم پایان جنگ عراق و ایران تأکید کرده بود.

۲- آقای هاشمی رفسنجانی به دلیل نامزدی نمایندگی دوره دوم مجلس شورای اسلامی از حوزه تهران و منع نامزدها از تبلیغ در

شب، آقای دکتر [حسن]روحانی آمد و راجع به پیشرفت کار در مورد استفاده از امکانات وزارت نفت در جبهه‌های جنگ گزارشی داد؛ خوب است. با مهندس [محمد]غرضی [وزیر نفت] هم تلفنی صحبت کردم؛ قرار شد شروع کنند.

با آقای امام جمارانی، مسئول نظارت برانتخابات استان تهران هم صحبت کردم و درباره مراعات عدالت و قانون در انتخابات تأکید نمودم. در کرج، در مورد آقای فریدون روحانی مسأله‌ای پیش آمده است.

همسر آقای مطهری آمد و راجع به پخش آثار شهید مطهری از صداوسیما تأکید داشت و از حزب [جمهوری اسلامی] گله می‌کرد که عکس ایشان را در مراکز خود نصب نکرده‌اند. آخر شب، فیلم مارکوپولو را تماشا کردم. دکتر سعید لاهوتی هم، برای رفتن به محل خدمت سربازی در اهواز، جا رزرو کرد.

یکشنبه ۱۲ فروردین ۱۳۶۳

اول وقت، گزارش‌ها را خواندم. به اخوی محمد، [رئیس سازمان صداوسیما] توصیه کردم که این روزها از مطالب رسانه‌های جمعی غرب درخصوص [کاربرد] سلاح شیمیایی [در جنگ توسط عراق] در صداوسیما، بیشتر استفاده شود؛ مطالب خوبی است.

آقای [فضل‌الله] محلاتی، [نماینده امام در سپاه] به منزل آمد؛ از من می‌خواست که در جلسه روحانیون عضو جامعه روحانیت مبارز شرکت کنم و آنها را برای تبلیغ کاندیداهای جامعه، توجیه نمایم؛ نپذیرفتم. اولاً برای اینکه از اعتبار ریاست مجلس، برای تبلیغ افراد خاصی استفاده نشود، ثانیاً خودم هم، بعضی از افراد را قبول ندارم. درباره سپاه و جنگ و... صحبت داشتند.

پیش از ظهر، با بچه‌ها در حیاط خانه، کاهو خوردیم. نامه‌ای خطاب به رؤسای مجالس دنیا[1] در

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

کانالهای رسمی، از اقامه نماز جمعه تا زمان برگزاری انتخابات، خودداری کرده بود.

۱- در این پیام آمده است: "سزاوار نیست، دنیای امروز که خطر توسعه سلاحهای سمی و میکروبی خطرناک، هر لحظه آن را تهدید می‌کند، با اغماض یا تشویق، امنیت قبلی موجود را از این نسل و نسلهای آینده بگیرد. با توجه به اینکه گزارشهای واصله

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

مورد استفاده از سلاح شیمیائی توسط عراق نوشتم و به صداوسیما دادم تا بخوانند. به [آقای ولایتی] وزیر امور خارجه هم گفتم که این نامه را به سُفرا منتقل کنند که آنها برای رؤسای مجالس کشورها ببرند. با آقای خامنه‌ای هم در این مورد مشورت کردم؛ موافق بودند.

عصر آقای معادیخواه آمد و راجع به بنیاد تدوین تاریخ انقلاب بحث کردیم. احمد آقا هم آمد و به ستاد تبلیغات جنگ انتقاد داشت که علی‌رغم اینکه آمریکایی‌ها، این روزها نسبت به ما در تبلیغاتشان روی موافق نشان می‌دهند، ستاد به آنها حمله زیاد می‌کند. اطلاع داد که سفیر عربستان آمده و پیام [ملک] فهد [پادشاه عربستان سعودی] را آورده است. مایل هستند دو نماینده سطح بالا در کشور ثالثی با هم مذاکره کنند. ضمناً شنیده‌اند که ما می‌خواهیم مراکز حیاتی آنها را بزنیم. این دومی درست نیست و فقط بهانه‌ای برای ملاقات بوده است.

دوشنبه ۱۳ فروردین ۱۳۶۳

تمام امروز را در منزل ماندم. بیشتر به مطالعه پرداختم. آقای غرضی [وزیر نفت] آمد. از بدحسابی سوری‌ها و ندادن پول نفت، ناراحت بود. پیشنهاد داشت با لایحه دولت و تصویب مجلس، برای دادن مهلت و حفظ طلب، تبدیل به وام شود. از وضع فروش و کشش بازار نفت، راضی است. با [پسرم]محسن در بلژیک، تلفنی احوالپرسی کردیم. می‌گفت شایعه سوء قصد به جان من پخش شده است؛ ناراحت بود. گفتم دروغ است. منشأ آن یک مجله عربی مخالف ما است. منابع خارجی از جدا شدن بنی‌صدر از شورای [ملی] مقاومت خبر داده‌اند؛ پیش‌بینی می‌شد[۱].

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

حاکی از آن است که رژیم عراق برآن است که در آینده از سلاحهای شیمیایی در سطح وسیع‌تری استفاده کند، براین اساس از نمایندگان آن مجلس محترم، انتظار داریم که صدای ما را به گوش مردم خود برسانند و از دولت کشور خویش، بخواهند که بانگ اعتراض را به منظور محکوم کردن این جنایت برای جلوگیری از توسعه این بدعت شوم، بلند کنند؛ جنایتی که هیتلر و موسولینی هنوز در افکار عمومی نسلهای بعد از جنگ، آلوده آن هستند و تا ابد دامان آنها از ننگ آن پاک نخواهد شد". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور و پیامهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" زیر نظر محسن هاشمی، دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۱- "شورای ملی مقاومت" عنوان جبهه‌ای است از گروههای مخالف جمهوری اسلامی با محوریت سازمان مجاهدین خلق

شب، آقای امامی کاشانی [از فقهای شورای نگهبان] تلفن کرد. اطلاع داد که شورای نگهبان، صلاحیت آقایان [صادق] خلخالی و [سیدحسین] موسوی تبریزی را ـ که نامزد نمایندگی مجلس و خبرگان هستند ـ رد کرده است. از من خواست به آنها بگویم، استعفا بدهند؛ نپذیرفتم. از این کار به آسانی نخواهند گذشت. شورای نگهبان را متهم خواهند کرد که تحت تأثیر جامعه مدرسین عمل کرده است[۱]. [رد صلاحیت شدگان] توسل به امام و آقای منتظری و دیگران هم خواهند کرد.

از جبهه خبر گرفتم. دشمن، آب فراوانی در نقاط حائل بین [نیروهای] ما و خود در جزیره مجنون و منطقه طلائیه انداخته است؛ می‌ترسد. کار پیشرفت ما را هم دشوار خواهد کرد.

سه شنبه ۱۴ فروردین ۱۳۶۳

صبح زود، به مجلس رفتم. اولین جلسه در سال نو بود. گزارشها را خواندم؛ تازه مهمی ندارد. جلسه علنی، خیلی کم رونق است. نطقهای پیش از دستور را حذف کردیم، چون نباید از امکانات

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

(منافقین). این شورا پس از وقایع نیمه اول سال ۶۰ که به درگیری مسلحانه و سپس فرار سران گروههای درگیر به خارج از کشور انجامید، در اسفند سال ۶۰ در پاریس اعلام موجودیت کرد. در ترکیب این شورا، برخی احزاب و سازمانها و چهره‌های منفرد شرکت داشتند. مثلاً سازمان مجاهدین خلق، حزب دموکرات کردستان، جبهه دموکراتیک ملی ایران، شورای متحد چپ، استادان متعهد دانشگاهها و مدارس عالی ایران، کانون تولیدی اصناف، حزب کار ایران (توفان)، حزب زحمتکشان گیلان و مازندران، اتحاد کمونیستهای ایران (سربداران) و سازمان چریکهای فدایی خلق عضو این شورا بودند. میثاق شورای ملی مقاومت، استقلال، آزادی و عدم هژمونی بود. همه این گروهها در جریان انقلاب اسلامی، فعال بودند اما پس از عدم اقبال مردم به آنان و موفقیت روحانیت در انتخابات دوره اول مجلس شورای اسلامی، به سمت برخورد با حاکمیت کشیده شدند. شورای ملی مقاومت پس از ملاقات مسعود رجوی رهبر مجاهدین خلق (منافقین) با طارق عزیز معاون نخست وزیر عراق و خیانت آشکار او به کشور، دچار کشمکش و اختلاف شد و گروهها، یکی پس از دیگری از این شورا جدا شدند. ابوالحسن بنی‌صدر در شورای ملی مقاومت، آلت دست مسعود رجوی واقع شده بود. پس از ماجرای ملاقات طارق عزیز و تصمیم رجوی برای عزیمت به بغداد، بنی‌صدر به شدت با وی مخالفت کرد و در نهایت مسعود رجوی در ۲۰ اسفند سال ۶۲ نامه‌ای در ۱۴ صفحه به وی نوشت و به همکاری بنی‌صدر با شورای ملی مقاومت پایان داد.

۱- آقای صادق خلخالی در حوزه انتخابیه قم، رقیب آقای احمد آذری قمی ـ کاندیدای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ـ بود.

عمومی برای تبلیغ انتخابات استفاده شود و نطق نمایندگان و مطرح شدن آنها، ممکن است از این جهت اشکال داشته باشد؛ امّا شورای نگهبان به عنوان ناظر برانتخابات، نظر داد که مجلس باید کار عادی خود را انجام دهد. ساعت ده [صبح]، دستورات جلسه تمام و جلسه ختم شد[1].

در دفترم، چند ملاقات داشتم. نمایندگان، برای حل مشکلات مربوط به انتخابات، مراجعه می‌کردند. بعضی‌ها، تأیید می‌خواستند که به خاطر پرهیز از دخالت در انتخابات، از دادن تأیید خودداری کردم. در مجموع انتخابات آزاد است. داوطلب‌های زیادی دارد و مبارزات انتخاباتی شدید است.

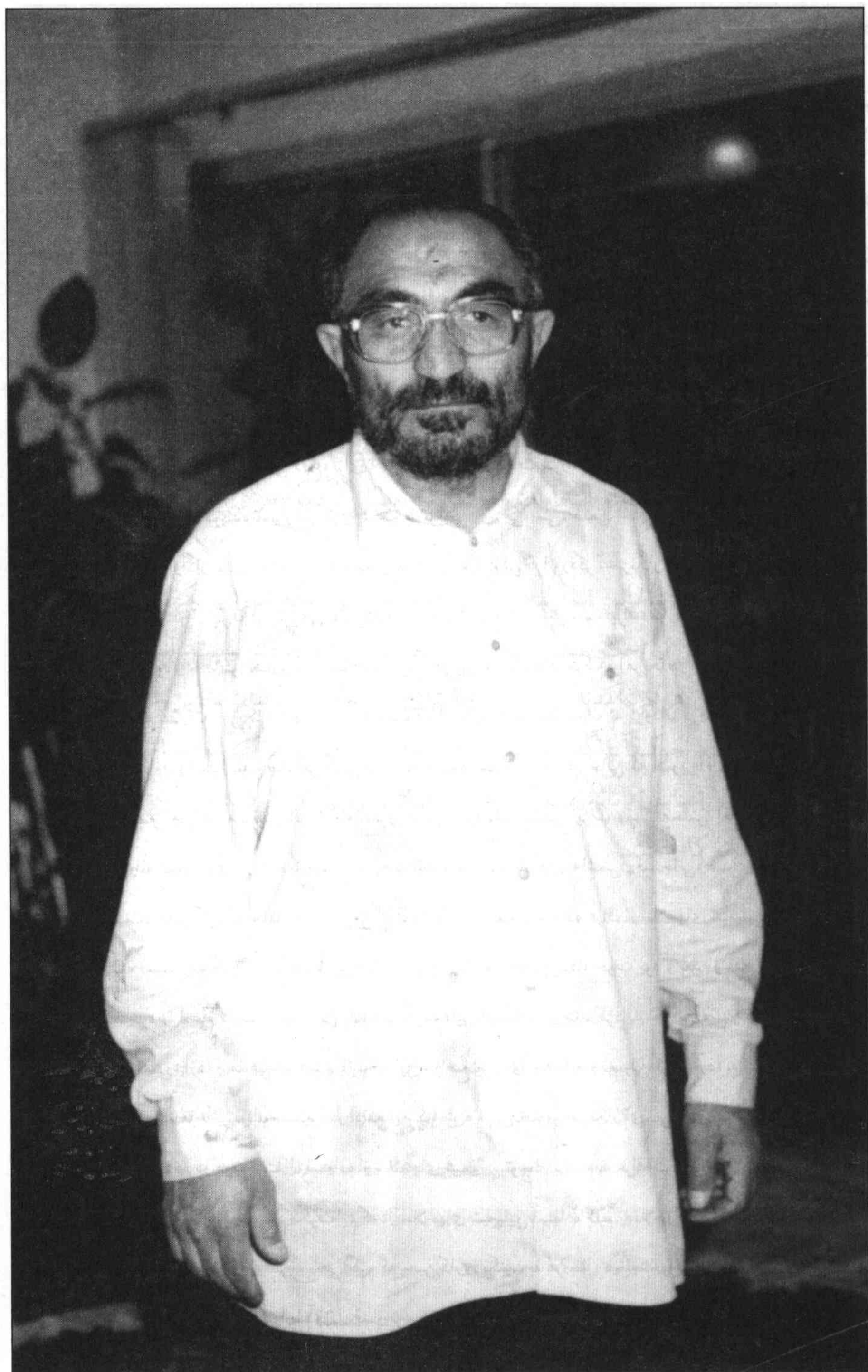
آقای [علی] شمخانی آمد. از وضع اطلاعات سپاه و عدم همکاری آقای [سیداسدالله] لاجوردی [دادستان انقلاب تهران] با سپاه ناراحت بود[2]؛ قرار شد کمک کنم. گفت که استقبال داوطلبان برای رفتن به جبهه، یک سوم مرحله اول طرح "لبیک یا خمینی" است؛ به خاطر عدم استفاده از نیروهای موجود در جبهه‌ها و شایعات مربوط به تلفات و انتخابات و کارهای [کشاورزی در] فصل بهار، استقبال مردم کم شده، ولی کافی است.

عصر، شورای عالی دفاع، جلسه داشت[3]. درباره عملیات خیبر و همچنین معافیت مأموریت

۱- در این جلسه، طرح قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه به تصویب نمایندگان رسید.

۲- در آن زمان، هنوز وزارت اطلاعات، شکل نگرفته بود و امور مربوط به امنیت داخلی و برخورد باگروههای ضدانقلاب توسط نهادهای موازی مانند اطلاعات نخست وزیری با مسئولیت آقای خسروتهرانی، اطلاعات سپاه با مسئولیت آقای علی شمخانی، دادستانی انقلاب اسلامی تهران با مسئولیت آقای اسدالله لاجوردی وکمیته‌های انقلاب اسلامی با مسئولیت آقای علی فلاحیان انجام می‌شد. در برخی مواقع، حتی احزاب و سازمانها نیز به طور مخفی و آشکار به این امور مبادرت می‌ورزیدند؛ مثلاً گروه مربوط به آقای سید مهدی هاشمی در داخل و خارج ازکشور به اقدامات خودسرانه‌ای در راستای مسایل امنیتی اقدام می‌کرد. در نهایت با تشکیل و آغاز به کار وزارت اطلاعات، دامنه فعالیت نهادهای موازی،کنترل و محدود شد.

۳- در این جلسه که به ریاست آیت‌الله خامنه‌ای رئیس شورای عالی دفاع و با حضور آقای هاشمی رفسنجانی نماینده امام در شورا، میرحسین موسوی نخست وزیر، سرتیپ قاسمعلی ظهیرنژاد رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، محسن رضایی فرمانده کل سپاه پاسداران، سرهنگ محمد سلیمی وزیر دفاع، محمد علی نظران دبیر شورای عالی دفاع وکمال خرازی مسئول ستاد تبلیغات جنگ تشکیل یافت، دربارهٔ مسایل مربوط به بازدید خبرنگاران خارجی از جبهه‌ها،کاربرد سلاح شیمیایی از طرف عراق و واکنش کشورها و مجامع بین‌المللی، بحث و تبادل نظر به عمل آمد.



شهید سید اسداله لاجوردی

سربازان مورد نیاز در ارگانهای دولتی، بحث شد. من به خاطر ممنوع بودن تبلیغ در رسانه‌های دولتی، مصاحبه نکردم؛ چون نامزد نمایندگی مردم تهران در انتخابات [دوره دوم] مجلس هستم[1].

رئیس جمهور مصاحبه کردند. ظاهر نشدن من در صداوسیما، شایعهٔ سوء قصد به جان من را - که دو سه روز است، رادیوهای بیگانه به دروغ مطرح کرده‌اند - جان داده است. شب، با ["بیل ردکر"] خبرنگار شبکه تلویزیونی ای.بی.سی آمریکا، مصاحبه مفصلی داشتم[2]. جامعه روحانیت

۱- آقای هاشمی رفسنجانی، علاوه بر نمایندگی امام خمینی در شورای عالی دفاع، وظیفه سخنگویی این شورا را عهده‌دار بود و همواره بعد از اتمام جلسه شورای عالی دفاع، برای آگاهی مردم از مصوبات شورا، مصاحبه می‌کرد.

۲- در این مصاحبه، ابتدا گوینده اخبار سراسری شبکه تلویزیونی ای. بی. سی، ضمن اشاره به ادامه جنگ عراق و ایران و استفاده از گاز خردل و گاز عصبی علیه ایران، توجه بینندگان را به گزارش "بیل ردکر" خبرنگار این شبکه در تهران جلب کرد و گفت: همانطورکه ردکر از تهران گزارش می‌دهد، انتقادات آمریکا از عراق در پایتخت ایران، مورد توجه قرارگرفته است. سپس، گزارش خبرنگار خود را با پخش تصاویری از سفارت آمریکا در تهران و تابلوهای مرگ برآمریکا در حوالی آن به این ترتیب آغاز کرد: "از زمانی که سفارت آمریکا در تهران، تصرف شد و آمریکایی‌ها در سفارتخانه به گروگان گرفته شدند، ایران، آمریکا را شیطان بزرگ می‌نامد و احساسات ضدآمریکایی رواج داده شده است." سپس در حالی که تصویر آقای هاشمی رفسنجانی در حال مصاحبه پخش می‌شد، خبرنگار افزود: "اما امروز یکی از رهبران سیاسی ایران، رئیس مجلس آقای رفسنجانی، دیدگاه معتدل‌تری را ارائه نمود." وی در ادامه، ضمن اشاره به انجام مصاحبه با آقای هاشمی رفسنجانی، صدای مترجم را که لهجه آمریکایی داشت، پخش کرد که به نقل از ایشان می‌گفت: "اخیراً در رابطه با استفاده عراق از سلاحهای شیمیایی، آمریکا قدمهای اولیه‌ای برداشته است. محکوم کردن اعمال عراقیها توسط وزارت خارجه آمریکا، خوب بود و بعد از آن، رسانه‌های جمعی آمریکا وظیفه خود را انجام دادند. برای اولین بار، آنها گوشه‌هایی از حقایق را بیان کردند، اما این مقدار ما را از تغییر مواضع آمریکا، مطمئن نمی‌سازد. و ما می‌خواهیم بدانیم که این مواضع بر روی چه پایه و اصولی قرار دارد. به هرحال همین مقدار، مطمئناً بر روحیه مردم ما تأثیر داشته است." در ادامه این گزارش، سپس تصویر خبرنگار ای. بی. سی در تهران پخش شد که از آقای هاشمی رفسنجانی در مورد احتمال استفاده از سلاحهای شیمیایی توسط ایران علیه عراق سوال کرد، سپس مترجم آمریکایی به نقل از ایشان گفت: "ما هنوز تصمیم نگرفته‌ایم که از سلاحهای شیمیایی استفاده کنیم. اسلام و قرآن به ما اجازه می‌دهد که به چنین اقدام مشابهی دست بزنیم، اما ترجیح می‌دهیم که چنین کاری نکنیم. به هر حال عجله نخواهیم کرد و امیدواریم که سازمان ملل و دیگر سازمانهای بین‌المللی با وارد آوردن فشار برعراق، این کشور را وادار به متوقف ساختن استفاده از سلاحهای شیمیایی

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

مبارز درباره انتخابات و تبلیغات و ... جلسه داشت. شب را در مجلس ماندم.

چهارشنبه ۱۵ فروردین ۱۳۶۳

نزدیک صبح، خواب هولناکی دیدم و بیدار شدم و دیگر نخوابیدم. با آقایان صیاد شیرازی، محسن رضائی و موسوی قویدل درباره جبهه‌ها تماس گرفتم؛ وضع بد نیست. با [سرهنگ هوشنگ صدیق] فرمانده نیروی هوائی، درباره عدم تحرک دفاع هوائی در جبهه صحبت کردم؛ ناراحت شد. خواهان ملاقات شد. در جلسه علنی مجلس، هشت طرح و لایحه به تصویب رسید. به خاطر نگرانی‌های نمایندگان برای انتخابات، نشاطی در مجلس نیست و بحث کم می‌شود. غیبت هم زیاد است؛ بنابراین تا انجام انتخابات، مجلس را تعطیل کردیم، برای اینکه نمایندگان به تبلیغات انتخابات برسند.

ظهر، آقای [صادق]خلخالی [نماینده قم] به دفترم آمد؛ از اینکه شورای نگهبان، صلاحیت ایشان را رد کرده، خیلی ناراحت است. تصمیم به مقاومت دارد و حاضر نیست، استعفا بدهد.

فرماندهان نیروی هوائی آمدند و آمار اقدامات انجام شده در عملیات خیبر را دادند؛ خوب است. از اینکه از عدم تحرک آنها گله شده بود، ناراحتند؛ مخصوصاً چون گفته بودم، اختلاف آقایان [هوشنگ] صدیق و [عباس] بابائی مانع کار است، اختلاف را نفی می‌کردند؛ ولی اختلاف دارند و همین اختلاف مانع کار است.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

بنماید". در ادامه این گزارش، در حالی که تصاویری از تظاهرات جوانانی که شعار مرگ بر آمریکا می‌دادند، پخش شد، ردکر گفت: "آقای رفسنجانی اذعان کرده که بچه‌های ۱۷ ساله در جنگ با عراق شرکت داشته و جنگیده‌اند، اما وی همچنین گفت که از آنها خواسته است که در آینده چنین کاری انجام ندهند." در این مصاحبه، دربارهٔ نتیجه محکومیت عراق در کاربرد سلاحهای شیمیایی، شرایط جمهوری اسلامی در استفاده از سلاح شیمیایی در جنگ، حضور وسیع رزمندگان در جبهه‌ها، بستن تنگه هرمز، اعزام کودکان به جبهه‌ها، لغو دیدارهای امام خمینی، پیشرفت در پایان دادن به جنگ و نظر جمهوری اسلامی درباره ایالات متحده آمریکا، سوالاتی از طرف خبرنگار شبکه تلویزیونی ای. بی. سی آمریکا مطرح شد و آقای هاشمی رفسنجانی به این سوالات پاسخ داد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

گروهی از رزمندگانِ داوطلب اعزام به جبهه آمدند و انتقاداتی به سبک کار جنگ داشتند؛ از بی‌نظمی و کمیِ آتشِ حمایت و نرسیدن به مجروحان و اجساد شهدا، ناراحت هستند.

عصر، جلسه هیأت رئیسه مجلس داشتیم؛ بیشتر بحث دربارهٔ ترکیب مجلس آینده و رفع عیوب برای دوره آتی بود. دربارهٔ اثراتِ منفیِ نطق‌های پیش از دستور ـ که معمولاً روی نقاط ضعف و کمبودها تکیه می‌شود و به طور مستقیم پخش می‌گردد ـ و مقایسه آن با اثرِ مثبت آزادیِ بی‌نظیر، بحث کردیم. آقایان [اسدالله]بیات و [اسماعیل] شوشتری هم، طرحی برای تعزیرات آوردند که آن را با آقای موسوی اردبیلی [رئیس دیوان عالی کشور] در میان گذاشتم. به اعضای هیأت رئیسه مجلس، تعدادی از کتاب‌های خودم را به عنوان عیدی دادم.

شب، سران قوا و احمد آقا و [آقای علی اکبر ولایتی] وزیر امور خارجه و آقای [علی اکبر]محتشمی[پور] ـ که بعد از سوء قصد [در سوریه]، با دست‌های قطع شده و یک گوش ناشنوا به ایران آمده[1] ـ در مجلس مهمان من بودند. درباره موضوع پرداخت وام به سوریه و پذیرفتن "رفعت اسد" [برادرِ رئیس جمهور سوریه] تصمیم گرفتیم. راجع به نظام دادن به اموال مصادره شده هم بحث شد. آقای موسوی اردبیلی از عمران جزایر ابوموسی و کیش راضی بود. از موضع‌گیری منفی شوروی‌ها و حمایت بیشتر آنها از عراق هم صحبت شد. آقای محتشمی‌پور، مأمور مذاکره با عربستان سعودی شد که خودشان خواسته‌اند. آخر شب به خانه آمدم.

پنجشنبه ۱۶ فروردین ۱۳۶۳

به مناسبت حلول سال جدید، با کارکنان مجلس [شورای اسلامی] ملاقات داشتم؛ برای آنها دربارهٔ حل شدن مشکل کارکنان ادارات رژیم گذشته صحبت کردم[2]. بعدازظهر، چند ملاقات داشتم. آقای دکتر مغاره‌ای [پزشک جراح] مطالبی درباره پیشرفت فن جراحی پلاستیک در ایران

۱- حجت‌الاسلام والمسلمین علی اکبر محتشمی‌پور، سفیر ایران در جمهوری عربی سوریه در تاریخ ۲۶ بهمن ۱۳۶۲ در اثر انفجار یک بسته پستی در سفارت جمهوری اسلامی در دمشق مجروح شد. بمب در داخل یک کتاب تعبیه شده بود.

۲- در این سخنرانی دربارهٔ اصلاح بافت اداری کشور و مقایسه آن با ممالک دیگر به ویژه کشورهایی که در آن انقلاب رخ داده، مطالبی مطرح شده است. برای مطالعه متن کامل رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم" زیر نظر محسن هاشمی، دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

گفت و خواستار ارائه تسهیلات برای شرکت پزشکان در کنفرانس‌های بین‌المللی بود.

آقای [بیژن نامدار]زنگنه وزیر جهاد سازندگی آمد و از لزوم تأسیس صنایع مناسب در روستاها، برای جلوگیری از مهاجرت روستائیان به شهرها مطالبی گفت.

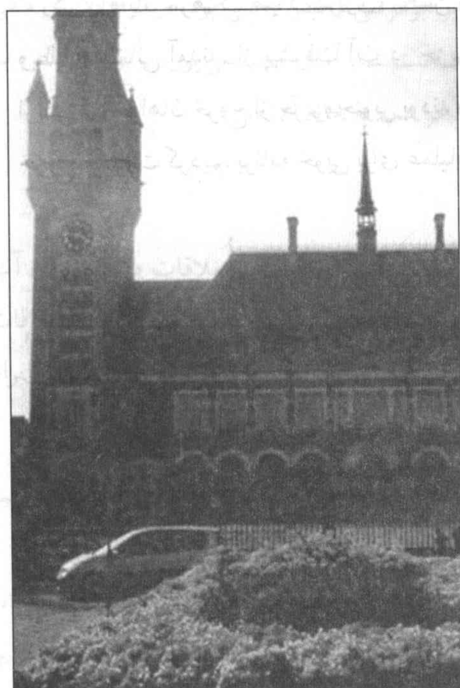
عصر، آقا سید محمود، فرزند آیت‌الله [مرعشی] نجفی آمد و برای آینده کتابخانه آیت‌الله مرعشی در قم مشورت نمود. وی خواستار جواز ورود چاپخانه "کاپولت" بود. دکتر [حمید]بهرامی از لاهه آمد و نظراتی درباره ماندن یا خروج از داوری لاهه مطرح کرد؛ قبول ادعاهای افراد دارای تابعیت‌های مضاعف[1]، مشکلی پیش آورده است. آقایان [قربانعلی]دّری و [محمدعلی] هادی و [غلامحسین]نادی نجف‌آبادی آمدند و انتقاداتی به روش جاری جنگ داشتند.

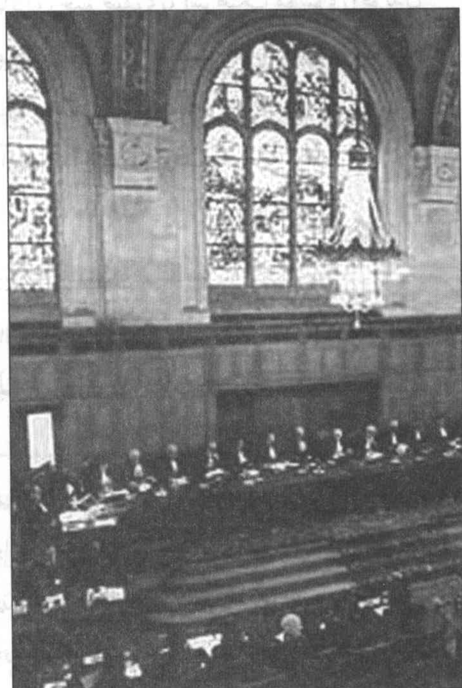
آقای [علی]شمخانی و کادر مدیریت اطلاعات سپاه آمدند؛ محدودیت‌هایی که آقای [اسدالله]لاجوردی [دادستان انقلاب تهران] برایشان بوجود آورده است، مطرح کردند و راه حل می‌خواستند. در مورد دستگیری اعضای ارتش سری ارامنه ـ که اخیراً علیه سفارت ترکیه، عملیاتی در ایران انجام داد ـ مطالبی مطرح شد[2].

شب آقایان سرهنگ صیاد شیرازی، محسن رضائی، رحیم صفوی، [سرهنگ موسوی] قویدل و علی شمخانی آمدند. از پیشرفت آب در جزیره مجنون، به دلیل شکستن سد ناراحت بودند. ارتشی‌ها، خواهان خروج از جزیره جنوبی بودند و سپاه مخالف آن بود. آقای خامنه‌ای و من هم، با خروج مخالفت کردیم. برنامه خوبی برای عملیات آینده ندارند. دیر وقت به خانه آمدم.

۱- منظور از افراد دارای تابعیت مضاعف، ایرانیانی است که در ایالات متحده آمریکا مقیم شده و تابعیت این کشور را کسب کرده بودند. این افراد با استفاده از توافق ایران و آمریکا در بیانیه الجزایر، به عنوان شهروند آمریکایی از جمهوری اسلامی، طلب خسارت می‌کردند.

۲- ارامنه به دلیل یک اختلاف تاریخی با دولت وقت عثمانی دربارهٔ کشتار ارمنی‌های ترکیه، آن موضوع را همه ساله در کشورهای مختلف از جمله ایران تکرار می‌کنند و خواستار عذرخواهی دولت ترکیه می‌شوند. ارتش سری ارامنه (داشناک)، از گروههای تروریستی مسلح، در دوره پهلوی شکل گرفت و بعد از پیروزی انقلاب، اقداماتی علیه ترکیه صورت داد. دامنه فعالیت این حزب مخفی سیاسی، در سالهای بعد مهار شد. ارتشبد حسین فردوست، رئیس سازمان بازرسی شاهنشاهی در کتاب خاطرات شخصی خود، به نحوه تشکیل ارتش سری ارامنه و فعالیت‌های آن اشاره کرده است.





دادگاه لاهه

جمعه ۱۷ فروردین ۱۳۶۳

امروز، تمام وقت در منزل بودم. آقای [محمدرضا]مهدوی کنی، نماز جمعه[تهران] را اقامه کردند. تماس تلفنی هم بسیار کم بود. احمد آقا گفت، آقایان [صادق]خلخالی و [سیدحسین]موسوی تبریزی ـکه صلاحیت نمایندگیشان را شورای نگهبان رد کرده است ـگفته‌اند، خودمان را آتش می‌زنیم؛ لابد شوخی است. امام هم گفته‌اند، دخالت نخواهند کرد و فقط تا این حد گفته‌اند که شورای نگهبان، جلسه‌ای برای شنیدن دفاع آنها تشکیل دهد؛ چون ادعا کرده‌اند که دفاع ما را نشنیده و اتهام را ابلاغ نکرده‌اند.

شنبه ۱۸ فروردین ۱۳۶۳

تا ساعت نه صبح، مطالعه می‌کردم. جلسه شورای سرپرستی سازمان صداوسیما داشتیم. مطابق معمول، مواردی به تصویب رسید. آقای [احمد]جنتی از شورای نگهبان، تلفن زدند و از اینکه امام، حذف آقایان خلخالی و موسوی تبریزی را به مصلحت ندانسته‌اند و به اعضای شورای نگهبان هم اجازه ملاقات نداده‌اند، ناراحت بودند. از من کمک خواستند که ملاقات بگیرم؛ ساعتی بعد اطلاع دادند که تعقیب نکنم. دوباره عصر، آقای امامی کاشانی [عضو فقهای شورای نگهبان] خواستند که یا خودم مطالب آنها را به امام عرض کنم و یا اجازه ملاقات بگیرم؛ دومی را ترجیح دادم. تلفنی از احمدآقا خواستم، مشکل را رفع نمایند. برایشان وقت گرفتند.

عصر، رئیس جمهور به منزل آمدند و راجع به اختلافات ارتش و سپاه ـ در حقیقت اختلاف سرهنگ صیاد شیرازی و محسن رضائی ـبحث طولانی کردیم؛ کمی پیش رفت، ولی نتیجه کامل نداشت. باید منتظر نتیجهٔ مرحله دوم عملیات خیبر بمانیم. احمد آقا هم به ما ملحق شد. درباره [وزارت] اطلاعات بحث شد؛ قرار شد به فکر وزیر صالح باشیم و برای رفع اختلاف آقای [اسدالله]لاجوردی [دادستان انقلاب تهران] با اطلاعات سپاه هم، از آقای لاجوردی بخواهیم، همان اختیارات گذشتهٔ سپاه را تا رسیدن به انجام کار [تأسیس] وزارت اطلاعات به آنها برگرداند. آقای [عبدالمجید]معادیخواه هم آمد و برای کار بنیاد تدوین تاریخ [انقلاب اسلامی] تصمیماتی گرفتیم؛ قرار شد بودجه آن را از امام بگیریم. در جبهه هم مطلب تازه‌ای نداشتند.

یکشنبه ۱۹ فروردین ۱۳۶۳

صبح به مجلس رفتم. چند نفر از کارکنان مجلس، برای حل مشکلات مربوط به مسکن مراجعه کردند. [آقای فیلیپ ناز] سفیر مجارستان و [آقای محمد سخاوت الباری] سفیر بنگلادش در تهران به ملاقات آمدند؛ دومی راجع به جنگ حرف داشت و می‌خواست موضع ما را برای صلح بفهمد.

آقای [کمال]خرازی [مدیر عامل سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی] آمد و برای کسب اجازه از مجلس، برای رسمی کردن کارکنان قراردادی خبرگزاری [جمهوری اسلامی]، استمداد می‌کرد.

جمعی از مسئولان دادستانی انقلاب اسلامی مرکز و مسئولان زندانها آمدند. از خطر منافقین می‌گفتند و مقصودشان، جلوگیری از آزادی و عفو زندانیانی بود که اخیراً آیت‌الله منتظری روی آن تکیه دارند؛ حدود ۱۲ هزار زندانی در تهران دارند.

با [آقای عبدالقادر شائول حمید] وزیر امور خارجه سری‌لانکا ملاقات کردم. بیشتر درباره صلح با عراق حرف زد؛ روی تأمین شرایط ایران تکیه کردم[1]. سلمانی آمد و سرم را اصلاح کرد.

عصر، شورای مرکزی حزب [جمهوری اسلامی] جلسه داشت. بررسی وضع انتخابات و تبلیغات، وقت را گرفت. معلوم شد، شورای نگهبان از ملاقات با امام در مورد [رد صلاحیت] آقایان خلخالی و موسوی تبریزی نتیجه‌ای نگرفته است؛ بعضی‌ها از اینکه امام، مانع حذف آقایان خلخالی و موسوی تبریزی توسط شورای نگهبان شده‌اند، ناراحت بودند.

اول شب، با آقایان خامنه‌ای و ربانی املشی جلسه داشتیم. بیشتر در همین مورد صحبت کردیم. به خانه آمدم. همشیره فاطمه و همشیره‌زادگان مهمان بودند؛ دیر وقت خوابیدیم. شایعه سوء قصد به جان من، از هفته گذشته توسط رسانه‌های بیگانه مطرح شده[2] و به دلیل اینکه به خاطر ممنوعیت

۱- در این ملاقات، آقای هاشمی رفسنجانی به وزیر امور خارجه سریلانکا گفت: "از اول که انقلاب اسلامی ایران، به پیروزی رسید، سیاست ما همواره گسترش و توسعه روابط با کشورهای همسایه و جهان سوم و مسلمان بود و براین سیاست ایستاده‌ایم و هر روز آن را توسعه می‌دهیم."

۲- گروههای ضدانقلاب با استفاده از فرصت عدم پخش مراسم دیدارها و سخنرانی‌های ایشان از رادیو و تلویزیون ـ به علت منع تبلیغات در رسانه‌های دولتی ـ شایع کرده بودند که آقای هاشمی رفسنجانی به اتفاق سه تن از محافظین خود، هدف حمله

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

دوران تبلیغات انتخابات، در رسانه‌های دولتی ظاهر نمی‌شوم، جا افتاده است. در این مورد مردم خیلی سئوال می‌کنند. ناچار برای کم کردن اثر این شایعه، تصویر ملاقاتم با وزیر امور خارجه سری‌لانکا را تلویزیون پخش کرد.

دوشنبه ۲۰ فروردین ۱۳۶۳

امروز، در منزل بودم و بیشتر به مطالعه پرداختم. دکتر [هادی]منافی [وزیر بهداری] آمد و درباره مشکل جنین‌های ناقصی که پزشکان تشخیص می‌دهند، به محض تولد می‌میرند و فقهاء اجازه سقط آنها را نمی‌دهند و همچنین مشکل اجازهٔ تغییر جنسیت مطلق در افراد مایل به تغییر و مشکل کثرت تولد در کشور صحبت کرد.

آقای [سیدهاشم]رسولی [محلاتی] از دفتر امام آمد. درباره آمادگی فرزندش و دوستان متخصص او، در خصوص کمک به صنایع نظامی صحبت کرد. درباره فیشهای «کلید قرآن»[1] هم مذاکره کردیم.

عصر، از زاهدان تلفن کردند و گفتند چون آقای زابلی نماینده جامعه سیستانی‌ها را رد صلاحیت کرده‌اند، عده‌ای در این شهر اجتماع نموده‌اند و احتمال آشوب است. آقای [منوچهر]متکی [نماینده کردکوی] تلفن کرد و گفت که قرار است آقا سید هادی خامنه‌ای را به

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

تروریست‌های سازمان مجاهدین خلق (منافقین) قرارگرفته و به شهادت رسیده است. این شایعه ابتدا در شهر اهواز پخش شد و سپس با انتشار خبر در مجله عربی "الخلیج" به آن بعد بین‌المللی داده شد. شایعه دیگری که در تهران پخش شده بود، گفته می‌شد رئیس مجلس شورای اسلامی از یک سوء قصد که توسط یکی از پاسداران وی صورت گرفته، جان سالم به در برده است!

۱- فیش‌های "کلید قرآن"، یک برنامه ابتکاری پژوهشی دربارهٔ قرآن کریم است که توسط آقای هاشمی رفسنجانی در دوران تحمل زندان رژیم پهلوی، آغاز شد. این فیش‌ها، توسط جمعی از متخصصین حوزه علمیه قم، تنظیم شده است که نتیجه آن آماده سازی و انتشار کتاب "تفسیر راهنما" است. که در ۲۰ جلد توسط انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم به چاپ رسیده است و هدف مهم دیگر آن "فرهنگ قرآن" است که به عنوان کلید گشودن ابواب قرآن تنظیم و شش جلد آن منتشر شده و ده جلد دیگر آن آماده چاپ است و همه آنها مقدمه یک تفسیر کامل موضوعی قرآن است و محققان دفتر تبلیغات اسلامی با استناد به آنها مشغول تدوین دائرةالمعارف قرآن هستند.

بندرگز ببرند تا به نفع رقیب او تبلیغ کنند؛ نگران بود که از عنوان ریاست جمهوری سوء استفاده شود.

از بعضی حوزه‌های انتخاباتی، گزارش می‌رسد که بعضی از نامزدها، از روابطی که با من داشته و دارند، در تبلیغات بهره می‌گیرند. گفتم در مواردی که به حساب حمایت و دخالت من در انتخابات می‌آید، تکذیب شود.

گزارشها را آوردند، خواندم. آقا شیخ علی تهرانی[1] ـ که در مشهد تحت نظر بوده ـ فرار کرده و به عراق پناهنده شده است. وی از طریق رادیو و تلویزیون عراق، علیه انقلاب اسلامی صحبت می‌کند و دشمنان نیز قضیه را بزرگ می‌کنند؛ شاگرد امام و شوهر خواهر رئیس جمهور و... است.

سه شنبه ۲۱ فروردین ۱۳۶۳

تمام روز را در منزل بودم. آقای [محمدرضا]توسلی [از دفتر امام]آمد و دعوت کرد که ایام ماه

۱- شیخ علی تهرانی یکی از شاگردان امام خمینی است که در دوران پهلوی، به مبارزه با رژیم پرداخت و در این راه به زندان افتاد. وی در سالهای بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، موضع‌گیری‌های ضد و نقیض دربارهٔ وقایع مختلف اتخاذ کرد و به همین دلیل به مدت کوتاهی پس از انقلاب، منزوی شد. شیخ علی تهرانی به انتقاد علنی از سیاستهای نظام جمهوری اسلامی می‌پرداخت و در کلاسهای درس، از مسئولان رده بالای جمهوری اسلامی بدگوئی می‌کرد. وی در سال ۶۳ در یک اقدام خائنانه، به عراق پناهنده شد و در رادیو فارسی زبان بغداد به تبلیغات سوء علیه جمهوری اسلامی مشغول گردید. دروغگویی و پشت هم اندازی در سخنان او موجب شد، بعد از مدتی کوتاه، رژیم عراق به عدم اثربخشی تبلیغات وی آگاه شود. شیخ علی تهرانی در خرداد ماه سال ۷۴ بعد از یک دهه خیانت آشکار به جمهوری اسلامی، به علت سرخوردگی و شکست و با پی‌بردن به حقانیت جمهوری اسلامی، تقاضای بازگشت به کشور را مطرح کرد و بعد از تقاضاهای مکرر، خود را در یکی از پاسگاههای مرزی، تسلیم نمود. در آن زمان اعلام شد که وی به علت سالخوردگی، وضع جسمانی مناسبی ندارد و از نظر روحی و روانی نیز از تعادل برخوردار نیست. شیخ علی تهرانی ازکارهای گذشته خود اظهار ندامت کرد و خود را مستوجب اشد مجازات دانست. وی در تابستان سال ۶۳ پس از فرار از کشور، در مصاحبه‌ای با روزنامه آلمانی "اشپیگل" به دروغگویی پرداخت؛ از جمله گفت: "آقای رفسنجانی به من گفته است که اگر ما عراق را به دست آوریم، دو کشور ما به صورت یک کشور و آن هم بزرگترین صادرکننده نفت، در خواهد آمد. ما جمعاً ۶۰ میلیون جمعیت خواهیم بود و قدرت عظیمی در اقتصاد جهانی در دست خواهیم داشت." وی اکنون آزاد شده و در تهران سکونت دارد.

رمضان را، در جلسات دانشگاه امام صادق(ع) سخنرانی کنم؛ نپذیرفتم.

احمد آقا آمد و جریان مذاکرات اعضای شورای نگهبان با امام را [دربارهٔ رد صلاحیت آقایان خلخالی و موسوی تبریزی] گفت و اینکه امام به آنها گفته‌اند، در هر موردی که تشخیص بدهند به ضرر انقلاب است، دخالت می‌کنند و اشاره به تلاش‌های چند روز گذشته بعضی‌ها، از جمله اعضای شورای نگهبان ـ در مورد منع خانم‌ها از شرکت در انتخابات ـ کرده‌اند و آنها منکر شده و امام گفته‌اند که از اعضای خودتان آمدند و گفتند که شورای نگهبان، چنین تصمیمی دارد.

حادثه پریروز مدرسه فیضیه را نقل کرد که طلبه‌ها، علیه جامعه مدرسین [حوزه علمیه قم] شعار داده‌اند. قرار شد از امام برای مخارج بنیاد تدوین تاریخ انقلاب اسلامی، کمک مالی بگیرد. به دفتر هم تلفن کردم که [پسرم] مهدی را به چاپخانه مجلس، برای گذراندن طرح کاد[1] معرفی کنند؛ به خاطر مسائل امنیتی به جاهای دیگر نمی‌تواند برود.

بعد از ظهر، وقتم به خواندن خاطرات "هامیلتون جردن" آمریکائی، درباره مسائل گروگان‌گیری جاسوسان آمریکائی در ایران گذشت. کتابی خواندنی است و حاکی از ضعف غول آمریکا است[2].

شب، آقای لاجوردی [دادستان انقلاب تهران] و جمعی از همکارانش آمدند. درباره رفع اختلاف آنها با اطلاعات سپاه بحث کردیم؛ ظاهراً توافقی حاصل شد. شب، مهمان آقای رسولی محلاتی بودیم؛ بحث بیشتر درباره انتخابات بود. نیمه شب، با تلفن آقای [محسن]رضائی از جبهه، بیدار شدم.

چهارشنبه ۲۲ فروردین ۱۳۶۳

ساعت هشت صبح، برای انجام کارهای اداری و ملاقات‌ها به مجلس رفتم. مجلس به خاطر

۱- طرح کاد ـ کار و دانش ـ طرحی بود که پس از انقلاب اسلامی در آموزش و پرورش رایج شد. طبق این طرح، هر دانش آموز دبیرستان، باید یک روز از روزهای هفته را به کارآموزی عملی یک حرفه می‌پرداخت.

۲- هامیلتون جردن، یکی از دولتمردان آمریکا و از نزدیکان صمیمی جیمی‌کارتر رئیس جمهور وقت ایالات متحده است. وی در کتاب خاطرات خود، به ذکر جزئیات مربوط به حمله ناموفق هوایی ارتش آمریکا برای آزادسازی گروگانها و شکست آنها در صحرای طبس می‌پردازد آقای هاشمی رفسنجانی در خطبه‌های هفتم اردیبهشت ۱۳۶۳ درباره مطالب این کتاب، تحلیلی ارائه داده است.

انتخابات دوره دوم، تعطیل است. ساعت نه صبح، اعضای ستاد [برگزاری] نماز جمعه [تـهران] آمدند. گزارشی از وضع [ساخت] مصلّی [امام خمینی] دادند. ساعت ده، آقای دهقان فرمانده سپاه پاسداران در لبنان آمد. وضع لبنان را خوب تشریح کرد؛ مدعی است، کارها را روی روالی انداخته که در آینده، خود لبنانی‌ها خودکفاَ شوند. سعی در پیداکردنِ جانشین دارد. در مورد شورای لبنان ولزوم ارتباط بیشتر با شورای عالی دفاع و تقویت آقای [علی اکبر]محتشمی [پور]، مطالب خوبی داشت.

آقای خسرو تهرانی [رئیس اطلاعات نخست وزیری] آمد. از سردرگمی نیروهای اطلاعاتی و خطر از هم پاشیدن آنها مطالبی گفت؛ حق دارد. تعیین نشدن وزیر اطلاعات، کار را مشکل کرده است.

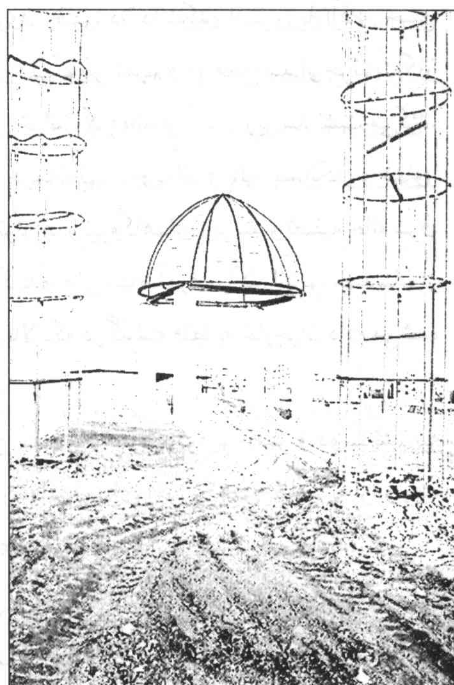
سفرای ایران در کشورهای فنلاند و بنگلادش آمدند. سفیر [ایران در] بنگلادش از وضع بد حکومت آنجا و قدرت نهضت خلافت و همچنین از کمی نیروهای متخصص و متفکر نهضت و بی‌برنامگی آنها، مطالبی گفت. آقای لواسانی سفیرمان در تانزانیا، برای خداحافظی آمـد. عـقد فرزند شهید حیدری را بستم و هدیه‌ای به او دادم.

گروهی از اعضای صنف برنج فروشان آمدند و دل پری از دولت و بسیج اقتصادی ـ به خاطر طرح برنج ـ داشتند. گفتم طرح برنج، موفق نبوده است و باید لغو شود. عصر [آقای حسن عابدی جعفری] وزیر بازرگانی و معاونانش آمدند و توضیحاتی درباره کارشان دادند. دولتی شدن بخشی از بازرگانی کشور، مشکلات زیادی دارد و وجود نیروهای کم تجربه، کار را مشکل‌تر کرده است.

مسئولان سازمان تبلیغات اسلامی آمدند. طرحی برای تبلیغات در استان کردستان داشتند. قرار شد از شورای عالی دفاع، بودجه و تصویب بگیریم. آقای نوراللهی از قم آمد و از مدیرکل آموزش و پرورش قم، گله داشت. خانم اژه‌ای و خانم معتمدی از حزب جمهوری اسـلامی آمـدند و از مسئولان اجرائی حزب و شاخه خواهران، شاکی بودند.

شب، مهمان آقای موسوی اردبیلی بودیم. مسئولان دفتر لاهه و بیانیه الجزایر آمدند. با توجه به تصویب صلاحیت دیوان در رسیدگی به دعاوی تابعیت‌های مضاعف، برای تعلیق یا خـروج از داوری لاهه بحث شد؛ تصمیم گرفتیم، اینگونه دعاوی را بایکوت و در صورت ادامه، تهدید به تعلیق و خروج کلی کنیم. دیر وقت به منزل آمدم.





آماده سازی مصلای امام خمینی (ره)

پنجشنبه ۲۳ فروردین ۱۳۶۳

تمام روز در منزل بودم. بیشتر به مطالعه پرداختم. تازه مهمی در سطح جهان و جبهه‌ها نداشتیم. آقای محسن رضائی، از عدم تحرک در قرارگاه کربلا گله داشت. از قرارگاه خاتم، خواستم که تحرک را مطابق برنامه‌ها زیاد کنند. آب از غرب جزیره جنوبی مجنون به شرق آن هم سرایت کرده است و رزمندگان آن را سد کرده‌اند.

عصر، احمد آقا آمد و راجع به اظهارات بی‌اساس علی آقا تهرانی از رادیو بغداد و فحاشی‌های او گزارشی داد. راجع به انتخابات و برنامه‌های صداوسیما هم بحث شد. آقای سرهنگ [محمد] سلیمی، وزیر دفاع هم آمد. از اظهارات من در خصوص لزوم تقویت صنایع دفاع با نصب مدیران لایق، نگران بود و از عدم داشتن امکانات لازم و عدم توجه دولت به ضرورت و اولویت صنایع نظامی، گله داشت.

جمعه ۲۴ فروردین ۱۳۶۳

صبح زود، برای بازدید از سد لار، از خانه بیرون رفتیم. در دانشکده افسری با [آقای حسن غفوری‌فرد] وزیر نیرو و چند مهندس مربوطه، سوار هلی‌کوپتر شدیم و در محل سد از جزئیات کار بازدید کردیم. پیمانکار ایتالیائی و مشاور انگلیسی خیانت کرده‌اند و آب از زیر سد نشت می‌کند. مهندسان ایرانی، طرحی برای بستن منافذ با تزریق سیمان تهیه نموده‌اند و علیه پیمانکار و مشاور هم طرح دعوی کرده‌اند؛ سد خاکیِ عظیمی است. تونل‌ها و نیروگاههای زیر سد و تصفیه خانه شرق تهران را هم بازدید کردیم. روز پر حرکت و خسته کننده، ولی نشاط‌آوری راگذراندیم. مهندسان از اینکه به آنها اعتماد شده وکارهای پیچیده و سطح بالا ـ که درگذشته فقط به خارجیان داده می‌شده ـ به آنها واگذار می‌شود، اظهار رضایت می‌کردند.

ناهار را در ویلای وزارت نیرو واقع در پائین سد لتیان صرف کردیم. یاسر و دوستانش نیز همراه ما بودند، اما مهدی از طرف مدرسه با همدرسهایش، برای آموزش‌های نظامی به اردو رفته است و همراه ما نبود. عفت و فاطی هم برنامه‌های شهر را بر دیدار از سد ترجیح دادند.

شب، پسر آقای رسولی [محلاتی] ـ که مهندس شیمی است ـ آمد و خواستار کمک برای آمدن دوستان همدرسش از انگلستان، برای خدمت در صنایع دفاع و... بود. گزارشها را از مجلس آوردند، خواندم؛ مطلب مهمی نداشت، جز تحرک جدید آمریکا در منطقه، برای نجات صدام و یا

برای مهار گسترش انقلاب اسلامی[1]. به خاطر خستگی، زود خوابیدم.

شنبه ۲۵ فروردین ۱۳۶۳

تمام روز را در منزل بودم. از ساعت نه صبح تا ظهر، مطابق معمول، جلسه شورای سرپرستی صداوسیما داشتیم. درباره تبلیغات جنگ و مسائل دیگری تصمیم‌گیری شد. عصر، احمد آقا آمد و اطلاع داد که سفیر عربستان، موضوع مذاکره [با ایران را] تعقیب می‌کند؛ ایشان، سرهنگ ریاحی معاون سرهنگ صیاد شیرازی را خواسته و تذکراتی به او داده است که به نظر خودشان مؤثر بوده و قول اصلاح داده است. در مورد کیفیت برخورد با سمپاشیهای شیخ علی تهرانی از رادیو بغداد هم تصمیماتی اتخاذ شد.

آقای [محسن] رضائی از جبهه تلفن کرد و برای نحوه رأی دادن رزمندگانی که شناسنامه ندارند، چاره‌جوئی می‌کرد؛ راهی به نظر نرسید. آقای صیاد شیرازی هم تلفن کرد و از عدم پیشرفت کارها گفت. آقای [ناطق نوری] وزیر کشور اطلاع داد که در زاهدان، آشوبگران سرکوب شده‌اند و عده‌ای ضدانقلاب کُرد و گروهکها را ـ که محرک بوده‌اند ـ شناسائی و دستگیر کرده‌اند. در سیرجان، به جان آقای [محمد]اخلاقی‌نیا، نماینده مجلس، سوء قصد شده و پایش مجروح گردیده است. در کهکیلویه هم، خبر از شلوغ کاری طرفداران یکی از نامزدها می‌دادند. در مجموع، کارهای انتخابات، نسبتاً آرام و متین پیش می‌رود.

۱- اشاره به مقاله مندرج در روزنامه وال استریت ژورنال با عنوان "کاخ سفید از تضعیف عراق در جنگ با ایران بیم دارد و دستور تهیه طرحهای جدیدی را در جهت تقویت عراق صادر کرده است." در این مقاله آمده است: "به گفته مقامات آمریکایی، در پی دستور محرمانه رونالد ریگان که اخیراً به امضاء رسیده، دولت ریگان، هیأت عالیرتبه‌ای را به کشورهای حوزه خلیج فارس اعزام داشته است. این هیأت که ریاست آن را ریچارد مورفی، معاون وزارت خارجه آمریکا برعهده دارد، از عربستان سعودی، شیخ نشین بحرین، مصر و عراق دیدار خواهد کرد. به توصیه پرزیدنت ریگان، نقش وزارت امور خارجه ایالات متحده در تهیه طرحهای جدید، چاره‌اندیشی در مورد جلوگیری از سقوط صدام است. این امر احتمالاً از طریق متقاعد ساختن کشورهای اردن و فرانسه به ارسال مقادیر بیشتر تسلیحات نظامی به عراق، می‌تواند انجام پذیرد".

یکشنبه ۲۶ فروردین ۱۳۶۳

تا ساعت هشت صبح، مطالعه می‌کردم. صندوق سیار برای اخذ رأی به بیت امام آورده بودند. با عفت و فاطی رفتیم و رأی دادیم؛ سی نفر برای مجلس شورای اسلامی و یک نفر برای مجلس خبرگان. سپس به باغچه حیاط پاسداران رفتیم و برای تکمیل فیلمهای بازدید از سد لار ـ که پریروز انجام شده بود ـ با تلویزیون مصاحبه‌ای کردم. مقدار زیادی عکس گرفتند. تلویزیون برنامه جالبی به طور زنده از سراسر کشور، برای نشان دادن وضع رأی‌گیری و انتخابات داشت. شرکت مردم در انتخابات امروز، نسبتاً خوب است.

شب، آقای محسن رضائی آمد و گزارشی از وضع جبهه داد؛ پیشرفت خوبی ندارند، بد هم نیست. اختلاف باقی است. ممکن است، سر موعد [برای انجام عملیات] حاضر نباشند. قرار شد منتظر نتیجه جلسات قرارگاه خاتم‌الانبیاء بمانیم. در جزیره مجنون هم فشار آب و حملات ایذائی هوائی ادامه دارد، اما عراقی‌ها، بیشتر برای ایجاد مانع در مقابل حملات ما، برنامه‌ریزی می‌کنند.

دوشنبه ۲۷ فروردین ۱۳۶۳

تمام روز را در منزل بودم. قرار بود از صنایع نظامی بازدید کنم که به خاطر ملاقات [سرهنگ محمد سلیمی] وزیر دفاع با امام، به روز دیگری موکول شد. نتایج انتخابات مجلس را در بعضی از حوزه‌ها اعلان کردند. [کاندیداهای] جامعه مدرسین [حوزه علمیه] در قم شکست خوردند. در بسیاری از حوزه‌ها در حد انتظار و پیش‌بینی نتیجه داده و تعداد کمی هم برخلاف پیش‌بینی ـ مثل جهرم و زرند کرمان ـ پیروز شده‌اند.

آقای سعیدالذاکرین، رئیس‌زاده و عباسی از دفترم و روابط عمومی مجلس آمدند. از رئیس دفتر گله داشتند، ولی حرف حسابی ارائه ندادند. شب، آقای مجید انصاری که در زرند کرمان از رقیب خود شکست خورده است، آمد. او برای شکست خود، ادله‌ای اقامه می‌کرد که قابل قبول نیست.

سه شنبه ۲۸ فروردین ۱۳۶۳

صبح زود به مجلس رفتم. بعد از مدتی تعطیلی ـ برای [حضور نمایندگان در عرصه] انتخابات ـ اولین جلسه بود. نمایندگانی که پیروز شده‌اند، خیلی خوشحال هستند و آنها که شکست خورده و یا به مرحله دوم افتاده‌اند، وضع روحی بدی دارند و نگه‌داشتن آنها در جلسه، مشکل است. پیش از

دستور، درباره انتخابات و سلامت و آزادی آن و شرکت گسترده مردم صحبت کردم[۱]. بعضی‌ها به سلامت آن اعتراض دارند، همهٔ انتخابات، مقداری تخلفات را داشته و دارند؛ فرهنگ و تربیت جامعه چنین است.

ظهر، چند ملاقات داشتم. عصر هم گزارشها را خواندم و کارهای اداری را انجام دادم. شب، جلسه جامعه روحانیت مبارز تهران داشتیم. بیشترِ صحبت‌ها درباره نتایج انتخابات بود. بعضی‌ها از شکست [کاندیداهای] جامعه مدرسین حوزه علمیه در قم ناراحت بودند و بعضی‌ها خوشحال. بحثی درباره تأسیس یک حوزه علمیه قوی در تهران، مطرح شد. قرار شد آماری از طلاب، مدرسین، مدارس و امکانات موجود [در تهران] تهیه شود. شام را همان جا خوردیم و من برای خواب به مجلس رفتم.

چهارشنبه ۲۹ فروردین ۱۳۶۳

بعد از نماز صبح تا ساعت هشت در دفترم کار کردم. در جلسه علنی، روز ارتش را تبریک گفتم[۲]. چند لایحه تصویب شد[۳]. به خاطر شکایت از انتخابات و توقع از من در مورد رسیدگی ـ که

۱- در این نطق آمده است: "علیرغم تبلیغات و سمپاشی‌های دشمنان اسلام و انقلاب، مردم ثابت کردند که همانند روزهای اول انقلاب و با عمقی از آگاهی و شعور، همراه انقلاب و در صحنه هستند. ما برای این مردم شهید پرور، غیور، هوشیار و مسلمان از خداوند خیر و برکت می‌خواهیم و برای مسئولان توفیق خدمت به این مردم و از زبان همه برای رهبر بزرگوار که این چنین مردم و انقلاب را به سوی اهدافش هدایت می‌کنند، از خداوند، عمر با برکت بیشتر تقاضا داریم و امیدواریم که ان‌شاءالله، مجلس آینده هم در مسیر انقلاب و همراه با اهداف انقلاب اسلامی باشد." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" زیر نظر محسن هاشمی، دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۲- در این نطق آمده است: "ارتش جمهوری اسلامی، خاری در چشم استکبار جهانی، مخصوصاً آمریکا و عمال آن در منطقه شده است و امیدی است برای محرومان و مستضعفان و ان‌شاءالله وسیله‌ای برای آزادی بیت‌المقدس و طرد صهیونیسم از منطقه و نجات مردم و محرومان منطقه خواهد بود." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۳- در این جلسه، نمایندگان با اصلاح لایحه مالیاتها، مقرر کردند که درآمدِ حاصل از کلیه فعالیت‌های کشاورزی و دامپروری به مدت ۱۰ سال، از پرداخت مالیات معاف باشد.

مربوط به من هم نیست ـ فشار روحی بر من، خیلی زیاد است. ظهر، در دفترم چند ملاقات از همین قماش داشتم. عصر، هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت و بحث‌ها بیشتر روی همین مسائل انتخابات و تهیه دستورهای هفته بعد، وضع مسکن نمایندگان جدید و نمایندگان شکست خورده ـ که باید بروند ـ بود.

اول شب، در بیت امام با سران کشور و فرماندهان نظامی برای تعیین مراحل قطعی عملیات آینده، جلسه داشتیم. به خاطر نرسیدن نیروهای سپاه تحت فرمان ارتش، تصمیمی اتخاذ نشد و قرار شد جزئیات را مشخص کنند و دو سه روز دیگر، جلسه تجدید شود. مهمان احمد آقا بودیم؛ امام هم شرکت فرمودند. بیشتر در مورد انتخابات بحث شد. امام فرمودند، بعضی از جاها که ائمه جمعه و روحانیون سرشناس دخالت کرده‌اند، ناموفق بوده‌اند و این را نشان استقلال فکری مردم می‌دانستند؛ نمونه بارز آن در اهواز، بندرعباس، آبادان، زرند، آشتیان، شیراز، تبریز، قم، سبزوار، یزد و خیلی جاهای دیگر است؛ گرچه اکثریت نمایندگان از روحانیون هستند و مخصوصاً شکست جامعه مدرسین [حوزه علمیه قم]، معنادار است.

درباره سیاست خارجی هم بحث شد. آقای دکتر [علی اکبر]ولایتی، مأمور به ترمیم روابط کشور با عربستان سعودی گردید. دیر وقت به خانه آمدم. ظهر گروهی از طرفداران آقای [مرتضی]الویری توسط ایشان به مجلس آورده شده بودند که درباره ایشان چیزی بگویم تا در مرحله بعدی استفاده کنند، ولی من کلیات گفتم و نصیحت کردم. بناست در انتخابات دخالت نکنیم. اولین قسمت از آرای مردم تهران خوانده شد؛ خیلی از دیگران جلو هستم.

پنجشنبه ۳۰ فروردین ۱۳۶۳

صبح زود، آقای صیاد شیرازی به منزل آمد و درباره همان حرفهای قبلی در مورد وحدت فرماندهی، صحبت کرد. به مجلس رفتم و گزارش‌ها را خواندم. در جلسه علنی، اصلاح لایحهٔ [دولتی کردن] تجارت خارجی، برای تأمین نظرات شورای نگهبان ـ که با انحصار واردات در دست دولت مخالف است ـ مطرح بود.

قبل از جلسه و هنگام تنفس و ساعاتی که در دفترم بودم و حتی هنگام اداره مجلس، عده زیادی از نمایندگان ـ که در انتخابات موفق نبوده‌اند ـ مراجعه می‌کردند و از معایب انتخابات و تخلف‌ها گله داشتند. بر من روزهای سختی می‌گذرد؛ چون دائماً مراجعات شکوه‌آمیز دارم و

عده‌ای از نمایندگانِ خوب مجلس هم شکست خورده‌اند؛ اغلب هم حاضر نیستند، شکست را بپذیرند و می‌خواهند به عوامل غیر درست، نسبت بدهند؛ گرچه به آزادی انتخابات اعتراف می‌کنند. با اصطلاحات جنگ، شکست خورده‌ها را به نام "شهید" و به مرحله دوم افتاده‌ها را "مجروح" و پیروزها را "فاتح" و مخالفان را "معدوم" می‌نامند.

ظهر، آقای رحیم صفوی آمد و از ضعف همکاری‌ها گفت و خودش هم ایمانی به موفقیت کامل طرح [عملیات جدید در جبهه] ندارد. عصر، مصاحبه‌ای [با مجله امید انقلاب] برای سالگرد [تشکیل] سپاه [پاسداران انقلاب اسلامی] داشتم[۱] و همچنین سخنرانی برای دانشجویان که به مناسبت سالگرد انقلاب فرهنگی آمده بودند[۲].

آقای ریاضی، معاون دادستان سابق کل انقلاب آمد و از اینکه آقای صانعی [دادستان کل کشور] ایشان را کنار گذاشته، ناراحت بود. آقای میرعمادی، دادستان [عمومی] تهران آمد و از شیوع فساد اخلاقی در تهران گفت و از کمبود نیروی انسانی در بخش قضائی گله داشت. سفیر آلمان‌غربی آمد و می‌خواست نظر ما را دربارهٔ جنگ و غرب بداند؛ من هم انتقاداتی از برخورد آلمانها با ایران در مسائل اقتصادی و سیاسی نمودم.

جمعه ۳۱ فروردین ۱۳۶۳

تا ساعت ده‌ونیم صبح، در منزل مطالعه می‌کردم. پس از سه هفته که برای اقامه نماز جمعه[۳] به

۱- این مصاحبه در شماره ۷۹ مجله "امید انقلاب" ارگان ارتش بیست میلیونی و بسیج مستضعفین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در تاریخ ۱۵ اردیبهشت ۱۳۶۳ به چاپ رسیده است. در این مصاحبه دربارهٔ اهمیت ایجاد سپاه در بعد جهانی و رسالت سپاه در پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی، مطالبی مطرح شده است. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۲- در این سخنرانی که اعضای واحد دانشجویی حزب جمهوری اسلامی و دکتر حسن غفوری فرد وزیر نیرو و عضو جامعه اسلامی دانشگاهیان حضور داشتند، مبارزات انقلابی دانشجویان مسلمان دانشگاهها در مقابله با گروههای منحرف و وابسته به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار گرفت. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۳- در خطبه اول نماز، ادامه بحث عدالت اجتماعی در اسلام با موضوعات عدالت اجتماعی غربی، تحلیل پیشرفتهای مادی

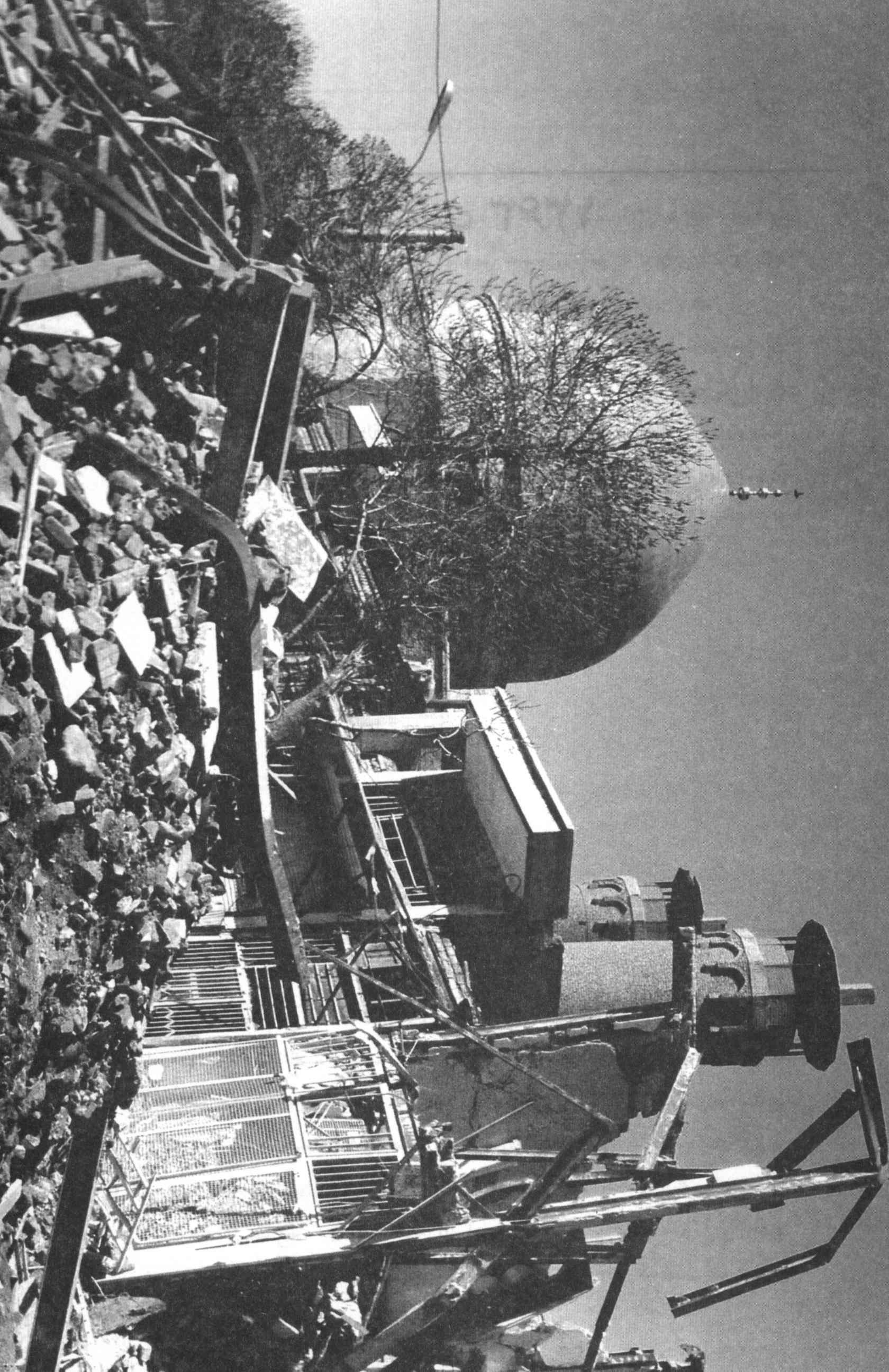
خاطر انتخابات نرفته بودم، امروز رفتم. به خاطر شایعات دروغ و وسیعی که در مورد ترورم پخش شده بود، نمازگزاران استقبال کردند و احساسات پرشوری ابراز کردند. ناهار را در منزل تنها بودم. عفت و مهدی که با من به نماز جمعه آمده بودند، به منزل فاطی ـ اخوی زاده ـ رفتند.

اول شب، آقایان محسن رضائی و رحیم صفوی آمدند و دوسه ساعت، وضع جبهه‌ها را بررسی کردیم. بدون کمک اساسی، امکان پیشرفت را خیلی کم می‌دانند. در مورد نحوه اقدام در تنگه هرمز ـ در صورت پیش آمد تخریب جزیره خارک توسط عراق ـ صحبت شد و با ایشان در زمینه امکان دادنِ فرماندهیِ عملیات آینده به ارتش ـ که آقای خامنه‌ای صحبت کرده بودند ـ مذاکره کردم؛ عکس‌العمل بد نبود. گرچه معتقدند، ارتش آمادگی چنین عملی را ندارد.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

کشورهای غربی و شرقی، تبعیض نژادی در جهان، غرب زدگی و پیامدهای آن و اسلام و مسأله تبعیض نژادی مطرح شد. در خطبه دوم نماز، دربارهٔ روز ارتش جمهوری اسلامی، طرح انتقال پایتخت اسرائیل به بیت‌المقدس، تحلیل پیامد صلح کمپ دیوید، تروریسم دولتی توسط آمریکا و مسأله انتخابات مجلس شورای اسلامی، مطالبی برای نمازگزاران جمعه تهران ارائه شد. در بخشی از خطبه دوم نماز آمده است: "از حرکات اخیر آمریکا در منطقه، پیداست که سعی دارد، دست به جنایتی بزند. البته ما آن جرأت را در آمریکا، نمی‌بینیم، اما به هر حال دنبال توطئه است. ما به آمریکا و به دولتهای منطقه، اخطار می‌کنیم، اگر در منطقه هر حادثه‌ای پیش آید که امنیت آن را به هم بزند، مسئول آن آمریکا خواهد بود." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های نماز جمعه، سال ۱۳۶۳، جلد ششم، صفحه ۱۰،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۷۶.

اردیبهشت ۱۳۶۳



شنبه ۱ اردیبهشت ۱۳۶۳ ۱۹ رجب ۱۴۰۴ 21 APRIL 1984

آقای [محمد حسن] زورق و اخوی محمد [از سازمان صداوسیما] آمدند و تشکیل "جبهه جهانی مستضعفان" را برای عمومی‌تر شدن انقلاب، پیشنهاد کردند. آنها از اینکه انقلاب اسلامی، محدودیت ایرانی و تشیع پیدا کند، نگران بودند. همچنین از توجه جوانان به مسائل شخصی هم نگرانی داشتند.

جلسه شورای سرپرستی [سازمان صداوسیما] داشتیم. در این جلسه، موافقت‌نامه تبادل فرهنگی با کشور آلبانی تصویب شد. در مورد ایذاءهای حکام کشورهای حاشیه خلیج‌فارس، نسبت به طرفداران جمهوری اسلامی هم بحث و برای کیفیت برخورد، تصمیماتی اتخاذ شد.

عصر به مجلس رفتم. اول شب، جلسه قرارگاه خاتم‌الانبیاء برای بررسی پیشرفت کار جنگ، در دفتر من تشکیل شد؛ برخلاف جلسات قبل، آقای صیاد خبر از تفاهم داد و دست از تز فرماندهی واحد برداشت. قرار شد، یک هفته با آقای محسن رضائی و دیگران کار کنند تا قرارگاه را یکپارچه نمایند. یک ماه دیگر، برای آماده شدن جهت انجام عملیات، مهلت خواستند. صیاد بعد از جلسه، با من خصوصی صحبت کرد؛ معلوم شد ملاقات امروز امام و برخورد قاطع ایشان، این نتیجه را داده است.

شب را در مجلس ماندم و کارها را انجام دادم. فیلم مارکوپولو را از تلویزیون تماشا کردم.

یکشنبه ۲ اردیبهشت ۱۳۶۳

قبل از آغاز جلسه علنی مجلس، آقای حسن روحانی آمد و راجع به جبهه با ایشان صحبت کردم. در جلسه علنی، بحث درباره لایحه بازرگانی خارجی تمام شد.[1] بعد از اعلام تنفس به دفترم رفتم.

ظهر، آقایان [علی] حمزه‌ای، نماینده اسدآباد، [محمدتقی] آل‌سیدغفور، نماینده شوشتر و

۱- در این جلسه، جزئیات لایحه دولتی کردن بازرگانی خارجی، اعاده شده از شورای نگهبان مطرح شد و مواد ۵-۱۹- ۲۸ و ۴۸ اصلاحیه کمیسیون ویژه به رأی گذاشته شد و به تصویب رسید.

در ماده ۴۸ این لایحه آمده است: دولت موظف است، همه ساله میزان ارز تخصیصی جهت واردات کالا و خدمات را به تفکیک در بخشهای دولتی، تعاونی و خصوصی در بودجه ارزی کل کشور، تعیین و جهت تصویب به مجلس تقدیم کند.

[مجید]انصاری، نماینده زرند کرمان ـ که در انتخابات شکست خورده‌اند ـ آمدند و از نحوه برگزاری انتخابات شکایت داشتند. [حجت‌الاسلام ناطقی] امام جمعه تالش هم با همراهان آمد. او درباره رفتار امام جمعه اهل سنت تالش و دخالت وی در انتخابات مجلس، گله داشت و فرمانده سپاه آن شهر، کیفیت برخورد قاطع با تروریست‌های [پناه گرفته در] جنگل را تعریف کرد.

عصر، شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی جلسه داشت. بیشتر درباره انتخابات و علل عدم موفقیت کامل حزب جمهوری اسلامی و جامعه روحانیت مبارز تهران بحث بود. درباره ائتلاف با جامعه روحانیت مبارز تهران در مرحله دوم، بحث و تصویب شد. در این جلسه، من از یک بعدی شدن حزب انتقاد کردم.

شب، جلسه شورای داوری حزب داشتیم. بیشتر بحث‌ها در همین رابطه بود. آخر شب به خانه آمدم. آقای علی داودی، نامه‌ای از دکتر چهرازی برای راه‌اندازی بیمارستانی که در شمال ساخته است، آورده بود.

دوشنبه ۳ اردیبهشت ۱۳۶۳

در مجلس، جلسه علنی داشتیم. بعد از تنفس به دفتر آمدم. آقای [سیدابولفضل] رضوی اردکانی شرح انتخابات اردکان شیراز را داد؛ مدعی تقلب از طرف رقیب است و خود را از حوادث آنجا تبرئه می‌کرد. آقای [رسول] منتجب‌نیا [نماینده شوش و اندیمشک] هم آمد و راجع به وضع خمین و مظلوم شدن نیروهای حزب‌اللهی می‌گفت. آقای [علی] آقامحمدی [نماینده همدان] هم آمد و نگران شکست در مرحله دوم است؛ مدعی است، عناصری از اطلاعات سپاه علیه او سمپاشی می‌کنند. این امر، مسأله عمومی کسانی است که احساس مظلومیّت می‌کنند؛ نمی‌توانم کمک کنم؛ چون بنا است مداخله در حوزه‌های دیگر نکنم.

عصر، آقای [اسدالله] بادامچیان آمد و بیشتر، از تخلف‌های جناح مقابل خودشان و یک طرفه کار کردن مطبوعات گله داشت؛ توصیه به سازش و عدم اختلاف کردم.

دوسه نفر از بازپرسان [زندان] اوین آمدند. برای تعقیب پرونده انفجار نخست وزیری، پیشنهاد دستگیری بعضی از مسئولان معروف را داشتند.[1] قبلاً هم از امام اجازه خواسته‌اند. امام آن را به

۱- در پرونده انفجار نخست وزیری و شهادت دکتر باهنر و محمد علی رجائی، افراد مختلفی متهم شدند. از جمله آقای علی

[آیت‌الله شیخ یوسف صانعی] دادستان کل کشور ارجاع داده‌اند؛ ضررهای احتمالی را تذکر دادم. آقای فرشاد مؤمنی آمد. از یک بعدی شدن حزب جمهوری اسلامی گله داشت و از دلسرد شدن نیروهای انقلابی نگران بود.

سرهنگ [مصطفی] ترابی [از دفتر مشاورت امام در ارتش] آمد و گزارش آزمایش نیمه موفق ساخت موشکی با برد حدود پنجاه کیلومتر را داد. مصاحبه‌ای [تلویزیونی] به مناسبت روز کارگر انجام دادم؛ شب را در مجلس ماندم و کارهای عقب مانده را انجام دادم. سریال سربداران را از تلویزیون تماشا کردم.[1]

سه شنبه ۴ اردیبهشت ۱۳۶۳

در جلسه علنی مجلس، طرح دو فوریتی اصلاح قانون انتخابات مطرح بود. خسته و کسل بودم؛ جلسه را به آقای یزدی [نایب رئیس مجلس] سپردم و به دفترم آمدم. برای خطبه‌های نماز جمعه، تاریخ [زندگی حضرت موسی ابن جعفر(ع)] امام هفتم را مطالعه کردم و کارهای دفتر را انجام دادم.

ظهر، امام جمعه نوشهر آمد و از نتیجه انتخابات اظهار ناراحتی کرد. کارمندان چاپخانه مجلس آمدند و تقاضای دریافت حق فنی داشتند. واحد خواهران حزب جمهوری اسلامی آمدند؛ برای آنها صبحت کردم.

مسئولان دفاتر نمایندگی امام در سپاه پاسداران آمدند. آقای [فضل‌اله]محلاتی [نماینده امام در

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

تهرانی یکی از کارکنان نخست وزیری به علت اینکه معرّف مسعود کشمیری ـ عامل بمب‌گذاری ـ بوده و با وی رفاقت داشته، دستگیر شد. بعد از دستگیری علی تهرانی، پای افراد دیگری مانند مهندس بهزاد نبوی ـ وزیر صنایع سنگین ـ، خسرو قنبری تهرانی ـ رئیس اداره اطلاعات نخست وزیری ـ و چند نفر دیگر به میان آمد. به این پرونده، رسیدگی کامل نشد و به دستور امام خمینی، پیگیری اتهامات متهمان پرونده، متوقف گردید.

۱ـ در سال ۶۳ سیمای جمهوری اسلامی، دارای دو شبکه تلویزیونی بود. شبکه اول ساعت ۳ بعداز ظهر تا ساعت ۱۰ شب و شبکه دوم از ساعت ۵ بعداز ظهر تا ۱۰ شب برنامه پخش می‌کرد. سریال سربداران هر هفته دوشنبه‌ها بعداز اخبار ساعت ۸/۳۰ پخش می‌شد. این سریال درباره قیام شیعیان سبزوار بود.

سپاه پاسداران] گزارشی دادند و من هم مفصلاً صحبت کردم.[1] آقای دشتی نماینده جدید دشتستان و مسئول برگزاری کنگره جهانی ائمه جمعه آمدند و برنامه خود را گفتند؛ قرار شد من هم یک جلسه [در این کنگره] شرکت کنم. مهندس کاشانی، مدیر عامل ساختمان سد جیرفت آمد و گزارش داد؛ درباره اظهارات من در خصوص سد لار اعتراض داشت.

آقایان مباشری و خزعلی آمدند و درباره یک شخص که دستگیر شده، صحبت کردند. معلوم شد این شخص مربوط به یک شرکت [تولید] شن و ماسه است که صاحبان اصلی آن فراری‌اند.

شب، با [آقای غازی‌الدروبی] وزیر نفت سوریه ملاقات داشتم. اظهار می‌داشت، سخت در مضیقه‌اند و خواستار کمک در پرداخت [بدهی مربوط به خرید] نفت بودند. خواست که یک قرارداد، شبیه قرارداد سال گذشته تکرار شود و بدهی یک میلیارد دلاری عقب افتاده، نصفش به صورت وام و نصفش تقسیط برای سال آینده باشد؛ تصویب مجلس لازم دارد.[2]

چهارشنبه ۵ اردیبهشت ۱۳۶۳

تمام روز در منزل بودم. خانم شهید مطهری آمد و خواستار توجه بیشتر، برای زنده نگه داشتن نام ایشان بود. احمد آقا درباره تجویز انتشار کتابی از دکتر [ابراهیم] یزدی [از نهضت آزادی ایران] در خصوص ملاقات‌ها و مذاکرات مستقیم امام در پاریس با دول غربی، از جمله آمریکا، مشورت کرد؛ مانعی ندیدیم. درباره ائمه جمعه و بیت شهید [سیدعبدالحسین] دستغیب در شیراز هم صحبت شد.

صبح امروز، سه هواپیمای عراقی با استفاده از بمبهای آتش‌زای ناپالم، مناطق مسکونی پیرانشهر را بمباران کردند. در این حمله ۱۷ نفر شهید و ۳۴ نفر مجروح شده‌اند و ۴۰ خانه هم ویران

۱- در این سخنرانی آمده است: "معتقدیم که خداوند همه موانع و حجابهای موجود بر سر راه نفوذ و حاکمیت اسلام را از پیش پا برداشته است. این دست بلند غیب بود که این همه تحولات را در جامعه ما به وجود آورد و میدان آزمایش تاریخی بزرگی را پیش روی ما گشود." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۲- در این روز، نتایج نهایی انتخابات دور اول مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخابیه تهران اعلام شد. طبق این نتایج آقای هاشمی رفسنجانی با کسب یک میلیون و ۸۰۱ هزار و ۴۵۸ رأی از مجموع ۲ میلیون و ۲۰۲ هزار و ۶۶۵ رأی حایز رتبه نخست در پایتخت شد و به مجلس دوم راه یافت.



دیدار با وزیر نفت سوریه

شده و یا خسارت دیده است.

آقایان شهاب و مهندس احتیاطی از وزارت نفت آمدند و درباره کیفیت استفاده از امکانات وزارت نفت برای دفاع، مذاکرات طولانی شد. کارهایم را انجام دادم و جلسه شب پنجشنبه را که با سران قوا داشتیم ـ و قرار بود در منزل ما باشد ـ لغو کردم.

شب، آقای [سیدحسین] مرعشی، معاون استاندار کرمان آمد و درباره استعفای استاندار مشورت کرد. از لزوم بی‌طرفی دادستان سیرجان در مورد طرفداران آقای [محمد] اخلاقی‌نیا [نماینده سیرجان] صحبت کرد و نیز از حمایت ناظران شورای نگهبان از رقیب کاندیدای پیروز شده در انتخابات جیرفت گفت.

پنجشنبه ۶ اردیبهشت ۱۳۶۳

تمام روز در منزل بودم و بیشتر به مطالعه پرداختم. صبح زود، از نخست وزیری اطلاع دادند که دیشب، عراقیها یک کشتی بزرگ نفتکش سیصدوچهل هزار تنی [به نام "سفینه‌العرمات"] ـ متعلق به عربستان سعودی و در اجاره کره جنوبی را ـ که از خارک نفت گرفته بود، در ۲۵۰ کیلومتری جنوب شرقی خارک زده‌اند. کشتی آتش گرفته، ولی سرنشینانش به جز یک نفر نجات پیدا کرده‌اند. از نیروی دریائی هم شکایت داشتند که به سرعت برای نجات و اطفاء حریق اقدام نکرده است؛ در این باره از دفتر مشاورت امام [در ارتش]، توضیح خواستم. گفتند، امکان پرواز با هلی‌کوپتر در شب را ندارند.

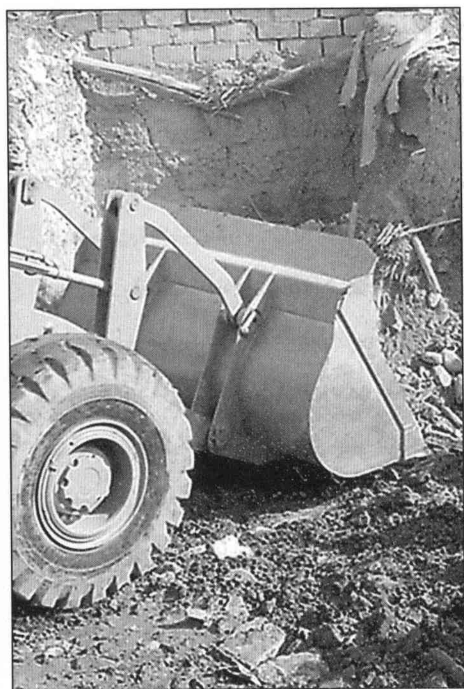
مرحله خطرناکی پیش آمده. سیاست عراق، این است که پای کشورهای دیگر را به میان آورد و برای نجات خودش، جنگ را در منطقه گسترش دهد. احمد آقا آمد؛ در همین باره صحبت شد. نظر من این است که برای نشان دادن عکس‌العمل، باید همه جوانب را بررسی کنیم؛ چون عراقیها اینجا کشتی ندارند.

در کشورهای هلند، آلمان، انگلستان، اتریش و فرانسه، عناصر ضدانقلاب، لحظاتی نمایندگی‌های ما را اشغال کرده‌اند؛ حرکت‌های ضعیف و بی‌محتوائی بوده است و بیشتر آنها









صحنه هایی از بمباران شهرها

دستگیر شده‌اند.[1]

جمعه ۷ اردیبهشت ۱۳۶۳

تا ساعت ده‌ونیم صبح، در منزل دربارهٔ تاریخ زندگی امام هفتم(ع) برای خطبه نماز جمعه مطالعه می‌کردم. با آقایان رئیس جمهور و نخست وزیر هم در مورد کیفیت اظهارات، درباره کشتی [نفتکش متعلق به] عربستان [سعودی] ـ که دچار آتش‌سوزی شده است ـ مشورت کردم. با توجه به اینکه رسانه‌های خبری هنوز در اینکه انفجار بوده یا مین و یا موشک، ابراز تردید کرده‌اند، مصلحت ندیدیم که منتسب به عراقیها بشود که توفیقی برای آنها محسوب شود.

خطبه‌های نماز جمعه خیلی طولانی شد؛[2] برای بعضی‌ها، شبهه گذشتن وقت نماز جمعه پیش

۱ـ صبح روز پنجشنبه ششم اردیبهشت سفارت جمهوری اسلامی ایران در لاهه، بوسیله گروهی در حدود بیست نفر، مورد حمله قرارگرفت و اشغال شد. مهاجمین، مجهز به چوب و چماق و دیگر سلاحهای سرد بودند. در این حمله، آقای حسین تاج گردون سفیر ایران از ناحیه سر به شدت مجروح و بیهوش شد و دیگر اعضای سفارت نیز مضروب شدند. مهاجمان به ساختمان و وسایل موجود در سفارت، خسارات زیادی وارد آوردند. همچنین تعدادی پاسپورت و مهرهای متعلق به سفارت و وجوه نقد و وسایل شخصی اعضا و مراجعین به سفارت را به سرقت بردند. از مهاجمین، هفده نفر بوسیله پلیس بازداشت شدند. دفتر خدمات حقوقی لاهه، وکیل هلندی خود را در اختیار سفارت قرار داد تا علیه مهاجمین و همچنین پلیس لاهه، به علت سهل انگاری و همکاری با مهاجمین، اعلام جرم شود.

در ساعت ۹ بامداد همین روز، یک گروه پانزده نفره به قصد اشغال ساختمان کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در لندن، به این محل هجوم بردند، اما ساعتی پس از این حرکت تروریستی، کلیه مهاجمین دستگیر شدند. پلیس انگلیس در رسیدن به موقع به ساختمان کنسولگری کوتاهی کرده بود، مهاجمین در اقدام تروریستی خود که در سالگرد تهاجم نظامی آمریکا به طبس صورت گرفت، باعث برهم زدن نظم عمومی کنسولگری و وارد آوردن خسارت به ساختمان شدند. صبح همان روز، گروهی از مخالفان جمهوری اسلامی به دفتر هواپیمایی جمهوری اسلامی در شهر فرانکفورت آلمان حمله کردند. در نتیجه این حمله، سرپرست دفتر مجروح و به بیمارستان انتقال یافت. دفتر نمایندگی ایران در یونسکوی پاریس نیز، در همین روز مورد حمله گروهی از مخالفان جمهوری اسلامی قرارگرفت و خساراتی به آن وارد شد و به اشغال آنها درآمد. در پی مذاکره پلیس حفاظتی داخل یونسکو به اشغال نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در یونسکو خاتمه داده شد.

۲ـ در این خطبه‌ها دوران زندگی امام موسی کاظم(ع) و مبارزات آن حضرت تشریح شد. بررسی انتخابات در ایران، تشریح و

آمده بود.

اول وقت، آقای [جلال] ساداتیان [رئیس دفتر]، اطلاع داد که آقای مهدی شاه آبادی نماینده مجلس،[۱] در جزیره مجنون با ترکش انفجار گلوله‌های توپ عراقی شهید شده است. برای کیفیت اعلان خبر شهادت و تشییع جنازه، مشورت نمود.[۲] قرار شد، فردا صبح تشییع و فردا عصر، جلسه فاتحه باشد. خیلی متأثر شدم. آقای مهدوی کنی هم تلفن کردند و در همین مورد مذاکره کردیم.

آقای محسن رضائی [فرمانده سپاه پاسداران] هم تلفن کرد و از اظهارات آقای منتظری در ملاقات با نمایندگان امام در سپاه گله داشت؛[۳] برای حل این مشکل که با آقای منتظری دارند،

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

تبیین اقدامات اخیر آمریکا و دیگر دشمنان جمهوری اسلامی، تحلیل شکست آمریکا در طبس و بررسی و نقل خاطراتی از واقعه طبس از محورهای دیگر خطبه‌های این هفته بود. آقای هاشمی رفسنجانی در بخشی از سخنان خود دربارهٔ بحران منطقه، بار دیگر به کشورهای منطقه خلیج فارس هشدار داد که اگر دست به شرارت بزنند، به سختی مجازات خواهند شد. ایشان گفت: "با تکیه به قدرت خود، به هیچ قدرتی اجازه نخواهیم داد چشم طمع به منافع ملتهای منطقه داشته باشد." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های نماز جمعه، سال ۱۳۶۳، جلد ششم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۷۵.

۱- شهید حجت‌الاسلام مهدی شاه‌آبادی در سال ۱۳۰۹ در تهران به دنیا آمد و در سالهای ۴۱ و ۴۲ فعالیتهای سیاسی ایشان اوج گرفت. بعد از سال ۴۲ با گروههای مسلمانی که با خط‌مشی مسلحانه کار می‌کردند، ارتباط برقرارکرد. در چهارم تیرماه سال ۵۲ برای اولین بار بازداشت شد. در سالهای ۵۲ تا ۵۷ در پنج نوبت و جمعاً یک سال و نیم در زندان بود و ۵ ماه را نیز در تبعید گذراند. وی پس از انقلاب به فعالیتهای ارشادی خود ادامه داد و در اولین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی به نمایندگی مردم تهران انتخاب شد.

۲- در پیام آقای هاشمی رفسنجانی به مناسبت شهادت آقای مهدی شاه‌آبادی آمده است: همرزم و همکارمان حجت‌الاسلام والمسلمین مهدی شاه‌آبادی در جبهه، جام شهادت نوشیده و به فیض لقاءالله نایل گردید. شهادتش را که افتخاری برای مجلس شورای اسلامی، جامعه روحانیت مبارز و مردم آگاه و غیور تهران است، خدمت حضرَت امام اُمت و خانواده معظم شاه‌آبادی و عموم ملت تهنیت و تسلیت می‌گوئیم.رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور و پیامهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۳- آیت‌الله منتظری در این ملاقات گفته بود: آقایان توجه دارند که سپاه پاسداران، یک ارگان جوشیده از متن انقلاب اسلامی

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

کمک خواست.

شنبه ۸ اردیبهشت ۱۳۶۳

صبح زود به مجلس رفتم. گزارشها نشان می‌دهد که غربی‌ها، نمی‌خواهند انفجار کشتی سعودی در خلیج‌فارس، زیاد بزرگ شود تا بحرانی در وضع نفت پیش آید. ما هم با این سیاست مخالف نیستیم.

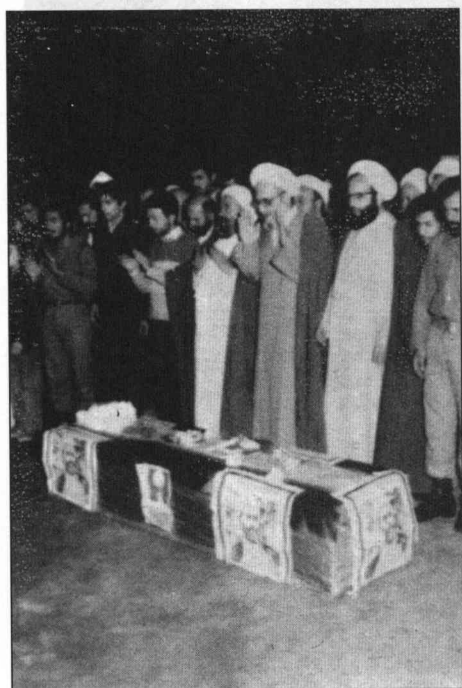
برای تشییع جنازه شهید مهدی شاه‌آبادی، به سالن مجلس رفتم. جمعیت زیادی آمده بود. جنازه را دیدیم؛ ترکش کوچکی به چشم خورده و به مغز صدمه زده بود. همراهانش از جمله مهندس [مهدی] چمران و [محمدعلی] تاتاری [نماینده زاهدان] گفتند از تماشای هواپیمای ساقط شده عراق در جزیره مجنون برمی‌گشتیم که گلوله توپی در هشت متری ما به زمین خورد و فقط یک ترکش به ایشان اصابت کرد. قبل از تشییع پیکر شهید، من و آقای مهدوی کنی سخنرانی کردیم.[1]

در دفترم با آقای محسن رضائی ملاقات داشتم. وضع جبهه را گفت و از برخورد تند آقای منتظری نگران بود. آقای محسن رفیق‌دوست آمد و از کمبود بودجه جنگ گفت. آقای خیّر آمد. از رأی نیاوردن ناراحت بود؛ مثل دیگر شکست خورده‌ها، شکست خود را به گردن عوامل دیگر می‌گذاشت. یکی از کارکنان مجلس آمد و از وضع اداری مجلس و کارپردازی شکایت داشت.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

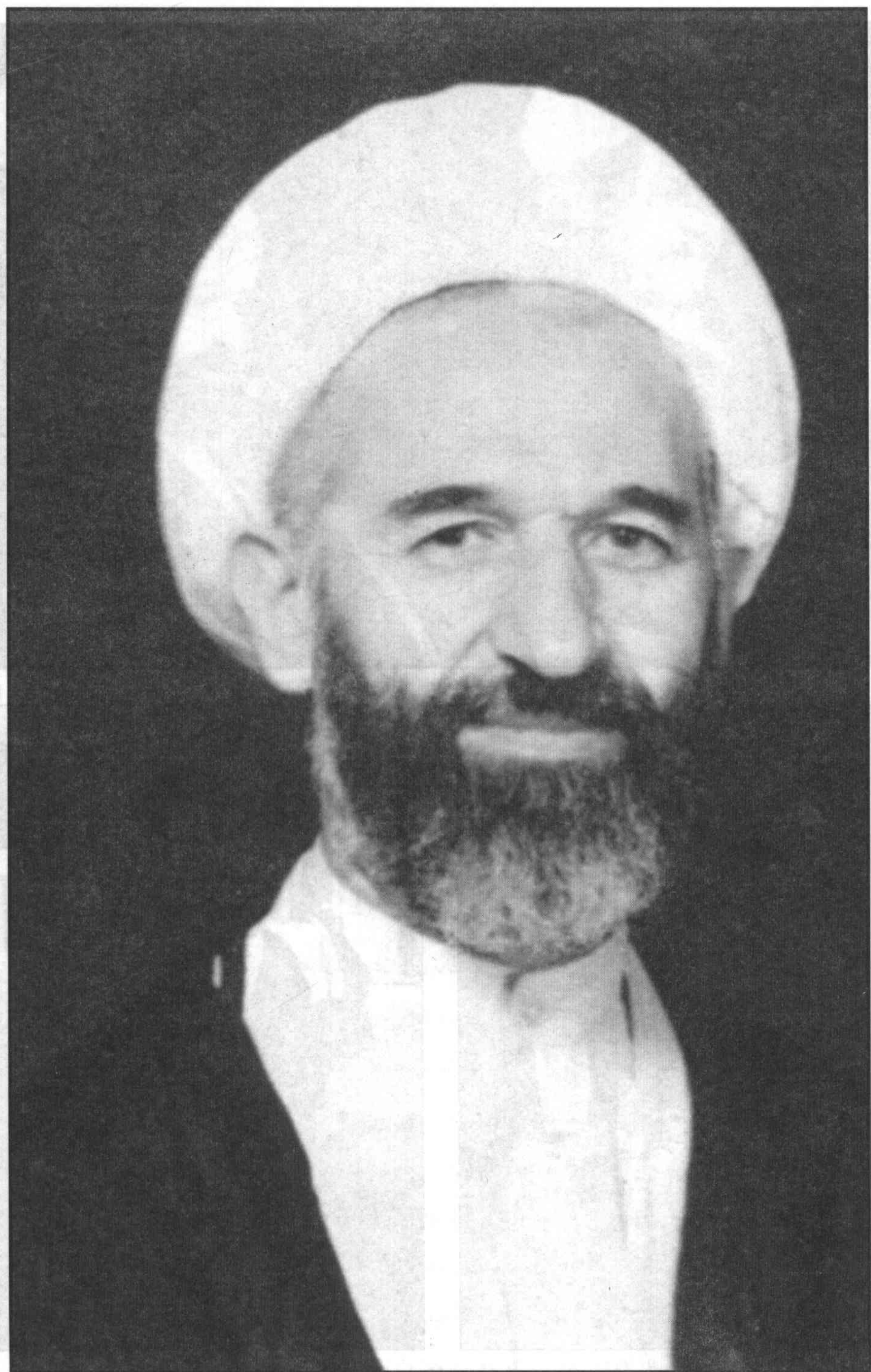
ماست. بنابراین توقع و انتظار این ملت فداکار از این ارگان زیاد است. تمام رفتار و حرکات و برخوردهای سپاه چه با مردم و یا ارتش و جهاد و سایر ارگانها و یا حتی افراد و گروههای ضدانقلاب، باید روی ضوابط دقیق اسلامی و حساب شده باشد. هرگونه خلاف و یا تخلفی، خدای ناکرده در سپاه دیده شد، طبعاً به حساب انقلاب و اسلام گذاشته می‌شود. اگر در اوایل پیروزی انقلاب بعضی از تندرویها احیاناً انجام شد، دیگر امروز پس از گذشت پنج سال از پیروزی انقلاب، نباید آن کارها تکرار شود.

۱- در این سخنرانی آمده است: "شهید شاه‌آبادی از روحانیان مبارز بود که از اوایل نهضت اسلامی در سنگر بود و از اولین روزهای شروع مبارزه از پیشتازان و یاران صدیق امام امت بود همه جا و هر جا که مشکلی پیش می‌آمد، در میدان بود و هیچگاه سرتسلیم فرود نیاورد و از انقلاب دفاع کرد. او در تمام دوران مبارزات و بعد از پیروزی، یک لحظه در وجود ایشان تردید، سستی و قصور به چشم نخورد. الحق که برای وجودی مثل ایشان، حیف بود که با مرگ طبیعی از میان رود. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.





شهید مهدی شاه آبادی



حجت الاسلام و المسلمین شهید مهدی شاه آبادی

آقای سید حسن موسوی [تبریزی] آمد و از شکست در انتخابات هشترود ناراحت بود؛ و این شکست را به‌گردن تخلف سپاه و... می‌گذاشت. آقای کاظمی کاندیدای نمایندگی از خرم‌آباد که به دور دوم افتاده، آمد و حرفهای مشابه داشت. عصر، آقای [علی] فلاحیان مسئول کمیته [انقلاب اسلامی] آمد و از کمی بودجه کمیته، مشکل اطلاعات، شیوع فساد اخلاقی و در رابطه با شهربانی نظراتی ارائه کرد.

آقایان [علی اکبر] اشعری و [علی] لاریجانی از ستاد مرکزی نظارت برانتخابات آمدند؛ یک طرفه حرف می‌زدند و بیشتر از تخلفات جریان تندرو می‌گفتند. تاکید کردم که بی‌طرفی را حفظ کنند و خطر متهم شدن شورای نگهبان را تشدید نکنند. ابطال انتخابات شیراز و آمل و... از این قبیل است.

اعضای سمینار مسئولین ادارات اطلاعات استان کردستان [و شورای اطلاعات پایگاه حمزه] آمدند. برای آنها صحبت کردم[1] و خواستم بیشتر روی کشف علل اینکه چرا در استان کردستان، زمینه فعالیت ضدانقلاب فراهم شده است، بررسی کنند.

آقای بابایی، پدر خانواده شهیدی که زوجه‌اش ژاپنی است، آمدند. در سالگرد شهادت فرزندشان در جبهه، ده میلیون ین ژاپنی برای کمک به جبهه آوردند. رئیس دانشگاه مازندران آمد و گزارشی از وضع دانشگاه داد و از کمبود بودجه و خوابگاه دانشجویان گفت. شب، شورای سرپرستی صداوسیما در منزل آقای [محسن]دعاگو جلسه داشت. برای برنامه‌های ماه رمضان و همچنین دربارهٔ نقش زن تصمیم گرفتیم.

۱- در این سخنرانی آمده است: "استکبار جهانی در مناطق کردنشین سوریه، عراق، ترکیه و ایران طمع زیاد دارد که از آن به عنوان یک اهرم فشار علیه ایران و دیگر کشورهای مربوطه استفاده نماید. در این رهگذر برخوردهای غیر انسانی رژیم گذشته ایران با مردم مظلوم کرد و برخورد سبعانه رژیم عراق در سرکوب مردم کرد، زمینه را برای رشد گروههای مسلح، آماده کرده بود، حال آنکه جمهوری اسلامی ایران، هرگز نخواسته است، سایه وحشت را برمردم کرد بگستراند، بلکه همواره سعی کرده است، مردم نجیب و با صلابت کرد را مطمئن سازد که با آنان همان برخوردی را دارد که با مردم تهران داشته است." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

یکشنبه ۹ اردیبهشت ۱۳۶۳

امروز صبح، در منزل بودم. آقای محسن رضائی آمد و راجع به مسائل کردستان عراق مشورت کرد. گفتم با توجه به مشکل آینده عراق در ارتباط با مجلس اعلا[ی انقلاب اسلامی] اقدام شود. به دفتر امام رفتم. دسته جمعی با گروهی از سران و مسئولان، [به مناسبت سالروز بعثت پیامبر اسلام(ص)] امام را زیارت کردیم. امام فرمودند، درس «فصوص‌الحکم» را پیش پدر آقای شاه‌آبادی خوانده‌اند.

سپس به حسینیه جماران رفتیم.[1] رئیس جمهور عید فطر را تبریک گفتند و امام صحبت کردند. ضمن صحبت، به جریانی که به اسم دین با انقلاب برخورد سوء دارند، حمله کردند؛ تشبیه به مقدسان خوارج کردند. بعداً شنیدم، نامه‌ای از طلاب قم به خدمتشان رسیده که از برخوردها[ی بعضی‌ها] با دولت و مجلس و مسئولان شکایت شده است.

دوشنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۳

قبل از دستور جلسه علنی، درباره اظهارات دیروز امام صحبت کردم.[2] این صحبتها، بعداً مورد اعتراض آقای [احمد]آذری قمی [نماینده قم] قرارگرفت. طرح دوفوریتی اصلاح قانون انتخابات مطرح بود؛ تمام نشد. بی‌نتیجه است، چون به مرحله دوم انتخابات نمی‌رسد. ظهر در دفترم چند

۱- در این دیدار، امام خمینی(ره) فرمودند: گمان نکنید که دستهای قدرتهای بزرگ از اینجا قطع شده است. ملت ایران باید توجه کند به اینکه توطئه‌ها هست. الان دستهایی از داخل و خارج هست که بین آقایانی که در انتخابات دخالت داشتند، اختلاف بیاندازد. در زمان مشروطه آنهایی که می‌خواستند ایران را نگذارند به یک سامانی برسد و چماق استبداد تا آخر باقی بماند، بین افراد، دستجات و احزاب اختلاف انداختند. در هر صورت، من باید تذکر بدهم به اینکه آقایانی که در انتخابات دخالت کردند، بازهم با کمال خلوص نیت، دخالت کنند و هرگز از این معنا که من نبردم و او برده است، دلخور نباشند. اگر چنانچه در انتخابات اشتباهاتی شده و یا فرضاً تقلبی شده است، رسیدگی می‌شود و این یک مسأله عادی است که در همه هست و امر مهمی نیست. رجوع کنید ← صحیفه نور، جلد یازدهم، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.

۲- در این نطق آمده است: امام در سخنان دیروزشان به دو خطر اساسی که انقلاب را ممکن است، تهدید کند، توجه کردند و از ملت می‌خواهم که هوشیار باشند و دستهای مرموز سخن چین و آتش بیاران معرکه را بشناسند. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

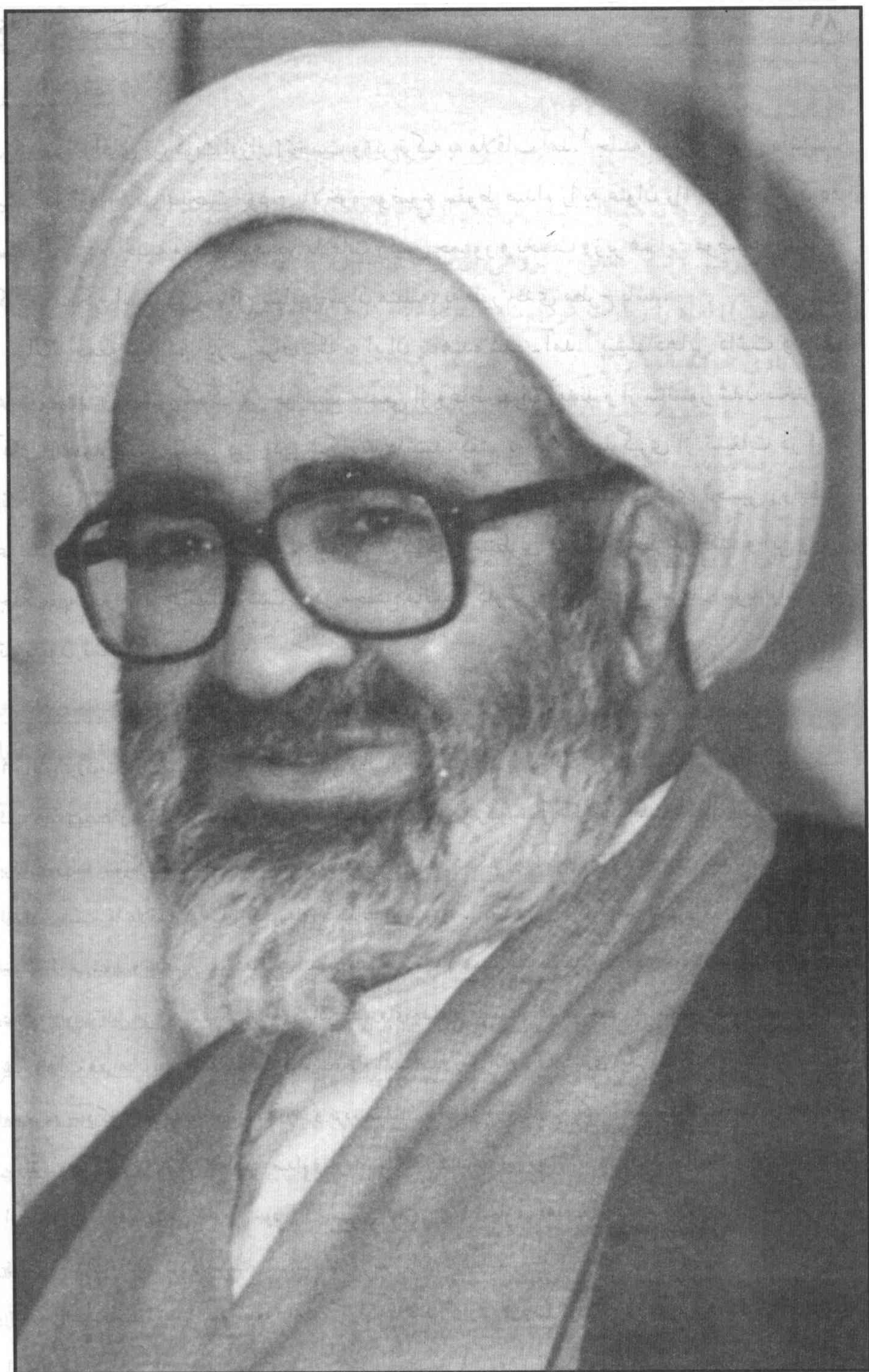
ملاقات داشتم.

عصر، [آقای تورگوت اوزال] نخست وزیر ترکیه به ملاقات آمد.[۱] جلسه طولانی خوبی داشتیم. بیشتر درباره جنگ صحبت بود و بالاخره موضوع سقوط صدام را به عنوان راه حل مطرح کرد؛ استقبال کردم. جلسه مفیدی بود. در ملاقات رئیس جمهور و نخست وزیر هم این موضوع را مطرح کرده، ممکن است در محافل سیاسی سران منطقه، به طور جدی مطرح باشد.

امام جمعه شهر شانه‌دری عراق ـ که به ایران پناهنده شده ـ آمد.[۲] پیشنهادهایی داشت و برای عادی شدن وضعش، کمک می‌خواست. جمعی از وعاظ تهران آمدند و از سانسور شدن سخنرانی آقای [محمد تقی] فلسفی در رادیو شکایت داشتند. گفتم به خاطر جلوگیری از تبلیغات در ایام انتخابات، انجام شده است. دکتر [محمدعلی] هادی آمد؛ پیشنهاد داشت که برای تحسین روابط با عربستان سعودی، بیشتر تلاش کنیم. نقل می‌کرد آقای منتظری هم با این نظر موافقند و این را در جنگ، به نفع ما می‌دانستند. شب را در مجلس ماندم و کارها را انجام دادم. سریال سربداران را از تلویزیون تماشا کردم.

۱ـ آقای تورگوت اوزال نخست وزیر ترکیه در رأس هیأتی از مقامات بلند پایه این کشور به منظور دیدار رسمی سه روزه، صبح شنبه ۸اردیبهشت وارد تهران شد. آقای هاشمی در دیدار با نخست وزیر ترکیه، ضمن تأکید بر سیاست جمهوری اسلامی ایران در برقراری روابط صمیمانه با همسایگان مسلمان و دوست خود، گفت: "تحکیم روابط بین ایران وکشورهای مسلمان منطقه، یکی از اهداف ماست. ما علاقمند به مسایل کشورهای مسلمان، دوست و همسایه هستیم و هرگاه تحول مثبتی را در این کشورها ببینیم، خوشحال می‌شویم و به همین سبب ما برای ایجاد روابط صمیمانه با همسایگان مسلمان و دوست خودمان نسبت به کشورهای دورتر، اولویت قایل می‌شویم. تحکیم روابط فیمابین کشورهای مسلمان منطقه، از اهداف جمهوری اسلامی است و امیدواریم سفر شما و هیأت همراهتان به ایران، با بیشترین موفقیت، توام باشد. امیدوارم ایران و ترکیه با یاری دیگر کشورهای دوست، بتوانند یک مجموعه خود کفا را در منطقه به وجود آورند و مردم مسلمان عراق نیز در آینده نزدیک به مجموعه کشورهای دوست منطقه بپیوندند و زندگی نوینی را پس از نابودی صدام و حزب بعث آغاز کنند." در این دیدار آقای تورگوت اوزال ضمن ابراز خوشحالی از اینکه اولین بازدید رسمی خارجی خود را از جمهوری اسلامی ایران انجام می‌دهد، به افزایش مبادلات تجاری میان دو کشور نسبت به گذشته، اشاره کرد و خواستار تحکیم بیشتر روابط ایران و ترکیه شد.

۲ـ آقای سید محمد برزنجی امام جمعه شانه‌دری در این ملاقات، گزارشی از وضع کردهای پناهنده به ایران و کردهای عراقی را ارائه کرد.



آیت اله منتظری

سه شنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۳

تا ساعت هفت‌ونیم صبح، در دفترم کار کردم. جلسه علنی داشتیم. کارهای در دستور مجلس تمام شد. هفته آینده، برای شرکت نمایندگان در تبلیغات مرحله دوم انتخابات، تعطیل اعلام شد. قبل از دستور، درباره روز کارگر صحبت کردم.[1] پیش از ظهر، هیأت رئیسه جلسه داشت. درباره مراسم جلسات افتتاحیه و اختتامیه دو دوره مجلس، تصمیم اتخاذ شد.

ظهر، در دفترم آقایان [عباسعلی]اختری [نماینده مشهد] و [عبدالحمید] آقارحیمی [نماینده شهر بابک] آمدند و طبق معمول از شکست در انتخابات گله داشتند. جمعی از خانم‌های کارمند جدید مجلس آمدند و از کارپردازی شکایت داشتند که به خاطر مخالفت با کار خانم‌ها در ادارات، حکم آنها را صادر نمی‌کنند.

عصر، [آقای ابولقاسم سرحدی‌زاده] وزیر کار و جمعی از کارگران آمدند. راجع به ارزش و حق کار و خط اقتصاد فقاهتی صحبت کردم؛[2] بی سروصدا نخواهد بود. مهندس [محمد] میرمحمد صادقی و دکتر مفریان آمدند. دکتر مفریان، مدعی است می‌تواند در پیچیده‌ترین صنایع مربوط به علوم فیزیک و شیمی و حتی فیزیک هسته‌ای مؤثر باشد. اول انقلاب به لندن رفته و حالا برگشته است. ایشان را به سازمان انرژی اتمی معرفی کردم.

۱- در این نطق ایشان برضرورت توجه هر چه بیشتر به ارزش کار و حق کارگر در جمهوری اسلامی تأکید کرد و گفت: "همان‌گونه که در اهداف اولیه انقلاب اعلام شده و تاکنون هم وفادار به آن مانده‌ایم، در جهت حذف انگلها، امیدواریم که در دورهٔ آینده مجلس و همیشه همانگونه که خواست اسلام و قرآن است، ارزش و حق کارگر در جمهوری اسلامی مورد توجه قرار بگیرد." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۲- در این ملاقات که آقای سرحدی‌زاده وزیر کار و امور اجتماعی به اتفاق جمعی از کارگران کارخانه‌های شهرستانهای تبریز، کرمان، مراغه، قزوین، ساوه و اراک حضور داشتند، آقای هاشمی اظهار امیدواری کرد که مجلس شورای اسلامی بتواند با تصویب قوانین شرعی، اعتماد قشر زحمتکش و فعال کشور را جلب نماید. در بخشی از این سخنرانی آمده است: "نگذارید سنت‌های غلط گذشته با آرایش فقه اسلامی وارد صحنه شود و بر سر قشر زحمتکش کلاه بگذارد. قرآن سرنوشت اقتصاد فقاهتی را تعیین کرده یعنی اراده قشر مستضعف و زحمتکش باید جلوه کند و ادارهٔ امور را بدست بگیرد و اقتصاد فقاهتی، همان قوانینی است که مجلس تصویب می‌کند و مورد تأیید شورای نگهبان و رهبر انقلاب قرار می‌گیرد." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

سران حزب جمهوری اسلامی گیلان و بعضی از همفکرانشان آمدند. از روش [آیت‌الله صادق احسانبخش] امام جمعه [رشت] شاکی بودند. قراری با مسئولان روزنامه اطلاعات برای مصاحبه داشتم که به خاطر جلوگیری از سوء استفاده در انتخابات، لغو کرده بودم، ولی آمدند و از دستور جدید شورای نگهبان که تبلیغات را محدود کرده، گله داشتند.

اول شب، قرارگاه خاتم‌الانبیاء جلسه داشت. تغییراتی در طرح عملیاتی دادیم. روحیه آقای صیاد شیرازی خوب بود ولی آقای [محسن] رضائی به آن خوش‌بین نبود. سپس با رئیس‌جمهور، درباره حزب و اختلافات دو خط فکری و اطلاعات و تکمیل کابینه مذاکره کردیم؛ سودمند بود. بنا شد، ادامه داشته باشد. شب در مجلس ماندم.

چهارشنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۳۶۳

مجلس تعطیل بود، ولی برای انجام ملاقات‌ها، در مجلس ماندم. با آقای [مرتضی] کتیرائی درباره تکمیل کارهای اداری و رسیدگی به شکایت‌های عده‌ای از کارکنان در مورد وضع کارشان صحبت کردم.

دکتر همتی، مسئول بخش میکروب شناسی دانشگاه شهید بهشتی آمد و پیشنهاد داشت که وسائل سفرش به آمریکا، برای انتقال تکنیک پیشرفته‌ای که در اختیار یکی از دانشگاه‌های کالیفرنیا است، فراهم شود. با رئیس دانشگاه در این خصوص صحبت کردم.

آقای [رضا]امراللهی مسئول [سازمان] انرژی اتمی آمد و درباره کمی بودجه و کارشکنی‌های مخالفان، استمداد داشت. در مورد دکتری که دیروز پیشنهاد همکاری داده بود و مدعی تخصص در سطح بالا است، صحبت کردیم. خانم شهید رجائی آمد و درباره نقاط ضعف وزارت آموزش و پرورش و شخص آقای پرورش گفت؛ ولی حرف حسابی زیادی نداشت و تکراری بود. [آقای سعیدالذاکرین] مسئول روابط عمومی [مجلس شورای اسلامی] آمد و راجع به کارها صحبت کرد. آقای [علی]قائمی آمد و برای مسافرت به گیلان غرب و تقویت آقای [مرتضی] محمودی در دور دوم انتخابات مشورت کرد.

ظهر، آقایان سید محمدرضابهشتی و مسیح مهاجری آمدند. صحبت درباره حزب [جمهوری اسلامی] بود. نگران یک بعدی شدن و تسلط محافظه کاران بر امور حزب و طرد نیروهای فعال جوان بودند و احتمال بیرون رفتن [از حزب] را مطرح کردند. گفتم بمانند و از طریق آقای

خامنه‌ای، برای تعدیل تلاش شود.

عصر، آقای [اکبر]پرورش [وزیر آموزش و پرورش] و جمعی از معلمان آمدند. درباره ارزش تعلیم و شخصیت آقای مطهری، برایشان صحبت کردم.[1] آقای [محمد مهدی] ربانی‌املشی آمد؛ نگران مخالفت با اعتبار نامه‌اش از سوی افراد تند چپ در مجلس بود و استمداد کرد. سرهنگ ترابی [از دفتر مشاورت امام در ارتش] آمد و از ضعف و انحراف ستاد مشترک ارتش گفت و از ضعف فرمانده نیروی دریائی و پیشنهاد تعویض داشت.

امام جمعه یکی از شهرهای سنی نشین خراسان آمد و متقاضی یک اتومبیل بود. با مهندس موسوی نخست وزیر ملاقات داشتیم؛ به خاطر عدم هماهنگی با رئیس‌جمهور و کمی بودجه، استعفا و تعویض کابینه را مطرح کرد؛ مخالفت کردم و گفتم باید تفاهم ایجاد کرد. ولی اگر مجلس آینده با ایشان خوب نباشد، استعفا را منطقی دانستم؛ البته ظاهراً چنین نخواهد شد. قرار شد برای تکمیل کابینه و ایجاد تفاهم، اقدام کنیم.

آقای بهبهانی از اهواز آمد و از آقای دامغانی گله‌داشت. شب، جلسه‌ای در منزل [آیت‌الله خامنه‌ای] رئیس جمهور بود؛ درباره تکمیل کابینه به توافق رسیدیم. با برگشتن آقای نوبری به ایران ـ که تقاضا کرده ـ موافقت کردیم. درباره مسائل کلی کشور هم بحث شد؛ از جمله بازداشت تعدادی از اعضای ارتش سری ارامنه [داشناک] که دست به ترور ترک‌ها زده‌اند و در سیاست خارجی ما اختلال ایجاد می‌کنند.

پنجشنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۳۶۳

تمام روز را در منزل بودم. آقای دکتر [حسن]روحانی آمد. برای تجهیز و هماهنگی و آزمایش

۱ـ در این سخنرانی آمده است: "آقای مطهری، افتخاری در مبارزات و تاریخ روحانیت بود و پیش از آمدن به تهران، قم را احیا می‌کرد. در تهران هم وجود ایشان سندی شد برای مذهبی‌ها و در جلسات و محافلی که مسایل روز تحلیل می‌شد، وجود ایشان بسیار مؤثر و مفید بود و حضور او در دانشگاه هم خاری به چشم معاندین اسلام مانند ملی‌گراها بود که عناصر دیگری را در مقابل مفاخر اسلامی، علم می‌کردند. ضمناً در آن دوران، در کنار فشار کمونیستها و فلسفه مارکسیستی، القائات غربی نیز فراوان بود که اشکالات ناصحیح براسلام می‌گرفتند و حضور آقای مطهری در دانشگاه، باعث وحشت همه این تیپ‌ها از ایشان شده بود." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

امکانات دفاعی ـ که مثبت نبوده ـ عازم خوزستان بود. در خانه تنها بودم. گزارشها را از مجلس آوردند؛ تازه مهمی نیست. آقایان [فضل‌الله]محلاتی [نماینده امام در سپاه] و محسن رضائی [فرمانده سپاه] هم آمدند. آقای محلاتی راجع به انتخابات تهران، چاره‌جوئی می‌کرد. بعد از شهادت آقای [مهدی] شاه‌آبادی، انتظار می‌رفت در مرحله دوم، به جای ایشان از افراد بعدی، کسی انتخاب شود. مجلس، به خاطر اینکه اسم آقای احمد توکلی در لیست انتخاباتی می‌آید، مخالفت کرد. دیگران به خاطر انتخاب ایشان و احتمال آمدن آقای [اسدالله] بادامچیان اصرار بر آن دارند. شورای نگهبان به نفع اینها نظر داده است. ولی مشکل همان مخالفت مجلس است.

آقای محسن رضائی هم درباره تشکیل واحدهائی از کردها و اعراب عراقی برای ضربه‌زدن به صدام در خاک عراق مشورت کرد؛ موافقت کردم. عصر آقای [محسن]رفیق‌دوست، تلفنی از من خواست به آقای منتظری تلفن کنم که آقای محسن رضائی را که به قم می‌رود، بپذیرند. آقای منتظری، مدتی است با فرماندهان سپاه روابط خوبی ندارند. شب زود خوابیدم.

جمعه ۱۴ اردیبهشت ۱۳۶۳

تمام روز را در منزل بودم و بیشتر وقتم به مطالعه گذشت. بچه‌ها به مهمانی رفته بودند و برای صرف ناهار تنها بودم. صبح، [آقای ناطق نوری] وزیرکشور اطلاع داد، نظر شورای نگهبان این است که در حدود سی شهر را ـ که فرصت نکرده رسیدگی کند ـ در مرحله دوم، انتخابات انجام ندهیم و به میان دوره‌ای بیفتند؛ از جمله قم و اصفهان.

با این نظر مخالفت کردم و گفتم باعث اختلاف می‌شود و شورای نگهبان متهم به اعمال خط سیاسی می‌گردد. توسط حاج احمد آقا مطلب را به امام هم پیغام دادم. عصر مطلع شدم که توجه به اشکال موجود کرده‌اند و راه حل انتخاب شده، این است که یک هفته، انتخابات مرحله دوم را به تأخیر بیندازند تا رسیدگی کامل [انجام] شود.

عصر، دکتر وحید [دستجردی] و دکتر [هادی]منافی آمدند. دکتر وحید [دستجردی] درباره اختلاف دانشجویان تحکیم وحدت و انجمن‌های اسلامی در انتخابات و از حکومت خط لیبرال‌ها بر دانشگاه تهران گفت. دکتر منافی [وزیر بهداری] هم عازم کنفرانس بهداشت جهانی در ژنو است. او شرحی از وضع بهداشت کشور ارائه داد و گفت تا بیست سال دیگر، جمعیت ایران با نرخ توالد

موجود، به هشتاد میلیون نفر خواهد رسید.[۱]

شنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۳۶۳

صبح مطالعه می‌کردم. کتابخانه را مرتب نمودم. تا ظهر، جلسه شورای سرپرستی [صداوسیمای جمهوری اسلامی] داشتیم و در مورد برپایی سمیناری برای روز جهانی قدس و آئین نامه واحد سیاسی، شورای عالی سیاسی و همچنین تشویق و تنبیه سردبیران خبر، تصمیم اتخاذ شد.

عصر به جلسه ائمه جمعه ایران ـ که برای توجیه فکر و آماده‌سازی برای مواجهه با ائمه جمعه کشورهای دیگر در هتل استقلال تشکیل شده بود ـ رفتم. بنا است در کنفرانس جهانی ائمه جمعه شرکت کنند. در این جلسه، آقای ابراهیم امینی صحبت کردند. من هم درباره لزوم حرکت در جهت ایجاد قدرت اسلام در مقابل قدرت‌های کفر و رفع موانع اتحاد اسلامی صحبت کردم؛ راجع به جنگ و روابط ایران با سوریه و... هم توضیحاتی دادم.

یکشنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۶۳

جلسه علنی داشتیم. در تنفس و قبل از جلسه، به شکایات نمایندگان درباره اشکالات انتخابات گوش دادم. ظهر در دفترم چند ملاقات انجام شد. عصر به جلسه شورای مرکزی حزب [جمهوری اسلامی] نرفتم؛ به جهت کمی علاقه و هم به خاطر کار زیادی که داشتم. آقایان [مسیح] مهاجری و [سیدمحمدرضا]بهشتی آمدند و درباره یک بعدی شدن حزب جمهوری اسلامی حرف داشتند. شب را در مجلس ماندم.

دوشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۶۳

صبح زود بعد از نماز، مشغول کارهایم شدم. ساعت هفت، آقای [میرحسین موسوی] نخست وزیر و آقای [محسن] کنگرلو آمدند. درباره [تحرکات] ضدانقلاب در اروپا و همچنین معرفی سه وزیر جدید بحث شد. در جلسه علنی مجلس، چند لایحه تصویب شد. بخشی از اداره جلسه را به آقای یزدی سپردم و به دفترم آمدم. آقای داود آبادی مسئول کارگران مجلس آمد و راجع به

۱- این پیش بینی درست بود ولی با مهار نرخ رشد جمعیت بعد از جنگ در دوران سازندگی از انفجار جمعیت جلوگیری شد.

مشکلات کارگران مطالبی داشت. جمعی از کارکنان بازنشسته آمدند و خواستار افزایش حقوقشان بودند.

آقایان [محمد]اخلاقی‌نیا [نماینده سیرجان] و [علیرضا]یارمحمدی [نماینده بم] آمدند و از اقدام دادستانی انقلاب در سیرجان علیه طرفدارانشان، شاکی بودند. آقای [محمدعلی]تاتاری نماینده زاهدان آمد و نگران از این بود که یکی از معدومان شاخه نظامی حزب توده، در خانه‌اش رفت و آمد داشته است.

[آقای محسنی] فرماندار بهشهر آمد و گزارشی از اوضاع منطقه داد و سیصدهزار تومان پول و مقداری زیورآلات از کمکهای مردم این شهر را برای مصارف جبهه اهدا کرد.

عصر، کارکنان حراست کل کشور آمدند و گزارشی دادند؛ برایشان درباره ادارات صحبت کردم.[1] آقای آلارد سفیر بلژیک در ایران آمد؛ آدم خوش برخوردی بود. تلاش زیادی برای توسعه روابط دارند.[2] ناصر برواری نماینده مجلس عراق که به ایران پناه آورده است، آمد؛ از بی‌توجهی

۱- در این سخنرانی آمده است: "مواظب باشید که فساد اداری دوباره شکل نگیرد و کاری کنید که سازمانهای اداری صحیح و سالمی داشته باشیم... از کارهایی که جمهوری اسلامی با شهامت و جرأت با آن روبرو گردید، برخورد استثنایی با ادارات و نهادهای رژیم گذشته بود. معمولاً در انقلابهای مشهور دنیا، پس از روی کار آمدن رژیم جدید، تصفیه تند و گاه خونینی در ادارات و نهادها انجام می‌شده است، اما چنین برخوردی را با اسلام، سازگار ندیدیم... البته ما قبول داریم که با وضع تورم فعلی و مشکلات زندگی تأمین یک زندگی خوب برای کارکنان ادارات مشکل است. اما این مسأله به خاطر جنگ، انقلاب و تورم جهانی است و مقداری از آن هم ناشی از گرفتاریهای گوناگون است. با وجود این اگر خود اداره‌ایها، با برنامه‌ریزی صحیح کارها را با قاطعیت به پیش ببرند می‌توانند مشکلات تورم را نیز حل کنند و زمینه را برای ایجاد یک زندگی متناسب با کار، برای حقوق بگیریها فراهم سازند." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۲- در این ملاقات، ابتدا سفیر بلژیک، انتخاب مجدد آقای هاشمی رفسنجانی در انتخابات دوره دوم مجلس شورای اسلامی را به ایشان تبریک گفت و اظهار امیدواری کرد، همکاری بلژیک با جمهوری اسلامی در زمینه‌های متعدد گسترش یابد. سفیر بلژیک همچنین پیشنهاد کرد، کمیسیون مشترکی جهت بررسی و تسریع همکاری، بین دو کشور تشکیل شود. آقای هاشمی نیز ضمن تأیید پیشنهاد سفیر بلژیک در زمینه توسعه روابط دو جانبه، گفت: ما نیز طالب گسترش روابط هستیم و تا حد لازم و ممکن در پیشبرد آن کوشش خواهیم کرد. رفتار و حرکات بعضی از کشورها، چون آمریکا و فرانسه، باعث می‌شود که اعتماد ما نسبت به برخی از

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

مجلس اعلای [انقلاب اسلامی] عراق و مسئولان به او و عدم استفاده از امکانات و اطلاعاتش و همچنین از مشکلات زندگی حرف زد؛ به آقای [علی]شمخانی گفتم از ایشان بهتر استفاده شود.

مسئولان اطلاعات سپاه برای استمداد در همکاری با [آقای اسدالله لاجوردی] دادستان انقلاب تهران آمدند. آقای رضوی رئیس سازمان امور اداری و استخدامی کشور آمد. گزارش‌هایی داد و اجازه برای کنار رفتن می‌خواست. تشویقش کردم که بماند و گفتم به خواسته‌هایش برای اصلاحات اداری کمک می‌کنم.

جمعی از نیروهای یگان دریائی سپاه آمدند. درباره اهمیت تأسیس این واحد و اثرات آن صحبت کردم.[1] دکتر ولایتی آمد. گزارش روابط با عربستان و شوروی را داد و درباره آن مشورت کرد. روسها پیشنهاد تحسین روابط کرده‌اند.[2]

سه شنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۳۶۳

آقای نخست وزیر اطلاع داد که دیشب یک کشتی دیگر عربستان سعودی [به نام "الحود"] ـ که

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

کشورهای اروپایی، از جمله بلژیک، بیشتر شود. خصوصاً حرکت اخیر مؤسسات و مراکز علمی و دانشگاهی شما، در علنی نمودن جنایت عراق در استفاده از بمبهای شیمیایی، تأثیر مطلوبی بر مردم ایران داشته است.

۱- در این سخنرانی آمده است: "تشکیل واحد دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، به اندازه تشکیل خود سپاه در کل انقلاب مؤثر است. دریا، جای بکر و حساسی است که حرکت نویی را می‌طلبد. تاکنون حضور نیروهای فداکار و ایثارگر در عرصه دریاها، آزمایش نشده بود، بنابراین وجود عناصر سپاه در آنجا برای استکبار جهانی، پدیده‌ای بس وحشتناک است. استکبار جهانی، ممکن است با داشتن ابزار پیچیده و فوق‌العاده خود بتواند تنها در مقابل سلاحهای ما عرض اندام کند، اما در مقابل نیروهای ایثارگر و در مقابل ایمان شما، بسیار ضعیف و زبون است." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۲- در این روز آقای نجم‌الدین کارادومان رئیس مجلس ترکیه با ارسال پیامی در پاسخ به آقای هاشمی رفسنجانی در خصوص محکومیت استفاده از سلاحهای شیمیایی اعلام کرد: ما عمیقاً نگران استفاده از سلاحهای شیمیایی در قلمرو ایران که در پیمان نامه‌های بین‌المللی منع شده است، می‌باشیم. ترکیه استفاده از سلاحهای شیمیایی را محکوم می‌نماید و مخالف کاربرد این قبیل سلاحهاست، صرف نظر از اینکه کجا و تحت چه شرایطی و توسط چه کسانی به کار رود.

از خارک برای ایتالیا، نفت می‌برد ـ هدف حمله قرار گرفته است. درباره کیفیت تبلیغات و عکس‌العمل مشورت کرد؛ قرار شد در شورای‌عالی دفاع تصمیم بگیریم.

در جلسه علنی مجلس، ائمه جمعه و جماعات شرکت کننده در کنفرانس [بین‌المللی ائمه جمعه] آمدند. برای آنها صحبت کردم؛[1] به دو زبان عربی و انگلیسی ترجمه شد. نماز ظهر و عصر با امامت من خوانده شد. ناهار را هم، مهمان مجلس بودند.

بعد از ناهار با آقای کفتارو مفتی کشور سوریه ملاقات داشتم. درباره وضع لبنان صحبت کردم و از سیاست سوریه برای عادی کردن وضع لبنان ـ با وجود اشغال جنوب [لبنان] توسط اسرائیل و ادامه حکومت فالانژها ـ اظهار نگرانی نمودم.

عصر، آقای جزایری امام جمعه اهواز آمد و از رفتار نمایندگان اهواز، آقایان [فواد] کریمی و [عبدالرضا]اسدی‌نیا گله داشت و از من برای رفع مشکل کمک خواست و می‌خواست چیزی بنویسم. از نوشتن ابا کردم؛ موضوع به بعد از انتخابات موکول شد.

آقای اجاره‌دار معاون وزیر کشور آمد؛ از وزیر کشور گله‌داشت و برای استعفاء مشورت کرد. سفرا و کاردارانمان در اندونزی، سریلانکا، افغانستان و امارات متحده عربی آمدند؛ گزارش‌هایی دادند و من هم نظراتی ابراز کردم. [سرهنگ ترابی] رئیس دفتر مشاورت امام [در ارتش] آمد. گزارش موشک خوردن کشتی [نفتکش متعلق به] عربستان سعودی را آورد و راجع به راههای مبارزه با این رویه جدید عراق ـ که برای ایجاد مانع در صدور نفت ما شروع شده است ـ نظر داد.

هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت. برای آخرین هفتهٔ کار مجلس اول، لوایح و طرحهای ضروری‌تر را انتخاب کردیم و برای کارهای اداری، تصمیماتی اتخاذ شد. شب، جامعه روحانیت

۱- در این سخنرانی آمده است: کشور ایران، امروز تنها کشوری است که دولت و ملتش، همه توان خودشان را دارند مصرف می‌کنند، برای اینکه اسلام مظلوم را احیاء کنند و پیام وحی و خدای جهان را در دنیا به حاکمیت برسانند و حضور شما در ایران، معنای خاصی دارد و برای دوستان اسلام، اثر بسیار خلاق و سازنده‌ای دارد و برای دشمنان خاری است در چشم‌شان. امروز دین اسلام به عنوان یک خطر بسیار جدی برای استکبار جهانی ـ هم شرق و هم غرب ـ مورد توجه قرارگرفته و ما در همه دنیا، هیچ جریانی و هیچ حرکت انقلابی را نمی‌توانیم پیدا کنیم که مثل اسلام در این مقطع تاریخی، اهداف غیر مشروع استکبار جهانی را تهدید بکند. فقط امروز اسلام است که می‌تواند به عنوان حامی جدی مستضعفان و محرومان تاریخ، حرکت بکند. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

مبارز تهران در دفتر من جلسه داشت؛ بیشتر به بحث‌های متفرقه و هزینه‌ها یا [نحوه تأمین] مخارج انتخابات [مرحله دوم مجلس شورای اسلامی] گذشت. پولی هم برای مخارج مرحله دوم انتخابات، تعهد شد. ساعت ۱۲ شب به خانه آمدم.

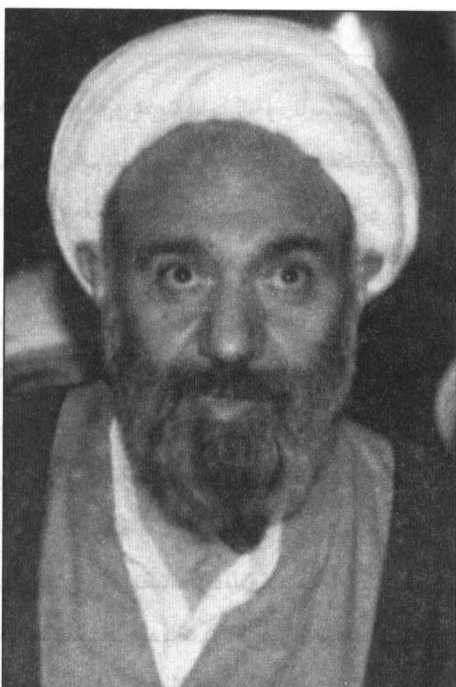
چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۳۶۳

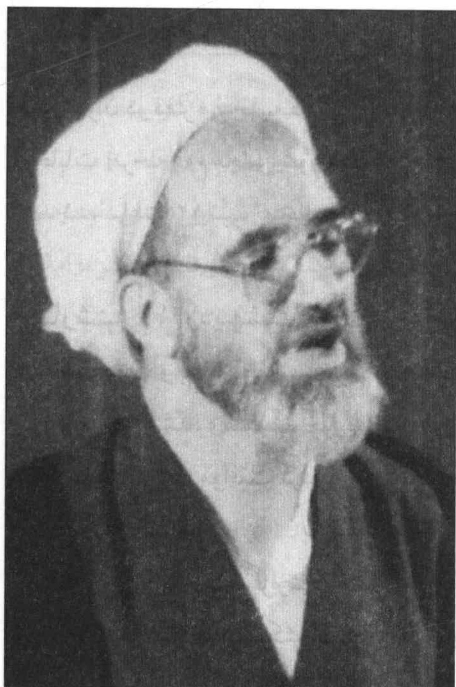
تا ساعت دو بعد از ظهر در منزل بودم. خاطرات را نوشتم. گزارش‌ها را خواندم. در لیبی کودتائی شروع شده و شکست خورده است. وزیرامورخارجه برای رفتن به لیبی برای تقویت آنها، تلفنی مشورت کرد؛ موافقت کردم. آقای [شیخ حسن] صانعی آمد؛ برای برگزاری مراسم ۱۵ خرداد استمداد کرد.

عصر به مجلس رفتم. گزارشها را خواندم و نامه‌های اداری را امضاء کردم. مقامات [عربستان] سعودی با زدن کشتیهای نفتکش توسط عراق، روی موافقت نشان داده‌اند که حاکی از توطئه دسته جمعی دارد. شب، جلسه مسئولان قوا در منزل آقای موسوی اردبیلی [رئیس دیوان‌عالی کشور] بود. رئیس جمهور به خاطر مسافرت به مازندران، حضور نداشتند. قرار شد در خلیج فارس، در مقابل زدن کشتیهای حامل نفت، مقابله به مثل شود.

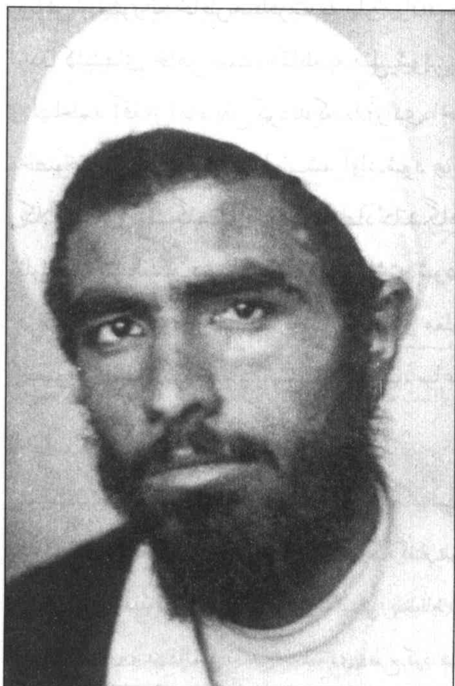
احمد آقا از امام نقل کردند که با آزادی احسان طبری[1] [تئوریسین حزب توده] ـ که مصاحبه خصوصی کرده ـ موافقند. قرار شد آزاد شود و تحت نظر باشد. همچنین امام از اینکه در یکی از کلاس‌های دانشگاه تهران توسط جهاد دانشگاهی، مانع بین خانم‌ها و آقایان دانشجو نصب شده، ناراحت شده‌اند و دستور داده‌اند، برداشته شود و تعبیر "خشکه مقدس نادان" را در مورد آنها فرموده‌اند. درباره انتخابات بحث کردیم و معلوم شد، نامه آیت‌الله منتظری به امام ـ که در این خصوص انتقاد کرده‌اند ـ پخش شده است. ساعت یازده شب به خانه آمدم.

۱- احسان طبری تئوریسین حزب توده ایران در یک گفتار تلویزیونی که ۱۸ اردیبهشت از شبکه اول سیمای جمهوری اسلامی پخش شد، پیرامون شکست تز انقلاب سوسیالیستی، انحطاط اخلاقی در شوروی، بی‌پایه بودن برداشتهای مارکسیسم از تاریخ و دیپلماسی شوروی در قبال ایران نظریات انتقادی مطرح کرد. دیدگاههای دکتر احسان طبری در کتابی با عنوان "کژراهه" به چاپ رسیده است.


حجت الاسلام والمسلمین شیخ حسن صانعی


حجت الاسلام والمسلمین مهدی کروبی


حجت الاسلام والمسلمین سید علی اکبر محتشمی


حجت الاسلام والمسلمین مجید انصاری

پنجشنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۳۶۳

با آیت‌الله خامنه‌ای [رئیس جمهور] درباره لزوم تسریع در اجرای تصمیم مقابله به مثل در زدن کشتیهای نفتکش [در خلیج فارس] تلفنی صحبت کردم. آقای [اسدالله]بیات هم، تلفنی اطلاع داد که آقای [احمد] جنتی [عضو فقهای شورای نگهبان] از جریان امضای نامه توسط نمایندگان مجلس به خدمت امام، درباره عدم رعایت بی‌طرفی شورای نگهبان در ابطال انتخابات، اعتراض داشته‌اند.

عصر، آقای [محمد محمدی]ری‌شهری که نامزد [پست] وزارت اطلاعات است، برای مشورت با من آمد و از وضع گروه [شاپور]بختیار [در فرانسه] اطلاع داد. احمد آقا هم آمد و راجع به مدرسه بزرگ طلبگی دخترانه ـ که در قم با بودجه امام، نیمه‌ساز شده و برای ادامه کار، دیگر امام پول نمی‌دهند ـ صحبت کرد و اینکه طلبه‌ها هم، باید سهمی در مدیریت حوزه داشته باشند. راجع به دروغگویی‌های شیخ علی تهرانی در رسانه‌های عراق هم بحث شد.

گزارشها را از مجلس آوردند، خواندم، مطلب مهمی نداشت. مهدی [پسرم] که برای شرکت در مراسم دعای کمیل در مدرسه مانده بود و کسی برای آوردنش نرفته و تنها مانده بود، تلفنی استغاثه کرد. عفت، با ماشین بیت امام رفت و او را آورد.

جمعه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۶۳

بعد از نماز صبح، استراحت کردم. صدای انفجاری از فاصله نزدیک، شیشه‌های منزل را لرزاند؛ تحقیق کردم، گفتند کپسول گاز در مغازهٔ کنار میدان جماران منفجر شده است؛ احتمال خرابکاری هم می‌رود. مأموران مشغول تحقیق هستند. آقای [حسین]مرعشی آمد. دفتر آورد که سند انتقال ماشین پژوئی که از پیش داشتم، امضاء کنم.

با آقای خامنه‌ای، تلفنی صحبت کردم؛ راجع به مطالب امروز نماز جمعه ـ که ایشان اقامه می‌کنند ـ مذاکره کردیم. اطلاع دادند که دستور مقابله به مثل در مِقابل حمله به کشتی‌های نفتکش که از خارک نفت می‌گیرند، صادر شده است؛ تحولی در جنگ است. خداوند عاقبت را به خیر دارد. سرماخوردگی داشتم. کار زیادی نتوانستم بکنم. گزارش‌ها را از مجلس آوردند، خواندم. مطلب مهمی نداشت.

امشب در کنفرانس بین‌المللی ائمه جمعه و جماعات در هتل استقلال شرکت کردم. درباره

"روش قانونگذاری براساس اسلام" صحبت کردم و به سئوالات حاضرین پاسخ دادم. سوالات بیشتر راجع به جنگ و نپذیرفتن صلح با صدام و مسأله فلسطین و طرح نجات فلسطین و عوامل پیروزی انقلاب اسلامی در ایران بود.[1] ساعت ۱۱ شب به خانه برگشتم.

شنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۳۶۳

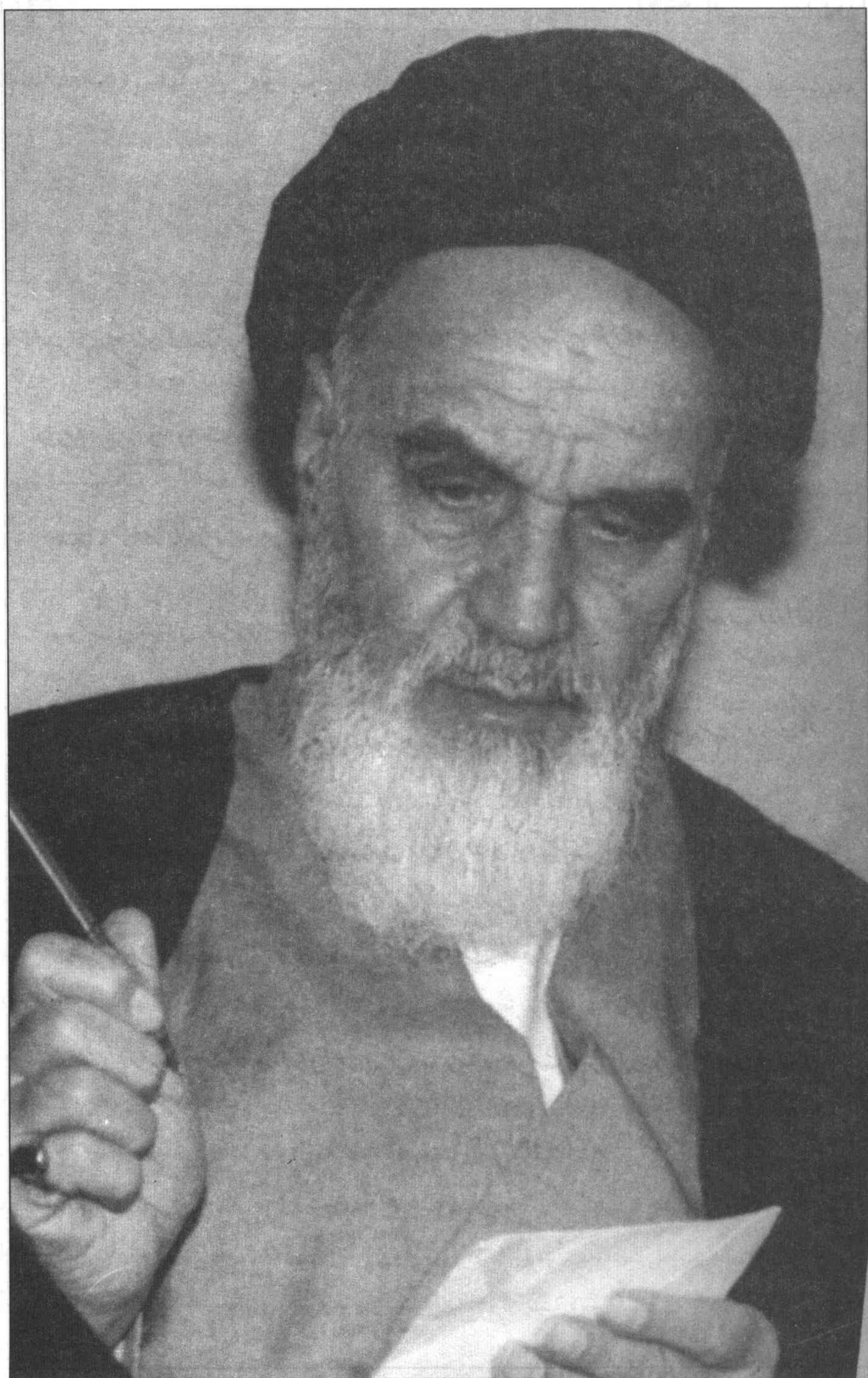
ساعت هشت‌ونیم، آقای شیرازی امام جمعه مشهد آمدند؛ بیشتر برای شکایت از حرکت شورای نگهبان در ابطال بعضی از صندوقها و انتخابات بعضی از حوزه‌ها و ترکیب هیأت نظارت.[2] فرزند ایشان هم در حوزه انتخابیه داراب، از همین سیاست ضربه خورده و موفقیتش به خاطر ابطال انتخابات، از دست رفته است. تلاش دارند که با امام ملاقات کنند.

شورای سرپرستی صداوسیما جلسه داشت. برای برنامه ماه رمضان و کارهای دیگر تصمیم‌گیری شد. سیاست تبلیغاتی در مورد حوادث احتمالی آینده در خلیج فارس، در ارتباط با

۱- در این سخنرانی آمده است: "در اسلام، بن‌بست وجود ندارد و ما هیچگاه تاکنون به بن‌بست نرسیده‌ایم. بطلان این ادعا که اسلام نمی‌تواند جامعه را اداره کند، در جمهوری اسلامی ایران به اثبات رسیده و ما ثابت کردیم که می‌توان با قوانین اسلام، دنیا را به بهترین نحو اداره کرد."

ایشان در پاسخ به این سوال که چرا جمهوری اسلامی، حاضر به صلح با عراق نیست، اظهار داشت: "همه می‌دانند که جنگ را رژیم عراق به ما تحمیل کرد، رژیم عراق حمله وسیعی را علیه کشور ما آغاز کرد. رژیم عراق با تحمیل جنگ بر جمهوری اسلامی، قصد داشت که کشور ما را تجزیه نماید، ما در آن موقع خروج عراقیها از کشورمان، اخذ غرامت و تشکیل دادگاهی برای محاکمه متجاوز را از شرایط خاتمه جنگ اعلام نمودیم و حتی به یک هیأت میانجی نیز برخورد نکردیم که به ما بگویند که شرایط شما عادلانه نیست، آنها فقط می‌گفتند شما متجاوز را عفو کنید، ما حق نداشته و نداریم که حزب بعث را با آن همه جنایاتی که مرتکب شده، عفو کنیم. اسلام به ما اجازه چنین کاری را نداده است." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۲- شورای نگهبان قانون اساسی در این دوره از انتخابات، نتایج انتخابات در ۱۲ حوزه از جمله اصفهان، شیراز، نور و بهشهر را به علل گوناگون از جمله فضای ناسالم انتخاباتی در آن حوزه‌ها ابطال کرده بود.



بسم الله الرحمن الرحیم

مجلس شورای اسلامی که در رأس تمام نهادهای نظام جمهوری اسلامی است از ویژگیهای خاصی برخوردار است که مهمترین آنها اسلامی - ملی بودن آن است. اسلامی است که تمام تلاشش در راه تصویب قوانین غیر مخالف با احکام مقدس اسلام است خصوصاً با برخورداری از شورای محترم نگهبان. و ملی است که از متن ملت جوشیده است. و دست شرق و غرب و وابستگان به آنان از سرنوشت آن کوتاه است. امروز مجلس خانه واقعی ملت است و برخلاف دوران طاغوت بمصلحت رژیم ستمگر پهلوی با آراء توده ستمدیده مسلم و مجید و زحمتکش و محروم متولد است. و دست ناپاک دولتمردان و قدرتمندان و خانها و غرب و شرق زدگان از آن کوتاه است. امروز دولت مورد اعتماد مجلس حقاً دولت مستضعفان که دارای روحی رزمنده میباشد. خداوند متعال نعمت بزرگ اسلام و استقلال و آزادی را بر ملت شریف ایران مستدام فرماید و سایر ملل تحت ستم را از زندان ستمگران نجات دهد.

۶۳/۲/۲۲ مطابق ۱۰ شعبان المعظم ۱۴۰۴

روح الله الموسوی الخمینی

دستخط امام خمینی (ره) درباره مجلس شورای اسلامی

زدن کشتیهای نفتکش، تعیین گردید.[1] ظهر، از طرف یگان دریائی سپاه، برای گرفتن وقت ملاقات با امام آمدند.

یکشنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۶۳

تا ساعت ده صبح در منزل ماندم. قرار بود آقای خامنه‌ای، بعد از زیارت امام به منزل ما بیاید، ولی دیر شد و [قرارمان را] فسخ کردیم و من به مجلس رفتم. جمعی از خانواده‌های شهدا آمده بودند؛ برای آنها درباره عظمت شهادت و شهید صحبت کردم.[2] کشاورزان نمونه و وزیران جهاد سازندگی و کشاورزی آمدند؛ اظهاراتی کردند و من هم برای آنها صحبت کردم.[3] دو نفر از نمایندگان شیخ سعید شعبان - از طرابلس لبنان - که در کنگره ائمه جمعه و جماعات شرکت کرده‌اند، آمدند و از سیاست کلی ما درباره لبنان جویا شدند. از سوریه نگران بودند. گفتم، باید

۱- در این روز یک نفتکش کویتی با نام "ام قصبه" مورد حمله موشکهای ناشناس قرار گرفت.

۲- خانواده‌های شهدای گردان ۹ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در عملیات بیت‌المقدس به شهادت رسیده بودند، به همراه گروهی از مسئولین، فرهنگیان، انجمن‌های اسلامی نوشهر و اقشار مختلف مردم شهرستان نوشهر در این دیدار حضور داشتند. آقای هاشمی در بخشی از سخنانش گفت: "در تاریخ ادبیات دنیا هیچ واژه‌ای همچون واژه شهید، دارای معنی و اثر نبوده است. در همه جریانهای تاریخ ساز دنیا، شهادت نقش خود را حفظ کرده و همیشه نیز محبوب و عزیز باقی خواهد ماند. حرکتهای موفق تاریخ، پیروزی خود را از خون شهیدان‌شان، بدست می‌آورد. در تاریخ انبیاء و انقلابهای دنیا، معمولاً پیشتازان انقلاب به شهادت می‌رسند. اگر در انقلابی، بی‌ارزشها را به جبهه بفرستند تا کشته شوند و دیگران بمانند، این انقلاب به انحراف کشیده شده است. و جامعه‌ای که راه شهادت را شناخت، هیچوقت ذلیل نمی‌شود." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۳- در این دیدار آقای عباسعلی زالی وزیر کشاورزی و آقای بیژن نامدار زنگنه وزیر جهاد سازندگی به همراه کشاورزان نمونه سراسر کشور حضور داشتند. در این ملاقات، ابتدا سه نفر از کشاورزان، مشکلات و مسایل کشاورزی منطقه خود را مطرح کردند. آنگاه آقای هاشمی رفسنجانی به تشریح مسایل کشاورزی و مسئله زمین پرداخت و گفت: "من هم معتقدم که مسئله زمین بسیار مهم است و تا مسأله زمینه حل نشود، نمی‌توانیم کشاورزی را رونق دهیم و مسأله زمین باید حل شود و به دست کسانی برسد که با عرق جبین روی آن کار می‌کنند." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

مواظب باشند تا درگیری پیش نیاید.

عصر، دکتر [عبدالله] جاسبی آمد و راجع به دانشگاه آزاد اسلامی، هفته کمک [به دانشگاه]، معافیت [تحصیلی] دانشجوها از سربازی و نیازهای حزب [جمهوری اسلامی] صحبت کرد. عصر، همچنین در جلسه شورای مرکزیِ حزب شرکت کردم. بحثها درباره انتخابات، تبلیغات، دبیر حزب [جمهوری اسلامی] یزد، کمبود پول و درخواست کمک بود.[1] قرار شد هر عضوی از شورا، فعلاً پنجاه هزار تومان بپردازد.

اول شب، جلسه‌ای با حضور فرماندهان سپاه و وزیر امور خارجه در دفتر آقای خامنه‌ای داشتیم. فرمانده نیروی هوائی اطلاع داد که یک کشتی کویتی [به نام "بحره"] در خلیج فارس، منفجر شده است.

دوشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۳۶۳

تمام روز در خانه بودم. صبح زود، وزارت نفت اطلاع داد که یک کشتی نفتکش ما در بوشهر دچار حادثه شده و آتش گرفته است؛ لابد عراقی‌ها زده‌اند. اخوی محمد [رئیس سازمان صداوسیما] راجع به پخش اعتراض استاندار اصفهان به اظهارات آقای امامی کاشانی در خصوص ابطال انتخابات اصفهان از صداوسیما، تلفنی مشورت کرد.[2] عصر، آقای خامنه‌ای اطلاع دادند که

۱- در مرحله دوم انتخابات مجلس شورای اسلامی، حزب جمهوری اسلامی افراد زیر را از حوزه انتخابیه تهران معرفی کرده بود: آقایان محمد یزدی، محی‌الدین انواری، حسن روحانی، ابراهیم اسرافیلیان، محمد حسن اصغرنیا، سعید امانی، اسدالله بادامچیان، محمد هاشم رهبری، موسی زرگر، رضا زواره‌ای، حبیب‌الله عسگراولادی مسلمان، حسین کمالی، محسن لبافی، کمال نیکروش، محمد علی هادی نجف‌آبادی و خانمها مرضیه دباغ و مریم بهروزی.

۲- آیت‌الله محمد امامی کاشانی رئیس هیأت نظارت شورای نگهبان در مصاحبه با روزنامه کیهان درخصوص انتخابات گفت: "همانطورکه مردم در صحنه حاضر بودند و پای صندوق آمدند، انتخابات نیز باید از خدشه مصون باشد و چنین بود. اما چند حوزه انتخابیه از مسیر طبیعی خود خارج شد و در بعضی نیز تخلفات وجود داشت اما نه آنکه انتخابات را از مسیر و روال خودش بیرون کند. لذا این انتخابات را سالم دانستیم و تأیید نمودیم و آن چند حوزه را ابطال کردیم. اگر انتخابات در چند جا هم، غلط انجام شده، غلط راگرفتند و سرپوش روی خلافها نگذاشتند و این از افتخارات نظام جمهوری اسلامی است." وی علت ابطال انتخابات

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

یک کشتی دیگر کویتی‌ها، دچار حادثه شده است. آخر شب، احمد آقا مرعشی، تلفن زد که مشکلش رفع شده است.

سه شنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۳۶۳

برای چند ملاقات و کارهای اداری به مجلس رفتم. گزارشها را خواندم. موضوع مهم روز، زدن کشتی‌های نفتکش در خلیج فارس است.[1] آقای [علی محمد]بشارتی برای کارهای اداری مجلس و آینده خودش مراجعه کرد. [ناخدایکم اسفندیار حسینی] فرمانده نیروی دریائی آمد و از مخالفت گروه کار رئیس جمهور با ایشان و تضعیف فرماندهی گله داشت؛ گویا شنیده که می‌خواهند ایشان را عوض کنند. آقای شریفی ـ هم مباحثه دوران طلبگی‌ام ـ آمد. مهندس مرّوت و مسئولان دیگر وزارت مسکن آمدند، درباره زمین و اختلاف با آقای مهندس گنابادی [وزیر مسکن و شهرسازی] مطالبی گفتند.

مصاحبه‌ای با تلویزیون درباره انتخابات انجام دادم. دکتر احمدی از ستاد انقلاب فرهنگی آمد، تذکراتی راجع به گزینش دانشجو و تأکید برعدم مشخص کردن مرحله تحقیقات عقیدتی و سیاسی نمودم و راجع به دانشجو شناخته شدن محصلان دانشگاه آزاد تأکید کردم. با آقای [اسدالله]بیات دو خطبه عقد، برای دو زوج خواندیم. امام جمعه شهر بابک هم آمد و از موفقیت رقیب خود در انتخابات، ناراحت بود.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

اصفهان را فضای ناسالم انتخاباتی عنوان کرد. در پی چاپ مصاحبه رئیس هیأت نظارت شورای نگهبان، استانداری اصفهان به سخنان وی اعتراض کرد. در جوابیه استانداری اصفهان آمده است: "در رابطه با جو ناسالم انتخابات بنابر مشاهده همه امت مسلمان اصفهان، آزادی کامل در شهر اصفهان وجود داشته و بازرسین مختلف از وزارت کشور و استانداری، این مسأله را تأیید کرده‌اند و هیچگونه اختناق و جبر وارعابی که خدای ناکرده سلامت و آزادی موردنظر حضرت امام را از بین ببرد، وجود نداشته و چنانچه چنین مساله‌ای بود است، خوب است چگونگی و مسئولین آن مشخص شوند که حداقل از تکرار آن جلوگیری شود."

برای مطالعه کامل رجوع کنید ← روزنامه کیهان دوشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۳۶۳ شماره ۱۲۱۵۶ صفحه ۲.

۱ـ در این روز یک نفتکش یونانی به نام "اسپرانزا" و یک نفتکش ایرانی به نام "تبریز" پس از بارگیری در جنوب جزیره خارک، مورد حمله هواپیماهای عراقی قرارگرفتند و به آتش کشیده شدند.

عصر، [دکتر ایرج فاضل] وزیر فرهنگ و آموزش عالی آمد. می‌خواست که در نماز جمعه برای حل مشکل مسکن دانشجویان مطالبی بگویم؛ پذیرفتم. راجع به گزینش دانشجو هم بحث شد. مخالف مصوبهٔ موجود است و قصد استعفا دارد.

عصر، شورای عالی دفاع جلسه داشت. درباره کیفیت برخورد با موضوع حمله به کشتیهای نفتکش از طرف عراق بحث شد. بعد از جلسه، مصاحبه تلویزیونی کردم.[1] سپس جلسه خصوصی طولانی با آقای خامنه‌ای داشتیم. درباره کیفیت برخورد با دو خط تندرو و محافظه کار بحث کردیم؛ مفید بود. باید ادامه بدهیم. دیر وقت به خانه آمدم. امام بیانیه‌ای در حمایت از شورای نگهبان در مقابل حملاتی که به آنها در انتخابات ـ با ادعای خطی برخورد کردن ـ آغاز شده بود، داده‌اند؛ باعث ناراحتی تندروها خواهد شد.[2]

چهارشنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۳۶۳

صبح زود، [سرهنگ محمد سلیمی] وزیر دفاع آمد و توضیحی برای برنامه بازدید از کارخانه‌های مهمات‌سازی سازمان صنایع دفاع داد و با هم به محل کارخانه [واقع] در شمال

۱- در این مصاحبه آمده است: "چند مسأله در جلسه امروز مطرح بود، از جمله به وضع جبهه‌ها رسیدگی شود و در مورد توزیع بودجه جنگی که در قانون به عهدهٔ شورای عالی دفاع گذاشته شده است، تصمیماتی اتخاذ شد. ولی بیشتر بحث، راجع به وضع جدیدی که در خلیج فارس پیش آمده، در رابطه با زدن نفتکش‌ها توسط عراق بود که از نظر ما یک تحول در روند جنگ محسوب می‌شود و مرحله کاملاً جدیدی است. در این مورد نیز پس از بررسی، تصمیماتی اتخاذ گردید. مسایل جدید در خلیج فارس، یک توطئه است که با همکاری عراق و حامیانش، که آمریکا و فرانسه و ارتجاع منطقه می‌باشد، طرح‌ریزی شده است. سیاست ما این است، خلیج فارس یا برای همه امنیت خواهد داشت یا برای هیچکس." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۲- امام خمینی(ره) در این پیام در مورد لزوم احترام به شورای نگهبان و خطر تضعیف آنان فرمودند: "هشدار می‌دهم که تضعیف و توهین به فقهای شورای نگهبان، رویه خطرناک برای کشور و اسلام است، و به شورای نگهبان تذکر می‌دهم که درکار خود استوار باشید و با قاطعیت و دقت عمل فرمایید و به خدای متعال اتکال کنید. و مردم در انتخابات شرکت کنند و به قدرتهای بزرگ بفهمانند که ملت ایران، از مسایل اسلامی برنمی‌گردد." رجوع کنید ← صحیفه نور، جلد دوازدهم، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.

خیابان پاسداران رفتیم. از چند واحد بازدید کردیم؛ از جمله از فشنگ‌سازی و گلوله‌سازی ۱۳۰ و ۱۵۵ میلیمتری که نسبتاً منظم است و از مینهای دریائی که اخیراً طراحی کرده‌اند. ابتکار جالبی است. آقایان قیامتیون، قاسم‌زاده و جعفری با حرارت توضیح دادند. از نارنجک‌هایی که با تفنگ معمولی و مسلسل، پرتاب می‌شود و برد زیادتری دارد، از خمپاره‌های ضد تانک و ضد نفر و همچنین از سالن ابزارسازی هم بازدید کردیم و سپس به توضیحات مدیرعامل [سازمان صنایع دفاع] گوش دادیم. بعد از بازدید، برای کارکنان سخنرانی نمودم.[1]

عصر، استراحت و مطالعه داشتم. خبر دادند که یک کشتی بزرگ عربستان سعودی، موشک خورده است.[2] دولت کویت، رسماً اعلام کرده که ایران، دو کشتی‌اش را زده و [ایران را] تهدید کرده است. ملک فهد [پادشاه عربستان سعودی]، توسط کاردار ما، پیغام نرم فرستاده و تقاضا کرده است که کشتی‌ها را نزنیم.

شب، آقایان خامنه‌ای، احمد آقا، موسوی اردبیلی و دکتر ولایتی مهمان من بودند. برای جواب ملک فهد و کویت تصمیم اتخاذ شد. دیروقت، گزارشهای خارجی وارده را خواندم. مسأله مهم دنیا، مسأله خلیج فارس و بحران احتمالی نفت است.[3]

۱- در بخشی از این سخنرانی آمده است: "ما قدرت آن را داریم که در مقابل توطئه ابرقدرتها در منطقه ایستادگی کنیم، و اگر قرار است راه نفتی جزیره خارک تأمین نباشد، پس هیچ راهی در خلیج فارس تأمین نخواهد داشت." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۲- نفتکش عظیم سعودی به نام "نیبوه" که حامل ۲۱۰ هزار تن نفت خام به مقصد برزیل بود، در ۳۰ مایلی بندر راس التنوره، بمباران شد. آواکس‌های آمریکایی متعلق به عربستان سعودی که دائماً در منطقه در حال پرواز بودند، گزارش دادند که ایرانی‌ها، تانکر سعودی را مورد هدف قرار دادند.

۳- مجله لوپوئن چاپ پاریس در مقاله‌ای به قلم میشل کلومس با عنوان "خلیج [فارس]: جرقه جنگ" نوشت: عراقیها، نفتکش‌هایی را که از ایران می‌آیند، مورد حمله قرار می‌دهند و ایرانیها نیز تانکرهایی را که با بغداد تجارت می‌کنند، بمباران می‌کنند به عبارت دیگر، جنگ خلیج [فارس] در حال بین‌المللی شدن است. در ظرف ۱۵ روز در حدود هفت نفتکش در خلیج [فارس] به آتش کشیده شدند و یا به طور جدی صدمه دیدند. در لندن، کرایه کشتی‌ها به مقصد خاور نزدیک به حالت رکود در آمده است. شرکت بیمه لویدز لندن، تصمیم گرفته است، نرخ بیمه خصوصی به خاطر "افزایش خطرات جنگ" برای کشتی‌هایی

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

پنجشنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۳۶۳

در شعبه سیار ۱۱۰ جماران که برای رأی‌گیری به بیت امام آورده بودند، به همراه بچه‌ها رأی دادیم.[۱] عصر، در پادگان لویزان در مراسم اعطای جوایز ارتشی‌ها شرکت کردم و برای آنها سخنرانی نمودم و جوایز را به نمایندگان آنها دادم.[۲] شب، گزارشهای رسیده از سراسر دنیا را خواندم و رسانه‌های جمعی و دولتهای غربی به موضوع کشتیها در خلیج‌فارس، خیلی اهمیت داده‌اند و دارند، خطر را بزرگ جلوه می‌دهند.[۳] ممکن است، مشغول زمینه‌سازی برای دخالت قدرت‌های بزرگ باشند؛ در حالی که پیش از این، خیلی ساده از کنار حوادث می‌گذشتند.

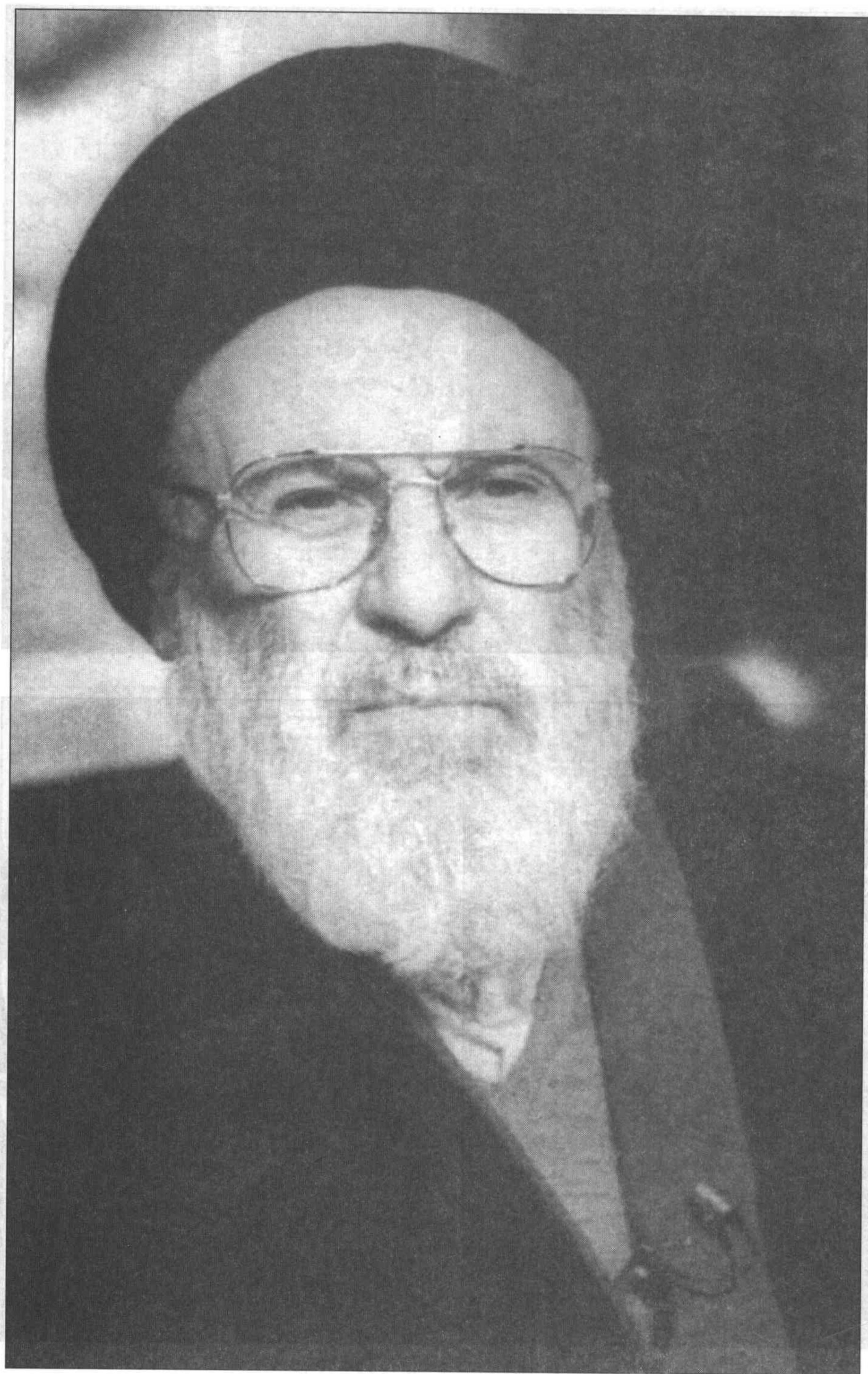
(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

که از منطقه عبور می‌کند، تعیین کند. واشنگتن و پاریس به کلیه تفنگداران دریایی غرب که تنگه هرمز را زیر نظر دارند. دستور آماده باش فوق‌العاده داده‌اند. به نظر می‌رسد در جنگ ایران و عراق، ماجرای چاه کنی که در چاه افتاد بار دیگر اتفاق افتاده است. بدون تردید نمی‌توان رویدادهای اخیر را کم اهمیت دانست، زیرا این بمبارانهای ویران کننده نه تنها ثبات اقتصادی جهان را به مخاطره می‌افکند، بلکه صلح را، در معرض خطر قرار خواهد داد.

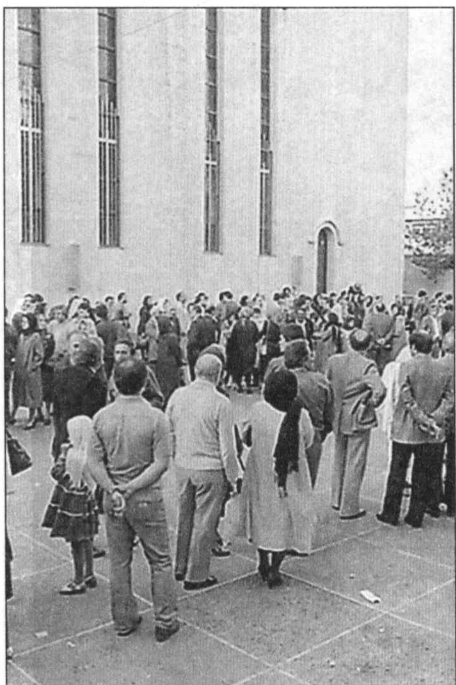
۱- ایشان پس از رأی دادن به خبرنگاران گفت: ما مایلیم که مردم هرچه بیشتر شرکت کنند و کاندیداهای خوبی که مفید باشند برای مجلس و انقلاب انتخاب شوند و مجلس دوم ان‌شاءالله بزودی کار خود را شروع کند. دعا می‌کنیم که خداوند توفیق دهد تا زحمتهایی را که مردم می‌کشند، در ثمره انقلاب اسلامی در کل دنیا ظاهر شود.

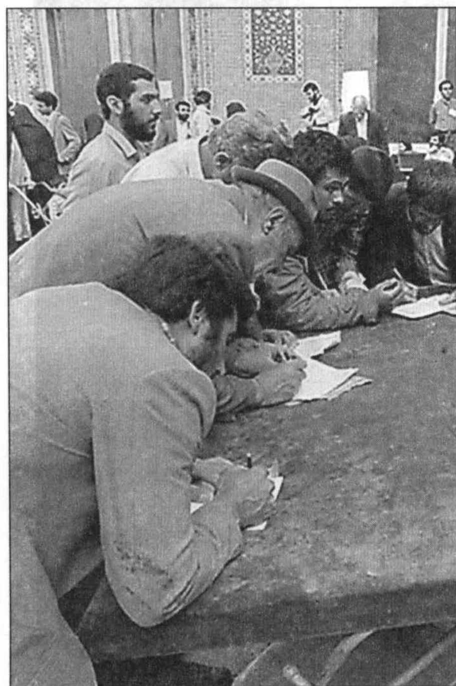
۲- در این مراسم در مورد وضع جبهه‌ها، جنگ تحمیلی و سیاست قدرتهای بزرگ در قبال جنگ مطالبی بیان شد. در بخشی از سخنرانی آمده است: "پاداش واقعی کسانی که خوب کار کرده‌اند، آن است که خداوند از آنان راضی باشد. به خاطر مردم و نسلهای آینده، جنگ را هر چه زودتر با پیروزی به پایان خواهیم رساند." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۳- ایالات متحده آمریکا و انگلیس با انتشار بیانیه‌های جداگانه‌ای از امنیت خلیج فارس، ابراز نگرانی کردند. سخنگوی کاخ سفید گفت: ایالات متحده آمریکا، برای باز نگه‌داشتن راه عبور نفت، هرکاری را که لازم باشد، انجام خواهد داد. خاویر پرزدکوئیار دبیر کل سازمان ملل نیز اظهار داشت: جنگ ایران و عراق ممکن است، خطرناکترین مسأله برای صلح جهانی شود. ایالات متحده آمریکا همچنین اعلام کرد: در صورتی که حملات به کشتی‌های نفتکش ادامه یابد و صدور نفت خلیج فارس مختل شود، ایالات متحده ممکن است، علاوه بر حربه نظامی، از حربه اقتصادی نیز برای از بین بردن بحران استفاده کند.



آیت اله موسوی اردبیلی






صحنه هایی از حضور پر شور مردم در انتخابات

حضور در پای صندوق رای ۱۱۰ جماران

جمعه ۲۸ اردیبهشت ۱۳۶۳

تا ساعت ده‌ونیم صبح، در منزل مطالعه می‌کردم. سپس برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه تهران رفتم. خطبه اول را درباره امام زمان(عج) و دیگری را راجع به بحران نفتکشها در خلیج‌فارس اختصاص دادم.[1]

آقای [ابولقاسم]خزعلی [عضو شورای نگهبان] قبل از خطبه در سخنرانی خود، از پیام امام درباره شورای نگهبان مطالبی گفتند و من نخواستم در آن بحث وارد شوم.

عصر، آقای صیاد شیرازی آمد و راجع به پیشرفت کار توضیح داد. عملیات آینده را دو هفته به تأخیر انداخته‌اند، ولی خوشبین است؛ روحیه خوبی دارد. شب، بستگان مهمان‌مان بودند.

در مجموع، بعد از عملیات خیبر و ظهور آسیب‌پذیری حیاتی عراق و امکان پیشرفت نیروهای ما در داخل خاک عراق، حامیان بعث عراق، علیه ما تهاجم وسیع تبلیغاتی را آغاز کرده‌اند و با دادن امکانات جدید به صدام و بازگذاشتن دست او، سیاست محروم کردن ایران از درآمد نفت را دنبال می‌کنند.

شنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۳۶۳

تا ساعت هشت‌ونیم صبح مطالعه می‌کردم. سپس به سازمان انرژی اتمی رفتم. قسمتی از تأسیسات آنجا را بازدید کردم. سپس در سمینار کاربرد فیزیک پلاسما، درباره "زنجیرهای استکبار جهانی برای حرکت ملل عقب افتاده" صحبت کردم.[2]

۱- در بخشی از خطبه دوم آمده است: "این سیاستی که عراقی‌ها با الهام از استکبار جهانی انتخاب کرده‌اند، سیاستی است که اگر در مقابل آن، ضعف نشان دهیم معنایش این است که از دو هفته دیگر، هیچ کشتی در خلیج فارس به طرف خارک نیاید و ما نفت نفروشیم. عاقلانه‌ترین راه برای کشورهای منطقه، این است که زودتر تن بدهند، صدام عفلقی را از صحنه بیرون کنند و ملت‌های ایران و عراق را به خودشان واگذارند." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های نماز جمعه، سال ۱۳۶۳، جلد ششم، دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۷۵."

۲- سمینار چهار روزه کاربرد فیزیک پلاسما و روشهای وابسته در صنعت، با حضور بیش از هفتصد تن از دانش پژوهان و محققین کشور و شخصیت‌های برجسته علمی جهان در محل ساختمان شهید دکتر بهشتی سازمان انرژی اتمی ایران کار خود را آغاز کرد.

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

از ساعت ده‌ونیم به بعد، جلسه شورای سرپرستی صداوسیما داشتیم. کار زیادی از پیش نرفت. اعضای شورا، ناهار را مهمان من بودند. خبر رسید که دیشب، عراق یک کشتی حامل آهن را ـ که از اسپانیا به سمت ایران در حرکت بود ـ زده و کشتی غرق شده است. آقای [میرحسین موسوی] نخست وزیر، تلفنی اطلاع دادند و نظرشان این بود که ما در تلافی عجله نکنیم، چون جو تندی علیه ما درست کرده‌اند.

آقای مجید انصاری [نماینده زرند] و آقای [علیرضا]یارمحمدی [نماینده بم] آمدند؛ از من کمک می‌خواستند که مانع پذیرش استعفای استاندار کرمان از طرف وزیر کشور بشوم؛ استعفاء داده ولی دوستانش او را منصرف کرده‌اند.

یکشنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۳۶۳

بعد از تعطیلی مجلس به خاطر انتخابات، اولین روز جلسه علنی بود. عده‌ای از نمایندگان که در مرحله دوم شکست خورده‌اند، حال و روز خوبی نداشتند، ولی مجلس به صورت عادی کار کرد. فقط درگیری مختصری در ارتباط با نامه‌هائی که جمعی از نمایندگان در حمایت از شورای نگهبان نوشته بودند[1] و به دنبال پخش اسامی نمایندگانی که علیه شورای نگهبان به امام نامه نوشته بودند و بعد از تأیید امام از شورای نگهبان، امکان سوء استفاده علیه آنها پیش آمده، بروز کرد که بی‌زحمت آرام گرفت ولی امکان ادامه و تشدید هم هست. چند لایحه تصویب کردیم.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

در این سمینار آقای هاشمی رفسنجانی در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی مرتبط با اهداف این سمینار سخنانی ایراد کرد. ایشان در بخشی از سخنان خود گفت: "امروز کار انتقال علمی و صنعتی کشورهای پیشرفته به کشورهای در حال توسعه، با مشکلات فراوانی روبروست و کشورهای استعماری به اقدامات زیادی دست می‌زنند تا از انتقال علوم و تکنولوژی به کشورهای مثل کشور ما جلوگیری کنند." ایشان خطاب به دانشمندان ایرانی گفت: "شما هر چه در ایران کار کنید، نتیجه آن، نصیب ملت خودتان می‌شود. کار اساسی شما برای ملت این است که با تحمل مشکلات انقلاب و پس از انقلاب، کاری کنید که مملکت ما روی پای خودش بایستد." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۱- در این جلسه، نامهٔ امضاء شده ۱۳۰ تن از نمایندگان، به محضر امام خمینی(ره) در تأیید و پشتیبانی از شورای نگهبان و تصمیمات شرعی و قانونی این نهاد، قرائت شد.

جمعه ۲۸ اردیبهشت ۱۳۶۳

تا ساعت ده‌ونیم صبح، در منزل مطالعه می‌کردم. سپس برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه تهران رفتم. خطبه اول را درباره امام زمان(عج) و دیگری را راجع به بحران نفتکشها در خلیج‌فارس اختصاص دادم.[1]

آقای [ابولقاسم]خزعلی [عضو شورای نگهبان] قبل از خطبه در سخنرانی خود، از پیام امام درباره شورای نگهبان مطالبی گفتند و من نخواستم در آن بحث وارد شوم.

عصر، آقای صیاد شیرازی آمد و راجع به پیشرفت کار توضیح داد. عملیات آینده را دو هفته به تأخیر انداخته‌اند، ولی خوشبین است؛ روحیه خوبی دارد. شب، بستگان مهمان‌مان بودند.

در مجموع، بعد از عملیات خیبر و ظهور آسیب‌پذیری حیاتی عراق و امکان پیشرفت نیروهای ما در داخل خاک عراق، حامیان بعث عراق، علیه ما تهاجم وسیع تبلیغاتی را آغاز کرده‌اند و با دادن امکانات جدید به صدام و بازگذاشتن دست او، سیاست محروم کردن ایران از درآمد نفت را دنبال می‌کنند.

شنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۳۶۳

تا ساعت هشت‌ونیم صبح مطالعه می‌کردم. سپس به سازمان انرژی اتمی رفتم. قسمتی از تأسیسات آنجا را بازدید کردم. سپس در سمینار کاربرد فیزیک پلاسما، درباره "زنجیرهای استکبار جهانی برای حرکت ملل عقب افتاده" صحبت کردم.[2]

۱- در بخشی از خطبه دوم آمده است: "این سیاستی که عراقی‌ها با الهام از استکبار جهانی انتخاب کرده‌اند، سیاستی است که اگر در مقابل آن، ضعف نشان دهیم معنایش این است که از دو هفته دیگر، هیچ کشتی در خلیج فارس به طرف خارک نیاید و ما نفت نفروشیم. عاقلانه‌ترین راه برای کشورهای منطقه، این است که زودتر تن بدهند، صدام عفلقی را از صحنه بیرون کنند و ملت‌های ایران و عراق را به خودشان واگذارند." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های نماز جمعه، سال ۱۳۶۳، جلد ششم، دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۷۵."

۲- سمینار چهار روزه کاربرد فیزیک پلاسما و روشهای وابسته در صنعت، با حضور بیش از هفتصد تن از دانش پژوهان و محققین کشور و شخصیت‌های برجسته علمی جهان در محل ساختمان شهید دکتر بهشتی سازمان انرژی اتمی ایران کار خود را آغاز کرد.

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

از ساعت ده‌ونیم به بعد، جلسه شورای سرپرستی صداوسیما داشتیم. کار زیادی از پیش نرفت. اعضای شورا، ناهار را مهمان من بودند. خبر رسید که دیشب، عراق یک کشتی حامل آهن را ـ که از اسپانیا به سمت ایران در حرکت بود ـ زده و کشتی غرق شده است. آقای [میرحسین موسوی] نخست وزیر، تلفنی اطلاع دادند و نظرشان این بود که ما در تلافی عجله نکنیم، چون جو تندی علیه ما درست کرده‌اند.

آقای مجید انصاری [نماینده زرند] و آقای [علیرضا]یارمحمدی [نماینده بم] آمدند؛ از من کمک می‌خواستند که مانع پذیرش استعفای استاندار کرمان از طرف وزیر کشور بشوم؛ استعفاء داده ولی دوستانش او را منصرف کرده‌اند.

یکشنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۳۶۳

بعد از تعطیلی مجلس به خاطر انتخابات، اولین روز جلسه علنی بود. عده‌ای از نمایندگان که در مرحله دوم شکست خورده‌اند، حال و روز خوبی نداشتند، ولی مجلس به صورت عادی کار کرد. فقط درگیری مختصری در ارتباط با نامه‌هائی که جمعی از نمایندگان در حمایت از شورای نگهبان نوشته بودند[1] و به دنبال پخش اسامی نمایندگانی که علیه شورای نگهبان به امام نامه نوشته بودند و بعد از تأیید امام از شورای نگهبان، امکان سوء استفاده علیه آنها پیش آمده، بروز کرد که بی‌زحمت آرام گرفت ولی امکان ادامه و تشدید هم هست. چند لایحه تصویب کردیم.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

در این سمینار آقای هاشمی رفسنجانی در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی مرتبط با اهداف این سمینار سخنانی ایراد کرد. ایشان در بخشی از سخنان خود گفت: "امروز کار انتقال علمی و صنعتی کشورهای پیشرفته به کشورهای در حال توسعه، با مشکلات فراوانی روبروست و کشورهای استعماری به اقدامات زیادی دست می‌زنند تا از انتقال علوم و تکنولوژی به کشورهای مثل کشور ما جلوگیری کنند." ایشان خطاب به دانشمندان ایرانی گفت: "شما هر چه در ایران کار کنید، نتیجه آن، نصیب ملت خودتان می‌شود. کار اساسی شما برای ملت این است که با تحمل مشکلات انقلاب و پس از انقلاب، کاری کنید که مملکت ما روی پای خودش بایستد." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۱- در این جلسه، نامهٔ امضاء شده ۱۳۰ تن از نمایندگان، به محضر امام خمینی(ره) در تأیید و پشتیبانی از شورای نگهبان و تصمیمات شرعی و قانونی این نهاد، قرائت شد.

ظهر، چند نفر از لشکر امام حسین(ع) آمدند و از اثر سوء اختلافات خطی اصفهان و مخصوصاً مسائل انتخابات در جبهه، شکایت داشتند. آقای [میر اکبر غفاری] قره‌باغ [نماینده ارومیه] هم آمد و راجع به زندگی و کیفیت عمل بعد از نمایندگی، مشورت نمود. نمایندگانی که رأی نیاورده‌اند، از لحاظ امنیت بعد از نمایندگی نگرانند و حق با آنها است؛ باید فکری در مورد آنها بکنیم.

مسئول مقر شهید مطهری ـ که حفاظت منطقه‌ای را که مجلس، نخست وزیری، شورای نگهبان، ریاست جمهوری، شورای عالی قضائی، منازل نمایندگان و... در آن مستقر است، به عهده دارد ـ آمد و از مشکلات کار و حساسیت منطقه و کمبودها گفت. قرار شد، پیشنهاد بدهد تا فکری بکنیم.

در شورای مرکزی حزب شرکت نکردم و بیشتر به مطالعه گزارشها پرداختم. جو تبلیغاتی در مورد مسائل خلیج فارس شدید است. با وزارت نفت صحبت کردم. خیلی نگران هستند. صادرات نفت به نصف رسیده است. با نخست وزیر، رئیس جمهور، وزیر کشور و صداوسیما برای انجام کارهای جاری صحبت کردم.

دوشنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۶۳

به زیارت امام رفتم. در خدمت امام درباره وضع بحرانی خلیج فارس و احتمال دخالت قدرتهای بزرگ مذاکره کردیم. امام هم نگران عواقب آن بودند و بیشتر در صورت تفاهم آمریکا و شوروی، احتمال خطر می‌دادند؛ البته این را هم درست نمی‌دانستند که دست روی دست بگذاریم و صدور نفت ما قطع شود و معتقد بودند در این صورت، تا حد درگیری با آمریکا را هم، باید پذیرفت و می‌فرمودند: "ما که از افغانها کمتر نیستیم." اما ترجیح می‌دهند، کاری کنیم که این وضع پیش نیاید و اینجا مطرح شد که آتش‌بس در خلیج فارس را بپذیریم. این خواسته عراق است که بتواند نفت صادر کند. فرمودند با دیگران مشورت کنید و اگر صلاح دانستید، بپذیرید. قرار شد فردا در جلسه شورای‌عالی دفاع مطرح شود.

با امام درباره وضعی که به دنبال تأیید امام از شورای نگهبان پیش آمده، و اختلاف و درگیری دیروز مجلس و پخش اسامی امضاء کنندگان نامه به امام صحبت شد. فرمودند، به آنها بگو این اختلافات، قلب من را به درد می‌آورد.

خـــرداد ۱۳۶۳



سه شنبه ۱ خرداد ۱۳۶۳ ۲۰ شعبان ۱۴۰۴ 22 MAY 1984

در جلسه علنی مجلس، چند لایحه از جمله دوفوریت کمک به سوریه تصویب شد.[1] پیش از شروع جلسه، پیام امام را ـ که فرمودند از اختلافات آنها، قلبشان به درد می‌آید ـ به نمایندگان گفتم.

ظهر در دفترم چند ملاقات داشتم. [حجت‌الاسلام صالحی] امام جمعه ازنا، [مبلغ ۲۰۰ هزار تومان] پول [و مقداری طلا] برای جبهه آورده بود و از حرکت مخالفان منتخب مجلس جدید، گله‌داشت و خواهان واگذاری دفتر حزب [جمهوری اسلامی]، [در ازنا] به ایشان بود.

وزیر بازرگانی به اتفاق معاونین و مسئولین این وزارتخانه آمدند و درباره تلاشهای وزارت بازرگانی و مسائل و مشکلات موجود در این بخش مطالبی گفتند. من هم به مقایسه وضعیت بازرگانی در قبل و بعد از انقلاب پرداختم و نقطه نظراتم را گفتم.

عصر، جلسه شورای‌عالی دفاع داشتیم. در این جلسه، بودجه تبلیغات منطقه کردستان و لغو شش ماه احتیاط خدمت وظیفه پزشکان تصویب شد.

جلسه‌ای با سران قوای مسلح، در دفترم داشتم؛ راجع به پیشنهاد ژاپن [به سازمان ملل] مبنی بر اجازه دادن به عراق برای استفاده از خلیج فارس و [اعلام] آتش‌بس در [منطقه] خلیج فارس بحث شد. شب برای انجام کارهای مجلس و خواندن گزارشها در مجلس ماندم.

۱- در این لایحه، قرارداد فروش ۵ میلیون تن نفت خام به سوریه با شرایط خاص مطرح شده بود که آقای علی‌اکبر ولایتی وزیر امور خارجه توضیحاتی در مورد آن داد. سپس آقایان موحدی ساوجی و هادی نجف‌آبادی به عنوان مخالف و موافق با دو فوریت لایحه صحبت کردند. آنگاه دو فوریت لایحه به رأی گذاشته شد و با اکثریت آرا به تصویب رسید. به موجب این ماده واحد، به دولت اجازه داده شد، قرارداد فروش پنج میلیون تن، ۲۵ درصد نفت خام سبک ایران با تخفیف ۲/۵ دلار در بشکه نسبت به قیمت فروش دولتی و تحویل یک میلیون بشکه نفت خام به صورت رایگان برای مدت دوازده ماه از ۲۳ آوریل ۱۹۸۴ تا ۲۲ آوریل ۱۹۸۵ را با دولت سوریه منعقد نماید و در مورد استمهال دیون قبلی به این ترتیب عمل کند: ۱- ۴۹۳ میلیون دلار از خرداد ۱۳۶۴ به اقساط مساوی ماهیانه ۲۰ میلیون دلار دریافت شود. ۲- ۵۰۰ میلیون دلار باقی مانده، از تیرماه ۱۳۶۸ در ۱۲ قسط مساوی سه ماهه به مدت سه سال دریافت شود. سوریه به خاطر حمایت از ایران در جنگ تحمیلی و جلوگیری از عربی ـ عجمی شدن جنگ و نیز بستن خط لوله نفت عراق به مدیترانه و ... از ایران انتظار مساعدت داشت.

چهارشنبه ۲ خرداد ۱۳۶۳

در جلسه علنی مجلس، لایحه دو فوریتی کمک به سوریه مطرح بود. معلوم شد، آقای [علی‌اکبر] معین‌فر [نماینده تهران] به عنوان مخالف، اسم نوشته است؛ حدس زده می‌شد، قصد شلوغ کردن و مسئله آفرینی و مطرح شدن خودشان، در روزهای آخر عمر مجلس را دارد. پیشنهاد می‌شد که مانع صحبت او بشویم، ولی ترجیح دادم که بگذاریم صحبت کند؛ نمایندگان حوصله به خرج دادند و لایحه با رأی اکثریت قوی تصویب شد.

ظهر، در دفترم با [سرهنگ ترابی] رئیس دفتر مشاورت امام [در ارتش] ملاقات کردم و او گزارش حادثه دیدن کشتی‌های نفتکش در منطقه خلیج فارس را داد. از تلاش و همکاری نیروی دریائی و هوائی [ارتش جمهوری اسلامی] راضی بود؛ از ناخدا بایندر تعریف و فرمانده نیروی دریایی را نفی می‌کرد و برای تعویض رئیس ستاد مشترک ارتش تأکید داشت.

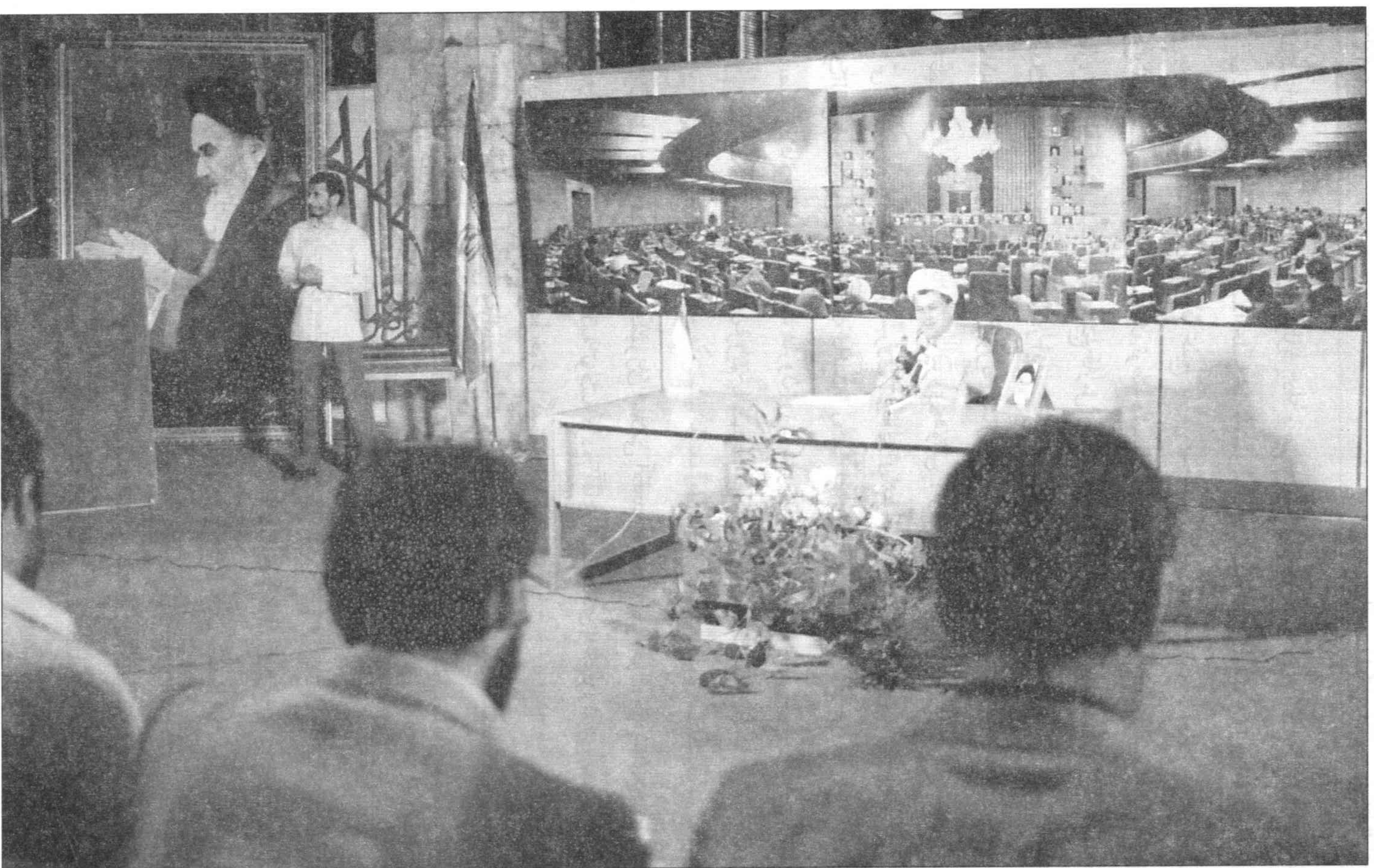
عصر هم، برای اینکه کارهای نیمه تمام را تمام کنیم، جلسه علنی مجلس داشتیم. عصر، همچنین جلسه هیأت رئیسه مجلس بود؛ در مورد امور مجلس و تأمین امنیت و معاش و مسکن نمایندگان دورهٔ گذشته ـ پس از تمام شدن دوره نمایندگی آنها ـ بحث و قرار شد تا دوماه آنها را که نیاز دارند، تأمین کنیم.

شب، مهمان احمد آقا بودیم. امام هم [در این مهمانی] شرکت کردند. آقای [محمود] بروجردی گزارشی از مذاکرات نماینده عربستان سعودی با آقای محتشمی در آلمان را داد که مطلب مهمی نداشت. با امام راجع به بحران نفتکشها در منطقه خلیج فارس صحبت کردیم؛ نتیجه مشخصی نگرفتیم. امام از آسیب دیدن مردم شهرهای ایران و عراق [در اثر حملات هوایی] اظهار ناراحتی کردند. شام خوردیم و دیر وقت به خانه آمدم.

پنجشنبه ۳ خرداد ۱۳۶۳

ساعت هفت صبح به مجلس رفتم، ولی در جلسه علنی شرکت نکردم؛ چون کمی کسل بودم. به مطالعه گزارشها و کارهای اداری پرداختم. آقای غرضی [وزیر نفت] اطلاع داد که دیشب، عراقیها یک نفتکش را در بنادر داخلی [ایران] زده‌اند. با آقای رئیس جمهور در مورد مقابله به مثل، صحبت کردم.

آقای ناطق نوری [وزیر کشور] هم آمد و راجع به انتخابات و افتتاح مجلس جدید، نصب



مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی به مناسبت پایان دوره اول مجلس

استانداران جدید و مسائل مرزی گزارش داد و هم مشورت کرد.

ساعت یازده‌ونیم، آقایان عبدالحلیم خدام معاون حافظ اسد و فاروق الشرع وزیر امور خارجه سوریه آمدند؛ با آنها درباره بحران خلیج فارس صحبت کردیم. در بسیاری از موارد از جمله در مورد لزوم سقوط صدام و به هم‌زدن توطئه دشمنان در محروم کردن ما از [صادرات] نفت و عدم اجازه به عراق در بهره گیری از خلیج فارس و تلاش برای دورکردن عربستان و کویت از صدام، وحدت نظر داشتیم؛ قرار شد آنها در این خط سیاسی حرکت کنند و ما هم به راه خود ادامه دهیم. پیشنهاد کردم که [از طرف دولت سوریه] فشاری از مرزهای غربی، به عراق وارد آید.

ظهر، سرهنگ [عباس] بابائی از نیروی هوائی [ارتش] آمد؛ از عدم کارائی فرمانده نیروی دریائی و از لزوم حرکت بیشتر نیروی دریائی و هوائی گفت و از سیاست عدم توجه به حزب‌اللهی‌ها در نیروی هوائی گله داشت.

عصر، ملاقاتی با [آقای محمد هارون] وزیرکشور پاکستان داشتم. بیشتر در مورد خلیج فارس و لزوم ختم جنگ و اسلامی بودن رژیم پاکستان، سخن گفت و من هم نقطه نظرهای خودمان را توضیح دادم.

دوسه نفر از بچه‌های حزب جمهوری اسلامی آمدند و از جریان ـ به قول خودشان محافظه کار حزب ـ گله داشتند. به وحدت کلمه توصیه کردم. آقای [سیدهادی] خسروشاهی سفیرمان در واتیکان آمد و کارهای انجام دادهٔ خود را گفت.

عصر، مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی طولانی داشتم؛ به مناسبت ختم دوره اول مجلس [شورای اسلامی]، به سوالات خبرنگاران داخلی و خارجی پاسخ گفتم.[1] شب، آقای نخست وزیر

۱- در این مصاحبه، عملکرد اولین دورهٔ مجلس شورای اسلامی تشریح شد و درباره بحران خلیج فارس، سرنوشت جنگ، موقعیت دولت و وظایف مهم دورهٔ دوم مجلس به سوالات خبرنگاران داخلی و خارجی پاسخ داده شد. در این مصاحبه خبرنگار فرانس پرس پرسید: در ملاقاتی که شما با یگان دریایی سپاه پاسداران داشتید، از عملیات ژاپنی‌ها و کماندوهای خودکشی در جنگ جهانی دوم یادکرده بودید، آیا این به این معنی نیست که سپاهیان انقلاب نیز می‌توانند، در عملیات خودکشی باکشتی‌های حامل مواد منفجره علیه ناوگان آمریکا، انگلیس و یا فرانسه که قصد دخالت در منطقه را داشته باشند، شرکت کنند؟ آقای هاشمی پاسخ داد: ماکلمه انتحار را هیچگاه به کار نمی‌بریم، بلکه ما شهادت را مطرح می‌کنیم. ما معتقدیم کسانی که در راه هدفشان شهید

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

تلفن کرد و خبر حادثه دیدن یک کشتی انگلیسی در خلیج فارس ـ با تیر غیب ـ را گفت؛ در مورد این مسأله کمی نگران بود.

جمعه ۴ خرداد ۱۳۶۳

تمام امروز را در منزل بودم؛ بیشتر وقتم به مطالعه و استراحت گذشت. اقامه نماز جمعه [این هفته تهران] را به آقای [محمد] امامی کاشانی محول کردم؛ ایشان زیاد روی حمایت امام از شورای نگهبان تکیه کرد. با نخست وزیر و رئیس جمهور در رابطه با کشتی حادثه دیده، صحبت کردم.

سرهنگ [علی] شهبازی، مسئول گروه کار نظامی آیت‌الله خامنه‌ای، اطلاع داد که دیشب، کاروان کشتی‌های نفتکش به بندر امام آمدورفت داشته‌اند؛ ۲۲ کشتی وارد و ۱۳ کشتی، خارج شده‌اند. سه کشتی، مورد اصابت موشک‌های عراقی قرار گرفته‌اند که یکی از آنها، وضع خوبی ندارد.

آقای محسن رضائی آمد؛ گزارشی از آماده شدن قرارگاه‌های عملیات برون مرزی در عراق داد و راجع به عملیات آینده، صحبت کردیم. او معتقد نیست که موفقیت چشمگیری داشته باشیم؛ نیروهای مردمی به اندازه کافی در جبهه نیستند. برای دادن اعلامیه‌ای از طرف سپاه در خصوص حملات اسرائیل به بعلبک صحبت کرد؛ وزارت امور خارجه صلاح ندانسته است. من هم، نظر وزارت امور خارجه را تأیید کردم.

گزارش‌ها را آوردند؛ دوباره بحران خلیج فارس، اوج تازه‌ای گرفته است و امروز شورای

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

می‌شوند، بهترین زندگی جاوید را به دست می‌آورند و این واژه با آن خیلی فرق دارد و ما هم این گونه شهادت را حیات می‌دانیم، انتحار نمی‌دانیم اما اصل مطلب درست است یعنی ما می‌دانیم ابرقدرتها با اسلحه‌های پیچیده‌ای که دارند ما در جنگ کلاسیک بر آنها پیروزی نمی‌شویم، طبعاً باید چیزی داشته باشیم که آنها ندارند و آنچه ما داریم و آنها ندارند، این روحیه شهادت‌طلبی است که همه جا استفاده می‌کنیم. در همین جنگ عراق از این روحیه استفاده می‌شود. دقیقاً اگر روزی ما با آمریکایی‌ها طرف شویم، از این روحیه به هر نحوی در سراسر دنیا استفاده می‌شود. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

امنیت برای رسیدگی به شکایت کویت و عربستان جلسه دارد.[1] با اینکه بحران نفتکش‌ها در اثر تجاوزات عراق و حمایت‌های استکباری پیش آمده، مجموعاً جوّ جهانی، به نفع ما نیست و از پیروزی ما راضی نیستند.[2]

شنبه ۵ خرداد ۱۳۶۳

صبح و عصر امروز، جلسه علنی [مجلس شورای اسلامی] داشتیم و چند لایحه شور دوم باقیمانده از جلسه قبل راگذراندیم. آقای مهندس [مهدی] بازرگان [نماینده تهران] می‌خواست نطق پیش از دستور را به جای آقای [هاشم] صبّاغیان در آخرین روز مجلس داشته باشد، اما چون به‌کلی نطقهای قبل از دستور را ـ به خاطر فوق‌العاده بودن مجلس ـ لغو کرده بودیم، میسر نشد.

یکشنبه ۶ خرداد ۱۳۶۳

جلسه تودیع، به عنوان آخرین جلسهٔ دوره اول مجلس شورای اسلامی در ساعت هشت صبح شروع شد. قرآن [قرائت شد] سرود [اجرا شد] و سخنرانی[3] مفصّل من درباره مجلس و نمایندگان

۱- جلسهٔ فوق‌العاده شورای امنیت به درخواست شش کشور حوزه خلیج فارس ـ عربستان، کویت، بحرین، قطر، عمان و امارات متحده عربی ـ جهت محکوم کردن ایران تشکیل شده بود. این شش کشور، تلاش می‌کردند تا ۱۵ عضو شورای امنیت را در محکوم کردن ایران، در حمله به نفتکشها متقاعد سازند و ایران جلسه شورای امنیت را به دلیل طرفداری از عراق تحریم کرد. شورای امنیت سازمان ملل پس از چند روز بحث و تبادل نظر در مورد تشنج آفرینی‌های عراق و همدستانش در خلیج فارس، سرانجام روز جمعه ۶۳/۳/۱۱ متن ارائه شده توسط شش کشور عرب حوزه خلیج فارس را تصویب کرد. در این قطعنامه، برضرورت حفظ امنیت مسیرهای دریایی که به بنادر نفتی کویت و عربستان سعودی منتهی می‌شود، تأکید شده است.

۲- در این باره روزنامهٔ لوموند ـ چاپ پاریس ـ از قول رهبران اسرائیل نوشت: اسرائیل خطرات ناشی از پیروزی ایران را هرگز از نظر دور نمی‌دارد، چراکه پیروزی ایران به منزله پیروزی مسلمانان منطقه است و موجب تحکیم بیش از پیش نیروهای مسلمان در منطقه خواهد شد و بزرگترین خطر را برای دولت یهود به وجود خواهد آورد.

۳- در این سخنرانی درباره فعالیت چهار ساله اولین دورهٔ مجلس و تصویب لوایح و طرحها در این دوره و نقش مجلس در جمهوری اسلامی ایران مطالبی مطرح شد. در بخشی از این نطق آمده است: "قطع نظر از ویژگی‌های مثبت یا منفی مجلس اول،

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

[ایراد گردید] و سپس لوح‌های یادبود ـ که از پیام امام درست کرده بودیم ـ توزیع شد. سپس در مقابل مجلس، روی پله‌های جنوبی، عکس دسته جمعی با نمایندگان برداشتیم.

عصر، آقای [محسن] رفیق‌دوست آمد و اجازه ملاقات برای ابوخالد ـ فرستادهٔ یاسر عرفات ـ خواست. شورای مرکزی حزب [جمهوری اسلامی] جلسه داشت؛ باز هم صحبت‌ها دربارهٔ نیاز به بودجه و مطالب کم خاصیت دیگر بود.

شب هم شورای داوری [حزب جمهوری اسلامی] جلسه داشت؛ بحث در کلیات و مشکلات حزب و راه‌حل مشکلات، از جمله نظر امام و آیت‌الله منتظری در رفع اختلافات و حل مشکل تکلیف و تعبد حزبی در رابطه با وظایف فردی و تشخیصهای فردی بود. شب را در مجلس خوابیدم.

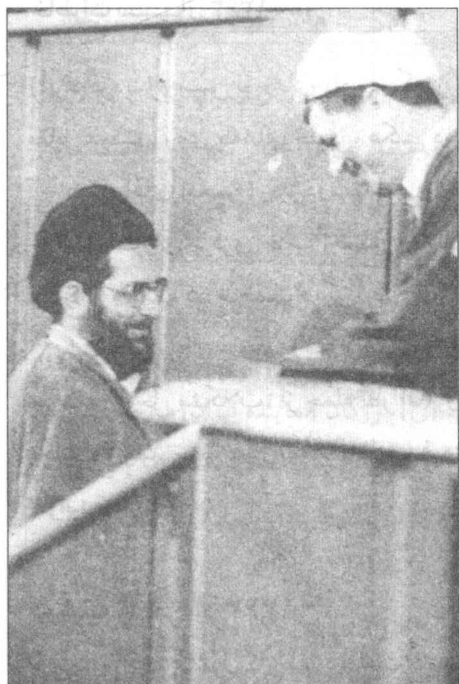
دوشنبه ۷ خرداد ۱۳۶۳

صبح زود، مشغول کار شدم. ساعت هشت صبح، جلسه افتتاحیه دوره دوم مجلس شورای اسلامی داشتیم.[1] برای جای استقرار مهمانان، مشکلاتی پیش آمده بود و شورای نگهبان، نسبت

(ادامهٔ پاورقی از صفحه قبل)

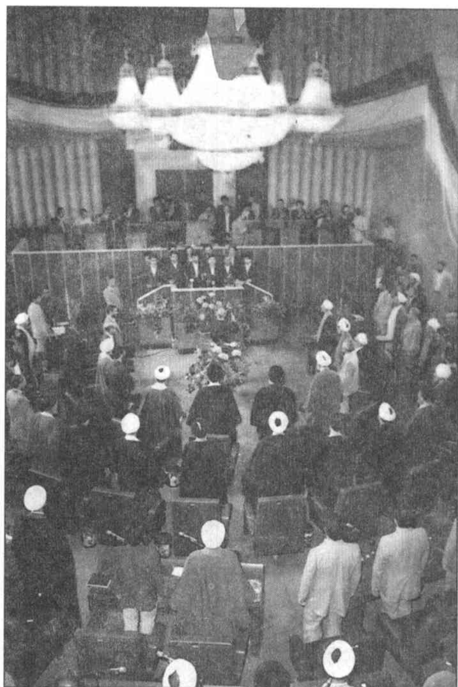
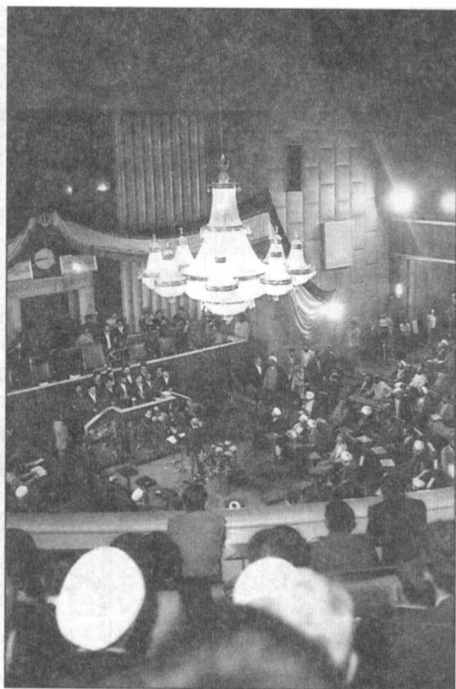
همین که یک انقلاب موفق شد که در سال دوم پیروزی خود، مجلس آزاد درست کند که این مجلس به اعتراف دشمنان ما جزو آزادترین پارلمانهای دنیاست و برنامه‌هایش به طور مستقیم پخش می‌شود و هیچ چیز سرّی و مخفی از مردم ندارد و نمایندگانش، آزادترین نمایندگان دنیا در حرف زدن و ابراز رأی هستند، این از افتخارات یک انقلاب است." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

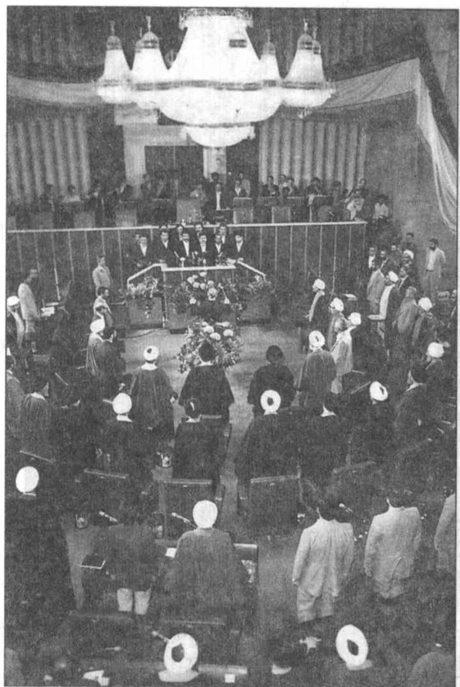
۱- دومین دورهٔ مجلس شورای اسلامی با حضور آیت‌الله خامنه‌ای رئیس جمهور، آیت‌الله موسوی اردبیلی رئیس دیوان‌عالی کشور، مهندس میرحسین موسوی نخست وزیر، اعضای هیئت دولت، گروهی از نمایندگان دورهٔ اول و تعدادی از مقامات قضایی، لشکری و سفرا و کارداران دیگر کشورها و خانواده‌های شهدا گشایش یافت. پیام امام‌خمینی (ره) توسط حاج احمد آقا قرائت شد. در بخشی از این پیام آمده است: "حل مسایل بسیار مهم اقتصادی و مبارزه با تورم و حل مسأله مسکن و زمین و رسیدگی هرچه بیشتر به امور محرومان و قشرهای کم درآمد برعهده مجلس حاضر است. امیدوارم خداوند توفیق دهد که همان سان که جوانهای عزیز رزمنده، سنگرها را به مسجد و معبد تبدیل کردند، حضرات وکلا، مجلس را معبدی کنند منزه از اعمال و اقوال زمان طاغوت."





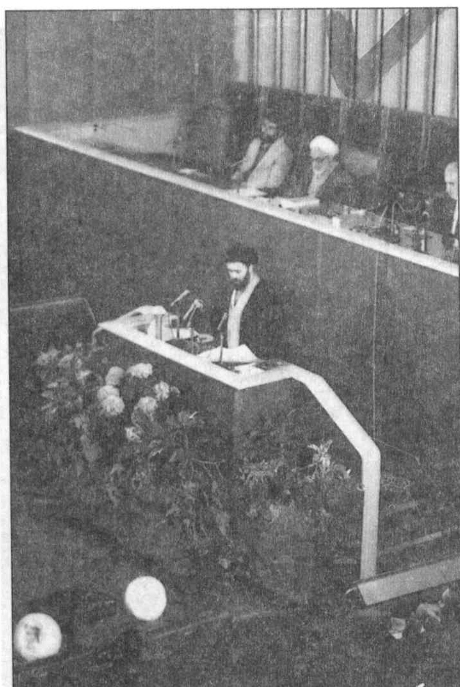

پایان دوره اول مجلس شورای اسلامی



صحنه هایی ازمراسم افتتاح دوره دوم مجلس شورای اسلامی





صحنه هایی ازمراسم افتتاح دوره دوم مجلس شورای اسلامی

به جای حقوقدانانش، اعتراض داشت. قرآن [قرائت] و سرود [اجرا شد] و پیام امام در مورد جلسهٔ افتتاحیه مجلس قرائت شد و گزارش [آقای ناطق نوری] وزیر کشور و سخنان [آیت‌الله خامنه‌ای] رئیس جمهور ایراد گردید و بعد مراسم تحلیف انجام شد.

سپس [برای زیارت مزار شهیدان به] بهشت زهرا رفتیم و در آنجا هم مراسمی انجام شد؛ در آئین‌نامه مجلس، خواسته شده است که پس از جلسه افتتاحیه هر دوره مجلس، نمایندگان به مزار شهیدان بروند. نمایندگان دوره اول و مهمانان زیادی هم از چهره‌ها و شخصیت‌ها شرکت داشتند. پیام امام، بسیار خوب بود و جلوی افراط کاری‌های بعضی از نمایندگان را می‌گیرد.

عصر، آقای [محسن] رفیق‌دوست، همراه با ابوخالد ـ فرستاده ویژه یاسر عرفات ـ آمدند. نامه‌ای از عرفات آورد و به طور شفاهی از آقای عرفات نقل کرد که اقرار به اشتباه خودشان داشته و جنگ تحمیلی را جنگ آمریکا و ارتجاع علیه جمهوری اسلامی می‌داند؛ اطلاع از توطئه جدید آمریکا علیه ایران؛ به منظور نابودی ما داد. نوشته‌ای بی‌امضاء [آورده بود] که پیشنهاد می‌کرد، تلاش برای صلح را از طریق کشورهای غیرمتعهد و سازمان کنفرانس اسلامی آغاز کنند و جواب می‌خواست. گفتیم که اگر این مطالب را آقای عرفات به طور علنی بگویند، راه بهبود روابط هموار می‌شود. گفتم از آمریکا نمی‌ترسیم.

عصر در مجلس جلسه داشتیم. انتخابات هیأت رئیسه و تصویب اعتبارنامهٔ [آقای علی نظری منفرد] وکیل آباده، انجام شد. شب، به خانه آمدم.

رئیس جمهور درباره تعویض [سرتیپ ظهیرنژاد] رئیس ستاد مشترک ارتش، تلفنی مشورت کردند. خبر رسید که [اعظم] همسر محسن [پسرم]، وضع حمل کرده و پسری [به دنیا] آورده است؛ راجع به اسم [نوزاد] مشورت کردند؛ گفتم هرچه خودشان خواستند، انتخاب کنند[1].

سه شنبه ۸ خرداد ۱۳۶۳

گزارشها را خواندم؛ کمی از دامنه بحران خلیج فارس کاسته شده است. به نظر می‌رسد

۱ـ آقای عماد هاشمی بهرمانی، اکنون در رشته مهندسی صنایع در دانشگاه تحصیل می‌کند.

سیاست مقابله به مثل جواب داده باشد و آنها جا زده‌اند؛ اگر آرامش قبل از طوفان نباشد.[1]

قبل از جلسه علنی، درباره هیأت رئیسه مجلس به مشورت پرداختیم و سپس جلسه علنی مجلس، برای انتخابات هیأت رئیسه موقت تشکیل شد. با ۱۹۶ رأی موافق، از ۲۰۵ رأی نمایندگان حاضر در جلسه، به ریاست [مجلس] انتخاب شدم.[2] برای نامزدی ریاست مجلس، رقیب نداشتم. کار اداره جلسات مجلس [دورهٔ] دوم را شروع کردم. گزارش انتخاب هیأت‌های رئیسه کمیسیونهای مجلس مطرح شد. آقای [مهدی] کروبی از آقای [محمد مهدی] ربانی املشی، در نیابت ریاست مجلس جلو افتاد.

عصر نیز شعبه جلسه داشت. اعتبارنامه وکلای آبادان و اردبیل تصویب شد و افراد برای کمیسیونها پیشنهاد شدند. من هم برای کمیسیون برنامه و بودجه و دفاع [پیشنهاد شدم]. به دفترم آمدم. آقای ربانی املشی آمد و انتخابات [نواب رئیس] را مخدوش می‌دانست. گزارشها را خواندم. به نظر می‌رسد، شکایت شورای همکاری خلیج فارس در شورای امنیت به مشکل برخورده است و در این مورد، شورای امنیت به خود ما متوسل شده است.

اول شب، آقای امامی کاشانی [عضو فقهای شورای نگهبان] آمد و پیشنهاد ایجاد ارتباط بین شورای نگهبان و سایر مراکز را برای تفاهم و جلوگیری از تشتّت می‌داد. [نظرش را] پسندیدم. معتقد بود، این درست نیست که اختلاف پیش آید؛ و [باید] با حمایت امام از خطر جلوگیری شود؛

۱- روزنامه وال استریت ژورنال ضمن محکوم کردن ایران در حمله به کشتی‌های نفتی در خلیج فارس نوشت: "جنگ ایران و عراق به طور خطرناکی به مناطق نفت خیز عربستان نزدیک شده است." این روزنامه از قول یک مقام عالیرتبه آمریکایی به استراتژی مقابله به مثل جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با حملات عراق به نفتکشها اشاره کرده ونتیجه می‌گیرد که باید این شیوه ایران از طریق نیروهای نظامی متوقف شود. روزنامه کویتی «الانباء» در این باره نوشت: «[آیت‌الله هاشمی] رفسنجانی می‌گوید، منطقه خلیج [فارس] یا مال همه باشد یا اینکه برای هیچ کس نباشد.»

۲- دومین جلسه علنی مجلس شورای اسلامی به ریاست آقای سعید امانی همدانی، رئیس سنی مجلس تشکیل شد. برای هیأت رئیسه موقت مجلس که شامل یک نفر رئیس و دو نفر نواب رئیس و شش نفر منشی‌های جلسه و سه نفر کارپرداز است، رأی گیری شد و در نتیجه آقای هاشمی رفسنجانی با ۱۹۶ رأی موافق و ۹ رأی ممتنع به ریاست مجلس شورای اسلامی انتخاب شد. سپس انتخابات در مورد نواب رئیس صورت گرفت و آقای محمد یزدی با ۱۴۴ رأی موافق و آقای مهدی کروبی با ۱۱۹ رأی موافق انتخاب شدند.

حضرت حجة الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورا درجمهوری اسلامی ایران ـ مجلس شورای اسلامی

با مسرت فراوان خبر انتخاب شما را بعنوان رئیس مجلس شورای ایران را دریافت کردیم ،
ما بموازات اینکه این اعتماد ملت بشما را تبریک میگوئیم ، پیروزی وموفقیت در مسئولیتهای بزرگتان را آرزو داریم وبدین مناسبت علاقه شدید خود را جهت ادامه روابط دوستانه وهمکاری بین دوکشور اعلام میدارم .

محمود الزعبی
رئیس مجلس خلق درجمهوری
عربی سوریه

جناب آقای زعبی
رئیس محترم مجلس خلق جمهوری عربی سوریه
از پیام برادرانه جنابعالی متشکرم. سلام اینجانب و نمایندگان مجلس شورای اسلامی ایران را
به برادران و نمایندگان مجلس خلق ابلاغ فرمائید. امید است با همکاری [illegible] و مسلمانان [illegible]
[illegible] آزاد کردن فلسطین عزیز از توطئه صهیونیسم [illegible]
رئیس مجلس شورای اسلامی
اکبر هاشمی

دستخط پاسخ به پیام تبریک رئیس مجلس سوریه

همچنان که اخیراً در مورد شورای نگهبان و دولت پیش آمد. شب به خانه آمدم.

چهارشنبه ۹ خرداد ۱۳۶۳

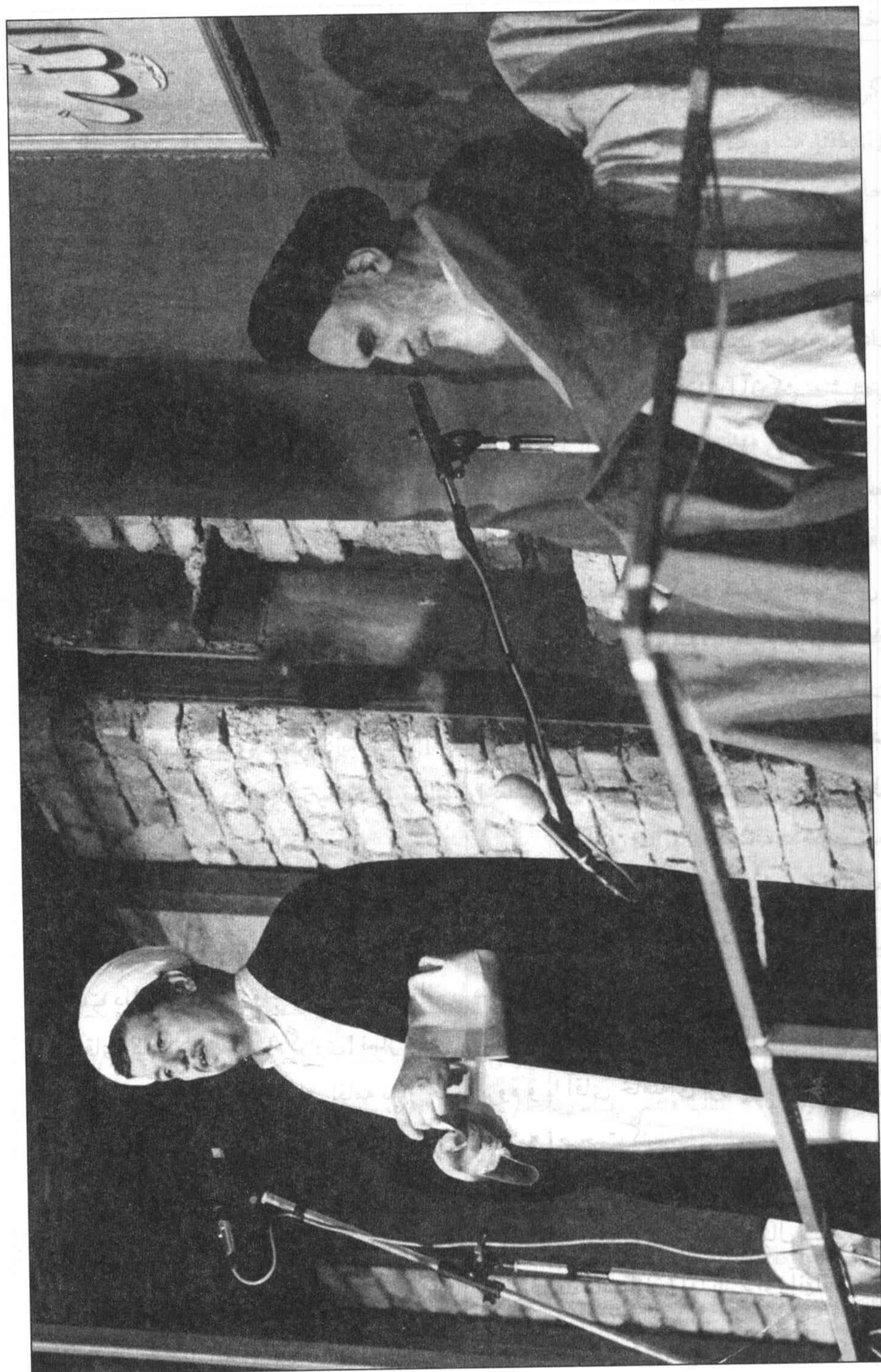
تا ساعت نه صبح در منزل مطالعه می‌کردم. امروز نمایندگان مجلس اول و مجلس دوم با امام ملاقات داشتند.[۱] قبل از ملاقات [رسمی]، با امام خصوصی ملاقات کردم و امام از وضع نمایندگان[۲] جدید پرسیدند؛ ابراز رضایت کردم. دربارهٔ حقوق شورای نگهبان، صحبت شد و اینکه ارگانها نباید سلیقه‌های خود را در امور دخالت دهند. در جلسه رسمی ملاقات، قبل از سخنان امام، صحبت کوتاهی نمودم و امام بیانات خوبی برای رفع اختلافات کردند.[۳]

پیش از ظهر، آقای سعید امانی به منزل آمد و درباره احتمال تقلب در رأی‌گیری هیأت رئیسه موقت چاره‌جوئی کرد؛ گفتم برونده آراء را ببینند و گزارش آن را برای هیأت رئیسه بفرستند. آقای [حسین] هاشمیان، نماینده رفسنجان هم آمد و از کارهای انجام شده در رفسنجان از جمله دربارهٔ

۱- در آستانه حلول ماه مبارک رمضان، نمایندگان مجلس دورهٔ اول و دوم شورای اسلامی در حسینیه جماران با امام خمینی دیدار کردند. در این دیدار آقای هاشمی رفسنجانی در سخنانی از امام خمینی، به خاطر پیام تاریخ ساز اخیرشان تشکر کرد و سپس افزود: "ما امید زیادی به مجلس دورهٔ دوم داریم و امیدواریم مجلس جدید، بتواند با استفاده از تجربه مجلس اول، از تلف شدن وقت و نیرو جلوگیری کند و کارهای مهمی را که هنوز انجام نشده، به اتمام رساند." سپس امام خمینی(ره) بیاناتی را دربارهٔ رفع اختلافات ایراد فرمود. در بخشی از سخنان امام آمده است: "این نصیحتی که من کردم در مورد شورای نگهبان که اختلافات قطع بشود، نمی‌دانم چه دستهای مرموزی در کار است که همان را موجب اختلافات قرار دادند. آن چیزی که مرا نگران می‌کند، این است که دنبال هر مطلبی یک شیطان هم پیدا می‌شود که می‌خواهد آن را منحرف کند."

۲- تعداد ۹۷ نفر از نمایندگان دوره دوم مجلس شورای اسلامی دارای تحصیلات حوزوی، ۳۰ نفر دارای تحصیلات فوق‌لیسانس و دکترا، ۵۱ نفر لیسانس، ۴۶ نفر فوق دیپلم و دیپلم، ۱۰ نفر تحصیلات مشترک حوزوی و جدید و ۲۱ نفر زیر دیپلم بودند. ۳۶ نماینده بین ۲۶ تا ۳۰ سال، ۱۱۷ نفر بین ۳۱ تا ۴۰ سال، ۷۰ نفر بین ۴۱ تا ۵۰ سال، ۲۳ نفر بین ۵۱ تا ۶۰ سال و ۴ نماینده بالای ۶۰ سال سن داشتند.

۳- در این روز همچنین ۱۱۵ نفر از نمایندگان دوره اول مجلس شورای اسلامی در نامه‌ای به آقای هاشمی رفسنجانی از حسن تدبیر ایشان در اداره مجلس و تحمل زحمات فراوان در حفظ سلامت مجلس از دستبرد و توطئه‌های گوناگون قدردانی و تشکر کردند.



تعاونیهای مجتمع‌های صنعتی و کشاورزی گفت.

پنجشنبه ۱۰ خرداد ۱۳۶۳

آقای صیاد شیرازی آمد و از پیشرفت کار مقدمات عملیات برخلاف فرماندهان سپاه ـ که خیلی امیدوار نیستند ـ راضی است. اطلاع رسید، عراقیها مقارن ساعت ۷/۱۵ دقیقه بعداز ظهر پالایشگاه تبریز را بمباران کرده‌اند که منجر به شهادت چند تن شده است. در این حمله هوایی، یکی از هواپیماهای عراقی، هدف آتش پدافند قرار گرفته و سرنگون و خلبان آن کشته شده [است].

تا ساعت هشت صبح، در دفترم کار کردم. اولین جلسه علنی مجلس دورهٔ دوم بعد از انتخابات هیأت رئیسه موقت، تشکیل شد. پیش از رسمیت یافتن جلسه درباره احتمال تقلب در انتخابات نایب رئیس‌ها و کارپردازان، و ضرورت دقت در هنگام اخذ رأی صحبت کردم. دستور جلسه علنی مجلس، گزارش شعبه‌ها درباره اعتبارنامه‌ها بود. ۷۴ اعتبارنامه تصویب شده، مطرح گردید؛ ۷۱ فقره تصویب و ۳ فقره، از جمله پرونده آقای هادی غفاری [نماینده تهران] مورد اعتراض قرار گرفت. چون پرونده‌های دیگران [به مجلس] نرسیده، بنابراین نه شعبه‌ها کاری دارند و نه می‌شود جلسه علنی داشت؛ پس به ناچار ده روز مجلس را تعطیل کردیم تا پرونده‌ها از وزارت کشور و شورای نگهبان به مجلس بیاید.

ظهر، در دفترم چند ملاقات داشتم. آقای [ابولقاسم] خزعلی آمد و بیشتر درباره عدم توجه صداوسیما به تذکرات ایشان و [لزوم] عدم افراط در شب سالگرد [درگذشت] دکتر [علی] شریعتی صحبت داشت. عقد ازدواج یکی از پاسدارانم را بستم و به او هدیه‌ای دادم.

آقای نیکنام از ستاد [برگزاری] نماز جمعه [تهران] آمد؛ گزارش داد و اصرار داشت که در روزهای مهم، یا من خودم برای اقامه نماز جمعه بروم و یا آقای خامنه‌ای برود و [در خطبه‌های نماز جمعه] بیشتر برای تشویق [رعایت] حجاب [اسلامی] صحبت کنیم.

عصر، دو نفر از پرسنل صنایع هواپیماسازی آمدند؛ برای ساختن هواپیماهای بدون خلبان مطالبی ارائه داشتند. در این مورد به دفتر مشاورت [امام در ارتش] گفتم کار را دنبال کنند.

[جمعی از اعضای] پرسنل توپخانه و پدافند [هوایی سپاه پاسداران] آمدند. برای آنها صحبت

کردم.[۱] جمعی از [اهالی] همدان آمدند؛ امام جمعه جدید [برای همدان] می‌خواستند. آقای ترابی [از دفتر مشاورت امام در ارتش] آمد و گزارشی از وضعیت نیروی دریائی و کشتی‌های نفتکش حادثه دیده در خلیج فارس داد.

آقایان بهزاد نبوی و [مصطفی] هاشمی[طبا] وزرای صنایع سنگین و صنایع آمدند. از نیاز صنایع به ارز زیاد و کمبود ارز می‌گفتند و پیشنهاد فعال شدن وزارت نفت در فروش بیشتر یا تهاتر داشتند. من هم پیشنهاد اجازه ورود ارزهای خارجی با آزاد کردن ورود اجناس مورد احتیاج توسط بخش خصوصی را دادم.

آقای شیخ مهدی شمس‌الدین از [علمای جنوب] لبنان آمد و از سخت‌گیری‌های وزارت امور خارجه گله داشت و درباره سیاست لبنان و برخورد با نیروهای دیگر مشورت کرد. شب، کارهای دفتر را انجام دادم و به خانه آمدم.

جمعه ۱۱ خرداد ۱۳۶۳

دیشب، کسی هلال ماه [رمضان] را ندیده. تا سحر چندبار با دفتر امام دربارهٔ رویت هلال ماه تماس گرفتم؛ رؤیت هلال ماه ثابت نشده است. سحر بلند شدم و به تنهائی سحری خوردم؛ چون ماه رمضان ثابت نشده، بچه‌ها روزه نگرفتند. تا ساعت یازده صبح کار کردم و سپس برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه [تهران] رفتم.[۲]

۱- در بخشی از این سخنرانی آمده است: "مسأله جنگ به جای حساس و سرنوشت سازی رسیده است و حرکتهایی که در آینده در میادین جنگ به وقوع خواهد پیوست، سرنوشت جنگ را تعیین می‌کند. ممکن است آمریکا، همچنان عربده بکشد که ما نمی‌گذاریم خلیج فارس مسدود شود، اما آمریکا، اگر می‌توانست کاری بکند، اول از همه جمهوری اسلامی ایران را ساقط می‌کرد." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۲- در بخشی از خطبه دوم نماز آمده است: "برای چندمین بار تأکید می‌کنیم که مایل نیستیم در خلیج فارس، بحران ایجاد شود و این را مصیبتی می‌دانیم و سخت از آن پرهیز می‌کنیم؛ البته نه در حد از دست دادن افتخاراتمان و روح انقلابمان. همه می‌دانند که از خلیج فارس، می‌توان شاهرگها را قطع کرد و به اقتصاد [جهانی] ضربه زد، اینجا اگر مدت طولانی - مثلاً یک سال - آشوب شود، بحران اقتصادی می‌سازد و... ابرقدرتها می‌دانند که ما نمی‌خواهیم خلیج فارس را ببندیم، منتهی آنها می‌خواهند کار را به جایی

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

از نخست وزیری، راجع به [بمباران] پالایشگاه تبریز [توسط جنگنده‌های عراقی] پرسیدم. معلوم شد خسارت عمده‌ای نداشته و در این جریان یک هواپیمای عراقی ساقط شده و خلبانش کشته شده است. هواپیماهای عِراقی به اطراف خرم‌آباد هم، بی‌نتیجه حمله کرده‌اند. عصر، گزارش‌ها را در منزل خواندم.

شب، آقای [ناصر] مکارم شیرازی [از حوزه علمیه قم] اطلاع دادند که امروز از ماه رمضان محسوب می‌شود و دیشب در شاهرود و اصفهان، هلال ماه رؤیت شده است و از من خواست که به صداوسیما تلفن کنم [تا این مطلب را] صداوسیما به مردم اطلاع دهد. خانم آقای [شیخ علی اصغر] مروارید تلفن کرد و برای آقای مروارید، وقت ملاقات خواست؛ در جریان اختلافات ما با بنی‌صدر، با ایشان کمی اختلاف پیش آمد و روابط مثل گذشته صمیمی نبود. دکتر سعید لاهوتی هم از اهواز آمد؛ مرخصی گرفته است.

شنبه ۱۲ خرداد ۱۳۶۳

بعد از نماز صبح تا ساعت هشت خوابیدم و بعد تا ظهر گزارشها را مطالعه می‌کردم. با رئیس جمهور، تلفنی صحبت کردم. دستور تلافی حمله به پالایشگاه تبریز را داده‌اند. با وزیر نفت هم صحبت کردم؛ خسارات وارده برپالایشگاه تبریز، زیاد نبوده است و تا چند روز آینده ترمیم خواهد شد. نفت را اکنون در بازارهای جهانی به خاطر بالا رفتن حق بیمه، با دو دلار تخفیف می‌فروشند؛ ولی مشتری برای خرید نفت زیاد است.

عصر، شورای سرپرستی صداوسیما جلسه داشت؛ مطلب مهمی نداشتیم و درباره دبیر شورا و چیزهای جزئی دیگر بحث شد. دکتر ولایتی اطلاع داد که [آقای رابح‌بیطاط] رئیس مجلس الجزایر، بدون قرار قبلی اطلاع داده که فردا وارد تهران می‌شود؛ گفتیم مانعی ندارد؛ لابد برای مذاکره دربارهٔ جنگ می‌آید.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

برسانند که بگویند ایران خلیج فارس را بست و افکار جهانی را آن چنان آماده کنند که اگر هر جنایتی مرتکب شوند، دنیا بپذیرد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های نماز جمعه، سال ۱۳۶۳، جلد ششم، دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۷۵."

یکشنبه ۱۳ خرداد ۱۳۶۳

صبح، سری به دندانپزشکی مجلس زدم. دکتر دندان‌هایم را معاینه کرد؛ کارهای جزئی لازم دارد. قرار شد بعد از ماه مبارک رمضان مراجعه کنم. گروهی از دانشجویان تحت تعلیم وزارت نیرو با دکتر [حسن] غفوری‌فرد آمدند.[۱] [وزیر نیرو] گزارشی داد و من هم در رابطه با ضرورت تربیت نیرو برای خودکفائی علمی و فنی و نقد امکانات فراوان کشور صحبت کردم.

آقای [حسین] تاج‌گردون سفیرمان در هلند آمد. گزارشی از وضع دادگاه [لاهه] و تهاجم ضدانقلاب به سفارت ایران ذر هلند داد. بعضی از نمایندگان سابق مجلس آمدند؛ از اینکه اعتبارنامه رقبایشان در مجلس دوم، بی‌اشکال تصویب شده، ناراحت بودند. منشی‌های کمیسیونها آمدند و از زیادی و تورم نیروی انسانی درکارکنان مجلس و بیکاری منشی‌ها صحبت شد؛ قرار شد در این‌باره فکری بکنیم. آنها می‌گویند، یک نفر منشی برای یک کمیسیون زیاد است. یکی از کارکنان روابط عمومی مجلس ـ که ازکار مرخص شده ـ شکایت داشت. آقای خوشنویسان ازکمی بودجه مجلس برای مصوبات هیأت رئیسه، در خصوص کمک به نمایندگان سابق و اینکه محلی [برای کار] ندارند، گفت.

[آقای محمد غرضی] وزیر نفت اطلاع داد یک کشتی نفتکش ترکیه که عازم جزیره خارک بوده، توسط عراقیها زده شده است[۲] و رئیس جمهور گفتند در این مورد، دستور مقابل‌به‌مثل

۱ـ اعضای هیأت علمی و دانشجویان دومین دورهٔ مهندسی کاربردی وکارکنان مرکز آموزشی تخصصی برق وزارت نیرو به اتفاق آقای حسن غفوری فرد وزیر نیرو در این ملاقات حضور داشتند. در این دیدار ابتدا وزیر نیرو، از شهید عباسپور [وزیر سابق نیرو] و ابتکار آن شهید درخصوص تأمین نیروی انسانی تجلیل کرد. سپس آقای هاشمی در سخنانی بر استفاده از امکانات طبیعی و علمی و انسانی با توجه به پراکندگی جغرافیایی کشور تأکید کرد و افزود: کلیه ارگانها، نهادها و سازمانها با بهره گیری از امکانات خود به تربیت نیروهای متخصص و متعهد قیام کنند. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۲ـ هواپیماهای عراقی به یک نفتکش ترکیه با نام بیوک خان در خلیج فارس حمله کردند. در پی این حادثه، سخنگوی وزارت امور خارجه اظهار داشت، این عمل عراق در پی دادن مجوز ارائه آتش افروزی به این کشور، توسط شورای امنیت می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران اجازه نخواهد داد که اقدامات ماجراجویانه عراق به مختل شدن صادرات نفت ایران بیانجامد و این گونه ناامنی‌ها را در خلیج فارس، به هیچ وجه تحمل نخواهد کرد.

داده‌ایم.

از وزیر نفت درباره لغو امتیاز کشف و استخراج نفت در گرینلند ـ که اطلاع داده بود ـ پرسیدم، گفتند منتفی شده است. ولی می‌گفت، یک شرکت سوئیسی حاضر است به چند برابر [قیمت]، بخرد.

عصر، آقای [اسدالله] لاجوردی [دادستان انقلاب تهران] و مسئولان اطلاعات سپاه آمدند. برای هماهنگ شدن در کار اطلاعات، مشکل این است که دادستانی تهران، کار اطلاعاتی می‌کند. با مذاکرات طولانی، قرار شد با [تشکیل] کمیته‌ای مشترک، [امور اطلاعاتی را] هماهنگ کنند. عصر، در جلسه حزب [جمهوری اسلامی] شرکت نکردم و افطار را به خانه آمدم. شب هم زود خوابیدم.

دوشنبه ۱۴ خرداد ۱۳۶۳

آقای ساداتیان اطلاع داد که [آقای رابح‌بیطاط] رئیس مجلس خلق الجزایر، برای افطار به منزل ما می‌آید. به فاطی و فائزه گفتم افطاری برای مهمانان درست کنند و به آقا جلال گفتم، وسائل پذیرائی را بخرد و بیاورد. به آقای مختار مسئول حفاظت بیت امام گفتم آقاجلال را که برای منزل وسایل می‌خرد، تفتیش نکنند. چون [آقا جلال] از تفتیش میوه‌ها و مواد غذائی و وسایل که می‌آورد، ناراحت است.

نزدیک افطار، آقای رابح بیطاط و همراهان و وزیر امور خارجه و همراهان و حاج احمد آقا آمدند.[1] مطلب مهمی برای مذاکره نداشتند؛ بیشتر برای پی بردن به اهداف و حرفهای ما آمده است. به نظر وزارت امور خارجه و آقای خامنه‌ای، بیشتر برای مطرح شدن کشور الجزایر در این شرایط بحرانی ـ به عنوان ساعی برای رفع بحران ـ سفر کرده‌اند. به عراق هم نماینده‌ای اعزام داشته‌اند. با ایشان درباره لزوم همکاری بیشتر الجزایر در مسائل دادگاه لاهه و بیانیه الجزایر هم

۱- آقای رابح بیطاط رئیس مجلس خلق الجزایر هنگام ورود به تهران در مصاحبه‌ای گفت که وی حامل پیامی از سوی آقای شاذلی بن جدید رئیس جمهور الجزایر برای آقای سید علی خامنه‌ای رئیس جمهور ایران است. وی در پاسخ به سوال خبرنگاری مبنی براینکه آیا درخصوص میانجیگری درباره جنگ تحمیلی، حامل پیامی است یا خیر؟ گفت: الجزایر هرگز میانجی نبوده است.

صحنه ای از بمباران شهرها



صحبت کردم. شب، برای سخنرانی در مراسم پانزده خرداد به حسینیه ارشاد رفتم. هوا گرم بود و نزدیک یک ساعت صحبت کردم. خیلی خسته شدم.[1]

سه شنبه ۱۵ خرداد ۱۳۶۳

ساعت هفت صبح، برای بدرقه آقای رابح‌بیطاط رئیس مجلس [خلق] الجزایر به فرودگاه [مهرآباد] رفتم. خبرنگاران در پاویون جمهوری با ایشان مصاحبه‌ای کردند. فقط کلیات را گفت؛ الجزایریها خیلی محافظه کار هستند و می‌خواهند با همه اطراف قضایا، دوست باشند. با هواپیمای هما ساعت هشت به ژنو حرکت کرد. به خانه برگشتم.

گزارشها را که از مجلس آورده بودند، خواندم. بیشتر گزارشها بر محور زده شدن کشتی نفتکش ترکیه در نزدیکی خارک است و احتمال تلافی تازه با شروع تهاجم زمینی ما به عراق؛ در مجموع التهابی منطقه و دنیا را فرا گرفته است.

پیش از ظهر، هواپیماهای عراقی، مردم شهر بانه کردستان را ـ که مشغول تظاهرات برای سالگرد ۱۵ خرداد بوده‌اند ـ بمباران کرده و بیش از ششصد نفر مجروح و شهید شده‌اند.[2] عراق

۱- در آخرین شب مراسم بزرگداشت سالروز ۱۵ خرداد در حسینیه ارشاد که از سوی بنیاد شهید انقلاب اسلامی و بنیاد ۱۵ خرداد تشکیل شده بود، آقای هاشمی در سخنان مبسوطی به تشریح انگیزه قیام مردم در ۱۵ خرداد و اهمیت این روز تاریخی پرداخت. در این سخنرانی آمده است: "اگر کسی بتواند این توده مردم را رهبری کند، حوادثی مثل ۱۵ خرداد و این همه شهادت و شهامت مردم، منطقی است. آمریکا هیچگاه بیشتر از این نمی‌تواند خود را درگیر مسایل منطقه کند، زیرا به حد و فور از طریق عراق خود را درگیر جنگ کرده است و اگر آمریکا مستقیماً وارد منطقه شود، ما به آرزوی خود، یعنی مقابله با دشمن اصلی رسیده‌ایم، ولی آمریکا جرأت این کار را ندارد." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۲- ساعت ۱۰ و ۳۰ دقیقه صبح این روز، پنج فروند هواپیمای میگ و میراژ عراقی، راهپیمایی مردم بانه در استان کردستان را بوسیله بمبهای خوشه‌ای و راکت، بمباران کردند و صفوف راهپیمایان را به خاک و خون کشیدند. در این حملات هوایی بیش از ۳۰۰ تن به شهادت رسیدند و حدود ۳۰۰ تن مجروح شدند. هواپیماهای عراقی علاوه بر مسیر راهپیمایان، ساختمانها و اماکن واقع در خیابانهای شرکت نفت، خیابان فرمانداری، پارک ۱۵ خرداد و خیابان بیمارستان جنب پادگان را بمباران کردند که خسارت

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

جنایت عظیمی مرتکب شده است.

آقای مروارید با قرار قبلی آمد و پس از چند سال ملاقات نمودیم که خوب بود؛ برای برگرداندن بنیاد انقلاب اسلامی کمک می‌خواست. با فشار دادستانی [تهران] و کمیته [انقلاب اسلامی، این بنیاد] به امام واگذار شده است. می‌خواست که امام سرپرستی بنیاد را به او بدهند. آقای [ابوالفضل] توکلی [بینا] هم آمد. انتظار دارد به سرپرستی [سازمان] حج [و زیارت] برگردد. آقای [محمد حسین] رضائی به جای ایشان آمده است. با آقایان [محمد] موسوی خوئینی‌ها [نماینده امام و سرپرست حجاج ایرانی] و محمد خاتمی [وزیر ارشاد اسلامی] نساخته و کنار رفته است.

چهارشنبه ۱۶ خرداد ۱۳۶۳

ساعت هشت صبح به مجلس رفتم. درگزارشها خواندم که دیروز یک هواپیمای اف ـ ۴ ما در فضای عربستان [سعودی] سرنگون شده[1] و عربستان، زدن هواپیما را رسماً به عهده گرفته است. حادثه تلخی است و انعکاس وسیعی داشته است؛ این جریان، می‌تواند به عنوان آغاز درگیری ما با

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

جانی و مالی فراوانی به بار آورد. ایران در تلافی این حمله، از ساکنان ۱۱ شهر عراق خواست، خانه‌های خود را تخلیه کنند. سپس تأسیسات شهرهای سعیدیه و کفری عراق را بمباران کرد و شهرهای بصره و خانقین، مندلی و زرباتیه عراق را نیز زیر آتش توپخانه گرفت.

۱ـ در این حادثه چند فروند از هواپیماهای نیروی هوایی عربستان با حمله به یک فروند هواپیمای اف ۴ نیروی هوایی ارتش، در آبهای خلیج فارس، هواپیمای مزبور ساقط و خلبان آن توسط هلی‌کوپترهای عربستان از آب گرفته شد. دولت ایران، اعتراض شدید خود را نسبت به اقدام دولت عربستان سعودی ابراز داشت. خبرگزاریها از واشنگتن گزارش دادند هواپیماهای آواکس، جنگنده‌های اف ـ ۱۵ عربستان را در حمله به جنگنده‌های اف ـ ۴ ایران هدایت کردند. در یکی از مقاطع درگیری، بیش از ۲۰ جنگنده عربستان و ایران در آسمان بودند و هر دو گروه از موشکهای هدایت شونده استفاده کردند. مقامات آمریکایی این درگیری را بسیار خطرناک توصیف کردند. رونالد ریگان رئیس جمهور ایالات متحده، نگرانی خود را از افزایش تشنج در خلیج فارس به دنبال جنگ هوایی ایران و عربستان ابراز داشت ولی بار دیگر برعدم دخالت نظامی آمریکا در منطقه تأکید کرد.

عربستان [سعودی] باشد.[1]

با چند نفر از کارکنان مجلس ملاقات داشتم. بیشتر درباره وضع خودشان یا نواقص کار ادارات مجلس بود. در فاصله بین دو دوره مجلس، مراجعات اینگونه زیاد شده؛ لابد مدتی صبر کرده‌اند که ببینند، مدیریت آینده مجلس با کیست.

چند نفر از گمرک آمدند و از رئیس گمرک شکایت داشتند. آقای [هادی] مروی از دادستانی انقلاب آمد و درباره دادن امان‌نامه به فراریان توآب به خارج که آقای آیت‌الله منتظری در پیام نوروزی گفته‌اند، مشورت کرد. آقای [محمود رضایی] هنجنی نماینده سابق کرج ـکه این بار رأی نیاورده است ـ آمد و از اینکه وضع انجمن حجتیه باعث شکست او شده است، ناراحت بود و می‌گفت وضع آنها را روشن کنید. امام به صراحت گفته‌اند که انحلال [انجمن حجتیه را] اعلام کنند ولی آنها نکرده‌اند. خواستار کار هم بود.

[آقای مرتضی محمودی] نماینده سابق قصر شیرین هم آمد؛ جویای کار سطح بالا است. [آقای خسرو] ناقی نماینده سابق کلیمیها، برای تسهیلات سفر به خارج کلیمیان، کمک می‌خواست.

ظهر، فرماندهان سپاه آمدند و گزارش دادند و از عدم آمادگی و نداشتن نیرو برای عملیات آینده گفتند. گفتم با فرماندهان ارتشی و قرارگاه، فردا یک جلسه مشترک داشته باشیم. عصر، دکتر [عباسعلی] زالی وزیر کشاورزی آمد و از مشکلات زمین و نبودن سیاست مشخص و عدم امنیت گفت و برای رفع اشکالات کمک خواست.

آقای عبدالکریم مهاجر ـ امام جمعه سیاه پوست لوس‌آنجلس آمریکا ـ آمد. آدم ساده‌ای است. دست فروش است و می‌گفت حقوق خوانده است. درباره نهضت سیاهان آمریکا علیه دولت سفیدها، نکاتی گفت و [تشکیل] دفتری [را برای حمایت از نهضت سیاهان آمریکایی] در تهران

۱- در پی درگیری هوایی جنگنده‌های عربستان سعودی و سقوط یک هواپیمای ارتش جمهوری اسلامی، کاردار عربستان در تهران به وزارت امور خارجه احضار شد. رادیو بی بی سی در پی درگیری هوایی ایران و عربستان اعلام کرد: "آمریکا، اکنون به طور مستقیم در جنگ علیه ایران، درگیر شده است." شبکه سی بی اس آمریکا هم گفت: "ایالات متحده علیرغم دخالت در جنگ ایران و عراق، سعی می‌کند، نقش خود را کم اهمیت جلوه دهد." یک نشریه آمریکایی هم فاش کرد: "خلبانان آمریکایی، هدایت جنگنده‌های عربستان در حمله به هواپیمای ایران را به عهده داشته‌اند."

خواست.

قبل از افطار، به منزل آیت‌الله خامنه‌ای رفتم. جلسه سران قوا آنجا بود. درباره جنگ و بحران خلیج فارس و خیلی چیزهای دیگر، بحث و تصمیم‌گیری شد. وضع خلیج فارس نگرانی‌آور است. قرار شد از امام اجازه بگیریم که در خلیج فارس و شهرها، [پیشنهاد] آتش‌بس [را] قبول کنیم. قبلاً امام خواسته بودند که در این موضوع بررسی کنیم. دیروقت به خانه آمدم.

پنجشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۶۳

هنگام سحر، از نخست وزیری اطلاع دادند که عراق دیشب شهر نهاوند را بمباران کرده و به شهرهای دزفول و مسجد سلیمان، موشک زده است.[۱] در نهاوند ۱۵ نفر شهید و بیش از ۱۰۰ نفر مجروح شده‌اند، ولی در دزفول، فقط چند مجروح داشته‌ایم و در مسجد سلیمان، موشک به خارج از شهر خورده است. دیروز، ما به عنوان مقابله به مثل، چند گلوله توپ به نقاط نظامی و حساس بصره زده‌ایم.

عراق و حامیانش، می‌بینند ایران در جبهه‌های جنگ، دست بالا را دارد و برای فشار بر ایران به سیاست شرارت در شهرها و ناامنی در خلیج فارس و اقدامات خلاف مقررات بین‌المللی دست می‌زنند.

احمد آقا آمد و اطلاع داد که امام با آتش‌بس درباره شهرها موافقند، ولی می‌فرمایند به نحوی باشد که احساس ضعف نشود. به آقای دکتر ولایتی [وزیر امور خارجه] گفته شده، ولی آقای خامنه‌ای اطلاع دادند که مشاوران وزارت امور خارجه، معتقدند که فعلاً به ژاپنی‌ها اطلاع ندهیم. قرار بود به آنها که این پیشنهاد را داده‌اند، بگوئیم که موافقیم تا در جلسه هفت کشور صنعتی ـ که امروز در اروپا تشکیل می‌شود ـ [این پیشنهاد را] مطرح کنند.

۱- چهارشنبه شب، ساعت ۲۳ و ۵۲ دقیقه، دو فروند هواپیمای عراقی، شهر نهاوند را بمباران کردند. در جریان این تهاجم هوایی، ۱۹ نفر شهید و ۱۵۰ تن مجروح شدند و نیز ۱۱۰ خانه و مغازه به کلی ویران شد و تا شعاع ۵۰۰ متری محل انفجار بمب‌ها، آسیب‌هایی به منازل مسکونی رسید. از سوی فرماندار نهاوند سه روز عزای عمومی در این شهر اعلام شد. در ساعت ۲۳ و ۵۰ دقیقه نیز شهرهای مسجد سلیمان و دزفول، همزمان هدف حملات موشکی عراق قرار گرفت. و در این حمله ۳۰ تن شهید و مجروح شدند و در نقطه مورد هدف، دهها خانه و مغازه ویران شد.

جلسه‌ای با حضور فرماندهان ارتش و سپاه و رئیس جمهور و احمد آقا در منزل ما تشکیل شد و چند ساعت طول کشید. برنامه عملیات آینده را گفتند؛ چون بخشی از طرح را ناموفق می‌دانند، در نتیجه کل عملیات به تعویق خواهد افتاد. سپاه کوتاه می‌آید. قرار شد طرح جدید را تا سه روز دیگر تکمیل کنند و بیاورند.

خبر آوردند که عراق به گیلان غرب هم حمله کرده است. به آقای صیاد شیرازی تأکید کردیم که نقاط نظامی و حساس و استراتژیک بصره را گلوله باران کنند. جو جنگ ملتهب شده است. مردم انتظار حمله متقابل ما را دارند؛ اما بخشی از نیروها آمادگی ندارند. در دریا هم برای مقابله به مثل، تحرک خوبی نیست. در زمین هم [برای عملیات] امروز و فردا می‌کنند. معصومه خانم، کارگر خانه قدیمیمان آمد و برای خرید خانه، کمک خواست. به کمیته امداد [امام خمینی] نوشتم که وامی از صندوقهای قرض‌الحسنه به ایشان داده شود.

جمعه ۱۸ خرداد ۱۳۶۳

آقای محسن رضائی اطلاع داد که وضع نیروهای بسیج، بهتر از آن چیزی است که دیروز گفته است و خواست که صداوسیما در مورد بیانیه امروز سپاه، اهمیت بدهد تا جوّ جنگی ایجاد شود و نیروهای مردمی برای عملیات بسیج شوند. با آقای خامنه‌ای [رئیس جمهور] هم تلفنی صحبت کردم که امروز در نماز جمعه - روی حرکت مردم به سوی جبهه‌ها - به مناسبت شرایط جدید خلیج فارس - تکیه کنند.

دکتر ولایتی [وزیر امور خارجه] تلفنی اطلاع داد که وزیر امور خارجه قطر، خواسته است که رسماً اطلاع دهیم با آمدن هیأتی از طرف شورای همکاری خلیج فارس، برای مذاکره درباره جلوگیری از توسعه جنگ به سایر کشورهای همسایه و هم دربارهٔ پایان جنگ موافقیم. ایشان، این مطلب را دریچه مناسب‌تری برای مطرح شدن آتش‌بس در خلیج فارس می‌دانست. براساس نظر امام، گفتم اطلاع بدهند که در صورت تقاضای شورا[ی همکاری خلیج فارس] نسبت به موضوع اوّل، موافقت می‌کنیم نه موضوع دوم.

شنبه ۱۹ خرداد ۱۳۶۳

هنگام خوردن سحری، از دفتر نخست وزیری اطلاع دادند که در ساعت دو بامداد، دو موشک

عراقی به شهر دزفول خورده است.[۱] بعداً معلوم شد [در اثر این حمله موشکی]، ۴۴ نفر شهید و ۲۰۰ نفر مجروح داشته است. ما هم [به تلافی این حمله]، بصره را می‌زنیم.

تمام طول روز را در منزل بودم. بیشتر وقتم به مطالعه گذشت. مذاکرات جلسات شورای انقلاب را می‌خواندم که دکتر [عَباس] شیبانی [دبیر شورای انقلاب] نوشته است؛ [مذاکرات جلسات] ناقص است ولی از هیچ، بهتر است. اشتباه کردیم که مذاکرات را به طور کامل ضبط نکردیم؛ فکر می‌کنم، عدم ضبط [این مذاکرات]، بخشی از حقایق مهم تاریخ انقلاب را برای همیشه مکتوم خواهد گذاشت و هرکسی با دید خودش، [مطالب را] خواهد گفت و خواهد نوشت.

عصر، شورای سرپرستی [صداوسیما] جلسه داشت؛ درباره پخش فیلم حضرت ابراهیم و ارائه صورت ایشان تصمیم گرفتیم. [این فیلم را] بنیاد مستضعفان تهیه کرده است. افطار را در منزل امام با اعضای دفتر و خدمه خوردیم. مهدی و یاسر [فرزندانم] هم آمدند. امام آمدند و نماز به جماعت خوانده شد و امام با شروع افطار، تشریف بردند.[۲]

یکشنبه ۲۰ خرداد ۱۳۶۳

ساعت هشت صبح، به مجلس رفتم و کارهای اداری را انجام دادم. چند ملاقات داشتم. گروهی از انجمن اسلامی تشکیلات هواپیماسازی ایران آمدند؛ از مدیر عامل خود گله داشتند که

۱- مناطق مسکونی شهر دزفول مورد اصابت دو موشک ۹ متری زمین به زمین شد. در این حمله موشکی عراق، ۷۰ خانه به کلی ویران و به ۳۵۰ خانه و مغازه نیز بین ۲۰ تا ۷۰ در صد خسارت وارد شد.

۲- در این روز اجلاس سه روزه سران هفت کشور صنعتی جهان در لندن با صدور بیانیه‌ای به پایان رسید. در این بیانیه آمده است: "آرزو و امید ما و همه در این است که دو جناح درگیر ـ در جنگ ایران و عراق ـ حمله به یکدیگر و همچنین حمله به کشتی‌های دیگر کشورها را متوقف سازند و اصل آزادی کشتیرانی باید محترم شمرده شود. ما معتقد هستیم که جنگ نباید گسترش پیدا کند. و در عین حال مایل هستیم آنچه که در توان داریم در جهت برقراری ثبات در منطقه به کار گیریم." در پی برگزاری اجلاس سران کشورهای صنعتی جهان، هفته نامه آبزور چاپ لندن فاش کرد، آمریکا، انگلیس و فرانسه برای دخالت نظامی در خلیج فارس به عنوان آخرین راه حل به توافق رسیدند. این هفته نامه نوشت: "سه قدرت مذکور توافق کردند در شرایط زیر در خلیج فارس دخالت نظامی کنند: ۱- دخالت نظامی به عنوان آخرین راه حل پس از شکست دیپلماتیک انجام خواهد شد. ۲- هر اقدامی به صورت مشترک انجام شود. ۳- اقدام به دخالت نظامی در پاسخ به تقاضای کمک از منطقه صورت می‌پذیرد."

نیروهای حزب‌اللهی را تصفیه می‌کند. قرار شد دفتر مشاورت [امام در ارتش به این موضوع] رسیدگی نماید.

هیأت رئیسه موقت [مجلس]، جلسه داشت؛ دربارهٔ دستور جلسه و مشکل مسکن نمایندگان تصمیم‌گیری کردیم. جمعی از جامعه مخترعین آمدند و ضمن تشکر از تشویقهای جمهوری اسلامی از آنها، مشکلاتشان را نیز گفتند در حدوداً ۳۰۰ عضو دارند. می‌گفتند دستگاههای مین‌روب و مین‌کوب و اطفای آتش چاه‌های نفت را اختراع کرده‌اند.

آقای مقدم، امام جماعت مسجد هامبورگ و آقای خلیق از مجمع علمای لبنان آمدند. آقای مقدم از مشکلات دانشجویان اسلامی اروپا و از بی‌تحرکیشان گله داشتند و از توجه ترکها وعربها و... به انقلاب راضی بودند. آقای خلیق، برای لبنان کمک بیشتر می‌خواستند.

عصر، در جلسه شورای مرکزی حزب [جمهوری اسلامی] شرکت کردم. افطار را مهمان آقای خامنه‌ای بودیم. شب، با آقایان صیاد [شیرازی] و [محسن] رضائی و آیت‌الله خامنه‌ای، برای بررسی طرح جدید عملیات آینده، جلسه داشتیم. نظریه قرارگاه خاتم‌الانبیاء را [در مورد نحوه عملیات] گفتند؛ نیروی زیاد غیر قابل تحصیلی را مطالبه می‌کردند که رد شد.

قرار شد با نیروهای ممکن‌الحصول عمل کنند و زمانی [برای انجام عملیات] معین شد. دربارهٔ آماده شدن سپاه برای انجام عملیات در منطقه خلیج فارس هم مذاکره شد. شب به مجلس رفتم.

دوشنبه ۲۱ خرداد ۱۳۶۳

ساعت دو صبح بیدار شدم؛ سحری خوردم و نماز صبح را خواندم و کمی خوابیدم. ساعت هشت صبح، جلسه شعبه [بررسی اعتبار نامه‌ها] را تشکیل دادیم و یکسره تا ساعت دو بعدازظهر، کارکردیم و نوزده اعتبارنامه وکلاء را رسیدگی و تصویب کردیم. خسته بودم. عصرکمی استراحت کردم. نماز ظهر و عصر را با تأخیر، ساعت چهار بعداز ظهر خواندم.

پس از مذاکرات زیاد، بالاخره دبیرکل سازمان ملل، پیشنهاد آتش‌بس درخصوص حمله به اهداف غیر نظامی را به تأیید دو طرف جنگ رسانید و زمان آغاز آتش‌بس را نیمه شب ۴ ژوئن ۱۹۸۴ به وقت گرینویچ اعلان کرد.

[آقای ایرج فاضل] وزیر علوم آمد و دربارهٔ اساسنامه «بنیاد اسکان دانشجو» ـ که چندی قبل در نماز جمعه مطرح کرده بودم ـ مشورت کرد. قرار شد، من هم جزو هیأت مؤسس [این بنیاد]

باشم. در دفتر رئیس جمهور، جلسه شورای عالی دفاع داشتیم و تصمیماتی اتخاذ شد؛ از جمله دربارهٔ پیشنهاد [آقای خاویر پرزدکوئیار] دبیر کل سازمان ملل و مسئله ناوهای جنگی آمریکا و فرانسه در خلیج فارس بحث شد. اقدام خطرناکی توصیف شد.

بعد از جلسه، با [خبرنگار] صداوسیما مصاحبه کردم[1] و پیش‌بینی موشک زدن صدام را در ساعات قبل از رسیدن نیمه شب، به وقت گرینویچ ـ که موعد آغاز آتش‌بس پیشنهادی[2] دبیر کل سازمان ملل است ـ مطرح کردم.

بعد از مصاحبه، آقای نخست وزیر اطلاع داد که چند دقیقه قبل، عراق چهار موشک به دزفول زده و خرابی زیادی به بار آورده است.[3] ما هم تصمیم گرفتیم بر شدت گلوله باران بصره بیفزائیم و دستور ستاد مشترک به واحدها را ـ در خصوص تعطیل آتش از ساعت مقرر را ـ لغو کردیم و قرار شد، وزارت امور خارجه در این‌باره توضیح بدهد.

اعضای شورای عالی دفاع، افطار را مهمان آقای خامنه‌ای بودیم. سپس به مجلس رفتم و گزارشها را خواندم. بالاخره معلوم شد، موشک‌های صدام در دزفول ۴۴ شهید و ۲۰۰ مجروح و

۱- در این مصاحبه سیاست ایران در قبال ادامه جنگ و گلوله باران شهرها اعلام شد. در بخشی از این مصاحبه آمده است: پیشنهاد اخیر سازمان ملل، ربطی به خود جنگ ندارد و کماکان مذاکره در مورد جنگ وجود نخواهد داشت. مسأله بسیار مهمی که باید به آن توجه کنیم. اعلام غیررسمی امضای قرارداد بین مثلث آمریکا، فرانسه و انگلیس برای حمایت از عراق، اسرائیل و منافع استکبار جهانی در منطقه است. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۲- در پی ارسال نامه‌ای از سوی آقای خاویر پرزدوکوئیار دبیر کل سازمان ملل به آیت‌الله خامنه‌ای رئیس جمهور، ایران به پیشنهاد سازمان ملل متحد مبنی بر توقف حمله به مناطق غیر نظامی، پاسخ مثبت داد. براساس این اعلامیه، از ساعت ۱ دقیقه بعد از نیمه شب، به وقت گرینویچ به تاریخ ۴ ژوئن ۱۹۸۴ آتش‌بس لازم الاجرا گردید. در پاسخ آیت‌الله خامنه‌ای آمده است: لازم می‌دانم تأکید کنم ابراز حسن نیت جمهوری اسلامی ایران درخصوص قبول پیشنهاد شما مبنی برتوقف هدف‌گیری مناطق غیرنظامی با این تفاهم صورت می‌گیرد که رژیم عراق، اعمال جنایتکارانه درخصوص بمباران شهرهای ایران را کاملاً متوقف سازد، در غیر این صورت، حق خود را جهت مبادرت به هرگونه مقابله به مثل به طور قاطع، محفوظ می‌داریم.

۳- در این حمله موشکی که در ساعت ۷ بعداز ظهر انجام شد، ۴۴ نفر شهید و بیش از ۲۵۰ نفر مجروح شدند. همچنین دهها خانه و مغازه در چهار نقطه شهر دزفول به شدت آسیب دید.

خرابی زیادی به بار آورده [است]. بعد از [شنیدن] اخبار ساعت ده شب، در مجلس خوابیدم. تراکم کارها و ملاحظات امنیتی، ایجاب می‌کنند که کمتر در خیابان‌ها رفت و آمد داشته باشیم و لذا بسیاری از شبها در محل کار می‌مانم.

سه شنبه ۲۲ خرداد ۱۳۶۳

بعد از نماز صبح، خوابم نبرد و تا ساعت شش کار کردم. سپس تا ساعت هفت‌ونیم صبح، خوابیدم. ساعت هشت، جلسه شعبه [بررسی اعتبار نامه‌ها] تشکیل گردید و اعتبارنامه آقای [سیدحسین] موسوی‌پور از ابهر ـ که خیلی شکایت [نسبت به اعتبارنامه‌اش وجود] داشت ـ تصویب شد.

ساعت نه، جلسه علنی مجلس را تشکیل دادیم. پیش از دستور، درباره حمله موشکی دیشب عراق به دزفول و توطئه مثلث امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع صحبت کردم[1] و ضمن توضیح مصوبه شورای عالی دفاع در مورد توقف حمله به اهداف غیر نظامی و ابلاغ به نیروهای مسلح گفتم که صدامیان نشان دادند که پایبند به نظر سازمان ملل و قرار آتش بس نیست.

به آقایان کروبی و زائری و فدائی تسلیت گفتم.[2] مراسم تحلیف عده‌ای از نمایندگان را داشتیم و ۶۴ اعتبارنامه هم تصویب شد و چهار تا [اعتبارنامه] هم به کمیسیون تحقیق رفت؛ هماهنگی و تفاهم خوبی بر نمایندگان [دوره دوم مجلس شورای اسلامی] حاکم است.

۱- در این نطق آمده است: "شرارت جدید صدام را که باعث به خاک و خون کشیدن مردم دزفول قهرمان، مظلوم و مقاوم شد، همه ما و ملت عزیزمان می‌دانند، ما دیروز در شورای عالی دفاع در آخرین لحظات بیانیه‌ای تهیه کردیم که رئیس ستاد مشترک به نیروهای مسلح در کل جبهه‌ها ابلاغ بکنند که از ساعت مقرر تیراندازی‌ها به طرف اهداف غیر نظامی قطع بشود و هم آنجا پیش بینی می‌شد که با توجه به کینه‌توزی شدید صدام و با توجه به دسایسی که در بعثی‌ها مشهود است، اینها در آخرین لحظه در برنامه کار اخلال بکنند.... حمله موشکی دیشب عراق، نشانه عدم قبول واقعی برنامه سازمان ملل است و ما به وظیفه خودمان عمل می‌کنیم. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۲- پدر آقای مهدی کروبی نایب رئیس مجلس و والده آقای غلامعباس زائری نماینده بندرعباس و والده آقای اسماعیل فدائی نماینده سربند، فوت کرده بودند.

ظهر، در دفترم چند ملاقات داشتم. آقای اسرافیلیان درباره گزینش دانشجو و اعزام دانشجو به خارج، سیاست خارجی و برخورد با خبرنگاران خارجی، نظرات و انتقاداتی داشت؛ اکثر حرفهایش خوب است. آقای [عبدالرضا] اسدی‌نیا، نماینده اهواز از اینکه دادگاه اهواز به عنوان تخلف در تبلیغات انتخابات، ایشان و آقای فواد کریمی [نماینده اهواز] را احضار کرده است، نگران بود؛ برای چاره‌جوئی آمده بود.

آقای رئیس جمهور، تلفن کردند و اطلاع دادند که از لحظه مقرر توسط دبیر کل سازمان ملل - ساعت سه‌ونیم بامداد - زدن شهرهای عراق متوقف شده است؛ قرار بود به خاطر موشک زدن صدام به دزفول، [به گلوله باران شهرهای عراق] ادامه بدهیم؛ پذیرفتم.

عصر، آقای ترابی از دفتر مشاورت [امام در ارتش] آمد و گزارش تعقیب زدن کشتی کویتی را داد و برای اصلاح ستاد مشترک [ارتش] تأکید داشت. گزارشها را خواندم. تازهٔ مهمی نیست. کارهای اداری را انجام دادم و نزدیک افطار به منزل آمدم.

چهارشنبه ۲۳ خرداد ۱۳۶۳

تا ساعت چهار بعد از ظهر در منزل بودم؛ استراحت و مطالعه داشتم. خطبه عربی نماز جمعه آینده را نوشتم و درباره جنایات خِمِرهای سرخ در کامبوج و قتل فجیع مسلمانان آنجا، برای خطبه‌های نماز جمعه مطالعه کردم و یادداشت برداشتم. ساعت چهار بعداز ظهر، به مجلس رفتم. شعبه بررسی اعتبارنامه‌ها، جلسه داشت. دوسه اعتبارنامه را تصویب کردیم و نامزدهای کمیسیون‌ها را اصلاح نمودیم.

قبل از افطار، به منزل آقای موسوی اردبیلی [رئیس دیوان عالی کشور] رفتیم. آقایان خامنه‌ای و احمد آقا هم برای افطار آمده بودند. تا ساعت نه و نیم شب، آنجا بودیم. قرار شد چند واحد غیر فعال از بنیاد مستضعفان، به کمیته امداد [امام خمینی] واگذار شود تا با نیروهای خودشان فعالیت کنند و درآمد آنها را خرج محرومان نمایند. اعضای حاضر [در جلسه سران قوا] پذیرفتیم که هیأت مؤسس بنیاد اسکان دانشجو باشیم. شب به مجلس رفتم.

پنجشنبه ۲۴ خرداد ۱۳۶۳

تا ساعت شش صبح بیدار ماندم و سپس تا ساعت هفت‌ونیم خوابیدم. گزارشها را آوردند

خواندم؛ مطلب مهمی نداشت. ساعت هشت، به شعبه [بررسی اعتبارنامه‌ها] رفتم. دوسه اعتبارنامه را تصویب کردیم. در جلسه علنی مجلس، اعتبارنامه ۳۱ نفر از نمایندگان، تصویب و [اعتبارنامهٔ] ۱۵ نفر هم به کمیسیون تحقیق رفت. بعد از جلسه، تعدادی از نمایندگان برای رفع گرفتاریها و کارهای خود مراجعه کردند. در دفترم هم مراجعاتی از این قبیل داشتند.

بعضی‌ها برای اعتراض نسبت به اعتبارنامه آقایان [احمد]آذری [قمی] و [صادق] خلخالی نمایندگان قم آماده شده بودند که نوعاً نصیحت به تفاهم می‌کنم. آقای [غفور]گرشاسبی نماینده سابق بندرلنگه هم برای رفع مشکل خدمت خارج از مرکز ـ که به طور ناقص انجام شده ـ مراجعه کرد. آقای [سید محمد علی] قریشی هم از وضع و کمبودهای خمین گفت.

عصر، ملاقاتی با آقای مجید انصاری داشتم که درباره شغل جدید خود «(نمایندگی شورای [عالی] قضائی در زندانها و دادگاه‌های انقلاب» مشورت داشت. در مورد آزادی زندانی‌های نادم و کم تقصیر و کم خطر، و منظم و یکنواخت کردن دادگاه‌ها و کار زندانیان، نظراتی ابراز کردم.

فرمانده نیروی هوائی آمد و از نیازها و کمبودها و مشکلات نیروی هوایی گفت و استمداد کرد. گروهی از [کارکنان] انستیتوی تغذیه آمدند و از ضعفهای آن انستیتو گفتند؛ قرار شد رسیدگی کنم. آقای [محسن] نوربخش رئیس بانک مرکزی آمد و از خطر تمام شدن ذخائر ارزی در صورت ادامه بحران در خلیج فارس گفت و راه‌های مقابله با آن را مطرح کرد: وام گرفتن، نسیه خریدن، ریاضت و صرفه‌جوئی و تهاتر در فروش نفت؛ من هم تسهیلات برای جذب ارزهای بخش خصوصی خارج را اضافه کردم. افطار به خانه آمدم.

جمعه ۲۵ خرداد ۱۳۶۳

تا ساعت ده‌ونیم صبح، در منزل مطالعه می‌کردم. برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه [تهران] رفتم.[1] با اینکه روزه هستم و ضعف وجود دارد، بدون زحمت حدود یک ساعت‌ونیم صحبت کردم

۱ـ در خطبه اول بحث دربارهٔ عدالت اجتماعی دنبال شد و مطالبی دربارهٔ بررسی اوضاع کامبوج، خمرهای سرخ، مدعیان اجرای مارکسیسم ناب، نحوه سرکوب مسلمانها در حاکمیت خمرهای سرخ و رابطه تقوا و رعایت حقوق بشر عنوان گردید. خطیب جمعه تهران در خطبه دوم، به بررسی مسائل روز پرداخت سپس دربارهٔ نقش جهاد سازندگی در جبهه‌ها و اوضاع تازه جنگ و تحولات

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

و آمادگی ایران، برای آتش‌بس در خلیج فارس را مطرح نمودم که احتمالاً موج جدیدی در دنیا به راه خواهد انداخت.

عصر، آقای [حبیب الله] عسکراولادی آمد و از پذیرفتن سمت معاونت وزیر کشور، امتناع کرد. درباره کمیته امداد و مسائل اختلافی بازاریان با دولت بحث کردیم؛ کمی جوّ بهتر شده است ولی معتقد است که دولت، برنامه کوتاه کردن دست بازاریان [از اقتصاد کشور] را دارد و نمونه‌هائی از محدودیت‌های اتاق بازرگانی، کمیته اصناف و... را ذکر و اظهار می‌کرد با کنار رفتن [آقای میرحسین موسوی] نخست وزیر مخالف است، ولی باید [عملکرد ایشان] تعدیل شود.

شب، آقای محسن رضائی آمد و راجع به پیشرفت کار مقدمات عملیات آینده، گزارش خوش بینانه‌ای داد. موفقیت در ساختن مین‌روب و مین‌کوب و طرح انتقال آب کرخه و کارون به منطقه عملیات و تأثیر آن روی دشمن و کم شدن آب هورالهویزه و استفاده از آن در عمران بیابانهای خوزستان گفت. آخر شب، بچه‌ها به فرودگاه رفتند؛ برای استقبال از اعظم ـ همسر [پسرم] محسن ـ که با فرزندش عماد، وارد کشور می‌شدند. هنگام خوردن سحری، وارد خانه شدند. نوزاد سالم، سرحال و سرزنده است.

آقای دکتر ولایتی [وزیر امور خارجه] اطلاع داد که در سازمان ملل از اظهارات من در نماز جمعه استقبال شده است و از نماینده ما خواسته‌اند که در شورای امنیت شرکت کند؛ گفتم بهتر است از طریق دبیر کل سازمان ملل عمل کنیم.

شنبه ۲۶ خرداد ۱۳۶۳

تمام روز در منزل بودم و تا عصر، وقتم صرف مطالعه و استراحت و خواب شد. عصر، شورای سرپرستی [صداوسیما]، جلسه داشت. دبیری آقای [محسن] دعاگو برای [شورای سرپرستی صداوسیما] تمدید شد. مصوبات دیگری هم داشتیم و راهنمائیهائی در مورد کیفیت تنظیم

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

انقلابی در جهان عرب مطالبی مطرح شد. در بخشی از خطبه دوم آمده است: "امنیت خلیج فارس درگرو قطع حملات صدام به کشتی‌هاست و اگر عراق بیش از این ماجراجویی کند، دیگر بصره را نخواهد داشت."

رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های نماز جمعه، سال ۱۳۶۳، جلد هفتم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۷۵.



فیلم‌های تاریخ اسلام، با اجتناب از تحریک اختلافات شیعه وسنی، [ارائه کردیم].

بعد از افطار، آقای سرهنگ صیاد شیرازی آمد و گزارشی از پیشرفت کار مقدمات عملیات آینده داد؛ خیلی راضی است. شرایط جدیدی هم پیش آمده که تغییراتی در طرح عملیات ایجاب کرده است. هماهنگی، رفاقت و وحدت خوبی بین سپاه و ارتش پیش آمده که در عملیات گذشته نبوده است و آنچه که موفقیت عملیات خیبر را کم کرد،[1] همان اختلاف بود که الحمدلله، این بار نیست.

اصولاً یکی از عوامل مسئولیت فرماندهی جنگ من، وجود اختلاف بین فرماندهان سپاه و ارتش بود و با اینکه اختلافات کمتر شده اما هنوز وجود دارد و وقت‌گیر و مزاحم است و امیدوارم در آینده این مشکل حل شود ولی اصولاً باید برای ساختار نظامی و نیروهای مسلح کشور فکری بشود که انضباط و وحدت فرماندهی جدی باشد. این مشکل در نیروهای انتظامی هم با توجه به وجود شهربانی و کمیته و ژاندارمری و تداخل وظایف وجود دارد.

یکشنبه ۲۷ خرداد ۱۳۶۳

به مجلس [شورای اسلامی] رفتم. گزارشها را مرور کردم. مسئله مهم رسانه‌ها، اظهارات من در نماز جمعه پریروز است که گفتم ما آماده ترک جنگ در خلیج فارس هستیم.[2] تقریباً همه

۱- ویژگی برجسته عملیات خیبر، بسیج سراسری بیش از ۲۰۰ گردان رزمنده و طراحی عملیات در نهایت اختفا بود. این عملیات در منطقه جبهه جنوبی ـ هورالهویزه در اسفند سال ۱۳۶۲ انجام شد و هدف آن، عبور از هور و تهدید بصره از شمال بود. در این عملیات اغلب اهداف تصرف شد، هر چند به سبب آنکه در این عملیات آبی ـ خاکی کوتاهترین فاصله خط اول خودی تا خشکی از ۱۳ کیلومتر تجاوز می‌کرد، اما به جهت عدم هماهنگی مناسب ارتش با سپاه پاسداران، امکان پشتیبانی زمینی وجود نداشت و یگان دریایی تازه تأسیس سپاه و تلاش هوانیروز هم پاسخگوی نیازمندی نبود. از سوی دیگر دشمن در این عملیات به طور بی‌سابقه‌ای از سلاح شیمیایی استفاده کرد، لذا امکان تثبیت کامل منطقه میسر نشد و تنها به تثبیت جزایر مجنون اکتفا گردید.

۲- هفته نامه نیوزویک در مقاله‌ای با عنوان "نقطه بدون بازگشت" نوشت: [آقای هاشمی] رفسنجانی در بیانات مسالمت‌آمیز خود در نماز جمعه که تعجب آور بود، اظهار داشت "ایران تلاش خواهد کرد تا از بروز فاجعه‌ای برای بشریت در خلیج [فارس] جلوگیری به عمل آورد." این گفتار، اولین اشاره آشکاری است دال براینکه ایران ممکن است مایل به مذاکره باشد. آمریکا،

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

رسانه‌های خبری مهم دنیا، روی آن حساب بازکرده‌اند و بحث در این است که آیا ما به عراق هم اجازه استفاده از بنادر خود در خلیج فارس را خواهیم داد که برایشان مهم است و به آقای [سعید] رجائی [خراسانی نماینده دائم ایران در سازمان ملل] هم توصیه‌های لازم داده شده است.

در جلسه علنی مجلس، ۳۸ اعتبارنامه تصویب شد و ۱۰ تا [اعتبارنامه] هم به کمیسیون تحقیق رفت و من با ۱۸۱ رأی از ۱۸۹ نفر حاضر ـ که ۸ نفر رأی ممتنع دادند ـ به ریاست مجلس برای یک سال انتخاب شدم.

ظهر، نمایندگان زاهدان و زابل آمدند و راجع به عزل استاندار و امام جمعه زاهدان اصرار داشتند و خواستار رفع اتهام از جامعه سیستانیهای زاهدان در مسئله آشوب انتخابات بودند. نماینده بروجرد هم برای رفع نیازهای بروجرد مراجعه کرد.

نماینده میاندوآب همراه با دکتر رقابی آمدند. تشکر رهبران سرخ پوستان آمریکا را از اظهاراتم در نماز جمعه آورد[1] و برای کنگره آینده آنها پیام می‌خواست. آقای موسویانی وزیر سابق معادن، خواستار کمک برای رفتن به کمیسیون برنامه بود.

عصر، آقای سرهنگ موسوی قویدل از قرارگاه خاتم‌الانبیاء آمد؛ تغییراتی در طرح عملیات آینده داده بودند و برای امضاء آورده بود. طرح نسبتاً کامل است و نیروی کافی هم داریم و عوامل جدیدی به امکاناتمان اضافه شد؛ امید موفقیت زیاد است.

کارهای اداری را انجام دادم و به منزل آمدم. شب، احمد آقا تلفن کرد و اصرار داشت که نمایندگان سازمان ملل، برای نظارت بر زدن شهرها را در ایران بپذیریم؛ من هم موافقم. قرار شد با [آقای میرحسین موسوی] نخست وزیر که در این مورد تردید داشته است، صحبت شود.[2] [احمد

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

عربستان سعودی و بقیه کشورهای جهان، از خود سوال می‌کنند که آیا ممکن است، رمضان، ماه قدیمی کفاره و اصلاح، سرانجام صلح را برای این منطقه پرآشوب به ارمغان آورد.

۱- آقای هاشمی در خطبه اول نماز جمعه ۳۱ فروردین ۱۳۶۳ بخشی را دربارهٔ ظلمهایی که اروپایی‌ها و مهاجران بر سرخپوستان و بومیان آمریکا وارد کردند، مطرح کرد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های نماز جمعه، سال ۱۳۶۳، جلد هفتم، " دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۷۵.

۲- در پی طرح پیشنهاد آتش‌بس در خلیج فارس از سوی آقای هاشمی رفسنجانی در خطبه‌های نماز جمعه با این عنوان که "اگر

آقا] معتقد بود، درباره خلیج فارس هم، خواست عراق برای استفاده از بنادرش را بپذیریم، که قبلاً تصویب کرده‌ایم. من موافقم که نفی نکنیم و مذاکرات، تا انجام عملیات آینده ادامه یابد. آخر شب، [آقای ناطق نوری] وزیر کشور درباره انتخابات میان دوره‌ای و... تلفنی صحبت کرد.

دوشنبه ۲۸ خرداد ۱۳۶۳

تمام روز در منزل بودم. مجلس به خاطر عدم تشکیل کمیسیونها، کاری ندارد. شعبه‌ها[ی بررسی اعتبارنامه‌ها] هنوز کارشان تمام نشده است و وضع منزل نمایندگان جدید هم، خوب نیست. منزل برای اسکان ندارند. پیش از ظهر، تلفنی با آیت‌الله خامنه‌ای [رئیس جمهور] صحبت کردیم. دربارهٔ پذیرفتن ناظران سازمان ملل در ایران و موضع‌مان در آتش‌بس خلیج فارس و هواپیمای ربوده شده[1] و تعویض [سرتیپ ظهیرنژاد] رئیس ستاد مشترک ارتش مذاکره شد. با وزیر کشور هم درباره وقت برگزاری انتخابات میان‌دوره‌ای، و مواردی که شورای نگهبان باطل کرده، قرار شد ۱۹ ذی‌القعده هجری قمری باشد.

عصر، [آقای طباطبائی] سرپرست بنیاد مستضعفان، آمد و گزارشی از وضع بنیاد داد. می‌گفت

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

عراق حملات خود را در خلیج فارس قطع نماید، ایران حتی یک گلوله نیز شلیک نخواهد کرد." لطیف نصیف الجاسم وزیر اطلاعات و آموزش عراق پاسخ داد: "پیشنهاد ایران حاوی هیچ چیز جدیدی نیست و به هر صورت سخنان [آقای هاشمی] رفسنجانی بسیار نامفهوم و مبهم بوده است. [آقای هاشمی] رفسنجانی باید توضیح دهد که منظورش چیست و چه می‌خواهد بگوید. اگر منظورش این است که عراق بدون اینکه تضمینی در مورد حق مشروع استفاده آزاد از بنادر و راههای آبی خود کسب نماید، باید از حمله به کشتی‌های ایرانی خودداری کند، عراق این پیشنهاد را صریحاً رد نموده و به وارد آوردن ضربات خود ادامه خواهد داد."

۱- هواپیمای فوکر - ۲۷ با هشت سرنشین روز جمعه ۶۳/۳/۲۵ در یک مسیر داخلی ربوده شد و پس از سوخت‌گیری در بحرین به مصر و از آنجا به ایتالیا رفت. به دنبال مخالفت دولت ایتالیا با دادن پناهندگی به هواپیما ربایان و پس از یک توقف ۵ ساعته به طرف فرانسه پرواز کرد و این در حالی بود که دولتهای عربستان، امارات متحده عربی و مصر، قبلاً با تقاضای پناهندگی هواپیما ربایان مخالفت کرده بودند. فرانسه نیز از دادن پناهندگی به آنها خودداری کرد. هواپیمای ربوده شده، توسط دولت فرانسه به فرستادگان ایران تحویل داده شد و روز ۳ تیر ۶۳ به ایران برگردانده شد.

بیست هزار واحد دارد که صلاح در آن است، به غیر از دویست واحد بزرگ، بقیه را بفروشند و از اینکه ارگانهای دولتی، مرتب دارند از اموال بنیاد می‌گیرند، ناراحت بود؛ از لحاظ شرعی، سئوال داشت که [آیا پول دریافتی از بابت فروش واحدها]، باید به مصرف محرومان برسد، یا نه؟ و نظر امام را در این‌باره می‌خواست. بیشتر، درباره واگذاری واحدهائی به کمیته امداد ـ که اخیراً در نماز جمعه مطرح کردم ـ بحث شد؛ قرار شد شروع به واگذاری واحدها کنند. امام هم موافقت کرده‌اند و نظر سران قوای دیگر هم، این است.

سه شنبه ۲۹ خرداد ۱۳۶۳

تمام روز را در خانه بودم. با [آقای علی اکبر ولایتی] وزیر امور خارجه، دربارهٔ تعقیب کشورهائی که هواپیمای ربوده شده ما را می‌پذیرند، تلفنی صحبت کردم. هواپیمای ربوده شده، از مصر بیرون رفته و در ایتالیا سوخت‌گیری کرده و در جنوب فرانسه، به زمین نشسته است.

کارگرانی برای نصب کولر در خانه بودند؛ به خاطر اینکه در منطقه جماران، هوا کمتر گرم می‌شود و تاکنون مبرّد [= سرد کننده] نداشتیم، ولی با داشتن نوزادها ـ نوه‌ها ـ ضرورت پیدا کرده است.

چهارشنبه ۳۰ خرداد ۱۳۶۳

ساعت هشت‌ونیم صبح، به مجلس رفتم. مجلس به خاطر عدم آمادگی دوره جدید، تعطیل است. چند نفر از کارگران قصابی آمدند و شکایت داشتند که صاحبان مغازه‌های قصابی، برای اخراج کارکنان مغازه‌ها، برنامه‌ریزی کرده‌اند؛ چون با سهمیه‌بندی گوشت، ساعات محدودی نیاز به کارگر دارند و خودشان می‌توانند چند مغازه را اداره کنند.

مصاحبه‌ای، برای فیلمی که به منظور نشان دادن زندگی و شخصیت امام تهیه می‌شود، داشتم و روی ابعاد معنوی و علمی امام، تکیه کردم. خانواده شهید دکتر مصطفی چمران به مناسبت سالگرد شهادتش آمدند. نماینده زابل آمد و از پیاده شدن نیروهای افغانی در نزدیکی مرزهای جنوب شرقی زابل خبر داد که قابل توجه و رسیدگی است. آقای مقصودی از ستاد برگزاری نماز جمعه [تهران] آمد و بیشتر روی انحصارطلبی در اداره امور حج و حذف نیروهای غیر هم خط خودشان، شکایاتی داشت. به ایشان تذکر دادم که در دعوت سخنرانان قبل از خطبه‌های نماز جمعه، دچار

همان رویه خطی نشوند.

آقای فاضل هرندی آمد و راجع به قانون اراضی کشاورزی، مطالبی داشت و از تأخیر [در برگزاری] انتخابات اصفهان شاکی بود. با وزارت کشور و شورای نگهبان، برخورد کردم و سیاست تأخیر در انتخابات موارد باطل شده را ـ که برخلاف حق و قانون است ـ مورد انتقاد قرار دادم؛ که قرار شد تجدید نظر کنند.

آقای [حسین] محلوجی آمد. گزارشی از سفر ژاپن و پیشرفتهای فنی این کشور داد و خواستار تحکیم روابط با ژاپن و سفر من به آنجا برای این مقصود و استفاده از تکنولوژی آنها بود.

عصر، هیأت رئیسه دائمی مجلس دوره دوم، اولین جلسه خود را تشکیل داد و مسئولیتهای اعضاء مشخص شد. برنامه هفته آینده و کارهای جاری مجلس؛ ساختن سالن جدید بزرگ در مجلس قدیم برای دوره بعدی مجلس و کارهای دیگر.

افطار را با سران قوا در حیاط منزل شخصی امام، مهمان احمد آقا بودیم. امام هم برای نماز مغرب و افطار تشریف آوردند و بعد برای کارهای شب قدر، زود تشریف بردند. درباره جنگ، حفاظت منزل آقای قمی در مشهد، آمدن هیأت نظارت سازمان ملل به ایران برای [کنترل] نزدن شهرها، ترمیم کابینه و... بحث و در مواردی، اتخاذ تصمیم شد.

پنجشنبه ۳۱ خرداد ۱۳۶۳

گزارشها را خواندم. خاطرات عقب افتاده را نوشتم. مطلب مهمی نیست. محافل، مراکز و افراد سیاسی جهان، از تأخیر حمله زمینی ایران به عراق ـ که مدتها است انتظارش را دارند ـ دچار سرگیجه شده‌اند و آن را با کمبود وسائل نظامی، اختلاف رهبران ایران، ترس از اسلحه‌های جدید عراق و... توجیه و تفسیر می‌کنند و تلاش فراوانی برای جلوگیری از پیروزی اسلام می‌شود.[1]

۱- روزنامه لارپوبلیکا چاپ ایتالیا در تفسیری با عنوان "ملاها و ژنرال‌ها بر سر مسأله حمله نهایی اختلاف نظر پیدا کرده‌اند." به ارائه یک دیدگاه مبتنی بر خیال و رویا پرداخته و می‌نویسد: طبق اطلاعاتی که محافل رژیم ایران درگردهم‌آیی شورای عالی دفاع که به رهبری [امام] خمینی و در محل اقامت وی در جماران در تاریخ ۲۲ ماه مه برگزار شده، اختلاف نظر شدیدی بر سر تاکتیک نظامی در مرحله کنونی بین مذهبیون و پاسداران از یک سو و نظامیان از سوی دیگر بروز کرده است. گروه اول از طریق [آقای

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

آقای محسن رضائی تماس گرفت؛ از پیشرفت کارها راضی است. از عدم فعال بودن وزارت راه، در طرح انتقال آب کرخه و کارون به طلائیه گفت. گفتم اطلاع داده‌اند که اخیراً فعال شده [است] و قرار شد، رسیدگی کند و اطلاع بدهد. عصر، فاطی [دخترم] برای شرکت در ضیافت افطار [آیت‌الله خامنه‌ای] رئیس جمهور به خانواده شهدای انفجار دفتر حزب [جمهوری اسلامی] رفت.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

هاشمی] رفسنجانی رئیس مجلس برای شروع فوری حمله نهایی اصرار می‌ورزند در حالی که قاسمعلی ظهیرنژاد فرمانده نیروهای سه گانه ارتش و سرهنگ صیاد شیرازی فرمانده نیروی زمینی با این امر مخالفت کرده و برعکس به دلیل واقف بودن به امکانات واقعی تسلیحاتی، موافقت خود را با جنگ فرسایشی اعلام نموده‌اند. موضوع گفتگوها و بحثهای مزبور تنها مسأله حمام خون که در یک حمله وسیع غیر قابل اجتناب می‌باشد، نبوده بلکه موضوع ارسال سلاح نیز مطرح بوده است. در این اواخر به دنبال تفاهم بی‌سروصدا بین ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی در مورد جلوگیری از افزایش و توسعه جنگ در خلیج [فارس]، ارسال کنندگان اصلی سلاح به ایران (به ویژه کره شمالی و سوریه) از تحویل سلاح به ایران سرباز زده‌اند. در رهبری ایران، اختلافی بر سر استراتژی نظامی مبنی برادامه جنگ و یا برقراری صلح وجود ندارد، اما امکان دارد که بر سر مسایل تاکتیکی مانند حمله به بصره اختلاف نظر باشد. زیرا حمله به بصره با یک سری حملات تلافی جویانه با نتایج غیرقابل پیش‌بینی اما مطمئناً مصیبت بار برای تمام منطقه خلیج [فارس] مواجه خواهد گردید. موفقیت عراق در "جنگ نفتکش‌ها" وگسترش اقدامات نظامی از سوی این کشور، عامل دیگر تأخیر در انجام حمله نهایی بوده است.



صحنه ای از نبرد رزمندگان اسلام با دشمن بعثی

تیر ۱۳۶۳



جمعه ۱ تیر ۱۳۶۳ ۲۲ رمضان ۱۴۰۴ 22 JUNE 1984

تمام روز را در منزل ماندم. روزه، از قدرت کارم کاسته است. حتی مطالعه‌ها هم پیشرفت معمولی را ندارد. کتابی درباره «علل عقب‌ماندگی آفریقا و مسئولیّت اروپا در این باره» خواندم که در خطبه‌های نماز جمعه، در بحث «تبعیضات‌نژادی» استفاده شود. تماس تلفنی هم خیلی کم داشتم. گزارشها را آوردند، خواندم؛ مطلب مهمی نداشت. عصر، آقای معادیخواه آمد؛ درباره ثبت «بنیاد تدوین تاریخ [انقلاب اسلامی]» صحبت کرد. نماز جمعه این هفته [تهران] را آیت‌الله خامنه‌ای اقامه کردند. شب تا صبح، به خاطر احیاء بیدار ماندم.

شنبه ۲ تیر ۱۳۶۳

به آقای دکتر ولایتی [وزیر امور خارجه] تلفنی تذکر دادم که راجع به آمدن نظّار سازمان ملل به ایران [در مورد نظارت بر آتش‌بس شهرها] جدی‌تر عمل کنند. عراق، ما را به دروغ متهم به نقض قرار [آتش‌بس] می‌کند و با اینکه خودش نقض قرار می‌نماید، به سازمان ملل شکایت می‌برد. آتش بس در اهداف غیر نظامی خواسته واقعی ما است، چون ما با ملاحظات اسلامی و انسانی نمی‌خواهیم به شهرها و مردم عراق آسیب برسانیم. همان مقدار هم که عمل شد ما را رنج می‌دهد ولی اگر مقابله به مثل نمی‌شد، شرارت بعث عراق ادامه می‌یافت. ما در جبهه‌ها دست بالا را داریم و عراق راه نجات خود را در حمله به شهرها و کشتی‌ها دیده است.[۱] گفتم که از فرانسه بخواهند هواپیمای ربوده شده ما را غیر نظامی معرفی کنند؛ چون [هواپیمای ربوده شده] برای حمل مسافر بوده است، نه برای استفاده نظامی.

آقای [محمد]غرضی [وزیر نفت] هم تلفنی اطلاع داد که شرکت سازنده موشکهای فونیکس، حاضر است تعدادی موشک به ما بفروشد؛ گویا در زمان شاه برای ما ساخته است و جای دیگر مصرف ندارد. موافقت من را می‌خواست. موافقت کردم. سلاح مهم اف ۱۴ها است؛ هم دقت

۱- طارق عزیز وزیر امور خارجه عراق در نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل متحد مدعی شد که ایران به بصره و سید صادق حمله کرده و این برخلاف توافق ۱۲ ژوئن درخصوص عدم حمله به مناطق مسکونی و غیر نظامی بوده است. ایران ادعای وزیر امور خارجه عراق را رد کرد و اعلام نمود مناطق مسکونی شهرهای ایران پس از توافق مذکور، چندین بار، مورد حمله توپخانه رژیم عراق قرار گرفته است. ایران همچنین موافقت خود را با استقرار هیأت بازرسی سازمان ملل در تهران اعلام کرد.

هدف‌گیری دارد و هم بُرد زیاد. [وزیر نفت] امیدوار است، در آینده وضع فروش نفت، عادی شود.

یکشنبه ۳ تیر ۱۳۶۳

صبح زود، یک کشتی سیصَد هزار تنی یونانی در اسکله آذرپاد خارک، مورد اصابت موشک عراقی‌ها واقع شده، آتش گرفته و یک اسکله را خراب کرده و خساراتی وارد آمده است. ساعت هشت‌ونیم صبح، آتش را خاموش کرده‌اند.[1]

پیش از شروع جلسه علنی مجلس، در مورد کیفیت بحث‌های اعتبارنامه‌ها، تذکراتی دادم. لزوم مراعات اخلاق، شرع، حفظ صمیمیّت، وحدت نمایندگان و توجه به پیام امام را یادآوری کردم. چند اعتبارنامه تصویب شد.

ظهر در دفترم، چند ملاقات با نمایندگان داشتم. بیشتر، مسائل شخصی و مشکلات وضع جدیدشان مطرح بود. عصر، در جلسه شورای حزب [جمهوری اسلامی] شرکت کردم. انتخاب مسئولان بعضی واحدهای حزب به جائی نرسید. افطار، مهمان آقای فخرالدین حجازی بودیم. رؤسای سه قوه و گروهی از وزراء و نمایندگان مجلس، بودند. آخر شب به مجلس رفتم. ساعت دو صبح، پاسدارها برای سحری بیدارم کردند. مسائل جبهه را بررسی کردم؛ وضعشان بد نیست. برای حمله جدید دارند، آماده می‌شوند. انتظار دارند با عملیات آینده، تلخی شرارت‌های بعثی‌ها در زدن شهرها و کشتی‌ها برود.

دوشنبه ۴ تیر ۱۳۶۳

تا ساعت شش صبح کار کردم و سپس تا ساعت هشت خوابیدم و بعد تا ساعت نه گزارشها را خواندم. تازه مهمی نیست. به دنبال زدن کشتی یونانی توسط عراقی‌ها در خارک، بیشتر نگرانی دنیا از تشدید بحران در خلیج فارس است. جلسه علنی مجلس [شورای اسلامی] ساعت نه شروع شد. قبل از دستور به نمایندگان تذکر دادم، زیاد جمله «مهاجرت بی‌رویه روستائیان به شهرها» را مطرح

۱- همزمان با برگزاری اجلاس رؤسای ستاد ارتش‌های سازمان همکاری خلیج فارس در ریاض، یک نفتکش به نام «اسکندر» متعلق به یک شرکت کشتیرانی یونانی، در حوالی ترمینال نفتی خارک، هدف یک فروند موشک قرارگرفت و دچار آتش سوزی شد.

نکنند که قبح آن از بین برود و به صورت یک واقعیت پذیرفته شده درآید. دولت و مجلس بهتر است به جای حرف، با برنامه‌ای مشکل روستاها را حل نمایند و شغل ایجاد کنند. اعتبارنامه‌های مورد اعتراض، در دستور بود.

ریاست جلسه را به آقای یزدی سپردم. به دفتر رئیس جمهور رفتم. در جلسه شورای اقتصاد [علاوه براعضای شورا] افراد دیگری نیز بود[ند]. برای رسیدگی به وضع ارزی و کیفیت برخورد با وضع موجود ـ با در نظر گرفتن وضع بحرانی خلیج فارس ـ کمیسیون پیشنهادی داده بود که براساس نصف ارز پیش‌بینی شده در بودجه، تصمیم‌گیری و تخصیص ارز شده است. مسلّماً ضربه سختی به تحرک اقتصادی و تولید می‌خورد و تورم، تشدید می‌شود. گفتم، احتمال کم شدن درآمد ارزی، ضعیف است و باید راه‌هائی پیدا کرد که میزان ارز کم نشود و با بحث‌های طولانی به همین نتیجه رسیدیم. قرار شد، ضمن آمادگی برای شرایط بحرانی، فعلاً [میزان ارز را] کم نکنیم. با کمی تفاوت با وضع گذشته، تصمیماتی اتخاذ شد.

پس از [پایان] جلسه با رئیس جمهور و نخست وزیر درباره ضرورت تسریع در تکمیل کابینه و هم درباره وضع جبهه‌ها و ستاد [مشترک] ارتش صحبت شد.

عصر، گروهی از نمایندگان جدید آمدند از وضع مسکن و حفاظت و کمی اطلاع از وضع سیاسی و [نبود] وسیله نقلیه شکایت داشتند. توضیحاتی دادم و هم تصمیماتی در مورد آنها اتخاذ شد. به سپاه اطلاع دادم که مسئولیت حفاظت را نگه دارد. قبلاً شورای تأمین تصویب کرده بود که [حفاظت نمایندگان را] به کمیته‌ها واگذار نماید. نماینده زاهدان هم از امام جمعه و استاندار و کمیته [انقلاب اسلامی] زاهدان، شکایت داشت. افطار به منزل آمدم. دکتر [حسن] روحانی آمد و گزارشی از امکانات لازم برای [جبهه‌های] جنگ داد.

سه شنبه ۵ تیر ۱۳۶۳

ساعت نه صبح، جلسه علنی مجلس [شورای اسلامی] آغاز شد. بیشتر وقت جلسه، صرف بررسی اعتبارنامه آقای [میرابوالفضل سیدریحانی] موسوی تبریزی شد ـ که به خاطر همکاری گذشته‌اش با آقای [آیت‌الله سیدکاظم] شریعتمداری مورد اعتراض قرار گرفته بود ـ ولی رأی خوبی آورد؛ ۲۰۶ نفر [رأی موافق] از ۲۱۸ نفر [حاضر در جلسه]. عصر، مصاحبه‌ای با روزنامه اطلاعات درباره حادثه هفت تیر و سپس مصاحبه مفصلی با خبرنگاران خارجی درباره مسائل

عمده جنگ و کشور و انقلاب انجام دادم.[1]

[سرهنگ ترابی] مسئول دفتر مشاورت امام آمد و گزارشی از وضع هواپیما ربایان و بازگشت مسافرین [هواپیمای ربوده شده] داد؛ آنها را بازجوئی کرده‌اند. مدعی بودند افسران مصری طرفدار انقلاب ایران بوده‌اند ولی فرانسوی‌ها برای وادارکردن این چهار نفر به تقاضای پناهندگی اصرار داشته‌اند و فراریها هم وابستگی سیاسی نداشته‌اند.

گزارشها را خواندم. یک هواپیمای مسافربری ما را از فضای جنوب [ایران] ربوده‌اند و در قطر به زمین نشسته [است][2] که وزارت خارجه در تلاش است نگذارد [هواپیمای ربوده شده] از قطر بیرون برود؛ برای فشار بر ایران از همه ابزارها استفاده می‌کنند؛ از جمله از ستون پنجم و عوامل داخلی‌شان و نیز زدن کشتی‌ها، هواپیماهای غیر نظامی و شهرها.

نزدیک افطار به منزل آمدم. احمد آقا آمد، اطلاع داد که آقای [محسن] رضائی، نامه‌ای به امام نوشته و خواسته‌اند که برای انجام عملیات بر آنها فشار وارد نشود تا بتوانند آماده شوند. تعجب کردم که خودشان، وقت [عملیات] تعیین می‌کنند و مرتباً عوض می‌کنند. این بار برعکس عملیات خیبر، ارتش، بیشتر از سپاه آمادگی دارد.

۱- در این مصاحبه پیرامون واقعه هفت تیر و شهادت آیت‌الله بهشتی و جمعی از اعضای حزب جمهوری اسلامی مطالبی مطرح شده است. در بخشی از مصاحبه آمده است: "علت درگیری میان جریان خط امام و جریان ضدانقلاب اسلامی این بود که ماها روی اسلام فقاهتی تکیه می‌کردیم و می‌گفتیم که مایه این انقلاب را باید مردم مسلمان و فکر اسلامی و هدف این انقلاب را تحقق پیدا کردن اسلام بدانیم اما آنها حاضر نبودند چنین مایه خالصی با چنین هدف خالصی را قبول بکنند." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۳، جلد چهارم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۲- دو نفر هواپیما ربا، خلبان هواپیمای ۷۲۷ هواپیمایی جمهوری اسلامی (هما) راکه ساعت یک بعدازظهر از تهران عازم بوشهر بود، مجبور کردند تا هواپیما را در کشور قطر فرود آورد. تعداد مسافرین و خدمه هواپیما ۱۳۸ نفر بودند. ربایندگان بعد از سوختگیری و آزادی کلیه مسافرین در قطر به سمت قاهره پرواز کردند و در فرودگاه این شهر بر زمین نشستند. از دولت مصر تقاضای پناهندگی سیاسی کردند ولی مصر با این تقاضا مخالفت کرد. این هواپیما در ساعت سه بامداد روز پنجشنبه هفتم تیر به تهران بازگشت. دولت عراق به ربایندگان هواپیما، پناهندگی سیاسی داد.

چهارشنبه ۶ تیر ۱۳۶۳

هیأت رئیسه مجلس [شورای اسلامی] جلسه داشت. بیشتر، بحث بر سر حقوق و امتیازات نمایندگان این دوره بود که در هر دوره باید از نو تعیین شود. به نظر رسید، مثل دوره گذشته باشد. چند ملاقات هم با نمایندگان داشتم که بیشتر درباره نیازهای حوزه انتخابیه خود و رفع مشکلات اختلافات در انتخابات، استمداد می‌کردند. در تبلیغات انتخاباتی، قولهائی به مردم داده‌اند که احساس می‌کنند از عهده انجام آن برنمی‌آیند.

عراقی‌ها، امروز یک کشتی سوئیسی حامل نفت ما را زده‌اند. شش نفر از کارکنان کشتی ـ که اسپانیائی بوده‌اند ـ کشته شده‌اند.[1] نخست وزیر اطلاع داد که [آقای محمد غرضی] وزیر نفت می‌گوید میزان خسارات اسکله خارک، چهار صد میلیون دلار است. گفتم رقم درست نیست، دوباره تحقیق کنید؛ بعداً گفت اشتباه کرده‌اند، چهار صد میلیون تومان است.

عصر، گروه سنجش افکار عمومی مجلس [شورای اسلامی] ـ که منحل شده‌اند ـ مراجعه نمودند. ملاقات و مصاحبه‌ای با خبرنگاران فرانسوی داشتم. به سئوالات فراوانی جواب دادم؛ به نظر رسید هدف عمده آنها، ارزیابی امکان اصلاح روابط ما با فرانسه است. سرهنگ ترابی [مسئول دفتر مشاورت امام در ارتش] آمد و گزارش‌هایی از ارتش داد.

قرار بود در ضیافت افطار خانواده‌های شهدا در مدرسه رفاه، شرکت کنم که پاسدارها موافق نبودند. در مجلس ماندم. با پاسدارها افطاری خوردیم. شب را در مجلس به استماع اخبار و خواندن گزارشها گذراندم. با صدای رادیو که تنظیم شده بود، بیدار شدم. هواپیمای ربوده شده ما، از مصر برگشت. مصری‌ها، دزدان هواپیما را به بغداد فرستاده‌اند؛ یکی از آنها از افسران تصفیه شده ژاندارمری است.

پنجشنبه ۷ تیر ۱۳۶۳

کارهای عقب افتاده را انجام دادم که بیشتر، خواندن گزارشهای رسیده از سایر ارگانها بود.

۱ـ هواپیماهای عراقی یک نفتکش لیبریایی موسوم به «تیبورون» را که با پرچم سوئد در حرکت بود، در ۱۰۰ کیلومتری جزیره خارک، هدف یک موشک اگزوست قرار دادند. در این حادثه چند خدمه نفتکش مجروح شدند. نفتکش تجاری «تیبورون» قبلاً «دی اسکات» نام داشته و پس از آنکه توسط یک شرکت سوئیسی از سوئد خریداری شد، تغییر نام داد.

گزارش مفصّلی از خریدهای نیروی زمینی خواندم ـ که چون احتمال سوء استفاده در آن می‌رفت ـ برای فرمانده نیروی زمینی و رئیس جمهور به منظور رسیدگی بیشتر، فرستادم.

مسئول جدید امور نقلیه مجلس آمد؛ به نظر می‌رسد برای آن کار مناسب است. آقای محسن رفیق‌دوست آمد؛ راجع به خریدها و صنایع اسلحه‌سازی سپاه مذاکره کردیم. گروهی از بازاریان، اعضای [هیأتهای] مؤتلفه [اسلامی] و دوستان همرزم قدیممان آمدند؛ به سیاست‌های اقتصادی دولت اعتراض داشتند و نگران نارضایتی مردم بودند. وزیر نیرو و معاونش آقای عرب‌زاده هم آمدند و راجع به طرح انتقال آب از کرخه و کارون به طلائیه صحبت کردند؛ با آنچه که آقای محسن رضائی گفت، تفاوت دارد و برای انجام طرح، زمان بیشتری می‌خواهند. انجام این طرح مشکلاتی خواهد داشت.

عصر، [آقای سیدمحمد اسباک] خلبان هواپیمای ربوده شده آمد و توضیحاتی [دربارهٔ ربوده شدن هواپیما] داد. بیشتر، از برخورد دوستانهٔ مسئولان قطری و مصری با دزدان هواپیما ناراحت بودند. آقایان موسوی اردبیلی، [سید کاظم موسوی]بجنوردی و حکیم آمدند. مقداری درباره وضع داخلی عراق از آقای حکیم [سخنگوی مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق] پرسیدم. مراسم بزرگداشت [شهدای] هفت تیر، در مقابل مجلس [شورای اسلامی] بود. برای مردم سخنرانی کردم.[1] افطار، خانواده‌های شهدا، مهمان مجلس بودند. شخصیتها هم [در این افطاری] بودند. با [آقای ناطق‌نوری] وزیر کشور هم ملاقاتی داشتم که از کمبود بودجه صحبت کرد. ساعت نه‌ونیم شب، به منزل آمدم.

۱- در این سخنرانی آمده است: "منافقین خود را آلوده به بدترین کارها کردند و با آن نوع تروریسم که در دنیا خودشان را بی‌آبرو کردند و در مقابل جمهوری اسلامی به صورت یک باند ضعیف در آمدند و در گرداب فلاکت در حال دست و پا زدن شدند. این نشانه قدرت شما و اسلام است که فرعونهای زمانهٔ عصر و جلادها و جاسوسان آمریکایی و اسرائیلی همه دست به دست هم می‌دهند. با یک حرکت تروریستی می‌خواهند به اصطلاح انقلاب را گمراه کنند. مبارزه استکبار جهانی با جمهوری اسلامی چیزی جز ضعف آنها نیست. اسلام دارای آن چنان قدرتی است که استکبار جهانی را وادارکرد تا تمام ادعاهای انسانی را زیر پا بگذارد و با هواپیماربائی‌اش به جنگ جمهوری اسلامی ایران بیاید." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" زیر نظر محسن هاشمی، دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

جمعه ۸ تیر ۱۳۶۳

تمام روز در منزل ماندم. نماز جمعه را آقای مهدوی کنی اقامه کردند. قرار بود آقای صیاد شیرازی بیاید، اما از اصفهان اطلاع داد که شب، دیر وقت به تهران خواهد رسید. ضمناً مانوری هم در منطقه گاوخونی اصفهان با هلی‌کوپترها و تکاوران داشتند که در عملیات آینده باید انجام شود. آقای خامنه‌ای رفته‌اند و این مانور را دیده‌اند و از آن راضی بودند.

عصر، احمد آقا آمد و از اینکه قرارمان درباره بکارگیری گارد محافظ در هواپیماها عملی نشده، اعتراض داشت و تأکید بر لزوم آن نمود. پس از اینکه هواپیماربائی آغاز شد، مقرر کردیم که در هواپیماها، نیروی محافظ باشد.

شنبه ۹ تیر ۱۳۶۳

آقای دکتر [حسن]روحانی با قرار قبلی آمد. گزارش کاملی از نتیجه بررسی امکانات، جهت جبهه داد و از آن راضی بود و گفت نسبتاً مؤثر و مطلوب است. آقایان خامنه‌ای و [محسن]رضائی و صیاد[شیرازی] آمدند؛ راجع به عملیات آینده ـ والفجر ۷و۸و۹ ـ صحبت کردیم. طرحهای عملیاتی و نیروها آماده‌اند و مهلت دیگری، برای تمرین و آمادگی بهتر خواستند که دادیم. تاکنون چند بار وقت عملیات تمدید شده و ناظران خارجی در تردیدند و علت عدم انجام حمله وسیع و نهائی را ـ که مدتها است فکر می‌کنند ما آماده آن هستیم ـ نمی‌توانند بفهمند و علت‌های نادرستی را برای تأخیر عملیات بیان می‌کنند.

عصر هم جلسه شورای سرپرستی [صداوسیما] بود. کار زیادی برای انجام دادن نداریم. بیشتر درباره سیاستها و اوضاع جاری بحث شد. گزارشی از وضع نیکاراگوئه دادند که قرار بود در آنجا مرکز رادیوئی تأسیس کنیم. ترجیح دادیم، فعلاً [در این باره] اقدام نکنیم؛ به خاطر آینده مبهم و مخارج فراوان ارزی که دارد. بنا شد برای تقویت کار صداوسیما از نیروهای آزاد شده از مجلس اول استفاده کنیم.

آیت‌الله [سیدابوالقاسم] خوئی [از مراجع تقلید مقیم نجف‌اشرف] اعلان کرده‌اند، امروز عید فطر است ولی مردم چون اکثراً تابع امامند و ایشان هنوز اعلان نکرده‌اند، روزه گرفتند؛ بعضی افراد در قم مدعی رؤیت هلال ماه شده‌اند و روزه را خورده‌اند.

با رئیس جمهور درباره دولت صحبت کردیم؛ به مناسبت تشکیل مجلس جدید و انتظاری که از

دولت در جامعه است. نظرشان این است که آقای مهندس [میرحسین]موسوی باید به کار خود ادامه دهند و تعویض نخست وزیر مصلحت نیست، ولی [آیت‌الله خامنه‌ای] با سیاست اقتصادی حاکم بر دولت، موافق نیستند.

یکشنبه ۱۰ تیر ۱۳۶۳

بعضی افراد که می‌خواستند در جلسه دیدار امام شرکت کنند و کارت ملاقات نداشتند، به اسم منزل ما، از موانع [بازرسی] عبور می‌کردند. در روزهای ملاقات امام، چنین مواردی داریم. به حسینیه جماران رفتم، تقریباً همه شخصیتها و سران ارگانها بودند. اول، طبق معمول آقای رئیس جمهور صحبت کردند و [عید فطر را] تبریک گفتند. سپس امام به مناسبت عید فطر و ... صحبت فرمودند.[1] از زیرزمین حسینیه، پنجره‌ای به حیاط ما باز می‌شود که معمولاً در این گونه جلسات، برای فرار از ازدحام حضّار، از آن راه وارد خانه می‌شوم.

آقایان [مسیح] مهاجری و [سید محمدرضا] بهشتی [از حزب جمهوری اسلامی] آمدند. درباره اختلافات دو جریان [سیاسی] در حزب و جامعه و مجلس صحبت شد. گفتند، طبق توصیه من، کوتاه آمده‌اند ولی هنوز از طرف مقابل، عکس‌العمل مناسبی ندیده‌اند. گفتم باید دولت آقای موسوی مواظب باشد و آنها را جذب کند. فعلاً اکثر آنها از کارهای اجرائی حذف شده‌اند و طبیعی است که مخالف باشند و برخورد خوبی نداشته باشند.

شب، احمد آقا تلفنی گفت، امام از رادیو اسرائیل شنیده‌اند که عراق ادعا کرده، شش کشتی و یک هواپیمای ایران را زده است؛ امام معمولاً رادیوهای بیگانه را گوش می‌دهند. امروز، کاروان کشتی‌ها را در بندر ماهشهر داشته‌ایم. [به احمدآقا] گفتم یک کشتی غرق شده، یکی آسیب دیده و

۱- در این دیدار حضرت امام(ره) فرمود: "حکومتهای منطقه به جنگ دامن می‌زنند، ولی نمی‌دانند که توسعه جنگ، خانه خرابی آنهاست. آنکه با یک زندگی متوسط ساخته است از جنگ نمی‌ترسد، آنهایی که دارای کاخها و فساد هستند باید بترسند، ما مهیا هستیم برای اینکه دنبال رفع ظلم برویم. باز به کشورهای منطقه نصیحت می‌کنیم که دست از صدام بردارند. و خودشان را مبتلا نکنند به آن چیزی که نباید مبتلا شوند. سازش با ظالم، ظلم برمظلومین است. سازش با ابرقدرتها ظلم بر بشر است. آنهائی که به ما می‌گویند سازش کنید، آنها یا جاهل هستند یا مزدور". رجوع کنید ← صحیفه نور، جلد هفتم، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.

سه کشتی به گِل نشسته است. عصر، تلویزیون تماشا می‌کردم؛ تئاتری در مورد «صید شدن صیاد» داشت که به نظرم آمد، هنرمندان رندی کرده‌اند؛ باید رسیدگی شود.

دوشنبه ۱۱ تیر ۱۳۶۳

امروز هم تمام وقت در منزل بودم. با مجلس تماس گرفتم و دستور هفتگی را بررسی کردم. [سرهنگ مصطفی ترابی] مسئول دفتر مشاورت امام تماس گرفت و برای رفتن به جنوب، برای همکاری در مقابله به مثل اجازه خواست و کیفیت رفت و برگشت کاروان کشتی‌ها به بندر امام را گزارش داد.

عصر، مهندس غرضی و معاونش آقای هنردوست آمدند که من را قانع کنند تا جلوی انجام معاملات تهاتری [= پایاپای] نفت را بگیرم. به این نتیجه رسیدیم که اگر به طور متوسط روزانه در ماه دو میلیون‌وپانصد هزار بشکه نفت بفروشند، جلوی تهاتر را می‌گیریم. به آقای صیاد [شیرازی] تلفن کردم که آقای [محسن]رضائی را برای انجام عملیات قانع کند؛ به نظرم [سپاه] آمادگی ندارد.

سه شنبه ۱۲ تیر ۱۳۶۳

گزارشها، تازه مهمّی نداشت. جلسه علنی مجلس داشتیم. چند اعتبارنامه تصویب شد و چند انتخاب داشتیم.[1] آراء نسبتاً معتدل است. دو فوریت طرح اصلاح قانون انتخابات، برای یک مرحله‌ای شدن انتخابات، تصویب شد.

عصر، آقای حمید بهرامی [سفیر ایران]از لاهه آمده بود. این روزها دادگاه لاهه تعطیل است. آقای نخست وزیر تصمیم گرفته است، آقایان [سید محمود]کاشانی و [شفیع] شفیعی، دو داور خودمان را عوض کند. آقای نوری نماینده امام در کویت و دو نفر استاد دانشگاه کویت که طرفدار انقلاب ایرانند، آمدند و از وضع کویت گفتند. مدعی بودند، جوّ دانشجوئی کویت، اسلامی است ولی نه شیعی و نه انقلابی. جوّ سیاسی استادان، غربی است و فلسطینی‌های کویت، اکثراً طرفدار

۱- در این جلسه، اعتبارنامهٔ ۴ تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی تصویب شد. همچنین در این جلسه نمایندگان مجلس در هیأت سه نفری اجرای تبصرهٔ ۶۶ قانون بودجه، هیأت نظارت بر اندوخته اسکناس، اجرای قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران و صداوسیمای جمهوری اسلامی انتخاب شدند.

ایرانند. برای جبهه، کمک قابل توجهی هم آورده بودند.[۱]

آقای [علی]فلاحیان از کمیته انقلاب [اسلامی] آمد و گزارشی از ساختن پاسگاه و راه‌های مرزی داد و از کمی بودجه، ناراحت بودند. راجع به مسئولیت حفاظت هم صحبت کردند که اخیراً شورای تأمین [این مسئولیت را] از سپاه گرفته و به عهده کمیته گذاشته است و من نظرم این است که به سپاه برگردد.

آقای [محمد]سلامتی وزیر سابق کشاورزی آمد و راجع به تأسیس حزب جدیدی از طرفداران محرومان و رادیکال‌ها، مشورت می‌کرد. گفتم حداکثر مثل جناح چپ مجاهدین انقلاب اسلامی خواهد شد. کارهای اداری را انجام دادم و اول شب به منزل آمدم.

چهارشنبه ۱۳ تیر ۱۳۶۳

پیش از ظهر در منزل مشغول مطالعه و یادداشت و نوشتن خطبه عربی نماز جمعه بودم. احمد آقا هم آمد و در مورد جنگ و... صحبت کردیم. بچه‌ها در حیاط منزل، مسابقه تیراندازی با تفنگ بادی داشتند. من و احمد آقا هم [در این مسابقه] شرکت کردیم.

عصر، هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت. بیشتر بحث درباره حقوق و مزایای نمایندگان دوره جدید بود؛ تقریباً همان وضع سابق تثبیت شد. مهندس [ابولقاسم] آشوری مسئول دفتر فنی مجلس، توضیحاتی درباره طرحهای ساختمان تالار پارلمان جدید داد که از سال ۱۳۳۶ هـ ش در دست رژیم گذشته بوده و بالاخره قرار شده است، طرح به مسابقه گذاشته شود.

شب، رؤسای سه قوه، در مجلس مهمان من بودند. درباره انتخاب سه وزیر کابینه اطلاعات و مسکن و دادگستری توافق شد. درباره کیفیت عمل در مقابل فرانسه ـ به خاطر دشمنی‌هایش ـ در یک مورد توافق شد. برای اقدامی وسیع، جهت ساختن مسکن از طریق تأسیس کارخانه‌های ساخت قطعات پیش ساخته، با امکانات بنیاد مستضعفان، تصمیم‌گیری شد؛ قرار شد، من پیگیری کنم. در مورد مسائل جنگ و [بحران] خلیج فارس و زدن کشتیها و حرکت به سوی آتش‌بس در خلیج فارس هم بحث شد. شب را در مجلس خوابیدم.

۱- حجت‌الاسلام نوری کمک‌های مردم منطقه خلیج فارس به جبهه‌های جنگ شامل ۱۰ هزار یال سعودی، ۵ هزار دلار آمریکایی و ۵ میلیون تومان ایرانی را تقدیم کرد و آقای هاشمی نیز از کمک‌های بی‌دریغ آنها قدردانی نمود.

پنجشنبه ۱۴ تیر ۱۳۶۳

در جلسه علنی مجلس، لایحه انتخابات اصلاح شد و حد نصاب اکثریت مطلق در مرحله اول، به اکثریت یک سوم تبدیل شد. ظهر، آقای [اسماعیل]فدائی نماینده اراک آمد. از برخورد امام جمعه اراک [با او]گله داشت. [آقای امام موسوی] نماینده شوشتر هم آمد و پیشنهاد قطع شعار مرگ بر آمریکا و شوروی را می‌داد. گفتم به طور اصولی تصمیم گرفته‌ایم، امام هم موافقت کرده‌اند ولی منتظر فرصت هستیم.

[آقای احمدی] نماینده سنقر هم آمد و در مورد [چگونگی] رفتار با علی‌اللهی‌های قریه جیحون سنقر سؤال کرد و از حرکت‌های باندبازی بعضی از نمایندگان در مجلس گله داشت.

عصر، آقای [علی] شمخانی آمد، گزارشی از نحوه برخورد با کشورهائی که با هواپیماربایان ایران همکاری کرده‌اند، داد که جالب است. درباره حفاظت بحث شد و برای تقویت فرماندهی سپاه و محدود کردن اختیارات نمایندگان امام، نظری داد. [مهندس نیلی] وزیر معادن [و فلزات] با معاونانش آمدند؛ توضیحاتی درباره زمین شناسی اکتشاف معادن و کمبود بودجه مس سرچشمه دادند.

آقای مهندس محمد غرضی با کارشناسان نفت به منظور توجیه علت محدودیت تولید نفت آمدند؛ با ارائه آماری مدعی شدند که استخراج نفت بیش از یک میلیون و نیم بشکه در روز، قبل از تزریق گاز مناسب به چاه خسارت دارد و من سیاست کشور را برایشان توضیح دادم.

[آقای الکساندر مارتینز] وزیر تجارت کشور نیکاراگوئه به ملاقات آمد. بیشتر روی کمک ایران [به نیکاراگوئه] بحث شد؛[1] وضعشان خیلی بد است. فشارهای آمریکا و فقر، دارد از پا

۱- در این دیدار، آقای مارتینز وزیر تجارت نیکاراگوئه، ضمن ابلاغ پیام تبریک به آقای هاشمی رفسنجانی به مناسبت انتخاب مجدد ایشان به ریاست مجلس شورای اسلامی، از حضور خود در جمهوری اسلامی ایران ابراز خوشحالی کرد. وی گفت: "ملت نیکاراگوئه خود را درکنار ملت ایران می‌داند. ما نیز همانند شما با آمریکای متجاوز در جنگ هستیم. بی‌شک مقاومت و رشادت ملتهاست که می‌تواند توطئه متجاوزین را خنثی نماید." آقای هاشمی رفسنجانی در پاسخ گفت: "ما در این دوره به وضوح دیدیم آنچه را قبلاً فکر می‌کردیم که استکبار همه اصول خود را زیرپا می‌گذارد. در سواحل شما که منطقه جنگی اعلام نشده بود، جنگ ایجاد کرده و سعی کرد انقلاب شما را متزلزل کند و همچنین سعی کرد خلیج فارس را با کمک فرانسه و دیگران ناامن کند. آن چنان آشوبی در منطقه ایجاد کردند که شما دیدید. یکی از کارهای مهم ما و شما باید افشای ماهیت آنان باشد."

درشان می‌آورد. شب به منزل آمدم. [آیت‌الله خامنه‌ای] رئیس جمهور اطلاع دادند که امروز یک کشتی لیبریائی با خدمه ژاپنی ـ که از عربستان نفت گرفته بوده ـ دچار حادثه جدی شده است.

جمعه ۱۵ تیر ۱۳۶۳

تا ساعت ده‌ونیم صبح، در منزل مطالعه می‌کردم. برای [اقامه] نماز جمعه، به دانشگاه تهران رفتم.[۱] خطبه‌ای در مظالم سفید پوستهای غربی نسبت به آفریقا و خطبه‌ای در مورد مسائل روز ایراد کردم.

دکتر [حسن] روحانی آمد و گزارش آزمایش جدید امکانات وزارت نفت را داد که به طور ناقص انجام شده است. بازدید از طرح «سلمان» انتقال آب کرخه و کارون را توضیح داد که در موعد مورد لزوم به نتیجه نمی‌رسد. نظر فرماندهان سپاه مبنی برمخالفت با طرح ظفر را گفت. بقیهٔ عصر امروز، به مطالعه و شنا و شب نیز با تماشای برنامه‌های تلویزیون گذشت.

شنبه ۱۶ تیر ۱۳۶۳

تمام روز را در منزل بودم. بیشتر وقتم را به مطالعه پرداختم. با دفترم و بنیاد مستضعفان تماس گرفتم و راجع به بررسی پیشنهاد تأسیس کارخانه‌های [تولید] مسکن پیش ساخته صحبت کردم. آقای [محسن] رفیق‌دوست برای ملاقات با فرستاده آقای [یاسر] عرفات [رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین ـ ساف] وقت خواست. گفتم چون مطالب نامهٔ آقای عرفات، با اظهارات پیک ایشان،

۱- ایشان در خطبه اول نماز جمعه به بررسی و تحلیل تبعیض نژادی در جهان، تاریخچه برده‌داری، شرحی برخصوصیات قاره آفریقا از نظر اوضاع فرهنگی و اقتصادی و به نمونه‌ای از رعایت کرامت انسانی درصدر اسلام پرداخت. در خطبه دوم نیز مسایل مربوط به بحران خلیج فارس و آخرین وضعیت جبهه و جنگ مورد بحث قرارگرفت. در بخشی از خطبه دوم آمده است: "ایران در خلیج فارس، سیاستش حفظ امنیت خلیج فارس است. اما در مقابل هم نخواهیم گذاشت که مثلاً فلان کشور غربی یا شرقی بتواند از عربستان نفت ببرد، ولی از خارک نبرد. نه اینطور نیست. صدام روی زمین به ما حمله کرد و در روی زمین باید جوابش را بدهد و ما هم روی زمین، صدام و حزب بعث را مستأصل می‌کنیم و ما هم این مسیر را طی می‌کنیم. هر وقت مصلحت جامعه، انقلاب و ملت عراق اقتضا کند و رهبری دستور دهد، نیروهای ما در جبهه برای جنگ حاضرند و به وظیفه خود عمل خواهند کرد". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های نماز جمعه، سال ۱۳۶۳، جلد هفتم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۷۵.

متناقض است، ملاقات نمی‌کنم؛ با سلامت و صداقت برخورد نمی‌کنند. در مذاکرات شفاهی، صدام و رؤسای مرتجع عرب را محکوم می‌کنند ولی در نامه، به طور مساوی با ما و آنها برخورد می‌کند.

شورای سرپرستی [صداوسیما] جلسه داشت. راجع به تئاتر صیّاد که در روز عید فطر پخش شد، بحث کردیم که چپی‌ها شیطنت کرده‌اند و نامه [آقای سیداسدالله لاجوردی] دادستان انقلاب [تهران مطرح شد] که حدود پنجاه نفر ازکارکنان صداوسیما را عضو و یا هوادار حزب توده معرفی کرده بود. قرار شد به هر دو موضوع رسیدگی شود.

عصر، آقای صالحی دادیار کمیته [انقلاب اسلامی] آمد و از اعمال نفوذ بیت [رهبری] و شورای عالی قضائی علیه خودش، به خاطر تعقیب بعضی از افراد متهم، گله داشت. بچه‌ها امروز بیرون رفته بودند و عفت، اظهار دلتنگی می‌کرد.

یکشنبه ۱۷ تیر ۱۳۶۳

جلسه علنی مجلس، اختصاص به اعتبارنامه‌ها داشت. اعتبارنامه [آقای سیدفرج الله افرازیده] نماینده نوشهر، نخست مورد اعتراض قرار گرفت؛ بیشتر به خاطر یک سخنرانی ایشان در زمان طاغوت. چون خوب دفاع کرد، [اعتبارنامه‌اش] تصویب شد. مخالفان، بیشتر به خاطر آقای الله بدشتی، رقیب ایشان، اصرار [بر رد اعتبارنامه او] داشتند. قبل از جلسه و هنگام تنفس و بین جلسه، طبق معمول مراجعات نمایندگان زیاد بود.

ظهر، آقای علی هاشمی مسئول تدارکات جهاد از رشت آمد و هدایائی برای جنگ آورد و از لزوم توجه بیشتر به مرزمان در آستارا و توجه به مرداب انزلی و از عدم فشار به کشاورزان، با ایجاد محدودیت در فروش محصولات گفت.

با آقای خامنه‌ای، درباره شکستن دیوار صوتی [شهر] بغداد مذاکره کردیم و به خاطر احتمال خطر بیش از ۵۰ درصد [برای هواپیماهای جنگی ایران] منصرِف شدیم.[1] [آقای طباطبایی] مسئول بنیاد مستضعفان با مهندس فرشچیان آمدند و راجع به حرکت وسیع خانه‌سازی و استفاده از

۱- یک فروند هواپیمای جنگی ارتش بعث عراق در بعدازظهر روز ۶ تیر ۱۳۶۳ پس از تجاوز به حریم فضایی کشور، دیوار صوتی تهران را شکست و سپس متواری شد.

کارخانه‌های پیش ساخته، بحث شد و تصمیماتی اتخاذ گردید. [سیدحسن شجاعی] نماینده ساری هم مطالب داشت. عصر، هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت؛ بیشتر درباره کارهای جاری مجلس [بود].

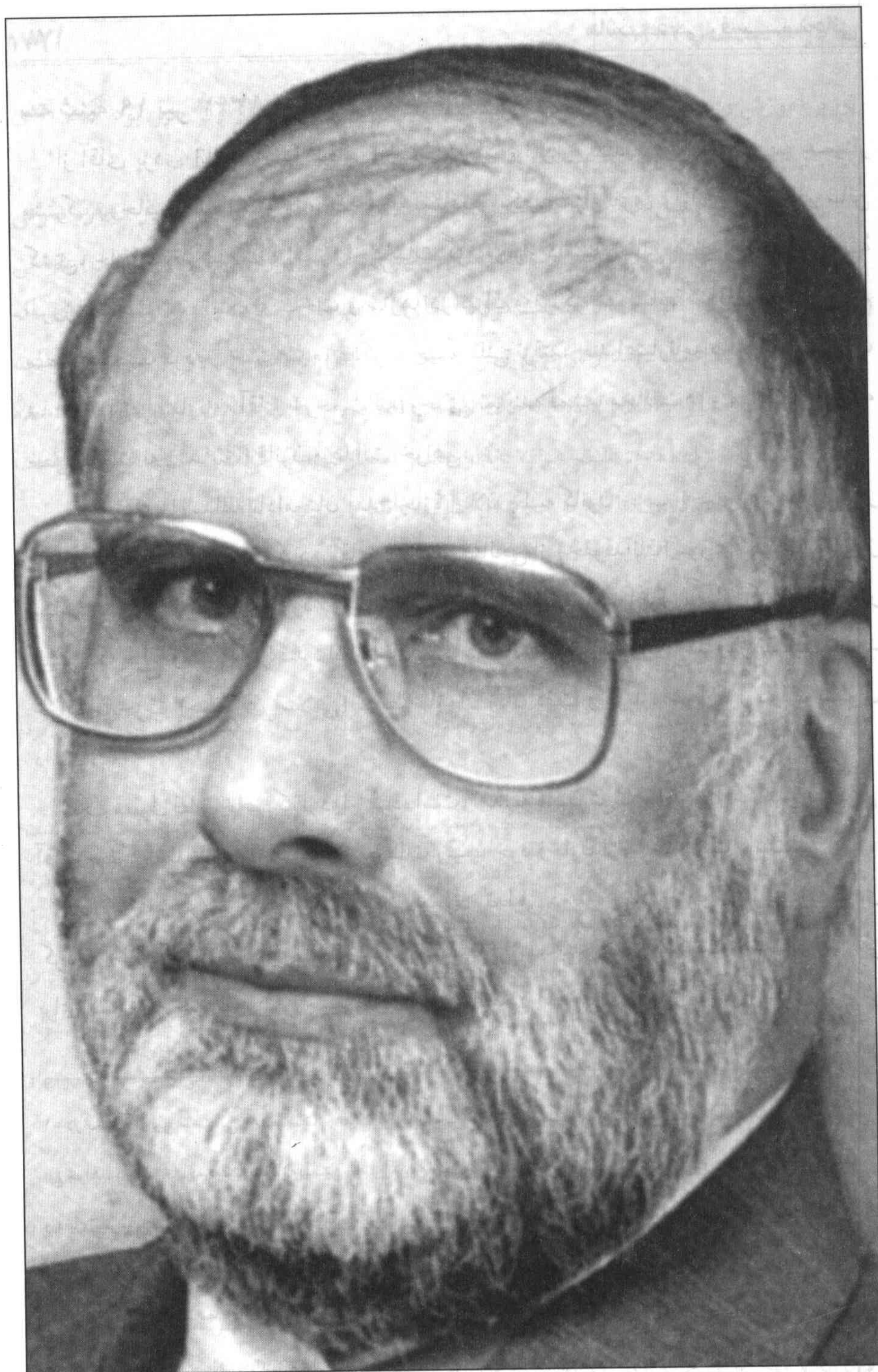
سرانجام هیأت رئیسه [مجلس] خبرگان جلسه داشت. برای جلسات اجلاسیه دوم، برنامه‌ریزی کردیم. شام را در دفتر من صرف کردند و دیر وقت به خانه آمدم. آقای دکتر [حسن] روحانی از مسامحه سپاه، در طرح استفاده از امکانات وزارت نفت، گله داشت که با آقای [محسن]رضائی تماس گرفتم و بازخواست کردم. شب، اطلاع داد که قصور از طرف سپاه نبوده است.

دوشنبه ۱۸ تیر ۱۳۶۳

صبح زود با نخست وزیر درباره معرفی وزرای کابینه مذاکره کردم. ایشان به دلیل اختلاف سلیقه با رئیس جمهور، درصدد است که از وضع جدید مجلس، برای حل مشکل ریشه‌ای استفاده کند و کار را یکسره کند و تکلیف موارد اختلاف نخست وزیر و رئیس جمهور در مورد افراد را در صورت عدم توافق روی فردی روشن نماید. به ایشان گفتم الان موقع این کار نیست و تأکید کردم که روی مسئله، زیاد اصرار نورزد؛ فعلاً که برای سه وزیر توافق شده و در آینده هم ممکن است [برای وزرای دیگر توافق شود]. ولی ایشان در فکر رأی اعتماد، برای کل دولت است که به زودی ممکن است پیش بیاید؛ از بعضی وزرای موجود راضی نیست.

برای اقامه نماز جمعه جانشین پیدا نشد، به ناچار باید خودم بخوانم. جلسه مشترک هیأت رئیسه مجلس و رؤسای شعب داشتیم. تعداد اعضای کمیسیونها را تعیین کردیم. آقای [دکتر حسن]حبیبی - که نامزد وزارت دادگستری شده است - آمد و مشورت نمود؛ قول حمایت دادم. آقای [محسن] کنگرلو آمد. درباره فعالیت‌های مرکزیت ضدانقلاب مذاکره شد. با احمد آقا برای وقت ملاقات اعضای مجلس خبرگان و ملاقات‌های نمایندگان با امام مذاکره کردم.

با دکتر [حسن]روحانی و محسن رضائی درباره مقدمات کار عملیات آینده، مذاکره کردم. با نخست وزیر و [آقای عباسعلی زالی] وزیر کشاورزی و [آقای حسن غفوری‌فرد] وزیر نیرو درباره طرح سلمان برای انتقال آب کرخه و کارون [مذاکره کردم]. شب در منزل، فیلم «دلیران تنگستان» را [از تلویزیون] تماشا کردم.



حسن ابراهیم حبیبی

سه شنبه ۱۹ تیر ۱۳۶۳

از آقای یزدی [نایب رئیس مجلس] خواستم جلسه را اداره کنند. برای سخنرانی به سمینار مشترک روحانیون، ناظران و مدیران حج به استادیوم یکصد هزار نفری [آزادی] رفتم. در سالن کشتی، جلسات تشکیل شده است؛ احساسات گرمی ابراز داشتند. سالن عظیمی است. روحیهٔ امروزی باعث شده اینگونه ساخت و سازها در تهران و مراکز شهرستانها متوقف شود. من هم مفصلاً صحبت کردم.[1] خسته شدم، دیگر به جلسه علنی نرفتم. چند اعتبارنامه در مجلس تصویب شد؛ در مورد اعتبارنامه آقای [رحمت‌الله] رحمتی نماینده قمشه، مخالفت‌ها و موافقت‌ها، جنبه خطی داشت نه [رعایت] قانون و عدالت خواهی.

ظهر، آقای [اسدالله]بادامچیان آمد. اجازهٔ اعلان جلسه کانون حزب [جمهوری اسلامی] در مجلس را خواست؛ موافقت کردم. آقای [محمد] صالحی از [حقوقدانان] شورای نگهبان آمد و از سیاست شورای نگهبان در مورد دولت که به تضعیف آن می‌انجامد، اظهار نگرانی کرد و برای کار بیشتر ـ که فراغ وقتش را پر کند ـ ابراز آمادگی کرد. خانم [مریم] بهروزی آمد و از تضعیف واحد خواهران حزب [جمهوری اسلامی] توسط سازمان زنان گفت و درباره حجاب و دولت سئوال داشت.

یک معلول قطع نخاعی که ازدواج کرده است، آمد. به همسرش به خاطر ایثارش هدیه‌ای دادم.
آقای صفری نماینده دماوند آمد؛ از حرکات رقیب خود و طرفدارانش شکایت داشت.

عصر، آقای کریمی‌نوری آمد و مطابق معمول، تحلیلی درباره جنگ و دولت ارائه داد؛ نقادی کردم. [حجت‌الاسلام انواری]امام جمعه بیجار آمد؛ از نماینده بیجار شکایت داشت و هدایائی برای کمک به جبهه آورد.[2] [جمعی از اعضای] انجمن اسلامی معلمین آمدند. از آقای پرورش

۱- در بخشی از این سخنرانی آمده است: "هدف ایران تسخیر خانه خدا نیست. ما می‌خواهیم کعبه تحت نفوذ آمریکا نباشد. ما می‌خواهیم، خانه خدا به دست بندگان راستین خدا باشد. ما نمی‌خواهیم به خانه خدا تجاوز کنیم. امروز مدیریت انگلیس، آمریکا و دنیای غرب بیش از سلطه مردم منطقه برکعبه است. حجاج در عربستان بگویند که ما متجاوز نبودیم. در خلیج فارس دخالت نکردیم. تخریب نکردیم. جنگ را شروع نکردیم و از بمب شیمیایی استفاده نکردیم. ما خواهان رهایی و آزادی واقعی مردم منطقه‌ایم." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۲- در این دیدار حجت‌الاسلام انواری، مشکلات منطقه و ایثارگریها و اخلاص مردم منطقه را تشریح کرد. او همچنین کمکهای

[وزیر آموزش و پرورش] شاکی بودند و پیشنهاد تغییر وزیر را داشتند؛ از اول چنین بود. گفتم آقای پرورش، خودشان می‌خواهند استعفاء بدهند؛ فرد مناسبی پیدا نشده است.

به [آقای میرحسین موسوی] نخست وزیر و [آیت‌الله خامنه‌ای]رئیس جمهور دربارهٔ معرفی وزرای جدید، تأکید کردم. [ناخدا یکم اسفندیار حسینی] فرمانده نیروی دریائی و [مسئول] عقیدتی سیاسی آمدند. برای آنها مفصلاً صحبت کردم.[1] آقای ناصربرواری نماینده کرد پارلمان عراق ـ که در ایران پناهنده است ـ آمد و از کمی تحرک مجلس اعلای انقلاب [اسلامی] عراق شکایت داشت. رئیس جمهور، اطلاع دادند که یک نفتکش انگلیسی [به نام بریتیش رینون] حادثه دیده است.[2] شب به منزل آمدم. عفت هم به دیدار همسر امام رفته بود. می‌گفت چشم ایشان ناراحت است و توصیه شده برای معالجه به خارج از کشور بروند.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

اهدائی مردم منطقه شامل چکی به مبلغ پنج میلیون ریال و مقداری طلا را تقدیم کرد. آقای هاشمی نیز از ایثارگری‌های مردم منطقه قدردانی و تشکر کرد.

۱- در بخشی از این سخنرانی آمده است: "بدون شک، امروز منطقه قلمرو نیروی دریایی از حساس‌ترین مناطق کشور است؛ چراکه گلوگاه تنفس اقتصادی ماست. از همین نظر دشمنان ما سخت برای ناامن کردن و حضور داشتن در آنجا برنامه‌ریزی کرده بودند. غربی‌ها درگذشته خود، را مالک آنجا می‌دانستند و هرگز به فکرشان خطور نمی‌کرد که این منطقه، روزی از اختیار آنان خارج شود ولی هم اکنون با حسرت تمام به آن نگاه می‌کنند. همه باید بدانند که اگر خلیج فارس امن نباشد، کل منطقه ناامن خواهد شد. مسئولان و پرسنل نیروی دریایی که رزمندگان سلحشور اسلام در دریا هستند، بدانند که ارزش کار آنها و موفقیت آنان بسیار بالا است و جز خداوند کسی نمی‌تواند اجر واقعی آنان را بپردازد." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۲- این کشتی متعلق به شرکت بریتیش پترولیوم، هنگام عزیمت برای بارگیری از یک نفتکش آسیب دیده در خلیج فارس، هدف اصابت دو موشک از یک هواپیمای جنگی شده بود. در اثر اصابت موشک آتش‌سوزی جزیی در نفتکش روی داد که خدمه آن را خاموش کردند. در پی این حمله هوایی، ریچارد لوس معاون وزارت امور خارجه انگلیس به مجلس عوام این کشور اطلاع داد که شواهد موجود نشان می‌دهد، ایران مسئول حمله مزبور بوده است. وزارت امور خارجه انگلیس به نماینده سیاسی ایران در لندن در این مورد اعتراض کرد و به نماینده انگلیس در تهران، دستور داده شد درا ین خصوص به دولت ایران اعتراض کند.

چهارشنبه ۲۰ تیر ۱۳۶۳

تا عصر در منزل در حال استراحت و مطالعه بودم. چون نماز جمعه این هفته را قرار شد که آقای امامی[کاشانی] بخواند، فراغتی پیش آمد؛ معمولاً در هر ماه، دو هفته من و یک هفته آقای خامنه‌ای و یک هفته، یکی از سه نفر آقایان مهدوی کنی، موسوی اردبیلی و امامی‌کاشانی نماز جمعه را اقامه می‌کنیم؛ تدبیر امر با من است.

عصر به مجلس رفتم. آقای [سرتیپ قاسمعلی] ظهیرنژاد و دو نفر از رؤسای ادارات ستاد [مشترک ارتش جمهوری اسلامی] آمدند و از طرح انتزاع اداره حسابداری [ارتش] از ستاد، ناراحت بودند. وزارت دفاع با آنها طرف است. آقای مهدیان آمد و پیرو قولی که برای رفتن به منزل آقای [محمدتقی]فلسفی [واعظ مشهور]، داده بودم، وقت معین کردیم که روز دوشنبه برویم و شام، مهمان باشیم. آقای [شهاب]گنابادی، وزیر سابق مسکن آمد و گفت که قاضی شرع شهرداری تهران زمین‌های دولت را به قیمت روز، سی میلیارد تومان ـ بدون مراعات قانون ـ به مردم واگذار کرده است.

چند نفر از مخترعان از [سازمان]پژوهشهای علمی آمدند و دربارهٔ ساخت موشک بالستیک و ترمز [هواپیمای] اف ۱۴ و سایر فعالیتهایشان توضیحاتی دادند و از عدم توجه کافی به نیازهایشان گله داشتند و خواهان توجه بیشتر بودند.

کمیته عراق و [آقای سید محمود هاشمی شاهرودی] رئیس مجلس اعلای انقلاب [اسلامی] عراق آمدند.[1] گزارشی از تعداد مهاجران عراقی، تعداد داوطلبان جهاد، وضع مالی، وضع مجلس و برنامه‌های آینده دادند؛ تعداد داوطلبان زیاد نیستند. با اینکه حدود چهار صد هزار نفر آواره عراقی است اما نیروهای بسیجی آنها در حدود سه الی چهار هزار نفر هستند.

۱ـ کمیته عراق مرکب از آقایان سید محمد خاتمی، محمد علی هادی نجف‌آبادی و صباح زنگنه امور مربوط به تحولات داخلی عراق را پیگیری می‌کردند. آقای سید محمود هاشمی شاهرودی رئیس مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق در این دیدار، گزارشی کامل از فعالیتهای این مجلس در دورهٔ چهارم خود و ایجاد تشکیلات درونی در داخل عراق و وضع نیروهای بسیج مجلس اعلا و مشارکت آنها در جبهه‌ها که تا این تاریخ حدود ۵۰ شهید و ۲۰۰ مجروح تقدیم انقلاب اسلامی کرده‌اند، همچنین گزارشی از وضع بسیج کردهای عراق که در جبهه‌های شمال و غرب دوش به دوش رزمندگان اسلام مشغول نبرد هستند و بسیج کردهای عراق درون خاک عراق ارائه کرد.



آیت اله شهید سید محمد باقر حکیم و آیت اله سید محمود هاشمی شاهرودی

شب، با سران قوا مهمان آقای [موسوی]اردبیلی [رئیس دیوان عالی کشور] بودیم. درباره شهریه گرفتن از دانشجویان متمکن دانشگاه آزاد اسلامی، مشورت و پذیرفته شد. آقای [موسوی]اردبیلی خبر محدود کردن اختیارات آقای [اسدالله]لاجوردی [دادستان انقلاب تهران] در امور زندان‌ها را داد. درباره جنگ و سیاست خارجی و دولت هم بحث و اتخاذ تصمیم شد.

در جلسات شبهای پنجشنبه که معمولاً من، آقایان خامنه‌ای، میرحسین موسوی و [موسوی]اردبیلی و احمد آقا شرکت می‌کنیم، تصمیمات خوبی می‌گیریم و هماهنگی به وجود می‌آید. بحث عمده این جلسه، راجع به تعیین سرنوشت نهائی بنیاد مستضعفان بود که قرار شد، بعضی از واحدها را بفروشند و یا به دیگران واگذار کنیم و واحدهای مهم را نگهداریم. قرار شد، نخست وزیر طرح را آماده کنند. به خاطر کارهای زیاد دانشگاه آزاد اسلامی که وقت زیادی از جلسه [سران قوا] را به عنوان هیأت مؤسس می‌گیرد، هیأت موسس، اختیارات خود را به من تفویض کرد که شخصاً تصمیم بگیرم و در موارد مهم و مبهم مشورت کنم. شب، برای خواب به مجلس رفتم.

پنجشنبه ۲۱ تیر ۱۳۶۳

آقای [محمدعلی]هادی [نجف‌آبادی] آمد و از انتخابات شیراز اظهار نگرانی کرد. از من می‌خواست که از آقای [رسول]منتجب‌نیا حمایت کنم. آقای [حاتم] ناروئی وکیل بم هم آمد و از اینکه صداوسیمای کرمان، خبر نماز جمعه بم را نمی‌گوید، ناراحت بود. گفتم علت را توضیح بخواهند؛ معلوم شد، امام جمعه کرمان به عنوان نماینده امام در استان گفته است [که پخش نشود].

آقای امامی کاشانی آمد و گفت که در جبهه، آقایان رحیم صفوی و [محسن]رضائی به ایشان گفته‌اند، از بالا برای [انجام] عملیات فشار می‌آورند و آنها صلاح نمی‌دانند؛ گفتم طرح [عملیات] از ارتش است. می‌خواست از آقای [میرحسین]موسوی بخواهم که بیاید و از مجلس رأی اعتماد بگیرد؛ ممکن است شورای نگهبان در تفسیر اصل ۱۳۵ قانون اساسی بگوید با مجلس جدید، دولت باید رأی اعتماد مجدد بگیرد و من گفتم شورای نگهبان، جوری عمل نکند که به نظر برسد، نظراتش تحت تأثیر مخالفت با شخص نخست وزیر شکل می‌گیرد. در ضمن گفت [آقای اسدالله لاجوردی] دادستان [انقلاب] تهران گفته است که از نخست وزیری به فرماندار بهشهر فشار می‌آورند که شکایت خود علیه آقای امامی را تعقیب کند.

تعداد ۱۵۰۰ نفر از عشایر کُرد و بلوچ و عرب و ترکمن و بختیاری آمده بودند؛ برایشان صحبت کردم.[1] نزدیک ظهر، رئیس جمهور آمدند. شرح صحبتهایشان با امام را ـ که از ضعف بعضی از وزرای دولت و سیاست دولتی کردن کارها و تضعیف بخش خصوصی گفته‌اند ـ مطرح کردند. با ایشان، مفصلاً راجع به دولت و سیاست‌های آینده صحبت کردیم و قرار شد، برای پیدا کردن چند وزیر قوی‌تر، به جای دو سه وزیری که احتمالاً خواهند رفت ـ علوم، آموزش و پرورش، اقتصاد و دارایی و صنایع ـ تلاش کنیم. قرار شد، دفتر مخصوصی برای حمایت از مخترعان ابزار نظامی در ارتش درست شود.

عصر، آقای [محمدرضا]فاکر آمد. برای سازمان انتشارات وابسته به جامعه مدرسین [حوزه علمیه قم]کمک می‌خواست و از سیاست تبلیغی و اقتصادی تندروها ـ جناح مقابل جامعه مدرسین ـ انتقاد می‌کرد. آقای [حسن]اجاره‌دار آمد و برای سمت جدید خود مشورت کرد. آقای [محسن]نوربخش آمد. خبر داد که انگلیسی‌ها از ما یک تانک تی ۷۲ خواسته‌اند و در مقابل حاضرند چیزهایی بفروشند. قرار شد مشورت کنیم؛ تکنولوژی آن برای غرب مهم است. سیاستمان این است که اسرار دیگران را فاش نکنیم، ولی این تانکهای پیشرفته را شوروی به عراق داده تا علیه ما به کار رود و ما در جنگ غنیمت گرفته‌ایم و تعهدی [نسبت به آن] نداریم.

آقای بهرام‌پور آمد. قرار شد در تنظیم فیشهای «کلید قرآن» با من همکاری کند. سرهنگ ترابی آمد؛ گزارش کیفیت مقابله به مثل داد و راجع به امور ارتش، دستورهائی دادم. شب به خانه رفتم. احمد آقا از طرف امام، پیام آورد که باید دولت [آقای میرحسین موسوی] تقویت شود.

۱- در این دیدار ابتدا گروه سرود عشایر، سرودی اجرا کردند آنگاه آقای هاشمی رفسنجانی، ضمن خوشامدگویی از طرف خود و نمایندگان مجلس شورای اسلامی و آرزوی تداوم انسجام و وحدت موجود میان اقشار مختلف مردم ایران و با اشاره به این نکته که وضع انقلاب را همیشه از وحدت و انسجام و تهور نیروهای مردمی می‌توان دریافت، گفت: "عشایر، تبلور نیروهای مردمی هستند و توده واقعی را تشکیل می‌دهند. عشایر مسلمان، همراه دیگر اقشار، علیرغم همه توطئه‌ها، حیله‌های دشمنان، وحدت و انسجام خود را حفظ کرده و استکبار را وحشت زده ساخته‌اند. ما در میدان جنگ همه گونه آمادگی داریم، ولی به استکبار جهانی هشدار می‌دهیم که بدون خونریزی شر صدام را از منطقه کم کنند؛ والا خود ما این کار را خواهیم کرد." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

جمعه ۲۲ تیر ۱۳۶۳

تمام روز را در خانه بودم. اقامه [نماز]جمعه را به آقای امامی[کاشانی] محول کردم. حاج سید احمد آقا آمد و با هم صحبت کردیم که باید در سیاست دولتی کردن بعضی از امور که از دست بخش خصوصی بهتر ساخته است، تعدیل پیش آید؛ مثل طرح برنج. درباره برنامه مقابله به مثل و تشویق تروریستها توسط دولتهای مخالف ما هم مذاکره شد.

عصر، عراق اعلام کرد دو کشتی را در خلیج‌فارس زده است. تحقیق کردم؛ تأیید نشد. با نخست وزیر هم صحبت کردم که بررسی کند. اگر صلاح دید، برای کل کابینه تقاضای رأی اعتماد کند. حدود مغرب، آقای بیژن امیری، کارمند بانک کشاورزی از محلات آمد. می‌گفت هنوز عقود اسلامی در بین کارکنان بانک و مردم جا نیافتاده است و کارها روان نیست و مشکلاتی در راه دادن وام‌ها به وجود آورده و کم شدن اعتبار هم کار را بدتر کرده است.

شنبه ۲۳ تیر ۱۳۶۳

اولین جلسهٔ اجلاسیهٔ دوم مجلسِ خبرگان داشتیم. ساعت شش صبح به مجلس رفتم که اگر در مقدمات کار، مشکلی باشد رفع کنم. تا ساعت نه صبح در دفترم کار کردم. با جبهه تماس گرفتم. پیشرفت کارها در حدود برنامه‌ها نیست؛ قرار شد فرماندهان به تهران بیایند.

من به عنوان فرمانده جنگ، عجله را صلاح نمی‌دانم و ترجیح می‌دهم پس از آماده شدن همه مقدمات، عملیات آغاز شود، اما به خاطر تلخی‌های شرارت عراق در شهرها و دریا، سران کشور و نمایندگان و بسیاری از مردم و حتی نیروهای داوطلب که به جبهه رفته‌اند، فشار می‌آورند و سپاه هم چون به طرح ارتش علاقمند نیست، مثل سابق انگیزه ندارد.

جلسه خبرگان غیر علنی است. آیت‌الله مشکینی [رئیس مجلس خبرگان] صحبت کردند. آقای [محمد]مؤمن هم گزارش کار هیأت رئیسه را دادند و من هم نمایندگان را با کار مجلس آشنا کردم. اصلاحیه‌ای مبنی برحذفِ لزوم حداقل پنج روز جلسه در هر سال مطرح و تصویب شد. در تنفس و قبل و بعد از جلسه، [نمایندگان مجلس] خبرگان کارهائی داشتند، مراجعه کردند. ناهار را با آنها در سالن ناهار خوری مجلس خوردیم و نماز را به جماعت به امامت آیت‌الله محمد فاضل [لنکرانی] خواندیم.

عصر، آقای [طباطبایی] مسئول بنیاد مستضعفان آمد و گزارشی از وضع امکانات ساخت

مسکن داد. معلوم شد، تعداد زیادی کارخانه برای محصولات پیش ساخته وجود دارد که به دلیل عدم ارجاع کار تعطیل است و مردم هم به دلیل نداشتن زمین یا مصالح ساختمانی، خیلی وسیع کار نمی‌کنند؛ مشکل کار در ضعف مدیریت وزارت مسکن است و تعداد زیادی کارخانه و کارگاه برای ساخت مصالح ساختمانی ساخته شده و به خاطر نقص کوچکی، راکد است و شهرک‌های جدید زیر بنائی ساخته شده راکد است. گفتم ساخت یکی از آنها را در کرج ـ کیان مهر ـ سریعاً شروع نماید. به بانک مرکزی گفتم برای آوردن سوخت برای کوره‌ها، ارز در اختیار بنیاد [مستضعفان] قرار بدهد.

آقای [جواد] مقصودی آمد و از انحصارطلبی مدیران در امر حج، گله داشت. آقای [محمد حسین] رضائی سرپرست [سازمان] حج [و زیارت] آمد. گزارش کارش را داد. راضی است. [خبر] دعوت سعودی‌ها از من و احمد آقا و آقای ناطق[نوری] را داد.[1] با خواست آقای دکتر [علی‌اکبر]ولایتی پذیرش دعوت را برای تلطیف روابط [با عربستان سعودی] اعلام کردیم.

دکتر ولایتی آمد و گزارش سفر به سوریه و مخالفت‌مان با سفر وزیر خارجه لیبی به عراق ـ که به آنها برخورده است ـ را داد. به اظهارات تند رسانه‌ها در هفته گذشته علیه عربستان انتقاد داشت؛ در حالی که وزارت خارجه مشغول مذاکره برای تحسین روابط است و قرار است وزیر خارجه آنها، این هفته به تهران بیاید. سرهنگ ترابی تلفن کرد و درباره خرید وسائل نظامی مطالبی گفت. با نخست وزیر و رئیس جمهور درباره مسائل جاری، تلفنی صحبت کردم. بعد از نماز مغرب، گزارشها را خواندم و کارهای اداری را انجام دادم و به منزل آمدم. دیروز به یک کشتی ما [در خلیج فارس]، موشک اصابت کرده است.

یکشنبه ۲۴ تیر ۱۳۶۳

ساعت هشت صبح، جلسه [مجلس] خبرگان شروع شد. مطلب مهمی در دستور نداشتیم. بعضی‌ها از اعلان دعوت به حج از طرف سعودی‌ها، ابراز رضایت می‌کردند و بعضی‌ها هم نگرانِ

۱ـ در این دیدار آقای محمد حسین رضایی، گزارشی از وضع جاری سازمان حج و زیارت و همچنین پیام دعوت رسمی ملک فهد پادشاه عربستان سعودی از آقای هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی و همکاری خوب آنان با سازمان حج و زیارت در سال جاری ارائه کرد. آقای هاشمی به خاطر این دعوت برای زیارت بیت‌الله الحرام، از مقامات عربستان سعودی تشکر کرد و در مورد همکاری خوب آنان گفت: «اینگونه برخوردها، می‌تواند در روابط فی‌مابین مفید باشد.»

تمایل به صلح و نزدیکی با ارتجاع بودند. عصر، در جلسه حزب [جمهوری اسلامی] شرکت کردم. بعد از جلسه، با حضور رئیس جمهور و نخست وزیر و وزیر امور خارجه، درباره کیفیت مذاکرات با [آقای سعودالفیصل] وزیر امور خارجه عربستان سعودی، در ارتباط با جنگ مشورت کردیم.

آقای [محسن]رضائی و آقای [علی]صیاد شیرازی از جبهه آمدند. گزارش وضع جبهه را دادند و خبر از عوض شدن برنامه عملیات آینده دادند که با هم تبادل نظر کردیم؛ خواستند که من هم در چند روز آینده به قرارگاه بروم. به آنها گفتم من شخصاً فشاری بر شما نمی‌آورم، خودتان جواب اعتراضات تأخیر را بدهید.

شب به مجلس رفتم و در آنجا ماندم. گزارشها را خواندم. کار مهمی نداشتیم. قرار بود، روز سه‌شنبه [اعضای مجلس] خبرگان با امام ملاقات کنند. احمد آقا اطلاع داد، امام کمی احساس ناراحتی کرده‌اند و پزشکان استراحت داده‌اند و ملاقات‌ها را تا یک هفته لغو کرده‌اند. این خبر باعث ناراحتی خبرگان شد و بعضی‌ها نظر می‌دادند به خاطر تشکیل گروه تحقیق در اجرای اصل ۱۱۱ [قانون اساسی]، امام عکس‌العمل نشان داده‌اند؛ ولی مطلب این نیست؛ همان کسالت است.

دوشنبه ۲۵ تیر ۱۳۶۳

بعد از نماز تا ساعت هشت صبح، در دفترم کار کردم. صبح و عصر، جلسه [مجلس] خبرگان داشتیم. مطلب مهمی در دستور نیست. بیشتر سخنرانان قبل از دستور، از عدم اهتمام به شأن خبرگان گله داشتند و خواستارِ وارد شدن در مسئله وظایف اصلی ـ که شناختن افراد صالح برای رهبری و آمادگی برای تعیین رهبر پس از امام ـ بودند. بالاخره عصر، ماده واحده‌ای به تصویب رسید که کمیسیونی مرکب از ۱۵ نفر برای بررسی افراد صالح برای [جانشین] رهبری تعیین شود.

عصر، آقای [محمدصادق] حائری شیرازی به دفترم آمد. راجع به انتخابات شیراز و کناره گیری از امامت جمعه شیراز، به منظور پرداختن به کار فکری مشورت کرد. آقای طاهری شمسی هم راجع به لزوم آمادگی برای معرفی رهبر بعد از امام، تأکید نمود.

شام را مهمان آقای [محمدتقی] فلسفی بودم. چند نفر از وعاظ را هم دعوت کرده بودند. بیشتر صحبت‌ها، درباره وضع روحانیون بعد از انقلاب بود. می‌خواستند بگویند که بخشی از مردم زده شده‌اند و من بیشتر روی وفاداری اکثریت مردم تکیه کردم و از آرای زیاد روحانیون در انتخابات، قرینه آوردم. [وعاظ] از خلوتی مساجد می‌نالیدند که گفتم مراکز دینی که با روحیهٔ توده مردم

مناسبت دارد، شلوغ است؛ مثل نمازهای جمعه و جامعه‌الصادق و.... دیر وقت به خانه آمدم. خانواده «حسین امین» آمده بودند و برای آزادی او از زندان، کمک می‌خواستند؛ بی‌جهت بازداشت کرده‌اند.

سه شنبه ۲۶ تیر ۱۳۶۳

صبح زود به مجلس رفتم. گزارشها را خواندم. مسئله مهم خبرگزاریها، دعوت ما از طرف سعودیها به مکه است که تفسیرهای گوناگون می‌شود؛ چون سعودیها سکوت کرده‌اند و پذیرش من هم معلوم نیست. تردیدهائی در اصل دعوت و پذیرش من به وجود آمده و خبرگزاریها در این مورد زیاد از دفترم می‌پرسند.[۱]

پیش از ظهر، مجلس شورا[ی اسلامی] جلسه داشت. چند اعتبارنامه را تصویب کردیم. عصر هم مجلس خبرگان جلسه داشت؛ کم محتوی بود. برای نماز مغرب به مقر رئیس جمهور رفتم. اعضای [مجلس]خبرگان و جامعه روحانیت مبارز، شام مهمان ایشان بودند. نماز جماعت خواندیم و

۱- روزنامه فاینشنال تایمز چاپ لندن در مقاله‌ای با عنوان "رهبر ایرانی برای ملاقات با فهد دعوت شده است" نوشت: "خبرنگاران ما در خارج از انگلستان گزارش می‌دهند که به نظر می‌رسد تلاشهای دیپلماتیک برای پایان دادن به جنگ تقریباً چهار ساله ایران و عراق در جریان است. در تهران روزگذشته تائید شد که آقای هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس ایران دعوتی برای ملاقات با فهد در پادشاهی سعودی دریافت کرده است. همزمان کسب اطلاع شد که پادشاهی سعودی و پنج متحد آن در شورای همکاری خلیج [فارس] روزگذشته تشکیل جلسه دادند تا آنچه که پیشنهاد ایران برای متوقف ساختن تشدید جنگ خواندند، مورد بحث قرار دهند. دفتر آقای رفسنجانی در تهران از تأیید این مطلب که وی پیشنهاد دعوت از جانب پادشاهی سعودی را پذیرفته است یا خیر خودداری کرد. دیپلماتها در دمشق می‌گویند وی مطمئناً به این سفر خواهد رفت؛ اگر حجت‌الاسلام رفسنجانی این دعوت را بپذیرد، وی بلندپایه‌ترین مقام ایرانی خواهد بود که در زمان به قدرت رسیدن روحانیون رادیکال در ایران از عربستان دیدن می‌کند." روزنامه‌های الخلیج و خلیج تایمز چاپ امارات نیز سرمقاله روز سه‌شنبه خود را به موضوع دعوت عربستان سعودی از آقای هاشمی رفسنجانی و پیامدهای آن اختصاص دادند.

جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی
دفتر رئیس

شماره ۲۱۰۴۹‑۵/۲۵۰‑م
تاریخ ۶۸/۲/۲۷
پیوست ....

بسمه تعالی

شورای محترم نگهبان

با توجه به اینکه نخست وزیر از مجلس شورای اسلامی تقاضای رأی اعتماد درباره کابینه کرده است

اینگونه رأی‌گیری در مجلس شورای اسلامی سابقه ندارد

در قانون اساسی هم روشن نشده و در رابطه با بعضی

اصول مربوطه ظاهراً تناقض وجود دارد

لطفاً در اسرع وقت جواب سؤالات زیر را با تفسیر

اصول مربوطه بفرمایید

~~[illegible]~~

[signature]

دستخط نامه به شورای نگهبان

آقای مشکینی [رئیس مجلس خبرگان] و من صحبت کردیم.[۱] برای خواب به مجلس آمدم.

چهارشنبه ۲۷ تیر ۱۳۶۳

مجلس خبرگان تا ظهر، جلسه داشت. اجلاسیه را ختم کردیم و در حیاط مجلس، عکس دسته جمعی برداشتیم. ظهر، آقای یثربی امام جمعه کاشان به دفتر کارم آمد برای امور کاشان و سپس آقایان [سید علی محمد و سید علی اصغر] دستغیب [نمایندگان مردم استان فارس در مجلس خبرگان] آمدند و راجع به انتخابات شیراز مشورت کردند و با اشاره، از آقای حائری [امام جمعه شیراز] گله داشتند ولی آقای حائری در ملاقات خود، از یکپارچگی روحانیت شیراز گفت.

عصر، هیأت رئیسه [مجلس شورای اسلامی] جلسه داشت. به کارهای اداری رسیدگی کردیم و بیشتر، راجع به کیفیت برگزاری رأی اعتماد به دولت صحبت کردیم. هیأت دولت در جلسه امروز خود، تصویب کرده است که [دولت] به خاطر [تشکیل] مجلس جدید، بیایند و رأی اعتماد بگیرد؛ چون [دولت را] امام تأیید کرده‌اند، داعی قوی پیدا کرده‌اند.[۲]

۱- در این سخنرانی آمده است: "این جنگ خیلی حساب شده تنظیم شده بود که اگر نمی‌توانند ما را نابود کنند، حداقل ما را به خود مشغول نمایند، ولی خوشبختانه عکس تصور آنان حادث شد و جنگ از قدرت عظیم اسلام حربه‌ای برعلیه آنان ساخت. آنها فکر می‌کردند اگر نفت کشور ما را قطع نمایند، دیگر چیزی برای امرار معاش این ملت باقی نخواهد ماند ولی ما از مدتها پیش برنامه‌ریزی کرده بودیم که اگر بدین مرحله رسیدیم، جنگ واقعی خود را شروع کنیم و ضمن دعوت از همه مردم، خود نیز به جبهه‌های جنگ روانه شویم. آن روز دیگر ما هم در تهران نخواهیم ماند و جبهه خواهیم رفت و به مردم هم خواهیم گفت که جنگ واقعی ما آن روز است". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۲- در نامه مهندس میرحسین موسوی نخست وزیر خطاب به آقای هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی آمده است: با توجه به دلایل زیر برای دولت از مجلس شورای اسلامی تقاضای رأی اعتماد می‌نمایم: ۱- به فرموده حضرت امام امت مدظله‌العالی مجلس در رأس امور است و طبیعی است که انتظار برود نمایندگان دوره دوم این نهاد مقدس دولت مورد تمایل خود را داشته باشند. در موقعیت حساس کنونی تنها دولتی می‌تواند با مسایل پیچیده و گوناگون سیاسی ـ اجتماعی و فرهنگی کشور و جهان برخورد خلاق و پرقوت بنماید که از پشتیبانی مجلس شورای اسلامی مطمئن باشد. ۲- اصل ۱۳۶ قانون اساسی مقرر

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

شب، سران قوا به اضافه احمد آقا و آقای واعظ طبسی [تولیت آستان قدس رضوی] در منزل آقای خامنه‌ای، جلسه داشتیم. آقای ولایتی گزارش داد، وزیر امور خارجه عربستان ـ که بنا بود امروز به ایران بیاید ـ آمدنش را مشروط کرده که در بیانیه بگوئیم ایران دعوت کرده و لذا سفر به تعویق افتاده است. در این باره بحث شد و قرار شد این شرط را بپذیریم. درباره کابینه[1] و رأی اعتماد و [موضوع مربوط به مشکلات] توزیع [کالا] و مسکن هم بحث شد.

پنجشنبه ۲۸ تیر ۱۳۶۳

خاطرات عقب افتاده را نوشتم. ساعت شش و نیم صبح، به مجلس رفتم و تا ساعت هشت به مطالعه گزارشها پرداختم. سپس به جلسه علنی رفتم. لایحه انتزاع کنترل و حسابرسی از ستاد ارتش و الحاق آن به وزارت دفاع مطرح بود. آقای [سرتیپ قاسمعلی] ظهیرنژاد [رئیس ستاد مشترک ارتش] با [سرهنگ محمد سلیمی] وزیر دفاع هر دو، داغ و تند علیه نظر دیگری، صحبت کردند و بعضی‌ها خائف بودند که در خارج به صورت اختلاف در صفوف ارتش تلقی شود؛[2] بالاخره

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

می‌دارد که در صورت تغییر نصف هیأت وزیران، باید دولت از مجلس رأی اعتماد بخواهد و دولت خدمتگزار هم اکنون در آستانه این الزام قانونی است، گرچه هنوز به طور کامل، نصف اعضای هیأت دولت تغییر نیافته‌اند. ۳- با توجه به اصل ۸۷ قانون اساسی که به دولت اجازه می‌دهد در مورد مسایل مهم و مورد اختلاف از مجلس تقاضای رأی اعتماد بنماید، در شرایط فعلی انقلاب اسلامی و شروع دوره جدید مجلس، اطمینان دولت از پشتیبانی مجلس یکی از این موارد می‌تواند باشد.

۱- مهندس میرحسین موسوی نخست وزیر، در نامه‌ای به آقای هاشمی رفسنجانی برای سه وزیر جدید تقاضای رأی اعتماد کرد. این سه وزیر عبارت بودند از: دکتر حسن ابراهیم حبیبی به عنوان نامزد وزارت دادگستری، حجت‌الاسلام محمد محمدی ری‌شهری به عنوان نامزد وزارت اطلاعات و مهندس سراج‌الدین کازرونی به عنوان نامزد وزارت مسکن و شهرسازی.

۲- نشریه ساوت چاپ لندن در شماره ژوئیه ۱۹۸۴ خود، یک ادعای واهی مطرح کرد و نوشت: در پشت تأخیرهای مرموز حمله سراسری ایران به عراق، نامه سرگشاده ۳۰۰ افسر ارتش به آیت‌الله روح الله خمینی قرار دارد. آنها به تفصیل شرح داده‌اند که آغاز یک حمله نهایی و موفقیت‌آمیز از سوی ارتش ایران غیرممکن است. به اعتقاد امضا کنندگان این نامه، "عراق از یک برتری کامل و تقریباً غیرقابل رقابت هوایی و موشکی برخوردار است و ما کاری نمی‌توانیم بکنیم به جز آنکه به حمله امواج انسانی خود ادامه

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

موضوع به نفع وزارت دفاع خاتمه یافت. تقاضای رأی اعتماد دولت از مجلس مطرح شد؛ مشکل آئین نامه‌ای داریم.

ظهر در دفترم چند ملاقات داشتم. آقای صباح زنگنه نماینده سابق شیراز، گزارشی از سمینارهای حج در دنیا را داد که با اراده ما انجام می‌شود. آقای [علی]عبدالعلی‌زاده نماینده ارومیه، از اختلافات روحانیت ارومیه اظهار نگرانی می‌کرد. آقای [محمدعلی]عربی نماینده کاشمر از امام جمعه [این شهر]، گله داشت که درگیری ایجاد می‌کند. [آقای ارطاواس باغومیان] نماینده آشوریان، خواستار اجازه تدوین کتب دینی و رسمی آشوری توسط خودشان بود.

عصر، سرهنگ صیاد شیرازی آمد و گزارش جبهه‌ها را داد؛ قرار شد به جبهه بروم. کارکنان رادیو آمدند؛ برای آنها مفصلاً صحبت کردم.[1] وزیر صنایع و قاضی کمیسیون قانون حفاظت آمد. درباره کیفیت برخورد شرکت‌ها و کارخانه‌های مشمول قانون ـ که به نظر شورای نگهبان تحت سئوال قرار گرفته ـ مشورت کردند. گفتم، ضمن لزوم توجه به حقوق مشروع مردم، باید توجه به اصل ۴۹ [قانون اساسی] هم داشت.

سفیرمان در آلمان، آقای [حسین]سالاری آمد. وضع روابط‌مان را گفت که در ملاقات با آقای [هانس دیتریش] گنشر [وزیر امور خارجه آلمان غربی] استفاده شود. آقای [محمد]غرضی آمد و

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

دهیم که این حملات هر بار چند کیلومتر از خاک عراق را از آن ما می‌سازد اما تلفات سنگین‌تر انسانی را برای ما به بار خواهد آورد." ارتش از [امام] خمینی خواست "قبل از آنکه خیلی دیر شود با عراق صلح کند زیرا با گذشت زمان، ممکن است اوضاع بر وفق مراد عراق گردد."

۱- در این دیدار، ابتدا حجت‌الاسلام محمد علی ابطحی سرپرست صدای جمهوری اسلامی ایران، گزارشی از فعالیتها و تلاشهای مسئولان رادیو را ارائه داد و اهمیت و میدان وسیع کار صدای جمهوری اسلامی را تشریح کرد. سپس آقای هاشمی در سخنان مبسوطی گفت: «قسمت اعظم کارهای ما برمبنای تبلیغات است و از این نظر اعمال ما، ماهیتاً با کار ارشادی مسئولان رادیو، شباهت دارد؛ منهای مسئولیت‌های کشوری، سیاسی و نظامی. صدای ملت ایران را به دنیا برسانید و مردم را در قبال تبلیغات زهرآگین دشمن واکسینه کنید. بزرگترین نقطه ضعف ما، هم اکنون نداشتن امکانات و تجهیزات و وسایل تبلیغ است.» رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.



جمهوری اسلامی ایران

نخست وزیر

شماره ۲/۶۳/۲۵۰۱

تاریخ ۶۳/۴/۲۸

پیوست ....

بسمه تعالی

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

بعدازسلام ودرود ، بدینوسیله باتوجه بدلایل زیربرای دولت ازمجلس شورای اسلامی تقاضای رای اعتمادمینمایم .

۱ــ بفرموده حضرت امام امت مدظله العالی مجلس درراس اموراست . وطبیعی است که انتظاربرودنمایندگان دوره دوم این نهادمقدس ، دولت موردتمایل خودراداشته باشند . در موقعیت حساس کنونی تنهادولتی میتواندبامسائل پیچیده وگوناگون سیاسی ، اجتماعی ،فرهنگی کشوروجهان برخوردخلاق وپرقوت بنماید ، که ازپشتیبانی مجلس شورای اسلامی مطمئن باشد .

۲ــ اصل ۱۳۶ قانون اساسی مقررمیداردکه درصورت تغییرنصف هیئت وزیران بایددولت ازمجلس رای اعتمادبخواهدودولت خدمتگزارهم اکنون درآستانه این الزام قانونی است . گرچه هنوز بطورکامل نصف اعضای هیئت دولت تغییرنیافته اند .

۳ــ باتوجه به اصل ۸۷ قانون اساسی که به دولت اجازه میدهددرموردمسائل مهم ازمجلس تقاضای رای اعتمادبنمایددرشرایط فعلی انقلاب اسلامی وشروع دوره جدیدمجلس اطمینان دولت ازپشتیبانی مجلس یکی ازاین مواردمیتواندبحساب آید .

میرحسین موسوی

۶۳/۴/۲۸

نخست وزیر

این نامه در تاریخ ۲۸/۴/۶۳ در جلسه علنی رسماً

قرائت شد اکبر هاشمی

۶۳/۴/۲۸

تقاضای رای اعتماد نخست وزیر

گزارش کنفرانس اوپک و لزوم تحرک در بالا بردن قیمت نفت را گفت. آقای [جواد]اژه‌ای وزیر مشاور [و رئیس سازمان بهزیستی] با معاونان و مدیر کل‌هایش آمد و گزارشی از خدمات سازمان بهزیستی دادند؛ وسیع و جالب است. گفتم باید با مردم در میان گذاشت تا مردم تشویق به کمک شوند.[۱]

شب تا ساعت ۱۱ در دفترم برای انجام کارها ماندم. آقای دکتر [حسن]روحانی از جبهه آمد و گزارش جبهه را داد. [اوضاع] بد نیست ولی کار را معطل می‌کنند. ساعت ۱۲ به خانه آمدم.[۲]

جمعه ۲۹ تیر ۱۳۶۳

خاطرات دیروز را نوشتم. نماز جمعه را آیت‌الله خامنه‌ای اقامه کردند.[۳] ظهر، همشیره صدیقه و بچه‌هایش و آشیخ محمد بی‌خبر از قبل آمدند؛ غذا را از بیرون گرفتیم.

ساعت سه بعد از ظهر به فرودگاه رفتم و بلافاصله به خوزستان پرواز کردم. در پایگاه هوائي وحدتي دزفول، آقایان صیاد [شیرازی] و [محسن]رضائی پای هواپیما بودند. با سه هلی‌کوپتر به

۱- در این دیدار، ابتدا حجت‌الاسلام جواد اژه‌ای، گزارش مفصلی از عملکرد سازمان بهزیستی ارائه داد. سپس آقای هاشمی در سخنانی گفت: «جامعه اسلامی ما در بطن خود، علاقه شدیدی به کار خیر و اتفاق و حمایت از محرومان دارد و این خصلت در مردم مسلمان ما بسیار قوی است. بنابراین باید امکاناتی باشد که از نیروی مردم استفاده صحیح شود و مردم بتوانند به کارهای خیری که دوست دارند، عمل کنند. باید نیازها و مشکلات و کارهای خیری که امکان انجام آن وجود دارد، برای مردم گفته شود. این کارها باید بوسیله ایجاد یک سیستم تبلیغاتی مطلوب و حساب شده انجام شود.» رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۲- در این روز صدها جوان موتورسوار و پیاده که بین ۱۸ تا ۲۲ سال سن داشتند، در تظاهرات پراکنده‌ای در نقاط مختلف تهران، نسبت به مسأله بی‌حجابی در جامعه اعتراض کردند. در جریان این تظاهرات درگیری‌هایی نیز رخ داد که باعث زدوخورد و شکستن شیشه چند مغازه گردید و تعدادی نیز مجروح شدند؛ وزارت کشور اعلام کرد این تظاهرات مجوز قانونی نداشته است.

۳- آیت‌الله خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه گفتند: "از هر حرکتی برای برقراری صلح عادلانه استقبال می‌کنیم ولی تلاشهای کنفرانس جده را قبول نداریم. ما در جنگ از صدام نخواهیم گذشت. اگر خیال می‌کنند با گذشت زمان و با فشارهای تبلیغاتی خواهند توانست ما را از جرایم سنگین که این رژیم مرتکب شده، به غفلت بکشانند، خیال خامی است. ما در مورد جنگ از مجازات صدام به هیچ وجه صرف نظر نخواهیم کرد. این شرطی است که از اول تا کنون گفته‌ایم".


ها و دخترهای حزب اللهی مسئولند اجازه ندهند در مدارس و دانشگاهها کسانی بخواهند حجاب مقدس را نقض کنند





تظاهرات بر ضد بد حجابی

پشت سد دز، برای دیدن مانور نیروهای ویژه قرارگاه ظفر رفتیم. مانور عبور از آب با تیراندازی تانک و توپ و... انجام شد. دیدنی بود و بی‌اشکال انجام یافت. اما مقدار زیادی گلوله مصرف شد؛ لابد لازم است و خود فرماندهان، مخالف اسراف و متدیّن هستند.

بعد از مانور، برای افراد سخنرانی کردم؛ خیلی با حال و با روحیه‌اند. از میان هزار نفر، ۲۵۰ نفر قبول شده‌اند. از آمادگی آنها برای شهادت، سخت تحت تأثیر قرار گرفتم. خلبان‌ها هم بودند. از آنجا به پادگان تیپ ۲ لشکر ۹۲ در دزفول برگشتیم و پس از نماز مغرب و عشاء تا ساعت ۱۰ مذاکره شد. من خوابیدم و فرماندهان به مذاکره ادامه دادند.

شنبه ۳۰ تیر ۱۳۶۳

بعد از نماز صبح، جلسه‌ای با فرماندهان و مسئولان چهار قرارگاه داشتیم. هر یک جداگانه صحبت کردند و بیشتر آنها به نحوی، با عملیات مخالفت کردند و ادله‌ای اقامه کردند. بعد از آنها، من صحبت کردم و ضمن تشکر از تذکرات آنها، عدم امکان تحصیل همه امکانات مورد نظر آنها صحبت کردم. سپس برای جلسه‌ای دیگر، به مسجد پادگان رفتم که فرماندهان لشکرها و تیپ‌های عمل کننده شرکت داشتند. در این جلسه، کسی صحبت نکرد؛ فقط آقای صیاد [شیرازی] خیر مقدم گفت و من مفصلاً صحبت کردم و بیشتر، توضیح همان مطالب جلسه قبل بود و تشویق در به کار بردن همت کامل. دوباره به دفتر فرمانده تیپ آمدیم و با مسئولان اصلی قرارگاه‌ها به مذاکره نشستیم. تقریباً تمام حضار اعم از ارتشی و سپاهی، اظهار عدم موافقت کردند. فقط آقای صیاد [شیرازی] موافق بود که دفاع کرد و محسن رضائی هم که ظاهراً موافق بود، ساکت بود.

این مقاومت [در انجام عملیات] از طرف ارتشی‌ها، در عملیات خیبر هم بود، ولی سپاهی‌ها در این عملیات چنین وضعی پیدا کرده‌اند. ممکن است ریشه عمیقی داشته باشد؛ باید کشف کرد. قرار شد مطالب آنها را در تهران، با آقای خامنه‌ای و امام مطرح کنم و سپس در تهران یا همان‌جا به بحث ادامه دهیم؛ اما دستور داده شد که تلاش برای آمادگی مطابق مأموریت ادامه داشته باشد.

ناهار را در هواپیما خوردیم و ساعت سه [بعدازظهر] به مجلس [شورای اسلامی] رسیدم. مقداری استراحت کردم و سپس گزارشها را خواندم. ساعت شش بعد از ظهر با آقای [هانس



ملاقات با وزیر خارجه آلمان

دیتریش] گنشر وزیر امور خارجه آلمان ملاقات داشتم؛[1] درباره جنگ، حقوق بشر و روابط اقتصادی صحبت کردیم. و مصاحبه مطبوعاتی با خبرنگاران آلمانی داشتیم.[2]

اول شب، رئیس جمهور آمدند و وضع جبهه و مذاکرات را با ایشان در میان گذاشتم. قرار شد مطالب را برای تصمیم نهائی با امام در میان بگذاریم و با احمد آقا تلفنی صحبت کردم و برای دوشنبه، وقت گرفتیم. احمد آقا از اینکه رسانه‌های غربی، مسئله حقوق بشر را در مذاکرات وزیر خارجه آلمان [غربی] بزرگ کرده‌اند، ناراحت بود و می‌گفت باید مقابله کرد.[3]

۱- آقای "هانس دیتریش گنشر" وزیر امور خارجه آلمان غربی در رأس هیأت بلندپایه‌ای به ایران آمد و دیدارهای جداگانه‌ای با آقای میرحسین موسوی نخست وزیر، آقای علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه و آقای هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی داشت. در این ملاقاتها، وزیر امور خارجه آلمان غربی، مواضع جمهوری فدرال آلمان در مورد اوضاع منطقه، جنگ تحمیلی و مناسبات سیاسی و تجاری با ایران را اعلام کرد. مقامات جمهوری اسلامی نیز علل شروع جنگ تحمیلی، شرایط ایران را برای خاتمه بخشیدن به جنگ و نظر انقلاب اسلامی نسبت به کشورهای غربی و نحوه مناسبات با آنها را برای وزیر امور خارجه آلمان غربی تشریح کردند. آقای گنشر گفت: «ما علایق مشترک و اختلافاتی با شما داریم. شما مسلمانید و ما مسیحی هستیم؛ ولی همیشه علایق مشترک بیشتر از اختلافات بود که این مسأله می‌تواند مبنای خوبی برای روابط مستقیم و توسعه یافته باشد. ما دوستدار ایران مستقل هستیم. توقع داریم که کشورهای ما با یکدیگر همکاری و روابط مفید داشته باشند.»

۲- در این مصاحبه، آقای هاشمی در مورد سفر هانس دیتریش گنشر وزیر امور خارجه آلمان و نتایج مذاکرات با وی اظهار داشت: "وزیر امور خارجه آلمان، نخستین مقام رسمی خارجی است که در گفتگو با ما، صریحاً عراق را به عنوان آغازکننده جنگ تحمیلی شناخته است و اگر این نظر به طور صریح و رسمی اعلام شود، خود تحولی است. در مورد جنگ، صحبتهایی شد که ایشان نظرهای ما را می‌خواست بداند که برای وی تشریح شد. وزیر امور خارجه آلمان نیز نظری را مطرح کرد که ضمن آن با صراحت پذیرفت که رژیم عراق متجاوز بوده و جنگ را آغاز کرده است." در این مصاحبه آقای هاشمی در پاسخ به سوالی در مورد مذاکرات صلح با وجود صدام، گفت: "من فکر نمی‌کنم، چنین مذاکراتی عملی باشد. چون صدام مسئول این همه خرابی، ویرانیها، خسارات و جان این همه انسان و سلامت انسانهای دیگر است." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۳- خبرگزاری آلمان به نقل از سخنگوی وزارت امور خارجه آلمان، اعلام کرد: "آقای گنشر به آقای [علی اکبر] ولایتی گفته است که دولت آلمان نگران نقض حقوق بشر در ایران به ویژه نگران مجازات اعدام و سوء رفتار با اقلیتهای مذهبی است. آقای

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

یکشنبه ۳۱ تیر ۱۳۶۳

بعد از نماز صبح تا ساعت هشت صبح به کارهای دفترم پرداختم و گزارشها را خواندم. در جلسه علنی، دو اعتبارنامه تصویب شد و فوریت اصلاحیه آئین‌نامه برای روش اخذ رأی اعتماد به دولت ـ که تقاضا کرده و در مجلس سابقه و روش معین ندارد ـ [به تصویب رسید].

در وقت تنفس، نماینده زردشتیها ـ که از اروپا برگشته ـ از تبلیغات فراوان دشمنان علیه انقلاب گفت و چاره‌هائی متناسب با افکار و مصالح خود پیشنهاد کرد. ظهر، در دفترم آقای [علی]کامیار نماینده ارومیه آمد؛ از اختلافات روحانیت استان [آذربایجان غربی] شاکی بود. آقای [احمد]قدیریان آمد و برای حمایت آقای [اسدالله]لاجوردی ـ که برای تعدیل وضع زندانها تحت فشار شورای عالی قضائی قرار گرفته ـ کمک می‌خواست. آقای [اسدالله]بادامچیان آمد و برای برنامه جلسه کانون حزب [جمهوری اسلامی] که فردا تشکیل می‌شود، پیشنهادهایی داد. قبل از شروع جلسه مجلس، پیغام امام را، با انشاء امام و خط احمد آقا؛ مطالبی در حمایت از دولت و لزوم تقویت و همکاری و تحذیر از تعویض دولت در این شرایط، برای نمایندگان قرائت کردم.[1]

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

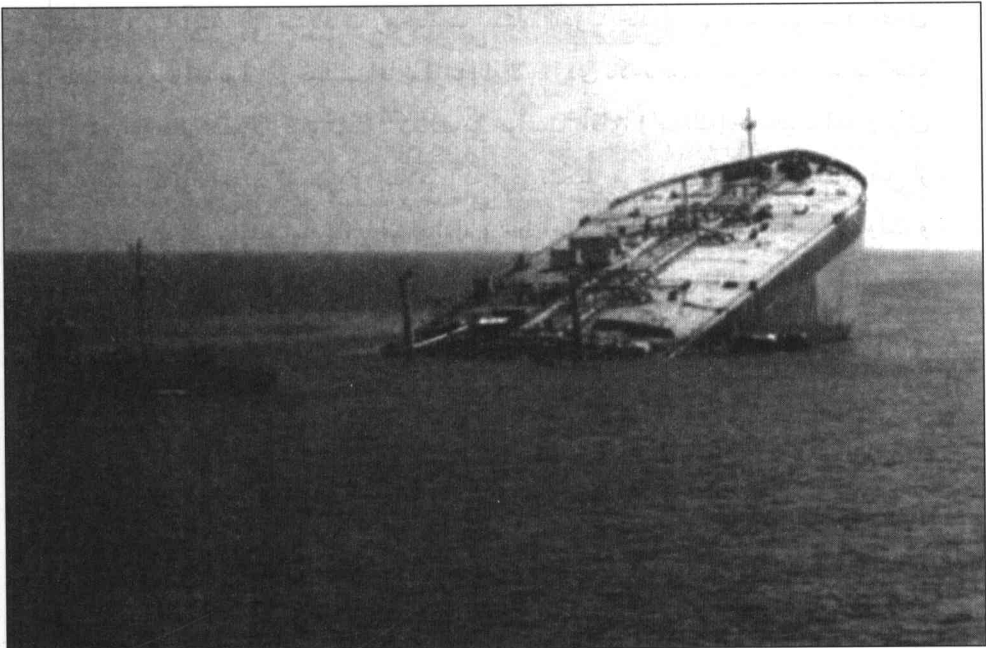
ولایتی ضمن استماع انتقاد گنشر براین نکته تأکید کرده است که حقوق بشر از دیدگاه قرآن و سنت متمایز با حقوق بشر فعلی است. خبرگزاری رویتر نیز گزارش داد: "در پی مذاکرات وزیر امور خارجه آلمان غربی در تهران، منابع دیپلماتیک نزدیک به هیأت نمایندگی همراه وی، معتقدند ایران احتمالاً همکاری با غرب را آشکارتر می‌سازد. خبرگزاری آسوشیتدپرس نیز گزارش داد: "دولت انقلابی ایران برای برقراری مجدد تدریجی تماس با غرب، ابراز تمایل آشکار کرده است. گنشر همچنین درباره نقض حقوق بشر در ایران به خصوص وجود محکومیت اعدام و تعقیب اقلیتهای مذهبی ابراز نگرانی نموده است."

۱- در این نامه آمده است: "به نمایندگان محترم بگوئید من می‌دانم ضعفهایی در سطح کشور وجود دارد. می‌دانم که کارها آن طورها که شاید و باید انجام نمی‌گیرد، گرانی و کمبود وضع توزیع باید اصلاح شود ولی در وضعیتی که هستیم و با موقعیتهای در سطح جهان و ایران، اگر دولت ضعیف و یا خدای ناکرده تغییر پیدا کند، کاملاً تزلزل نشان می‌دهیم. من همان طور که قبلاً گفته‌ام با در نظر گرفتن شرایط، این دولت خوب عمل کرده است و به امید خدا به کمک شما و سایر دوستان بازار و ارگانها، بهتر عمل خواهد نمود. من تضعیف دولت را به ضرر کشور و ملت و اسلام می‌دانم. من آقای نخست وزیر را می‌شناسم. او مرد متدینی است. او را تقویت کنید. دست در دست یکدیگر گذاشته و معضلات را حل کنید. اگر کسی فکر کند کسی دیگر زمام امور را در دست

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

اکثریت نمایندگان مجلس خوشحال شدند و اقلیتی هم ناراحت ولی ساکت، و بحرانی که ممکن بود پیش آید، دفع گردید.

عصر، گزارشها را خواندم و کارهایم را انجام دادم و به خانه آمدم. شب، احمد آقا آمد. گزارشهای وضع جبهه را به ایشان گفتم که خدمت امام، عرض نماید.



نفتکش غرق شده در آبهای خلیج فارس

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

می‌گرفت، کار بهتر می‌شد، کاملاً در اشتباه است. با این صحبتهای ضدانقلاب و یا ناآگاهان که دولت را غیر اسلامی می‌نامند، گوش ندهید. اگر روزی چنین احساس کنم، بلافاصله به تکلیفم عمل می‌کنم. کار زیاد است و مشکل و آقایان توجه دارند. این نصیحت من است والا خود دانید".

مرداد ۱۳۶۳



دوشنبه ۱ مرداد ۱۳۶۳ ۲۳ شوال ۱۴۰۴ 23 JULY 1984

صبح زود، تاریخ زندگی امام صادق(ع) را برای خطبه‌های نماز جمعه مطالعه کردم. برای زیارت امام، به دفتر امام رفتم. آقای خامنه‌ای هم آمدند. با هم خدمت امام رفتیم. وضع جبهه و نظرات فرماندهان را در مورد عملیات آینده گزارش دادیم. از ایشان نظر خواستیم. نظر ایشان این بود که به فرماندهان اجراکننده [عملیات] زیاد فشار نیاوریم که بر خلاف نظرشان، مجبور به اقدام شوند. با آنها مذاکره کنیم؛ یا قانع شوند و یا قانع شویم. با این نظر امام، فشار روی من هم کم می‌شود.

با آقای خامنه‌ای هم در مورد ممنوع کردن رزم شبانه در اطراف تهران ـ که شبها باعث ناراحتی مردم می‌شود ـ صحبت شد. همچنین برای اقدام در مورد پیشنهادی که آقای [محسن]نوربخش آورده، که با دادن یک تانک پیشرفته [روسی] به انگلیسی‌ها، نیازمندی‌های صعب‌الحصول را بگیریم؛ قرار شد آقای خامنه‌ای لیست را تهیه کنند.

آقای [رضا] سیف‌اللهی فرمانده سپاه اصفهان هم آمد؛ در جهت جذب آقای [جلال‌الدین]طاهری [امام جمعه اصفهان] و همکاری حزب [جمهوری اسلامی] با ایشان، تذکراتی داد. گفتیم آقای خامنه‌ای با ایشان قرار گذاشته بودند که در انتخابات اصفهان با حزب ائتلاف کنند، ایشان طفره می‌روند. نقطه آغاز خوبی برای همکاری است. فائزه هم به خانه آمد. به خاطر کمک به عفت، که مریض است.

حزب‌اللهی‌ها دیروز و امروز در تهران علیه خانم‌هائی که حجاب را مراعات نمی‌کنند، تظاهرات کرده‌اند.[1] درگیری‌هائی هم به وجود آمده است. دوسه نفر از پاسداران من هم در این

۱- در این تظاهرات که صدها جوان موتورسوار و پیاده شرکت داشتند، درگیریهایی رخ داد که باعث زدوخورد و شکستن شیشه چند مغازه شد. تعدادی نیز مجروح شدند. این تظاهرات ساعت ۴/۳۰ دقیقه بعدازظهر، از میدان ولی‌عصر تهران آغاز شد و در آن شعارهایی در محکومیت بی‌حجابی و منکرات در جامعه سرداده شد. عده‌ای از تظاهرکنندگان اعلام کردند که قصد درگیری با افراد بی‌حجاب را ندارند اما در صورت عدم اصلاح آنان، با این قضیه برخورد خواهند کرد. در جریان این درگیری‌ها تعدادی از تظاهرکنندگان توسط پاسداران کمیته انقلاب اسلامی دستگیر شدند. یکی از تظاهرکنندگان در مصاحبه‌ای گفت: شش سال است که انقلاب شده، اما هنوز بعضی از افراد نسبت به بی حجابی و فساد اخلاقی، بی‌تفاوت هستند؛ در صورتی که این مسأله بعد سیاسی

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

تظاهرات شرکت کرده بودند و از اینکه از مأموران کمیته [انقلاب اسلامی]، کتک هم خورده بودند، گله می‌کردند؛ بعضی‌ها نگران هرج و مرج بودند.

عصر به مجلس رفتم. جلسه کانون واحد حزب [جمهوری اسلامی] مجلس بود. درباره وضع آینده کانون، صحبت کردم و مطالب سیاسی برای نمایندگان گفتم. حدود صد نفر در جلسه شرکت داشتند. خیلی‌ها طرح اصلاح آئین‌نامه داخلی را باعث تضعیف مجلس می‌دانستند. من دفاع کردم و گفتم قابل اصلاح است. فرمانده نیروی دریائی و ناخدا بایندر آمدند و گزارش امکانات نیرو را برای عملیات آینده دادند. شب، در مجلس ماندم و کارها را انجام دادم.

سه شنبه ۲ مرداد ۱۳۶۳

در جلسه علنی مجلس، طرح دوفوریتی اصلاح آئین‌نامه [داخلی مجلس] مطرح بود. درباره کیفیت انجام رأی اعتماد به دولت، جوسازی کرده بودند که طرح به ضرر مجلس است و رد شد.[۱] رد طرح، مایه خوشحالی سنتیها و شورای نگهبان شد. طرحی که آنها داده بودند در دستور مجلس قرار گرفت. ظهر، عقد ازدواج یکی از کارمندان مجلس را بستم و هدیه‌ای که [تورگوت اوزال] وزیر امور خارجه ترکیه آورده بود، به او دادم.

هیأت رئیسه [مجلس] هم جلسه داشت. مطلب مهمی نداشتیم. بعضی از نمایندگان در این دوره به ماشین پیکان قانع نیستند و ماشین بنز یا تویوتا می‌خواهند. وضع روحیه‌ها خیلی فرق کرده

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

دارد. طی چند روز، ۱۱۵ تن از موتورسواران دستگیر شدند که تعدادی از آنان، پس از بازجویی آزاد شدند. وزارت کشور به نیروهای انتظامی دستور داد، تنها کسانی را که اقدام به درگیری در خیابان نمایند، دستگیر کنند.

۱- در این جلسه، طرح الحاق موادی به آئین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی در مورد تقاضای دولت برای رأی اعتماد از مجلس شورای اسلامی با حضور اعضای شورای نگهبان مطرح شد و مورد بحث و رسیدگی قرار گرفت. پس از توضیحات آقای اسدالله بیات در مورد این طرح، آقایان عبدخدایی، لطیف صفری، نورالله عابدی، محمد مهدی ربانی املشی و محمد اسماعیل شوشتری به عنوان مخالف و سید محمد کیاوش، صادق خلخالی، محمد خزاعی، موحدی ساوجی و دکتر محمد علی هادی به عنوان موافق با طرح صحبت کردند. آنگاه پس از سخنان مخالف و موافق، کلیات این طرح برای دوسوم آراء نمایندگان به رأی گذاشته شد و به تصویب نرسید و رد شد.

است؛ حدود صد نفر [در این مورد] نامه نوشته‌اند.

عصر، گروه امداد مجروحان جبهه آمدند؛ گزارش کار دادند و راجع به حل مشکل [کمبود کادر] پزشکی کشور و تربیت پزشک و کنترل پزشکان، پیشنهاداتی دادند. مدیر عامل «بنیاد امور مهاجران جنگزده» آمد. گزارش داد و از کمبود بودجه نالید و برای رفع مزاحمت نمایندگان مناطق جنگ‌زده، کمک خواست. سه پزشک نظامی آمدند و خواهان ارز برای فرزندانشان ـ که در خارج‌اند ـ بودند. مدعی تبعیض علیه خودشان، نسبت به پزشکانی که از خارج آمده‌اند، هستند.

آقای [سیدمحمد کاظم] خوانساری سفیر ایران در لیبی آمد؛ نظرات لیبی را در مورد تحسین روابطمان با شوروی و مخالفان غیر اسلامی عراقی و تداوم جنگ آورد. من سیاست خودمان را روشن کردم که مانع ایجاد روابط خوب، خود شورویها هستند و خواستار موشک‌های اسکاد [از شوروی] شدم.

آقای [اسدالله] لاجوردی و همکارانش [در دادستانی انقلاب تهران] آمدند؛ از فشار شورای عالی قضائی برای تضعیف او، برای آزاد کردن زندانیان گروهکها گله داشت و کمک می‌خواست. در مورد محاکمه بعضی از متهمان در رابطه با پرونده [انفجار در دفتر] نخست وزیری مشورت کرد. گفتم امام [رسیدگی به این پرونده را] به [آقای یوسف صانعی] دادستان کل کشور محوّل کرده‌اند.

شب به خانه آمدم. تلویزیون، گزارش مستند خوبی در ارتباط با معدن مس سرچشمه و سیاست استعماری آمریکا و سیاست خائنانه شاه پخش کرد؛ تماشا کردم.

چهارشنبه ۳ مرداد ۱۳۶۳

امروز در منزل ماندم. حالات امام صادق(ع) را مطالعه می‌کردم. [شماره] تلفنهای خانه را عوض کرده‌ایم و کمتر کسی از نمرات جدید، اطلاع دارد. مراجعات تلفنی کم است. معمولاً پس از مدتی که [شماره] تلفن‌ها را عده زیادی یاد گرفتند، ناچار می‌شویم به دلیل مسائل حفاظتی و امنیتی، [شماره تلفنها را] عوض کنیم. فرمانده تیپ سیدالشهداء که بناست در عملیات آینده، صف شکن باشد، از لو رفتن طرح و از مشکلات آن نگران بود.

عصر، آقای صیاد [شیرازی] و آقای [محسن] رضائی آمدند؛ نتیجه مذاکرات و مشاورات [درباره انجام عملیات] را آوردند. پیشرفت مهمی در تصمیمات لازمه مشاهده نشد و آقای رضائی، رسماً مخالفت خود را با اجرای طرح والفجر ۸ اعلان نمود؛ ضمن آمادگی نشان



آیت اله شیخ یوسف صانعی - دادستان کل کشور

دادن برای اجرای دستور، تاکنون تظاهر به مخالفت نداشتند.[۱]

شب، مهمان احمد آقا بودیم. آقایان [علی اکبر]ولایتی، [موسوی]اردبیلی، [آیت‌الله]خامنه‌ای و [میرحسین] موسوی بودند. امام هم در این جلسه شرکت کردند؛ حالشان خوب است. درباره تظاهرات حزب‌الله علیه بی‌حجابی بحث شد. بعضی فکر می‌کنند، کار خوبی شده است و انجام این تظاهرات تهدیدی برای بی‌حجاب‌ها بوده است، ضمن اینکه وزارت کشور هم موضع قانونی گرفته است. درباره آثار مثبت مسافرت [هانس دیتریش]گنشر [وزیر امور خارجه آلمان غربی] و آمدن سعودالفیصل از عربستان هم توافق داشتیم. درباره لزوم تدوین مقررات محکم، برای پرداخت ارز - که فعلاً نظام درستی ندارد - بحث شد. با احمد آقا در مورد مفید بودن ملاقات نمایندگان مخالف دولت با امام - که [نمایندگان مخالف] خودشان تقاضا دارند - صحبت کردم؛ قرار شد از امام اجازه بگیرد. دیر وقت به منزل آمدم.

پنجشنبه ۴ مرداد ۱۳۶۳

صبح زود به مجلس رفتم. گزارشها را خواندم. مسئله مهم مربوط به ما، کشف یک گروه ایرانی مسلح در [مادرید پایتخت] اسپانیا است، که به ادعای اسپانیایی‌ها، قصد ربودن هواپیمای سعودی را داشته‌اند؛ هیاهوی زیادی راه انداخته‌اند. در جلسه علنی، کلیات طرح اصلاح آئین‌نامه تصویب شد.[۲] ضمن جلسه و در وقت تنفس، مراجعات زیادی درباره مسئله دولت و درخواست رأی

۱- سردار غلامعلی رشید، یکی از فرماندهان ارشد سپاه در این باره می‌گوید: "از همان فروردین سال ۱۳۶۳، نگاه فرماندهی سپاه برای عملیات به منطقه هور معطوف بوده است؛ هم برای تثبیت پیروزی‌های خیبر و گسترش بیشتر در هور و هم برای ادامه شناسایی‌ها در عمق که توسط قرارگاه "نصرت" سپاه صورت می‌گیرد. این درحالی است که دشمن هنوز به ادامه بمباران در جزایر مجنون و آب اندازی در جزیره و تلاش برای خارج کردن جزایر از دست ما ادامه می‌دهد. ایده کار مجدد در هور از همان زمان در ذهن برادر محسن رضایی شکل گرفته بود، منتها علنی نمی‌کند و تنها با قرارگاه نصرت،آرام آرام کار می‌کند تا مرداد ۶۳ که قرارگاه نیروی زمین ارتش، دست اندرکار اصلی طراحی و اجرای عملیات است، این سکوت ادامه پیدا می‌کند و اختلالی در طرحهای ارتش (والفجر ۷ و والفجر ۸ انجام نشده) به وجود نمی‌آورد، اما بعد از اینکه طرحهای مزبور به کلی منتفی گردید، فکر عملیات مجدد در هور را علنی می‌کند."

۲- در این جلسه کلیات طرح دو فوریتی چگونگی اخذ رأی اعتماد دولت از مجلس، پس از سخنان موافق و مخالف با دوسوم

اعتماد، از طرف مخالفان و موافقان داشتم؛ نگرانی زیاد است.

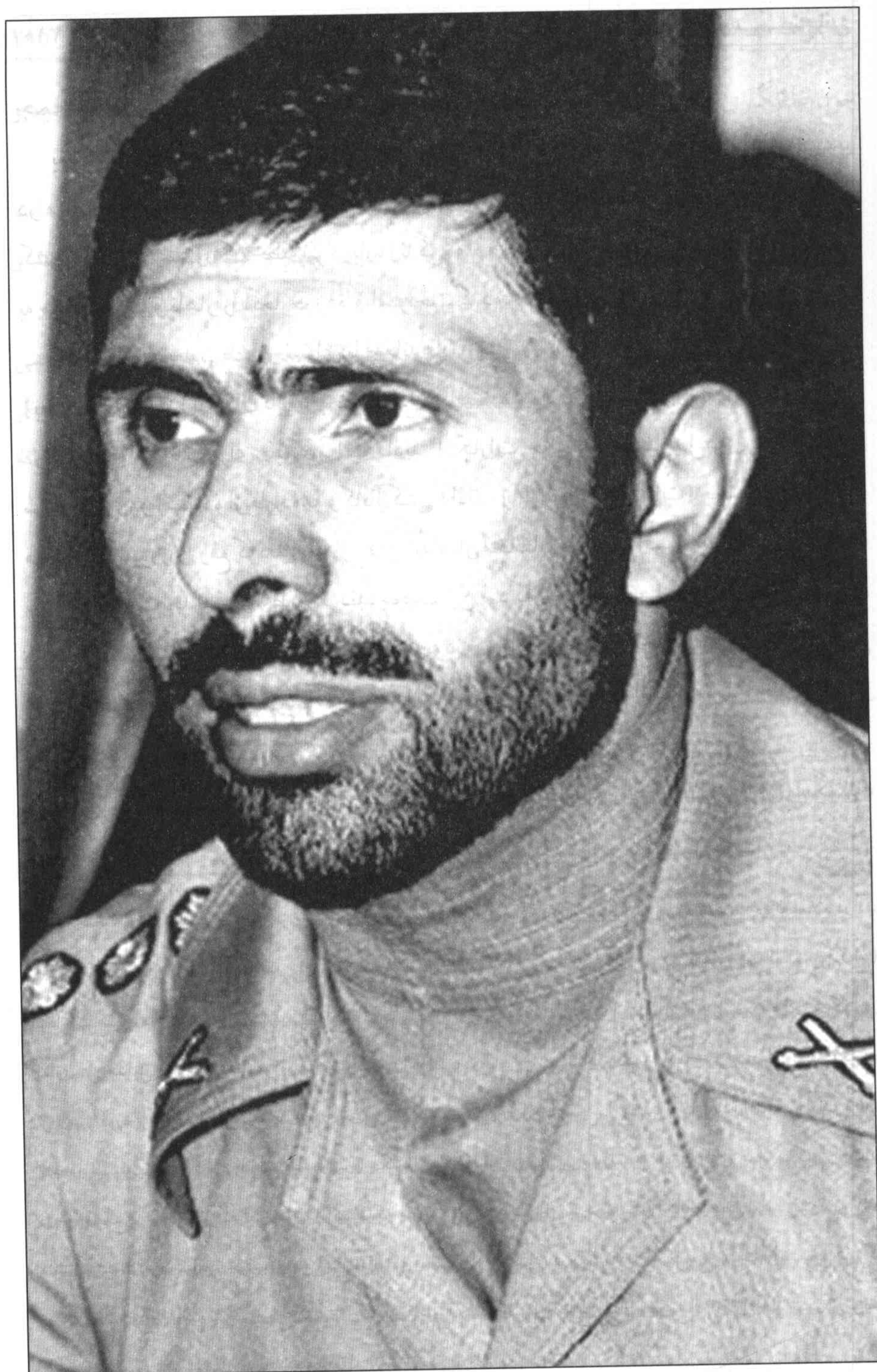
ظهر، آقای [کمال] نیکروش به دفتر آمد و اصرار زیادی برای لزوم تعویض دولت، به خاطر ضعف مدیریت آن داشت؛ ولی جانشینی غیر از من و آقای مهدوی کنی برای آن در نظر نداشت که [ما این کار را] صلاح نمی‌دانیم.

ساعت سه و نیم عصر، آقای صیاد شیرازی آمد و توضیحاتی درباره "طرح اروند" داد که مطلب تازه‌ای نداشت؛ منظورش آماده کردن من، برای برخورد با مخالفان طرح، در جلسه امروز بود. ساعت پنج، جلسه‌ای با حضور فرماندهان لشکرهای عمل کننده عملیات آینده و مسئولان قرارگاه‌ها داشتیم. دو سه نفر، موافق و اکثریت مخالف طرح بودند. [آیت‌الله خامنه‌ای] رئیس جمهور که قرار بود در جلسه باشد، شرکت نداشتند. هدف جلسه، مشورت بیشتر برای قانع شدن یک طرف [موافق یا مخالف طرح] بود. مخالفان بیشتر برروی مشکل [عدم وجود] مدارک [از نیروهای عراقی] و عبور [از آب] و عدم آشنائی با زمین [دشمن] و عدم تمرین نبرد در نخلستان و... تکیه می‌کردند و مخصوصاً عدم رعایت حفاظت؛ تا ساعت ده شب، بحث کردیم. شام، همان‌جا صرف شد و متفرق شدیم. دیر وقت به خانه رسیدم.[1]

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

آرای نمایندگان تصویب شد.

۱- در این روز همچنین، مربیان آموزش قرآن سازمان تبلیغات اسلامی با ایشان دیدار کردند. در این دیدار آقای هاشمی مطالبی درباره عظمت قرآن، لزوم فراگیری و درک معانی این کتاب الهی بیان کرد. در بخشی از این سخنرانی آمده است: "هرکس به اندازه نزدیک شدنش به قرآن، می‌تواند از آن بهره بگیرد. هر چه قدر انسان با سوادتر و دنیادیده‌تر باشد، بیشتر می‌تواند از قرآن استفاده کند. مضامین قرآن به درد تمام زندگی می‌خورد. در جبهه‌ها، روحیه می‌بخشد، در میدان اقتصادی الهام می‌دهد، یک سیاستمدار اداره کننده جامعه را راهنمایی می‌کند و یک خانم خانه‌دار را برای تربیت فرزندانش تجهیز می‌کند و به معلم‌ها نیز یاد می‌دهد که چگونه شاگردها را تربیت کنند و برای یک واعظ نیز بهترین راهنماست." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.



شهید علی صیاد شیرازی – فرمانده نیروی زمینی ارتش

جمعه ۵ مرداد ۱۳۶۳

بعد از نماز، تا ساعت ده‌ونیم صبح در منزل مطالعه می‌کردم. نماز جمعه [تهران] را اقامه کردم.[۱] در مورد تظاهرات ضدبی‌حجابی در هفته گذشته و برخورد آنها با کمیته [انقلاب اسلامی] و وزیر کشور، مطالبی گفتم و یک خطبه نیز درباره زندگی امام صادق(ع) [صحبت کردم]. بعد از نماز جمعه به مجلس رفتم و ناهار را آنجا خوردم و استراحت کردم.

ساعت چهار بعد از ظهر، جلسه‌ای با فرماندهان ارتشی و سپاهی تشکیل شد. آقای خامنه‌ای هم [به جلسه] رسیدند؛ به روال دیروز بحث‌ها ادامه یافت. مسئولان جهاد سازندگی، توضیحات خوبی درباره تهیه امکانات برای عبور از آب دادند. ابتکارات جالبی در تعمیر پل‌های پی.ام.پی و ساحل‌سازی و استفاده از طراده‌ها و کانال‌کشی دادند. [با ارائه این ابتکارات]، بخشی از اشکالات مهم جلسه دیروز را رفع کردند. بعد از رفتن آنها، باز مخالفان طرح، از افسران ارتش و فرماندهان سپاه، مشکلات جدیدی را مطرح کردند. عجیب این بود که آقای [محسن] رضائی و آقای موسوی قویدل که خودشان طرح را تهیه و امضاء کرده بودند، به شدت با طرح مخالفت کردند و تقریباً هیچ کس در موافقت صحبت نکرد. آقای صیاد [شیرازی] تنها موافق طرح است که ایشان نیز دفاعی از طرح نکرد.

گویا آقای رضائی و مشاور ارتش، طرح دیگری در نظر دارند و نمی‌خواهند فعلاً آن را بگویند،

۱- در خطبهٔ اول، خطیب جمعه به بررسی زندگی امام صادق(ع) در مناسب‌ترین مقاطع تاریخ و وضعیت جهان اسلام در آن زمان، موضع‌گیری امام صادق(ع) در برابر انبوه مشکلات، وظیفه سنگین رهبران در قبال مردم، کارهای مهم امام صادق(ع) پرداخت. سپس در خطبه دوم، نقش آیت‌الله طالقانی در تحکیم نماز جمعه، هدف اُمت از شرکت در نماز جمعه و لزوم شرکت در نماز، حل مسایل انقلاب توسط مردم، ماهیت انقلاب اسلامی، اوضاع سیاسی نظامی کشور، ادعای غرب دربارهٔ حقوق بشر و تروریسم مورد بررسی قرار گرفت. ایشان در بخشی از خطبه دوم، دربارهٔ اوضاع سیاسی گفت: "آنهایی که اعتراف دارند، صدام متجاوز است، یک دادگاه صالح تشکیل دهند و حکم را صادر کنند، در غیر این صورت ما طور دیگری عمل می‌کنیم." ایشان دربارهٔ مسأله بی‌حجابی نیز گفت: "هنوز نیاز نیست که مردم به این صورت برای بی‌حجابی به خیابانها بریزند، هر وقت لازم باشد مانند گذشته از مرد خواهیم خواست. من اعتقاد دارم که فحش و اهانت برای درست کردن کار صحیح نیست. باید سعی شود که تعادل حفظ شود و اهانت نشود." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های نماز جمعه سال ۱۳۶۳، جلد ششم،" زیر نظر محسن هاشمی، دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

چون غافلگیری عنصر مهم در موقعیت عملیات سپاه است و گفتن طرح، خطر افشا شدن را دارد و من هم رازداری در این مورد را قبول دارم و فشاری وارد نمی‌کنیم که بگویند.

اواخر شب با مسئولان قرارگاه‌ها، جلسه دیگری گذاشتیم. برای جمع‌بندی نظرات، پیشنهادات دیگری در اجرای عملیات در منطقه، مطرح و قرار شد ظرف چهل و هشت ساعت بررسی کنند و نظر نهائی را روز دوشنبه بیاورند.

شام را با هم در مجلس خوردیم و متفرق شدیم. یکی از فرماندهان سپاهی به طور خصوصی گفت که چون فرماندهان اصلی سپاه مخالفند، نمی‌گذارند موافقان سپاهی در جلسات، نظر خودشان را بدهند؛ حتی افسران ارتش را هم [از اظهار نظر موافق] منع می‌کنند. دیر وقت به خانه آمدم.

شنبه ۶ مرداد ۱۳۶۳

بعد از نماز صبح، دو سه روز عقب افتادگی تدوین خاطرات را جبران کردم. احمد آقا آمد از برداشت «نرمش» از سخنان دیروز من در نماز جمعه، توسط غربیها گفت که توجه به پذیرش راههای سیاسی برای ختم جنگ را داشته‌اند. دیگران هم این نکته را گفتند. این اظهارات من دو هدف دیگر را هم دنبال می‌کند: ۱-کم کردن شرارت‌های بعثی‌ها در زدن شهرها و کشتی‌ها ۲-کم کردن خطر افشای عملیات سرنوشت ساز که ورد زبان ما شده است؛[1] راجع به ملاقات چند نفر از

۱- رادیو بی. بی. سی در این باره گفت: "به نظر می‌رسد رهبران ایران، بالاخره به بررسی امکان دستیابی به راه حلی از طریق مذاکره پرداخته‌اند. نشانه تجدید نظر رهبران ایران در سیاستشان، اظهارات اخیر حجت‌الاسلام رفسنجانی رئیس مجلس ایران است که سابقاً لحن سخنانش در مورد جنگ بسیار تند بود و از پیروزی نظامی ایران برعراق سخن می‌گفت، اما وی در خطبه نماز جمعه ۲۸ ژوئیه به امکان یافتن راه حلی برای خاتمه جنگ از طریق دیپلماتیک اشاره کرد." روزنامه بوستون گلاب چاپ ایالات متحده هم درگزارشی با عنوان "ایران خواستار صلح است" نوشت: "برای نخستین بار، یکی از رهبران بلندپایه جمهوری اسلامی ایران، آشکارا اعلام داشته، اکنون تهران راه دیپلماتیک را برای پایان بردن به جنگ با عراق را دنبال می‌کند. علی اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی و رهبر ستیزه جوترین جناح در کادر رهبری ایران در مراسم نماز جمعه در تهران اظهار داشت جمهوری اسلامی این هدف را که صدام حسین به خاطر آغاز جنگ باید مجازات شود به کناری ننهاده است، اما خواستار آن است که این امر از راههای دیپلماتیک و به گفته وی از طریق یک دادگاه صاحب صلاحیت انجام پذیرد."

نمایندگان مخالف دولت با امام هم، اطلاع داد که امام [با خواستهٔ آنها] موافقت کرده‌اند. در مورد لزوم محدود کردن قدرت فشار دادستان انقلاب تهران، بر متهمان سیاسی هم صبحت شد. خلاصه مذاکرات، در جلسه با نظامیان را، گفتم که خدمت امام برسد.

شورای سرپرستی صداوسیما در منزل ما جلسه داشت. در این جلسه، آئین‌نامه طبقه‌بندی اخبار، تصویب شد و سیاست برخورد با انتقادگران از صداوسیما تعیین گردید. عصر، آقای [عبدالمجید] معادیخواه آمد؛ راجع به [تدوین] تاریخ انقلاب بحث شد.

خانواده شهید علم‌الهدی اهوازی آمدند و برای انتقال به تهران مشورت می‌کردند؛ از بنیاد شهید آنجا رنجش دارند و قرآنی که همراه جسد شهیدشان ۳۸ ماه در زیر خاک مانده بوده، آوردند که امضای من را بگیرند؛ امضاء کردم.

شب به تماشای تلویزیون و خواندن گزارشها گذشت. [آقایان محمد غرضی] وزیر نفت و [میرحسین موسوی] نخست وزیر، تلفنی درباره پایین آمدن قیمت نفت در بازارهای جهانی، اظهار ناراحتی کردند. با [آیت‌الله خامنه‌ای] رئیس جمهور درباره نتیجه جلسات با نظامیان و برنامه جلسه آینده، تلفنی صحبت کردم.

یکشنبه ۷ مرداد ۱۳۶۳

در جلسه علنی [مجلس]، اصلاح آئین‌نامه اخذ رأی اعتماد برای دولت مطرح بود. ظهر، آقای [عبدالله] عطائی نماینده سنندج به دفترم آمد و از عملکرد مسئولان در استان کردستان گله داشت. چند نفر از نمایندگان استان کرمان آمدند و از استاندار کرمان گله داشتند و از من می‌خواستند [از استاندار] حمایت نکنم.

عصر، در جلسه شورای مرکزی حزب [جمهوری اسلامی] شرکت کردم. بحث بیشتر درباره کابینه [دولت] بود و با اینکه در مذاکرات، اختلاف وجود داشت اما به نتایج خوبی رسیدیم. اول شب، جلسه شورای داوری حزب [جمهوری اسلامی] تشکیل شد که رأی به صلاحیت آقای دکتر [عبدالله]جاسبی داده شد، که از طرف آقای [سید محمد رضا]بهشتی مورد شکایت قرار گرفته بود. آقای [علی‌اکبر] ناطق نوری [وزیر کشور] درباره اظهارات من درباره تظاهرات ضدبی‌حجابی حزب‌اللهی‌ها در نماز جمعه، گفت که لازم بود وزارت کشور را بیشتر تائید می‌کردم.

نخست وزیر هم، از سیاست وزارت نفت در خصوص فروش نفت، اظهار تردید کرد. قرار شد

تحقیق کنیم. [مسئولان وزارت نفت] با فروش نفت بیشتر، مخالفند و تلاش لازم را نمی‌کنند.

دوشنبه ۸ مرداد ۱۳۶۳

امروز هم به خاطر تراکم کارها، جلسه علنی گذاشتیم. طرح دوفوریتی تمام شد و برخلاف انتظار، شورای نگهبان در نظرات خود، سیاست ضد دولت بکار نبرد، بلکه محدودیت‌هائی راکه مجلس برای حق تقاضای رأی اعتماد دولت، درست کرده بود، رفع کرد. چند اعتبارنامه هم تصویب شد.

ظهر چند ملاقات داشتم. آقای صیاد شیرازی [فرمانده نیروی زمینی ارتش] آمد. گزارشی از نظریه مسئولان ستادها و قرارگاه‌ها داد و تأکید برضرورت انجام عملیات داشت. در مورد طرح توضیح داد. عصر، با حضور آقای خامنه‌ای، جلسه‌ای با آقایان صیاد و محسن رضائی داشتیم. صیاد از طرح اروند (والفجر ۷) دفاع کرد ولی آقای رضائی مخالف بود. پس از مقداری بحث، معلوم شدکه ایشان به طورکلی با عملیات در جنوب مخالف است و از اول هم مخالف بوده‌اند. به ایشان اعتراض شد که چرا چند ماه وقت مملکت و این همه نیروها را تلف کرده و با صراحت برخورد نکرده‌اند؛ جواب درستی نداشت و طرح درستی برای عملیات، در جای دیگر هم نداشت.

آقای خامنه‌ای پیشنهاد کردند که فرماندهی عملیات جنوب به آقای صیاد واگذار شود، که قبول دارند. من هم پذیرفتم و قرار شد با امام در میان بگذاریم. محسن رضائی ناراحت و جلسه ختم شد؛ البته بعید است، با فرض مخالفت فرماندهان سپاه، عملیات وسیعی را بشود سامان داد ولی باید مشکل را حل کرد.

سپس با [آیت‌الله خامنه‌ای] رئیس جمهور مقداری درباره کابینه صحبت کردیم. ایشان با چند وزیر از وزرای موجود، مخالفند ولی راهی برای اعمال نظر خود در این مرحله ندارند و مایل نیستند که من در مجلس از آنها دفاع کنم.

شب در مجلس ماندم وکارهای عقب افتاده را انجام دادم. عفت، تلفن کرد و از اینکه به منزل نمی‌روم، اظهار ناراحتی کرد ولی چاره‌ای نیست. از لحاظ امنیتی، درست نیست که هر روز بین خانه و مجلس رفت و آمد کنم و وقت زیادی هم در راه تلف می‌شود.



دفتر رئیس

بسمه تعالی

شماره ۲۳۳۸/م د ع

تاریخ ۶۰/۶/۸

پیوست ....

رزمنده بزرگوار و عزیز

نامه پرشورت را زیارت کردم. این شاهدها باعث‌اند که انقلاب و اسلام را عزیز و مقتدر و سربلند نگاه دارند. انشاءالله خداوند رحیم و غفور [illegible] دیگران را که [illegible] محرومان را از [illegible] دستگاه‌های دروغ و دجال [illegible] خودشان [illegible] ما را هم دعا کرده‌اید [illegible] [illegible] را [illegible] داریم [illegible] به [illegible] دوستان خود سلام برسانید.

اکبر هاشمی

پاسخ به نامه یک رزمنده

سه شنبه ۹ مرداد ۱۳۶۳

در جلسه علنی، اعتبارنامه آقای [احمد]آذری قمی مطرح بود. جلسه پر هیجان و مشکلی بود؛ مطالب ناروائی هم [در این جلسه]گفته شد.[1] هم به سازمان تبلیغات اسلامی حمله شد و هم به جامعه مدرسین و.... جلسه را بعد از تنفس به آقای [محمد]یزدی سپردم و برای انجام کارهای متفرقه به دفترم آمدم.

ظهر، آقای [علی محمد] بشارتی [قائم مقام وزیر امور خارجه] آمد و گزارش سفر خود به نیکاراگوئه را داد. پیغام رهبران آنها را آورد که از ما کمک می‌خواهند. از گرفتاری‌های شدید اقتصادی و سیاسی آنها گفت. آقای [محسن]رفیق‌دوست [وزیر سپاه پاسداران] هم آمد؛ برای مطالب مورد مذاکره در سفر به سوریه و لیبی که در پیش دارد، مشورت کرد. چیزهائی درباره خرید موشک و... گفتم، و از موضع سپاه در رابطه با عملیات و جنگ انتقاد کردم.

عصر گروهی از مسئولان نفت جنوب آمدند. از آقای [محمد]غرضی وزیر نفت گله داشتند که نیروهای متخصص غیرمتعهد را بر حزب‌اللهی‌ها مسلط کرده است؛ ولی حرف مستدل درستی نداشتند. سفیر ژاپن آمد. بیشتر در صدد این بود که موضع ما را در ارتباط با جنگ و عربستان و... بفهمد؛ مدعی صداقت سیاست ژاپن با ما بود.[2] [آقای عباسعلی زالی] وزیر کشاورزی آمد و نظراتی درخصوص لزوم آزاد گذاردن کشاورزان، اصلاح وضع اراضی دیمی، دادن وسائل و

۱- هنگام طرح پرونده انتخاباتی آقای احمد بیگدلی (آذری قمی) از حوزه انتخابیه قم، گزارش کمیسیون تحقیق در ارتباط با این پرونده قرائت شد. سپس آقای عباس دوزدوزانی و آقای مُطّلب دشتی، معترض به پرونده انتخاباتی آقای آذری قمی، هر یک به طور مفصل اعتراض خود را بیان داشتند. سپس آقای آذری قمی از خود دفاع و اتهامات وارده را رد کرد. پس از دفاعیات، اعتبارنامه وی با ۱۶۴ رأی موافق و ۲۰ رأی ممتنع و ۹ رأی مخالف به تصویب نمایندگان مجلس شورای اسلامی رسید.

۲- در این دیدار، سفیر ژاپن از توسعه روابط دو کشور در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی ابراز خشنودی کرد و اظهار داشت: امیدوارم در زمینه‌های فرهنگی و ورزشی هم همکاریهای داشته باشیم. از عدم حمله برکشتی‌ها در خلیج فارس امروز احساس رضایت آرامش داریم و از ایران به خاطر اینکه به کشتیها حمله نمی‌کند و شهرها را نمی‌زند و از بمب شیمیایی استفاده نکرده، سپاسگزاریم. آقای هاشمی رفسنجانی نیز گفت: چیزی را که همه می‌دانند، این واقعیت است که صدام جنگ را آغاز کرده و باید هم محاکمه شود. اگر این شرایط تحقق یابد، فکر می‌کنم ما را به پایان جنگ نزدیکتر کند. کشورهای منطقه باید اطمینان داشته باشند، اگر دست از حمایت صدام بردارند، در صلح و آرامش در کنار ما زندگی خوبی خواهند داشت.

قطعات و حمایت از کشاورزان مطرح کرد. طرحی برای حل مشکل اراضی کشاورزی آورده بود که گفتم بین نمایندگان [مجلس] توزیع شود.

آقای [سیدجمال] ساداتیان، کاردار ایران در انگلستان آمد. گزارشی از وضع سیاست انگلیس با ما و ایرانی‌های مقیم انگلستان داد. گفت حدود دو هزار نفر ایرانی در آنجا هستند که اکثریت آنها بی‌تفاوتند؛ جمعی موافق و جمعی مخالف با جمهوری اسلامی و نصف آنها بعد از انقلاب رفته‌اند. [آقای میرحسین موسوی] نخست وزیر، تلفنی درباره کیفیت بحث در مجلس و اعضای کابینه مشورت کردند. شب به خانه آمدم. بچه‌ها رفته بودند، فالوده شیرازی بخورند. در اخبار گفته شد که یک هواپیمای فرانسوی، ربوده شده و به ژنو رفته است و احتمال می‌دهند به ایران خواهد آمد.[۱]

چهارشنبه ۱۰ مرداد ۱۳۶۳

ساعت هفت صبح معلوم شد، هواپیما پس از رفتن به بیروت و قبرس، بالاخره در فرودگاه مهرآباد نشسته است؛ باید منتظر حوادث بعد بود. با آیت‌الله خامنه‌ای و احمد آقا برای مهمانی امشب سران قوا در منزل ما صحبت کردم. وقت ملاقات با امام را عصر گذاشتیم.

از اعضای هیأت رئیسه مجلس، تلفن کردند که بعضی‌ها می‌گویند چون قانون کیفیت اخذ رأی اعتماد تازه تصویب شده و باید پانزده روز تا اجرای آن بگذرد، نمی‌توانیم فردا برنامه رأی اعتماد داشته باشیم. گفتم، ظاهراً این موضوع مربوط به قوانین عادی است، نه آئین‌نامه داخلی و در عین حال، باید در هیأت رئیسه مجلس، بحث و اتخاذ تصمیم شود.

احمد آقا و صادق طباطبائی آمدند. صادق اطلاع داد که هفت میلیون دلار از موجودی طرف کلاهبردار معامله تانک ـ که گم شده بود ـ پیدا شده و برای پس گرفتن آن اقدام شده و به نتایجی رسیده و اکنون امر [رسیدگی به آن] دایر است. [مشورت می‌خواست]، بین اینکه چند سالی تا نتیجه

۱- هواپیمای بوئینگ ۷۲۷ متعلق به شرکت هواپیمائی «ایرفرانس» با ۵۸ مسافر و ۶ خدمه از فرانکفورت به مقصد پاریس در پرواز بود و توسط سه لبنانی در ساعت ۷ بعدازظهر در مسیر فرانکفورت ـ پاریس ربوده شد. این هواپیما پس از یک توقف کوتاه در بیروت، عازم فرودگاه «لارناکا» در قبرس شد و پس از سوختگیری به طرف ایران پرواز کرد. علیرغم اعلام مکرر نیروی هوائی ارتش ایران و هواپیمایی کشوری، مبنی بر بسته بودن کلیه فرودگاه‌های ایران، این هواپیما وارد حریم هوایی ایران شد و در فرودگاه مهرآباد به زمین نشست.

جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره

تاریخ ۶۳/۵/۱۹

پیوست

بسمه تعالی

جناب دانشمند محترم حجت‌الاسلام آقای حکیمی

«الحیات» ج ۵ و ۶ و «خورشید مغرب»

نامه جنابعالی و کتاب‌های اهدائی‌تان رسید. خیلی متشکرم. الحمدلله خوب توفیق یافته‌اید گوشه‌ای از معارف مطلوب اسلام را برشته تحریر درآورید و در تحرک جدید حیات فکری و نوین انقلاب اسلامی جنابعالی و اخویتان سهم دارید. خداوند توفیقتان را زیادتر نماید.

۶۳/۵/۱۹

اکبر هاشمی

پاسخ به نامه استاد محمود حکیمی



دادگاه صبر کنیم، و یا اینکه حدود دو سوم آن را بگیریم.

هواپیما ربایان در فرودگاه مهرآباد، سوخت و غذا خواسته‌اند. عصر، با رئیس جمهور، خدمت امام رسیدیم. وضع جبهه‌ها و اختلاف نظر صیاد [شیرازی] را با فرماندهان سپاه و ارتش گفتیم. در مورد سپردن فرماندهی عملیات [جنوب] به آقای صیاد[شیرازی] که ایمان به آن دارد، سئوال کردیم. ایشان به شرط وجود پذیرش [فرماندهی صیاد شیرازی] از طرف فرماندهان لشکرهای عمل کننده، موافق بودند و درخصوص علت ضعف روحیه یا کوتاه آمدن سپاهیان [در انجام عملیات]، سئوالاتی مطرح فرمودند.

شب، سران قوا مهمان من بودند. درباره حدود دادن اخبار رده «خیلی محرمانه» و «سری» به نمایندگان و وزراء و همچنین اختلافات شورای عالی قضائی با دادستان انقلاب تهران، در مورد تصدی زندانها و آزاد کردن توابین، بحث شد. آقای [علی]شمخانی [قائم مقام فرمانده کل سپاه] آمد و توضیحاتی درباره حادثه هواپیماربائی و هواپیماربایان داد و تصمیماتی اتخاذ شد.

پنجشنبه ۱۱ مرداد ۱۳۶۳

صبح زود به مجلس رفتم. گزارشها را خواندم. هواپیماربایان خواسته خود را اعلام کرده‌اند: «آزادی زندانیان مربوط به حمله به خانه بختیار در فرانسه» و مهلت کمی داده‌اند.[1] [آقای هانس دیتریش] گنشر وزیر خارجه آلمان، از من خواسته است که برای نجات گروگانها و تمدید مهلت تلاش کنیم.

در جلسه علنی مجلس، چند لایحه و طرح داشتیم. قرار بود تقاضای رأی اعتماد به دولت مطرح شود. اشکال قانونی پیش آمد. رفع اشکال با یک طرح سه فوریتی انجام شد:[2] «اجازه اجرای قانونی قبل از گذشت ۱۵ روز».

ظهر، آقای صیاد [شیرازی] آمد. از ایشان در مورد اقدام به عملیات در صورت ارجاع فرماندهی عملیات به او و حدود امکانات برای پیروزی، توضیحاتی خواستم.

عصر، مدیران و رؤسای آموزش و پرورش که در تهران سمینار دارند، آمدند. برای آنها سخنرانی کردم؛[3] روی تربیت تکنسین در دوره‌های کوتاه مدت تکیه کردم. آقای [محمد]عبائی

۱- ربایندگان هواپیما، پس از ساعت‌ها امتناع از مذاکره با مقامات ایرانی، سرانجام شرایط خود را عنوان کردند: "آنها خواستار آزادی پنج تن از یاران خود شدند ـ که در زندان فرانسه هستند ـ و تهدید کردند در صورتی که تا ساعت ۹ صبح پنجشنبه ۶۳/۵/۱۱ این پنج تن آزاد نشوند، از آن پس در هرساعت یک مسافر را خواهند کشت. این پنج تن عبارت بودند از: پناه غری، شرء، انیس نقاش، مهدی نژاد تبریزی و جواد جناب."

۲- هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی به خاطر جلوگیری از ایجاد شبهه و اجرای دقیق قوانین، بررسی تقاضای رأی اعتماد نخست وزیر را ـ که قبلاً نیز اعلام شده بود ـ از دستور جلسه خارج کرد. برای تسریع در بررسی این تقاضا، طرحی به قید سه فوریت تقدیم مجلس شد که مورد تأیید اکثریت نمایندگان قرار گرفت. براساس این طرح، شبهه‌ای که از نظر قانونی برای طرح سریع تقاضای رأی اعتماد پیش آمده است، از میان رفت.

۳- رؤسای مناطق آموزش و پرورش کشور به اتفاق آقای اکبر پرورش وزیر آموزش و پرورش و چند تن از معاونین این وزارتخانه با ایشان دیدار کردند. در این دیدار، ابتدا وزیر آموزش و پرورش پیرامون اهداف تشکیل سمینار سالانه رؤسای مناطق آموزش و پرورش، مطالبی بیان داشت. سپس آقای هاشمی در سخنانی گفت: "اگر فکر کنیم اصلاحاتی که بعد از انقلاب درخصوص تغییر شیوه تعلیم و تربیت داده‌ایم کافی است، این تصور اشتباه است و با منطق سازگار نمی‌باشد. ما هرگز نمی‌توانیم به حرکات محدود

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

[خراسانی] و آقای [محمد] جعفری آمدند. از اظهارات آقای [احمد]آذری قمی در مجلس، علیه دفتر تبلیغات [اسلامی قم]گله داشتند و خواهان اجازه دفاع بودند.[1] معاونان پارلمانی وزرا آمدند. نیازهایشان راگفتند و من هم صحبت کردم.[2] آقای دعائی از حزب[جمهوری اسلامی] یزد آمد و از مخالفتهای آقای [محمد علی] صدوقی با حزب و اینکه آقای [شیخ فضل‌الله]محلاتی مانع دبیری آقای ناصری می‌شود، گله داشت.

آقایان [محسن] رفیق‌دوست و ابوخالد ـ فرستاده عرفات ـ آمدند. [آقای ابوخالد] اطلاعاتی از داخل کمیته صلح اسلامی در جده و مواضع هریک از آنها و تصمیمات کمیته داد. از سیاستمداری [یاسر] عرفات [رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین ـ ساف ـ]گفت. از من خواست که نامه‌ای به عرفات بنویسم و او را به اتخاذ مواضع صحیح تشویق کنم و راه را برای آمدن عرفات به ایران،

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

در تغییر سیستم آموزش و پرورش قانع شویم و با توجه به اینکه نقص‌ها وکمبودها کم و بیش شناخته شده است، آموزش و پرورش باید بیشتر از ارگانهای دیگر به رفع عیوب بپردازد. بهتر است تحصیلکرده‌ها و درس خوانده‌های ما از اینکه دست به بیل و آچار اتومبیل و غیره بزنند عار نداشته باشند، این طرز تفکر و روحیه غلط باید در اذهان تحصیلکرده‌های ما از میان برود، اگر ما بخواهیم نظام درستی داشته باشیم، بسیاری از کارمندان فعلی دولت، اضافی هستند و باید زمینه کارهای مفیدتری برایشان فراهم گردد." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۱- در جلسه نهم مرداد، آقای زین‌العابدین قربانی نماینده آستانه اشرفیه، در دفاع از اعتبارنامه آقای سید خاوری نماینده لنگرود ـ رقیب حجت‌الاسلام محمد جعفری ـ مطالبی را بیان نمود. در پی آن حجت‌الاسلام سید هادی موسوی از روحانیون استان گیلان در نامه سرگشاده‌ای به آقای هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی، از اظهارات آقای قربانی به شدت انتقاد کرد.

۲- در بخشی از این سخنرانی آمده است: "معاونین پارلمانی وزارتخانه‌ها باید وقت زیادتری را صرف کارهای مجلس کنند و تا آنجاکه می‌توانند مسئولیت‌های دیگر را نپذیرند. مجلس نیز باید برای غنی کردن طرحها و لوایح از معاونین پارلمانی وزارتخانه‌ها استفاده لازم را ببرد. باید شما دبیرخانه‌ای در مجلس داشته باشید که هر کس با شما کار داشت، بتواند از طریق دبیرخانه با شما تماس بگیرد. این کار چند خاصیت دارد، یکی آنکه کارهای نمایندگان در ارتباط با وزارتخانه‌ها حل می‌شود. دوم آنکه برای دولت دریچه‌ای مطمئن برای ارتباط منسجم‌تر با مجلس باز خواهد شد و جزئیات کارهای مجلس به گوش مسئولان اجرایی خواهد رسید. مسأله دیگر اینکه این دبیرخانه می‌تواند وسیله‌ای برای تحقیق از وضع مردم باشد." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

درست کنم. عصر خبر رسید، هواپیمارباها، هواپیما را منفجر کرده‌اند.[۱] ناراحت شدم. از ظهر کمی تب داشتم؛ با مسکّن به کارها ادامه دادم. شب، با خستگی و تب به خانه آمدم.

جمعه ۱۲ مرداد ۱۳۶۳

به خاطر کسالت، از آقای خامنه‌ای خواستم که نماز جمعه را اقامه کنند. ایشان آمادگی نداشتند، ولی چاره‌ای نبود. تمام طول روز، در منزل بودم؛ کسالت داشتم. استراحت کردم و کمی هم مطالعه، وقتم را پر کرد. گزارشها را آوردند، خواندم. هنوز روی حادثه ربوده شدن هواپیمای فرانسوی بحث می‌شود. ابهاماتی ایجاد می‌کنند و ضمن اعتراف به تلاش ایران در ختم خوب حادثه، بعضی‌ها می‌خواهند بگویند، ایران در این حادثه دست داشته است.[۲]

۱- شرایط ربایندگان هواپیما، به اطلاع کاردار سفارت فرانسه در تهران رسید. به وی تأکید شد که ایران سعی خواهد کرد تا از طریق مذاکره، ماجرا پایان پذیرد و نیز از دولت فرانسه خواسته شد که برای نجات جان مسافران همکاری لازم را با ایران داشته باشد. ساعت ۱۵/۴۵ دقیقه ـ اندکی قبل از ضرب الاجل تعیین شده ـ خلبان هواپیما از طریق بی‌سیم، در پیامی برای کاردار سفارت فرانسه از او خواست قبل از تمام شدن ضرب‌الاجل ربایندگان هواپیما، هرگونه اقدامی را که لازم است به مرحله عمل درآورد. بالاخره ربایندگان هواپیمای ایرفرانس، ساعت ۱۷/۱۰ دقیقه پنجشنبه ۱۱ مرداد ۱۳۶۳، کابین خلبان هواپیما را منفجر کردند. در این انفجار به کسی آسیبی نرسید، زیرا آنها دقایقی قبل از انفجار، سرنشیان، خدمه و خلبان را از هواپیما خارج و بر روی باند مستقر کرده بودند. در ساعت ۱۸/۱۰ دقیقه سه ربایندهٔ هواپیما، خود را تسلیم مقامات ایرانی کردند.

کلیه سرنشینان هواپیمای ربوده شده، خدمه و خلبان هواپیمای ۷۲۷ شرکت ایرفرانس، ساعت ۱۶ و ۳۰ دقیقه روز جمعه ۱۲ مرداد ماه ۱۳۶۳ با یک فروند هواپیمای اختصاصی ۷۲۷ این شرکت، تهران را به مقصد پاریس ترک کردند.

۲- مطبوعات پاریس، ضمن اشاره به قدردانی کاردار سفارت فرانسه در تهران از مسئولین ایران به خاطر حل این مسأله، روی سخنان فرانسوا میتران تأکید کردند. میتران رئیس جمهور فرانسه برخلاف کاردار خود در تهران، نه تنها از مقامات ایران تشکر نکرد، بلکه از سکوت مقامات ایرانی و از کمبود اطلاعات در جریان قضیه در تهران انتقاد کرد و افزود: «از این قضیه بعداً نتیجه گیری خواهد شد.» مطبوعات و رسانه‌های گروهی فرانسه، ربوده شدن بوئینگ ۷۲۷ ایرفرانس را یک صحنه سازی بین‌المللی و با همکاری و همیاری مسئولین ایرانی توصیف کردند.

شنبه ۱۳ مرداد ۱۳۶۳

بعد از نماز صبح و احساس سلامتی نسبت به وضع دیروز، مشغول مطالعه شدم. ساعت نه صبح، احمد آقا آمد. گفت [محسن رضایی] فرمانده سپاه به امام نامه نوشته و وضع جبهه‌ها و عملیات را توضیح داده است، و از فشاری که برای انجام عملیات وارد می‌آید، گله کرده و گفته به ما اگر مهلت بدهید، دو ساله جنگ را با پیروزی تمام می‌کنیم. درباره دبیرخانه ائمه جمعه و بعضی از ائمه جمعه هم صحبت شد.

شورای سرپرستی صداوسیما جلسه داشت؛ درباره اجاره کردن فرستنده [رادیو تلویزیونی] از [کشور] مالت برای زیر پوشش درآوردن آفریقا و جاهای دیگر، مذاکره شد. برای تعدیل در شرایط آنها و همچنین نسبت به شرکت در فرستنده رادیو تلویزیون در ایتالیا ـ که یک لیبیائی صاحب آن است ـ قرار شد تا هفته آینده مطالعه شود.

درباره فیلم [مستند] «جاده ابریشم»، که از زمان رژیم سابق ساخت آن شروع شده و به مشکلاتی دچار شده و مخارج زیادی برداشته، بحث شد. قرار شد برای اصلاح آن کار شود.

عصر، آقای محسن رضایی و آقای [علی] شمخانی آمدند. درباره عملیات آینده بحث کردیم. تلاش داشتند که بقبولانند، به زودی در جنوب کاری نمی‌شود کرد. من هم اوضاع و شرایط بین‌المللی را برای آنها توضیح دادم. بالاخره طرح نسبتاً جدیدی که [برای عملیات] داشتند، عرضه کردند. [طرح] پذیرفته شد. زمانی هم [برای انجام عملیات] معین شد و به طور موقت مشکل رفع گردید. شب، همشیره فاطمه و دخترش نصرت آمدند. تا دیر وقت بیدار بودیم.

گزارشها را آوردند، خواندم. رسانه‌های جمعی فرانسه، تلاش دارند ایران را شریک یا عامل اصلی هواپیماربائی اخیر معرفی کنند.[1] ما هم به روزنامه جمهوری اسلامی پیشنهاد کردیم که جواب

۱- روزنامه لیبراسیون چاپ پاریس در صفحه اول خود نوشت: "نشانه‌هایی دال بر ارتباط هواپیماربایان، لااقل با بخشی از رهبران ایران وجود دارد." روزنامه فیگارو با استناد به اظهارات آقای هاشمی رفسنجانی مبنی بر اینکه همه درها به روی فرانسه بسته نیست و نیز دیدار بی‌سروصدای صادق طباطبایی ازکاخ الیزه نوشت: "به نظر می‌رسد که ایران به این ترتیب دریچه‌ای جهت برقراری ارتباط با پاریس گشوده است. کشورهای چون انگلیس، آلمان غربی، ژاپن و ایتالیا که در مقایسه با فرانسه و آمریکا، شاید توجه کمتری به نقض حقوق بشر در ایران دارند، به صورت شرکای اقتصادی ایران در آمده‌اند. در حالی که موقعیت فرانسه

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

تبلیغات دروغ و موذیانه داده شود. تهاجم متقابل کنند که فرانسه زیر سئوال برود.

یکشنبه ۱۴ مرداد ۱۳۶۳

جلسه علنی مجلس داشتیم. تقاضای رأی اعتماد به دولت در دستور بود. [آقای میرحسین موسوی] نخست وزیر صحبت کرد.[1] مخالفین حرفهای مهم و تازه‌ای نگفتند. آقای [احمد]آذری قمی [نماینده قم] در مورد تأیید امام از دولت، اظهارات بدی کرد که خالی از اهانت به امام نبود و در مجلس مورد اعتراض قرار گرفت.[2] لابد بعد هم، بی‌مسئله نخواهد بود. من هم از دولت دفاع

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

نسبت به ایران با مشکلات عدیده‌ای روبرو است که مهمترین آنها حمایت فرانسه از عراق در جنگ با ایران و پناهندگی مخالفین ایرانی و حتی اخیراً حکم عطوفانه دادگاه در محاکمه پنج هواپیماربای ایرانی در پاریس و بالاخره ربوده شدن فوکر ایرانی و فرود آن در فرانسه و رد درخواست تحویل عاملین به ایران از سوی دولت فرانسه می‌باشد. با توجه به موارد اختلاف بین ایران و فرانسه، رژیم ایران به کمک این هواپیماربایی، شاید خواسته است، مسئولین فرانسوی را تنبیه کند و به آنان درس عبرتی بدهد. ایران به این ترتیب با یک تیر دو نشان می‌زند؛ اولاً پیش‌بینی یک سرانجام منصفانه برای این هواپیماربایی که یک وجهه تازه به مقامات ایرانی می‌دهد و ثانیاً این امر می‌تواند توسط افکار عمومی جهان به عنوان یک حرکت ناشی از حسن نیت ایران نسبت به فرانسه تعبیر شود!

۱- در این جلسه، مهندس میرحسین موسوی نخست وزیر سخنانی دربارهٔ اقدامات، مشکلات و برنامه‌های آتی دولت ایراد کرد. آقای هاشمی رفسنجانی نیز به عنوان موافق دولت گفت: "بنده شهادت می‌دهم که در شرایط موجود، یک دولت نیرومند مورد اعتماد مجلس فقط می‌تواند مشکلات را حل کند و عرض می‌کنم که اگر بخواهیم به جای این دولت، دولت دیگری را بیاوریم اولاً آن فرد مناسبی را که شما می‌گوئید ما که نمی‌شناسیم، ممکن است شما بشناسید برای کارهای دیگر مطرح بفرمائید. ثانیاً در حال جنگ با این شرایط، تعویض دولت برای مملکت بسیار گران تمام خواهد شد. امیدواریم که نمایندگان هر طور که خودشان مایل هستند و تشخیص می‌دهند، آزادانه رأی خودشان را بدهند."

۲- در این جلسه آقایان محمد میرزایی، ولی الله زمانی، احمد کاشانی و احمد آذری قمی در مخالفت با رأی اعتماد به دولت و آقایان هاشمی رفسنجانی، مهدی کروبی، هادی غفاری، صادق خلخالی، اسدالله بیات و محمد خزاعی در موافقت با رأی اعتماد به دولت آقای میرحسین موسوی صحبت کردند.

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

آقای آذری قمی در سخنان خود گفت: "در سطح جامعه و نمایندگان محترم، اینکه کم و بیش مرا وادار کرد که صحبت کنم این مطلب است که مخالفت با دولت را به عنوان مخالفت با امام و منتخب امام و مورد علاقه امام تلقی می‌کنند و خوشبختانه در آخر صحبت‌های آقای زمانی به برادر بزرگوارمان که من سابقاً افتخار می‌کردم و به خودشان هم گفتم که به وجود امثال آقای هاشمی افتخار می‌کنم و حالا هم همین طور دیدم با یک جمله این مطلب را فرمودند که فرمایش امام ارشادی است. این مسأله ولایت فقیه که این نظر شخص خود من است و به هیچ گروهی رابطه ندارد و اگر بناست چیزی خورده شود به سرخود من خورده شود. ما امتحانمان را در این کشور پس دادیم. یعنی بنده آذری قمی، آن روز که امام، مهندس بازرگان را انتخاب فرمودند که ما همان موقع هم قبول نداشتیم ولی سه هزار نفر از فضلا و طلاب قم و جامعه مدرسین حرکت کردند و گفتند: بازرگان، بازرگان، حمایت می‌کنیم. برای اینکه منتخب امام هستی. بنی‌صدر هم همچنین. عرض کنم قطب‌زاده هم همچنین. آن را هم امام اظهار می‌کردند، می‌شناسم تا آن موقعی که انحرافی نبود و می‌دانستیم مورد توجه امام هستند و حتی جناب آقای موسوی نخست وزیر محترم را هم همین اخیراً که ایشان تقویت کردند وگفتند دولت را تضعیف نکنید. پس ما از این جهت امتحانمان را پس دادیم و من خودم بحث ولایت فقیه را خیلی بحث کردم که فکر نمی‌کنم کسی به این حد بحث کرده باشد. بنابراین از این جهت مسأله‌ای نیست و من می‌خواستم عرض کنم که ما بزرگترین سرمایه‌ای که برای این انقلاب داریم، چه در حال و چه در آینده‌های دور، امام است. ما از امام، مایه نگذاریم. مطالبی و مسائلی را به وظیفه شرعی خودمان به این بهانه عمل نکنیم. امام به عنوان یک مرشد و ناصح امین باید به وظیفه‌اش عمل کند و به وظیفه‌اش هم عمل کرده و در مقاطع حساس هم می‌کند. آن نظر خودش را بیان می‌کند که چنین و چنان است. اما یک وقتی بامردمی که آنها مأمور به شور و بررسی هستند، با آنها صحبت می‌کند، یک وقتی با نمایندگان مجلس صحبت می‌کند که می‌گوید نمایندگان مجلس! این نظر من است و این نصیحت من است والا خود دانید. یعنی خودتان می‌دانید. اگر واقعاً در موضع، مسأله برخلاف است، یعنی شما که در جامعه، روستا و شهرها هستید با مشکلات و نقص‌ها و ضعف مدیریتها برخورد می‌کنید و امثال اینها، اینها باید خودشان به وظیفه‌شان عمل بکنند. من این را با کمال صراحت به شما عرض می‌کنم، اگر ما در اینجا تحقیق نکنیم و به صرف این مطلب که ولی فقیه فرموده، پس ما باید رأی بدهیم، عرض کنم که ما فردا خدا، پیغمبر(ص)، ملت و خود امام، ممکن است از ما مواخذه کند."

آقای هاشمی در پاسخ به سخنان آقای آذری قمی گفت: "من احساس کردم این اظهاراتی که بعضی از آقایان مخالفین فرمودند، کل انقلاب را زیر سوال برد. البته آنها با نهایت حسن نیت در موضوع صحبت کردند اما من از طرف کل انقلاب حرف

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

کردم. رأی اعتماد [به دولت] با ۱۶۳ رأی موافق و ۲۵ رأی ممتنع و ۲۱ رأی مخالف انجام شد. عصر هم جلسه ادامه داشت؛ چون خسته بودم به جلسه حزب [جمهوری اسلامی] نرفتم.

عصر، فرمانده نیروی دریائی آمد. برای اقدامات نظامی در دریا طرحی آورد که جالب و تازه نیست. شب در مجلس ماندم. گزارشها را خواندم. مسئله مهم و تازه جهانی، انفجار بیش از ۱۲ کشتی در دو سه هفته اخیر، در دریای سرخ در اثر برخورد با مین یا چیز دیگری است که خیلی مرموز است؛ عامل آن روشن نیست.[1] جهاد اسلامی آن را به عهده گرفته است. ولی بعید است، چنین قدرتی داشته باشد. بعضی دشمنان با کنایه [انفجار کشتیها را] به ما نسبت می‌دهند که این هم دروغ است؛ ممکن است توطئه عمیقی باشد.[2]

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

می‌زنم. در مورد اظهارات آقای آذری قمی البته ایشان در مسایل جزیی سیاسی و اقتصادی خودشان، مطلبی نداشتند و از این و آن نقل فرمودند که ما زیاد به این مسایل نمی‌پردازیم. در مورد ارشادات امام، البته در مجلس کسی استدلال آن جوری نکرده بود که این همه بحث لازم داشته باشد. در ذهن نمایندگان مسأله بود و همیشه هم این بوده امام، هیچوقت نخواستند رأی برمجلس تحمیل کنند ولی وقتی که مهم تشخیص دادند، یک ارشادی می‌فرمایند. حالا هم همین است. یعنی آقایان به ارشادهای امام اهتمام قایل باشند. فکر می‌کنم این بحث‌ها دیگر لزومی ندارد و امام هم مجلس را یک مجلس آزاد می‌خواهند و من این را تأکید می‌کنم. در مورد خبر واحد و اینها هم ان‌شاءالله بقیه اشتباهات ایشان در اصول، مثل این خبر واحد نباشد چون از آن خبر واحدهایی است که به قرائن قطعی است و یک ذره هم احتمال خلاف در موردش نیست."

آقای میرحسین موسوی نخست وزیر هم در پاسخ به مخالفت آقای آذری قمی گفت: "برادر بزرگوارمان حاج آقا آذری قمی صحبت‌هایی را در اینجا کردند در ضمن اینکه می‌گفتند من وارد نیستم، یک چیزهایی را گفتند. اگر وارد نیستید چرا اظهار نظر می‌کنید. اگر وارد هستید، بیائید صحبت کنیم و آمار و ارقام بیاوریم."

۱- سه کشتی تجاری آلمانی، یونانی و ترک، روز پنجشنبه ۱۳۶۳/۵/۱۱ در جریان یکسری انفجارهای ابهام‌آمیز در آبهای دریای سرخ و در نزدیکهای سواحل عربستان و یمن متحمل خساراتی شدند. موسسه بیمه لویدز لندن اعلام کرد در خلال دو هفته گذشته، ۹ کشتی در اثر انفجارهایی که در دریای سرخ و کانال سوئز به وقوع پیوست، خسارت دیدند.

۲- خبرگزاری فرانسه در یک دروغ پردازی آشکار مدعی شد: "حجت‌الاسلام رفسنجانی در مصاحبه‌ای که چند هفته پیش در روزنامه اطلاعات انتشار یافت، تلویحاً تهدید کرد که اگر رفت و آمد کشتی‌های ایرانی در خلیج فارس مختل شود، این ناامنی به

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

دوشنبه ۱۵ مرداد ۱۳۶۳

بعد از نماز صبح تا ساعت ده در دفترم کار کردم. بیشتر وقتم صرف مطالعه تاریخ امام‌رضا(ع)، برای سخنرانی در کنگره امام رضا(ع) شد. با نمایندگان تهران، برای رسیدگی به امور تهران، جلسه داشتیم؛ دو ساعت طول کشید. مقداری درباره شکل و آئین‌نامه جلسه بحث شد و مقداری در محتوای کار بحث شد. پیشنهاد کردم، دست به اقدامات اساسی برای تهران بزنیم از قبیل مترو، فاضلاب، مسکن و.... ابتدا مخالفتهائی می‌شد؛ براساس اینکه اگر این مشکلات تهران حل بشود، جاذبه تهران زیاد می‌شود و مهاجرت به تهران سرعت می‌گیرد. در دوره گذشته مجلس هم با همین استدلال، این پیشنهاد رد شد؛ این بار مقاومت کردم، پذیرفته شد. قرار شد در جلسات بعد این پیشنهاد دنبال شود.

آقای موسوی جزایری [امام جمعه اهواز] آمد. از نوشته‌های آشیخ محمد کرمی آورده بود. می‌گفت مرجع عربهای خوزستان است و منشاء فتنه می‌شود. از ضربه‌ای که بعضی روحانیت خوزستان، به خاطر همراهی تصادفی با جامعه مدرسین [حوزه علمیه قم] در انتخابات خورده است، می‌گفت.

عصر، هیأت رئیسه مجلس، درباره نوع اتومبیل نمایندگان جلسه داشت؛ بنا شد [اتومبیل] ایرانی باشد. فرماندهان سپاه آمدند و طرح جدیدی برای عملیات در غرب و طرح جنوبشان را آوردند.[1] یکی از افرادی که از داخل عراق، و از میان مخالفین و فراریان هورها آمده بود،

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

آبراههای بین‌المللی نیز کشانده خواهد شد. در حالی که رادیو دولتی ایران، پریروز سازمان تروریستی جهاد اسلامی را به عنوان مسئول این مین‌گذاریها مورد تحسین قرار داده بود، وزارت خارجه ایران، در بیانیه دیشب خود از سازمانهای بین‌المللی خواست برای کشف هویت کسانی که می‌خواهند در آزادی کشتیرانی در دریای سرخ و خلیج سوئز، اخلال کنند، به اقدام فوری بپردازند.

۱- در این جلسه، انجام عملیات بدر برای نخستین بار مطرح می‌شود. فرماندهان حاضر در این جلسه آقایان محسن رضایی، علی هاشمی، حسین خرازی، مهدی باکری، احمد کاظمی، غلامعلی رشید، رمضانی، ناصری و بشر دوست بودند. یکی از سرداران سپاه در این باره می‌گوید: "در تاریخ ۱۵ مرداد ۱۳۶۳ برادر محسن رضایی تعدادی از فرماندهان سپاه را فراخواند و در یک جلسه خانگی در منزل برادر محسن، بحث عملیات بدر را مطرح کرد. ما گفتیم دوباره می‌خواهی بروی همین جا بجنگی؟ گفت، بله،

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

گزارش‌های جالبی آورده بود. بیشتر هدفشان، به‌هم‌زدن عملیات در دست اجرا بود که آقای صیاد طراحی کرده است. قانع نشدم ولی مطالب قابل توجهی داشتند. قرار شد با آقای خامنه‌ای مشورت کنیم.

سه شنبه ۱۶ مرداد ۱۳۶۳

در جلسه علنی مجلس شرکت کردم و نزدیک وقت تنفس، جلسه را به آقای محمد مهدی ربانی املشی سپردم. روزنامه‌ها علیه مخالفان دولت، مقاله‌های تندی نوشته‌اند. نمایندگان مخالف دولت به من مراجعه می‌کردند و چاره‌جوئی می‌نمودند؛ مخصوصاً که این بار جنبه مخالفت با امام هم پیدا کرده است.

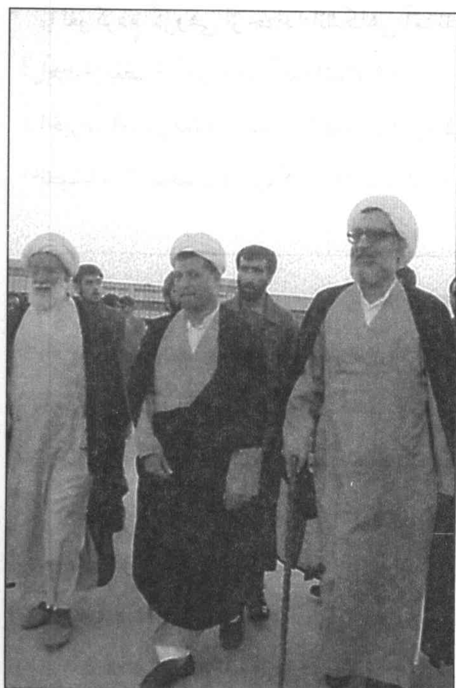
ظهر در دفترم، آقای [ابراهیم] اسرافیلیان را ملاقات کردم که گزارش کنفرانس اسلامی بنگلادش را داد؛ آدم خوب و ساده‌ای است. [آقای محمد رضا رحیمی] نماینده قروه هم آمد؛ وضع کردستان و نیاز و کمبودها را گفت. عصر، به خاطر انجام کارهای عقب افتاده، چند ملاقات را لغو کردم. گروهی از جهاد دانشگاهی آمدند، برای آنها مفصلاً صحبت کردم.[1] آقای احمد جلالی آمد. از بعضی برخوردها، گله داشت. آقای [آیت‌الله خامنه‌ای] رئیس جمهور آمد. راجع به پیشنهاد اخیر سپاه، در مورد عملیات آینده، مذاکره کردیم. ایشان با انتقال کار [عملیات] از جنوب موافق نیست. از نخست‌وزیر، گله داشتند که بدون رضایت ایشان، وزراء را به مجلس معرفی

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

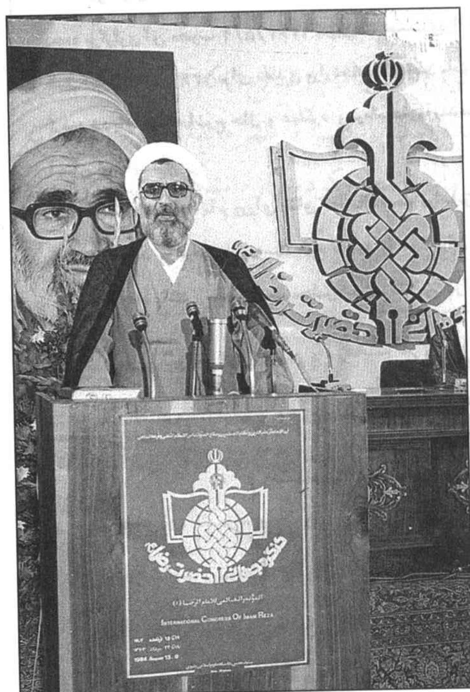
راهی غیر از این نیست. از دلایل برادر محسن درباره انجام عملیات دوباره در هور این بود که ما اگر دوباره در هور عمل کنیم، عراق باورش نمی‌شود. بعد رفتیم در حضور آقای هاشمی و برادر محسن، بحث هور را طرح کرد و فیلمهایی که نیروهای اطلاعاتی سپاه در شناسایی‌ها گرفته بودند، نشان داده شد. بعد هم یک ساعتی برادر محسن، به تنهایی با آقای هاشمی جلسه گرفت."

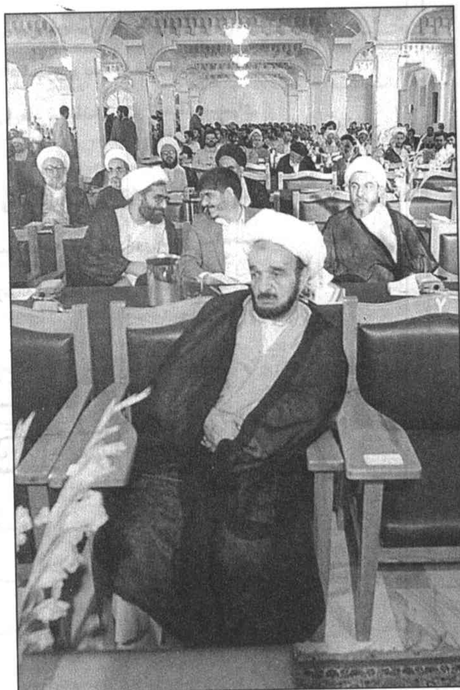
۱- در این دیدار، ایشان پس از دریافت گزارش اقدامات جهاد دانشگاهی اظهار داشت: "جهاد دانشگاهی خاطره تلاش‌های خواهران و برادران دلسوزی را زنده می‌کند که نگران هرز رفتن نیروها و نگران تبلیغات مسمومی بودند که در دانشگاهها شکل می‌گرفت. باید دانشگاهها از لحاظ فرهنگی، علمی و محتوای علمی و اخلاقی رشد نماید. نباید افرادی را که علمی دارند ولی ضرر ندارند، از دانشگاه طرد کنیم." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم"، دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.





ورود به مشهد





کنگره امام رضا (ع)

شماره ۴۲۰۰۶
تاریخ ۱۶/۵/۶۳
پیوست



جمهوری اسلامی ایران
نخست وزیر

بسمه تعالی

برادرگرامی حجت‌الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

دراجرای ماده ۲ قانون الحاق موادی به آئین‌نامه داخلی مجلس راجع به تقاضای رای اعتماد و نحوه برگزاری آن مصوب ۱۳۶۳/۵/۹ بپیوست لیست وزراء کابینه و همچنین اسامی برادرانی که طبق اصول ۱۳۳ و ۱۳۶ برای تصدی وزارتخانه‌های اطلاعات ، دادگستری و مسکن‌و شهرسازی درنظر گرفته شده‌اندهمراه‌باشرح حال و عملکرد و برنامه‌های آینده‌شان ایفاد و تقاضای رای اعتماد بـرای ایشان مینمایـد .

ضمنا" اضافه مینماید نام وزرای مشاور بلحاظ اینکه براساس رای اعتماد مجلس ، از اعضاء کابینه موجود هستند ، درلیست پیوست درج گردید تا در اجرای تکلیف ماده ۲ قانون فوق‌الذکر تسامحی صورت نگرفته باشد . طبیعی‌است مجلس شورای اسلامی دراین‌زمینه اتخاذ تصمیم خواهد فرمود .

میرحسین موسوی
نخست‌وزیر

نامه مربوط به تقاضای رای اعتماد

کرده است.

چهارشنبه ۱۷ مرداد ۱۳۶۳

جلسه علنی داشتیم. اصلاحیه لایحه اجرای اصل ۴۹ [درباره اموال نامشروع] که از شورای نگهبان برگشته بود، تصویب شد. غروب، وارد شهر [مشهد] شدیم. در فرودگاه مشهد، استقبال رسمی انجام شد. حدود دویست نفر از شخصیت‌ها هم با هواپیمای دیگری برای [شرکت در] کنگره جهانی امام رضا(ع) آمدند. شب را همگی در تالار «دارالضیافه»، مهمان آقای [عباس واعظ]طبسی [تولیت آستان قدس رضوی] بودیم. دو سه بار مردم در صحن حرم اجتماع کردند و با شعار، من را برای ملاقات به آنجا بردند؛ صحبت کردم. دیر وقت خوابیدیم.

یک هواپیمای ایرباس مسافربری ما را، با سیصد مسافر در مسیر شیراز ـ تهران ربوده‌اند. [ربایندگان، هواپیما را ابتدا] به بحرین و سپس به مصر و ایتالیا برده‌اند.[1]

پنجشنبه ۱۸ مرداد ۱۳۶۳

ساعت هشت‌ونیم صبح با آقای طبسی به کنگره [جهانی امام رضا(ع)] که در سالن دانشگاه علوم اسلامی رضوی ـ که تازه تأسیس و افتتاح شده است ـ رفتیم. تا ظهر ماندم. آخرین سخنران بودم. مطالب جدیدی درباره تاریخ امام رضا(ع) و مأمون مطرح کردم.[2] از دانشگاه هم دیدن کردم.

۱- همزمان با انتقال زائرین سفر حج، در ساعت ۱۰ و ۲۳ دقیقه شب سه‌شنبه، هواپیمای ایرباس که با ۳۰۴ سرنشین در مسیر تهران ـ شیراز پرواز می‌کرد، ربوده شد و در ساعت ۲ و ۳۵ دقیقه صبح چهارشنبه در فرودگاه بحرین به زمین نشست. این هواپیما پس از سوخت‌گیری در بحرین، در ساعت ۴/۳۵ دقیقه با تهدید هواپیماربایان، بحرین را به سوی قاهره ترک کرد و در فرودگاه قاهره به زمین نشست و از آنجا به رم پرواز کرد.

۲- همزمان با میلاد حضرت علی‌بن‌موسی الرضا(ع)، کنگره جهانی زندگانی آن امام(ع)، صبح روز پنجشنبه با پیام آیت‌الله‌خامنه‌ای رئیس جمهور و با حضور آقای هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی و نیز با شرکت بیش از ۳۰۰ تن از شخصیت‌های داخلی و خارجی در دانشگاه علوم اسلامی رضوی گشایش یافت. آقای هاشمی در سخنرانی خود گفت: "حال که خداوند این نعمت را ما داده و در زمان مناسبی حکومت در اختیار ولایت فقیه قرارگرفته و آن محور اصلی خود را پیدا کرده، این

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

نماز ظهر را همان جا خواندم. [برای صرف] ناهار به تالار تشریفات آمدیم. عصر، در صحن امام آستان قدس [رضوی]، برای مردم سخنرانی نمودم.[1] جمعیت عظیمی، اجتماع کرده بودند. شب، ملاقاتی با روحانیت مبارز مشهد داشتیم؛[2] بحث بر سر اختلافات در حزب جمهوری اسلامی و...

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

حجت بر ما تمام است که اقدامات بسیار اساسی برای تاریخ اسلام بکنیم و اگر ما از این نعمت‌ها استفاده نکنیم، استحقاق آن را داریم که خداوند ما را خوار و ذلیل کند."

ایشان با تشریح مبارزات ائمه(ع) خودداری از بحث دربارهٔ اینکه ائمه برای رسیدن به حکومت مبارزه کردند را نوعی اعوجاج فکری دانست وگفت: "اگر حکومت حساب شده و نیرومند باشد، پایه‌های فرهنگ را چنان قوی می‌کند که اگر جریان پیدا کند و موفق شود، سه یا چهار نسل را تربیت کند، تأثیر حکومت در تاریخ مشخص می‌شود. حرکت ائمه ما هیچ وقت غافل از این نبوده که حکومت را بگیرند." آقای هاشمی، فریبکاری‌های مأمون، خلیفه عباسی را در قبال حقانیت حضرت رضا(ع) خاطر نشان کرد وگفت: "ائمه ما هم تلاش خود را مصروف مبارزه با قدرت جابر حاکم و در راه رسیدن به حکومت حق کردند که بحمدالله امروز نایب آنها، رهبر عظیم‌الشان ما (امام خمینی) راه را برای ما هموار کردند."

ایشان وحشت شرق و غرب از انقلاب اسلامی را مورد تأکید قرار داد و با اشاره به ابعاد ضداستکباری انقلاب اسلامی که تضاد میان شرق و غرب را بیش از بیش آشکار کرده است گفت: "برای استکبار جهانی، قدرت وحشتناکی درکشور ما در حال پا گرفتن است. غربی‌ها به اندازه‌ای که از این حکومت و از اسلام می‌ترسند، از هیچ جریانی نمی‌ترسند." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۱- در اجتماع مردم مشهد و زائرین امام رضا(ع)، درباره ابعاد زندگی حضرت علی‌بن‌موسی الرضا(ع) و توطئه‌های اخیر استکبار جهانی و ویژگیهای انقلاب اسلامی و نقش آن در سرنوشت سیاسی ابرقدرتها و همچنین پایه‌ریزی اقتصاد در ایران اسلامی مطالبی مطرح شد.

ایشان با اشاره به توطئه اخیر دشمنان جمهوری اسلامی ایران مبنی بر نسبت دادن مین‌گذاری درکانال سوئز به ایران گفت: "این کار را یا شوروی‌ها، یا آمریکایی‌ها و یا اسرائیلی‌ها که آنجا هستند، می‌توانند بکنند و با یک برنامه بین‌المللی می‌تواند باشد و یا اصلاً یک توطئه سیاسی خاصی می‌تواند باشد. باید صبر کرد؛ ما منتظریم که جوانب آن روشن شود." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۲- آقای هاشمی در دیدار ائمه جمعه و جماعات اهل تسنن و تشیع خراسان و مدرسین و طلاب و محصلین حوزه علمیه مشهد و

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

بود. رؤسا و مسئولان ادارات استان هم آمدند؛ برای آنها سخنرانی و نصایحی کردم.[۱] در همان جا خوابیدم. تلکسهای خبری را آوردند، خواندم.

هواپیمای ربوده شده [ایرانی]، با دستگیر شدن هواپیما ربایان در ایتالیا، آزاد شده است. ایتالیائیها همکاری خوبی کرده‌اند.[۲]

امام، امروز ـ بعد از مدتی که صحبت نکرده بودند ـ در مراسم روز عید تولد امام رضا(ع) صحبت کرده‌اند.[۳] با این کار به شایعات کسالتشان که مایه خوشحالی دشمنان اسلام شده بود،

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

علما و روحانیون این شهر گفت: "روحانیت مبارز باید در نظام جمهوری اسلامی پیشتاز انقلاب باشد و اگر بخواهد در مسیر انقلاب و اسلام و قرآن حرکت کند باید حامی مستضعفان و خصم مستکبران باشد و اگر خدای ناکرده روزی مردم روحانیت را در کنار مستکبران و غارتگران ببینند همه این رشته‌ها پنبه می‌شود و به اسلام و انقلاب ضربه وارد می‌آید." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۱- مسئولین نهادهای انقلاب اسلامی، مدیران کل و معاونین ادارات به همراه رؤسا و اساتید دانشگاه، حکام شرع استان خراسان و فرمانداران و بخشداران خراسان با آقای هاشمی رفسنجانی در محل تالار اماکن متبرکه دیدار کردند. در این دیدار ایشان خطاب به مسئولان اجرایی استان خراسان گفت: "شما کارگزارانی برای حکومت امام زمان(عج) هستید و بخشی از ولایت فقیه را به عهده گرفته‌اید و لذا باید در شئون مختلف و سرنوشت کشور و حفظ اموال مردم احساس مسئولیت بیشتری بکنید. جمعی از مردم کنار نشسته‌اند و نظاره گر جریانات اجرایی شما هستند. اگر کار شما ضعیف و یا منحرف باشد به اصل انقلاب و ارزش‌های انقلاب اسلامی ضربه زده‌اید و محکوم به گناه هستید. اگر خوب کار کنید، مردم وقتی به شما مراجعه کنند و حرکت انقلابی شما را ببینند، به ماهیت و ارزش‌های والای انقلاب پی خواهند برد." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۲- هواپیمای ربوده شده، بعد از ظهر روز چهارشنبه ۱۳۶۳/۵/۱۷ با آزادی کلیه سرنشیان و تسلیم هواپیماربایان به مقامات ایتالیا پایان یافت. هواپیماربایان دو نفر به اسامی حسین افتخاری ۱۸ ساله و محسن رهگذرَ ۱۷ ساله و مسلح به چاقو بوده‌اند. این افراد توسط پلیس رم مورد بازجویی قرار گرفتند.

۳- امام خمینی(ره) در بخشی از این سخنرانی فرمود: "نقایص و فعالیت را باید گفت، ولی هیاهو و انتقام‌جویی جایز نیست. ما باید به فکر اسلام وکشور اسلامی باشیم. اگر در فکر خودمان هم هستیم، باید فکر اسلام باشیم که اسلام منافع ما را تأمین می‌کند.

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

خاتمه دادند. امام درباره تهمت مین‌گذاری در دریای سرخ و کانال سوئز مطالب خوبی گفتند؛[1] اشاره محکوم‌کننده‌ای هم علیه مخالفان دولت در مجلس داشته‌اند.[2] به حرم مطهّر مشرف شدم، اما احساسات مردم نگذاشت که درست زیارت کنم؛ زود برگشتم.

جمعه ۱۹ مرداد ۱۳۶۳

صبح زود، با آقای طبسی به دیدار یک کارگاه قالیبافی جدید التأسیس آستان قدس رضوی و روستای توسعه یافته نمونه آستان قدس رفتیم؛ در آنجا برای مردم صحبت کردم. کارگاه با کیفیت خوبی، به عنوان نمونه اصلاح کارگاه‌های قالیبافی، درست شده است.

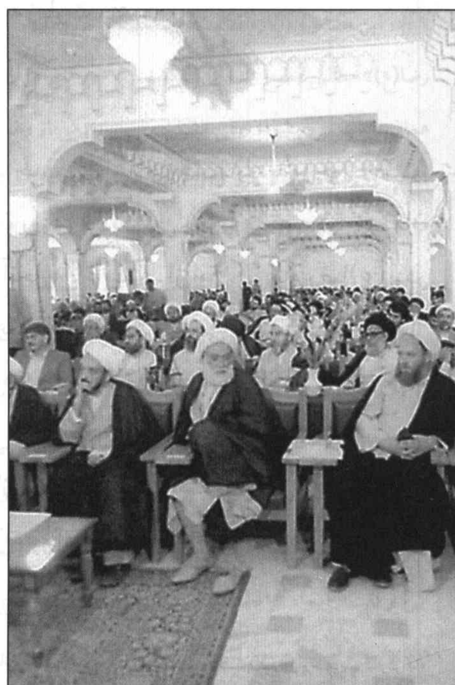
ظهر، آقای [محمدمحمدی] ری‌شهری آمد. از سطح مطالبی که در کنگره [جهانی امام رضا(ع)]

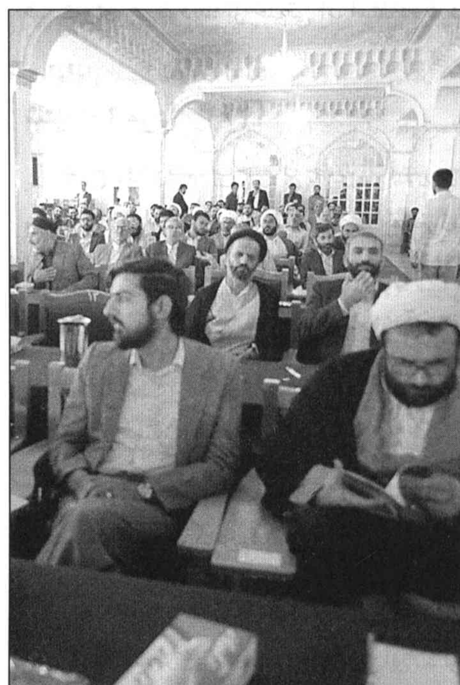
(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

اگر ما اهل دین هستیم، که باید اسلام را با چنگ و دندان حفظ کنیم و اگر اهل دنیا هستیم، دنیای ما همه به اسلام بستگی دارد. من به اینهایی که در خارج رفتند و آنهایی که در جاهای دیگر هستند و دل خودشان را خوش کرده‌اند؛ می‌گویم که این جمهوری اسلامی را شما نمی‌شناسید. هی می‌گویند ما اسلام شناسیم، جامعه شناسیم. شما ملت خودتان را نمی‌شناسید، اگر می‌شناختید به این روز نمی‌افتادید." رجوع کنید ← صحیفه نور، جلد یازدهم، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.

۱- امام خمینی(ره) در این باره فرمود: "در عین حالی که دولت می‌گوید که این مین‌گذاریها، این دزدی‌های دریایی و دزدی‌های هوایی به ما مربوط نیست، ما با آن مخالفیم و ما جایز نمی‌دانیم که یک دسته مردم بی‌گناه را بردارند از یک طرف به یک طرف دیگر ببرند و آن قدر مورد خوف و ترس آنها بشوند، در عین حال این را یک کلمه‌ای نقل می‌کنند و می‌گویند لکن در رادیوی ایران گفته است تعریف کرده از اینهایی که ربوده‌اند چیز را و آنها که البته این یک چیز غلطی است در رادیو و باید جلویش گرفته شود. جداً رادیو نباید همینطور بی‌توجه و بدون فهم یک مسایلی را بگوید و ایران را مفتضح کند. اگر یک کلمه یک وقتی اینها گفتند، خوب ربطی به دولت ندارد."

۲- اشاره به این بخش از فرمایش امام خمینی(ره): "یک مطلبی که وقتی واقع می‌شود در بین دولتی‌ها یا بین مجلسی‌ها یا نطق‌های مجلسی‌ها، یک وقت این است که رادیو آن را ذکر نمی‌کرد خود در بسته بود، این آنقدرها ضرر نداشت. اما حالا که بنا بر این است و خوب هم هست که رادیو، مردم را در جریان بگذارد، به مجرد اینکه یک اختلافی در مجلس پیدا می‌شود، منعکس می‌شود در همه ملت و آنکه خیلی خطرناک است، این است که منعکس می‌شود در سپاه، در ارتش ماکه می‌خواستیم به همه دنیا که دنبال این هستند که ارتششان از امور سیاسی کنار باشد".





کنگره امام رضا (ع)

مطرح می‌شود، راضی نبود. می‌گفت [مطالب] سطحی و کم محتوی و تکراری است؛ ولی آقای طبسی قبول نداشت. [آقای ری‌شهری] می‌گفت مهمانها، از آقای طبسی گله دارند که برای همراهی با من، آنها را تنها می‌گذارد. به آقای طبسی تأکید کردم که بیشتر با مهمانها تماس داشته باشد. عصر، اعضای شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی استان خراسان آمدند. درباره حزب مذاکره کردیم و [آنها را] از اختلافات پرهیز دادم.

آقای [محمدتقی]فلسفی و برادرش حاج میرزا علی آقا آمدند؛ برادر ایشان در مشهد، با انقلاب اسلامی همکاری ندارد. آقای [محمدتقی]فلسفی در صحن امام سخنرانی داشت. شب، روحانیون مشهد آمدند. عده زیادی بودند. طلبه‌ها، احساسات پرشوری ابراز کردند؛ برای آنها مفصلاً سخنرانی کردم.

سپس هیأت بررسی مسائل حوزه آمدند و وضع حوزه مشهد را توضیح دادند؛ در حدود هفت هزار نفر، شهریه بگیر دارند. حدود پانزده میلیون تومان در هر ماه، خرج حوزه و شهریه [طلبه‌ها] است. دکتر [محمود]روحانی وزیر مشاور سابق آمد و ابراز آمادگی برای کار کرد. حرم مطهّر را شست‌وشو می‌کردند؛ از خلوتی آن استفاده کردم و به زیارت رفتم.

شنبه ۲۰ مرداد ۱۳۶۳

صبح زود رفتم، ساختمان جدید التأسیس حزب جمهوری اسلامی مشهد را دیدم؛ خوب است. سپس برای بازدید از سد طرق رفتیم.[1] مشغول بتون ریزی بودند. این سد را متخصصان خودمان می‌سازند. فرانسوی‌ها، پیمان شکسته و رفته‌اند. از آنجا به باغ بیلدر - از املاک امام رضا(ع) - در اطراف مشهد رفتیم. ظهر را با همراهان آنجا ماندیم. آقای [واعظ] طبسی گفتند، این باغ محل خوشگذارنی متولی‌های زمان شاه بوده است و از مردم غصب شده که پس از انقلاب، حق مردم داده شده است.

عصر، با [آقای حسن غفوری فرد] وزیر نیرو، از نیروگاه در حال تأسیس طوس - که آلمانی‌ها می‌سازند - بازدید کردیم؛ ششصد مگاوات برق خواهد داد.

۱- در این بازدید، وزیر نیرو دربارهٔ مشخصات فنی این سد توضیحاتی داد. آنگاه آقای هاشمی رفسنجانی از زحمات کارگران، مهندسین و متخصصان ایرانی در انجام کارهای اجرایی و ساختمانی این سد تشکر و قدردانی کرد.

غروب، برای مراجعت به تهران به فرودگاه رفتیم. در فرودگاه، مصاحبه‌ای با [واحد مرکزی خبر] تلویزیون مشهد درباره نتایج سفرم کردم.[1] اتومبیل ضدگلوله مجلس را که برای حفاظت، به مشهد آورده بودند، با توجه به سفر زیاد شخصیتهای کلیدی به مشهد و خطر ترورها، در اختیار آستان قدس [رضوی] گذاشتم. با همراهان در ساعت هشت ونیم شب، به تهران رسیدیم. در تهران، نم بارانی می‌بارید.

گزارشها را خواندم؛ امروز کاروان کشتیهایمان به بندر امام آمده‌اند و درگیری دریائی و هوائی با عراق پیش آمده است. معمولاً هنگام آمدن کاروان کشتی‌ها چنین است؛ دو کشتی و یک هواپیما آسیب دیده است.

یکشنبه ۲۱ مرداد ۱۳۶۳

صبح زود خاطرات عقب افتاده چهار روز را نوشتم. به مجلس [شورای اسلامی] رفتم. گزارشها

۱- در این مصاحبه درباره فعالیت‌های آستان قدس رضوی و اقدامات عمرانی در خراسان و همچنین برپایی «کنگره جهانی امام رضا(ع)» مطالبی مطرح شد. ایشان گفت: "به طور کلی من معتقدم که زندگی ائمه ما و تاریخ ائمه ما که در حقیقت تاریخ شیعه از همان‌جا باید شروع شود، خیلی ناشناخته است و یکی از وظایف ما در ایران این است که این تاریخ را بهتر بشناسیم و بهتر به دنیا معرفی کنیم. با همت کسانی که این کنگره را راه انداخته‌اند و با هدایت آقای طبسی شروع شد و البته این قدم اول است و هنوز زود است دربارهٔ نتایج کنگره قضاوت کرد." ایشان دربارهٔ بازدید از چند طرح عمرانی در مشهد گفت: "به طور کلی این استان را می‌توان جزو استانهای موفق به حساب بیاوریم. از جمله همین طرح نسبتاً کوچک قالیبافی که دیدم در نوع خود یک تحول است. به ویژه از نظر شرایط زیستی و بهداشتی که در آنها صورت گرفته است که اگر این کار مورد توجه سایر کارگاهها قرار بگیرد، می‌تواند در صنعت قالیبافی و در حمایت کارگران خیلی مهم باشد." ایشان درباره بازدید از سد طرق اظهار داشت: "نکته جالب، در مورد این سد آن است که به طور کلی کارشناسان و مهندسین خودمان کار می‌کنند و برای اولین بار ما شاهد هستیم که سدی با تکنیکی که از خود ماست و مجری و مشاور آن خود ما هستیم دارد، اجرا می‌شود که این چیزی امیدوارکننده‌ای است." آقای هاشمی در پاسخ به سوالات خبرنگاران دربارهٔ بحران کانال سوئز، ریشه‌های بحران در دریای سرخ وکانال سوئز را مبهم توصیف کرد وگفت: "ایجاد مزاحمت برای ایران در کانال سوئز، القای ناامنی و بدنام کردن کشورهای انقلابی از اهداف احتمالی بحران دریای سرخ است." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

را خواندم. در جلسه علنی چند مصوبه داشتیم و اعتبارنامه‌ای تصویب شد. اعتبارنامه آقای [صادق] خلخالی [نماینده قم] مشکل داشت. بالاخره با پس گرفتن اعتراض از طرف معترضان، تصویب شده تلقی شد؛ نمایندگان نگران بودند که بحث درباره کارهای ایشان برای انقلاب، مضّر باشد و سند بدست ضدانقلاب بدهد؛ نمایندگان در این دوره، این‌گونه ملاحظات را دارند.

ظهر، دو سه ملاقات داشتم.[1] عصر، با آقای محسن رضائی درباره عملیات آینده صحبت کردم. بعضی‌ها فکر می‌کنند، فرماندهان سپاه برای کم رنگ کردن ارتش، عملیات مشترک - و به خصوص آنجا که نظر ارتش - است، اجرای عملیات را نمی‌پذیرند؛ ولی من این نظر را قبول ندارم.

به جلسه شورای مرکزی حزب [جمهوری اسلامی] رفتیم؛ بیشتر وقت جلسه، صرف بحث دربارهٔ اختلافات شد. بالاخره این اختلافات حزب را ضعیف‌تر می‌کند. شب در مجلس ماندم. کارهای عقب افتاده را انجام دادم و زود خوابیدم.

دوشنبه ۲۲ مرداد ۱۳۶۳

دستور جلسه علنی مجلس، بحث درباره وزرا بود. بیشتر مخالفتها، در مورد وزرای نفت، کشور، خارجه، معادن، صنایع سنگین، آموزش عالی، آموزش و پرورش، بهداری و دفاع بود؛ تا حدودی خطی بود. گرچه رنگ اجرائی می‌دادند. موافقان هم دفاع قوی از وزرای پیشنهادی نداشتند. من هم پنج دقیقه در موافقت وزرا، - به طور کلی - صحبت کردم. عصر هم جلسه داشتیم. شب به خانه آمدم.

سه شنبه ۲۳ مرداد ۱۳۶۳

در جلسه علنی، ادامه بحث دیروز درباره کابینه در دستور بود. صبح و عصر جلسه علنی داشتیم. وزرا از انتقادات [نمایندگان مخالف] دفاع کردند. بالاخره نزدیک غروب، رأی‌گیری کردیم. در نتیجه آراء، نواقص و اشکالاتی از لحاظ انطباق تعداد برگها با تعداد حاضران اعلان شده داشتیم.

۱- آقای سید حسن شاهچراغی سرپرست مؤسسه کیهان در دیدار با آقای هاشمی، گزارشی از وضعیت مؤسسه کیهان ارائه کرد و چکی به مبلغ ۲۰ میلیون ریال کمک اهدایی کارکنان مؤسسه کیهان به جبهه‌های جنگ را تقدیم رئیس مجلس شورای اسلامی نمود.

چند ساعت با هیأت رئیسه به مشورت نشستیم. بالاخره نتیجه این شد که وزرای آموزش و پرورش، دفاع، بهداری، صنایع و علوم رأی نیاوردند. درباره وزرای مشاور هم رأی نگرفتیم. فقط ۱۵ وزیر، از ۲۳ وزیر ابقاء شدند.[۱] آقای [میرحسین موسوی] نخست وزیر ناراحت بودند؛ ایشان را دلداری

۱- جلسه علنی مجلس شورای اسلامی در ادامه رسیدگی به درخواست نخست وزیر برای رأی اعتماد اعضای کابینه تشکیل شد. در این جلسه پس از بحث دربارهٔ وزیر مشاور، آقای هاشمی رئیس مجلس نام وزرایی را که می‌توانند پاسخگو باشند، اعلام کرد. پس از پاسخ وزرا به سخنان مخالفین، مقرر شد با توجه به نظر شورای نگهبان و با نظر نمایندگان مجلس، رأی‌گیری برای سه وزیر مشاور یعنی آقای محمد تقی بانکی وزیر مشاور و سرپرست سازمان برنامه و بودجه، آقای جواد اژه‌ای وزیر مشاور و سرپرست سازمان بهزیستی و آقای غلامرضا آقازاده وزیر مشاور در امور اجرایی انجام نشود و قرار شد تا تعیین تکلیف قانونی آنها، به کار ادامه دهند. سپس برای بقیه اعضای کابینه رأی‌گیری شد. در نتیجه این رأی‌گیری، ۱۵ تن از وزرا رأی اعتماد آوردند. پنج تن نیز مورد تأیید اکثریت نمایندگان قرار نگرفتند. نتیجه شمارش آرا به این ترتیب بود:

۱- حسن غفوری‌فرد، وزیر نیرو با ۱۷۹ رأی موافق و ۱۱ رأی مخالف و ۱۸ رأی ممتنع.

۲- بیژن نامدار زنگنه وزیر جهاد سازندگی با ۱۶۱ رأی موافق و ۱۶ رأی مخالف و ۲۷ رأی ممتنع.

۳- حسن عابدی جعفری، وزیر بازرگانی با ۱۵۶ رأی موافق و ۲۹ رأی مخالف و ۲۳ رأی ممتنع.

۴- ابوالقاسم سرحدی‌زاده، وزیر کار و امور اجتماعی با ۱۶۲ رأی موافق و ۱۹ رأی مخالف و ۲۳ رأی ممتنع.

۵- سید محمد خاتمی، وزیر ارشاد اسلامی با ۱۵۸ رأی موافق و ۲۸ رأی مخالف و ۱۹ رأی ممتنع.

۶- مرتضی نبوی، وزیر پست و تلگراف و تلفن با ۱۴۰ رأی موافق و ۴۳ رأی مخالف و ۲۴ رأی ممتنع.

۷- محسن رفیق‌دوست، وزیر سپاه پاسداران با ۱۵۴ رأی موافق و ۲۸ رأی مخالف و ۲۳ رأی ممتنع.

۸- هادی نژادحسینیان، وزیر راه و ترابری با ۱۹۰ رأی موافق و ۶ رأی مخالف و ۱۲ رأی ممتنع.

۹- محمد غرضی، وزیر نفت با ۱۵۴ رأی موافق و ۲۳ رأی مخالف و ۲۹ رأی ممتنع.

۱۰- علی اکبر ناطق نوری، وزیر کشور با ۱۰۷ رأی موافق و ۶۹ رأی مخالف و ۲۹ رأی ممتنع.

۱۱- علی اکبر ولایتی، وزیر امور خارجه با ۱۶۶ رأی موافق و ۲۳ رأی مخالف و ۱۷ رأی ممتنع.

۱۲- بهزاد نبوی، وزیر صنایع سنگین با ۱۰۶ رأی موافق و ۶۵ رأی مخالف و ۳۲ رأی ممتنع.

۱۳- حسین نیلی، وزیر معادن و فلزات با ۱۰۶ رأی موافق و ۳۸ رأی مخالف و ۶۰ رأی ممتنع.

۱۴- عباسعلی زالی، وزیر کشاورزی با ۱۴۱ رأی موافق و ۲۶ رأی مخالف و ۳۵ رأی ممتنع.

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

دادم. مایل بود، سه وزیر [پیشنهادی] جدید به رأی گذاشته نشود، تا یک جا مسئله را حل کنند؛ نپذیرفتم. ساعت یازده شب، نتیجه [رأی‌گیری] را اعلان کردیم. مرخصی‌های نمایندگان لغو شد تا تکلیف وزارتخانه‌های بی‌وزیر روشن شود. دیر وقت به دفترم رفتم؛ خیلی خسته بودم.[1]

چهارشنبه ۲۴ مرداد ۱۳۶۳

در جلسه علنی، بحث درباره سه وزیر جدید اطلاعات، دادگستری و مسکن [و شهرسازی] داشتیم. من هم [از وزرا] دفاع کردم.[2] با رأی بالا پذیرفته شد. آقای [حسن]حبیبی هم، خوب از

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

۱۵- حسن نمازی، وزیر اقتصاد و دارایی با ۱۰۶ رأی موافق و ۳۸ رأی مخالف و ۵۶ رأی ممتنع

موفق به اخذ رأی اعتماد مجلس شدند و آقایان هادی منافی وزیر بهداری، مصطفی هاشمی طبا وزیر صنایع، اکبر پرورش وزیر آموزش و پرورش، محمد علی نجفی وزیر علوم و سرهنگ محمد سلیمی وزیر دفاع رأی کافی نیاوردند و رد شدند. در پی رأی عدم اعتماد به پنج نفر از اعضای کابینه، آقای هاشمی گفت: "ترکیب رأی اعتماد به هیأت دولت، نشانه این است که در مجلس، آزاد اندیشی غلبه دارد." آقای میرحسین موسوی نخست وزیر هم گفت: "از همه نمایندگان به خاطر نقد و بررسی عملکرد دولت، تشکر می‌کنم."

۱- در این روز همچنین آقای هاشمی با نمایندگان سیاسی وزارت امور خارجه در آسیا و اقیانوسیه ملاقات کرد. در این ملاقات، آقای هاشمی در سخنانی با اشاره به اینکه سفیران و کارداران جمهوری اسلامی، رسولان پیام شهدای اسلام و انقلاب هستند، گفت: "شما با تمام وجودتان، احساس می‌کنید که دشمنان اسلام تجهیز شده‌اند تا نگذارند پیام آسمانی و الهی اسلام در میان مظلومان و مستضعفین به طور صحیح منعکس شود. اصول بین‌المللی در مورد برخورد با متجاوز روشن است و دشمنان ما نیز جسته و گریخته، اعتراف کرده‌اند که جمهوری اسلامی مظلوم واقع شده و مورد تجاوز قرار گرفته است، لکن با وجود آنکه ادعای آزادگی می‌کنند، شهامت افشاگری ندارند، بنابراین وظیفه شما سفرا و کارداران بسیار سنگین است." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۲- آقای هاشمی در دفاع از آقایان ری‌شهری، کازرونی و حبیبی گفت: "خیلی زحمت کشیده شده تا این سه بزرگوار به اینجا بیایند و همین جور نگویید خوب! این نشد یکی دیگر. مسایل را در نظر بگیرید و رأی دهید. اما در مورد اجتهاد آقای ری‌شهری. می‌دانید طلبه با استعداد که ۲۰ سال درس بخواند، تحقیقاً به حد اجتهاد می‌رسد، یعنی کسی که جواهر را خوب بفهمد، در حد

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

خودش دفاع کرد. جلسه تا نزدیک ساعت دو بعد از ظهر، طول کشید.

عصر، هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت. سپس آقایان [محسن]رضائی و رحیم صفوی آمدند؛ راجع به طرح عملیات پیشنهادی سپاه توضیحاتی دادند. دلم قرص نیست.

شب در منزل آقای خامنه‌ای، با سران قوا جلسه داشتیم. آقای خامنه‌ای اطلاع دادند که به یک کشتی پاکستانی حمله شده است. درباره احتمال مزاحمت برای کشتی‌های ما در کانال سوئز،

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

اجتهاد است و تحقیقاً ایشان زودتر از اینها می‌فهمیدند. از طرفی وقتی که آقای مشکینی شهادت به اجتهاد ایشان می‌دهند، آقای مشکینی را قبول ندارید؟ در مورد آقای کازرونی حرفهای خوبی زده شد. یکی از کسانی که می‌تواند در اینجا خوب کار کند، ایشان است. بگذارید افراد لایق که می‌خواهند کار کنند، راهشان باز باشد. در مورد آقای حبیبی مطلب فراوان است. گفته‌های آقای اسرافیلیان [درخصوص وابستگی دکتر حبیبی به لیبرالها و جریان مصدق] اسناد نبود. همین جریانات دوران انقلاب بود و همه اینها را همه می‌دانند. امام هم می‌دانستند. وقتی امام شنیدند که دوستان ما ایشان را انتخاب کرده‌اند، امام گفتند من خوشحال شدم. ایشان را ما بیشتر از شما می‌شناسیم، قبل و بعد از انقلاب با ایشان همکاری داشته‌ایم. حرفهایی که نقل کردید، عیب است. نمی‌خواهم توجیه کنم. خودتان را بگذارید در آن زمان. ثانیاً ایشان به طور قاطع در خدمت انقلاب هستند و بارها گفته‌اند برای خدمت به جمهوری اسلامی، حاضرند حتی کارمند ساده باشند و لیبرالها ایشان را شماتت کردند. حبیبی چهرهٔ جهانی است و همه ایشان را می‌شناسند و اعتبار به جمهوری اسلامی می‌دهد. شما اگر امروز حبیبی را قبول نکنید، فردا چه شخصیت علمی حاضر است بیاید مجلس و همکاری کند؟ شورای عالی قضایی که ایشان را معرفی کرده‌اند، شخصیتهای کمی نیستند. دقت شده بررسی شده و روی حرفهای شما بحث و بررسی شده. ما لحظات حساس با ایشان بوده‌ایم و اگر لغزش اساسی از حبیبی می‌دیدیم، ساکت نمی‌نشستیم. ایشان واقعاً اگر چیزی بفهمد که رضایت امام در آن نیست، عمل نمی‌کند و همان زمان هم همین طور بوده. بارها اعلام کرده‌ایم آدمهایی که می‌خواهند به جمهوری اسلامی خدمت کنند و فسادی از آنها برنمی‌خیزد، بیایند و کار کنند. بیایید مهری بزنیم به پای این پیشنهاد تا خاری شود به چشم دشمنان." در پی سخنان موافقین و مخالفین، وزرای پیشنهادی نخست وزیر از مجلس رأی اعتماد کسب کردند. آقای حسن ابراهیم حبیبی با ۱۷۶ رأی موافق، ۱۴ رأی مخالف و ۱۴ رأی ممتنع، حجت‌الاسلام محمد محمدی ری‌شهری با ۱۷۶ رأی موافق و ۱۱ رأی مخالف و ۱۳ رأی ممتنع و مهندس سراج‌الدین کازرونی با ۱۷۴ رأی موافق، ۱۲ رأی مخالف و ۱۷ رأی ممتنع به عنوان وزیران دادگستری، اطلاعات و مسکن و شهرسازی انتخاب شدند.

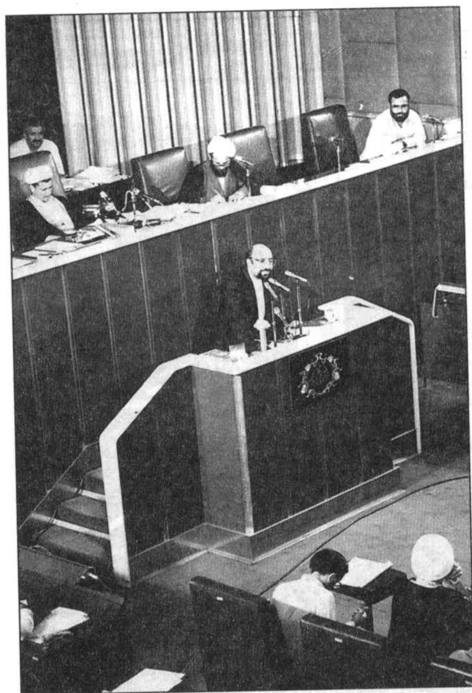


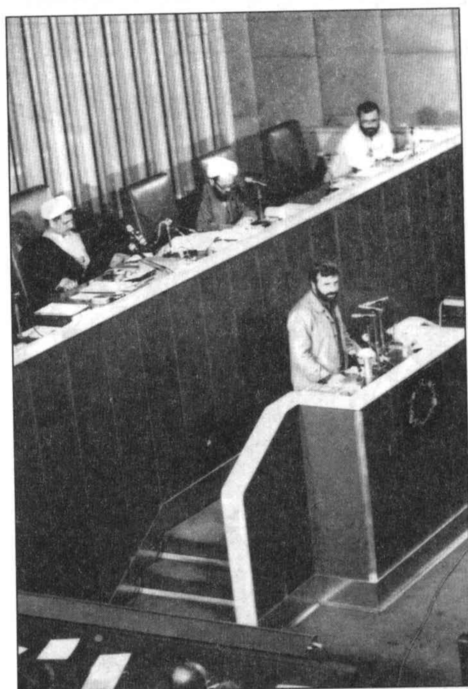
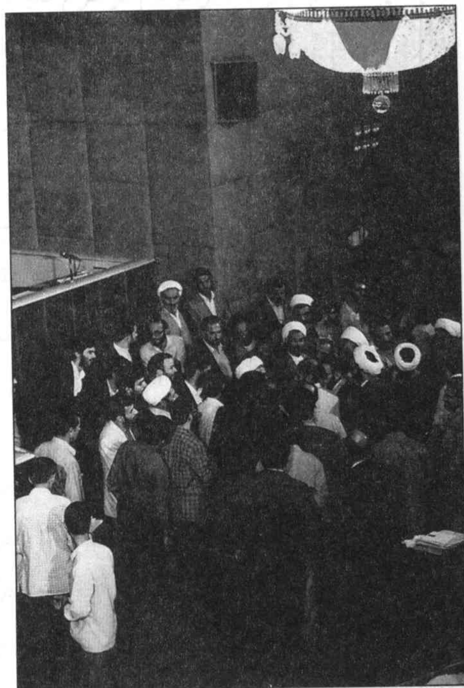






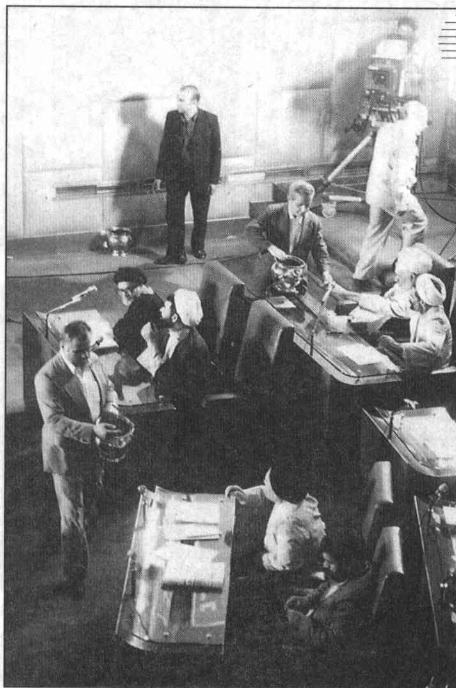
صحنه هایی از رای اعتماد مجلس به وزرای پیشنهادی



رای اعتماد مجلس به وزرای پیشنهادی



تصمیم گرفتیم که مقابله به مثل کنیم و من هم این تصمیم در نماز جمعه اعلان نمایم. درباره جانشینان پنج وزیر ساقط شده، بحث کردیم و به نقطه نظرهای مشترکی رسیدیم.[۱] دیر وقت به خانه آمدم.

پنجشنبه ۲۵ مرداد ۱۳۶۳

صبح زود، جلسه علنی مجلس را شروع کردم. [ریاست جلسه را] به آقای ربانی‌املشی سپردم و به دفترم رفتم. خسته بودم. گزارشها را خواندم. مسئله مهم دنیا، همان مین‌گذاری در کانال سوئز و ورود نیروهای آمریکا، انگلیس، فرانسه و ایتالیا برای پاکسازی آبهای دریای سرخ است. ایران را هم متهم می‌کنند. ممکن است هدفشان، ایجاد فشار بر ما باشد.[۲] با اینکه ما [در مین‌گذاری] دست نداریم و شاید هم واقعاً خیال می‌کنند ما دست داریم.

ظهر، مقدار زیادی استراحت کردم. آقای صیاد شیرازی آمد و راجع به عملیات مطالبی گفت؛ با سپاه تفاهم ندارند. نگرانم که اگر طرح صیاد اجرا شود، سپاه همراهی موثر نکند و اگر طرح سپاه را به اجرا بگذاریم، ارتش همکاری خوبی نکند. در عملیات هر دو نیاز به یکدیگر دارند و وفادار هستند. اما تصمیمات بخشی هم بی‌اثر نیست و امروز این دوگانگی مشکل نیروهای نظامی ما است.

۱- در پی رأی عدم اعتماد مجلس به پنج وزیر پیشنهادی، آقای مهندس میرحسین موسوی نخست وزیر در احکام جداگانه‌ای مهندس موید را به عنوان سرپرست وزارت آموزش و پرورش، دکتر علیرضا مرندی سرپرست وزارت بهداری، سرهنگ محمد رضا رحیمی سرپرست وزارت دفاع، آقای محمد علی ذاکر سرپرست وزارت صنایع و آقای محمدرضا عارف را به عنوان سرپرست وزارت فرهنگ و آموزش عالی منصوب کرد.

۲- به دنبال گسترش سوء ظن در میان کشورهای عربی منطقه نسبت به ارتباط آمریکا با موضوع مین‌گذاری در دریای سرخ، منابع غربی نیز مجبور به ابراز وجود چنین تلقی، در منطقه شدند. در این ارتباط روزنامه تایمز نوشت: "در میان برخی از کشورهای خاورمیانه این ظن وجود دارد که آمریکا مسئول مین‌گذاری در کانال سوئز و دریای سرخ می‌باشد". تایمز اظهار نظر کرد اگر چه سفارت انگلیس در قاهره، شکل‌گیری یک نیروی چند ملیتی غربی را رد کرده بود اما اینگونه به نظر می‌رسید که چنین نیرویی در حال تشکیل است. اگر چه عملیات نیروی دریایی غربی توسط وزارت دفاع مصر هماهنگ می‌شد، اما کشتی‌ها تحت فرماندهی کشور خود عمل می‌کردند.

عصر هم کارهای عقب مانده را انجام دادم. با [آقای میرحسین موسوی] نخست‌وزیر و [آیت‌الله خامنه‌ای] رئیس جمهور، راجع به وزرای جدید صحبت کردم.

اخوی محمد [رئیس سازمان صداوسیما] تلفنی گفت که آقای امامی کاشانی مصاحبه‌ای کرده است. غیر مستقیم و به طور تلویحی، جواب اظهارات من در مجلس در مورد قلمرو اختیارات شورای نگهبان را داده است.[1] گفتم بهتر است پخش شود. با احمد آقا هم در همین مورد صحبت شد. از مصاحبه ناراحت بود ولی نظر من را در پخش [از صداوسیما] تأیید کرد. برق تهران امروز قطع بود. [آقای حسن غفوری‌فرد] وزیر نیرو گفت، نیروگاه نکاء [در استان مازندران] در اثر طوفان از کار افتاده است.

جمعه ۲۶ مرداد ۱۳۶۳

تا ساعت ده‌ونیم صبح در منزل، برای خطبه‌های نمازجمعه مطالعه می‌کردم. در دانشگاه تهران، اقامه نماز جمعه کردم. خطبه‌ای در عدالت اجتماعی و خطبه‌ای در سیاست خارجی «صلح پایدار و مقابله به مثل در مورد ایذاءهای دیگران» خواندم.[2]

۱- آیت‌الله امامی کاشانی در این مصاحبه دربارهٔ وظایف شورای نگهبان و وضعیت وزرای مشاور در قانون اساسی از دیدگاه شورای نگهبان اظهار داشت: ۶ نفر از ۱۲ نفر شورای نگهبان توسط رهبر نصب می‌شوند. مجلس نیز ۶ حقوقدان معرفی می‌کند. بنابراین، این نهاد، توسط رهبر و مجلس تشکیل یافته و از این رو نظام جمهوری اسلامی ایران را دارای مکانتی در امور قانونی خود می‌کند. آقای امامی کاشانی در مورد وزرای مشاور و در ارتباط با قانون اساسی گفت: در ارتباط با وزرای مشاور و تفسیر این مسأله در قانون اساسی، طی نامه‌ای توسط مجلس از شورای نگهبان سوال گردید و در این نامه خواسته شده بود که در اجرای اصل ۸۸ قانون اساسی، وزرا مؤظف به حضور در مجلس و پاسخ به سوالات نمایندگان می‌باشند و خواهش شده بود که اعلام شود آیا وزیر مشاور در امور اجرایی نیز چون سایر وزرا مؤظف به پاسخگویی هست یا خیر؟ شورای نگهبان در پاسخ این نامه اظهار داشت که وزیر مشاور ملزم نیست که به مجلس بیاید و به سوالات نمایندگان پاسخ دهد؛ دلیل این بود که در قانون اساسی طبق اصل ۶۰، وزیر مشاور نداریم. این اصل می‌گوید: وزیر یعنی مجری و اصل ۱۳۷ هم هر یک از وزیران را مسئول وظایف خاص خویش در مقابل مجلس می‌داند. آیا وزیر مشاور مجری است یا مشاور یا هر دو؟ نظر شورای نگهبان این است که وقتی مشاور گفته شد، دیگر مجری نیست و ما وزیر مشاور در قانون اساسی نداریم؛ بی‌شک وجود وزیر مشاور، خلاف و نقض قانون اساسی است.

۲- ایشان در خطبه اول نماز جمعه، دربارهٔ عدالت اجتماعی، مسأله استعمار بدترین پدیده کل تاریخ بشریت، وضع کشورهای

عصر، آقای صیاد [شیرازی] آمد. راجع به طرح سپاه و طرح خود، نظریاتی ارائه کرد. دکتر وحید [دستجردی] آمد. راجع به وزرای بهداری و آموزش عالی نظراتی داد. سپس خانم حسین آقا امین آمد و گفت برای آزادی‌اش، پنج میلیون تومان وثیقه نقدی خواسته‌اند؛ درخواست داشت [وثیقه نقدی] تبدیل به وثیقه مِلکی شود.

عصر با آقایان صیاد [شیرازی] و [محسن] رضائی جلسه داشتیم؛ برای بررسی پیشنهاد [طرح عملیات] و نزدیک کردن نظرات؛ به جای روشنی نرسیدم. آقای [محسن]رضائی به سئوالات آقای صیاد [شیرازی] در مورد طرح خودشان، جواب روشنی نداشت. ۷۲ ساعت مهلت [برای تصمیم گیری‌نهایی] تعیین کردیم.

آقای نخست وزیر، تلفنی درباره وزرای پیشنهادی صحبت کرد و گفت که در مورد [معرفی وزیر برای] وزارت دفاع و آموزش و پرورش، با رئیس جمهور هنوز به توافق نرسیده‌اند.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

جهان پس از جنگ جهانی دوم، برخورد اسلام با ملل دیگر، عفو مکه و تقوای حکومت مطالبی بیان کرد. در خطبه دوم نیز به بررسی سیاست قصاص و مقابله به مثل، فلسفه قصاص، موضع ایران در مورد تروریسم، توطئه مین‌گذاری کانال سوئز، اخراج اسرائیل از سازمان ملل پرداخت. در بخشی از خطبه دوم آمده است: "سیاست اصلی ما با الهام از اسلام، قرآن، و سنت و منطق این است که در منطقه‌ای که زندگی می‌کنیم صلح پایدار و آرامش مطمئنی وجود داشته باشد.

مسلمانان دنیا! گوشهایتان را باز کنید، آن کشورهایی که در اخراج اسرائیل از سازمان ملل با ما همکاری نکنند و یا رأی ممتنع بدهند یا غایب بشوند یا مخالفت کنند اینها همکار اسرائیل هستند و نمی‌توانند ادعا بکنند که با اسرائیل مخالفند، این یک معیار و یا محک است.

ما احساس می‌کنیم در کانال سوئز، بوی یک توطئه‌ای به مشام می‌رسد که دست‌هائی در کار است، بسیار پیچیده عمل می‌کند و اهدافی دارد که احتمالاً این اهداف به ما مربوط می‌شود. ما هنوز خیلی مطمئن نیستیم که هدف اصلی، ما باشیم. احتمال دارد که هدف اصلی خود کانال سوئز باشد. هرکشتی ایرانی که در کانال سوئز متوقف شود، یک کشتی از باند توطئه گران را در تنگه هرمز معطل خواهیم کرد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های نماز جمعه، سال ۱۳۶۳، جلد هـفتم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۷۵.

شنبه ۲۷ مرداد ۱۳۶۳

اول وقت، رئیس جمهور تلفنی درباره وزرای مورد بحث، برای پیشنهاد به مجلس صحبت کردند. در مورد وزیر آموزش و پرورش توافق حاصل نیست. ایشان مایل نیست، کسی بیاید و انتصابات آقای پرورش را تصفیه نماید. تا عصر، دو سه بار با [آقای میرحسین موسوی] نخست وزیر و [آیت‌الله‌خامنه‌ای] رئیس جمهور، در این باره صحبت کردم؛ پیشرفتی در این جهت حاصل نشد. وزیر علوم هم مورد تردید قرار گرفت. عصر، آقای نخست وزیر خبر داد که برخی از نمایندگان مجلس با این عجله در معرفی وزرا به مجلس مخالفند؛ اما چون مجلس، تعطیل تابستانی در پیش دارد، باید تکلیف روشن شود.

آقای [محمدمهدی]ربانی املشی هم، تلفنی اجازه رفتن به مکه را می‌خواست، که موافقت نکردم. حاج احمد آقا آمد و اطلاع داد که امام نظر خاصی در مورد وزیر دفاع ندارد. [چون در این مورد، از امام] سئوال کرده بودیم. گفت [آقای محسن رضایی] فرمانده سپاه، مرتباً به امام نامه می‌نویسد که فشار و عجله در انجام عملیات نشود. سوءظن دیگری برای بعضی پیش آمده که فرماندهان سپاه از طریق تأخیر عملیات، درصدد کسب امتیازات بیشتراند؛ من این سوءظن را قبول ندارم.

شورای سرپرستی [صداوسیما] جلسه داشت؛ درباره سریال جاده ابریشم بحث شد. همچنین با حضور دکتر [علی اکبر] ولایتی، درباره کیفیت هماهنگی صداوسیما با وزارت خارجه صحبت کردیم. مقداری پسته تازه از رفسنجان برایمان آوردند.

گزارشها را آوردند، خواندم. خبرگزاریهای خارجی روی اظهارات من ـ در مورد قصاص و سیاست مقابله به مثل ایران و مخصوصاً در مورد جبران برخوردهای سوء مصری‌ها با کشتیهای ما در کانال سوئز ـ تکیه کرده‌اند؛[1] امروز یک کشتی پانامائی به تیر غیب گرفتار آمده است.[2]

۱- خبرگزاری فرانسه گزارش داد: "حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه‌ای که در مسجد دانشگاه تهران برگزار شد، اعلام کرد اگر چنانچه کشتی‌های ایران در کانال سوئز کنترل و یا راه آنها مسدود شود، ایران می‌تواند، کشتی‌ها را در تنگه هرمز مدخل خلیج فارس کنترل و حتی راه آنها را مسدود سازد. "رئیس پارلمان اسلامی ایران گفت: "تنگه هرمز به ما تعلق دارد و کشتی‌های بیشتر کشورها باید از آنجا بگذرد". [آقای هاشمی] رفسنجانی چنین استدلال کرد که اگر ایران می‌خواست، رفت و

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

یکشنبه ۲۸ مرداد ۱۳۶۳

ساعت شش‌ونیم صبح به مجلس رفتم. مشکل توافق بر سر وزراء، رفع نشده بود. در مجلس هم افرادی هستند که می‌کوشند کار وزرای دولت درست نشود تا کابینه دچار مشکل باشد. می‌خواهند مجلس، بدون یکسره شدن کار کابینه، تعطیل شود. به نخست وزیر و رئیس جمهور [درباره تصویب وزرای پیشنهادی] اصرار کردم که سه نفر مورد قبول و توافق را به مجلس بفرستند[۳] و نمایندگان را از اخلال در کار منع کردم.

اعتبارنامه نمایندگان فریمان و گچساران مطرح بود. جلسه را به آقای ربانی [املشی] سپردم. به دفترم آمدم و با پی‌گیری بالاخره در آخرین لحظات کار مجلس، نامه نخست وزیر مبنی بر معرفی سه وزیر علوم و صنایع و بهداری را به مجلس رساندم. نمایندگان مخالف را از اخلال مأیوس کردم. بلافاصله، نمایندگان مخالف حربه دیگری را بدست گرفتند که وزراء را با عجله به مجلس آورده‌اند و می‌خواهند از وقت محدود [مجلس] و خواست نمایندگان [موافق] برای تعطیلی مجلس استفاده کنند.

عصر، در جلسه شورای مرکزی حزب [جمهوری اسلامی] شرکت کردم. بیشتر بحث، درباره وزرای جدید بود؛ روحیه محافظه‌کاری بر شورا حاکم است. شب، جلسه شورای داوری در دفتر

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

آمد دریایی را متوقف کند، این کار را در منطقه‌ای که مورد استفاده کشتی‌های ایران است، انجام نمی‌داد. وی گفت: "تا آنجا که قدرت ما اجازه می‌دهد از اصل اسلامی مقابله به مثل استفاده می‌کنیم و معتقدیم که ادامه زندگی و انقلاب جامعه ما متکی براجازه ندادن به دشمنان ما به ارتکاب اقدامات فارغ از مجازات متقابل می‌باشد".

۲- این نفتکش با محموله نفت خام از کویت راهی اروپای شمالی بود و در یک حمله موشکی به آتش کشیده شد. موشکها به مخزن اصلی که حدود ۵۰ هزار تن ظرفیت داشت، اصابت کرد اما در این حادثه هیچگونه ضایعه‌ای به بار نیامد و خدمه کشتی موفق به مهار حریق شدند. این نفتکش پانامایی، بیست و یکمین کشتی بود که از ابتدای سال ۱۳۶۳ تا این تاریخ، در خلیج فارس مورد حمله موشکی قرار گرفته بود.

۳- مهندس میرحسین موسوی نخست وزیر در نامه‌ای به رئیس مجلس شورای اسلامی، سه نفر را برای احراز پست وزارتخانه‌های بهداری، صنایع و فرهنگ و آموزش عالی را به این ترتیب معرفی کرد: وزارت بهداری: دکتر علیرضا مرندی، وزارت صنایع: مهندس غلامرضا شافعی، وزارت فرهنگ و آموزش عالی: دکتر ایرج فاضل.

آیت‌الله خامنه‌ای داشتیم، ولی بیشتر درباره جهت و خط حزب [جمهوری اسلامی] صحبت کردیم. من از طرد نیروهای لایق انتقاد کردم، ولی به نتیجه محسوسی نرسیدیم؛ گرچه دیگران هم می‌پذیرفتند که باید آنها را طرد نکرد. آخر جلسه، پیشنهاد توافق درباره وزرای دفاع و آموزش و پرورش را به نخست وزیر و رئیس جمهور ارائه دادم، به نتیجه نرسید؛ سلیقه‌هایشان تضاد داشت.

دیروقت به مجلس رفتم و خوابیدم. نخست وزیر و معاون بانک مرکزی برای وادار کردن نمایندگان مجلس در شورای پول و اعتبار، به امضاء مجوز بیرون آوردن اسکناس، از زیر کلید خواستند؛ به خاطر کم شدن پشتوانه ارزی، [در میزان] اسکناس، مشکل پیدا کرده‌اند. [با نمایندگان عضو شورای پول و اعتبار] مذاکره کردم. قرار شد [نمایندگان مورد نظر] گزارش [آقای میرحسین موسوی، نخست وزیر و معاون بانک مرکزی را در این مورد] بگیرند و عمل کنند. از عدم همکاری مسئولان بانکها [با مصوبات شورای پول و اعتبار] و کم کاری آنها در جلب پول‌های مردم، گله داشتند.

دوشنبه ۹ مرداد ۱۳۶۳

آقای [محمد]غرضی وزیر نفت، اطلاع داد از محافل اوپک ـ از طریق الجزایری‌ها ـ اطلاع یافته‌اند که سعودی‌ها اظهار کرده‌اند، باید برای رفع فشار نفت ایران، کارکرد تا ایران بتواند [از طریق صدور نفت] نیازهایش را تأمین کند. [سعودی‌ها] به ژاپنی‌ها گفته‌اند که اگر بخواهند فشار بر ایران [در مورد صدور نفت] وارد کنند، از طرف عربها، عکس‌العمل می‌بینند؛ انعطاف مهمی است. از مصر هم گزارشاتی رسیده که تمایل به نزدیک شدن به ما را دارند.

در جلسه علنی مجلس، با مراجعه به نمایندگان، مشکل [وزرا] را رفع کردم. اکثریت نظر دادند که همین امروز، وزرا[ی معرفی شده برای کسب رأی اعتماد] مطرح شوند؛ بدینسان مخالفان خلع سلاح شدند. مخالفان و موافقان با متانت صحبت کردند. من هم در موافقت با وزرای پیشنهادی صحبت کردم؛[1] رأی خوبی آورد.[2] سرپرستی دو وزارتخانه، دفاع و آموزش و پرورش را هم به

۱- ایشان در بخشی از سخنان خود گفت: "لابد تعجب می‌کنند که هر وزیری می‌آید، من در موافقت با آنها صحبت می‌کنم. اول اینکه با من مشورت می‌شود و من نظر موافق دارم. دوم اینکه شخصیتهایی که اینجا می‌آیند، مطالبی گفته می‌شود که در آینده

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

نخست‌وزیر دادیم. مجلس را برای یک ماه تعطیل اعلام نمودیم[۳] و به دفتر گفتم که وسیله سفر نمایندگانی که [زمان سفرشان را] به تأخیر انداخته‌اند، سریعاً فراهم کنند.

عصر، در دفترم کار کردم. آقای ربانی [املشی] آمد. به ایشان گفتم ما باید به صورت پدر با همه نیروها، اسلامی برخورد کنیم. آقای [محمد باقر] بهرامی نماینده اسدآباد آمد و از [تسلط] خط غیر امام در آنجا شاکی بود. آقای [محمد]خزاعی نماینده رشت آمد. گزارشی از موفقیت‌های مؤسسه فارابی در کمک به هنرمندان و فعال شدن فیلم‌سازی داد. [آقای علی اصغر رحمانی خلیلی] رقیب

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

هنگام کار، شاید مشکلاتی ایجاد کند، به عنوان وظیفه صحبت می‌کنم که کسی صدمه‌ای از مجلس نخورد. چهره‌هایی که معرفی شده‌اند، دو نفر آنها از معاونین وزرا هستند و دکتر فاضل را هم از زمانی که جراح رئیس جمهور بوده می‌شناسم."

۲- از تعداد ۲۰۹ نفر حاضر در جلسه مجلس شورای اسلامی، مهندس غلامرضا شافعی برای وزارت صنایع ۱۸۷ رأی مثبت، ۱۵ رأی ممتنع و ۷ رأی مخالف، دکتر ایرج فاضل برای وزارت فرهنگ و آموزش عالی ۱۷۸ رأی موافق، ۱۷ رأی ممتنع و ۱۴ رأی مخالف و دکتر علیرضا مرندی برای وزارت بهداری ۱۷۴ رأی مثبت، ۱۶ رأی ممتنع و ۱۹ رأی مخالف کسب کردند و هر سه با اکثریت قاطع آرا به وزراتهای پیشنهادی برگزیده شدند.

۳- هفته نامه تایم چاپ ایالات متحده آمریکا در شماره جدید خود در مطلبی با عنوان "چه کسی بالا است و چه کسی پائین" که با هدف فتنه‌انگیزی و ایجاد اختلاف در میان مسئولین جمهوری اسلامی نگاشته شده بود، ضمن چاپ تصویری از آقای هاشمی رفسنجانی، با اشاره به تحولات در ترکیب کابینه دولت نوشت: "موسوی نخست وزیر که مشتاق بود نشان دهد برای سیاست‌هایش پشتیبانی وجود دارد، هفته گذشته از پارلمان ایران درخواست رأی اعتماد برای خود و اعضای کابینه‌اش نمود که خود و ۱۵ تن از وزرایش رأی اعتماد گرفتند، اما پنج وزیر که شامل محمد سلیمی وزیر دفاع نیز می‌شد، ازکار برکنار شدند. خلع ید از سلیمی به دلیل چگونگی نقش و سیاست وی در رابطه با مساله جنگ نبود چراکه استراتژی نظامی به عهده ژنرالهای ایران و اعضای گروه آیت‌الله [امام] خمینی است، در عوض سلیمی به اتلاف بودجه دفاعی کشور متهم گردید. اضافه بر این، سلیمی و یکی دیگر از وزراء متعلق به یک گروه بی‌نهایت محافظه کار شیعه [حجتیه] بودند که سیاستهای [امام] خمینی را مورد انتقاد قرار می‌دهند. این تغییرات و دگرگونیها، ظاهراً توسط رئیس مجلس، هاشمی رفسنجانی که متعقد است چنین مخالفتهایی تفرقه‌انگیز است، طرح ریزی شده است."

تحلیل‌های سطحی و مزوّرانه رسانه‌های غربی از رویدادهای ایران، نشان از عمق خباثت و دروغ پردازی این رسانه‌ها می‌دهد.

شکست خورده نماینده بهشهر آمد و از اینکه رقیبش بنام من، تبلیغ برای خودش می‌کرده است، گله داشت.

سه شنبه ۳۰ مرداد ۱۳۶۳

[آقای میرحسین موسوی] نخست وزیر، تلفنی برای نصیحت مخالفان مهندس [حسین] نیلی [وزیر معادن وفلزات]، از من کمک خواست که در رابطه با انتقال دفتر [شرکت] فولاد از اصفهان به تهران، او را تحت فشار قرار داده‌اند.

عصر، آقایان صیاد [شیرازی] و [محسن]رضائی آمدند. راجع به عملیات پیشنهادی جدید، نظر ستادهای خودشان را آوردند. به پیشنهادی سپاه دو امتیاز بیشتر داده بودند ـ ۷ به ۵ ـ ولی در اصل با هر دو مخالفت داشتند و آقای صیاد [شیرازی] هم با پیشنهاد سپاه در شمال [غرب کشور] موافق نبود. مقداری درباره اداره جنگ صحبت شد و تقریباً باز همان مسئله فرماندهی واحد، برای حل مشکل، توسط آقای صیاد [شیرازی] مطرح گردید؛ البته به شکلی نرمتر. قرار شد تا روز جمعه پس از دریافت نظرات فرماندهان اعزامی به منطقه، نظر نهائی بدهند.

چهارشنبه ۳۱ مرداد ۱۳۶۳

صبح زود به مجلس رفتم، بسیاری از نمایندگان [به حوزه انتخابیه خود] رفته‌اند؛ بعضی هم برای تحویل گرفتن ماشین یا انجام کارهای دیگر مانده‌اند. آقای [سیدجلال] ساداتیان [مسئول دفترم] هم شکایاتی از شیوه برخورد بعضی از کارکنان دفتر نمود. آقای [غلامحسین] جمی امام جمعه آبادان آمد. از انحلال سپاه آبادان و قطع جیره جنگ‌زدگان ـ به منظور دادن کار و سرمایه برای خودکفائی آنها ـ انتقاد داشت؛ از خط مقابل هم نگران بود.

جمعی از نمایندگان تهران آمدند؛ عدد به حد نصاب رسمیت جلسه نرسید. مطالب متفرقه‌ای درباره عملکرد سوء بعضی از قضات، پس گرفتن اراضی مالکان بزرگ از کشاورزان، شکایت مالکان اراضی اطراف دانشگاه امام صادق(ع) ـ که به خاطر طرح توسعه بلاتکلیف‌اند ـ مطرح شد؛ با [آقای محمد نبی حبیبی] شهردار تهران و شورای عالی قضائی در این خصوص صحبت کردم.

ظهر، آقای دکتر [عبدالله]جاسبی آمد، گزارشی از وضع دانشگاه آزاد اسلامی داد. امسال بنا است پنج هزار دانشجو بگیرند و شاگردان تک درسی را به بیست هزار نفر برسانند و چند واحد

جدید باز کنند و دوره دکترا داشته باشند. گفت که حدود پنجاه هزار نفر در کنکور شرکت کرده‌اند. برای بودجه [دانشگاه آزاد] و معافیت دانشجویان [از سربازی] و... کمک خواست.[۱] گفتم با توجه به واگذاری اختیارات هیأت مؤسس، از این به بعد کارها را سریعتر می‌توانیم انجام بدهیم.

عصر، آقایان [سیدمهدی] طباطبائی سرپرست بنیاد مستضعفان و [احمد] توکلی آمدند. درباره شرکت بزرگ ساختمانی بنیاد، گزارش دادند. مشکلات کار و فروش طلا و جواهرات بنیاد برای مخارج ساختمان را مطرح کردند.

آقای [اسماعیل] فدائی نماینده سربند اراک آمد؛ برای برداشتن فرماندارشان کمک می‌خواست. آقای دبیرالملکی، صحّاف مجلس آمد. گزارشی از کارگاه مدرن ترمیم کتب خطی و کلیشه‌سازی داد. از اینکه صدور حکمش عقب افتاده، گله داشت. [آقای علی]معرفی‌زاده [نماینده خرمشهر] آمد. برای عزل استاندار خوزستان و برای لغو تصمیم قطع کمکهای نقدی به جنگ‌زدگان، کمک می‌خواست. آقای محمدزکی عراقی، همراه با آقای [مصطفی] ذوالقدر نماینده میناب آمد. گزارشی از وضع مسلمانان در تایلند داد؛ با هم چندی پیش از کویت اخراج شده‌اند. برای رفتن به سفر حج کمک می‌خواست.

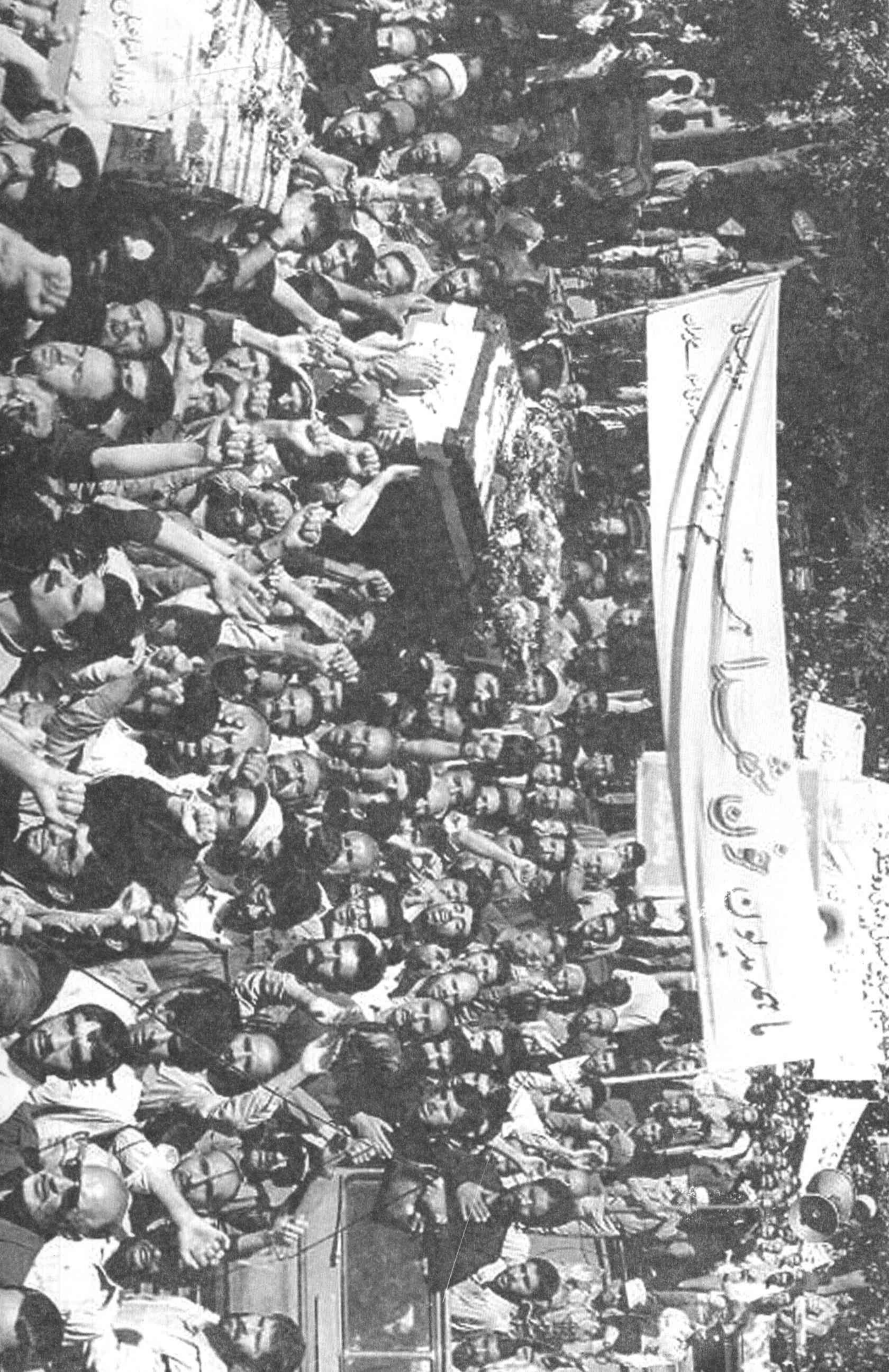
آقای محمد هاشمی از رفسنجان، برای حساب سال و خداحافظی سفر مکه آمد و مقداری پسته تازه آورد. آقای [حسین]محلوجی هم آمد؛ برای جبران کمبود مسکن نمایندگان کمک می‌خواست. به نخست وزیر گفتم؛ قرار شد چهل ـ پنجاه دستگاه [آپارتمان] از [شهرک] اکباتان [واقع در غرب تهران] اجاره کنیم.

شب، در منزل آقای موسوی اردبیلی [رئیس دیوان عالی کشور] جلسه سران قوا داشتیم. پیشنهاد شد برای جلوگیری از فساد در ادارات، مرکزی تأسیس شود و اعلان شود که اگر کسی در مراجعه به ادارات، با مأمور رشوه‌گیر مواجه شود به آن مرکز ـ که مشخص می‌کنیم ـ مراجعه کند. [آقای میرحسین موسوی] نخست وزیر، مشکل را در دستگاه قضائی می‌دانست که قاطعانه تعقیب نمی‌کنند و متقاضی دادگاه انقلاب ویژه بود و آقای [موسوی] اردبیلی موافق با دادگاه ویژه نبود.

۱- در این دیدار آقای دکتر عبدالله جاسبی، گزارشی دربارهٔ گسترش و برنامه‌ریزی این دانشگاه و دانشجویان پذیرفته شده، ارائه کرد. همچنین چکی به مبلغ سه میلیون ریال، اهدائی مؤسسات حمل و نقل ایران جهت کمک به دانشگاه آزاد اسلامی تقدیم رئیس مجلس شورای اسلامی شد.

قرار شد تا هفته دیگر، کیفیت کار مشخص شود. آقای خامنه‌ای بر اساس نظریه شورای نگهبان، خواهان اعلان لغو وزارت وزرای مشاور بودند که قرار شد، سرعت عمل برای اصلاح قانون شود. درباره جنگ و سیاست خارجی هم صحبت کردیم.

شهـریـور ۱۳۶۳



پنجشنبه ۱ شهریور ۱۳۶۳ ۲۵ ذیقعده ۱۴۰۴ 23 AUGUST 1984

دیروز و امروز، کمی کسالت دارم. بیشتر وقتم را به مطالعه و نوشتن گذراندم. آقای [سیدجلال]ساداتیان اطلاع داد که امروز ساعت هشت صبح، بمبی در میدان راه آهن [تهران] منفجر شده و تاکنون ۵ شهید و صدها مجروح داشته است[1]؛ گروه گمنامی از سلطنت‌طلب‌ها، مسئولیت انفجار را به عهده گرفته است.

جمعه ۲ شهریور ۱۳۶۳

تا ساعت ده‌ونیم صبح، در منزل مطالعه می‌کردم. برای اقامه نماز جمعه، به دانشگاه تهران رفتم.[2] مهندس موسوی [نخست وزیر]، قبل از خطبه‌ها سخنرانی داشت. عصر دو نفر از سازمان صداوسیما آمدند. انتقاداتی به برنامه‌ها و مدیریت [صداوسیما] داشتند به خصوص از فیلمهای خارجی و برنامه‌های گروه اقتصاد و گروه سیاسی و مدیر شبکه، انتقاد کردند.

۱- در این انفجار مهیب که ساعت ۸/۴۵ دقیقه صبح درکنار یک دکه آب میوه فروشی در نبش میدان راه‌آهن تهران ـ شوش غربی ـ رخ داد، ده دستگاه اتومبیل عبوری، در اثر موج انفجار متلاشی و در میان شعله‌های آتش سوختند در این حادثه تعداد ۱۷ نفر شهید و حدود ۷۰۰ نفر مجروح شدند. در اثر این انفجار وحشتناک، شیشه‌های مغازه و خانه‌های اطراف تا شعاع ۳۰۰ متری شکست و در محل انفجار گودال بزرگی ایجاد شد.

۲- در خطبه اول نماز جمعه، موضوع عدالت اجتماعی با مباحث فرهنگ استعمار، نمونه‌های تاریخی از هجوم استعمار به ملتها، مقایسه اهداف جنگ در فرهنگ غربی و استعماری و اسلام، استعمار در ایران و عمال استعمار مطرح شد. در خطبه دوم نیز موضوعات مربوط به اهداف بمب‌گذاری در میدان راه‌آهن تهران، اقدام وزارت امور خارجه برای اخراج اسرائیل از سازمان ملل، آزادی زندانیان و مذاکره افغانستان و پاکستان تحلیل و تبیین شد. در بخشی از خطبه‌دوم دربارهٔ انفجار بمب در میدان راه‌آهن تهران آمده است: "این عمل افشاگرانه برای ملت ما و دنیا و افرادی که طرفدار این گروهها بوده و در حال حاضر در زندانها به سر می‌برند، هیچ گونه توجیه و تفسیری ندارد، زیرا مردمی که در این حادثه شهید و مجروح شدند، از مستضعف‌ترین و محروم‌ترین مردم این شهر بودند. رویه منافقین این بوده که با انجام اینگونه اعمال، جمهوری اسلامی را وادار به نشان دادن واکنش و خشونت کنند تا ما از آزادی زندانیان منصرف شویم ولی ما باید منطقی عمل کنیم و ضمن هوشیاری کامل از توطئه‌ها، این نوع اعمال را در سرنوشت و آزادی زندانیان تائب، دخالت ندهیم و عطوفت اسلامی را فراموش نکنیم." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های نماز جمعه سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.





بمب گذاری در میدان راه آهن

شب، آقای محسن رضائی آمد و طرح جامع خود را برای ادامه جنگ آورد. این طرح جالب به نظر نرسید. قرار شد با آقای صیاد [شیرازی] مذاکره کنند و سپس برای تصمیم‌گیری نهایی با هم بیایند. از اینکه با تشکیل وزارت اطلاعات، سپاه قدرتی را از دست می‌دهد و آقای [محمدمحمدی] ری‌شهری برای گرفتن نیروهای اطلاعاتی سپاه، فشار می‌آورد، ناراحتند. بعضی‌ها هم، این گونه مسائل و نیز موضوع بدست آوردن امتیازات بیشتر را، عامل رکود عملیات در جبهه‌ها می‌دانند.

شنبه ۳ شهریور ۱۳۶۳

تمام امروز را در منزل بودم و بیشتر وقتم به مطالعه گذشت. پیش از ظهر، احمد آقا آمد. در مورد جنگ و اصلاح قانون اساسی و اوضاع جاری کشور و اختلافات دو خط سیاسی و اطلاعات صحبت شد. قرار شد که پس فردا به زیارت امام بروم.

جلسه شورای سرپرستی صداوسیما داشتیم. درباره فیلمهای خارجی، خودکفائی مهد کودک صداوسیما، قرارداد مالت [دربارهٔ خرید دستگاه فرستنده] و سیاست خارجی بحث و اتخاذ تصمیم شد. عصر، آقای [عبدالمجید] معادیخواه آمد. درباره بودجه و امکانات "بنیاد تدوین تاریخ" مذاکره شد؛ درخواست کرد با اختیاراتی که هیأت مؤسس به من داده، کارها را سرعت دهم.

اول شب، آقایان صیاد [شیرازی] و [محسن]رضائی آمدند. برای شکستن بن‌بست مدیریت جنگ به توافق مقدماتی رسیدیم؛ قرار شد پس از ارائه طرح‌های عملیاتی ارتش و سپاه، من و آقای خامنه‌ای تصمیم بگیریم.

گزارشها را آوردند، خواندم. یکی از مقامات نظامی ترکیه گفته است، در تعقیب کردهای مخالف ترکیه، به خاک ایران و عراق، نفوذ کرده‌اند. از منابع دیگر این حرف تأیید نشده است. با دکتر ولایتی [وزیر امور خارجه] در این باره تلفنی صحبت کردم. خواستم که به وزیر علوم تذکر بدهد که با دانشجویان بسازد. دیروز، آقای [میرحسین موسوی] نخست وزیر نقل کرد که می‌خواهند آنها را از "ستاد انقلاب فرهنگی" کنار بگذارند. با [آقای ناطق‌نوری] وزیر کشور هم درباره مسئولیت حفاظت [مسئولان] صحبت کردم.

یکشنبه ۴ شهریور ۱۳۶۳

علی‌رغم تعطیلی مجلس، صبح زود به مجلس رفتم. قرار است به خاطر ملاقاتها، هفته‌ای دو روز به دفترم بروم. آقای [محمد جواد] عاصمی پور، رئیس سازمان غله و همکارانش آمدند و گزارش کاملی [از عملکرد سازمان] دادند. همه سیلوها پر از گندم‌اند؛ ذخیره چهار ماه موجود است. خرید گندم [از کشاورزان] هم خوب است. از برنامهٔ توسعه [مراکز تولید] نان ماشینی برای کاهش ضایعات [نان] گفتند.

سرهنگ مشکات، رئیس راهنمائی و رانندگی و همکارانش آمدند. گزارشی از وضع راهنمایی و رانندگی، کثرت اتومبیل، وسعت فضای تهران، خسارات، ضایعات اتومبیل و نیاز به مترو و... گفتند. گروه تولید برنامهٔ «استعمار و تبعیضات نژادی» از صداوسیما آمدند و برای تهیه برنامه، کمک می‌خواستند. نظراتی ارائه کردم. دکتر شهیدی برای معاینه چشمم آمد. پیشنهاد کرد که به مطب بروم؛ پذیرفتم. قرار شد شب بروم. عفت را هم خبر کردم که بیاید.

آقای مجید انصاری [رئیس شورای سرپرستی سازمان زندانها] آمد. گزارشی از وضع زندانهای دادستانی انقلاب تهران داد؛ از تنبیه‌ها، تعزیرها، سخت‌گیری‌ها و آزاد نکردن عده‌ای که مدت محکومیت آنها تمام شده، ناراحت بود. قرار شده زندان‌ها را از دست دادستانی [انقلاب] بگیرند و به شورای سرپرستی [زندانها] واگذار نمایند.

محمد تقی ـ کارگرمان از نوق [رفسنجان] ـ آمده بود. مقداری پسته تازه و نان و لبنیات آورد و گزارشی از وضع آنجا داد. [آقای رضا امراللهی] رئیس سازمان انرژی اتمی آمد و گفت آلمان‌ها در انجام کار نیروگاه [اتمی] بوشهر، مسامحه می‌کنند و می‌خواهند تا بعد از جنگ جدی نباشند. کمک می‌خواست که از بالا به آلمان‌ها فشار بیاید. [آقای قادری] نماینده پیرانشهر آمد. مسائل کردستان را مطرح کرد و اتومبیل امن برای منطقه می‌خواست.

عصر، در جلسه حزب [جمهوری اسلامی] شرکت نکردم. در دفترم گزارشها را خواندم. شب، در راه منزل با عفت و بچه‌ها به مطب دکتر شهیدی رفتیم. [پس از معاینه چشمم]، نسخه برای عینک گرفتم. چشم راست ۱/۵ و چپ ۱/۲۵ بود و آستیگمات و چشم راست آفت خورشید زدگی هم دارد؛ گویا در جوانی هنگام خورشید گرفتگی، بدون حفاظ به خورشید نگاه کرده‌ام؛ در مجموع [وضع چشمهایم] در این سن [پنجاه سالگی]، بد نیست.



دوشنبه ۵ شهریور ۱۳۶۳

به زیارت امام رفتم. گزارش توافق مقدماتی با آقایان صیاد [شیرازی] و [محسن] رضائی درباره مدیریت جنگ را به ایشان دادم؛ موافقت کردند. پیشنهاد اصلاح قانون اساسی را دادم که مورد توجه ایشان قرار گرفت؛ قرار شد [در این مورد] فکر کنند. در قانون اساسی موجود به خاطر عجله و کمی تجربه آن زمان، ابهامات و نواقصی وجود دارد. درباره احتمال فتنه و خطر از ناحیه اختلافات نظری در موازین اسلامی، برای نظام در آینده هم صحبت کردم؛ قرار شد در این مورد، مطالب روی کاغذ بیاید.

[آقای میرحسین موسوی] نخست وزیر، تلفنی اطلاع داد که درباره طرح برنج، دستور رسیدگی برای تجدید نظر داده است. مشورت کرد که آقای داود کریمی را به معاونت امور نظامی ارتش بگمارد.

عصر، آقای ناطق نوری [وزیر کشور] به منزل آمد. از مشکلات کار، فشار نمایندگان مجلس، ابهامات در قوانین و مسئولیت‌های حفظ امنیت، تقسیمات کشوری و... شکایت داشت و احتمال استعفاء را مطرح می‌کرد؛ به ایشان تأکید کردم که بمانند و قول حمایت دادم و ضرورت مبارزه با

مشکلات را توضیح دادم.

سرهنگ [مصطفی] ترابی [از دفتر مشاورت امام در ارتش] آمد. گزارشی از بدی وضع نیروی دریائی آورد و پیشنهادهائی در مورد وزارت دفاع و نیروهای زمینی و دریائی و ستاد [مشترک ارتش جمهوری اسلامی] آورد. اطلاع داد که برای یک کشتی نفتی پانامائی در خلیج فارس، مشکل ایجاد شده است؛ قبلاً هم یک کشتی قبرسی را هم عراق زده است.

سه شنبه ۶ شهریور ۱۳۶۳

اطلاع رسید که یک هواپیمای ما با یکصد و نود مسافر، در مسیر شیراز ـ تهران ربوده شده و به عراق رفته و در بغداد به زمین نشسته است. لابد از پیش، ربایندگان [هواپیما] با عراق هماهنگ کرده‌اند.[1] به سپاه و مدیر شرکت هواپیمائی اعتراض شد که چرا تصمیم مربوط به گذاشتن مأمور [امنیتی] در هواپیما را اجرا نکرده‌اند.

حاج احمد آقا آمد و گفت آقای [اسدالله] لاجوردی، خدمت امام رسیده و از اینکه می‌خواهند [اداره امور] زندانها و اطلاعات را از ایشان بگیرند، شکایت داشته و اعلام خطر کرده است؛ ولی امام تأکید کرده‌اند که تسلیم قانون باشد و فقط مسئولیت دادستانی [انقلاب تهران] را داشته باشد و زندانها را تحویل شورای سرپرستی زندانها و اطلاعات [دادستانی] را هم تحویل وزیر اطلاعات بدهد ولی او ناراضی رفته است.

آقای خامنه‌ای، تلفنی درباره تغییرات در [فرماندهی] ارتش و وزیر دفاع مطالبی گفتند. قرار شد بعداً حضوری مذاکره کنیم. آقای غرضی [وزیر نفت] تلفنی اطلاع داد که جمع فروش نفت در شش ماهه اول، در حدود ده میلیارد دلار شده است. این ماه، وضع فروش [نفت] بهتر است و قیمت‌ها و فروش هم عادی‌تر می‌شود.

۱- این هواپیما ـ که از دوبی به شیراز آمده بود ـ پس از تخلیه مسافران خود و سوارکردن مسافران جدید، به سمت تهران پرواز کرد. هواپیما در ساعت هفت صبح، در مسیر شیراز ـ تهران توسط هواپیماربایان ربوده و به سمت فضای هوایی کویت برده شد. اما مقامات کویتی از ورود هواپیما به آسمان کویت، جلوگیری کردند. هنگامی که هواپیما برفراز آسمان کویت بود، دو جنگنده عراقی وارد حریم هوایی کویت شد و هواپیمای ایرباس ایران را به سمت عراق اسکورت کرد و در فرودگاه بغداد به زمین نشاندند. این هواپیما حامل ۱۹۵ نفر مسافر و ۱۱ نفر خدمه بود.

عصر، آقای [محمدی]ری‌شهری وزیر جدید اطلاعات آمد. از اقداماتش در زمینه شروع کار وزارت اطلاعات گفت. درباره امور وزارت [اطلاعات] مشورت نمود و چند جلد از تألیفاتش را آورد. خانواده شهید علم‌الهدی اهوازی، مهمان ما بودند. از بنیاد شهید گله‌دارند. آقای میرحسین موسوی، از عدم همکاری وزیر نفت با معاملات تهاتری [پایاپای]، گله کرد.

چهارشنبه ۷ شهریور ۱۳۶۳

ساعت شش‌ونیم صبح، به مجلس رفتم. گزارشها را خواندم. امروز مسافران هواپیمای ربوده شده را برای زیارت به کربلا برده‌اند. فیلمی که از سیمای عراق پخش کرده‌اند، خیلی از زنان مسافر را بی‌حجاب نشان داده است.[1] تا ساعت ۱۰ صبح به مشکلات کارکنان مجلس پرداختم؛ اکثر آنها گرفتاری تأمین مسکن را مطرح می‌کردند و چند نفری هم از تأخیر صدور احکام استخدامشان گله داشتند. به خاطر زیاد بودن تعداد کارکنان، می‌خواهند حدود پنجاه نفر را مرخص کنند؛ ولی قبلاً باید فکر کاری برایشان کرد.

مهندس [مهدی] چمران، ماکت زیردریائی طراحی شده توسط خودش را آورد و خواهان تحویل کارگاهی از اموال مصادره شده جهت کار بر روی طرحهای خودش بود.

ملاقاتی با سه نماینده پارلمان آلمان داشتم.[2] از وضع مجلس آلمان اطلاعاتی خواستم. معلوم

۱- مسافران هواپیمای ربوده شده بعد از بازگشت به ایران اظهار داشتند: "تمام برنامه‌هایی که ظرف یک هفته برای ما در عراق ترتیب داده شده بود، هدف تبلیغاتی داشت؛ حتی ما با اسرای ایرانی در عراق دیدارکردیم اما آنها نمی‌توانستند حرف بزنند."

۲- در این دیدار اعضای هیأت آلمانی از حضور خود در ایران و آشنایی با حقایق، ابراز رضایت کردند و خاطر نشان ساختند: "برای ما و نمایندگان پارلمانی کشورمان روشن شده است که صدام جنگ را شروع کرده است. ما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران با دید احترام به مردم و انقلاب اسلامی شما می‌نگریم و امیدواریم که این سفرها برای توسعه روابط بین دوکشور مفید باشد." سپس آقای هاشمی در ارتباط با جنگ تحمیل شده و حضور امپریالیسم در منطقه خاورمیانه مطالبی بیان‌کرد. ایشان در قسمتی از سخنانش گفت: "اگر قرار باشد حق مظلوم داده نشود و متجاوز، کیفر جنایات خود را ندهد، صلح واقعی پیش نخواهد آمد. ما از شما گله داریم که از امکانات خود برای اجرای عدالت استفاده نکرده‌اید. متجاوزی که تجاوز او برای شما آشکار است و خودتان آن را قبول دارید، این به نفع دنیاست که به مظلوم فشار آورند و بگویند گذشت کن! با وجود این همه مشکلات، ما صلح‌طلب هستیم. هر روزی که زمینه صلح پایدار ـ که حقوق مردم ما در آن وجود داشته باشد ـ فراهم گردد، جنگ خاتمه خواهد یافت."

شد، قدرت پارلمان ما بیش از پارلمان آنها است. وزرا در آنجا به تصویب مجلس نمی‌رسند، فقط نخست وزیر را مجلس تصویب می‌کند. درباره جنگ و حقوق بشر و آمدن خبرنگاران خارجی به ایران سئوالاتی داشتند. توضیحات کافی داده شد. ظاهراً قانع شده بودند.[1]

[آقای سعدمجبر] سفیر لیبی برای خداحافظی آمد.[2] پیشنهاد بکار گرفتن نیروهای مخالف حکومت عراق را داشت. همچنین درخواست قبول [اجازه] ملاقات امام با آقای جلّود، در هنگام سفر ایشان به ایران را داشت. می‌گفت اطلاعاتی دارند که عربستان و آمریکا در صدد آوردن حکومت راستی در عراق به جای صدامند که این کار را خطرناک می‌خواند. توضیحاتی هم در مورد علت اتحّاد اخیر لیبی و مراکش داد.

آقای [سیدمحمد علی] قریشی نماینده خمین آمد. برای آسفالت جاده‌ای که هفده روستای خمین را به هم مربوط می‌کند، استمداد کرد. آقای [علی اصغر] جعفری (مرتضوی) نماینده فلاورجان آمد و از حزب [جمهوری اسلامی] گله داشت.

به بنیاد مستضعفان، درباره اصلاح اساسنامه شرکت مسکن تلفن کردم. به سازمان زمین شهری، برای تحویل اراضی تعاونی‌های مسکن ادارات از جمله مجلس تذکر دادم. علی آقاصفریان و

۱- این نمایندگان پس از بازگشت به آلمان، اعلامیه مشترکی صادر کردند و خواستار تغییر تصویر ایران در غرب شدند. در این اعلامیه مشترک آمده است: تعریفی مانند "بازگشت به قرون وسطی و یا دیکتاتوری ملاها" در آلمان، تصویر یک جانبه‌ای از ایران به مردم غرب داده است. باید تصویر تجسمی ایران در افکار عمومی آلمان، تصحیح و تجزیه و تحلیل شود. سیستم حکومت [امام] خمینی در میان مردم ایران تثبیت شده است. البته رهبری ایران، سعی می‌کند در سیاست و اقتصاد و زندگی خصوصی مردم، مبانی اسلامی را به زور وارد کند ولی تشکیلات اداری و تأمین مایحتاج عمومی، بسیار خوب کار می‌کند.

۲- آقای سعدمجبر، دبیر دفتر مردمی لیبی در تهران در دیدار پایانی مأموریت خود با آقای هاشمی گفت: "برای من که از اولین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی ایران با مردم مسلمان و انقلابی ایران زندگی کرده‌ام، جدایی از این مردم بسیار ناراحت کننده است. من در این پنج سال، شاهد فداکاریهای بزرگ ملت ایران برای حفظ ارزشهای اسلام بوده‌ام و بی‌تردید جمهوری اسلامی ایران، الگو و نمونه بسیار خوبی برای کشورهای دیگر مسلمان شده است که ان‌شاءالله همگی از این تجربه خوب بهره‌برداری خواهیم کرد." آقای هاشمی نیز از تلاشهای آقای سعدمجبر، در توسعه روابط ایران و لیبی تشکر کرد. و درباره آینده جنگ و تحقق اهداف جمهوری اسلامی گفت: "ما ان‌شاءالله در این جنگ پیروز خواهیم شد و شر صدام و حزب بعث را از منطقه کوتاه خواهیم کرد و ان‌شاءالله برای همیشه منطقه برای زندگی مردم امن خواهد شد."

همسرش از نوق [رفسنجان] برای احوالپرسی آمدند؛ دایی‌زاده‌اند.

ظهر، از رادیو پیام مفصل امام به حجاج را گوش دادم؛ خیلی خوب است.[۱] عصر، گروهی از طلاب "مؤسسه در راه حق" که در تهران [زبان] انگلیسی می‌خوانند و آقای مهدیان مسئول دفتر نشر فرهنگ اسلامی که قبل از انقلاب با اموال مرحوم تولیت و با خواست من و آقای دکتر باهنر تأسیس شد، آمدند. برای آنها صحبت کردم.[۲] گروهی از معلمان آمدند. مفصلاً برایشان سخنرانی نمودم.[۳]

۱- رادیو بی. بی. سی گفت: "پیام آیت‌الله [امام] خمینی، پیامی نسبتاً ملایم بود و این خود نشان می‌دهد که میزان تشنج در مکه امسال کمتر از دو سال گذشته بوده است. آیت‌الله خمینی در پیام خود گفت زایران ایرانی باید نسبت به مقامات رسمی زیارتگاهها، رفتاری مسالمت‌آمیز داشته باشند. با همگان به شیوه انسانی و اسلامی برخورد کنند و همه مسلمانان را از اعمال خشونت آمیز نهی کنند. آیت‌الله خمینی در بخشی دیگر از پیام خود بر جنبه‌های سیاسی حج تأکید کرد که ابرقدرتها و به گفته او ایادی آنها می‌کوشند تا میان مسلمانان به ویژه میان شیعیان و اهل تسنن تفرقه ایجاد کنند و او تأکید کرد که همه زایران ایرانی مؤظفند که به جنبه‌های سیاسی حج توجه کنند و سایر مسلمانان را از آنچه که وی سلطه جبارانه و روز افزون قدرت‌های جهانی نامید، آگاه سازند، اما هشدار داد افرادی که مسئولیت برگزاری تظاهرات مسالمت‌آمیز را برعهده دارند، باید در تهیه شعارها دقت به خرج دهند و در این رابطه با نماینده وی در مراسم حج، حجت‌الاسلام موسوی خوئینی‌ها مشورت کنند. به این ترتیب آیت‌الله خمینی ضمن تأکید بر جنبه‌های سیاسی حج، از زایران ایرانی خواسته است که مراسم حج را با آرامش و مسالمت به جای آورند."

۲- ایشان در دیدار آقای حسین مهدیان مدیرعامل دفتر نشر فرهنگ اسلامی و جمعی از طلاب بخش آموزشی "موسسه در راه حق" قم، با اشاره به چگونگی و هدف از تأسیس این دفتر توسط شهید باهنر گفت: "دفتر نشر فرهنگ اسلامی، آن موقع خیلی فعالیت کرد و بعد از انقلاب هم زیاد کارکرد. هنوز هم ما عقیده داریم که کارهای انتشاراتی و تهیه کتابهای مفید نقشی سازنده‌ای دارد. کمبود کتابهای خوب و تفسیرها و تحلیل‌های مناسب از منابع اسلامی با زبانهای مختلف که هم بتواند در خارج از ایران مؤثر و هم بتواند با قشرها و طبقات مختلف مردم حرف بزند، محسوس است. دانشمندان و محققین باید خوراکهای فکری مورد نیاز مردم و سازمانها را تأمین کنند."

۳- آقای هاشمی در این دیدار، پس از یادآوری خاطره شهیدان رجایی و باهنر گفت: "پیش از پیروزی انقلاب، هر جا که برای تبلیغ می‌رفتیم، بیشتر از همه با استقبال معلمان و فرهنگیان مجاهد و مسلمان روبرو می‌شدیم. بی‌جهت نبود که از اهداف مهم ضدانقلاب اسلامی، ترور شخصیت‌های فرهنگی بود. ایشان به نقش پراهمیت آموزش و پرورش در ساختن نسل نو و نقش یک

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

شب در جلسه سران قوا، مهمان احمد آقا بودیم. امام هم شرکت کردند و اظهارات رادیوهای بیگانه، درباره هواپیمای ربوده شده را تعریف کردند؛ معمولاً امام رادیوهای بیگانه را گوش می‌کنند. درباره تجدید نظر در طرح برنج و سفر آیت‌الله خامنه‌ای به دادگاه لاهه و اسکورت‌های شخصیت‌ها، تصمیم اتخاذ شد.

پنجشنبه ۸ شهریور ۱۳۶۳

تا ساعت ده صبح، درباره اظهارات مستشرقان درباره تمدن اسلام و برخورد مسلمین با دیگران، مطالعه می‌کردم. ساعت ده صبح آقایان [محسن]رضائی و صیاد[شیرازی] آمدند؛ برای عرضه طرح جامع خودشان برای جنگ. آقای صیاد طرحش را منقحّ و زمان‌بندی شده و مکتوب عرضه کرد، نمونه‌ای از انضباط ارتش است. ولی آقای محسن رضائی تنظیم نکرده بود و توضیح شفاهی داد. قرار شد در جلسه فردا با حضور رئیس جمهور، [طرح]کامل شده را بیاورد.

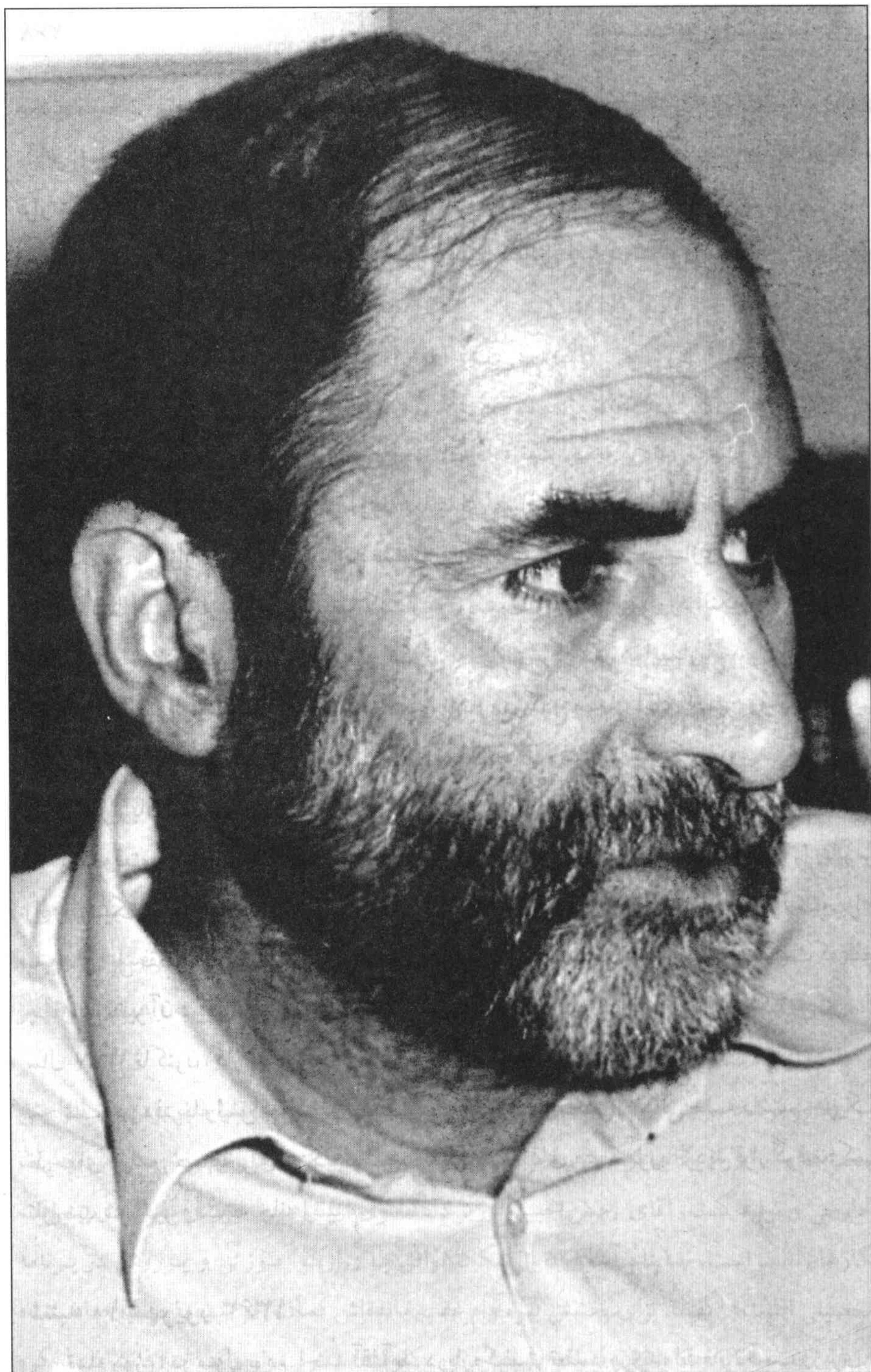
با [آقای میرحسین موسوی] نخست وزیر، تلفنی در مورد طرح برنج و کفایت هفتصد هزار تن واردات برای سهمیه کوپن صحبت کردم و گفتم که فروش برنج داخلی را به کلی آزاد بگذاریم. با [مهندس سراج الدین کازرونی] وزیر مسکن هم درباره تسریع در تحویل زمین به تعاونی‌های مسکن، تلفنی گفتگو کردم.

آقای سجادی‌زاده امام جمعه کنگان آمد و چکی به مبلغ سیصدهزار تومان اهدایی مردم آن شهر برای مخارج جبهه‌های جنگ را تحویل داد.

اول شب، آقای بهزاد نبوی آمد. از اینکه [آقای اسدالله لاجوردی] دادستان انقلاب تهران، دوستانش را به خاطر تعقیب پرونده انفجار [ساختمان] نخست وزیری، بازداشت کرده است،

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

معلم در محیط کار، خانواده و فامیل اشاره کرد و گفت؛" ویژگی معلمی در هر محیطی بروز می‌کند و خود را نشان می‌دهد. معلمان باید بکوشند که جای خالی شهیدان عزیز رجایی و باهنر را پرکنند. معلمین باید با توجه به مسائل کشور همچنان قانع و صبور و ایثارگرانه به رسالت عظیم خویش ادامه دهند." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.



بهزاد نبوی

سخت ناراحت و پریشان بود. معتقد بود خطی برخورد شده و می‌خواهند، خُرده حساب‌ها[ی سیاسی] را صاف کنند. گفتم خودتان در مجلس گفتید که این پرونده را تعقیب کنند و نامه نوشتید. قرار شد با شورای‌عالی قضائی صحبت شود که عادلانه برخورد کنند. آقای علی تهرانی [کارمند نخست‌وزیری] که از اول تا کنونَ بازداشت بوده است، مطالبی گفته که شک و تردید به وجود آمده است.

جمعه ۹ شهریور ۱۳۶۳

امام جمعه تهران، آیت‌الله خامنه‌ای، خودشان اقامه نماز جمعه کردند. ساعت ده صبح احمد آقا آمد. از وضع تبلیغات راکد ما در مورد هواپیمای مسافربری ربوده شده، انتقاد داشت؛ من هم تأیید نمودم. به وزارت خارجه گفتیم که مسئولی برای تعقیب جریان و خبرسازی و زنده نگه‌داشتن قضیه و فشار برمجامع بین‌المللی، معین کنند و به توصیه سازمان‌ملل در مورد اینکه ما سروصدا راه نیندازیم، توجه ننمایند. عراق به جای جوابگوئی به خاطر شرکت در هواپیماربائی، با زیارت بردن مسافران، دارد مانور تبلیغاتی هم می‌دهد. برای ناهار، در کرج مهمان آقای حسین روحانی بودیم. آقای [موسوی]اردبیلی هم با خانواده آنجا بودند. با بچه‌ها رفتیم؛ تا نزدیک غروب، آنجا در باغ آقای تحریریان ماندیم.

آخر وقت، از پل عظیمی که برروی رودخانه کرج می‌زنند ـ که برای مسافران [تهران ـ] چالوس راه را نزدیک می‌کند و نیز از ترافیک کرج می‌کاهد ـ دیدن کردیم. دهانه پل، سیصد متر است. برای پایه‌های پل فقط چهار ستون بکار برده می‌شود. مهندس شهرستانی، مجری طرح می‌گفت که فقط چهار پل نظیر آن در دنیا طراحی شده است و با تکمیل تجربه آنها دارد به پایان نزدیک می‌شود. از سال ۱۳۵۷ تا کنون، کار آن ادامه دارد.

شب، در دفتر با رئیس جمهور و آقایان صیاد شیرازی و [محسن]رضائی جلسه داشتیم. هریک، طرحهای جامع خود را برای جنگ توضیح دادند. طرح آقای صیاد مورد تردید قرار گرفت؛ کمی ناراحت شد. دیر وقت به خانه رسیدم.

شنبه ۱۰ شهریور ۱۳۶۳

تمام روز را در منزل بودم. احمد آقا آمد. درباره کیفیت تعقیب پرونده انفجار نخست وزیری [و

شهادت رجایی و باهنر] از من نظر خواست. شورای سرپرستی [صداوسیما] جلسه داشت؛ بیشتر درباره سیاستهای خبری بحث کردیم.

یکشنبه ۱۱ شهریور ۱۳۶۳

صبح زود، به دفتر رئیس جمهور رفتم و با ایشان راجع به دو طرح آقایان صیاد و محسن رضائی بحث کردیم. طرح آقای رضائی را قبول کردیم و [طرح] صیاد غیر عملی تشخیص داده شد. راجع به وزارت دفاع و ستاد مشترک و فرمانده نیروی دریائی و نماینده امام در شورای‌عالی دفاع هم بحث و تصمیم‌گیری شد. قرار شد با امام هم مطرح کنیم. راجع به حزب [جمهوری اسلامی] هم کمی بحث کردیم؛ آقای خامنه‌ای ازکم توجهی من به حزب گله داشت، من گفتم جناح بازی‌ها در حزب مایه دلسردی است، حزب باید صحیح عمل کند.

به دفترم رفتم و تا ساعت ۲ بعد از ظهر، ملاقات انجام دادم. سروان بهزادپور، افسر اخراجی ژاندارمری آمد. برای [پیدا کردن] کار، کمک می‌خواست؛ به وزیر کشور ارجاع دادم. آقایان [غلام عباس] زائری و [حسین]محلوجی [از کارپردازان مجلس] آمدند؛ برای کارهای مجلس و تأمین بودجه برای خرید ماشین‌های نمایندگان و تأمین منزل نمایندگان و مشکل تخلیه نشدن منازل نمایندگان از طرف نمایندگان سابق.

آقای [حسین]نیلی وزیر معادن [وفلزات] آمد و از عدم پذیرش ملاقات توسط آیت‌الله منتظری ناراحت بود و کمک می‌خواست. گزارشی از وضع معادن داد و راضی بود. درباره کیفیت برخورد با انجمن‌های اسلامی ـ که با ایشان مخالفت می‌کنند ـ مشورت کرد. [آقای امیر میر] نماینده زاهدان آمد. از ادامه زندانی بودن سیستانیها در زاهدان گله داشت. برای رفتن به زاهدان، به خاطر وحشت از دادستانی انقلاب، کمک می‌خواست.

آقای فرشاد مؤمنی از یک بعدی شدن حزب [جمهوری اسلامی] ناراحت بود و از ناراحتی بعضی‌ها و ایراد رادیکالها از دستور اخیر امام، درخصوص شرکت بخش خصوصی در امر تجارت خارجی و تولید گفت. آقای [حسن]حبیبی وزیر دادگستری از تفاهم با شورای قضائی و پیشرفت کارها راضی است. نماینده آشوریان از امکان توافق با وزارت آموزش و پرورش در برنامه تحصیلی اقلیت‌ها گفت. برای بخشش بهره وام عقب مانده‌اش کمک خواست؛ اجرائیه صادر شده است. عصر، آقایان ساداتیان، عباسی و مهاجری ـ کارکنان دفترم ـ راجع به اختلافاتشان مذاکره

کردند؛ توصیه به سازش کردم.

در شورای [مرکزی] حزب [جمهوری اسلامی] شرکت کردم. وضع بد مالی حزب مطرح بود و سخنرانی آقای [جلال‌الدین]فارسی در جمع حزبیها را تفرقه افکن خواندند. شب با آقایان خامنه‌ای و طبسی، درباره یک بعدی شدن حزب بحث کردیم و قرار شد ادامه بحث بدهیم. وزیر بازرگانی آمد و راجع به طرح برنج مشورت کرد. من و آقای [آیت‌الله]خامنه‌ای نظرمان این بود که دولت به هر فرد از هر خانواده، یک کیلو برنج در ماه بدهد و برای بخش خصوصی خرید برنج داخلی آزاد باشد.

دوشنبه ۱۲ شهریور ۱۳۶۳

تا ساعت ده صبح، در خانه مطالعه می‌کردم. ظهر، آقای طبسی و آقای [آیت‌الله]خامنه‌ای و احمد آقا مهمان من بودند. پیش از ظهر همراه آقای خامنه‌ای، به زیارت امام رفتیم. ایشان برای سفر به سوریه، الجزایر و لیبی از امام خداحافظی کردند. با امام درباره وزیر دفاع و رئیس ستاد [مشترک] مشورت کردیم؛ به نتیجه‌ای نرسیدیم. قرار شد بعد از سفر رئیس جمهور تصمیم بگیریم.

احمد آقا از گله‌های دیروز شورای نگهبان خدمت امام و جواب‌های امام به آنها تعریف کرد؛ برعکس مقصود ایشان [اعضای شورای نگهبان] پیش آمده است. آقای امامی [کاشانی] از مشهد تلفن کرده و گفته، ممکن است با پخش اظهارات تلخ امام[1] نسبت به شورای نگهبان، شورا از هم

۱- فقها و حقوقدانان شورای نگهبان، روز یکشنبه ۱۱ شهریور ۱۳۶۳ به حضور امام خمینی(ره) رسیدند و با ایشان دیدار کردند. در این دیدار حضرت امام(ره)، خطاب به آنان فرمود: "من تذکراتی دارم که باید به شما آقایان عرض کنم. ما باید آینده را در نظر بگیریم و اینگونه فکر نکنیم که وضع فعلیمان بگذرد. آینده هر چه باشد، باشد. ما مکلفیم تا علاوه براینکه وضع فعلی را حفظ کنیم، نگهبان آینده نظام و اسلام باشیم. ما باید پایه گذار خوب آینده باشیم ... اما مسئله شما، من با نهاد شورای نگهبان صددرصد موافقم و عقیده‌ام هست که باید قوی و همیشگی باشد ولی حفظ شورا، مقداری بدست خود شماست. برخورد شما باید به صورتی باشد که در آینده هم این شورا صدمه نخورد. شما نباید فقط به فکر حال باشید و بگویید آینده هر چه باشد، باشد. شما روی مواضع اسلام قاطع بایستید ولی به صورتی نباشد که انتزاع شود؛ شما در همه جا دخالت می‌کنید. صحبت‌های شما باید به صورتی باشد که همه فکر کنند در محدوده قانونی خودتان عمل می‌کنید، نه یک قدم زیاد و نه یک قدم کم؛ در همان محل کانونی وقوف

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

بپاشد. انتظار نداشته‌اند [اظهارات امام] از رسانه‌ها پخش شود. امام آنها را نصیحت کرده‌اند که مراعات کنند و نسبت به دولت، سخت‌گیری نکنند.

آقای نخست وزیر، تلفنی درباره پذیرفتن مسافران هواپیمای ایرباس از عراق ـ بدون خود هواپیما ـ مشورت کرد. قرار شد مسافران هواپیمای ربوده شده را مجبور نکنیم که در انتظار پس گرفتن هواپیما، در عراق بمانند. گفته شده خلبان و خدمه می‌خواهند برای پس گرفتن هواپیما مقاومت کنند. گفتم اگر داوطلبانه باشد، می‌توانند بمانند.

سه شنبه ۱۳ شهریور ۱۳۶۳

تمام روز را در منزل مطالعه می‌کردم. عصر، آقایان صیاد [شیرازی] و [محسن]رضائی آمدند و راجع به طرح‌ها بحث شد. آقای صیاد ناراحت است که طرحش قبول نشده است. دو نفر از کارگران نوقی [از رفسنجان] آمدند. برای علی حمامی ـ که فرزندش اخیراً در چاه سقوط و فوت کرده است ـ کمک می‌خواستند. نخست وزیر تلفنی اطلاع داد که کار تأمین زمین تعاونیهای مسکن کارکنان دولت، پیشرفت کرده است. من فشار می‌آورم که به جائی برسد. راجع به طرح برنج از من خواست که در نماز جمعه توضیح بدهم.

مسافران هواپیمای ربوده شده در عراق، امروز برگشتند. هواپیما را پس نداده‌اند. خبرگزاری عراق، ادعا کرده که سه نفر از مسافران در عراق مانده‌اند.[1] نخست وزیر و احمد آقا خبر دادند،

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

کنید نه یک کلمه این طرف، نه یک کلمه آن طرف. تشریفات حوزه‌های روحانیت، دارد زیاد می‌شود. وقتی تشریفات زیاد شد، محتواکنار می‌رود. بعضی از ائمه جمعه، با دخالتهای بی‌مورد خود در امور دولت، اسباب این می‌شوند که مردم از آنها کناره گیرند. روحانیون باید وضع ارشادی داشته باشند، نه اینکه بخواهند حکومت کنند. شورای نگهبان روی مواضع اسلام قاطع بایستد، اما در محدوده قانونی خود توقف کند. شما باید سعی کنید که نگوئید می‌خواهید در تمام کارها دَخالت کنید؛ حتی در مسائل اجرائی. ما باید بسیار به فکر مردم باشیم و برآنان سخت نگیریم که از صحنه خارج شوند. رجوع کنید ← صحیفه نور، جلد یازدهم، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.

۱ـ در اثر شکایت مقامات ایرانی به سازمانهای بین‌المللی از جمله "یاتا" و "ایکائو"، مسافران و خدمه هواپیما توسط صلیب سرخ

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

حدود سی نفر از آنها را دادستانی انقلاب [تهران]، برای تحقیق در مورد رفتار آنها در عـراق از فرودگاه به زندان اوین برده. به نظر می‌رسد [دادستانی انقلاب]کار خوبی نکرده [است]، تذکر دادم که آزادشان کنند.

چهارشنبه ۱۴ شهریور ۱۳۶۳

صبح زود در راه مجلس، سری به نمایشگاه بین‌المللی تهران زدم. مشغول آماده کردن غرفه‌ها ـ برای چند روز دیگر که با شرکت ۳۷ کشور افتتاح می‌شود ـ هستند. انبار اشیاء عتیقه و اجناس قیمتی بنیاد مستضعفان را بازدید کردم؛ خیلی عجیب و عظیم است. این گونه اجناس را از خانه‌های عوامل رژیم شاه که اموالشان مصادره شده، جمع کرده‌اند. هزاران قطعه اشیاء نفیس است که بعضی از آنها عتیقه و گران قیمت است و می‌تواند چند موزه را پرکند. تا به حال حفظ شده و باید برای آیندهٔ آنها فکری کرد. بعضی از آنها باید به فروش برود و بعضی‌ها را هم باید در موزه‌ها نگه‌داشت. قرار است اشیاء قابل فروش، پشتوانه ساختمانهای بنیاد مستضعفان باشد.

ساعت هشت صبح، به دفترم رفتم. گروهی از باختران آمده بودند و به نفع آقای زرندی علیه مخالفان ایشان حرف داشتند و از آقای [محمدعلی]موحدی کرمانی امام جمعه هم شاکی بودند. در باختران، دو جریان محافظه کار و رادیکال اختلاف دارند. [اعضای]کمیته برگزاری هفته جنگ آمدند. گزارش کار و برنامه‌ها را دادند و من هم نظراتی ابراز کردم.[1]

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

بین‌المللی در عراق تحویل داده شد. خلبان و خدمه هواپیمای ربوده شده، از پرواز با هواپیمای غیر ایرانی امتناع کردند و اظهار داشتند طبق قوانین و مقررات بین‌المللی آنها باید با هواپیما ربوده شده، به ایران بازگردند، اما عراق از تحویل هواپیما خودداری کرد. مسافران و خدمه هواپیمای ربوده شده، ساعت نه صبح، با یک فروند هواپیمای هلندی از بغداد وارد فرودگاه مهرآباد تهران شدند.

۱- در این دیدار که دکتر کمال خرازی سرپرست خبرگزاری جمهوری اسلامی و رئیس کمیته برگزاری هفته جنگ و اعضای این کمیته حضور داشتند، ایشان با اشاره به این نکته که این جنگ مقدس و بسیار وسیع، یکی از نبردهای کم نظیر و پر شور تاریخ است، گفت: "تاکنون یک کتاب و مجموعه قوی که بتواند منعکس کننده همه ابعاد این جنگ باشد و بتواند آن را در آینده

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

معاونان فرمانده نیروی زمینی آمدند. گزارشی از گردانهای جدید التأسیس "قدس" دادند که جالب است؛ پنجاه و سه گردان در میدان دارند که از افراد احتیاط تشکیل شده است. فرمانده دانشکده افسری گفت، داوطلب [برای دوره افسری] خیلی کم دارند ـ به علت مشکلات تحصیل و کمی حقوق ارتشیان ـ و نیاز کشور را تأمین نمی‌کند. آقای کامران راجع به [تصدی مسئولیت] اطلاعات ارتش، سرهنگ هاشمی را پیشنهاد داد.

آقای بهزاد نبوی همراه آقای [محمدامین]سازگارا آمد. سازگارا شرح ماجرای بازداشت و آزادیش را داد. در رابطه با انفجار ساختمان نخست وزیری از ایشان بازجوئی شده است. سپس به دستور امام، با دو سه نفر دیگر آزاد شده‌اند. قرار شده بازجوئی [از متهمین پرونده] در محیط خارج [از زندان] انجام شود که بوی باندبازی و حرکت سیاسی نداشته باشد و مسئولان را به صرف آنها، بدنام نکنند. آقای [احمد]توکلی آمد. راجع به اساسنامه شرکت مسکن بنیاد مستضعفان، پیشنهاداتی داشت. عینک ساز برای اندازه گرفتن عینکم آمد.

عصر، در جلسه شورای‌عالی دفاع شرکت کردم. بحث بیشتر در مورد ترمیم حقوق ارتشی‌ها بود. سپس با فرماندهان سپاه و نیروی زمینی و رئیس جمهور جلسه داشتیم. طرح‌های آقایان محسن رضائی و صیاد [شیرازی] را برای آخرین بار، مورد بحث قرار دادیم و بالاخره طرح محسن[رضایی] پذیرفته شد. طبق پیشنهاد خود صیاد و موافقت امام، قرار شد محسن فرمانده عملیات و صیاد به عنوان معاون او عمل کنند؛ اما فقط خود ما از این تصمیم مطلع باشیم. صیاد با اینکه این نتیجه، با پیشنهاد خودش بدست آمده بود، ناراحت بود، ولی پذیرفت؛ تا ببینیم چه خواهد شد.[1]

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

همچون حماسه کربلا در سطح وسیعی از دنیا مطرح سازد، تهیه نشده است. باید یک اثر قوی که دائرةالمعارفی از همه وقایع باشد، تهیه شود." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۱ـ در پایان این جلسه، آقای هاشمی در مصاحبه با واحد مرکزی خبر گفت: "مهمترین نکته‌ای که ما روی آن کار می‌کنیم، این است که صرفاً یک عملیات تخریبی با هدف انهدام نیروهای دشمن یا گرفتن بخشی از خاک دشمن با دادن تلفات از طرف نیروهای خودمان نباشد، بلکه عملیاتی دلسوزانه باشد که تنها با هدف نجات مردم عراق و نجات منطقه انجام گیرد و ما هم به حقوق

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

مدت‌ها است که زمزمه عملیات بزرگ و تهاجمی بر سر زبانها است، و رسانه‌ها درباره آن تحلیل و گمانه‌زنی دارند و نیروهائی به این عنوان به جبهه رفته‌اند.

سپس جلسه سران قوا، با حضور احمد آقا و [علی اکبر ولایتی] وزیر امور خارجه تشکیل شد. راجع به [فروش] نفت [به] سوریه بحث شد که به قرارداد عمل نمی‌کند. قرار شد دو ماه مهلت پرداخت بدهیم و اگر نپرداختند، صدور نفت را قطع کنیم.

راجع به وضعی که آقای دکتر [محمود] کاشانی در لاهه که درگیری با داوران دیگر دارد، با حضور آقای [گودرز]افتخار جهرمی، بحث شد. نخست وزیر بنا دارد آقای کاشانی را بردارد و مدعی شد او درگیر شده و نخست وزیر می‌تواند او را بردارد. قرار شد به نامه مونز، درخصوص نصب داور [به جای دکتر محمود کاشانی] و تهدید به انتخاب رئیس اعتراض شود. سعی شود در مورد ادعاهای کنسرسیوم نفت به مصالحه برسند. درباره سفر رئیس جمهور به سوریه و لیبی و الجزایر هم بحث شد. دیر وقت به خانه آمدم.

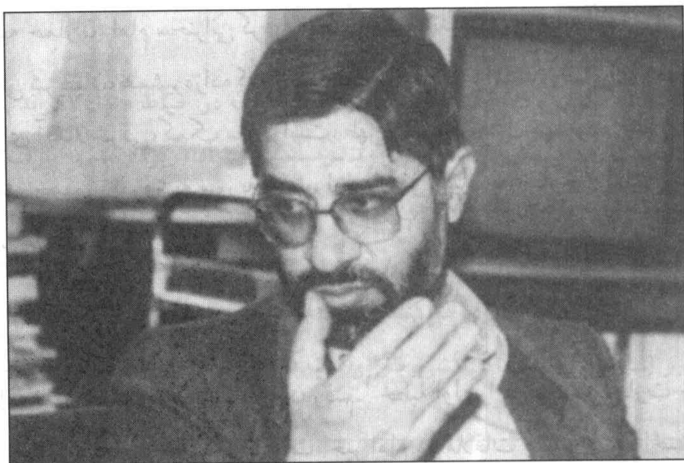
پنجشنبه ۱۵ شهریور ۱۳۶۳

برای شرکت در مراسم دیدار با امام، به بیت امام رفتم. امام را زیارت کردیم. آقای

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

خود برسیم. دیگر حالت انتقام جویی و قهرمانی‌طلبی و پیروزی بدون هدف و این طور چیزها گذشته است. ملت ما باید این صبر و تحمل را داشته باشد. رزمندگان ما باید مثل گذشته در جبهه‌ها حاضر باشند تا وقتی که شرایط زمانی مناسب با توجه به همه شرایط سیاسی ـ اجتماعی جهان، آماده شد و لحظه تصمیم فرا رسید، منتظر نیرو و امکانات نباشیم". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

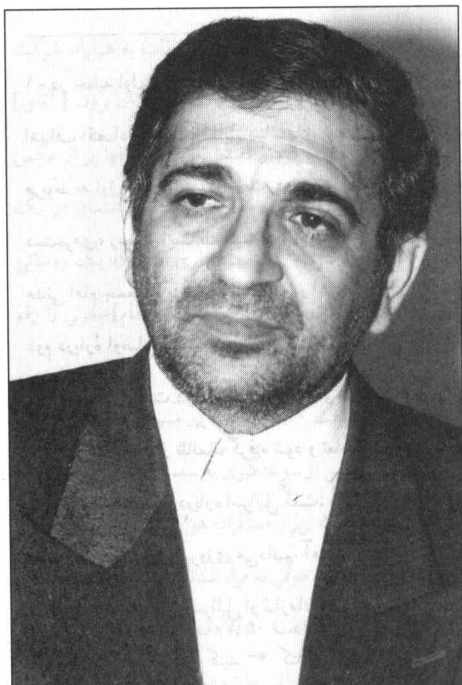
روزنامه نیویورک تایمز درگزارشی با استناد به مصاحبه آقای هاشمی رفسنجانی، از تعویق حمله ایران به عراق خبر داد و نوشت: "حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی و یکی از نزدیک‌ترین افراد به آیت‌الله روح الله خمینی، گفته است که حمله بزرگ ایران به عراق که مدتهاست انتظارش می‌رود، احتمالاً به این زودی‌ها صورت نخواهد گرفت. از فوریه گذشته که توده توده نیروهای ایرانی به مرز عراق اعزام شدند، این نخستین باری است که یک مقام بلندپایه رژیم اسلامی، آشکارا در مورد زمان تهاجم سخن می‌گوید. ماههاست که تحلیل گران نظامی غرب، حمله همه جانبه ایران را به عراق پیش‌بینی می‌کنند و هر آن، انتظار وقوع آن را دارند، اما رژیم اسلامی ایران درباره این گزارشها، سخنی نگفته است.



میر حسین موسوی



سید محمود کاشانی



گودرز افتخار جهرمی

[محمدتقی]فلسفی گفت آقای هشترودی که در آلمان بستری است، برای مخارج معالجه از من کمک خواسته است. به آقای [مهدی]کروبی گفتم که بپردازد.

در حسینیه جماران، امام سخنرانی کردند؛ مطلب مهمی نداشتند. به خانه آمدم. رضا هاشمیان، عموزاده و علی شریفیان، همشیره‌زاده که در لیبی تحصیل می‌کند، آمدند. رضا برای [گرفتن] بورس [تحصیلی] برای آلمان شرقی، کمک می‌خواست. ظهر و شب در منزل تنها بودم. غذا را از دفتر امام آوردند. رئیس جمهور، امروز به سوریه رفت. اولین سفر ایشان به خارج و اولین سفر رئیس جمهوری اسلامی به خارج [از کشور] است.

جمعه ۱۶ شهریور ۱۳۶۳

برای اقامه نماز جمعه، به دانشگاه تهران رفتم.[1] خطبه اول را به موضوع تجارت خارجی و به توضیح خط حاکم برنظام و توضیح اظهارات اخیر امام در ملاقات هیأت وزراء اختصاص دادم.

۱- در خطبه اول نماز جمعه، موضوعات اعتدال در زندگی شخصی و اجتماعی و حفظ تعادل، تفسیر بیانات امام خمینی(ره)، اهداف اقتصادی دولت، تطابق سیاستهای اقتصادی با قانون اساسی، حدود شرکت بخش خصوصی در تجارت خارجی و مسایل مربوط به ارز مطرح شد. در خطبه دوم، دربارهٔ شهادت امام محمدباقر(ع)، شهادت حضرت مسلم، شهید علی قدوسی و وحید دستجردی، رحلت آیت‌الله سید محمود طالقانی، واقعه ۱۷ شهریور، فعالیتهای دانشگاه آزاد اسلامی، شهادت شهید سید اسدالله مدنی امام جمعه تبریز، سیاست ایران در اخراج اسرائیل از سازمان ملل و ضعف سازمان ملل، مطالبی بیان شد. در بخشی از خطبه دوم دربارهٔ اوضاع اقتصادی داخلی آمده است: "کار دولت مطابق با سخنان امام است و باید بر تجارت خارجی نظارت کامل داشته باشد. سیاست کلیه دست اندرکاران و مسئولین جمهوری اسلامی این است که این نظام باید، به نفع تمام مستضعفین جلو رود و حقوق مظلومین از ظالمان گرفته شود و تعادل اقتصادی بوجود آید."

ایشان همچنین درباره اسرائیل گفت: ما در اقدامات خود به منظور اخراج اسرائیل از سازمان ملل پایداری می‌کنیم و هرگامی را در این جهت یک پیروزی می‌دانیم. آمریکا می‌خواهد اسرائیل را در سازمان ملل حفظ کند و ریگان [رئیس جمهور آمریکا] نیز اخیراً گفته است، اگر اسرائیل از سازمان ملل اخراج شود، آمریکا هم به دنبال آن از این سازمان خارج خواهد شد. ما از این کار استقبال می‌کنیم." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های نماز جمعه، سال ۱۳۶۳، جلد هفتم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۷۵.

ابهامات زیادی به وجود آورده بودند؛ خواستم رفع ابهام کنم.[1] عصر، بچه‌ها از قم آمدند.

شنبه ۱۷ شهریور ۱۳۶۳

تمام امروز در منزل بودم. وقتم را با مطالعه و قدم زدن در حیاط منزل گذراندم. بعد از ظهر، اطلاع دادند که یک هواپیمای دیگر ما در راه بندرعباس به تهران، ربوده شد. به طرف جنوب خلیج فارس رفته است. سپس خبر رسید در بحرین نشسته [است]. به [مقامات] بحرین گفتیم که سوخت و اجازه پرواز ندهند، ولی بعد معلوم شد، سوخت و اجازه [پرواز] داده‌اند؛[2] متأسفانه کشورهای همسایه با هواپیماربایان همکاری می‌کنند. باید اقدام جدی بنمائیم.

از سپاه و [سازمان] هواپیمائی کشور بازخواست کردم که چرا نیرو[ی] محافظ امنیت پرواز] در

۱- روزنامه واشنگتن پست در گزارشی به نقل سخنان آقای هاشمی رفسنجانی در خطبه‌های نماز جمعه پرداخت و نوشت: [آقای هاشمی] رفسنجانی در سرزنش غیر معمول پروپا قرص‌ترین طرفداران تسلط روحانیون، گفت که مسلمانی با کثیف بودن، اصلاح نکردن صورت و پوشیدن لباسهای چرکین برابر شده و این درست نیست. [آقای] رفسنجانی خطاب به هزاران شرکت کننده در نماز جمعه گفت که راه اعتدال را در پیش گیرند. وی افزود: اجتماع ما باید تا حدودی به سوی اعتدال برود. [آقای] رفسنجانی در بخش دیگری از سخنان خود به کثرت عکسهای آیت‌الله خمینی اشاره کرد و گفت: بعضی از اتاقها پر از عکس است. گهگاه یک یا دو عکس خوب است، اما گذاردن عکس امام روی هر شیشه تمامی پنجره‌های یک ساختمان در یک میدان نه درست است و نه منطقی، چراکه جلوی تابش آفتاب به داخل اتاق را می‌گیرد. این نخستین باری است که یک روحانی بلندپایه، آشکارا شکایات بسیاری از غیر بنیادگرایان ایرانی از جنبش بنیادگرایان که ریشه‌های حمایت از [امام]خمینی را رقم می‌زنند، عنوان می‌کند.

۲- هواپیمای مسافربری ۷۲۷ جمهوری اسلامی ایران به شماره پرواز ۳۸۶ در ساعت ۱۱/۳۰ صبح، در مسیر بندرعباس ـ تهران ربوده شد و در ساعت ۱۳/۴۴ دقیقه در فرودگاه بین‌المللی بحرین برزمین نشست و پس از سوختگیری به سمت قاهره پایتخت مصر پرواز کرد. این هواپیما در ساعت ۱۹/۵۵ دقیقه در فرودگاه قاهره برزمین نشست. ۵۲ تن از مسافران هواپیما هنگامی که درهای هواپیما برای تخلیه چند تن از مسافران ـ که نیاز به فوریت‌های پزشکی داشتند ـ باز شد، موفق به فرار شدند. این هواپیما در ساعت ۵/۳۰ دقیقه صبح یکشنبه با ۷۱ نفر مسافر و خدمه، فرودگاه قاهره را ترک کرد و در ساعت ۷/۵۰ دقیقه صبح، در فرودگاهی در حوالی شهر بصره در جنوب عراق برزمین نشست. ۵۲ تن از مسافرین هواپیما که در مصر باقی مانده بودند، توسط یک هواپیمای لبنانی به ایران بازگشتند.

هواپیماها نگذاشته‌اند و به دستور عمل نکرده‌اند. معلوم شد، مسامحه کرده‌اند. باز [به استفاده از نیروی امنیت پرواز در هواپیما] تأکید کردیم. وزیر بازرگانی در مورد کیفیت اعلان طرح برنج، مشورت کرد؛ قرار شد فردا به ملاقات بیاید.

یکشنبه ۱۸ شهریور ۱۳۶۳

قرار بود در راه مجلس، از محل مصّلا[ی امام خمینی] بازدید کنم؛ اما چون پاسداران مستقر در آنجا، برنامه‌ای ترتیب داده بودند که وقت زیادی می‌گرفت و به کارهایم نمی‌رسیدم، از این بازدید منصرف شدم. هواپیمای بوئینگ ۷۲۷ [ربوده شده] ما را که به قاهره برده بودند، به طرف عراق برده‌اند و در بصره به زمین نشسته است. [ربایندگان هواپیما] از ایادی [شاپور]بختیار هستند.[۱] لابد عراق این هواپیماها را پس نمی‌دهد؛ این سومین هواپیمای ما است که در خاک عراق مانده است.

گروهی از دانشکده آمار به ملاقات آمده بودند؛ برای آنها راجع به اهمیت آمار و اطلاعات، صحبت کردم.[۲] [کارکنان واحد] گزینش مجلس آمدند و گزارش کارشان را دادند؛ از دویست و پنجاه پرونده، ده نفر را مردود کرده‌اند. آقایان صفاری و پسر نواب صفوی آمدند. گزارشی از موفقیت‌هایشان در طراحی و ساخت نوعی اسلحه از نوع خمپاره و نارنجک دادند؛ چیزهای جالب

۱- سردسته ربایندگان هواپیما، خود را "ستوان یکم طوفان" معرفی کرد. او در یک مصاحبه مطبوعاتی در بغداد گفت که با کمک یکی از دوستانش بنام فروز و همسر وی به این هواپیماربایی اقدام کرده است. طوفان خود را به گروه سلطنت‌طلب "جنبش برای آزادی و نوسازی ایران" متعلق به شاپور بختیار ـ آخرین نخست وزیر دوره پهلوی ـ معرفی کرد.

۲- ایشان در این دیدار که مسئولین آمار و برنامه‌ریزی و همچنین رئیس دانشکده آمار و انفورماتیک دانشگاه شهید بهشتی حضور داشتند گفت: "فقدان یک سیستم آمار و اطلاعات در ایران به شدت احساس می‌شود و باید یک سیستم آمار و اطلاعات که همزمان و همراه با رشد جامعه در ابعاد مختلف صنعتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی باشد. تشکیل شود. این کار باید به گونه‌ای به مردم و مسئولین منعکس شود تا هرکس بتواند در حیطه کار خویش برنامه‌ریزی کند و جامعه را به پیش ببرد.... متمولین باید مطمئن شوند که آمارگیری با مسأله تصمیم‌گیریهای اجتماعی از هم جداست و اگر قرار باشد که اطلاعات غلط بدهند و بترسند که مبادا برای آنها دردسر درست شود، برای پیشبرد کار ایجاد مشکل می‌کند. باید مسئولین آمار و اطلاعات، اعتماد اینگونه افراد را جلب کنند و به آنها بفهمانند که راه مسئولین آمار و اطلاعات با دیگر راهها تفاوت دارد." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

و مؤثری است. از عدم حمایت گله داشتند. معمولاً چنین است.

امام جمعه ملایر آمد و گزارشی از کم شدن مزاحمت‌ها داد؛ راضی بود. برای تسریع در دادن اجازهٔ کوره هوفمان به ملایر و برای حفاری چاه‌ها که در منطقه‌ای به سنگ می‌خورند، کمک می‌خواست.

آقای [حسن عابدی]جعفری وزیر بازرگانی آمد و راجع به طرح برنج مشورت کرد. در این باره دو نظر وجود دارد. یکی اینکه تحت نظر دولت به صنف واگذار شود، و دیگر اینکه به کلی آزاد شود. من طرح دومی را ترجیح دادم.

آقای [مرتضی] الویری آمد؛ راجع به برنامه و بودجه مطالبی داشت. پیشنهادهایی در منابع جدید درآمد دولت، از قبیل گران کردن زمینهای دولتی، فروش خانه‌های سازمانی و... و من پیشنهاد کردم، روی گران کردن ارزهایمان مطالعه کنند. تقاضا داشت که به نمایندگان سابق برای خروج از خانه‌ها فشار نیاوریم. نیاز نمایندگان جدید به مسکن را برایش توضیح دادم.

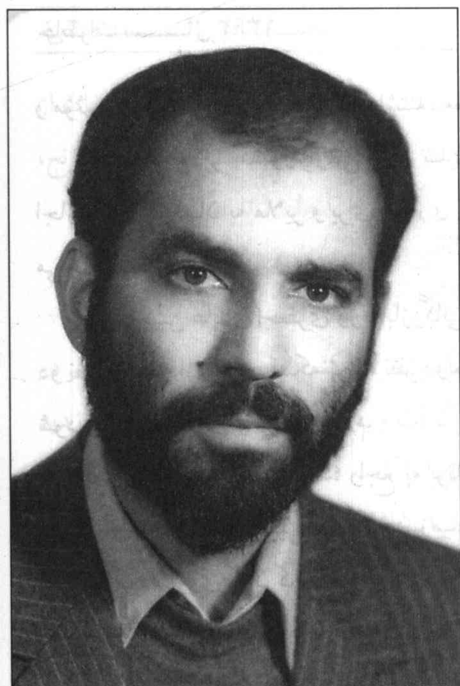
عصر، شورای مرکزی حزب [جمهوری اسلامی] در دفترم جلسه داشت. راجع به کارهای تشکیلات تهران و مخالفان دولت بحث و انتقاد شد و راجع به سفر [آیت‌الله خامنه‌ای]رئیس جمهور [به سوریه، لیبی و الجزایر صحبت کردیم] و [همچنین درباره] نیاز شدید حزب به پول مذاکره شد که به جائی نرسیدیم. شب به منزل آمدم.

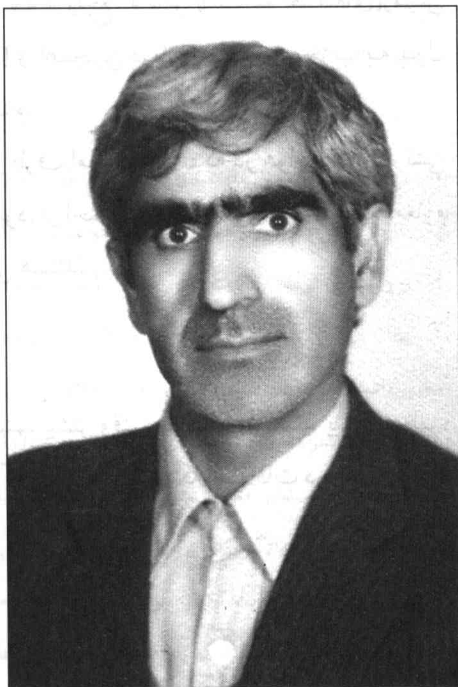
آخر شب، نخست وزیر تلفنی اطلاع داد که از طرف امام گفته شده که در هواپیماهای ارتشی هم محافظ بگذاریم؛ نگران عکس‌العمل خلبانها بود. از احمد آقا در این مورد سوال کردم، معلوم شد دستوری نبوده، بلکه [امام] به فکر چاره‌جوئی هستند.

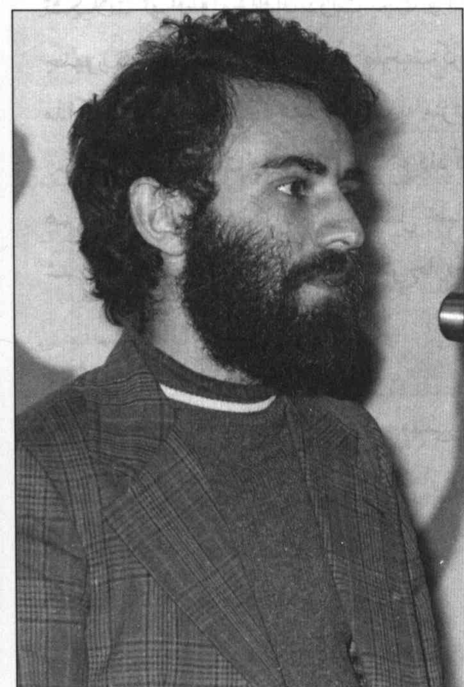
دوشنبه ۱۹ شهریور ۱۳۶۳

تمام امروز را در منزل بودم. کار مهمی نداشتم. بیشتر وقتم به مطالعه گذشت. پیش از ظهر، احمد آقا آمد. روزنامه‌های ضدانقلاب خارج [از کشور] را آورده بود که اختلافات در بین خودشان


حسن عابدی جعفری


رضا امراللهی


جواد مقصودی


محمد حسن زورق

شدید شده و به هم می‌پرند.[۱] گفت آقا [امام] از خطبه‌های نماز جمعه گذشته من راضی‌اند؛ گرچه گروهی از طرفداران سرمایه‌داری که می‌خواستند به دنبال اظهارات امام علیه دولت جوسازی کنند، ناراضیند.

آقای [محمدرضا] توسلی هم آمد و خواست که در جلسات روضه دانشگاه امام صادق(ع) در ماه محرّم سخنرانی کنم، نپذیرفتم؛ چون دیگران هم همین توقع را دارند. خواست که مقداری به نفع بازاری‌ها صحبت کنم که در کارها بیشتر شریک شوند. عصر، آقای عباس صفریان، سفیرمان در گابن آمد. اوضاع آنجا راگفت و از تأسیس مدرسه‌ای در آنجا، برای بچه‌های مسلمان خبر داد و از ایذاء پشه مالاریا در آنجا ناراحت بود.

سه شنبه ۲۰ شهریور ۱۳۶۳

تمام روز در منزل بودم. مایل بودم که به استقبال آیت‌الله خامنه‌ای [که از سفر خارج برمی‌گشت] به فرودگاه بروم، ولی چون خیلی زود وارد می‌شدند ـ ساعت شش صبح ـ و نیاز به عده‌ای پاسدار بود که بایستی آنها را احضار کنم و اسباب زحمت آنها می‌شد و از لحاظ امنیت هم درست نبود که همه ما در فرودگاه جمع شویم، نرفتم. ایشان ساعت هفت صبح، از منزلشان تلفن کردند و احوالپرسی کردند؛ خوشحال شدم. تا نزدیک ظهر، مطالعه می‌کردم؛ گزارش درگیری‌ها در دادگاه لاهه و زور گفتن‌های آمریکائیهای دغل‌باز [نسبت به ایران].

ساعت یازده‌ونیم صبح، آقای [محمدحسن] رحیمیان آمد. از اختلافات بین روحانیون اظهار نگرانی کرد و برای رفع اختلاف پیشنهادهای خاصی داشت. ساعت دوازده، آقای خامنه‌ای بدون

۱ـ مخالفان جمهوری اسلامی در خارج از کشور، همدیگر را به ارتباط با مقامات جمهوری اسلامی متهم می‌کنند. سازمان مجاهدین خلق (منافقین) نامه‌هایی را انتشار داده است که ادعا می‌شود از سوی اپوزیسیون به مقامات جمهوری اسلامی ارسال شده است. یکی از نامه‌ها از سوی دریادار احمد مدنی وزیر دفاع دولت مهندس بازرگان به آقای هاشمی و دیگری از طرف ابوالحسن بنی‌صدر به امام خمینی ارسال شده است. دریادار مدنی گفته ظرف دو سال گذشته، چندین تماس با مقامات ایرانی داشته است. مجاهدین خلق (منافقین) می‌گویند، آقای هاشمی رفسنجانی از مدنی خواسته است، نظر خود نسبت به قضات انقلاب، روحانیون و برخورد با جدایی‌طلبان را بیان کند و در پاسخ وی، مدنی ضمانت داده است، عمال سابق رژیم! محاکمه نخواهند شد و روحانیون، نفوذ سیاسی خود را حفظ خواهند کرد ولی تندروها باید از مشاغل حساس مملکت کنار گذاشته شوند!

اطلاع قبلی وارد منزل شدند. خوشحال شدم. خدمت امام رفته بودند. به صورت جامع، از سفر به سوریه و لیبی و الجزایر و مذاکره با سران این کشورها صحبت کردند. در مورد تلاش برای اخراج اسرائیل از سازمان ملل و تشکیل ستاد مشترک اسلامی، برای جنگ با اسرائیل و تشکیل کمیته‌ای برای بررسی راه‌های مبارزه با اسرائیل و تشکیل جلسه سران چهار کشور [سوریه، لیبی، الجزایر و ایران] در آینده با [حافظ]اسد و [معمر]قذافی و شاذلی‌بن جدید به توافق رسیده بودند؛ در مجموع از نتایج سفر راضی‌اند. احمد آقا هم آمد و ناهار را با هم خوردیم. کباب برگ و آش رشته داشتیم. پیشنهادی در مورد تقاضای پناهندگی! یک مقام آمریکائی به ایران را مطرح کردم؛ پذیرفته شد.

چهارشنبه ۲۱ شهریور ۱۳۶۳

صبح زود بعد از نماز، مقداری در منزل کار کردم و ساعت هفت‌ونیم صبح، به مجلس رفتم؛ معمولاً در ایام یک ماه تعطیل تابستانی، یکشنبه‌ها و چهارشنبه‌ها به مجلس می‌روم. مسئول حراست و مسئول سپاه فرودگاه [مهرآباد] تهران آمدند و گزارشی از وضع حفاظت و کنترل دادند و نقاط ضعف راگفتند. [آقای رحمان رحیمی]نماینده پاوه و فرماندار پاوه آمدند. از وفاداری مردم اورامانات و از کمبودها و ازگروه جدید «تحرک اسلامی» ـ که چند نفری منحرف تشکیل داده و به کوه زده‌اند ـ گفتند. پیشنهادی در مورد طرح احداث سد روی رودخانه مرزی ـ که سد دربندیخان عراق را تغذیه می‌کند ـ دادند.

مدیران شبکه اول صداوسیما و مسئولان تولید آمدند؛ مفصلاً برای آنها، درباره تولیدات شبکه و اهتمام به مسائل فعلی و روز صحبت کردم.[1] درباره حدود بخش خصوصی ـ که مسئله روز است ـ

۱- در این ملاقات ایشان درباره برنامه‌های تلویزیون، فیلمسازی، انعکاس خدمات دولت به مردم و تبیین سخنان امام خمینی(ره) در مورد فعالیت بخش خصوصی، توصیه‌هایی مطرح کرد. ایشان گفت: "از نظر فرهنگی، هیچ ارگانی به اندازه شبکه اول، با مردم تماس فرهنگی ندارد. حساسیت کار تلویزیون بدان حد است که اگر غفلتی صورت گیرد، ظلم و بی‌کفایتی خواهد بود و اگر مغرضانه برخورد شود، خیانت است. کسانی که مسئولیت کار در سیمای جمهوری اسلامی را پذیرفته‌اند، باید با تلاش و همت فراوان و انتخاب ذهن‌های خلاق و انسان‌های شایسته و سوژه‌های مناسب، این مدرسه عظیم را آباد سازند و سالم نگه‌دارند. از زمان امیرکبیر تاکنون جریان‌هایی وجود داشته که تاکنون جرأت نکرده بودند آنها را منتشر سازند. باید هنرمندانی داوطلب شوند و

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

توضیحاتی دادم که اظهارات خطبه‌های جمعه‌ام را توضیح می‌داد.

تماسهای تلفنی و نامه‌ها و مراجعات این هفته، نشان می‌دهد که در مورد اظهارات من در تفسیر اظهارات امام در مورد شرکت بخش خصوصی جوسازی وسیعی می‌کنند؛ با اینکه خود امام ابراز رضایت فرمودند. [اعضای] انجمنهای اسلامی معلمان آمدند. برای آنها مفصلاً صحبت کردم.[1] سفیرمان در لهستان آمد و مدعی بود که آنها حاضرند به ما اسلحه و مخصوصاً موشک بدهند، ولی خریداران ما جدیت به خرج نمی‌دهند. آقای سعید اشراقی آمد و برای دو نفر زندانی از بستگانش شفاعت کرد.

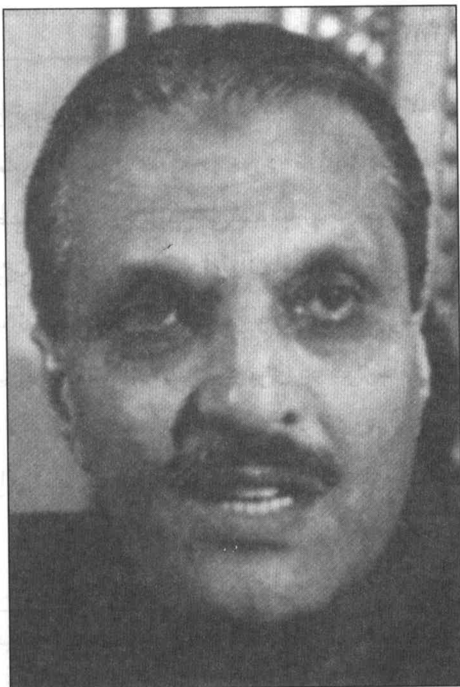
عصر، [جمعی از] رزمندگان سپاه آمدند. برای آنها مفصلاً صحبت کردم.[2] درباره موج

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

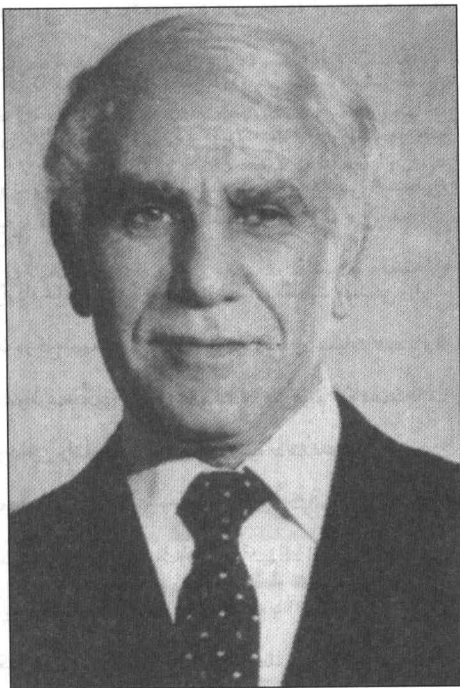
با استفاده از ابزار هنر، آنها را از دل تاریخ بیرون بکشند و به مردم برسانند." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۱- در این ملاقات ایشان گفت: "من از نزدیک در جریان به راه افتادن انجمن اسلامی معلمان بودم. در سخت‌ترین شرایط، این انجمن شروع به کارکرد و در حساس‌ترین مقاطع انقلاب نیز یکی از پایگاه‌های مبارزه بود. اصولاً مسلمانان متعهد ـ چه عضو انجمن بودند و چه نبودند ـ یکی از نیروهای مؤثر در روشن کردن و تجهیز مردم بودند." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۲- در این ملاقات، که تعدادی از رزمندگان بسیج و سپاه تابعه قرارگاه خاتم‌الانبیاء و تعدادی از اعضای معاونت مهندسی وزارت سپاه حضور داشتند، ایشان گفت: "مطمئن هستم که همه رزمندگان در کل جبهه‌ها منتظر لحظه موعود و دستور عملیات هستند و از خود می‌پرسند که چرا آن لحظه مورد نظر فرا نمی‌رسد. من به عنوان سخنگوی شورای عالی دفاع می‌گویم که دشمنان ما می‌خواهند دلیل آن را ضعف و نیاز عدم آمادگی قلمداد کنند و به این وسیله به سربازان خود روحیه بدهند. حال آنکه بهترین شرایط را ما در جبهه‌ها داریم و قدرت ما نیز هر روز بهتر شده است و هیچگونه نگرانی و مشکلی نداریم. شرایط ما در جبهه‌ها از هر نظر عالی است و محاسبات دقیقی در جریان است تا به آغاز عملیات، دوران جنگ را کوتاه کنیم.... اینهایی که بنام خلق قهرمان و آب و خاک و وطن، سینه چاک می‌کنند، چگونه هواپیمای نظامی را به دشمن می‌دهند که با آن دزفول، گیلانغرب و جاهای دیگر را بمباران کند." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.


ژنرال ضیاء الحق رئیس جمهور پاکستان


صاحب زاده یعقوب خان - وزیر خارجه پاکستان


شاذلی بن جدید رئیس جمهور الجزایر


ببرک کارمل رئیس جمهور افغانستان

هواپیماربائی، تحلیلی دادم که این توطئه مشترک ضدانقلاب، عراق و کشورهای ارتجاعی جنوب خلیج فارس و استکبار جهانی علیه ما است. آقای [مرتضی]محمودی نماینده سابق قصرشیرین آمد؛ از تحریکات رقیبش در منطقه گله‌داشت و اجازه حمل اسلحه، برای حفاظت خودش می‌خواست.

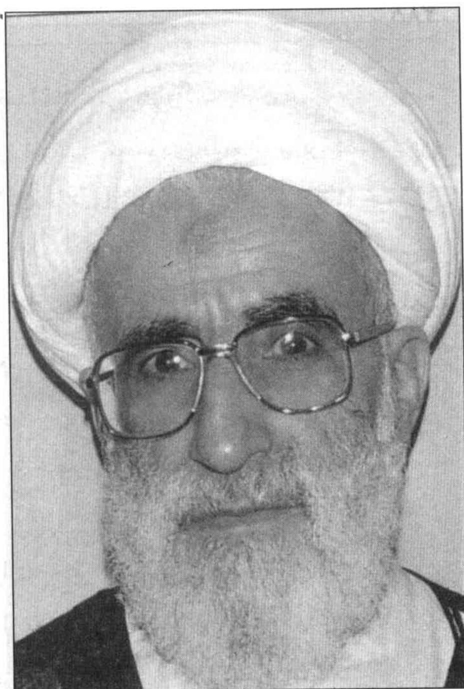
با [آقای صاحب‌زاده یعقوب خان] وزیر امور خارجه پاکستان ملاقات داشتم. درباره جنگ عراق، افغانستان و بلوچستان با ایشان صحبت کردم.[1] آقای [غلامعباس]زائری [نماینده بندرعباس] کارگزار مجلس آمد. برای تعویض امام جمعه بندرعباس و تعیین وزیر آموزش و پرورش کمک می‌خواست. طلاها و پولهای رسیده برای کمک به جبهه را تحویلشان دادم که به مراکز مسئول برسانند.

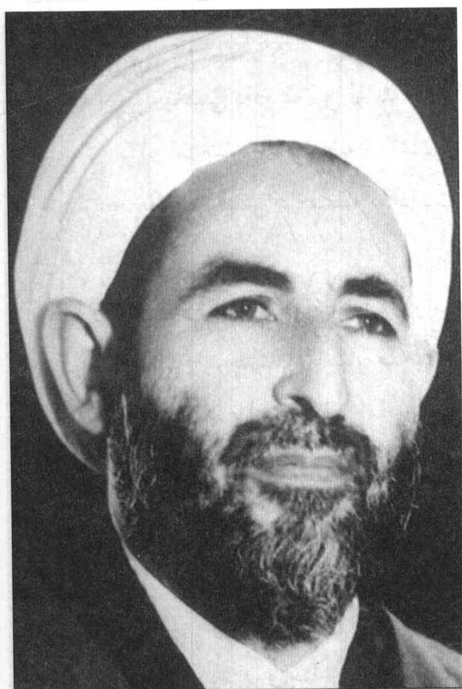
آقای [اسدالله] بادامچیان آمد. درباره اظهارات [خطبه‌های نماز] جمعه من انتقاد داشت و برای حل مشکل حزب [جمهوری اسلامی] و حل اختلافات پیشنهادهایی مطرح کرد؛ پیشنهاد کنار گذاشتن جناح خودشان و جناح مقابل و ابقاء جریان وسط را می‌داد؛ پیشنهاد کنار کشیدن من و آقای خامنه‌ای [از حزب جمهوری اسلامی] و به حال خود گذاشتن سه جریان موجود را.

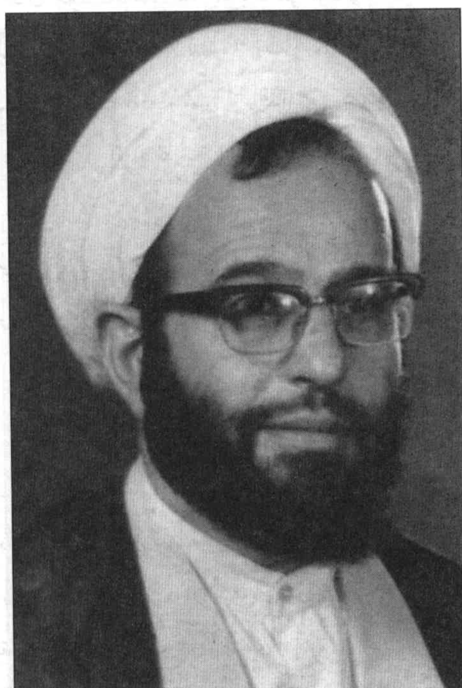
شب، سران قوا در منزل ما مهمان بودند. دربارهٔ پناهندگی مقام «سیا» [سازمان اطلاعات مرکزی] آمریکا به ایران و مسائل جنگ و هواپیماربائی و... بحث شد. از اقداماتی که بعد از واگذاری اختیارات دو هیأت مؤسس دانشگاه آزاد اسلامی و بنیاد تاریخ [انقلاب اسلامی] به من، انجام گرفته، گزارش دادم؛ تشکر کردند.

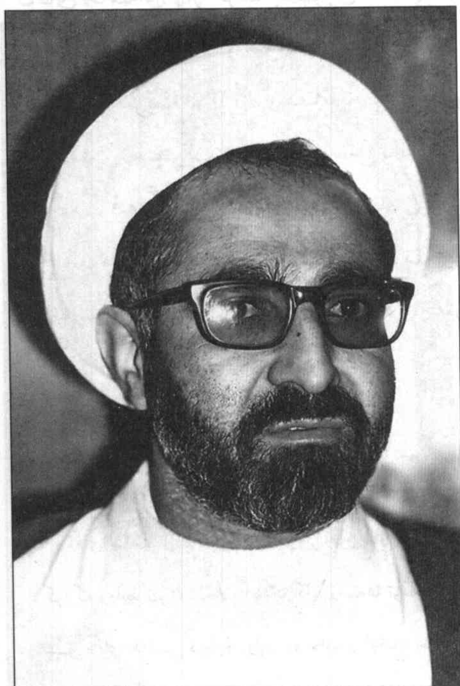
امروز ظهر، هواپیماربایان قصد ربودن ایرباس دیگری را داشته‌اند، اما گاردی که اخیراً در هواپیماها گذاشته‌ایم، با آنها درگیر شده و چهار نفر را دستگیر و توطئه را کشف و ضربه‌ای کاری بر

۱- آقای صاحب‌زاده یعقوب خان وزیر امور خارجه پاکستان، در این دیدار با اظهار خوشحالی از سفر به ایران، ابراز امیدواری کرد که روابط تهران ـ اسلام آباد در کلیه زمینه‌ها توسعه یابد. او روابط میان دو کشور را به نفع طرفین و کشورهای منطقه دانست. سپس آقای هاشمی دربارهٔ روابط دو جانبه و اوضاع جاری منطقه، اظهار امیدواری کرد که کشورهای اسلامی در جهت پیشبرد مساعی یکدیگر، روابط دوستانه و پرباری ایجاد کنند.


آیت اله احمد جنتی


آیت اله محمد یزدی


حجت الاسلام و المسلمین شیخ فضل اله محلاتی


حجت الاسلام و المسلمین عبدالکریم شرعی

این توطئه وارد کرده‌اند.[۱] امروز عصر، آقای [عبدالکریم]شرعی آمد و نامه جمعی از [اعضای] جامعه مدرسین [حوزه علمیه قم] را آورد که محرمانه، انتقاداتی در جهت مخالفت با دولت از خطبه جمعه گذشته من ـ که از دولت حمایت کرده بودم ـ آورد. آیت‌الله خامنه‌ای اظهار تمایل کردند که نماز جمعه این هفته را اقامه کند؛ قبلاً به آقای امامی [کاشانی] محول کرده بودم. به آقای امامی اطلاع دادم و قرار شد ایشان بروند.[۲]

پنجشنبه ۲۲ شهریور ۱۳۶۳

ساعت شش صبح، آقای صیاد شیرازی آمد. با ناراحتی اعلام پذیرش تصمیم اخیرمان در مدیریت جنگ را نمود؛ البته خودش این پیشنهاد را داده و به اینجا رسیده است. پیش از ظهر، احمد آقا آمد. درباره عکس‌العمل‌ها و حرکات مخالفان دولت و محافظه‌کاران درباره اظهارات امام، در خصوص بیشتر شرکت داشتن بخش خصوصی در فعالیت‌های اقتصادی بحث کردیم. گفت امام از توضیحات شما در خطبه جمعه گذشته راضیند. با آیت‌الله خامنه‌ای، تلفنی صحبت کردیم که پدافند جزیره خارک تقویت شود. عصر، مقداری وقت، صرف نوشتن جواب نامه جمعی از مدرسین [حوزه علمیه] قم کردم.

شب، دیر وقت آقای محسن رضائی آمد. گزارشی از کیفیت درگیری در هواپیمای ایرباس و بازداشت هواپیماربایان را داد.[۳] مقداری خامی و بی‌تجربگی در این عمل بوده، ولی مجموعاً نتیجه

۱- هواپیمای ایرباس در ساعت ۱۱/۴۰ دقیقه صبح، در مسیر تهران ـ شیراز توسط چهار هواپیماربا ربوده شد، اما با اقدام و پیش‌بینی‌هائی که صورت گرفته بود، نقشه هواپیماربایان عقیم ماند و هواپیما در ساعت یک بعد از ظهر، در فرودگاه اصفهان برزمین نشست و هواپیما ربایان دستگیر شدند. در این جریان یکی از مسافران هواپیما کشته شد و دو تن از هواپیما ربایان مجروح شدند. رابیندگان خود را وابسته به سازمان مجاهدین خلق (منافقین) معرفی کردند.

۲- آیت‌الله خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه گفتند: "جنگ تنها یک راه حل بیشتر ندارد و آن حذف صدام است که ما این کار را خواهیم کرد. بزرگترین فتوحات نظامی با بودن رژیم صدام برسرکار دارای صرفه نیست. ما هیچگونه چشمداشتی به خاک عراق نداریم ولی بیشترین فشار را برای سقوط رژیم صدام، وارد خواهیم کرد."

۳- در پی اقدامات هواپیماربایی در کشور، شورای امنیت ملی در ۱۲ شهریور ۱۳۶۳ مسئولیت حفاظت فرودگاهها و امنیت پرواز

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

بخش است و یک پیروزی به حساب می‌آید. راه درستی برای خنثی کردن توطئه جدید، علیه امنیت هوائی و حیثیت ما است. گزارشی از پیشرفت کارهای مقدماتی عملیات آینده ارائه داد. نیازها[ی عملیات] را خیلی وسیع لیست کرده‌اند. به نظر می‌رسد برای بدست آوردن مهلت زمانی بیشتر، لیست نیازمندی‌ها را بزرگ‌ترَ گرفته‌اند؛ این نکته را به رئیس جمهور گوشزد کردم.

جمعه ۲۳ شهریور ۱۳۶۳

پیش از ظهر، چند نفر از بستگان آمدند و به زیارت امام رفتند. عفت هم به زیارت امام رفت و پانصد تومان هم عیدی از امام گرفت؛ خیلی خوشحال است.

خانم دکتر لی - پزشک طب سوزنی اهل کره جنوبی که در ایران کار می‌کند - برای مسلمان شدن آمد. توضیحاتی دربارهٔ علت مسلمان شدنش داد. با خواندن قرآن با ترجمه انگلیسی، توجه پیدا کرده که اسلام نسبت به ادیان دیگر، کاملتر است و چیزهائی که در قرآن دیده، در بودیسم و مسیحیت ندیده است و احساس نیاز به دین هم دارد. شهادتین را به اضافه اعتراف به آخرت و امامت و ائمه و عدل الهی اداکرد. کمی از تکالیف [دینی] برایش صحبت کردیم و قرار شد معلمی بگیرد؛ بعضی‌ها درباره ایشان تردید دارند و او را عنصری سیاسی می‌دانند؛ ولی در طول دو سه سالی که آشناست، نقطه ضعفی از او مشاهده نکرده‌ایم.

عصر، آقای [مجید]انصاری از دفتر امام آمد و انتقاداتی به صداوسیما داشت؛ از جمله، کمی برنامه تلویزیون در روز عید غدیر. احمد آقا هم آمد و همین‌ها را گفت.

امروز، امام در سخنرانی برای ملاقات کنندگان، از دولت به شدت حمایت کردند و از مخالفان دولت که پس از بیانات امام در مورد بخش خصوصی، اعمال گذشته دولت را مخالف شرع معرفی می‌کردند، به سختی انتقاد فرمودند.[1] در حقیقت، اظهارات من را که در جمعه گذشته گفته بودم، و

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

را برعهده سپاه پاسداران گذاشت. در پی این امر، فرمانده کل سپاه با صدور حکمی برادر حسین یزدانی مقدم (قاسمی) را به عنوان فرمانده سپاه فرودگاههای کل کشور منصوب کرد.

۱- در این ملاقات که استاندار و مسئولان استان خراسان، آیت‌الله واعظ طبسی و جمعی از طلاب و مدرسین حوزه علمیه مشهد

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

مورد انتقاد محافظه‌کاران بود، تأیید کردند. شب، اخوی زاده محمد آمد. راجع به دانشگاه‌ها و بیمارستان ها اطلاعاتی داد.

شنبه ۲۴ شهریور ۱۳۶۳

دو مصاحبه در مورد جنگ، با روزنامه جمهوری اسلامی و [روزنامه]اطلاعات انجام دادم.[1]

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

وگروهی از خدام آستان قدس رضوی حضور داشتند، امام خمینی(ره) فرمود: "امروز مخالفت با جمهوری و دولت اسلامی، ضربه زدن به اسلام است و مصالح اسلامی اقتضا می‌کند که همه با هم باشیم و دولت را یاری کنیم. به آنها که علیه دولت می‌گویند و منتشر می‌کنند، نصیحت می‌کنم مصالح شخصی راکنار بگذارند و دست از جان دولت بردارند. امروز مصالح اسلام اقتضا می‌کند که همه با هم باشیم و هر روز تضعیف دولت و مجلس و شخصیتها، نغمه بلند نکنیم.... شما که نمی‌توانید یک شهر را اداره کنید، اگر نانوایی یک شهر را به شما بدهند نمی‌توانید اداره‌اش کنید، چه طور می‌گویید که چرا دولت نمی‌دانم چه کرده، چه نکرده؟ شما نمی‌فهمید که کار دولت چی هست و تاکنون چه کرده است؟ شما می‌دانید که کارهایی که دولت در این چند سال با همه این فشارها کرده، عمقش از کارهایی که در طول سلطنت فاسد پهلوی بوده است، بسیار بیشتر است. چه می‌گویید به جان این دولت؟ دست بردارید، از خدا بترسید؛ از غضب خدا بترسید. شما خیال می‌کنید که اگر دولت ساقط شود، شما روی کار می‌آیید شما هیچ وقت نمی‌آیید روی کار. شما خیال می‌کنید به نفع اسلام این حرفها را می‌زنید؟ شیطان در لباس شما در باطن شما این حرفها را می‌زند و به ضرر اسلام دارد می‌زند. دست بردارید از این مسایل. کمک کنید به دولت. کمک کنید به این دولتی که دارد جان می‌کند برای اسلام و برای کشور شما. چرا باید هر روز نق بزنید." رجوع کنید ← کتاب "صحیفه نور، جلد هفتم، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی صفحه ۶۲

۱- در این مصاحبه به سوالات خبرنگاران درباره وضع جبهه‌های جنگ، تحلیل ناظران سیاسی جهان از شرایط فعلی ایران و عراق در جنگ و سیاست جمهوری اسلامی ایران در زمینه تهیه ابزار و ادوات نظامی پاسخ داده شد. آقای هاشمی دربارهٔ وضع جبهه گفت: "وضع بسیار خوب است و ارتش بعثی تحت فشار است، به طوری که پناه برده به استحکامات و موانع طبیعی و یا موانع ساختگی که درست کرده است. ما نشان دادیم که نیروهای ما سخت و آسیب ناپذیرند."

ایشان درباره تحلیل ناظران سیاسی جهان گفت: "تحلیل گران خارجی سیاست‌شان این است که معمولاً به محض اینکه کمی رکود در جبهه‌ها بوجود می‌آید، اینها شروع می‌کنند به تحلیل کردن که ایران به مشکل برخورد کرده، مهمات ندارد، اسلحه

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

جلسه شورای سرپرستی [صداوسیما] داشتیم. قرار شد سخنان امام از این به بعد، تمامش در یک شیفت در متن اخبار بیاید. در گذشته، خلاصه آنها در اخبار می‌آمد و متن آن، بعد از خبر؛ ولی اخیراً امام کم صحبت می‌کنند و مردم اشتیاق زیادی به شنیدن دارند. درباره مسائل روز هم بحث کردیم.

شب، آقای غرضی [وزیر نفت]، تلفنی از فشار حملات هوائی عراق بر جزیره خارک گفت و استمداد نمود. آخر شب، مصاحبه [و اعترافات] چند هواپیماربا را دیدم که خیلی خوب تهیه نشده بود؛ از لحاظ فیلم و محتوی، غیر فنی بود.

یکشنبه ۲۵ شهریور ۱۳۶۳

صبح زود به مجلس رفتم. مهدی [فرزندم] هم با من برای بازدید از صحافی مجلس آمد؛ برای محل [گذراندن] طرح کادش.[1] گزارشهای تلکس، خبر از ربوده شدن یک هواپیمای عراقی برفراز سوریه، توسط یک لبنانی و دو قبرسی می‌داد که بلافاصله مأموران گارد عراقی بر آنها مسلط شده‌اند. گزارشهای بعدی از قول عراقیها، آنها را ایرانی معرفی کرده است و گفته هر سه نفر کشته شده‌اند و گفته که آنها گذرنامه لبنانی و قبرسی جعلی داشته‌اند؛ لابد ایرانی بودن آنها، به منظور تبلیغات علیه ما جعل شده است.

مسئول مرکز خرید فلزات وزارت بازرگانی و جمعی از همکارانش آمدند. گزارش جامعی از وضع خرید و توزیع و حمل‌ونقل دادند؛ مشکلات زیادی دارند. حجم کار خیلی زیاد است و آنها

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

ندارد، اختلاف بین ارتش و سپاه است. اختلاف در رهبران است و ... از اینگونه تحلیل‌ها که همشان در خط روحیه دادن به عراق و حامیان عراقیها و تضیعف روحیه ما است. در این خطها می‌خواهند."

همچنین درباره سیاست ایران در زمینه تهیه ابزار و ادوات نظامی گفت: "ما مطمئن بودیم که این جنگ ریشه در قدرتهای بزرگ غربی و شرقی دارد و آنها که منبع اسلحه دنیا هستند، حاضر نیستند در این جنگ از لحاظ تأمین سلاح با ما همکاری بکنند تا ما قدرت تسلیحاتی برتر داشته باشیم. این برایمان روشن بوده و هست و تا کنون نه ما عوض شدیم و نه آنها." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" زیر نظر محسن هاشمی، دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۱- طرح کاد، طرحی بود که هر دانش آموز دبیرستان، باید یک روز در هفته را برای آموختن یک مهارت عملی، در یک کارگاه و نظایر آن مشغول به کار می‌شد.

تازه کار هستند. پیشنهاد دادم که روی تحویل توزیع به بخش خصوصی فکر کنند. مصاحبه طولانی به مناسبت هفته جنگ، با صداوسیما و خبرگزاری جمهوری اسلامی داشتم؛[1] آقای ارومیان نماینده [مراغه در] مجلس که از حج برگشته بودند، آمد و خبر از ضعف مدیریت تدارکاتی حج و موفقیت تبلیغات می‌داد.

ملاقاتی با اعضای حزب جمهوری اسلامی داشتیم که به سئوالات فراوانی جواب دادم و مسائل زیادی که لازم بود طرح کردم؛ درباره اختلافات و خط فکری و مسائل اقتصادی و اظهارات امام و مشکلات حزب و... .[2] ظهر، عفت و بچه‌ها در مجلس بودند. به بیمارستان رفته بودند، برای معاینه یاسر که مبتلا به سردرد است، و گفته شده سینوزیت‌ها چرک کرده است. پنی‌سیلین داده‌اند. عفت، از حرکت مشکوک دو نفر در آنجا ترسیده بود؛ باید محافظت جدی‌تری از بچه‌ها بنمائیم.

۱- در این مصاحبه سوالاتی درباره دستاوردها و اثرات سیاسی ـ فرهنگی و اجتماعی چهار سال جنگ، علت تأخیر در حمله نظامی ایران، صلح با عراق، بن‌بست در جنگ، تحرکات منطقه‌ای برای پایان دادن به جنگ، جنگ نفتکش‌ها، سقوط صدام حسین، فرسایشی شدن جنگ با عراق، عواقب صلح تحمیلی، هواپیماربایی و افشای چهره صدام در جنگ مطرح شد. در بخشی از این مصاحبه آمده است: "در جبهه روحیه‌ها را بسیار بسیار خوب می‌بینیم. همین حالا که فرمان حمله صادر نمی‌شود، به شدت ما از طرف رزمندگان، تحت فشار هستیم و واقعاً آنها لحظه شماری می‌کنند که حمله آغاز شود. هیچ وقت به این اندازه روحیه رزمندگان بالا نبوده است. الان تازه نفس و دوره دیده هم هستند و پشتیبانی لجستگی آنها هم خیلی خوب است." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۲- در این ملاقات، ایشان به ۲۵ سوال اعضای حزب جمهوری اسلامی ایران دربارهٔ مسائل داخلی حزب و مسائل اقتصادی پاسخ گفت. در بخشی از این سخنان آمده است: "فرمایشات امام امت، معنایش این نیست که ما کارها را بدست سرمایه‌داران زالو صفت بدهیم؛ تا امام هستند، محال است چنین کاری صورت گیرد. من فکر می‌کنم اگر در بخش خصوصی بی‌تفاوت بگذریم، در کارهای اساسی کشورمان خسارات بسیار عمده‌ای خواهیم دید. صحبت اخیر امام تا به حال اینگونه صریح نبود. حال بعد از فرمایشات ایشان نباید کارها مثل قبل انجام شود بلکه باید با سرعت کارها را جلو بیاندازیم. پس از سخنان امام، دولت بلافاصله بخشنامه کرد و طرح برنج هم از مصادیق آن بود. امام چندی قبل از آن در نامه‌ای به مجلس فرموده بودند که هر کس کارهای دولت را غیر شرعی بداند یا ضدانقلاب است یا ناآگاه." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

عصر، آقایان [محسن]رضائی و [علی]شمخانی آمدند. درباره عملیات آینده و پناهندگی مقام «سیا» [سازمان اطلاعات مرکزی] آمریکا به ایران و هواپیماربایان هواپیمای عـراقـی صـحبت کردیم. به جلسه شورای مرکزی حزب [جمهوری اسلامی] نرفتم؛ جواب نامهٔ [جامعه] مـدرسین [حوزه علمیه] قم را کامل کردم. امروز دو کشتی در خلیج فارس با تیر غیب، حادثه دیده‌اند.

دوشنبه ۲۶ شهریور ۱۳۶۳

نوزاد یکی از پاسداران را آوردند. [در گوشش] اذان گفتم و چشم روشنی دادم. تصفیه خانه استخر را تمیز کردم و از آقای امامی کاشانی خواستم که نماز جمعه [هفته] آینده را اقامه کند. احمد آقا آمد. اطلاع داد که امروز سه هواپیماربا را در فرودگاه قبل از رفتن به هواپیما گرفته‌اند؛ جالب است. خبر داد که نظر امام، کم‌کم نسبت به حزب جمهوری [اسلامی] دارد بد می‌شود. فکر می‌کنم گزارش‌های اخیر در مورد مخالفت جناح حاکم حزب با دولت، امام را متأثر کرده است. مقداری برای پیدا کردن راه اصلاح، مذاکره کردیم. آقای [دکتر عبدالله] جاسبی، تلفنی دربـاره شـهریه دانشگاه آزاد و معافی دانشجویان [از خدمت سربازی] و مواضع حزب صحبت کرد.

آقای [غلامعباس] زائری [کارپرداز مجلس] اطلاع داد که وزارت صنایع سنگین، چک سال آینده را برای دادن خودرو نمایندگان، قبول نمی‌کند؛ مجلس پول ندارد، باید فکری بکنیم. آقای ولایتی [وزیر امور خارجه]، تلفنی از اینکه آقای [موسوی]خوئینی‌ها [نـماینده امـام خـمینی و سرپرست حجاج ایرانی] با نظر امام و با ارسال پیام به عربستان، اجازه تظاهرات جدید ـ مشروط به عدم خونریزی ـ خواسته است؛ نگران بود.

سه شنبه ۲۷ شهریور ۱۳۶۳

تمام امروز را در منزل بودم. ساعت چهار صبح قبل از اذان، همگی اعضای خانواده برای سفر به رفسنجان، به فرودگاه رفتند. بعد از نماز، کمی خوابیدم. در منزل تنها بودم و بیشتر وقتم را به مطالعه گذراندم. برایم، ناهار را از سپاه و شام را از دفترم امام آوردند. پیش از ظهر، احمد آقا آمد. راجع به کیفیت مصاحبه با هواپیماربایان، پیشنهادهایی داشت؛ خوب است. آقـای ری‌شهری [وزیر اطلاعات] برای آن [مصاحبه]، اجازه امام را خواسته بود که موافقت فرموده بودند. قرار شد احمد آقا نظارت نماید.

با مجلس و آقای [میرحسین موسوی] نخست وزیر و آقای [بهزاد نبوی] وزیر صنایع سنگین، درباره وجه خودروهای [واگذاری] نمایندگان [مجلس] و طرح برنج و خانه برای نمایندگان صحبت کردم.

عصر، آقایان [محسن]رفیق‌دوست و محسن رضائی و رحیم صفوی آمدند.[1] درباره عملیات و نیازهای مالی و تدارکاتی جبهه و مشکلات سپاه بحث بود. آقای [محسن] رضائی از دخالت‌های زیاد آقای محلاتی [نماینده ولی فقیه در سپاه] در امور سپاه گلایه داشت و نامه‌ای [در این مورد] به امام نوشته است. قرار شد من از طریق مجلس و دولت، یک ونیم میلیارد تومان برای مخارج جنگ تهیه کنم. خبر از توافق کامل با آقای صیاد شیرازی دادند.[2] شب، فیلم سفر [آقای خامنه‌ای] رئیس

۱- درخصوص فشار مسئولان برسپاه برای تحرک در جبهه‌های جنگ، سردار رحیم صفوی می‌گوید: "رفتیم پیش آقای هاشمی، ایشان گفت شما ترسیده‌اید. شما به تردید افتاده‌اید. یک کاری بکنید. مگر حواس شما نیست که متکی به مردم هستید. مردم اگر ببینند بازار جنگ داغ و گرم نیست، رها می‌کنند و پشتیبانی نمی‌کنند. یک کاری بکنید. ما نمی‌دانستیم برادر محسن به آقای هاشمی چه قولهایی می‌دهد، اما می‌آید فشارهایی به ما می‌آورد. این فشارها برای ما اثری ندارد، زیرا با امکاناتی که در دستمان هست، می‌دانیم نمی‌شود عملیات بزرگ انجام داد، ولی به هر حال فشارهای شدید ادامه دارد. این را یک جا نوشتم که ما حتی یک بار لبخند از فرماندهمان ندیده‌ایم، چهار سال از جنگ می‌گذرد، یک تبسمی هم ندیدیم، ایشان داشته باشد." رجوع کنید ← کتاب " روزشمار جنگ ایران و عراق جلد سی‌وسوم، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، صفحه ۸۵.

۲- بعد از منتفی شدن دو عملیات والفجر ۷ و ۸ در تابستان ۱۳۶۳، یک بار دیگر ضرورت انجام عملیات محدود تا احراز آمادگی عملیات بزرگ، در دستور کار قرارگرفت. والفجر ۸، عملیاتی متکی برعبور از دو نقطه اروند در مقابل آبادان، با دو طرح عبور موسوم به قادر و طاهر بود که از آن با عنوان، والفجر ۸ انجام نشده یاد می‌شود. والفجر ۷ عملیاتی جلوی پاسگاه زید بود. زمینه‌های اجرای این دو عملیات، جداگانه آماده می‌شد؛ به این منظورکه هرکدام نشد، آن دیگری انجام شود. دشمن در دوم تیرماه ۱۳۶۳ منطقه پاسگاه بوبیان واقع در شمال پنج ضلعی شلمچه و در پنجم تیر ماه جلوی زید را آب انداخت که تقریباً منطقه والفجر، از دست رفت و اجرای عملیات مزبور منتفی شد. عملیات والفجر ۸ انجام نشده نیز در پی آشکار شدن مشکلات عبور از اروند و غیر قابل اجرا بودن طرحهای مربوطه، منتفی شد. بعد از منتفی شدن عملیات عبور از اروند، آقایان محسن رضایی و سرهنگ صیاد شیرازی برای اینکه احساس از هم پاشیدگی اوضاع، به ویژه در رده‌های پایین پدید نیاید، به مشورت نشستند که کجا بجنگیم. پیشنهاد ارتش تصرف شیخ سعد بود که بین مهران تا چنگوله و در اطراف جاده کوت ـ العماره واقع است. در برآورد نیروی لازم ۴۰ گردان

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

جمهور به سوریه را تماشا کردم.

چهارشنبه ۲۸ شهریور ۱۳۶۳

اول وقت به مجلس رفتم. تا ساعت هشت صبح، گزارش‌ها را خواندم. آقایان رضوی و داداشی آمدند. از برخورد مأموران دادستانی تهران، در ده روز بازداشتشان در رابطه با پرونده کشمیری [مربوط به بمب‌گذاری در نخست وزیری و شهادت رجایی و باهنر] و از سوءظن آنها به گروه رادیکال مجاهدین انقلاب اسلامی گله داشتند. آقای [عبدالله] عطائی نماینده سنندج آمد؛ بر لزوم توجه بیشتر به پیشمرگان مسلمان کُرد تکیه می‌کرد. از کارمندان مجلس که حکمشان به تأخیر افتاده، شکایت آوردند. مسئولان سپاه مجلس آمدند و از نامشخص بودن آئین‌نامه و مسئولیت‌های حراست و امنیت مجلس گله داشتند.

با [آقای بنجامین مکاپا] وزیر امور خارجه تانزانیا، ملاقات داشتم. از کمک ایران به تانزانیا در فروش نفت نسیه ممنون بود و من هم روی کمک به کشورهای مستقل آزادیخواه آفریقا تکیه کردم.[1] [آقای سراج الدین کازرونی] وزیر مسکن [و شهرسازی] آمد و گزارشی از وضع زمینهای

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

زرهی و ۱۶۰ گردان پیاده در نظر گرفته شد. اما در بحث معایب و محاسن مشخص شد که این هدف، ارزش سرمایه گذاری در این حد را ندارد. در نهایت نتیجه آن شد که در ماههای مهر، آبان و آذر چند عملیات محدود در شمال غرب و غرب انجام شود و عملیات بزرگ در آذر یا دی ماه صورت بگیرد. رجوع کنید ← کتاب "روز شمار جنگ ایران و عراق، جلد سی‌وسوم، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، سال ۱۳۷۹.

۱- در این دیدار، "بنجامین مکاپا" وزیر امور خارجه تانزانیا گفت: "ما امیدواریم که با گسترش هر چه بیشتر روابط در جهت مقصد مشترک کشورهای مترقی قدم برداریم. امپریالیسم جهانی کوشش می‌کند تا از مشکلات و گرفتاریهای کشورهای آفریقایی ـ از جمله خشکسالی اخیر که در سطح منطقه بوجود آمده، استفاده کند. آمریکا همچنین سعی می‌کند از آفریقای جنوبی به عنوان بازویی برای فشار در منطقه سود ببرد." سپس آقای هاشمی در سخنانی با اشاره به علاقه مسئولین جمهوری اسلامی ایران به مسایل آفریقا و تمایل برای کمک به آفریقا و همکاری با مردم این قاره اظهار داشت: "ما فکر می‌کنیم آفریقا یکی از مراکزی است که می‌توان در آنجا امپریالیسم را به زانو در آورد. امپریالیستها مواظب هستند که چهره‌های خوب کشورهای آفریقا را اسیر خود کنند و

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

موجود دولتی و متقاضیان داد. بر ضرورت تحویل زمین به متقاضیان برای رونق ساخت و ساز تأکید کردم. آنها تردید دارند که در تهران به طور وسیع زمین واگذار کنند؛ از مهاجرت و کثرت متقاضی و بحران مصالح ساختمانی می‌ترسند. عصر، به دفتر مرکزی روزنامه جمهوری اسلامی رفتم. برای کارکنان [روزنامه] صحبت کردم.[1] چاپخانه مجهزی دارند نصب می‌کنند.

شب، مهمان آقای [موسوی]اردبیلی [رئیس دیوان عالی کشور] بودیم. آقای [موسوی]اردبیلی از موضعگیری‌های من، بعد از اظهارات امام به هیأت دولت، متشکر بود. درباره وزیر آموزش و پرورش بحث شد که [آقای میرحسین موسوی] نخست وزیر و [آیت‌الله‌خامنه‌ای] رئیس جمهور توافق ندارند؛ مشکل خواهیم داشت. درباره کمک به کارکنان دولت بحث شد. من طرح تهیه مسکن برای بی‌مسکنان آنها را داشتم. قرار شد کمیسیونی روی این طرح کار کند. ساعت ۱۲ شب به مجلس رفتم و خوابیدم.

پنجشنبه ۲۹ شهریور ۱۳۶۳

تا ساعت هشت صبح در مجلس مطالعه می‌کردم. آمریکا و اسرائیل علیه اقدام ایران، برای اخراج اسرائیل از سازمان ملل، فعالیت شدیدی را شروع کرده‌اند. برنامه هفته آینده مجلس را تهیه و اعلام کردیم. در پادگان امام حسین(ع)، در مراسم پایان چهلمین دوره آموزشی سپاه، شرکت

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

از آنها در جهت اهدافشان استفاده کنند. ما سیاست نژاد پرستی در دنیا را محکوم می‌کنیم و در این جهت آفریقای جنوبی را محکوم کردیم و روابطمان را با آن کشور قطع نمودیم."

۱- در بخشی از این سخنرانی آمده است: "آن لحظه‌ای که وارد این مؤسسه شدم، اولین چیزی که وجود مرا تحت تأثیر قرار داد، و هنوز هم تحت تأثیر آن هستم، خاطره روزهایی است که با شهید بهشتی و شهید باهنر و دوستان دیگر در اینجا جلسه داشتیم. روزنامه جمهوری اسلامی در دوران خدمتش و در شکل‌گیری حوادث انقلاب و جان دادن به مسائلی که نیاز به جان داشته، بسیار مؤثر بوده است. نمی‌دانم اگر حزب این زبان را نداشت و اگر این ارگان حمایتش نمی‌کرد، حزب تا چه حد آسیب‌پذیر بود و تا چه حد در مقابل آن زبانهای دراز بی‌تقوای دشمنان ما می‌توانست دوام بیاورد." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.





بازدید از پادگان امام حسین(ع)

کردم؛ سان دیدم و رژه را تماشا کردم و سخنرانی نمودم[۱] و از کلاسها بازدید کردم. ظهر، در منزل تنها ناهار خوردم؛ از بیت امام غذا آوردند.

عصر، اطلاع دادند که امروز عراق به جزیره خارک حمله کرده است. [در این حمله] مرکز برق و آب شیرین‌کن و دفتر مرکزی تخریب شده است.[۲] [مهندس غرضی] وزیر نفت می‌گوید با هواپیما حمله شده است. از [سرهنگ صدیق] فرمانده نیروی هوائی توضیح خواستم؛ او معتقد است که موشک از داخل خاک عراق پرتاب شده است. از دفتر مشاورت [امام در ارتش] خواستم رسیدگی کند. اخبار [صداوسیما] اعلام کرد، در بیروت با کامیون حامل مواد منفجره به سفارت آمریکا حمله شده [و این حمله] بیشتر از ۲۰ نفر کشته و ۷۰ نفر مجروح داشته و سفیر آمریکا جزو مجروحان است.[۳]

۱- در این سخنرانی آمده است: "صلح و امنیت واقعی در منطقه، فقط با پیروزی مطلق و در سایه اراده و تفنگهای رزمندگان اسلام بدست خواهد آمد. ملت ما مطمئن باشد که اگر ما موفق نشویم، صدام و حزب بعث را از میدان بیرون کنیم، قطعاً یکی دو دهه آینده در منطقه صلح و آرامش وجود نخواهد داشت. ما باید آماده باشیم که در لحظه مناسب به نحوی که اهداف ما را تأمین کرده و خسارات کمتری به نیروهای ما و مردم عراق وارد کند، بتوانیم به این جنگ طولانی پایان دهیم. همه امکانات تسلیحاتی، زرهی و لجستیکی ما امروز در زمین و هوا و دریا آماده است و نقاطی را که لازم بود در اختیار یک نیروی فاتح باشد، در سراسر مرزها در اختیار داریم." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۲- در پی این حمله که منجر به قطع برق و آب آشامیدنی اهالی خارک شد، ارتش عراق در اطلاعیه نظامی اعلام کرد: "در پاسخ به تلاشهای رژیم ایران علیه تأسیسات البکر و العمیه در شانزدهم سپتامبر ۱۹۸۴ [۱۳۶۳/۶/۲۵]، نیروهای ما یک ضربت هشدار دهنده را به جزیره خارک وارد آوردند." الجمهوریه، روزنامه رسمی دولت عراق، در مقاله‌ای نوشت: "اگر دولت ایران همچنان با خاتمه دادن به جنگ ضدیت کند، نیروهای عراقی، تأسیسات جزیره خارک را نیست و نابود خواهند کرد؛ ضربه‌ای که به جزیره خارک وارد شد، حالت یک اخطار را داشته است." از سوی دیگر جان هیوز سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا اظهار داشت: "آمریکا نمی‌تواند این حملات عراق را تأئید کند."

۳- در پی این انفجار مهیب، یک گروه از وزارت امور خارجه آمریکا به ریاست ریچارد مورفی مشاور وزارت امور خارجه، تحقیقات خود را درباره این حمله انتحاری در بیروت آغاز کرد. مورفی گفت که هدف، انهدام سفارتخانه و از طریق این انهدام، در

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

جمعه ۳۰ شهریور ۱۳۶۳

در منزل تنهایم. بچه‌ها به رفسنجان رفته‌اند. حاج احمد آقا، از نامه فرمانده سپاه به امام گفت که از تداخل مسئولیتها با نماینده امام [در سپاه] و از مشکلات دخالت آنها گله دارند. احمد آقا از برنامه سیمای فرزانگان که این روزها از رادیو پخش می‌شود و مربوط به حاج شیخ عبدالکریم [حایری موسس حوزه علمیه قم] است، ناراحت بود. پاسداران آمدند و برنامه افتتاح مراسم هفته جنگ در مصلای تهران را توضیح دادند. آقا جلال، آقای تیموری را برای دیدن کتابخانه و تهیه قفسه برای آن آورد. آقای [حسین]محلوجی از لندن تلفن کرد و گزارش اظهارات رسانه‌های

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

هم شکستن اراده دولت آمریکا بوده است تا ما به این نتیجه برسیم که حفظ کردن حضور رسمی‌مان در لبنان دیگر به نفعمان نیست. گاسپار واینبرگر وزیر دفاع آمریکا نیز اظهار داشت: "ایالات متحده درباره انفجار سفارت خود در بیروت. چندین اقدام مهم از جمله اقدام انتقام جویانه را مد نظر قرار داده است." واینبرگر گفت: "ایران، سوریه و لیبی در این حادثه دست دارند ولی آمریکا مدارک کافی [در این مورد] در دست ندارد. دولت آمریکا تحقیقات دقیقی را در این مورد آغاز کرده است." در این حال مأموران امنیتی آمریکا به بهانه جست‌وجو برای یافتن سلاح و بمب، تمامی خانه‌های دفتر حفاظت منافع ایران را بازرسی کردند و نیز اسلحه به دست، از سرپرست دفتر حفاظت منافع ایران بازجویی به عمل آوردند. همچنین سرپرست دفتر حفاظت را یک اتومبیل پلیس متوقف کرد. با درخواست گواهینامه و اسناد اتومبیل، مأمور پلیس با لحن طعنه‌آمیزی گفت: "ما مراقب شما خواهیم بود." از سوی دیگر سخنگوی سفارت آمریکا در بیروت اعلام کرد که از هنگام وقوع انفجار، سه ناو جنگی آمریکایی از جمله یک ناو هلی‌کوپتربر و دو ناو حامل ۱۸۰۰ تفنگدار دریایی آمریکایی، به آبهای لبنان رسیده‌اند و حوالی سواحل این کشور به حرکت در آمده‌اند.

با گذشت چند روز از حادثه، رسانه‌های جمعی آمریکا گروه جهاد اسلامی را مظنون درجه یک حادثه و حملات انتحاری مشابه معرفی کردند اما اعتراف کردند که منابع جاسوسی اطلاعاتی آمریکا، کوچکترین اطلاع و نشانه‌های از اعضای این گروه و چگونگی فعالیت و موقعیت مکانی آنها ندارند. با این حال وزارت امور خارجه آمریکا اعلام کرد که در برخی از صادرات آمریکا به ایران از جمله هواپیما و قطعات یدکی محدودیتهای تازه‌ای قائل خواهد شد. از سوی دیگر آقای میرحسین موسوی نخست وزیر در مورد این حادثه گفت: "وقتی که مسلمانان لبنان و تمام کشورهای اسلامی زیر فشار امپریالیسم آمریکا هستند، این کشور نباید انتظار داشته باشد، اتباعش در کشورهای مختلف امنیت داشته باشند. برای همین فکر می‌کنم اگر این سوال را مطرح کنیم که علت خصومت ملتهای مستضعف جهان علیه آمریکا و آمریکائیان چیست، درست‌تر باشد."

انگلیس را دربارهٔ انفجار سفارت آمریکا در بیروت گفت که با کنایه به ما نسبت داده‌اند. ترسیده است.

عصر به دیدن آقای [سیدمحمد] موسوی خوئینی‌ها نماینده امام در حج رفتم. مقداری از وضع حج و کثرت حجاج ایرانی و کم شدن حجاج دیگر کشورها و وضع مرتب و خوب حجاج ما گفت و خبر داد که بنا است از سال آینده، پول بیشتری از حجاج بگیریم؛ چون فعلاً اگر دلار به قمیت ۲۰ تومان حساب شود، دولت ضرر می‌کند. شب، آقایان محسن رضائی و رحیم صفوی آمدند. توضیحاتی دادند که عملیات محدودی که قرار بوده [در مرزهای جنوب غرب] انجام شود، انجام نشود. سپاه ضعیف شده و با احتیاط عمل می‌کند.

شنبه ۳۱ شهریور ۱۳۶۳

اخوی محمد [رئیس سازمان صداوسیما] اطلاع داد که امروز، جلسه شورای سرپرستی [صداوسیما] نداریم. درباره برنامه «سیمای فرزانگان» رادیو، تذکر دادم. بچه‌ها از رفسنجان برگشتند و برای [رفتن به] مدرسه و دانشگاه آماده می‌شوند.

عصر، برای بازدید و افتتاح مراسم هفته جنگ در مصلی شرکت نمودم. از چند غرفه و از نمونه سلاح‌های غنیمتی دیدن نمودم. سپس به جایگاه نمایش عملیات خیبر و تسخیر جزایر مجنون رفتم. چتربازان نمایش دادند. خوب پیاده شدند. نمایش شناسائی و حمله به جزایر و نصب پل خیبر و استفاده دشمن از شیمیائی و... اجرا شد. برای مردم جالب بود؛ گرچه با واقعیت‌ها خیلی فاصله داشت. در آخر مراسم، چند جمله‌ای صحبت کردم[1] و به خانه آمدم. شب، خانم آقای

۱- آقای هاشمی از غرفه‌های خودکفائی صنعتی نیروی زمینی، نیروی دریای، تحقیقات صنعتی، تسلیحاتی، غنائم جنگی و ماکتهای عملیات از کربلا تا قدس، والفجر و محرم، بازدید کرد.

ایشان در پایان مانور، در سخنان کوتاهی گفت: "با تشکر از برادران که زحمت کشیده‌اند و چنین صحنه‌ای را برای نشان دادن حماسه‌های رزمندگان اسلام در اختیار امت غیور ما و مردم شریف ما گذاشتند که از نزدیک با زحمات طاقت فرسا و ایثارگری‌های عزیزانمان در جبهه‌ها آشنا شویم. نکته بسیار مهمی که باید توجه کرد، این است که این صحنه با همه شکوهی که دارد یک هزارم از آنچه که در میدان جنگ واقعی عملیات خیبر به منطقه ظهور رسید، نیست. نقطه اوج این عملیات، قسمتی است

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

[شهید]مطهری، مهمان عفت بود. اطلاع دادند که امروز عراق، سه موشک از راه دور به بندرامام پرتاب کرده که به جای حساس نخورده.[1] اما ممکن است بهانه‌ای به دست ژاپنی‌ها بدهد که به کار ادامه ندهند و [این مسئله] احتمالاً جزو اهداف حمله است.



(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

که در این مانور به چشم نمی‌خورد.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم»، دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۱- در ساعت ۱۰/۴۱ دقیقه صبح، سه فروند موشک زمین به زمین «فراگ ۷ روسی» به مجتمع پتروشیمی رازی [ایران ـ ژاپن] اصابت کرد. تعداد مجروحین ۱۷ نفر بود که در بین آنان تعدادی از کارکنان ژاپنی مجتمع نیز مشاهده می‌شد. خبرگزاری ژاپنی کیودوگزارش داد: «این اولین بار است که عراق در حمله به این مجتمع، از موشک زمین به زمین استفاده کرده است. ظاهراً این اقدام، نمایش قدرتی از عراق در امکان منهدم کردن این پروژه چند میلیارد دلاری است.»

[شهید]مطهری، مهمان عفت بود. اطلاع دادند که امروز عراق، سه موشک از راه دور به بندرامام پرتاب کرده که به جای حساس نخورده.[1] اما ممکن است بهانه‌ای به دست ژاپنی‌ها بدهد که به کار ادامه ندهند و [این مسئله] احتمالاً جزو اهداف حمله است.



(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

که در این مانور به چشم نمی‌خورد." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۱- در ساعت ۱۰/۴۱ دقیقه صبح، سه فروند موشک زمین به زمین "فراگ ۷ روسی" به مجتمع پتروشیمی رازی [ایران ـ ژاپن] اصابت کرد. تعداد مجروحین ۱۷ نفر بود که در بین آنان تعدادی از کارکنان ژاپنی مجتمع نیز مشاهده می‌شد. خبرگزاری ژاپنی کیودوگزارش داد: "این اولین بار است که عراق در حمله به این مجتمع، از موشک زمین به زمین استفاده کرده است. ظاهراً این اقدام، نمایش قدرتی از عراق در امکان منهدم کردن این پروژه چند میلیارد دلاری است."

مهر ۱۳۶۳



یکشنبه ۱ مهر ۱۳۶۳ ۲۷ ذیحجه ۱۴۰۴ 23 SEPTEMBER 1984

صبح زود به مجلس رفتم. گزارش‌ها را خواندم. آقای [اسدالله]بیات آمد؛ کمی از وضع حجاج ایرانی در مکه گفت. ساعت هشت‌وچهل‌وپنج دقیقه صبح، اولین جلسه علنی [مجلس شورای اسلامی] بعد از تعطیلات، شروع شد. قبل از دستور، راجع به هفته جنگ و شروع کار مدارس صحبت کردم.[1]

شور اول سه لایحه را تصویب کردیم. چند تحلیف از نمایندگان میان دوره‌ای انجام دادیم. مراجعاتی هم در تنفس و ضمن جلسه از نمایندگان داشتم. ظهر، آقای [میرعلی‌نقی] سید خاوری نماینده لنگرود آمد؛ خواستار تعقیب کسانی بود که جلسه سخنرانی ایشان را در لنگرود به هم‌زده‌اند و یک نفر [در این جریان] از ترس سکته کرده و مرده است. آقای [غلامرضا] حیدری نماینده آشتیان، از فرمانده سپاه شهرش شکایت داشت. آقای [حکم الله] پزشکی نماینده میانه از از امام جمعه و نماینده سابق [میانه] شکایت داشت.

آقای [محمدتقی] رنجبر [نماینده صومعه‌سرا] برای خرید برنج گیلان و مازندران توسط دولت تأکید داشت. آقای [پرویز] ملک‌پور نماینده زردشتیها برای رفتن به هند و ملاقات با خانم [ایندیرا]گاندی [نخست وزیر هند] مشورت کرد. آقای امیر عراقی از طرف آقای غرضی آمده بود و برای مخالفت با فروش تهاتری نفت، تلاش می‌کرد. گفتم که اگر به اندازه ۲۳ میلیارد دلار بفروشید، تهاتر نمی‌شود.

عصر، جلسه شورای مرکزی حزب [جمهوری اسلامی] داشتیم. تأسیس یک شرکت با عضویت و سهام اعضای حزب و ایجاد یک کارخانه نئوپان‌سازی برای درآمد حزب، تصویب شد. شب با آیت‌الله خامنه‌ای، جلسه دونفری داشتیم؛ درباره جنگ بحث کردیم و تصمیماتی گرفتیم. در مورد یک بعدی شدن حزب، من صحبت کردم و ایشان هم قبول دارند؛ قرار شد در جهت معتدل کردن

۱- در بخشی از نطق پیش از دستور آمده است: "در آغاز پنجمین سال شروع جنگ تحمیلی و هفته جنگ، مثل روزهای اوایل هنوز مساله ما جنگ است، و مجلس شورای اسلامی، دولت، مردم و رزمندگان عزیز ما همچنان باید امکانات کشور را در راه جنگ و برای تأمین پیروزی قاطع بسیج کنند. به حامیان صدام اخطار می‌کنیم که دست از توطئه بردارند و آماده صلح پایدار بدون حزب بعث باشند." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

حضور دو جریان فکری [در حزب جمهوری اسلامی]، مشاوره و اتخاذ تصمیم نمائیم. شب به منزل آمدم.

دوشنبه ۲ مهر ۱۳۶۳

امروز در منزل بودم. تا ساعت ده صبح، مطالعه می‌کردم. آقای محسن رضائی آمد. طرحهای عملیاتی را که قرار است، تا چند ماه دیگر انجام شود، آورد و صحبت شد.[1] برای کم کردن دخالتهای نماینده امام در سپاه، باز هم کمک خواست.

نزدیک ظهر، احمد آقا آمد. نوار مصاحبه گروه دوم هواپیماربا را ـ که دستگیر شده‌اند ـ آورد؛ توضیحاتی داد و قرار شد با اصلاحاتی پخش شود. نتیجه مذاکرات درباره جنگ را توسط ایشان به امام پیغام دادم.[2]

۱- در این روز، فرمانده کل سپاه، نامه‌ای خطاب به فرماندهی نیروی زمینی ارتش نوشت که در آن آمده است: "به برادر عزیز سرهنگ صیاد شیرازی از برادر شما محسن رضایی، خواهشمند است اقدامات زیر را انجام و نتیجه اقدامات را کتبی اعلام دارید: الف ـ تحویل هزار دستگاه نفربر تعمیری به وزارت سپاه جهت عملیاتی کردن آنها. ب ـ ارائه لیست قطعات یدکی لازم برای آماده کردن ۲۰ فروند شنوک و ۱۰۰ فروند ۲۱۴ به برادر حاج محسن رفیق‌دوست و تعیین یک نماینده پیگیر و مطمئن. ج ـ تعیین یک کمیته توپخانه برد بلند ۱۷۵ و ۱۸۲ برای تهدید شعیبیه و هدفهای لازم دیگر و برآورد قبضه و مهمات لازم و طرح تیرآتش و دیده‌بان‌های نفوذی لازم. رجوع کنید ← کتاب "روزشمار جنگ ایران و عراق، جلد سی‌وسوم، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، صفحه ۹۳.

۲- در این روز در بازتاب سخنرانی عتاب‌آلود امام خمینی(ره) که مباحث مختلفی را در محافل سیاسی در پی‌داشت، طلاب حوزه علمیه قم با ارسال طوماری به طول ۱۸/۵ متر "پشتیبانی خود را از دولت محرومین برادر موسوی و حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی" اعلام کردند. متن طومار به این شرح است: "بسمه‌تعالی. ما طلاب حوزه علمیه قم به پیروی از اخطار حضرت امام در روز عید غدیر، خطاب به کسانی که شیاطین در لباس و باطنشان نفوذ کرده تا به زبان آنان هر روز و هر فرصت، در تضعیف دولت نغمه‌ای را ساز و به دست آنها براساس مصالح شخصی و به خیال دفاع از اسلام، چیزهایی را منتشر سازند و مشی خلاف شرع را بر چسب زنند و در هر حال دست از جان دولت برندارند و این همه در حالتی که خود از اداره نانوایی شهری ناتوانند می‌گوییم که به خود آیند و بیدار شوند تا از غضب الهی که افشای چهره شیطانی آنها است در امان بمانند. ضمن پشتیبانی از دولت محرومین برادر

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

به آقای غرضی، تلفنی گفتم که اعلان نماید، وزارت نفت می‌خواهد بخش ایرانی هورالهویزه را برای اکتشاف نفت، خشک کند. و مطالعه نماید، آیا می‌شود از طریق لوله‌های نفت، بین گوره و خارک، آب شیرین و کابل برق، به جزیره منتقل کرد یا نه؟[1]

سه شنبه ۳ مهر ۱۳۶۳

جلسه علنی مجلس داشتیم. ظهر، چند ملاقات داشتم. عصر، جلسه کمیسیون مخصوص تعیین مواضع حزب جمهوری اسلامی داشتیم و قرار شد که متن نهائی مواضع که به تصویب رسید، چاپ شود.

شب را در مجلس ماندم. شب، چند بار با درد قفسه سینه، از خواب بیدار شدم؛ احتمال دادم که ناراحتی قلب باشد، ولی در طول روز ادامه نیافت.[2]

چهارشنبه ۴ مهر ۱۳۶۳

تمام طول روز، در مجلس بودم و در دفترم، کار می‌کردم. ساعت هفت تا نه صبح، جلسه هیأت رئیسه مجلس خبرگان داشتیم. درباره اجلاس آینده و سمینار ولایت فقیه و ساختن محل مجلس در

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

موسوی و حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، ازکسانی که با افکار متحجر و پوسیده خود، تحت لوای شرع مقدس اسلام به تضعیف حکومت اسلامی و خط اصیل انقلاب می‌پردازند و همچنین از افراد رفاه زده‌ای که خود را مقید به زی طلبگی نمی‌دانند و زمینه ساز بدبینی مردم نسبت به روحانیت می‌باشند که هر از چندگاهی دل امام عزیزمان را به درد می‌آورند، انزجار و بیزاری خود را اعلام می‌داریم.

۱- در اثر حمله هوایی به تأسیسات برق جزیره خارک، جریان برق در این جزیره به مدت ۲۰ روز قطع بود و با استفاده از ژنراتورهای اضطراری، برق آن تأمین می‌شد.

۲- در این روز، رادیو بغداد در ادامه جنگ روانی علیه ایران گزارش داد: "سخنگوی شورای فرماندهی انقلاب عراق اعلام کرد که این کشور آماده است تا تمامی تسهیلات لازم برای ایرانیانی که مایل‌اند به عنوان میهمان به زیارت عتبات مقدسه بیایند را فراهم کند و عراق آماده است از روز اول ماه محرم از ایرانیان علاقمند به زیارت عتبات عالیات، پذیرایی کند. این برنامه در ظرف ۱۰ روز اول هر ماه و در تمام طول ماه محرم، تکرار خواهد شد."



آیت اله احمد آذری قمی

قم بحث بود.[۱] عصر، هیأت رئیسه [مجلس شورای اسلامی] جلسه داشت. خطبه عربی نماز جمعه و مقدمه چاپ دوم کتاب مواضع حزب [جمهوری اسلامی] را نوشتم.

مغرب به منزل آمدم. دو نفر از خوزستان آمدند و مدعی بودند که یک انبار اورانیوم را در بیابان کشف کرده‌اند؛ نگران بودند. به احتمال قوی اشتباه می‌کنند و یا رمزی در کار است؛ بنا شد پیگیری شود. مسئله مهمی است.

در پاریس با آقای [رضا]امراللهی رئیس سازمان انرژی اتمی، برای تعیین مسئول مورد اعتمادی برای بررسی ادعای اورانیوم‌های کشف شده،[۲] تماس گرفتیم.[۳]

شب با سران قوا، مهمان احمد آقا بودیم. امام هم در جلسه شرکت کردند و مقداری از خاطرات زمان تبعید در ترکیه و دوران مبارزات [قبل از انقلاب] را تعریف کردند. امام تعریف کردند، اولین بار که ساواک ایشان را به حمام عمومی برده بودند، مأموران به دلاک گفته بودند که این شخص دیوانه است؛ تا اگر امام چیزی بگویند، باور نکند.

در دفتر امام، دکتر قلب امام، به خاطر دردهای سینه دیشب، از من نوار قلب گرفت؛ قلبم سالم و فشار خونم عادی است.

پنجشنبه ۵ مهر ۱۳۶۳

صبح زود به مجلس رفتم. آقایان زمانی، جهانتاب و حاجی سعیدی معاون آقای امراللهی

۱- در این جلسه دربارهٔ اجلاس آینده مجلس خبرگان و تعیین موضوعات مورد بحث در سمینار ولایت فقیه ـ که بنا به تصویب اجلاسیه دوم مجلس خبرگان در آینده تشکیل خواهد شد ـ بحث و گفتگو به عمل آمد و قرار شد موضوعات تعیین شده برای تحقیق، در اختیار محققان داخل و خارج کشور قرار گیرد که پس از تحقیق و تهیه مقالات، در سمینار مطرح شود.

۲- بعدها معلوم شد زباله داروهای هسته‌ای و رادیوایزتوپ‌های پزشکی در آن محل دفن شده است.

۳- آقای امرالهی رئیس سازمان انرژی اتمی برای شرکت در بیست‌وهشتمین نشست سالیانه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به وین رفته بود. وی در این نشست حمله موشکی عراق به نیروگاه اتمی بوشهر را محکوم کرد. آقای امراللهی در این اجلاس همچنین با همتای پاکستانی خود دیدار و در زمینه همکاری دو جانبه تهران ـ اسلام آباد در مورد کاربرد انرژی اتمی در پزشکی هسته‌ای و کشاورزی مذاکره کرد. همچنین با آقای هانس بلیکس دبیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درباره فعالیتهای نیروگاه اتمی بوشهر به تبادل نظر پرداخت.

[رئیس سازمان انرژی اتمی]، به دفترم آمدند. درباره ادعای اورانیوم کشف شده با هم صحبت کردیم؛ قرار شد برای بررسی سریعاً اقدام شود. گزارشها را خواندم. مطلب مهمی نداشت.

در جلسه علنی مجلس قبل از دستور درباره رحلت آیت‌الله [سیدعبدالله] شیرازی و محرم و روز شهید، صحبت کردم.[1] جلسه را به آقای ربانی املشی سپردم و به دفترم رفتم. آقای آذری قمی [نماینده قم] آمد. درباره مسائل مورد اختلاف، بحث کردیم. جلسه مفیدی بود؛ احتمالاً مؤثر باشد. از اظهارات امام و حرفهای مطرح شده در جریان‌های اخیر، ناراضیند.[2]

۱- در بخشی از نطق پیش از دستور به مناسبت درگذشت آیت‌الله سیدعبدالله شیرازی آمده است: "متأسفانه این شخصیت عظیم را ما از دست دادیم. مرد بزرگی که در عمرش در سراسر زندگیش همیشه در کنار مبارزان و فداکاران بود و تا پایان زندگی این راه را فراموش نکرد و به اسلام و مسلمین خدمات فراوانی کرد. خداوند روحش را با اجداد طاهرینش محشور بفرماید و به بازماندگانش صبر و اجر کامل عنایت بفرماید." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۲- آیت‌الله احمد آذری قمی نماینده قم در مجلس شورای اسلامی و عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در نامهٔ خود، امام خمینی(ره) را "آقای حاج روح الله خمینی" خطاب می‌کند و به این نکته تأکید دارد که ولی فقیه در برابر قوه مقننه وظیفه‌ای جز ارشاد و راهنمایی ندارد و حق تعیین تکلیف و صدور احکام برای مجلس شورای اسلامی، از حدود اختیارات او خارج است.

آقای آذری قمی در نامه‌ای که در اختیار علمای بزرگ حوزه قرار داد (تعداد ۳۰ فقره رونوشت) نوشته بود: "پس از سخنان اینجانب در روز چهاردهم مرداد [۱۳۶۳] در مجلس شورای اسلامی که ضمن آن سخنان، اشاراتی به مفهوم واقعی ولایت فقیه داشتم و گفتم ولی فقیه، وظیفه‌ای جز ارشاد، نصیحت و راهنمایی ندارد و در مقامی نیست که برای قوه مقننه تکلیف معلوم کند. علاوه برآن، اضافه کردم که شخص آقای روح‌الله خمینی، تاکنون در امور آقایان [مهندس مهدی] بازرگان، [صادق] قطب‌زاده و [سیدابوالحسن] بنی‌صدر به این عنوان که آقایان را در ۲۰ سال پیش می‌شناسد و بر ایمان و تقوا و تعهد آنها اطلاع دارد، ما را ناچار از پذیرش این سه نفر، در بحرانی‌ترین روزهای انقلاب اسلامی کرده بود، تأکید کردم که ولی فقیه، حق تعیین تکلیف و صدور احکام برای مجلس را ندارد. دو روز پس از سخنان من در مجلس، شیخکی بنام [آقای محسن] قرائتی، به خانه‌ام آمد و به روایتی از حاج احمد خمینی که پیام پدرش را به قرائتی ابلاغ کرده بود، به این مفهوم به من ایفادکرد: "به آقای آذری قمی بگویند که نفوذ و مقام ایشان به گردپای نفوذ و مقام شریعتمداری در میان علمای اعلام نمی‌رسد، بهتر آن است، دیگر پا را از گلیم درازتر نکند. وقتی این شیخک، این پیام را ابلاغ کرد، او را با شدت و عصبانیت و ترتیبی که سزاوارش بود، از خانه بیرون کردم و پس از آن به

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

ظهر، گروهی از پاسداران قم آمدند؛ از فرماندهان جنگ گله داشتند.[1] جمعی از نمایندگان خوزستان آمدند. برای اصلاح وضع جنگ زدگان پیشنهاداتی داشتند؛ از جمله ساختن مسکن و امکانات کار. آقای [حسن]جلایر صاحب مجتمع فرهنگی و هنری ـ که فیلمهای اسلامی می‌سازد ـ آمد و گزارشی [از اقدامات مجتمع فرهنگی و هنری] داد و برای مؤسسه کمک خواست.

عصر، گروهی از خلبانان برای ابراز وفاداری و اعلان برائت از خلبانان خائن فراری و کمک گرفتن برای ساختن منازل برای خلبانان، [و همچنین مسئولین حفاظت و] اطلاعات نیروی زمینی ارتش آمدند. برای آنها صحبت کردم.[2] خانواده‌های شهدا و مفقودان روحانیت نیز آمدند. برای آنها

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

تحقیق پرداختم و دیدم که این پیام صحت دارد. بنابراین لازم دانستم این پیام را به شخص آقای روح‌الله خمینی بنویسم و ۳۰ فقره رونوشت آن را برای ۳۰ تن از علمای اعلام و دلسوخته‌ای که در این پنج سال، شاهد از بین رفتن احکام شرع و التقاط این احکام و نفوس با فتواهای نادرست بود، و دلی خونین دارند، بفرستم."

۱ـ رادیو کلن در آلمان گزارش داد: "آقای هاشمی در گردهمایی که با فرماندهان سپاه پاسداران داشت به این امر اشاره کرد که اغلب رزمندگان جبهه‌های جنگ، این را مطرح می‌سازند که پس چه موقع آنها دستور آخرین حمله به عراقی‌ها را دریافت خواهند کرد، اظهار داشت: "هدف اصلی حصول و کسب پیروزی استراتژیک نظامی ـ سیاسی است؛ به همین خاطر هم باید در این زمینه تأمل و تفکر کرد و شرایط مناسب زمانی و مکانی را در نظر گرفت که جمهوری اسلامی ایران از آمادگی کامل برخوردار باشد تا در لحظه مناسب اهداف مذکور با خسارت کمتری برای نیروهای جمهوری اسلامی ایران و مردم عراق تحقق بخشد."

۲ـ ایشان در این دیدار گفت: "مسئولیتی که به عهدهٔ شماست، بسیار ظریف و دقیق است و جوابگوئی در مقابل آن در بارگاه الهی بسیار حساس می‌باشد. به طور طبیعی هر نظامی در همه ارگانهای خود احتیاج به چشم دارد تا عملکرد افراد و مسئولین آن را بنگرد و خوبها و بدها و بی‌تفاوتها شناسایی شوند و آنانی که عیوب قابل اصلاح دارند،اصلاح گردند. اگر شما سالم باشید به خوبی می‌توانید این امانت را حفظ کنید. این خودسازی راکه شروع کرده‌اید، ادامه دهید و دائماً مواظب اصلاح خود باشید و همواره تابع حق و عدالت و مقررات بمانید و متناسب با آرمانهای اسلامی برای قرب به خداوند و برای وجدانتان و برای مردم کشورتان تلاش نمائید. شما باید چشمهای امینی برای فرمانده کل قوا باشید. مسائل شخصی را فاش نسازید. فاش شدن مسائل شخصی برای غیر شما، تجسس حرام است و برای شما تنها در حیطه مسئولیتان جایز می‌باشد، آن هم به شرط آن که رازدار باشید و مسائل شخصی مردم را در سینه خود مدفون سازید و جز به مسئولین گزارش نکنید." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

مفصلاً صحبت کردم.[1] شب، با آقای خامنه‌ای، جلسه خصوصی داشتیم. درباره [انتخاب] وزیر دفاع و وزیر آموزش و پرورش و رئیس ستاد [مشترک ارتش] و فرمانده نیروی دریائی [ارتش] صحبت شد؛ نتایجی بدست آمد. آقای [محسن] کنگرلو مشاور نخست وزیر هم ـ که عازم اروپا بود ـ آمد و گزارشی داد.

جمعه ۶ مهر ۱۳۶۳

تا ساعت ده‌ونیم صبح در منزل، برای خطبه‌های نماز جمعه مطالعه کردم. سپس برای نماز جمعه به دانشگاه تهران رفتم؛ عفت هم آمد. خطبه‌ها خیلی طولانی شد. درباره حدود فعالیت بخش خصوصی و مقایسه و تشابه کارشکنی‌های منافقان و همکاری آنها با کفار و منافقان زمان پیغمبر(ص) حرف زدم.[2] آقای [محسن] رضائی خبر مثبتی از پیشرفت کار جنگ داد.[3]

۱- در بخشی از سخنرانی آمده است: "بدون اغراق و خالی از هرگونه تعارف و شعار می‌گویم که صاحبان اصلی این انقلاب کسانی هستند که به نحوی در آن سرمایه گذاری کرده‌اند. بدون شک در دستگاه دقیق الهی هراندازه که به خانواده‌هایی در راه انقلاب مصیبت وارد شود، اجر و پاداش داده خواهد شد. هرکس به اندازه تلاشی که کرده است و به اندازه فداکاری خود پاداش خواهد گرفت. البته وظیفه مسئولین و افراد جامعه است که حق خانواده‌های شهدا را ادا کنند و این کار را به خاطر خداوند و به خاطر تداوم خط شهادت و انقلاب انجام دهند." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۲- در خطبه اول نماز جمعه آمده است: قرار بر این است که خطبه‌های اول را درباره عدالت اسلام و در رابطه با نژادها و مبارزه با تبعیضات نژادی، صحبت کنم و در این زمینه بحث هنوز ادامه دارد. اما بمناسبت اظهارات امام امت در ملاقات با هیأت دولت مسائلی پیش آمد که لازم شد در نماز جمعه، درباره آنها صحبت کنم. مسائل فراوان است و برداشت‌ها متفاوت و حساس و آن نظری که من داشته‌ام برای تبیین وضع موجود در رابطه با اظهارات امام به طور مفصل گفته شد؛ ولی همان خطبه من نیز باعث تفسیرهای گوناگون شد و هرکس به طریقی در آن مورد صحبت کرد. اگر از فرمایشات امام امت بد برداشت کنیم باعث می‌شود که رهبر در بسیاری از نصایحی که می‌خواهد برای جامعه بگوید، احتیاط کند. درگیری که امروز، بین ما و حزب بعث وجود دارد، یک درگیری نیست که با اینگونه اخلالها و توطئه‌ها و نفاق افکن‌ها بتواند ما را از مسیر خود منحرف کند."

ایشان همچنین دربارهٔ وضعیت اقتصادی ایران گفت: "دست انحصارگرها و محتکرها و همه آنهایی که می‌خواهند مردم را

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

عصر، رئیس جمهور تلفنی خبر دادند که آقای ولایتی [وزیر امور خارجه] از نیویورک، درباره طرح ژاپن برای صدور قطعنامه در سازمان ملل استفسار کرده است. پیشنهاد ژاپن شامل: ۱- تقدیر از ایران به خاطر نزدن شهرها. ۲- منع استعمال سلاح شیمیائی. ۳-امنیت تنگه هرمز. ۴- نزدن بندرها و کشتی‌ها است.[۴] من گفتم [این طرح] به نفع ما است و موافقم، ولی باید نظر امام را پرسید.[۵] به احمد آقا گفتم از امام نظر بخواهند. احمد آقا، از زیادی موزیک عزا [در تلویزیون]

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

استثمار کنند، باید کوتاه شود. این بی‌انصافی کامل است که گفته شود امنیت اقتصادی وجود ندارد. ما الان بیشترین امنیت اقتصادی را در بین کلیه رژیمهای جهان داریم. در این جمهوری، ثروت مشروع مردم را کسی نمی‌تواند بگیرد. اگر کسی خیال می‌کند که در جمهوری اسلامی وضعیت سابق فعالیت بخش خصوصی برمی‌گردد، اشتباه می‌کند. تا خون در رگهایمان وجود دارد، اجازه برگشتن چنین چیزهائی را نخواهیم داد."

خطیب جمعه دربارهٔ نحوه پخش برنامه‌های صداوسیما در ماه محرم گفت: "صداوسیما، همه‌اش سینه‌زنی و دعای کمیل و عزاداری و این چیزها را نشان می‌دهد. من بیشتر خطابم به صداوسیما است که همه‌اش عزاداری نباشد و همه ابعاد زندگی را در نظر داشته باشند. اعتدال همه جا لازم است. مثلاً یک دفعه می‌افتیم به روضه خوانی و افراط می‌کنیم و اگر زیاد شود، مردم را خسته می‌کند. هر چیزی حدی دارد. تفریح لازم است. فکاهی لازم است، کارهای هنری لازم است. باید اعتدال باشد."

رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های نماز جمعه، سال ۱۳۶۳، جلد هفتم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۷۵.

۳- آقای محسن رضایی فرمانده کل سپاه در سخنرانی پیش از خطبه‌های نماز جمعه تهران گفت: "ما باید این را بپذیریم که در یک انقلاب عظیمی واقع شدیم که همه دنیا علیه ما متحد شده‌اند و تنها با دعا خواندن و روضه خواندن نمی‌توانیم برمسأله جنگ فائق آییم، ما می‌بایست علم نظامی و تکنیک خود را افزایش دهیم."

۴- همزمان با اجلاس عمومی سازمان ملل، ژاپن طرح صلح در مورد جنگ ایران و عراق را ارائه داد. این طرح شامل چهار بند بود: ۱- عدم حمله به مناطق مسکونی ۲- عدم به کارگیری سلاحهای شیمیایی ۳- احترام به عبور آزاد کلیه کشتی‌های تجاری و نفتکش در تمام آبهای خلیج فارس ۴- تضمین امنیت کلیه بنادر، اسکله‌ها، تأسیسات بندری و ترمینال‌ها و راههای آبی متصل به خلیج فارس (اعم از مستقیم و غیرمستقیم).

۵- روزنامه واشنگتن پست در مقاله‌ای با عنوان "مساعی ژاپن برای پایان دادن به جنگ" نوشت: به موجب طرح ژاپن، عراق از این پس به هیچ وجه سلاحهای شیمیایی به کار نخواهد برد. هر دو کشور قول خواهند داد که کشتیرانی در خلیج فارس آزاد بماند و

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

گفت. گویا صداوسیما می‌خواهد از اول تا ۱۵ محرم، موزیک عزا داشته باشد.

شب، آقای شیخ حسین هاشمیان با خانواده، مهمان ما بود. از وضع شرکت تعاونی پسته‌کاران رفسنجان راضی بود. آنها که به عنوان هیأت مدیره از طرف دهها هزار عضو، انتخاب شده‌اند [شرکت تعاونی را] اداره می‌کنند و ربطی به ما ندارد ولی خیلی‌ها خیال می‌کنند متعلق به ما و گرداننده ما هستیم و از این جهت شایعاتی مطرح است؛ البته برای رفع مشکلات کشاورزان پسته کار، کمک می‌کنیم.

شنبه ۷ مهر ۱۳۶۳

جلسه شورای سرپرستی [صداوسیما] داشتیم. در مورد اخبار خارجی و کیفیت برخورد با سمپاشی‌های رادیوهای بیگانه، بحث و تصمیم‌گیری شد. عصر، گزارشها را از مجلس [شورای اسلامی] آوردند. امروز، عراق پنج موشک به بندرامام پرتاب کرده است. در پتروشیمی [بندرامام] چهار نفر شهید و ۳۰ نفر مجروح و مقداری خسارت داشتیم.[1]

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

ایران اجازه خواهد داد که لایروبی بنادر عراق انجام شود، بنادری که در اثر حملات اول ایران در چهار سال قبل، بسته شد. سیاستمدارانی که دست اندرکار این مذاکرات هستند می‌گویند با بی‌طرف اعلام شدن بنادر ایران و عراق در شط‌العرب یا اروند رود، قسمت اصلی استراتژیک کارزار از بین خواهد رفت؛ اگر چه ممکن است برخوردهای زمینی کوچکی در قسمت شمالی شط‌العرب در مرز دو کشور به وقوع بپیوندد. دیپلماتهای ژاپن می‌گویند که اشکال عمده فعلی، ناسازگاری دولت عراق در مورد محترم شمردن قرارداد بین‌المللی منع استفاده از تسلیحات شیمیایی است. گزارشی که چند ماه قبل از طرف منابع آمریکایی براساس پژوهشها و بررسی‌های انجام شده انتشار یافت، تأیید کرد که عراق علیه نیروهای ایرانی در جبهه‌های جنگ سلاحهای شیمیایی به کار برده است. در وضع فعلی، عراق مجبور است که تسلیحات مورد نیاز خود را از طریق هوایی و یا از طریق زمینی وارد کند. باز شدن مجدد بنادر عراق در خلیج فارس، برای عراق دارای اهمیت حیاتی است در حالی که وعده عراق در مورد آزادی کشتیرانی در خلیج فارس، برای ایران آن قدرها مهم محسوب نمی‌شود.»

۱- در این حمله موشکی، ساختمان نیروگاه برق و قسمت خنک کننده مجتمع پتروشیمی ایران و ژاپن، کاملاً ویران شد و انفجار باعث ترکیدگی چندین لوله آب گردید. به تعدادی کابل و لوله در زیرزمین نیز صدمه وارد شد. این حمله، قیف‌های انفجار با قطر

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

یکشنبه ۸ مهر ۱۳۶۳

ساعت هفت صبح، به مجلس رفتم. گزارشها را خواندم. در جلسه علنی، چند دستور از جمله افزایش سپرده در بانک بین‌المللی [ترمیم و توسعه] و موافقت نامه بازرگانی با الجزایر تصویب شد. بعد از جلسه هیأت رئیسه و رؤسای شعب، برای بررسی بالا بردن ظرفیت پذیرش کمیسیونها برای نمایندگان میان‌دوره‌ای، جلسه مشترک داشتیم. در دفترم، دکتر [محمود] کاشانی [داور ایرانی اجرای بیانیه الجزایر] از لاهه آمده بود؛ از خودش دفاع کرد و نگران وضع بود. با نخست وزیر توافق ندارند.[۱]

سرهنگ ترابی آمد و پیشنهاد ناخدا کاشانی را برای فرمانده نیروی دریائی آورد. عصر در شورای مرکزی حزب [جمهوری اسلامی] شرکت کردم. بحث درباره ایجاد شرکت صنعتی حزبی

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

۱۰ تا ۱۲ متر و عمق ۵ تا ۶ متر به وجود آورد. ارتش عراق در اطلاعیه نظامی خود، این حمله موشکی را باز در پاسخ به حمله ۱۶ سپتامبر ۱۹۸۴ (۲۵ شهریور ۱۳۶۳) به بنادر البکر و العمیه و تأکید بر برتری هوایی در ضربه زدن به تأسیسات نفتی و اقتصادی دشمن ذکر کرد!

۱- علت اختلاف نخست وزیر با قاضی ایرانی دادگاه لاهه، عدم هماهنگی آنان با سیاستهای دولت بوده است. بنا به ادعای رسانه‌های غربی، شاهدان عینی در لاهه گفته‌اند که آقای محمود کاشانی، گردن "نیلس منگارد" داور بی‌طرف سوئدی را از پشت گرفت و او را به سوی پله‌ها هل داد و تهدید کرد که او را به پایین پله‌ها پرت خواهد کرد. در این موقع آقای شفیع شفیعی قاضی دیگر ایران هم، در حمله شرکت جست اما چند تن از اعضای هیأت قضایی ایرانی، دخالت کردند و مهاجمان را کنار کشیدند. آقای میرحسین موسوی نخست وزیر در پی متوقف شدن فعالیت دیوان داوری لاهه در موضع حل و فصل دعاوی مالی ایران و آمریکا خواستار ادامه کار دیوان شد و گفت: "یکی از قضات ایرانی در لاهه، برخلاف سیاست دولت عمل می‌کند." یک نشریه حقوقی نوشت: "این اشاره روشنی به آقای محمود کاشانی است که برادرش احمد، عضو مجلس شورای اسلامی و از مخالفان سرسخت مهندس موسوی است." روزنامه اطلاعات به نقل از نخست وزیر نوشت: "مسلماً برخی از داوران ما در دیوان لاهه، به نحوی عمل می‌کنند که با سیاست دولت مباینت دارد و اظهار امروز آن برادر [آقای احمد کاشانی در مجلس] مقارن شد با یادداشتی که من امروز به دکتر افتخار جهرمی در دفتر خدمات حقوقی نوشتم و از او خواستم به آن داور [آقای محمود کاشانی] بگوید علیه سیاستهای وزارت امور خارجه و علیه سیاستهای که من در مقام نخست وزیر اعلام کردم، حرف نزند والا باید استعفای خود را تسلیم بکند."



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره ۵۰۷/۱۱۵۷۹/۲۵۰

تاریخ ۶۲/۷/۹

پیوست

بسمه تعالی

حجت الاسلام جناب آقای شوشتری

نماینده محترم مردم قوچان

بدینوسیله به جنابعالی ماموریت داده میشود از مراجع قضائی در خصوص واگذاری زمین ازطرف حجت الاسلام سیدمهدی طباطبائی شیرازی به مردم تحقیق نموده و نتیجه گزارشات خود را به کمیسیون تحقیق مجلس شورای اسلامی ارائه نمائید.

از تمام مسئولین قضائی، اجرائی و انتظامی انتظار میرود نهایت همکاری را بعمل آورند. /ج

رئیس مجلس شورای اسلامی

اکبرهاشمی رفسنجانی

۶۲/۷/۹

حکم ماموریت به نماینده مردم قوچان

و واحد اقتصادی حزب برای ممر درآمد بود.

شب، با آقایان خامنه‌ای و ربانی [املشی] جلسه داشتیم؛ درباره نجات حزب از یک بعدی شدن، صحبت کردیم. به خانه آمدم و شام خوردم و خوابیدیم. آقای رضائی تلفن کرد. از اینکه آقای محلاتی بعد از دستور اخیر امام، حالت بی‌تفاوتی به خود گرفته است، ناراضی بود و می‌خواست که در جهت مثبت فعال شود.[1]

دوشنبه ۹ مهر ۱۳۶۳

تمام روز در منزل بودم و بیشتر به مطالعه پرداختم؛ مخصوصاً [کتاب] مقتل "الذریعه" در تاریخ عاشورا. آقای محلاتی پیش از ظهر آمد، از دستور امام مبنی برمحدود کردن اختیارات ایشان در سپاه، ناراحت بود. گفتم [این محدودیت]، موقت است و باید بعداً حدود [اختیارات] روشن شود و خواستم که فعلاً به خاطر جنگ همکاری کند. به احمد آقا گفتم با ایشان صحبت کند؛ رفت به ملاقات و نتیجه داد.

به آقای نخست وزیر گفتم که بانکها در کردستان، پول کم دارند. عصر، آقایان [محسن] دعاگو و [سید محمد] هاشمی آمدند؛ از ضعف مدیر شبکه اول سیما گفتند و پیشنهاد تعویض ایشان را داشتند. گزارشها را از مجلس آوردند. عراقیها خیال می‌کنند به همین زودی حمله خواهیم کرد، آماده‌باش داده‌اند.[2] وزارت خارجه سه نامه تهیه کرده که درباره اخراج اسرائیل از سازمان ملل، به

۱- تدارک نیروهای خودی برای احراز آمادگی عملیات بزرگ آبی - خاکی آینده در هور و منطقه شرق دجله، مهم‌ترین مشغله سپاه بود. در این روز سردار علی شمخانی قائم مقام فرمانده کل سپاه در نامه‌ای از برگزاری جلسه کمیته امکانات با حضور آقایان رفیق‌دوست، احمدپور، ادیب و حجاریان خبر داده است. در این نامه درخصوص تأمین امکانات لازم برای عملیات از جمله ۳۰۰۰ دستگاه موتور قایق، ۲۰۰۰ قایق و همچنین تأمین نفربر خشایار، جاده کشی، دژشکن، تجهیزات پدافندی ضدشیمیایی، پل نفررو و ماشین رو، سطح شناور و دستگاه نی‌بر مطالبی مطرح شده است.

۲- خبرگزاری آسوشیتدپرس گزارش داد: "سرلشگر ماهر عبدالرشید، فرمانده سپاه سوم ارتش عراق گفت: "ایران به تصور انجام یک حمله به بخش جنوبی مرز شرقی عراق، حداقل ۲۰۰ هزار تن از نیروهای خود را در این منطقه متمرکز کرده است. ایران حداقل ۲۰ لشکر خود را در مقابل نیروهای ما بسیج کرده است. آنها می‌خواهند تاکتیک‌های رزمی جدیدی را در حمله تازه خود

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

رؤسای پارلمانهای اسلامی و جهان سوم و بعضی کشورهای اروپائی بنویسم. نامه را اصلاح و امضاء کردم.[۱]

سه شنبه ۱۰ مهر ۱۳۶۳

مجلس [شورای اسلامی] جلسه علنی داشت. چند دستور انجام شد. ظهر، چند ملاقات انجام دادم. عصر، اعضای مجلس اعلای انقلاب [اسلامی] عراق آمدند. درخواستهائی در جهت رفاه مهاجران عراق داشتند. من هم مفصلاً، در مورد لزوم استفاده عراقیها از فرصت استثنائی جنگ عراق و ایران و فشار ایران بر عراق و حمایت رسمی ایران از انقلاب اسلامی عراق، صحبت کردم.[۲]

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

به کارگیرند. اگر ایران دست به حمله جدید بزند، عراق این حمله را مطمئناً دفع می‌کند و نیروهای نظامی مستقر در شهرها و دهکده‌های ایران را نابود خواهد کرد." روزنامه السیاسه چاپ کویت نیز نوشت: "ارتش عراق از میسان تا فاو در یک حالت آماده باش استثنایی به سر می‌برند. به نقل از ناظران و شاهدان عینی، ایران هر لحظه ممکن است حمله خود را که هدف آن عبور از گذرگاه آبی شط‌العرب به طرف منطقه فاو و سیبه است را، توسط ۵۰۰۰ قایق پلاستیکی آغاز کند. حمله گسترده ایران در منطقه جنوبی عراق ممکن است در ساعات آینده صورت گیرد."

۱- در این نامه آمده است: "جای تأسف است که با وجود شناخت عمیق کشورهای غیر متعهد از ماهیت جنایتکارانه رژیم صهیونیستی، همچنان این رژیم اجازه داشته باشد با ادامه عضویت در سازمان ملل، درکنار نمایندگان کشورهای صلح دوست جهان بنشیند و از این سازمان در جهت اهداف شوم خود بهره‌برداری نماید. امید است اخراج اسرائیل به عنوان یکی از بزرگترین خدمات به سازمان ملل در آستانه چهلمین سالگرد تأسیس آن منظورگردد." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور و پیامهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۲- در این دیدار، گزارشی از عملکرد و برنامه‌های آینده مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق توسط آقای سید محمود هاشمی شاهرودی -رئیس این مجلس- ارائه شد. سپس آقای هاشمی در سخنانی گفت: "مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق یک فرصت تاریخی کم نظیری بدست آورده است که اگر به خوبی از آن استفاده نکند، باید در مقابل خداوند و مردم عراق و مردم منطقه پاسخگو باشد. در این شرایط بی‌نظیر، یک دولت نیروی نیرومند مانند جمهوری اسلامی با همه وجود درکنار مردم عراق ایستاده است و با صراحت از حقوق مردم عراق دفاع می‌کند و می‌گوید تا رژیم صدام و حزب فاسد بعث از میان نروند ساکت نمی‌نشینیم،

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

شورای‌عالی دفاع جلسه داشت؛ درباره کسر بودجه ارتش و سپاه و مسأله نگهداری اسرا و چیزهای دیگر بحث و تصمیم‌گیری شد. بعد از جلسه رسمی، با رئیس جمهور و نخست وزیر، درباره رئیس جدید ستاد مشترک‌ارتش و فرمانده نیروی دریائی و وزیر دفاع مذاکره کردیم؛ مفید بود. سپس با خبرنگاران تلویزیون و رادیو درباره مسائل جنگ مصاحبه کردم.[1] به خانه آمدم. با احمد آقا درباره امام جمعه همدان، تلفنی صحبت کردم؛ گفت [آقای حاج سید ابوالحسن موسوی همدانی] حکمش به امضای امام رسیده است.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

اگر درگذشته کسی ادعای حمایت از مردم عراق را می‌کرد همه در پرده دیپلماسی گم می‌شد، اما ما با صراحت با هدف شما که سقوط صدام و حزب بعث است موافقیم و این همان هدف مردم عراق است که بسیاری از آنها از عراق متواری شده و درکشور ما زندگی می‌کنند. یکسره کردن کار جنگ، قبل از آنکه مسئولیت ما باشد، تکلیف مجلس اعلای انقلاب اسلامی است." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۱- در این مصاحبه آمده است: "این روزها هر کس که می‌خواهد خود را مطرح کند، طرحی در مورد جنگ ایران و عراق ارائه می‌دهد ولی ما اصولاً آنها را مأیوس کردیم و گفتیم که ما هیچ طرحی را که متضمن سقوط صدام و حذف حزب بعث نباشد، نمی‌پذیریم حالا آنها راجع به جنگ هر چه می‌خواهند بگویند. ما اخیراً هیچ تماسی در مورد جنگ باکسی نداشته‌ایم و حرف ما همان که در ابتدای شروع جنگ گفتیم؛ حرف خود را پس نمی‌گیریم و نمی‌توانیم هم این کار را بکنیم، چراکه این حق ملت مسلمان ما و ملت مسلمان عراق است و این حق باید گرفته شود؛ البته اخیراً گاهی نشانه‌ای از یک نوع واقعیت بینی و گاهی برعکس خیره‌سری دیده می‌شود. تنها رفتن صدام شرط نیست، جریانی که این همه خسارات و بلا را برسر منطقه آورده و دل اسرائیل و کشورهای منطقه را خوش کرده است." ایشان در مورد دیگر مسایل مطرح شده در جلسه شورای عالی دفاع گفت: "دربارهٔ رسیدگی بیشتر به خانواده مفقودین و اسرا نیز بحث‌هایی شد، چراکه این قشر کمتر مورد توجه قرارگرفته‌اند". آقای هاشمی با قدردانی از مهاجرین جنگ تحمیلی که مصائب زیادی را تحمل کرده‌اند، گفت: "وظیفه ما در برابر کسانی که در جنگ صدمه زیادی دیده، زندگی خود را از دست داده و آوارگی را تحمل کردند، سنگین است که گاهی در مورد مسایل فرهنگی مهاجرین جنگ تحمیلی غفلت می‌شود که مسئولین باید توجه بیشتری به آنها کنند." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

چهارشنبه ۱۱ مهر ۱۳۶۳

تا ساعت هشت صبح، در منزل کارکردم. به مجلس رفتم. درگزارشها، تازه مهمی نیست. اخبار سازمان ملل و اخراج اسرائیل [از سازمان ملل]، زیادتر مطرح است. ساعت نه صبح، به مناسبت سالگرد شهادت شهید اشرفیِ [اصفهانی]، مصاحبه تلویزیونی داشتم. آقای جاسبی آمد. راجع به حزب [جمهوری اسلامی] و مواضع حزب و بودجه دانشگاه آزاد و حل مسئله سربازی دانشجویان دانشگاه آزاد مطالبی داشت.

آقای ذوالریاستین، از روحانیون مبارز عراقی آمد؛ از بکارگرفته نشدن گروه ایشان گله داشت. پیشنهاد ارجاع مسئولیت آزمایشی داشت. سه مأموریت پیشنهادکردم، پذیرفت. هریک راکه انجام بدهد، مهم است و تأکیدکردم با مجلس اعلای انقلاب [اسلامی] عراق همکاری نماید.

جلسه نمایندگان تهران را داشتیم. [آقای محمد نبی حبیبی] شهردار [تهران] هم بود. درباره بقیه گودنشین‌ها و ساختمان‌های بدون مجوز وکندن بی‌رویه خیابان‌ها و ایجاد مترو و فاضلاب تهران و مناطق فاقد آب و برق، مذاکره و در مواردی تصمیم‌گیری شد. عصر، هیأت رئیسه برای امور جاری مجلس جلسه داشت.

شب، جلسه سران [قوا]، در منزل رئیس جمهور بود. احمد آقا از امام، پیامی راجع به ضعف‌های حزب [جمهوری اسلامی] و اشتباه آیت‌الله منتظری، در اظهارات انتقادآمیز آوردکه به ایشان برسانیم. گفتیم بهتر است خود امام به ایشان بگویند. دربارهٔ خریدن برنج آمل [درجه] ۱ و ۲ و ۳، ازکشاورزان شمال و عدم جلوگیری از خروج برنج اتخاذ تصمیم شد.

آقای [موسوی]اردبیلی [رئیس دیوان عالی کشور] قرار شد با شهرداری تهران در جلوگیری از تخلفات ساختمانی همکاری کنند. درباره فراریانی مثل نوقانی و مهاجرانی ـکه مایل به مراجعت به ایرانند ـ قرار شد که قبلاً در آنجا وفاداری خود را عملاً ثابت کنند، تا تأمین داده شود. درباره قطعنامه پیشنهادی ژاپن[1] و ستاد انقلاب فرهنگی و مدیریت دانشگاه‌ها بحث شد. دیر وقت به خانه آمدم.

۱- طارق عزیز معاون نخست وزیر و وزیر امور خارجه عراق، در مصاحبه با روزنامه واشنگتن پست گفت: "بغداد از پیشنهاد اخیر ژاپن در زمینه اقدام مشترک طرفین درگیر در جنگ در جهت کاستن از دامنه نبرد، استقبال کرد اما تاکنون جمهوری اسلامی به این پیشنهاد توجهی نکرده است."

پنجشنبه ۱۲ مهر ۱۳۶۳

تمام روز در منزل بودم. صبح آقای ناصر کمره‌ای آمد؛ اطلاع داد که پدرش آیت‌الله حاج میرزا خـلیل، در بستر مرگ است و بـرای گـرفتن [مـجوز] مـحل دفـن در مسجد بـالاسر حـضرت معصومه(س)، از امام استمداد داشت. به احمد آقا گفتم که پیامش را به امام برساند.

بیشتر وقتم به مطالعه گذشت. عصر، حاج احمد آقا آمد و راجع به جنگ و حدود اختیارات نماینده امام در سپاه مذاکره شد. نادر عراقی هم آمد؛ کمی سرخورده است. مقداری مذاکره کردیم.

عصر و شب هم به مطالعه گذشت. گزارشها را آوردند، مطلب مهمی نداشت. نامه‌ای کـه در جواب [یاسر]عرفات رئیس [جنبش]الفتح نوشته بودم، آوردند اصلاح کردم. عرفات در نامه‌ای، پیشنهاد صلح با عراق داده است: براساس تشکیل محکمه برای محاکمه متجاوز و تشکیل صندوقی برای پرداخت خسارت‌ها و تشکیل ارتشی از کشورهای اسلامی برای حائل شدن میان ما و عراق.

آقای رئیس جمهور، تلفنی گفتند، اعلان نیازها برای عملیات از طرف سپاه، آن‌قدر زیاد است که قسمتی قابل تأمین نیست و احتمال دارد، بهانه باشد.[1]

۱- در چارچوب آمادگی برای عملیات بزرگ آتی در منطقه عملیاتی شرق دجله ـ که نزد فرماندهان از آنها با عنوان عملیات "استراتژیک" و منطقه عملیاتی "حیدر" یاد می‌شود، در این روز یک جلسه مهم با شرکت تعدادی از فرماندهان اصلی عملیاتهای سپاه از جمله سرداران مهدی باکری فرمانده لشکر ۳۱ عاشورا، حسین خرازی فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین(ع)، احمد کاظمی فرمانده لشکر ۸ نجف، مهدی زین‌الدین فرمانده لشکر ۱۷ علی ابن‌ابیطالب(ع)، بشر دوست و عزیز جعفری تشکیل شد. در این جلسه درخصوص پیشنهاد منطقه مناسب برای اجرای عملیات در یکی از مناطق عملیاتی قرارگاه حمزه، سلمان یا جنوب قبل از عملیات استراتژیک آینده، جمع‌بندی نظرات به این شرح اعلام شد: باید زمان دقیق اجرای عملیات استراتژیک آینده روشن شود. چنانچه قبل از اسفند ۱۳۶۳ شروع شود، ما قادر به انجام دادن هیچ گونه عملیاتی ـ محدود یا گسترده ـ نمی‌باشیم. به دلایل زیر: الف ـ درصدی از کادرهای یگان‌ها را که در انجام عملیات بزرگ آینده ما را یاری می‌دهند، از دست می‌دهیم. ب ـ براثر آسیب و صدمات وارده، مدت زمانی برای بازسازی و سازماندهی مجدد بعد از عملیات لازم داریم. ج ـ وقت و فکر فرماندهان عمل کننده، در منطقه عملیاتی دیگری غیر از منطقه حیدر معروف می‌گردد و نمی‌توانند طرح ریزی و دقت لازم را در منطقه حیدر صورت دهند. د ـ زمان لازم از نیمه مهرماه تا پایان دی ماه و بهمن ماه ۱۳۶۳ برای اجرای یک عملیات کم است ز[illegible] و جابه‌جایی یگان‌ها و عمل کردن و برگشت آنها بیشتر از این زمان طول خواهد کشید. رجوع کنید ← کتاب "روزشمار جنگ ایران و عراق، جلد سی‌وسوم، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، ۱۳۷۹

جمعه ۱۳ مهر ۱۳۶۳

تا ساعت ده‌ونیم صبح، مطالعه می‌کردم. برای [اقامه] نماز جمعه، به دانشگاه [تهران] رفتم[1] و عصر هم در منزل بودم. گزارشها را آوردند؛ تازه مهمی نداشت. اطلاع دادند، تعداد ۱۰۰ نفر از اسرای معلول ما ـ که عراق آزاد کرده است ـ با هواپیمای لبنانی به ایران رسیده‌اند. ما هم اعلان کرده‌ایم که ۷۴ نفر از اسرای عراقی را بدون شرط آزاد کرده‌ایم.

شب، آقای دکتر ولایتی به منزل ما آمد. گزارش سفر به سازمان ملل را داد. درباره کارشکنی آمریکا با تأخیر در صدور ویزا و در نتیجه عدم ملاقات با [آندره] گرومیکو [وزیر امور خارجه شوروی] و مذاکرات برای احیای جبهه پایداری و ملاقات‌های فراوان با هیأت‌های کشورهای دیگر و گله از آقای [محمد] موسوی خوئینی‌ها [نماینده امام و سرپرست حجاج ایرانی] در کوتاه نیامدن با عربستان گزارش داد و از من خواست که جهت عدم تصویب طرح جدید نظام پزشکی اسلامی کمک کنم؛ معتقد است که باعث دلسردی اطباء می‌شود.[2]

شنبه ۱۴ مهر ۱۳۶۳

امروز [عاشورا]، در منزل بودم. آقایان [عباس] کوثری و سید عباس حسینی از وعاظ قم آمدند و

۱- خطیب جمعه در این خطبه‌ها ضمن تشریح حادثه کربلا و حماسه عاشورا و ارتباط آن با مسأله عدالت اجتماعی، گفت: "در ریشه‌یابی مسأله عاشورا، مسأله عدالت اجتماعی تحقیقاً، می‌تواند مطرح بشود. درگیری میان امام حسین(ع) و یزید اصلاً، جنگ تقوا با فسق و فجور و عدالت اجتماعی با ظلم و تجاوز است. این جریان پیش از اسلام و در زمان اسلام هم بوده و هنوز هم وجود دارد." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های نماز جمعه، سال ۱۳۶۳، جلد هفتم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۷۵.

۲- در ساعت نه صبح این روز (تاسوعا) مراسم عزاداری و سخنرانی از سوی نهضت آزادی در خیابان استاد مطهری تهران برگزار شد. در این مراسم حدود ۲۰۰ نفر شرکت داشتند و بعد از تلاوت قرآن و زیارت وارث، دکتر ابراهیم یزدی و مهندس مهدی بازرگان سخنرانی کردند. بازرگان در قسمتی از سخنان خود ابراز داشت: "امروز در جامعه ما هر برنامه‌ای رخ دهد، می‌گویند توطئه آمریکا و انگلیس است. عیب از خود ماست نه توطئه آنها. امام حسین(ع) نگفت بیایید مرا بکشید، یا شعار جنگ جنگ تا پیروزی بدهد بلکه با عمر سعد مذاکره کرد و آنها قبول نکرده و جنگ رخ داد." پس از سخنرانی بازرگان، حدود ۹۰ نفر موتور سوار و عده‌ای پیاده، در جلوی ساختمان برعلیه نهضت آزادی شعار مرگ برلیبرال و مرگ بر بازرگان سردادند که توسط مأموران انتظامی از محل متفرق شدند.

در منزل روضه خواندند؛ به هریک هزار تومان دادم و یک قواره پارچه به آقای کوثری که بهتر [روضه] می‌خواند؛ اشک خوبی گرفت. خواسته‌هائی هم در رابطه با آب و بهداری قم مطرح کردند.

گزارشها را آوردند. مطلب مهمی نداشت. زیارت عاشورائی خواندم. مهدی با اجازه [گرفتن از من]، همراه همدرسیهایش برای شرکت در عزاداری، بیرون رفت. قرار بود تا ساعت ده شب بیاید که دیر کرد. عفت ناراحت شد و بی‌تابی می‌کرد؛ بالاخره ساعت یازده شب، با دکتر سعید لاهوتی برای پیدا کردن مهدی بیرون رفتند. نزدیک خانه به او برخورده بودند که پیاده به طرف خانه می‌آمدند. ساعت یازده‌ونیم شب، مسئله تمام شد و به خانه رسیدند؛ تَشری هم به مهدی زدم و خوابیدیم.

یکشنبه ۱۵ مهر ۱۳۶۳

تمام امروز را هم در منزل بودم. گزارش عملکرد وزارت راه [و ترابری] را خواندم. مقاله‌ای هم از اعمال نفوذ سرمایه‌داران در کنگره آمریکا ـ که برای استفاده و عبرت مردم خوب است ـ خواندم؛ باید در وقت مناسبی در [خطبه‌های] نماز جمعه مطرح کنم.

شب، احمد آقا به منزل آمد. اطلاع داد که روز تاسوعا [در مسیر] مشهد ـ تهران می‌خواسته‌اند، هواپیمائی را بربایند که [ربایندگان] دستگیر شده‌اند.[1] گله‌داشت که وزارت اطلاعات برای کشف توطئه و... جدی برخورد نکرده است. پیشنهاد داشت که شب پنجشنبه، آقایان ری‌شهری [وزیر

۱- رباینده قصد داشت بوئینگ ۷۲۷ شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران را که از مشهد عازم تهران بود، روز تاسوعا (۱۳ مهرماه) برباید که قبل از انجام هرگونه اقدامی، با هوشیاری مأمورین، ماجرا کشف و و عامل توطئه شناسایی و دستگیر شد. براساس تحقیقات انجام شده رباینده دارای سلاح سرد بود و مدارکی را نیز با خود همراه داشته که بیانگر ارتباط وی با سازمان مجاهدین خلق (منافقین) بود و در آنها کلیه دستورالعمل‌های لازم جهت ربودن هواپیما و فرود آمدن آن در فرودگاه پاریس به وی داده شده بود. روزنامه فیگارو (چاپ فرانسه) از مسعود رجوی رهبر سازمان مجاهدین خَلق (منافقین) سوال کرد که آیا در مورد هویت هواپیما ربا یا هواپیما ربایانی که خود را وابسته به مجاهدین خلق قلمداد کرده‌اند اطلاعی دارید؟ مدعی شد: ما این هواپیما ربا یا هواپیما ربایان را نمی‌شناسیم. آنها مجاهد نیستند، ولی دلیلی که براساس آن خود را وابسته به مجاهدین قلمداد کرده‌اند بی‌شک محبوبیت سازمان مقاوم ما و معروفیتش در داخل و خارج ایران است. آنها بدین ترتیب قصد دارند مخالفت خود را با رژیم تهران ابراز دارند!

اطلاعات] و [شیخ یوسف] صانعی دادستان [کل کشور] برای روشن شدن حدود مسئولیتهایشان در جلسه ما شرکت کنند. راجع به دولت و مسائل جاری هم بحث شد.

با آیت‌الله خامنه‌ای، تلفنی صحبت کردم. قرار شد، نماز جمعه آینده را ایشان اقامه کنند؛ با اینکه ایشان امام جمعه تهرانَ هستند، اما از زمان ترور ایشان [در ششم تیرماه سال ۱۳۶۰]، هنوز مسئولیت ادای نماز [جمعه]، به طور اصولی به عهده من است و ایشان هر وقت آمادگی داشته باشند، شرکت می‌کنند.

دوشنبه ۱۶ مهر ۱۳۶۳

تمام روز را در منزل بودم. تا ساعت نه ونیم صبح، مطالعه می‌کردم. آقای محسن رضائی [فرمانده سپاه پاسداران]، آمد. گزارش پیشرفت کار برنامه جنگ را داد؛ حرف تازه‌ای نداشت. بیشتر به خاطر حل مسائلی که با نماینده امام در سپاه دارند، مراجعه کرده بود.

به [آقای حسن غفوری‌فرد] وزیر نیرو و [عباسعلی زالی] وزیر کشاورزی، تلفنی گفتم که در کارهای مهندسی عملیات در جبهه‌ها، همکاری کنند. احمد آقا هم در مذاکرات شرکت داشت. خبر ورود افرادی از گردان موشکی لیبی [که برای آموزش نحوه استفاده از موشکهای خریداری شده از لیبی به ایران آمده بودند] را هم داد. آقای خامنه‌ای هم قرار بود در جلسه شرکت کنند که نیامدند. خبر رسید، عراقیها یک کشتی لیبریائی حامل نفت خارک را زده‌اند.[1] عصر، گزارشها را از مجلس آوردند، خواندم.

سه شنبه ۱۷ مهر ۱۳۶۳

بعد از یک هفته تعطیل [مجلس شورای اسلامی]، صبح زود به مجلس رفتم. گزارشها را خواندم.

۱- در اثر مورد هدف قرار گرفتن این کشتی ۲۵۴ هزار تنی در خلیج فارس، ۶ نفر از خدمه کشتی کشته و شش تن دیگر زخمی شدند و نفتکش نیز دچار حریق شد. این نفتکش به نام "ورلدنایت" با پرچم لیبریا در ساعت ۱۱/۱۵ صبح در جنوب جزیره خارک مورد حمله قرار گرفت. در پی این حمله، سفیر عراق در لندن به وزارت امور خارجه انگلیس فراخونده شد تا اعتراض دولت این کشور در ارتباط با کشته شدن دو انگلیسی در جریان حمله اخیر عراق به این نفتکش، تسلیم وی شود. حمله عراق به این نفتکش، به وقفه ۲۲ روزه‌ای که در جنگ نفتکش‌ها به وجود آمده بود، خاتمه بخشید.

درگیری شیعه و سنی در پاکستان هنوز تمام نشده است. علمای شیعه، دولت [پاکستان] را هم مقصّر دانسته‌اند. من هم پیش از دستور در این‌باره به طور مختصر حرف زدم.[1] چند دستور را عمل کردیم. افراد پیشنهادی کمیسیون محاسبات، برای ریاست و دیوان محاسبات رأی نیاوردند. حضور نمایندگان این دوره در جلسات، بهتر از دوره قبل است.

ظهر، یک طراح از نیروی هوائی آمد که قایق بادی جالبی طراحی کرده و دستگاه پوکه جمع کن هم ساخته است. آقای [علی محمد] بشارتی قائم مقام وزارت خارجه آمد.[2] گزارش سفرش به [کشورهای عربی] جنوب خلیج فارس را داد و از برخوردهای آنان راضی بود؛ قلوبهم معنا و سیوفهم علینا. دکتر [عبدالله] جاسبی آمد و از عدم موافقت وزارت علوم با معافیت دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی [از خدمت سربازی] شکایت داشت. امام جمعه جدید همدان، آقای [سیدابوالحسن] موسوی [همدانی] برای خداحافظی آمد.

عصر، ملاقاتی با [آقای جوزیه بالروجی] سفیر ایتالیا داشتم؛ حرف تازه‌ای نداشت. فقط ملاقات برایش موضوعیت داشت. حدود صد نامه، برای رؤسای مجالس دنیا [جهت همراه شدن در تصمیم اخراج اسرائیل از سازمان ملل] امضاء کردم.[3]

۱- در این نطق آمده است: "آقایان اطلاع دارند که در ایام عزاداری عاشورا در پاکستان و در هندوستان، متأسفانه تحریکاتی شده و زد وخوردهای محدودی بین شیعه و سنی درست کردند و تا آنجا که ما اطلاع داریم، پلیس وظیفه خودش را به خوبی انجام نداده است. این گونه چیزها مایه خطر است در دین اسلام، ما از مردم رشید و مسلمان پاکستان انتظار داریم که توجه بکنند و ایادی مرموز خطرناک دشمنان ما را بشناسند و تحت تأثیر القائات قرار نگیرند و از مسئولین هندوستان و پاکستان انتظار داریم که اجازه ندهند، دست‌های کثیف استکبار جهانی وحدت مسلمین را مخدوش بکنند و درس بگیرند از جمهوری اسلامی ایران که برادران شیعه و سنی با نهایت صمیمت با هم زندگی می‌کنند و این گونه مسایل در اینجا نیست؛ ان‌شاءالله که بیداری ما مسلمانها مانع تفرقه انگیزی دشمنانان اسلام بشود که در چندین صدسال اخیر این جنایات همیشه تکرار می‌شود." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۲- در این دیدار آقای علی محمد بشارتی، گزارشی در مورد سفر خود به کشورهای امارات عربی متحده، قطر و یمن جنوبی و نتیجه ملاقات سران آن کشورها در مورد طرح اخراج اسرائیل از سازمان ملل و همچنین توجه روابط با هم این کشورها را به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی رساند.

۳- آقای هاشمی رفسنجانی در پیامی برای رؤسای مجالس کشورهای جهان آنان را به همکاری در طرح پیشنهادی ایران در

با حضور احمد آقا، رئیس جمهور و آقایان محسن رضائی و محلاتی جلسه‌ای داشتیم؛ برای رفع اختلافات آقایان محلاتی و [محسن] رضائی. نتیجه بخش بود و مقداری از اختیارات آقای [شیخ فضل‌الله] محلاتی نماینده امام در سپاه را به خاطر تقویت فرماندهی و پیشرفت کار جنگ محدود کردیم.[1]

شب، در جلسه شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز تهران شرکت کردم؛ دو سه ماهی بود که شرکت نمی‌کردم. درباره تأسیس یک مدرسه بزرگ طلبگی در تهران بحث شد و پیشرفتهائی داشتیم. من، بیشتر خواهان بودم. قرار شد اساسنامه تهیه شود.

امروز در مسابقات فوتبال به خاطر ازدحام زیاد، امکان [برگزاری مسابقه فوتبال] نبوده و لغو شده است. تماشاچیان شلوغ و خرابکاری کرده‌اند؛ دست ضدانقلاب در این خرابکاری دیده

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

رابطه با اخراج اسرائیل از سازمان ملل متحد دعوت کرد. در بخشی از این نامه آمده است:

"برای اینجانب جای بسی شگفتی است که دولت متبوع شما علیرغم آنکه خود را در زمینه حراست از حقوق بشر، مدعی و مدافع می‌داند نسبت به جنایات بی پروایانه اسرائیل، این چنین سکوت و بعضاً حمایت می‌نماید."

۱- امروز فرماندهان قرارگاههای خاتم، کربلا، نجف و نصرت در نامه‌ای به فرماندهی عالی جنگ آقای هاشمی رفسنجانی، ضمن یادآوری نقایص موجود، براهمیت مهندسی و ضرورت رفع مشکلات و نقایص آن تأکید کردند. در بخشی از این نامه آمده است: "مستحضر هستید که تدبیر در هماهنگی امور اساسی عملیات آینده (شناسایی، طرح ریزی، جذب نیرو، آموزش و سازماندهی، انتقال وسایل و عملیات مهندسی) با برنامه زمان‌بندی شده و به یاری خداوند، باعث فتح و ظفر است و ناهماهنگی در عملیات گذشته باعث آن همه مشکلات شد. ما به عینه می‌بینیم که الان طبق دستور فرماندهی، شش مورد مذکور، همزمان با هم باید به سرعت پیش بروند و آماده شوند. با توجه به اهمیت عملیات مهندسی که پایه و اساس کار می‌باشد، در صورتی که در یک راستا و به یک میزان و طبق زمان معین، با پنج مورد دیگر هماهنگ پیش نرود و خدای ناکرده اهمال و سستی صورت گیرد، آن پیش خواهد آمد که تدبیر فرماندهی و روال کار به هم می‌خورد و باعث اشکالات اساسی می‌گردد که ما مجدداً مجبور خواهیم شد به خاطر رعایت حفاظت با دهها نقص و عیب که حل آنها را به عنوان شروط عملیات نامیده‌ایم، عملیات را شروع کنیم. در ادامه، با یادآوری اینکه فصل زمستان نزدیک است، برخی ضعف‌های کنونی یادآوری شده است از جمله اینکه: "تعداد وسایل و امکانات احداثی بسیار کم است." منبع: سند شماره ۱۳۳۹۸۹ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه. از قرارگاههای خاتم، کربلا، نجف و نصرت به فرماندهی کل، ۱۳۶۳/۷/۱۷.

می‌شود.[۱]

چهارشنبه ۱۸ مهر ۱۳۶۳

به مجلس رفتم. کارهای اداری را انجام دادم. گزارشها را خواندم. جلسه نمایندگان تهران داشتیم. گزارش وضع گودنشینها[ی جنوب تهران] را آوردند. کمیسیونی برای تهیه طرح نهائی اصلاح وضع آنها، تعیین شد. وضعیت زندگی آنها خیلی تأسف‌آور است. گفتند چهار هزاروپانصد خانه نیمه مخروبه با حدود هشت هزار خانوار در آنجا هستند که برای دو هزاروپانصد خانه، طرح، نزدیک به اتمام است و اسکان داده شده‌اند؛ دو هزار خانه باقی است.

ظهر، چند ملاقات داشتم. عصر، جلسه هیأت رئیسه [مجلس شورای اسلامی] داشتیم. درباره جنگ، برای اعضا توضیحاتی دادم. دربارهٔ برنامه هفته آینده شروع به کار کمیسیون اراضی

۱- طبق برنامه اعلام شده از طرف هیأت فوتبال استان تهران، قرار بود چهار بازی در ورزشگاه شهید شیرودی [امجدیه] و آزادی همزمان انجام شود. در ورزشگاه شیرودی ابتدا دو تیم نفت و بانک ملی با یکدیگر دیدار کردند و سپس دو تیم پرسپولیس و پاس پس از پنج سال، در مقابل یکدیگر قرار می‌گرفتند. از ساعت‌ها قبل از شروع این دو بازی، هجوم بی‌امان تماشاگر به این ورزشگاه، نگرانی‌هایی را برای مأمورین انتظامی بوجود آورده بود. بازی اول با پیروزی بانک ملی رو به اتمام بود و داور این مسابقه لحظه به لحظه به ساعت خود نگاه می‌کرد و منتظر اتمام وقت بود که ناگهان ازدحام بیش از حد گنجایش ورزشگاه، باعث گردید درب‌های ورودی جایگاه‌های ویژه، ساعت و نورافکن‌ها یکی پس از دیگری به تصرف تماشاچیان درآید. ناگهان از چند نقطه، جمعیت با پاره کردن تورهای سیمی اطراف به داخل زمین هجوم آوردند. در ابتدا در اطراف زمین و برروی پیست دو ومیدانی مستقر شدند. در این لحظه بلندگوی ورزشگاه اعلام نمود که بازی انجام نمی‌شود و به روز دیگر موکول می‌شود.

از این لحظه تماشاگران همراه با شعارهایی که برعلیه رئیس هیأت فوتبال می‌دادند، میدان را عرصهٔ تاخت و تاز خود قرار دادند و به دروازه‌های میدان حمله کرده و آنها را از جای کندند. سپس تشک‌های مخصوص پرش را به آتش کشیدند و لحظاتی بعد با مداخله مأمورین انتظامی، ورزشگاه از جمعیت تخلیه شد و این موج اعتراض به داخل خیابان و درب ورودی کشیده شد. سرانجام با حضور به موقع مأمورین انتظامی، غائله خاتمه یافت و در این میان ۱۹ نفر مجروح شدند. یکی از مجروحان دچار خونریزی مغزی شده بود. در این حادثه کلیه شیشه‌های داخل استادیوم شکسته شد. عوامل ضدانقلاب نیز با استفاده از فرصت به دست آمده، تراکت‌های حاوی شعارهای سیاسی درخصوص لزوم صلح و مخالفت با ادامه جنگ و توهین به مقامات انقلاب اسلامی در داخل محوطه استادیوم چسباندند.

کشاورزی و کارهای جاری مجلس بحث و اتخاذ تصمیم شد.

شب، با سران دیگر، مهمان آقای نخست وزیر بودیم. آقای [محمد محمدی]ری‌شهری وزیر اطلاعات در جلسه شرکت کرد؛ با شورای عالی قضائی در محدوده حقوق و وظایف اطلاعات اختلاف نظر دارند. جلسه، به نفع وزیر اطلاعات نظر داد که بازجوئیها در صلاحیت وزارت اطلاعات است نه قوه قضائیه. گرچه بازپرسی مجدد برای قضاوت، حق قوه قضائی است. درباره معافیت دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی [از خدمت سربازی] و کنترل خروج برنج از شمال و تعیین وزرای دفاع و آموزش و پرورش هم، بحث و اتخاذ تصمیم شد. دیر وقت به مجلس رفتم و خوابیدم.[1]

پنجشنبه ۱۹ مهر ۱۳۶۳

تا ساعت هشت صبح در دفتر کار کردم. جلسه علنی مجلس برگزار شد؛ طولانی و کم محتوی بود. ظهر، دکتر [حسن]روحانی، گزارش سفر هیأت بین‌المجالس را داد؛ حاکی از غربت ما در آنجا است. از کاردارمان در عربستان، به خاطر عدم حُسن اداره سفر هیأت به آنجا، گله داشتند.

نماینده بهبهان آمد. از امام جمعه [بهبهان] و محافظه کاران گله داشت. [حجت‌الاسلام عبادی] امام جمعه زاهدان آمد، از ضعف قوه قضائیه در برخورد با جریان‌های شرور شکایت داشت. از اصفهان، پدر چهار شهید آمد؛ روحیه خوبی داشت و گزارشی از وضع کردستان داد. عصر، اخوی محمود [از وزارت امور خارجه] آمد. گزارشی از وضع سوریه و لبنان داد و درباره مسائل آنجا

۱- در این روز هنگامی که نمایندگان صلیب سرخ جهانی مشغول بازدید از کمپ اسرای پادگان گرگان بودند، بین دو گروه از اسرا متشکل از مجاهدین مسلمان عراقی و بعثیون مقیم این اردوگاه، زدوخورد شدیدی در حضور نمایندگان صلیب سرخ جهانی روی داد. ماجرا به این ترتیب شروع شد که عده‌ای از اسرای بعثی، نوشته‌ای را به نمایندگان صلیب سرخ دادند. از طرف دیگر اسرای مومن درصدد پی بردن به محتویات آن نوشته برآمدند. به این ترتیب درگیری شدیدی بین اسرای عراقی صورت گرفت. در این درگیری، ۸ نفر از مجاهدین بعد از ضرب و شتم زیاد، به گونه‌ای دردناک کشته و ۵۰ نفر از طرفین متخاصم زخمی شدند. بعد از درگیری، تعدادی اسلحه به دست اسرای عراقی افتاد و آنها که قصد فرار از اردوگاه را داشتند با تیراندازی نگهبانان، متوقف شدند و غائله خاتمه یافت. در این درگیری ۱۵ تن از اسرا کشته و ۷۰ تن مجروح شدند، همچنین ۳ نفر از نگهبانان اردوگاه نیز به شهادت رسیدند.

مشورت کرد و از اختلاف سوریها با حکومت اردن گفت که از ما کمک خواسته‌اند. آقای [ابوالقاسم]سرحدی‌زاده وزیر کار آمد و پیشنهادات و نظراتی در مورد تشویق مسافرت کارگران ایرانی به کشورهای جنوب خلیج فارس و جذب ارزهای خارجی و... ارائه داد.

آقای [ایرج] فاضل وزیر علوم آمد. از ستاد انقلاب فرهنگی و جهاد دانشگاهی و دانشجویان و اساتید حزب‌اللهی گله‌داشت؛ اختلاف نظر شدیدی دارند. صحبت از کناره گیری هم داشت. من راه حل را در جایگزینی شورای عالی آموزش به جای ستاد انقلاب فرهنگی می‌دانم؛ او هم پذیرفت. درباره سربازی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی هم، به ایشان تأکید کردم که برای معافیت آنها کمک کند.

تا ساعت هشت شب، در مجلس کار کردم. به خانه آمدم. آقا شیخ محمد هاشمیان [امام جمعه رفسنجان] مهمانمان بود. از اروپا برگشته است. از بی‌تفاوتی پیشنماز مسجد هامبورگ آلمان راجع به انقلاب و از شیطنت‌های بعضی از روحانیون مخالف انقلاب در سوریه گله داشت.[1]

جمعه ۲۰ مهر ۱۳۶۳

نماز جمعه را آیت‌الله خامنه‌ای اقامه کردند. تمام روز را در منزل بودم. استراحت و مطالعه کردم. ظهر، نخست وزیر و دفتر مشاورت [امام در ارتش] و رئیس جمهور جداگانه اطلاع دادند که دو کشتی - دیروز و امروز - در خلیج فارس حادثه دیده است.[2] و خبر رسید که هتل محل کنفرانس

۱- صدام حسین رئیس جمهور عراق، در این روز در مصاحبه با نشریه الوطن العربی چاپ پاریس مدعی شد: "عراق مایل به خاتمه دادن به جنگ خلیج می‌باشد ولی اگر ایران خواستار ادامه آن باشد، اعراب تمام تأسیسات اقتصادی ایران را نابود خواهند کرد. آنچه که حکمرانان تهران را وادار به تعویق حمله جدید خود کرده، اساساً همان اثرات روحی، نظامی و سیاسی ناشی از حملات پی در پی و بیهوده قبلی آنها بوده است که آخرین آن، اثرات ناشی از نابودی در حملات اخیر به شرق بصره و شرق دجله می‌باشد که به دشمن وارد شده است. رژیم ایران قادر به بسیج نیروی انسانی به میزانی بیش از آنچه در ماه فوریه سال گذشته بسیج کرده بود و نابود شد، نیست؛ در حالی که در حال حاضر نیروهای عراقی از نظر کمیت و روحیه، برتر بوده و با استفاده از سلاحهای مدرن‌تر، قادر به درهم کوبیدن عملیات نظامی دشمن خواهند بود. چنانچه عملیات جدیدی از طرف دشمن آغاز شود، فاجعه‌های تازه و سنگین‌تر از فاجعه‌های قبلی به آنها وارد خواهد شد!"

۲- یکی از این کشتی‌ها، حامل گاز متان موسوم به "گاز فونتن" بود که با پرچم کشور پاناما در آبهای خلیج فارس حرکت می‌کرد،

خانم [مارگارت]تاچر نخست وزیر انگلستان و کابینه‌اش و سران حزب محافظه کار در شهر برایتون منفجر شده است؛ جمعی کشته و جمعی زخمی شده‌اند؛[1] خبر مهمی است.

یک خبرنگار به شیطنت گفته که یک جوان ریش‌دار شبیه ایرانی‌ها را دیده‌اند که از محل انفجار فرار می‌کرده. بالاخره شب معلوم شد مبارزان ایرلندی، مسئولیت عملیات برایتون را به عهده گرفته‌اند. آقای [مصطفی] کفاش‌زاده آمد و گفت یکی از شخصیتهای فرانسوی، پیغام داده که آقای [فرانسوا]میتران رئیس جمهور فرانسه، در سفر به سوریه مایل است با مقامات ایران برای رفع مشکلات در روابط، تماس غیررسمی برقرار کند.

شنبه ۲۱ مهر ۱۳۶۳

جلسه شورای سرپرستی صداوسیما تشکیل شد. راجع به بودجه سالانه و فیلمهای خارجی و برنامه‌های عزاداری و تصویر هیأت عزاداری بحث کردیم. مصطفی داودی زاده آمد و راجع به نیازهای واحد دریائی سپاه و کمبود بودجه، مطالبی داشت. عصر، آقای [عبدالمجید]معادیخواه آمد. گفت بنیاد تدوین تاریخ مشکل بودجه دارد. به آقای [واعظ]طبسی در این مورد تلفن کردم، ایشان پذیرفتند که بنیاد در اختیار آستان [قدس رضوی] باشد و مخارج آن را بدهد؛ تقریباً سالی

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

مورد حمله هواپیماهای عراقی قرار گرفت و دچار آتش‌سوزی شد. خدمه کشتی متشکل از ۱۶ اسپانیایی و ۴ نفر یونانی توسط یک یدک کش ایرانی به بندر لاوان انتقال یافتند. این کشتی توسط شرکت یونانی "نفتومار" اجاره شده بود و از رأس التنوره در عربستان حرکت کرده بود. نفتکش دیگر که مورد هدف قرار گرفت، یک نفتکش هندی به نام "جاگ باری" بود که برای بارگیری نفت عازم کویت بود. این نفتکش در جنوب خلیج فارس هدف قرار گرفت و به طور سطحی خسارت دید. این کشتی از نوع سبک و متعلق به شرکت هندی "کریت استیرن شیپنگ" بود.

۱- این انفجار در هتل شش طبقه محل اقامت خانم مارگارت تاچر نخست وزیر انگلیس واقع در شهر برایتون به وقوع پیوست که در نتیجه آن، بخشی از این هتل به کلی ویران شد. نورمن تیت "عضو کابینه و وزیر مشاور در تجارت و صنایع انگلیس" و یکی از نمایندگان پارلمان از جمله مجروحین این حادثه بودند. ارتش جمهوری خواهان ایرلند، مسئولیت انفجار را به عهده گرفت و با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد، انفجار یک بمب ۵۰ کیلویی حاوی نیتروگلسیرین علیه کابینه انگلیسی و محافظه کاران عامل جنگ، انجام شده است.

شش میلیون تومان خرج خواهد داشت.

سه نفر از لبنان، با معرفی آقای ابراهیمی آمدند. پیشنهاد فروش اسلحه و موشک داشتند. به کمیسیون ناظر بر خرید اسلحه، معرفیشان کردم.

یکشنبه ۲۲ مهر ۱۳۶۳

صبح زود به مجلس رفتم. تا ساعت هشت صبح، گزارشها را خواندم. در جلسه علنی [مجلس شورای اسلامی] قبل از دستور، شهادت شهید آیت‌الله اشرفی [اصفهانی امام جمعه باختران] را تسلیت گفتم.[1] خبر دادند، متأسفانه دو نفر از وکلای کردستان در روز قبل و [برادر] علی نادی‌زاده [نمایندگان دور اول پیرانشهر و سردشت و مریوان] فوت کرده‌اند ـ با تصادف و سرطان ـ تسلیت گفتم. دو سه دستور انجام شد.

ظهر، [حجت‌الاسلام فرقانی] امام جمعه فیروزآباد [فارس]، آمد و گزارشی از وضع عشایر [قشقائی] و نیازهای منطقه داد و لزوم راه‌سازی و عمران جلگه‌ها و توسعه تولید علوفه را توصیه می‌کرد. خانم [عاتقه صدیقی همسر شهید] رجائی آمد و در تأیید وزارت آقای [سیدکاظم] اکرمی حرف زد. آقایان خسروی و بوذری که توسط آقای سیدزاده از مجلس جواب شده‌اند، برای شکایت آمدند.

کاردارمان در قطر آمد. گزارشی مبنی بر کثرت و قدرت ایرانیان در قطر و خشکسالی و وضع بداقتصادی این کشور و ترس آنها و علاقه باطنی آنها به دوستی با ایران داد. گفتم اگر آنها بخواهند ما می‌توانیم با یک لوله از زیر دریا، آب شیرین به قطر بدهیم؛ مشروط به اینکه خودشان سرمایه گذاری کنند؛ مدعی بود حدود پنج میلیارد دلار به عراق کمک کرده‌اند.

عصر، [اعضای] کمیسیون دفاع آمدند. راجع به انتخاب آقای [سرهنگ فرخ عظیمی] اعتمادی، برای وزارت دفاع صحبت کردند. در شورای مرکزی حزب [جمهوری اسلامی] شرکت

۱- در نطق قبل از دستور آمده است: "فردا سالگرد شهادت آیت‌الله اشرفی اصفهانی است. مرد بزرگی که حیات‌شان مایه تقویت اسلام و خدمت به مردم بود و شهادت‌شان مایه تقویت اسلام و خون شریف‌شان می‌جوشید برای تداوم انقلاب". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

صحنه هایی از عملیات رزمندگان اسلام

Tuz Ab
توز آب
Chekar
چکر
Kuseh Gorand
کوسه گورند
Soroni
سرنی
Khalifeh
خلیفه
Darikvan
داریکوان
Descrete Grounds
زمینهای گسسته
Varzanan
ورزنان
Mish Khavas
میش خواص
Sorkh
Gach
گچ
Meimak
میمک
Khoosh
Neykhazar
نی خزر
Shinoo
شینو
Anjireh
انجیره
Shur_e_Shirin
شور شیرین
Garakni
گرکنی
Poseil
فصیل
Tapeh Shohada
تپه شهدا
Halaleh
حلاله
P.G
Talkhab
تلخاب
Soltan Feraj
سلطان فراج
Tarsaq
ترساق
81 3 32 211 84 5 21 29 670 350 1 81 46 604 403 503 4 12

نقشه عملیات عاشورا

کتاب اطلس جنگ ایران و عراق ،مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران، ۱۳۷۹،

کردم. شرکت عام، برای تأمین بودجه حزب و شرح وظایف واحد اقتصادی در دستور بود. برای راه انداختن واحد حزب مجلس مذاکره کردیم. برای جلوگیری از یک بعدی شدن حزب، روی جامعیت واحد، حرف زدم.

شب، جلسه مختصری در دفتر رئیس جمهور داشتیم. آقای [محمدعلی]موحدی کرمانی، [امام جمعه باختران] اطلاع داد که دفتر امام و دبیرخانه ائمه جمعه، به ایشان گفته‌اند که تصمیم گرفته شده، امام جمعه باختران دائمی باشد و چون آقای موحدی، نمی‌توانند دائمی در آنجا باشند، بنا دارند اعلان نمایند که دیگر نمی‌روند.

با [آقای میرحسین موسوی]نخست وزیر، تلفنی راجع به معرفی وزیر دفاع و برداشتن سقف یکصد هزار تومان، از واردات کالا توسط کارگران ایرانی در کشورهای حاشیه خلیج فارس صحبت شد. ایشان خواهان تشکیل جلسه مشورتی برای وضع بد ارز بودند.[1]

دوشنبه ۲۳ مهر ۱۳۶۳

آقای [هاشم]رسولی محلاتی آمد و ناراحتی مسئولان بنیاد مسکن از تأسیس شرکت عظیم ساختمانی در بنیاد مستضعفان را گفت. خواهان شرکت و همکاری بنیاد مسکن با این شرکت بود. گفتم با آقای [ابوالفضل]توکلی هماهنگ کنند.

شب، خبر دادند که عراق یک کشتی بزرگ نفت‌مان را زده و کشتی، خیلی شدید آتش گرفته [است]. برای نجات سرنشینان کشتی اقدام شده است.[2] آقای [مصطفی]کفاش‌زاده، پیام مسئول

۱- گزارشهای گشت هوایی منطقه بندرعباس در این روز حاکی است که ناوگان ایالات متحده آمریکا، حضور تهدیدآمیز خود را اعلام کرد. در ساعت ۹/۱۲ صبح، یک فروند ناو آمریکایی، به هواپیمای گشت ایران اخطار کرد که از فاصله پنج مایلی نزدیک‌تر نشود. در ساعت ۱۱/۱۴ الی ۱۱/۴۵، دو فروند اف ۱۴ آمریکایی، هواپیمای گشت را همراهی کردند.

۲- این نفتکش در ساعت ۱۷/۲۵ با ۳۲ پرسنل در ۳۰ مایلی بندر بوشهر مورد حمله موشکی هواپیماهای عراقی واقع شد. سه تن از خدمه کشتی "سیوند" مفقودالاثر شدند و خسارات قابل توجهی به آن وارد شد به طوری که کشتی مذکور در شرف غرق شدن قرار گرفت. از قرارگاه نوح دو فروند قایق تندرو جهت تخلیه مجروح و جمع‌آوری پرسنل کشتی که بر روی آب بوده‌اند و یک فروند لنج جهت پشتیبانی آنها اعزام شدند. ارتش عراق در اطلاعیه نظامی اعلام کرد: "این حمله در اجرای اقدامات محاصره

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

امور تجارت فرانسه در ایران را آورد که فردی از مشاوران [فرانسوا] میتران [رئیس جمهور فرانسه] را معرفی کرده بود که برای تحسین روابط، می‌خواهد با مقام ایرانی - به طور سری - تماس بگیرد. گفتم در سوریه، در زمان سفر آقای میتران، با مسئول سفارت ما در سوریه تماس بگیرند.

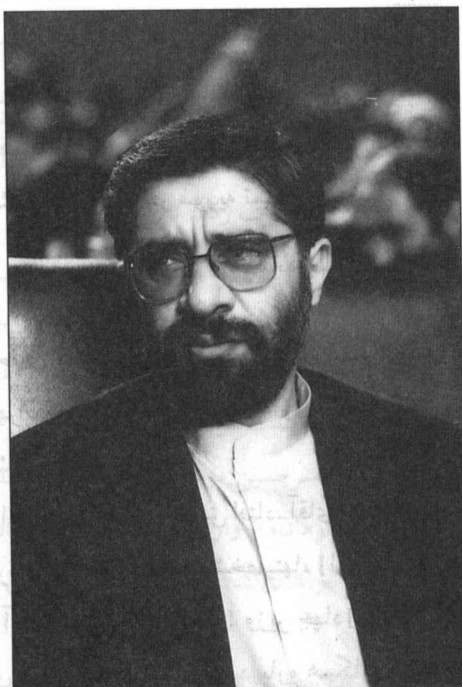
سه شنبه ۲۴ مهر ۱۳۶۳

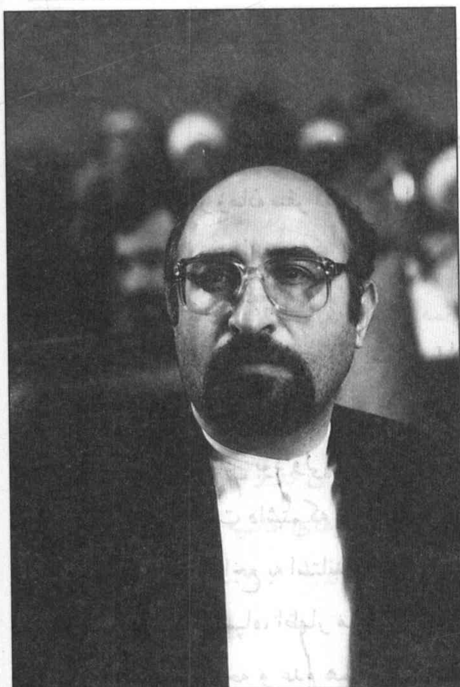
در جلسه علنی [مجلس شورای اسلامی] لایحه‌ای داشتیم و اعتبارنامه آقای سید مهدی طباطبائی نماینده مشهد و قاضی سابق شهرداری تهران مطرح بود. به خاطر واگذاری اراضی زیادی به مردم، مورد اعتراض بود ولی تصویب شد؛ مسئله، جنجالی بود.

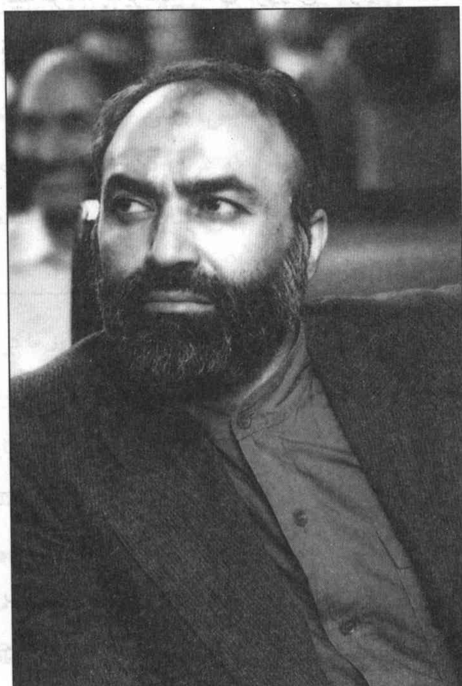
ظهر، چند ملاقات داشتم که به خاطر به طول انجامیدن جلسه به تعویق افتاد. آقای ناطق نوری [وزیر کشور] آمد و راجع به استاندارها مشورت کرد و با تحویل حفاظت شخصیتها، [از کمیته‌های انقلاب اسلامی] به سپاه، اظهار موافقت نمود. [آقای بیژن نامدار زنگنه] وزیر جهاد [سازندگی] آمد و از کمبود بودجه و عدم همکاری نهادهای دیگر، گله‌داشت و من درباره همکاری بیشتر [جهاد سازندگی] در جبهه برای مهندسی جنگ تأکید کردم؛ پذیرفت. آقای فروزش نگرانِ حذف حزب‌اللهی‌ها بود. آقای دین‌پرور، مسئول بنیاد نهج‌البلاغه آمد و کمک می‌خواست. شب در مجلس ماندم.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

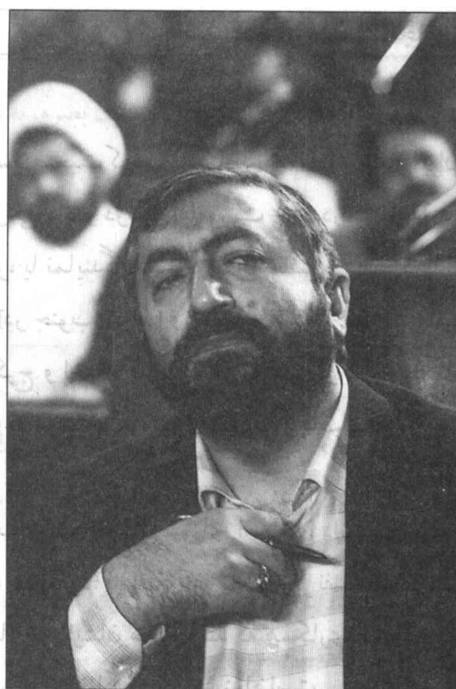
جزیره خارک و دیگر بنادر ایران و نیز برای جلوگیری از استفاده رژیم خمینی از منابع نفت برای ادامه تجاوزش علیه ملت و میهن ما و از دیدگاه دفاع از منافع ملی و ناسیونالیستی ما صورت گرفته است. بدین وسیله ما در هم کوبیدن هر هدف دریایی را که به منطقه تحریم نزدیک شود، ادامه خواهیم داد تا رژیم خمینی به ندای صلح همه جانبه تن در دهد."


میر حسین موسوی

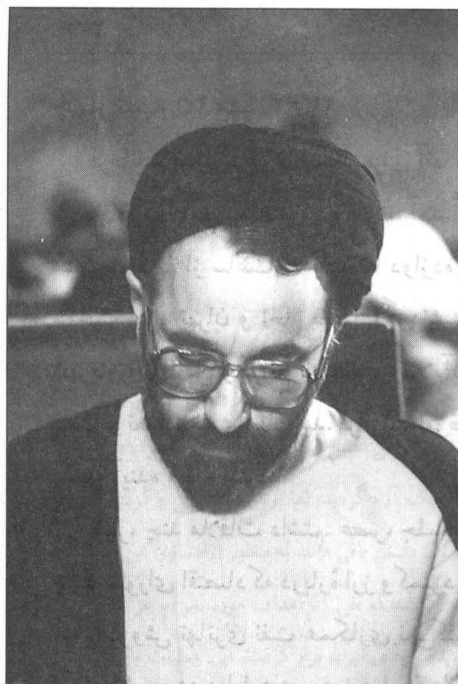

حسین نمازی


هادی منافی

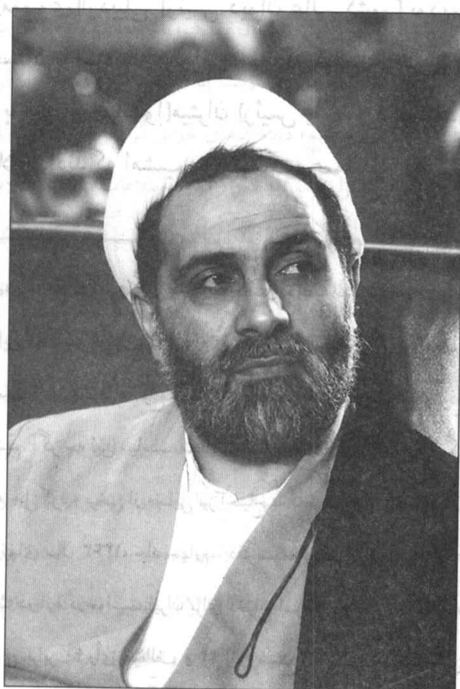

هادی نژاد حسینیان



محمد غرضی



حجت الاسلام و المسلمین محمد خاتمی



حجت الاسلام و المسلمین علی اکبر ناطق نوری



عباسعلی زالی

چهارشنبه ۲۵ مهر ۱۳۶۳

فرماندهان ژاندارمری آمدند. برای آنها مفصلاً صحبت کردم.[۱] [دکتر ابراهیم بهنام] سفیر ایران در یونان که مأمور به هند شده است، آمد. گزارشی داد و درباره [مأموریت خود در کشور] هند، مشورت کرد. از ساعت ده صَبح تا دوازده ظهر، با نمایندگان استان تهران جلسه داشتیم. درباره ساخت مترو تهران و [حل معضل] گودنشینها [در جنوب تهران] و ایجاد فاضلاب تهران و آب شهریار و ورامین و مراتع دماوند و اسلام‌آباد کرج و اخراج کارگران حزب‌اللهی از کارخانه‌ها، بحث و تصمیم‌گیری‌هائی شد. قرار شد [موضوعِ ادامهِ ساخت] متروِ[ی تهران] و فاضلاب، در روز جمعه آینده مطرح شود.

ظهر، چند ملاقات داشتم. عصر، جلسه هیأت رئیسه [مجلس شورای اسلامی] داشتیم و سپس جلسه شورای اقتصاد که دربارهٔ ارز و کمبود آن، بحث بود؛ از [آقای غرضی] وزیر نفت گله داشتند که با فروش تهاتری نفت همکاری نمی‌کند؛ بالاخره ایشان مکلف شد که همکاری کند. ذخیره ارزی کشور، دو میلیارد و سیصد میلیون دلار است. خطرناک و نیازها زیاد است.

شب، با سران قوای دیگر، مهمان آقای [موسوی]اردبیلی [رئیس دیوان عالی کشور] بودیم. درباره اختلاف دستگاه قضائی سیستان و بلوچستان با استاندار و امام جمعه، در کیفیت برخورد با اشرار تائب و درباره تعیین فردی برای مذاکره با مشاور [فرانسوا]میتران [رئیس جمهور فرانسه] در سوریه بحث شد.[۲] دیر وقت به خانه آمدم. اطلاع دادند که امشب در میمک، عملیاتی به نام

۱- فرماندهان نواحی و هنگ‌ها و روسای ارکان ژاندارمری، به اتفاق سرهنگ علی کوچک‌زاده فرمانده ژاندارمری و حجت‌الاسلام آشتیانی مسئول عقیدتی سیاسی ژاندارمری در این ملاقات حضور داشتند. آقای هاشمی در بخشی از سخنان خود گفت: "امروز ژاندارمری ما در جنگ آبدیده شده و آماده است تا در مرزها با انواع توطئه‌ها و خطرها مقابله نمایند. نباید توقع داشت تا به دور خود دیوار بکشیم و کاری به کار دنیا نداشته باشیم. اگر چه این سیاست مسالمت‌آمیزی است، ولی استعمار هرگز ما را رها نخواهد کرد. برخی از مسایل را باید با زور و قوه قهریه حل کرد و برخی از مسایل نیز احتیاج به گذشت زمان و قانع شدن افراد دارد". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۲- در این روز همچنین، پیشنهاد دانمارک دایر براین که بحث درباره درخواست ایران برای اخراج اسرائیل از سازمان ملل به تاریخ نامعین دیگری موکول شود، با اکثریت ۸۰ رأی موافق در برابر ۴۰ رأی مخالف و ۲۲ رأی ممتنع، به تصویب رسید. این سومین تلاش جمهوری اسلامی برای اخراج اسرائیل از سازمان ملل بود که به نتیجه نرسید.

«عاشورا» داریم.[1] امروز عراقیها در شرق بصره، به نیروهای ما حمله کرده‌اند ولی سرکوب شده و جمعی کشته و اسیر داده‌اند.[2]

۱- ارتش عراق که در تاریخ بیست و یکم شهریور ۱۳۵۹ (قبل از آغاز رسمی جنگ) ارتفاعات میمک را به اشغال در آورده بود، پس از هجوم سراسری، سرزمین اشغالی را توسعه داد و ارتفاعات شمال آن و ساحل فصیل وگرکنی را نیز تصرف کرد. در تاریخ نوزدهم دیماه ۱۳۵۹ در عملیات "ضربت ذوالفقار" قسمتی از ارتفاعات میمک آزاد گردید، اما ارتفاعات فصیل وگرکنی و نیز بخشی از دامنه غربی که به شیار "نی خزر" معروف است، همچنان در اشغال دشمن باقی ماند. به منظور آزادسازی این مناطق، عملیات عاشورا با طراحی و فرماندهی سپاه پاسداران و مشارکت ارتش اجرا شد که طی آن اهداف مورد نظر به جز شیار "نی خزر" آزاد گردید. همچنین جاده بدره ـ مندلی عراق نیز در معرض تهدید نیروهای ایران قرار گرفت. این عملیات با رمز "یا اباعبدالله الحسین(ع)" در تاریخ ۷/۲۶ تا ۶۳/۷/۳۰ در منطقه عملیاتی جبهه میانی میمک انجام گرفت و موجب آزادسازی ارتفاعات فصیل وگرکنی در شمال میمک، به وسعت چهل کیلومتر شد.

۲- تیپ ۱۸ الغدیر سپاه که مسئولیت پدافند خطِ مورد هجوم قرارگرفته را برعهده داشت، پیشروی دشمن را چنین گزارش داده بود: "ساعت ۸/۳۰ صبح، دیده‌بان‌های خودی گزارش می‌دهند که شش کامیون ایفا به همراه دو جیپ فرماندهی، وارد منطقه آبرویی شدند. مسئول محور به همراه معاون اطلاعات برای بررسی موضوع به خط اول می‌روند، آنها در حال دیده‌بانی با آتش بی‌سابقه‌ای مواجه می‌شوند که به مدت یک ساعت ادامه پیدا می‌کند. در این مدت اکثر سنگرهای خط مقدم و دوم و مواضع جنگ‌افزار، توسط گلوله‌های سنگین و تأخیری مهندم می‌شود و ۱۰ نفر از نیروهای خط شهید و به جز تعداد معدودی، بقیه زخمی می‌شوند. شدت آتش به حدی بود که دید به طور کلی از بین می‌رود. متعاقباً، حدود ساعت ۱۰/۳۰ صبح، دشمن از روی دژ، با نفرات پیاده شروع به پیشروی می‌کند و اولین سنگر نیرو را که در فاصله ۱۰۰ قدمی بود، تصرف می‌کند و به سرعت خود را به منطقه خودی می‌رساند بدون اینکه با مقاومت عمده‌ای مواجه شود. اما پیروزی‌های اولیه دشمن ادامه نمی‌یابد و نیروهای خودی موفق می‌شوند پس از مدت چند ساعت، تنها راه عبور دشمن را ببندند و نیروهای دشمن را در مَحاصره خود بگیرند. کلیه نیروهای محاصره شده، بعد از ۱۵ دقیقه مقاومت بیهوده، سعی می‌کنند از طریق آب فرار کنند که اغلب آنها کشته و بقیه به اسارت در می‌آیند و منطقه مجدداً در ساعت ۱۴/۴۵ به تسخیر رزمندگان اسلام می‌رسد.

(سند شماره ۰۲۳۳۲۴ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، از فرمانده تیپ ۱۸ الغدیر به فرماندهی قرارگاه خاتم‌الانبیاء و قرارگاه کربلا ۱۳۶۳/۷/۲۵ صص ۳-۱، گزیده اسناد عملیات بدر ج ۱۱).

پنجشنبه ۲۶ مهر ۱۳۶۳

به مجلس نرفتم. آقای یزدی [نایب رئیس مجلس شورای اسلامی] جلسه را اداره کردند. دستور رسیدگی به تقاضای رأی اعتماد دو وزیر پیشنهادی برای دفاع و آموزش و پرورش بود. بالاخره سرهنگ فرخ عظیمی اعتمادی -وزیر پیشنهادی دفاع -رأی نیاورد [و آقای سید کاظم اکرمی وزیر پیشنهادی آموزش و پرورش رأی اعتماد گرفت]. صبح زود، آقای [محسن]رضائی اطلاع داد که حمله دیشب در جبهه میمک موفق بوده است. ارتفاعات مورد نظر را گرفته‌ایم و تلفات کمی داشته‌ایم و تعدادی هم اسیر گرفته‌ایم.

بعد از ظهر، آقایان محسن رفیق‌دوست [وزیر سپاه پاسداران] و [علی] شمخانی [قائم مقام فرمانده کل سپاه] آمدند. درباره سپردن حفاظت شخصیتها به سپاه، بحث و پذیرفته شد. درباره اختلاف نظرشان با وزیر اطلاعات مطالبی گفتند و کمک خواستند. درباره فعالیتهای برون‌مرزی [سپاه] هم گزارشهائی دادند. شب، رئیس جمهور و نخست وزیر، از من تلفنی در مورد نتایج حمله و [جبهه‌های] جنگ اطلاع خواستند.

جمعه ۲۷ مهر ۱۳۶۳

تا ساعت ده‌ونیم صبح در منزل مطالعه می‌کردم. آقای تیموری، برای تعویض قفسه کتابخانه‌ام آمد. قفسه‌ها را خالی کردیم. برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه [تهران] رفتم. باران هم می‌بارید. در خطبه دوم، درباره موفقیت نیروهایمان در جنگ و انتقاد از ترکیه و عراق درخصوص دخالت مسلحانه ترکیه از شمال عراق علیه کردهای مخالف صدام، صحبت کردم.[1] عصر، وقتم صرف

۱- خطیب جمعه در خطبه اول نماز جمعه، در ادامه بحث عدالت اجتماعی از نظر نژادهای مختلف پیرامون جامعه انحصارطلب و نژادپرست اروپای جدید از حدود ۵۰۰ سال پیش تا امروز که بر محور عقیده فاسدِ امتیازِ نژاد سفید نسبت به سایر نژادها، مظالم فراوانی را مرتکب شده و می‌شود، گفت: "محور فکری جامعه نژاد پرست این است که نژاد سفید والاترین امتیاز را دارد و از لحاظ جسمی و فکری استحقاق دارد که حاکم جهان باشد، ولی ما با معیارهای اسلامی این پندار را باطل می‌دانیم و اثبات کرده‌ایم که این فکر مخدوش است."

ایشان در ادامه سخنانش پیرامون سلطه بانکداری غربی برکشورهای جهان سوم، گفت: "سیستم بانکی که غرب برای خودش

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

تنظیم کتابخانه شد؛ خیلی خسته شدم و با خستگی خوابیدم.

امروز، چهار پاتک عراق را در جبهه میمک، سرکوب کرده‌ایم و مقداری اسیر گرفته‌ایم. شب، گزارشها را از تلویزیون دیدم و با آقای [محسن]رضائی صحبت کردم؛ راضی است.[1] آقای سرهنگ [مصطفی] ترابی [از دفتر مشاورت امام در ارتش]، اطلاع داد که به یک کشتی در آبهای [حریم

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

درست کرد و به سایر دنیا تحمیل نمود و از این راه سلطه‌های خود را دنبال می‌کند، از مسائلی است که انسان تعجب می‌کند که چرا جهان سوم توجه نمی‌کند و مقابل این روابط ناعادلانه شورش نمی‌کند. بانک‌های غربی کشورهای ضعیف را گیر انداخته‌اند و بلایی به سر دنیا آورده‌اند که این کشورها باید برای دریافت وام التماس بکنند."

آقای هاشمی در پایان خطبه اول نماز جمعه گفت: "این سیستم خطرناک بانکداری که بر دنیا حاکم است، بهرحال باید روزی اصلاح شود که راهش همان راهی است که انقلاب اسلامی پیش گرفته است. باید به مردم قرض‌الحسنه داد و صاحب پول باید در منافع عادلانه شریک شود. لذا هیاهویی در دنیا راه افتاده است تا با این طرح اسلامی مقابله کنند و آن را به مسخره بگیرند." آقای هاشمی در خطبه دوم به تشریح مسایل سیاسی روز پرداخت و درباره عملیات عاشورا گفت: "منطقه میمک، بسیار حساس است، ما اگر از این منطقه خط مستقیمی بکشیم، به کاخ صدام منتهی خواهد شد و در قرارداد الجزایر، نکته بسیار مهم این بود که میمک را از ایران بگیرند. هدف، گرفتن یک قطعه زمین در عراق نیست، ما دست به حمله‌ای خواهیم زد که کار رژیم بعث را تمام کند. ما فقط برای دفاع در این مرحله (عملیات عاشورا) حرکت کردیم و قدرت رزمندگان ما در این زمینه کاملاً مشخص شده و باید گفت همین مسأله را که در میمک اتفاق افتاد، نیروهای ما می‌توانند در همه جا انجام دهند." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های نماز جمعه، سال ۱۳۶۳، جلد هفتم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۷۵.

خبرگزاری یونایتدپرس درباره خطبه‌های نماز جمعه اعلام کرد: "آقای هاشمی رفسنجانی دربارهٔ جنگ گفت که این عملیات، تهاجم نهایی ایران برای خاتمه جنگ که مدتهاست انتظار آن می‌رود، نیست. هدف آن تنها دادن یک درس به رژیم عراق است. اما عراق در این باره گفت: این یک خدعه است تا توجه اذهان را از جنوب منحرف گرداند و موج‌های انسانی خود را برای اشغال بصره سرازیر نمایند."

۱- فرماندهی عملیات عاشورا در میمک رسماً برعهده سردار عباس محتاج بود، اما عملاً سردار محمدباقر قالیباف فرمانده لشکر نصر ۵ و معاون قرارگاه سلمان، فرماندهی عملیات را برعهده داشت. سردار رحیم صفوی مسئول طرح و عملیات ستاد مرکزی سپاه نیز در مقر فرماندهی در هدایت عملیات شرکت داشت. همچنین سردار امین شریعتی از کادرهای عملیاتی قرارگاه کربلا، به عنوان نماینده قرارگاه خاتم و مشاور فرماندهان عملیات عاشورا، در مرکز فرماندهی و هدایت عملیات مشغول به فعالیت بود.

دریایی] قطر، موشک خورده است.[۱] عراق، دیروز یک کشتی نفتکش ما را زده است.

شنبه ۲۸ مهر ۱۳۶۳

تمام امروز را در منزل بودم. تا ساعت نه صبح به تنظیم کتابخانه‌ام پرداختم و خیلی خسته شدم. جلسه شورای سرپرستی [صداوسیما] داشتیم. این جلسه، تا ساعت دو بعد از ظهر طول کشید و درباره پخش فیلمهای خارجی [از تلویزیون]، بحث شد. قرار شد که کنترل و سانسور بیشتری ـ از لحاظ اخلاقی ـ بشود و برای تهیه فیلمهای سالم ایرانی، بیشتر تلاش شود. [آقای سید محمد خاتمی] وزیر ارشاد [اسلامی] هم در این بحث شرکت کرد و درباره مجله سروش و هماهنگ کردن مجلاتمان ـ که به زبان‌های خارجی در خارج منتشر می‌شود ـ بحث شد. مسئولان رادیو هم آمدند و راجع به برنامه‌های رادیو و تحسین وضع سخنرانیها، بحث و اتخاذ تصمیم شد.

آقای غرضی [وزیر نفت]، اطلاع داد که امروز، عراق یک کشتی نفتکش ما را زده است و از پایین آمدن قیمت نفت ـ توسط انگلیس و نروژ و نیجریه ـ ناراحت بود. عصر هم در تنظیم کتابخانه‌ام کار کردم. گزارشها را آوردند، خواندم؛ تازه مهمی نداشت. دیشب هم موفقیتی در جبهه میمک داشته‌ایم. معمولاً وقتی که عراقی‌ها در جبهه‌ها شکست می‌خورند، شرارتشان در زدن شهرها و کشتی‌ها و ... زیاد می‌شود.[۲]

یکشنبه ۲۹ مهر ۱۳۶۳

صبح زود به مجلس رفتم. گزارشها را خواندم. دیشب عراقی‌ها در جبهه میمک، ضدحمله‌ای

۱- خبرگزاری آسوشیتدپرس از منامه گزارش داد: "هواپیماهای جنگی ایران، امروز یک کشتی کوچک به ثبت رسیده در پاناما را، در قسمت مرکزی آبهای خلیج [فارس] بمباران کردند و واحدهای نیروی دریایی آمریکا، در حال نجات بازماندگان آن هستند. کشتی ۱۵۱۲ تنی پاسیفیک پروتکتور در نزدیکی شمال قطر در آبهای بی‌طرف واقع در جنوب منطقه جنگی عراق ـ ایران، توسط یک هواپیمای ایرانی بمباران شد. این پنجاه و سومین کشتی تجاری است که از ماه ژانویه، [دی ماه ۱۳۶۲] توسط عراق و ایران در خلیج [فارس] مورد حمله قرار گرفته است."

۲- علیرغم موافقت قبلی دولت عراق با عدم حمله به مناطق مسکونی، هفت جنگنده عراقی در روز ۲۷ مهر ماه ۱۳۶۳، مناطق مسکونی بخش صالح‌آباد ایلام را بمباران کردند. براثر این حمله هوایی ۱۸ نفر شهید و ۲۷ نفر مجروح شدند.

انجام داده‌اند ولی به سختی شکست خورده‌اند.[۱] قبل از دستور، درباره عملیات و توطئه غربی‌ها برای پایین آوردن قیمت نفت، صحبت کردم.[۲] تقریباً تمام وقت مجلس را طرحی گرفت که رد

۱- "از ساعت شش صبح، دشمن با افزایش آتش توپخانه، بار دیگر فشار سنگینی روی منطقه فصیل گذاشت، در حالی که نیروی کمکی همچنان از مندلی به سمت منطقه عملیاتی عاشورا در حرکت بود. از ساعت شروع پاتک، کماکان درخواست ارسال آمبولانس، مهمات، زرهی و آتش از طرف یگانهای در خط، از بی‌سیم شنیده می‌شد. به توپخانه دستور داده شد که آتش خود را فقط متوجه خط نکند، بلکه ضد آتشبار هم کار کند تا بدین وسیله از روحیه نیروهای دشمن، بیشتر کاسته شود. سرانجام پس از سه ساعت تلاش و اصرار دشمن برای تصاحب ارتفاعات فصیل، ناموفق بودن این پاتک نیز آشکار شد و دشمن از فعالیت در این محور بازماند. پس از شکست پاتک دشمن در فصیل، پاتک شدید دیگری از طرف ارتفاع گرگنی آغاز شد. در ساعت ۱۳ الی ۱۴ تعداد ۳۵۰ دستگاه خودروی دشمن که حدود ۶۰ دستگاه آن حامل تانک بود و توسط ۶ فروند هلی‌کوپتر اسکورت می‌شد، از سمت مندلی به عراق میمک حرکت کرد. از ساعت ۱۵/۴۰ تا ۱۶/۳۰ امروز، جمعاً ۱۲ فروند هواپیمای دشمن در سه مرحله چهار سورتی، منطقه عملیاتی عاشورا را بمباران کردند، در ساعت ۱۷/۱۵ نیز دو فروند هواپیمای دشمن، منطقه را بمباران نمودند. سرانجام این پاتک نیز با مقاومت طولانی و چشمگیر نیروهای خودی، ضمن وارد آمدن تلفات سنگین به طرفین، در زمانی که آسمان رو به تاریکی می‌رفت، پایان یافت". سند شماره ۰۳۹۲/د، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، دفتر ثبت جنگ راوی قرارگاه سلمان در عملیات عاشورا، ۷/۲۵ تا ۱۳۶۳/۸/۳ ص ۳۸-۳۹ راوی: مجید نداف.

۲- در نطق قبل از دستور، در ارتباط با پیروزی رزمندگان اسلام در جبهه‌های جنگ و توطئه استکبار جهانی مبنی برکاهش قیمت نفت مطالبی مطرح شد، در بخشی از این نطق آمده است: "رزمندگان متعهد و جان برکف ما با حرکت برق‌آسا و سریع خودشان، ضربه جبران ناپذیری بر رژیم عفلقی عراق وارد کردند و امید برای محرومان جهان شدند و مایه وحشت برای استکبار جهانی. ما این خدمت عظیم رزمندگان عزیز جمهوری اسلامی را ارج می‌گذاریم و برای موفقیت‌های بیشتر آنها دعا می‌کنیم و برای شهدای عزیز انقلاب و جنگ تحمیلی و مخصوصاً شهدای حرکت اخیر شهید بزرگوار افسر متعهدمان سرتیپ [حسن] اقارب پرست و همراهانش، از خدای بزرگ برای روحشان، مقام عالی و برای بازماندگانشان صبر و اجر می‌خواهیم."

آقای هاشمی افزود: "مسأله‌ای که آقایان اطلاع دارند پیش آمده، مسأله توطئه جدیدی است که برعلیه کشورهای نفت خیز در دریای شمال انگلستان و نروژ شروع شده است. در شروع این توطئه تقریباً یک دلار ونیم ارزش نفت خودشان را پایین آوردند که برای آنها هیچ فرق نمی‌کند. آنها هم خریدار هستند و هم فروشنده، فقط دستشان در توطئه دیده می‌شود. متأسفانه یکی از کشورهای عضو اوپک هم به دنبال آنها حرکت کرد که مایه تأسف است. موضع جمهوری اسلامی دفاع از حق و مخالفت با

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

شد.[۱]

ظهر، خانواده شهید آیت‌الله اشرفی اصفهانی به ملاقات آمدند. آقای [محسن]رهامی آمد و راجع به جنگ و کارهای عمده مجلس، توضیحاتی خواست. عصر، مصاحبه تلویزیونی دربـاره سالگرد شهادت حاج آقا مصطفی خمینی داشتم. تا ساعت هشت شب در دفترم گـزارش‌هـا را خواندم.

وضع جبهه خوب است. عراقیها، تبلیغات کاذب وسیعی برای پوشش شکست خـود، بـه راه انداخته‌اند و با همین تبلیغات زیاد، مانع تأثیر شکست روی مردم و حامیانشان می‌شوند. صدام، خودش به مرکز فرماندهی عملیات عراق آمده و گارد ریاست جمهوری را به کمک آورده و مرتباً تلگراف تبریک پیروزی به صدام مخابره می‌شود؛ با اینکه شکست خیلی روشن است.[۲] در جلسه

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

زورگویی است. ما انتظار داریم که سایر اعضای اوپک تسلیم این توطئه نشوند و اگر لازم است تولید نفت خودشان را برای مبارزه با این توطئه پایین بیاورند و قیمت نفت را که تا امروز هم باز قیمت عادلانه نیست در حد موجود حفظ کنند و تلاش برای رساندن نفت برقیمت واقعی ادامه پیدا بکند و در صورتی که باز دست‌های مرموز در اوپک بخواهد با این توطئه همکاری بکند، جمهوری اسلامی امیدوار است که نگذارد این توطئه بتواند در تضعیف حقوق مردم محروم کشورهای نفت خیز مؤثر باشد." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۱- در این جلسه کلیات طرح جدایی سازمانهای دامپزشکی استانها و شهرستان از ادارات کل کشاورزی و الحاق آنها به سازمان دامپزشکی به تصویب نرسید و رد شد.

۲- "لطیف نظیف جاسم" وزیر اطلاعات عراق گفت: "رژیم کینه‌توز ایران با حمله به واحدهای ما در بخش سپاه دوم، قصد داشته روحیه‌های فرو ریخته نیروهای شکست خورده خود را بالا ببرد، ولی در این مورد ناکام شده است. نیروهای دلیر عراق، توان‌های عظیم نظامی و جنگ افزارهای پیشرفته در اختیار دارند و می‌توانند نیروهای دشمن را شکست دهند و آسیب فراوانی به ایران برسانند وکسی که مرگ می‌خواهد، باید از آن استقبال نماید. ما در داخل مرزهای خود هستیم و نیروهای ما استوار و دفاع‌های ما مستحکم و نیرومند و اقتصاد ملی ما قوی و جبهه داخلی متحد است و قادریم نیازمندیهای جنگ تحمیلی برکشور خود را هر چند که به درازا بکشد، برآورده سازیم. عراق نمی‌تواند مسئول ادامه جنگ شناخته شود. افکار عمومی جهان با عراق موافق است، زیرا عراق به تمام ابتکارات صلح، پاسخ مثبت داده است. دولت بغداد، خواستار حل سیاسی جنگ است و هدف نظامی عراق در حال

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

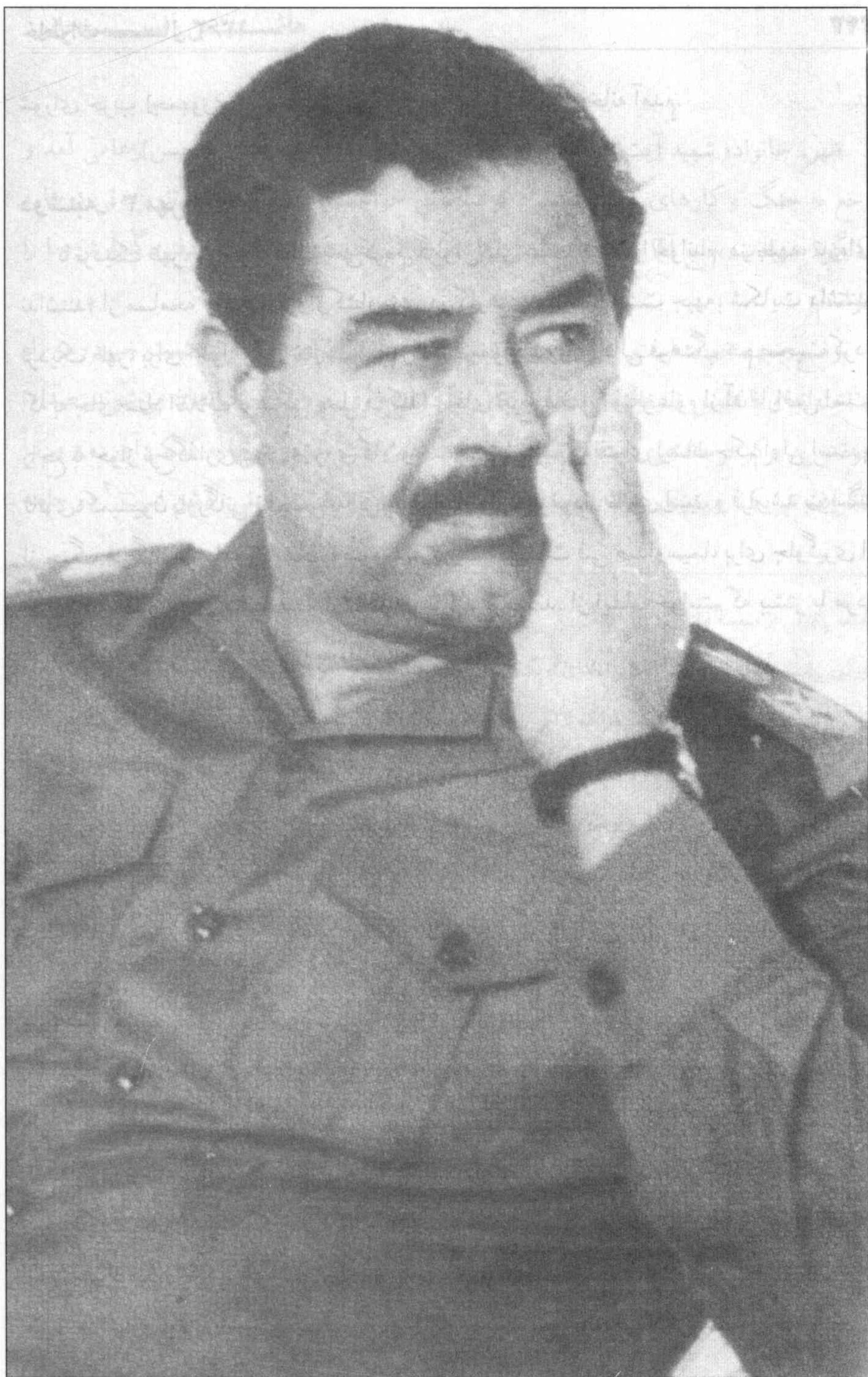
شورای حزب [جمهوری اسلامی] شرکت نکردم. شب، زودتر به خانه آمدم.

دوشنبه ۳۰ مهر ۱۳۶۳

تا نزدیک ظهر، در منزل مطالعه می‌کردم. گزارش‌های عقب افتاده را خواندم. در جبهه، تازه‌ای نداشتند؛ از مسامحه وزارت نیرو و کشاورزی در کارهای مهندسی پشت جبهه، شکایت داشتند. نزدیک ظهر، برای احوالپرسی خدمت امام رفتم. در مورد شورای عالی فرهنگ هم صحبت کردم که به جای ستاد انقلاب فرهنگی عمل می‌کند؛ [آقای ایرج فاضل] وزیر علوم از آن ناراضی است. راجع به جواز نرخ‌گذاری دولت [روی کالا و خدمات] پرسیدم که فتوای ایشان حکم اولی است یا ثانوی؛ کمیسیون بازرگانی [مجلس به این حکم] نیاز دارد. فرمودند ثانوی است و قرار شد بنویسند. از جنگ هم گزارش دادم و ایشان برضرورت تقویت امکانات فنی صداوسیما، برای جلوگیری از خرابکاری کشورهای همسایه در ارتباطات، تأکید فرمودند. از ایشان خواستم که بیشتر با مردم حرف بزنند. عصر، بیشتر وقتم را به مطالعه پرداختم.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

حاضر این است که تا آنجا که امکان دارد، تلفات بیشتری بر نیروهای ایرانی وارد آورد تا دولت تهران را به پای میز مذاکره بکشاند. تهران دیگر یک راه واقعی نظامی در برابر ندارد. ما حکام تهران را نسبت به گسیل داشتن نیروهایشان علیه کشور ما، به مبارزه می‌طلبیم و می‌گوییم که شانس آنها، از حمله در منطقه سیف سعد بهتر نخواهد بود. هرگونه حمله تازه ایران، یک نوع خودکشی خواهد بود.



صدام حسین تکریتی

آبـان ۱۳۶۳



سه شنبه ۱ آبان ۱۳۶۳ ۲۷ محرم ۱۴۰۵ 23 OCTOBER 1984

ساعت هفت صبح به مجلس رسیدم و تا ساعت هشت گزارشها را خواندم. بحثهای محافل سیاسی جهان ـ برمحور نتایج عملیات میمک ـ ادامه دارد. مخالفان می‌کوشند شکست عراق را مستور دارند.[1] در جلسه علنی مجلس [شورای اسلامی]، چند لایحه تصویب شد. [آقای غرضی] وزیر نفت، درباره اوپک و قیمت و صدور نفت صحبت کرد.[2] برای جلسات حزبی‌های مجلس، در وقت تنفس مشاوره کردیم. نظر من بر جامعیت و احتراز از یک بعدی شدن [حزب] است.

امام جمعه گیلان غرب آمد و بر ابقاء آقای [محمدعلی] موحدی [کرمانی] در [امامت جمعه] باختران تأکید داشت؛ مسئله آنجا هم خطی است. در مورد طرح اصلاح قانون نظام پزشکی، مخالفان [طرح]، عقب‌نشینی کردند و اصلاً صحبت نکردند.

۱- خبرگزاری یونایتدپرس گزارش داد: "ایران و عراق که بیش از چهار سال است با یکدیگر می‌جنگند، گزارشهای متناقضی درباره پیروزی‌ها در جبهه جنگ ارایه دادند. ایران گفت نیروهایش ۱۳۰ کیلومتر مربع را در نبردهای سنگین آزاد کرده است و با موفقیت، تمام ضد حمله‌های دشمن برای دستیابی مجدد به ارتفاعات را دفع کرده است. عراق این ادعا را رد کرد و گفت که تمام مواضع را در یک ضد حمله مهم در روز شنبه که از سوی پرزیدنت صدام حسین فرماندهی می‌شد، پس گرفته است." رادیو مونت‌کارلو نیز گزارش داد: "ایران امروز پایان عملیات جنگی را اعلام کرد و در یک اطلاعیه نظامی گفت که پرچم ایران بر فراز ۵۰ کیلومتر خاک اشغال شده ایران برافراشته شد. ولی در اطلاعیه نظامی ایران از هرگونه اشاره به حضور نیروهای ایرانی در خاک عراق خبری نبود. به عقیده ناظران، این موضع اعلامیه بغداد را مبنی بر خاتمه دادن به نبرد سیف‌سعد و عقب‌نشینی ایرانیها و همچنین تأکید عراق را مبنی بر عدم حضور حتی یک سرباز ایرانی در خاک این کشور به ویژه منطقه سیف‌سعد، تأیید می‌کند." رادیو قاهره نیز در بازتاب اتمام عملیات میمک گزارش داد: "حجم تلفات انسانی که به هزاران نفر می‌رسد و حجم ادوات منهدم شده و حضور شخص صدام به عنوان فرمانده نیروهای عراقی در جبهه، همه این دلایل، نشان دهنده سنگینی و شدت نبردها در جبهه میانی بوده است.

۲- مهندس محمد غرضی وزیر نفت گفت: سفر هیأتهای تعیین شده از سوی اوپک و تقلیل حجم تولید نفت خام، موجبات تحکیم بهای نفت را پیش آورد. اقدامات عربستان سعودی در پی سخنان ریگان ـ رئیس جمهور ایالات متحده ـ باعث شد، تا بازار بین‌المللی نفت خام دچار سستی و ضعف شود. نظر ما این است که تقلیل قیمتها و ضعف بازار در این هنگام که تقاضا برای نفت اوپک بایستی در اوج خودش باشد، بیشتر از جنبه‌های سیاسی متأثر است تا اقتصادی و کاهش قیمت‌های رسمی فروش، نمی‌تواند در جهت تقویت بازار عمل نماید و تنها بایستی روی تقلیل سقف تولید کار کرد.

ظهر، سه نفر مبتکر ـ که مین دریائی و [موشک]طائرالقدس را ساخته‌اند ـ آمدند. برای ساخت موشک دوربرد کمک می‌خواستند؛ در صورتی که بتوانند [به طرحشان] عمل کنند، [در بخش نظامی] تحول بزرگی ایجاد خواهد کرد. آقای [سیدمحمود] علوی، نماینده لامرد هم آمد و مشکلات فساد اداری کشورَ را مطرح کرد؛ باید به این مسئله توجه جدی شود.

عصر، کاردارمان از عربستان سعودی آمد. گزارشی داد و راجع به سیاست [جمهوری اسلامی ایران] با عربستان پرسید؛ گفتم تلاش کند تا روابط حسنه شود. [مسئولان] وزارت خارجه، جرأت ندارند قدم صریحی در این‌باره بردارند، [به دلیل اینکه] رادیکالها، هو می‌کنند. آقا شیخ حسن کرمانی آمد. از خطر مخالفت روحانیون مخالف و منزوی‌ها گفت و پیشنهاد استمالت آنها را داشت.

شب، خانواده آقای علیرضا رحیمی به همراه خود او ـ که از اسارت عراقیها آزاده شده ـ آمدند؛ هفده ساله است. سه ماه در عراق اسیر بوده. یک پای او را که مجروح بوده، قطع کرده‌اند. از ایشان اطلاعاتی درباره وضع اسرای خودمان در عراق گرفتم؛ جالب بود. قبلاً مصاحبه جالبی با خبرگزاری فرانسه کرده بود.[1] شب به خانه آمدم.

اخوی محمد، درباره اختلاف نظر وزارت امور خارجه و نخست وزیر در مورد روابط خارجی، برای انعکاس در صداوسیما پرسید. احمد آقا، تلفنی از عدم اجرای تصمیمات، درباره طرح ژاپن در سازمان ملل، گله داشت. رئیس جمهور، تلفنی از خوب اجرا شدن تصمیمات، درباره استعفای آقای ظهیرنژاد از ستاد مشترک ارتش و جانشینی ایشان صحبت کردند.[2]

۱- علیرضا رحیمی نوجوان رزمنده‌ای که در اسارت ارتش عراق بوده است، در مصاحبه با خبرنگار خارجی، با قرائت شعری با مطلع "ارزنده‌ترین زینت زن حفظ حجاب است" او را به رعایت حجاب اسلامی دعوت کرده بود.

۲- در پی استعفای سرتیپ ظهیرنژاد از ریاست ستاد مشترک ارتش، امام خمینی(ره) وی را به سمت نماینده دیگر خود در شورای عالی دفاع منصوب فرمود. متن حکم امام به این شرح است: "بسم‌الله‌الرحمن الرحیم. تیمسار سرتیپ قاسمعلی ظهیرنژاد ایده الله تعالی، بدین وسیله جنابعالی را به سمت نمایندگی از طرف خود در شورای عالی دفاع منصوب می‌نمایم. انشاءالله تعالی ضمن انجام وظایف محوله در این شورا به قسمت‌های مختلف ارتش نیز رسیدگی و نظارت نمائید و گزارشهای مستمر و لازم را به اینجانب ارائه نمائید. موفقیت جنابعالی را از خداوند متعال مسئلت دارم. روح الله الموسوی الخمینی". رجوع کنید ← صحیفه نور ← جلد یازدهم، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.

چهارشنبه ۲ آبان ۱۳۶۳

صبح زود به مجلس رفتم. [آقای حسین نیلی] وزیر معادن و فلزات برای حل مشکلات انتقال دفتر مرکزی فولاد اصفهان به تهران کمک می‌خواست. نمایندگان اصفهان [در مجلس شورای اسلامی] مخالفت می‌کنند. آقای [جواد] مقصودی مسئول ستاد [برگزاری] نماز جمعه تهران آمد. از مدیریت حج ناراضی است، ولی برخلاف انتظارم، قبول داشت که حج امسال، بهتر از گذشته برگزار شده [است]، اما عامل آن را خارج از مدیریت می‌دانست. به طور کلی، عملکرد دولت را خوب نمی‌داند. همین مطالب را آقای [حبیب الله] عسکراولادی هم به احمد آقا گفته است. می‌گویند حمایت امام و ماها از دولت، مردم را به جای دولت، در مقابل نظام قرار خواهد داد.

آقای دکتر صدرائی ـ بلال ـ از دوستان دوره تحصیل [علوم دینی در] قم، برای دیدار و اظهار آمادگی برای کار آمد. عصر، آقای [حسین] کمالی، نماینده تهران آمد. از فشار جناحی از حزب [جمهوری اسلامی]، برخانه کارگر ـ که جناح رادیکال حزب است ـ شکایت داشت. آقای محسن رضائی، گزارش عملیات میمک را آورد. حدود دویست و پنجاه شهید و پیروزی قابل توجهی داشته‌ایم.[1] در مورد عملیات پنجوین، ابراز تردید می‌کند.

پیش از ظهر، نمایندگان تهران جلسه داشتند که گزارش نهائی [ساخت] مترو و فاضلاب تهران و

۱ـ قرارگاه عملیات مشترک ارتش و سپاه در غرب کشور، نتایج عملیات میمک را به این ترتیب اعلام کرد: ـ انهدام کامل تیپ ۴ پیاده کوهستانی از لشکر ۲، تیپ ۲ زرهی مستقل، یک گردان تانک، یک گردان توپخانه، دو گردان کماندویی و یک گردان گارد مخصوص. همچنین انهدام ۶۰ تا ۸۰ درصد تیپ ۱۲ زرهی از لشکر ۳ عراق و تیپ ۴۰۳ مستقل دشمن. ـ کشته و زخمی شدن بیش از ۳۷۰۰ تن از مزدوران بعثی و اسارت تعداد ۱۸۰ تن از نیروهای دشمن از جمله چندین افسر ارتش عراق. ـ آزادسازی ارتفاعات حساس و استراتژیک ۳۸۲ فصیل، ۲۹۵، ۳۴۸ گرکنی، ۳۲۵ کوه گچی و ۳۸۴ مشرف به رودخانه تلخاب و دشت هلاله و نیز آزادسازی پاسگاه مرزی گرکنی، مناطق مهم مرزی تنگ بیجار، جاده مراصلاتی منطقه میمک، رودخانه تلخاب و قسمتهایی از دشت مصلاله ـ زیر آتش خودی قرار گفتن مراکز حجمع و جاده‌های تدارکاتی دشمن در این منطقه ـ انهدام ۳ فروند هواپیما، ۲ فروند هلی‌کوپتر، بیش از ۱۰ انبار مهمات، ۹۵ دستگاه تانک و نفربر، دهها دستگاه خودرو سبک و سنگین و چندین قبضه آتشبار دشمن. ـ سالم به غنیمت در آمدن بیش از ۱۴ دستگاه تانک و نفربر، مقادیر زیادی سلاحهای نیمه سنگین، ۲۰ دستگاه خودروی سبک و سنگین، ۵ قبضه توپ ۱۰۶ میلی‌متری، ۷ قبضه توپ ضدهوایی، ۲۰ قبضه خمپاره انداز و بیش از ۱۰۰۰ قبضه سلاح سبک و چندین انبار مهمات دشمن.

مشکل آب‌های جنوب تهران و باتلاقهای ایجاد شده در اراضی ورامین و... مطرح شد. گروهی انتخاب شدند که درباره مخارج ساخت مترو و تسریع در کار فاضلاب و بازدید از محل باتلاق‌های جنوب و مطالعه طرحها و راهکارها مطالعه کنند و نظریه بیاورند.

عصر، هیأت رئیسه [مجلس شورای اسلامی] جلسه داشت. بحث درباره منزل نمایندگان و توقعات آنها در امور رفاهی، وقت زیادی گرفت. شب، سران قوا، در مجلس مهمان من بودند. درباره مقابله به مثل و کارهای ایذائی دشمنان ما در ارتباط با ریال ایران و اجرای تصمیمات درخصوص طرح ژاپن در [باره آتش‌بس در جنگ در منطقه] خلیج فارس و سفر آقای سعودالفیصل [وزیر امور خارجه عربستان سعودی] به ایران بحث شد.

جلسه‌ای هم با حضور [آقای محمد نبی‌حبیبی] شهردار تهران، [آقای ناطق نوری] وزیر کشور و [آقای میرعمادی] دادستان تهران تشکیل شد؛ راجع به جلوگیری از ساخت و سازهای غیر قانونی تهران و حل مشکلات واگذاری زمین تصمیماتی اتخاذ شد.[1] شب را در مجلس ماندم.

پنجشنبه ۳ آبان ۱۳۶۳

بعد از نماز تا ساعت هفت‌ونیم صبح، مطالعه کردم. آقای [حسن غفوری‌فرد] وزیر نیرو آمد. دربارهٔ کاری که در جبهه جنوب در هورالهویزه به عهده آنها گذاشته‌اند، صحبت کردیم؛ آن کار را زیاد و سنگین می‌داند. قرار شد با [آقای محسن رضائی فرمانده] سپاه در این باره صحبت کنم. در جلسه علنی [مجلس شورای اسلامی] دو سه لایحه تصویب شد. بعضی از نمایندگان به آمدن [تانری بری] وزیر کشور ترکیه، در این شرایط و بعضی به تندروی و اظهارات شعارگونه نخست وزیر در جلسه سفرا، اعتراض داشتند.

ظهر، اعضای کمیسیون راه آمدند و از اینکه، در متن سیاست مسکن کشور نیستند، گله داشتند و

۱- در این جلسه تصمیماتی به شرح زیر اتخاذ شد: -برخورد قاطع با ساختمان سازی غیر مجاز با همکاری قوه قضائیه و مأمورین انتظامی و سایر سازمانهای ذیربط. - جلوگیری از انهدام باغها و زمینهای کشاورزی و عدم واگذاری آنها برای خانه سازی. -اجرای طرحهای خود کفائی و درآمد زا توسط شهرداریها به منظور آماده سازی آنها جهت اجرای طرحهای عمرانی به صورت امانی. - تشکیل به موقع کمیسیونهای ماده ۱۲ قانون زمین شهری در کلیه شهرهای تابعه استان و حضور فعال نماینده اداره کل زمین شهری به منظور تملک اراضی، مشمول قانون اراضی شهری.

از تشکیل شرکت خانه‌سازی بنیاد مستضعفان، اظهارات ابهام آمیزی داشتند؛ مثل اینکه بنیاد مسکن و وزارت مسکن و شاید بخش خصوصی، مخالفت می‌کنند.

عصر، آقای دکتر ولایتی [وزیر امور خارجه] آمد؛ برای توضیح علت عدم اجرای تصمیمات سران قوا در مورد آمدن [آقای سعودالفیصل] وزیر خارجه عربستان و طرح ژاپن در سازمان ملل، ولی بیشتر از تندروی و اظهارات تند نخست وزیر درباره روابط خارجی و مخصوصاً از اظهارات ایشان در جلسه سفرا گله داشت؛[1] تأکید کردم که تصمیمات را اجرا نمایند.

مسئولان خرمشهر آمدند. گزارشی از کارشان دادند. برای آنها صحبت کردم.[2] مسئول بسیج آمد و از فرماندهی [کل سپاه] شکایت داشت و اجرای طرح مناطق بزرگ سپاه را، در جهت حذف

۱- مهندس میرحسین موسوی در سمینار سفرا، کارداران و سرپرستان نمایندگی‌های جمهوری اسلامی در کشورهای اروپایی و آمریکای لاتین به اهمیت تسخیر سفارت آمریکا در تهران و اسناد یافته شده در آن پرداخت و گفت: "مطالعه اسناد جاسوسی ما را نسبت به تلاش آمریکا برای پیدا کردن جای پا در ایران پس از انقلاب اسلامی و استفاده از ضعف‌های انسانی مسئولین وقت در این جهت، حساس‌تر می‌سازد. برای نمونه در یکی از اسناد لانه جاسوسی، راجع به یکی از لیبرالها می‌خوانیم که این فرد، به داوری آمریکا نسبت به ایران، اهمیت بسیاری می‌دهد و می‌بینیم که آمریکایی‌ها از همین سازش برای پیاده کردن جای پا در ایران استفاده می‌کنند." آقای موسوی با اشاره به نقش سازمانهای بین‌المللی در صحنه سیاست جهانی گفت: "سازمانهای بین‌المللی از نظر ما، تنها سکویی برای نشر آرمانهای انقلاب اسلامی و رساندن فریاد ملت محروم ایران به گوش جهانیان است و ما برای آنها، چندان اصالتی قائل نیستیم و با آنها به صورت ابزاری جهت رساندن پیام انقلاب اسلامی به جهان استفاده می‌کنیم." نخست وزیر گفت: "تکیه بر مبارزه با آمریکا یک تکیه اصولی است که در مراودات سیاسی، هیچگاه و به هیچ بهانه نباید فراموش شود. ما سیاست داخلی و روابط خود را در خارج به ویژه با غرب، در قالب شعار "مرگ برآمریکا" تنظیم می‌کنیم و این شعار برای ما یک شعار استراتژیک است که تعیین کننده جهت‌گیری‌های اصولی ما در مقابل جهان استکباری است. قدرتی را که شما به عنوان سفیر جمهوری اسلامی دارید مربوط به خود شما نیست، بلکه مربوط به این نظام است و شما این قدرت را از خدا و مردم می‌گیرید."

۲- ایشان در این ملاقات گفت: "دیدار با برادران ایثارگری که مسئولیت بازسازی این شهر مقاوم را به عهده دارند، بار دیگر خاطره حماسه پرشکوه خرمشهر را زنده کرد. جا دارد که حماسه این شهر مقدس در صفحات تاریخ اسلام و منطقه و تاریخ جنگ با همه مشخصاتش، درخشش چشمگیری داشته باشد. باید خرمشهر را آن چنان که شایسته سمبل پیروزی و مقاومت مردم ایران است، بسازید." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

بسیج می‌دانست. ضمناً تحرکات وسیعی در بعضی از مراکز، علیه این طرح به چشم می‌خورد؛ مثل اینکه علیه آن سازماندهی شده است.[۱]

سرهنگ ترابی آمد و راجع به لزوم سرعت در تعویض فرمانده نیروی دریائی گفت، و اینکه آقای [تیمسار قاسمعلی] ظهیرنژاد ازگرفتن سمت نمایندگی امام در شورای عالی دفاع خوشحال است. اول شب، با جمعی از نمایندگان حزبی، درباره شروع کار واحد مجلس حزب [جمهوری اسلامی]، مشاوره کردیم. شب، به خانه آمدم. خسته بودم.

جمعه ۴ آبان ۱۳۶۳

در منزل ماندم. استراحت و مطالعه کردم. مهدی و یاسر برای یادگیری اسب سواری رفتند. آقای [موسوی]اردبیلی نماز جمعه را اقامه کردند. با آقای خامنه‌ای تلفنی صحبت کردم؛ راجع به درخواست آقای دهدشتی از آبادان مبنی براین که به نحوی جلوی اصابت گلوله‌های عراق به آبادان را بگیریم. قرار شد وزارت خارجه به سازمان ملل در مورد نقض قرارداد نزدن شهرها از طرف عراق، اخطارکند و در مورد تهدید به مقابله به مثل، برای حمایت ازکشتی‌های نفتکش که از خارک بارگیری می‌کنند، هم مذاکره کردیم؛ مخصوصاً با استفاده از رادار بهبهان که اخیراً با همت کارشناسانمان فعال شده است. رادارهای A.D.S.4 آمریکائی است که از دورهٔ قبل از انقلاب به جا مانده است و کارشناسان ایرانی، آنها را راه‌اندازی کرده‌اند.

عصر، [از تلویزیون] یک فیلم تماشا کردم. موضوع فیلم از برخورد انقلابیون شیلی با حکومت نظامی حکایت داشت، به نظرم رسید به نوعی تشویق به خرابکاری دارد. احمد آقا هم، تلفنی همین نظر را ابراز کرد. آقای [شیخ علی اصغر] مروارید هم، تلفنی برای در اختیار گرفتن ساختمان خرّم برای مجموعه فرهنگی زیر نظر خود، تأکید کرد؛ قبلاً نامه ای نوشته و از امام تقاضای آن راکرده

۱- مناطق یازده گانه سپاه پاسداران، با هدف متمرکز ساختن و استفاده بهینه از امکانات موجود و همچنین پیوند هر چه بیشتر جبهه‌ها با بخش‌های مختلف سپاه، در یک تغییر تشکیلاتی به پنج منطقه بزرگ تبدیل شد. مثلاً منطقه جنوب غربی سپاه شامل استانهای خوزستان، لرستان، ایلام، اصفهان، کهکیلویه و بویراحمد و مرکزی بود. با تشکیل وزارت اطلاعات و محول شدن امور مربوط به امنیت داخلی به این وزارتخانه‌ها، سپاه تغییراتی در سیستم تشکیلاتی خود انجام داد تا موضوع جنگ و اداره جبهه‌ها به نحو مطلوب‌تری پیش رود.

است.

شنبه ۵ آبان ۱۳۶۳

تا ساعت نه صبح در خانه مطالعه می‌کردم. شورای سرپرستی صداوسیما جلسه داشت. درباره جلوگیری از پخش فیلمهائی که تشویق به کارهای ضددولتی و تخریب و مخفی کاری می‌کند، تصمیم‌گیری شد. مسئولان شبکه دوم سیما آمدند وگزارش کار دادند. تصمیم گرفتیم با همکاری دانشگاه‌ها و وزارتخانه آموزش و پرورش، درسهائی از شبکه دوم پخش شود که پس از مدتی از این درسها امتحان به عمل آید. ناهار را مهمان آقای دعاگو بودیم.

عصر، خانم دکتر خواجوی آمد و درباره تبعیض قائل شدن در مورد ارز دخترش ـ که در آمریکا تحصیل می‌کند ـ گله داشت.

گزارشها را آوردند، خواندم. بوقهای تبلیغاتی دشمنان ما، درباره کشته شدن هفت اسیر عراقی در اردوگاه اسرا در گرگان، سروصدا به راه انداخته‌اند. چند روز قبل، هنگام بازدید مأموران صلیب سرخ [از اردوگاه‌ها]، بین اسرای بعثی و اسرای مسلمان توبه کرده، درگیری شده و چند نفر کشته و زخمی شده‌اند و این حادثه با دخالت پاسداران خاتمه یافته است. آقای [کمال]خرازی [رئیس ستاد تبلیغات جنگ] در مورد مصاحبه نماینده وزارت امور خارجه و توضیح واقعه اردوگاه اسرا مشورت کرد؛ موافقت کردم.

شب، آقای [علی اکبر] محتشمی [سفیر ایران در سوریه] آمد. مدتی در آلمان معالجه کرده است؛ دست مصنوعی گذاشته و دوبار، گوشها را عمل کرده و اکنون نسبتاً سالم است. فردا به سوریه می‌رود. درباره مسائل جنگ و سوریه و مذاکره غیررسمی با نماینده مخصوص فرانسوا میتران [رئیس جمهور فرانسه] که بنا است به سوریه و لبنان و... بیاید، صحبت شد.

یکشنبه ۶ آبان ۱۳۶۳

ساعت هشت صبح، جلسه علنی شروع شد و دستور مهم، طرح ایجاد ارتش نوین بود که تمام نشد.[1] جمعی از نمایندگان "خط سه" مراجعه کردند[2] و به خبر نصب آقای [احمد] سالک به ریاست

۱- بعد از انقلاب اسلامی، یکی از مراکزی که سخت مورد تهاجم گروهکها قرار گرفت، نیروهای مسلح و ارتش بود. آنها شعار

کمیته‌های انقلاب اسلامی اعتراض داشتند؛ نصیحتشان کردم.

ظهر، [آقای سید علی حسین‌زاده] نماینده دشت آزادگان آمد. از محدودیتی که فرماندهان جنگ برای کشاورزان و دامداران منطقه به وجود آورده‌اند، شاکی بود. آقای [علی] حسینی نماینده سنندج آمد. از بخشدار کامیاران شکایت داشت. نمایندگان کردستان بر سر [انتصاب] او اختلاف

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

می‌دادند که ارتش شاهنشاهی باید منحل بشود و از بین برود. هدف آنان، این بود که مملکت در آغاز پیروزی انقلاب اسلامی بلادفاع باشد. اما، امام امت، در مقابل چنین توطئه خطرناکی با تمام قوا ایستادند و فرمودند که ارتش باید اصلاح بشود، نه اینکه منحل بگردد. روی همین جهت بود که بعد از آنکه روز ۱۲ فروردین سال ۱۳۵۸، ۹۸ درصد مردم به نظام جمهوری اسلامی رأی مثبت دادند، اولین روزی که در تقویم نامگذاری شد، روز ۲۹ فروردین بود که بنام روز ارتش نامیده شد. همچنین طرحی به مجلس، جهت ایجاد ارتش نوین داده شد این طرح دارای ده فصل بود. ویژگیهای طرح مطرح شده، عبارت بود از:

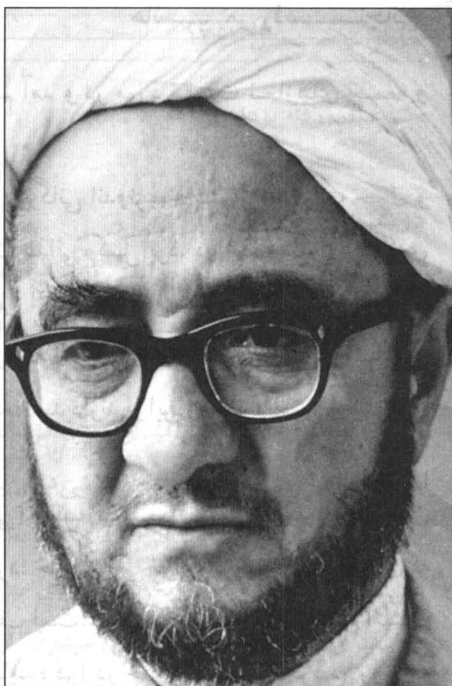
الف ـ اساس ارتش جمهوری اسلامی در این طرح، مکتب امامت و امت یا قانون، مقام ولایت فقیه به عنوان فرمانده کل قوا و هماهنگ و رابط مستقیم با مردم است.

ب ـ توجه به ارزشهای اصیل اسلامی و انسانی برای نیروهای مسلح، اسلامی بودن و عقیده به ولایت فقیه به عنوان فرمانده کل قوا و خدمتگزاری در ارتش امام زمان(عج)، مردمی بودن، قدرت و توانایی کامل دفاع، خودکفایی، انضباط و نظم اسلامی، سادگی و بی‌آلایشی.

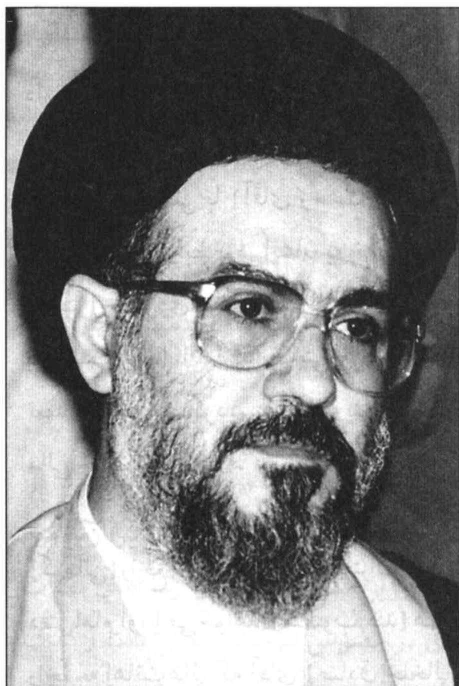
ج ـ وجود زمینه‌های رشد و تعالی برای همه اقشار نیروهای مسلح تا آخرین رده که خود این قسمت سوم حاوی امتیازاتی است؛ یکی اینکه تورم پرسنلی بوجود نمی‌آید، چون در این طرح به مدت پنج سال از پرسنل پیمانی استفاده می‌شود. با تقلیل مراکز آموزشی از ۱۴ مورد به ۱۱ مورد برای اینکه کیفیت علمی، رزمی و فنی نیروهای مسلح بالا بیاید.

د ـ این مورد در رابطه با تنبیهات انضباطی است که خود آن مراحل گوناگونی دارد که یک مقام مسئول نمی‌تواند به تشخیص خود یکی را اخراج کند یا توبیخ کتبی یا شفاهی بنماید. بازداشت ابتدا تا ۲۰ روز و انتظار خدمت تا چهار ماه بدون کاری، تا دو ماه تنزیل یک درجه یا رتبه و آنگاه اخراج از خدمت، آن هم با تشکیل یک هیأت پنج نفره که در آن هیأت، معاون پرسنلی مربوط، رئیس بازرسی و مدیر عقیدتی سیاسی نیروی مربوطه و رئیس دایره قضایی و نماینده پرسنل یگان مربوط عضویت دارند. این طرح در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی در روز سه شنبه ۸ آبان ۱۳۶۳ به تصویب رسید.

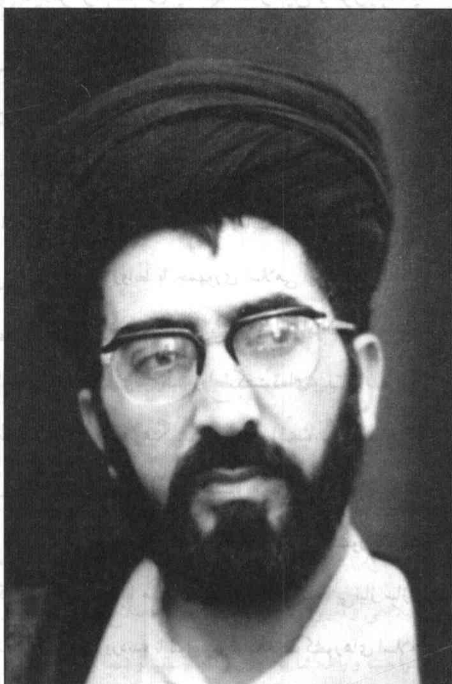
۲ـ در آن سالها که تازه تقسیم‌بندی نیروهای فعال جامعه به "چپ" و "راست" شکل می‌گرفت، گروهی خود را نه وابسته به جریان چپ (دولت) و نه وابسته به جریان راست (بازار) می‌دانستند. این افراد خود را "خط سه" معرفی می‌کردند.



آیت اله صادق خلخالی



حجت الاسلام والمسلمین سید محمد موسوی خوئینی‌ها



حجت الاسلام والمسلمین سید هادی خسرو شاهی



حجت الاسلام والمسلمین سید حسین موسوی تبریزی

دارند. [آقای غلامرضا حیدری] نماینده تفرش هم آمد و در مورد تقویت نمازهای جمعه و فرمانده سپاه تفرش، حرف داشت.

عصر، ملاقاتی با [آقای رحمت صالح] وزیر بازرگانی اندونزی داشتم.[1] مذاکرات حول و حوش توسعه روابط بود. ایشان به خاطر مسمومیت غذائی، کسل بود. در جلسه شورای مرکزی حزب [جمهوری اسلامی] شرکت کردم. آقای ناطق از آزاد کردن بی‌رویه اعضای گروهکها[ی بازداشت شده]، اظهار نارضایتی می‌کرد. برای کارخانه نئوپان سازی حزب [جمهوری اسلامی] تعهد خریدن سهم کردیم. من صدوپنجاه سهم خریدم. امید دارند از این رهگذر، بخشی از نیازهای مالی حزب تأمین شود.

شب، شورای داوری [حزب جمهوری اسلامی] جلسه داشت. آقای [محمدعلی]موحدی [کرمانی] راجع به امامت جمعه باختران مشورت کرد؛ خودش نمی‌خواهد برود وبا نصب فردی که دفتر امام او را می‌خواهد [منصوب کند] هم مخالف است. آقای [محمد مهدی] ربانی [املشی] راجع به اهانت‌هائی که آقای [صادق]خلخالی [نماینده قم] در خاطرات سیاسی خود در روزنامه صبح آزادگان به ایشان و آقای [محمد]مؤمن و بعضی دیگر از اعضای جامعه مدرسین [حوزه علمیه قم] دارد، شاکی بود. توقع داشت که ما علاج کنیم؛ آقای [محمد]یزدی هم قبلاً شاکی بود. بعد از شام با رئیس جمهور درباره جنگ مشاوره کردیم. دیر وقت به خانه آمدم. عفت هم به منزل خانم

۱- "آقای رحمت صالح" وزیر بازرگانی اندونزی در این دیدار با اشاره به اینکه این مسافرتها در روابط بین دو کشور مسلمان، ثمرات خوبی خواهد داشت، گفت: "کشور در حال توسعه‌ای مثل اندونزی برای روابط با جمهوری اسلامی ایران اهمیت قائل است. ما امکانات کشورهای غربی را نداریم ولی آنچه که داریم، بی‌شک برای عرضه به عنوان کمک به ملت ایران، مفید خواهد بود." آقای هاشمی رفسنجانی نیز گفت: "یکی از آرزوهای دیرینه ما این بود که روزی بتوانیم روابط گسترده‌ای بین ایران و دیگر مسلمانان دنیا بوجود آوریم. ما در روابط خارجی جمهوری اسلامی در همه ابعاد فرهنگی و سیاسی، اقتصادی و نظامی در کشورهای مسلمان دنیا اولویت می‌دهیم. ما تا آنجا که بتوانیم چیزی را از کشورهای اسلامی تهیه کنیم، به خودمان اجازه نمی‌دهیم که با غیر مسلمانان رابطه داشته باشیم. اگر همکاریهای جدی‌تر و دقیق‌تری بین کشورهای اسلامی، همچنین بین کشور ما و شما بوجود آید، می‌تواند مسلمانان را از دنیای غیر اسلامی و کسانی که در روابط خود با ما سوء نیت رفتار می‌کنند، بی‌نیاز سازد و کشورهای اسلامی را در راه خودکفایی مساعدت کند. ابرقدرتها جنگ را بوجود آوردند، تا نتوانیم به مشکلات کشورهای اسلامی و جهان سوم بپردازیم.

دکتر لباف رفته بود؛ دیر آمد.

دوشنبه ۷ آبان ۱۳۶۳

تمام روز در منزل بودم. تلفنی از حاج احمد آقا خواستم که به آقای موحدی کرمانی، وقت ملاقات با امام، برای گفتن مسائل کرمانشاه بدهند. درباره جواب امام به سئوال کمیسیون بازرگانی هم صحبت شد.

عصر، آقای توکلی‌بینا آمد. راجع به شرکت ساختمانی بنیاد مستضعفان و مشکلات آن و عدم همکاری وزارت مسکن و اشکالتراشی‌های بنیادمسکن، مطالبی گفت و گزارش پیشرفت کار را داد. آقای معادیخواه از تفاهم با آقای [واعظ]طبسی [تولیت آستان قدس رضوی] درباره تأمین هزینه‌های بنیاد تدوین تاریخ گفت. آقای بهزادنبوی [وزیر صنایع سنگین] از ایذاءهای قضات دادگستری در مورد شکایت آقای [سیدرضا]زواره‌ای در خصوص خرید از رومانی گفت و کمک خواست.

آقای شیخ حسین کرمانی را مأمور مذاکره با آقای شیخ محمد کرمی ـ که در اهواز می‌گویند مواضع منفی گرفته [است] ـ نمودم. امام خواسته بودند در پاسخ شکایت ائمه جمعه خوزستان از آقای کرمی، اقدام شود. دختر دکتر وحید [دستجردی] آمد و از انحرافات اخلاقی در دانشگاه‌ها و انزوای حزب‌الله گفت. گزارشها را از مجلس آوردند، خواندم. آقای خوئینی‌ها برای ملاقات دانشجویان خط امام، تلفنی وقت خواست.

سه شنبه ۸ آبان ۱۳۶۳

ساعت هشت صبح، جلسه [علنی مجلس شورای اسلامی] شروع شد. تا ظهر چند لایحه [از تصویب] گذشت. ظهر، سفرای ایران در اروپا و آمریکا آمدند. برای آنها سخنرانی کردم.[1] روی

۱- در این ملاقات آقای هاشمی گفت: "ما از اطلاعات شما که از اطراف و اکناف دنیا می‌آورید، استفاده می‌کنیم و اگر اصلاحی و تغییری لازم باشد، در جهت اصلاح وضع موجود از آن بهره گیری می‌کنیم. خوشبختانه مطالبی که امام فرمودند بسیار با صراحت و راهگشا بود و از برکات سمینار شما بود که امام عزیز، روح مطلب را بیان کردند و مسئله را برای شما در خارج کشور و

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

لزوم داشتن روابط و حفظ اصول و پیشدستی در برخورد با مخالفان و رقیبان صحبت کردم. عصر، آقای بهزادنبوی آمد و از ادامه برخورد قوه قضائیه گله‌داشت که برایش پرونده‌سازی می‌کنند و پیشنهاد می‌داد که اجازه داده شود، وزرا بیش از سقف ارزی خود، معاملات تهاتری کنند.

در جلسهٔ عصر سه‌شنبه نمایندگان، شرکت کردم. به انتقادات و پیشنهادات و خواسته‌های آنها از هیأت رئیسه، گوش دادم. بیشتر، تکیه روی مسائل رفاهی و شخصیتی و قدرت مجلس و لوایح اصولی بود. مفصلاً صحبت کردم و توضیح دادم که فکر می‌کنم برای اکثریت، قانع کننده بود.

شب، در [جلسه] شورای عالی دفاع شرکت کردم. پس از جلسه شورا، مصاحبه تلویزیونی درباره عملیات میمک و صلیب سرخ و اردوگاه اسیران عراقی در گرگان [داشتم].[1] برای شام و خواب به

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

برای ما در داخل کشور روشن کردند. باید مطالب ایشان از طریق رسانه‌ها و تحلیلگران و آنهائی که از بیانات ایشان بیشتر می‌فهمند، تفسیر و تحلیل شود تا روشن‌تر گردد. دو نکته در بیانات امام بود که می‌تواند خط مستقیمی را برای حرکات فعلی و آینده ما ترسیم کند؛ یک مطلب همان چیزی است که همه می‌دانند و جزو شعارهای مردم نیز شد و نیز مطلبی که نمی‌توان آن را مخفی کرد و کسی هم قصد مخفی کردن آن را نداشته است، پیام انقلاب اسلامی است. انقلاب اسلامی، رسالت خویش را محدود به مرزهای جغرافیایی نمی‌داند و رساندن پیام انقلابی که همان اسلام است را وظیفه خود به شمار می‌آورد... .

باید با داشتن رابطه با دیگران با روشهای مختلف و با کیفیت خوب، پیام انقلاب را برسانیم اصولاً با پرخاشهای بی ادبانه و جریحه‌دار کردن طرف، بدون دلیل و بهانه دادن به دشمن برای مظلوم نمائی مخالف هستیم. این اصل قرآن مجید ما را ملزم می‌کند، مردم را به سوی حق با منطق و حکمت برخورد خوب بخوانیم. اصلی پذیرفته شده است که هیچ مفسری پیدا نشده که داشتن روابط خوب و مناسب با دیگران را از مصادیق آن نداند. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۱- ایشان در این مصاحبه اظهار داشت: "در این جلسه در مورد آینده جنگ، بررسی‌هایی را داشتیم، هم چنین در مورد مسکن نظامیان ـ که قبلاً کمیسیونی برای این امر تعیین کرده بودیم ـ تصمیماتی گرفته شد و گزارش کار این کمیسیون قرائت شد که پیشرفت کار و نیازها در آن مطرح شد." آقای هاشمی دربارهٔ جریانات اردوگاه اسرا در گرگان و تحریکات نماینده صلیب سرخ جهانی گفت: "در این جلسه درباره این مسأله، گفتگوهایی شد و دبیر شورای عالی دفاع، گزارش کاملی از این حادثه ارائه داد و این حادثه از نظر رفتار نماینده صلیب سرخ مایه تأسف است. جریان این است که صلیب سرخ روی سنتی که دارد و ما هم آن را

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

مجلس رفتم.

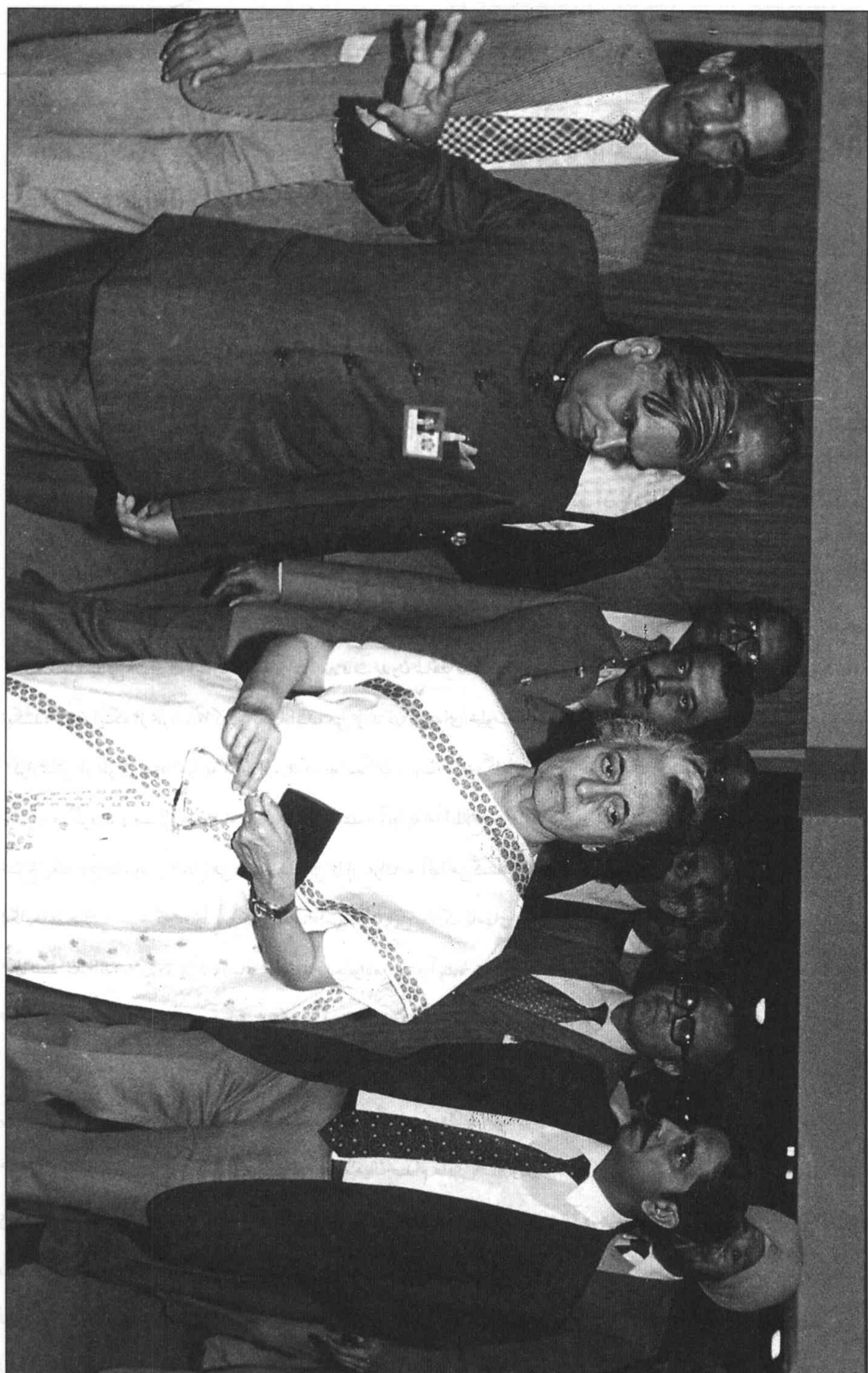
چهارشنبه ۹ آبان ۱۳۶۳

سفرای ایران در انگلیس، هلند، دانمارک و نیکاراگوئه، آمدند و گزارش داده و مشاوره کردند. سفیر [ایران] در لهستان آمد و حقوق چند ساله کار سابق خود را برای کمک به جبهه داد. آقایان [مسیح]مهاجری و [سیدمحمدرضا]بهشتی آمدند و از جناح مقابلشان در حزب [جمهوری اسلامی]، گله کردند و پیشنهاد استعفا از حزب را داشتند. گفتم با آیت‌الله خامنه‌ای توافق شده که تعادل [در بین اعضای حزب جمهوری اسلامی] به وجود آید؛ پذیرفتند که صبر کنند.

با نمایندگان تهران جلسه داشتیم. درباره [ساخت] مترو[ی تهران] و طرح گودهای جنوب

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

پذیرفته‌ایم، مدتی است که اجازه دادیم با اسرا ملاقات بدون شاهد داشته باشند؛ یعنی اینکه هر یک از اسرا که خودشان پیشنهاد بکنند، بدون اینکه از طرف ما کسی ناظر باشد، می‌تواند درگوشه‌ای خلوت با اعضای صلیب سرخ ملاقات بکنند. در این اواخر گزارشاتی از طریق خود اسرا به ما می‌رسید که نمایندگان صلیب سرخ، گاهی اسرای تواب را که علاقه‌ای به رژیم عراق ندارند، اشتباه می‌گرفتند و مسائل محرمانه را به آنها می‌گفتند و آنها به ما اطلاع می‌دادند و این برای کمیسیون ناظر محرز شد که صلیب سرخ یک نوع جاسوسی انجام می‌دهد و مسائلی را از عراق به آنها می‌گفتند و اظهارات اسرای بعثی را به عراق می‌بردند. یکی از کارهای صلیب سرخ که با مأموریت آنها منافات دارد، این بود که نامهای بعضی از اسرای عراقی را که به جمهوری اسلامی علاقمند شده‌اند، به رژیم عراق ارسال می‌کنند و خانواده آنها و آینده خود اینها به خطر می‌افتد. وزارت امور خارجه در این باره چندین بار به آنها تذکر داده بود. اخیراً یکی از اسرای بعثی، لیستی به افراد صلیب سرخ تحویل می‌دهد که اسیری تائب که این موضوع را متوجه می‌شود، به آنها فشار می‌آورد که آن لیست را ـ که علیه آنهاست ـ از نماینده صلیب سرخ بگیرد و درگیری بوجود می‌آید." آقای هاشمی دربارهٔ عملیات میمک (عاشورا) گفت: "عملیات میمک، نشان ضعف نیروهای عراق و قدرت نیروهای ما بود و حامیان صدام هم این را می‌دانند. امیدواریم حامیان صدام عاقل باشند وکاری کنند که ما دیگر دست به یک عملیات وسیع نزنیم ولی اگر آنها بخواهند که ما با عملیات حق خود را بگیریم، آماده‌ایم." ایشان دربارهٔ کنفرانس روزنامه‌نگاران نیز گفت: "روزنامه نگاران و جراید دنیا چطور حاضر می‌شوند در بیت‌المقدس اشغالی، کنفرانس خود را برگزار کنند و یک رسمیت فرهنگی به رژیم اشغالگر قدس بدهند. این جنایت است که روزنامه نگاران مرتکب می‌شوند و در مقابل تاریخ، باید بازخواست پس بدهند." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.





جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی
دفتر رئیس

بسمه تعالی

شماره ۲۰/[illegible]
تاریخ ۹/۸/۶۳
پیوست

عالیجناب آقای بالرام جهاکار

ریاست محترم مجلس هند (لاک سابها)

خبر ناگوار درگذشت خانم ایندیرا گاندی نخست وزیر کشور هند را که در پی یک سوءقصد ناجوانمردانه اتفاق افتاد، با افسردگی دریافت کردم.

شکی نیست که تلاشهای ایشان در راه تامین صلح و امنیت جهانی و استقرار دمکراسی در یکی از پرجمعیت ترین کشورهای جهان همواره در یادها خواهد ماند. نهضت عدم تعهد با مرگ خانم گاندی یکی از پشتیبانان خود را از دست داد، اما انتظار میرود مردم آزادیخواه هند که تجلی بارز آنرا در قیام شکوهمند ضد استعماری و استبدادی به رهبری گاندی فقید دیده‌ایم از بذل هیچگونه فداکاری تا نیل به تمامی آرمانهای والای بشری خودداری نخواهند کرد.

ضمن اعلام مراتب اندوه خاطر خود، تسلیت و تعزیت اینجانب و نمایندگان مجلس شورای اسلامی ایران را به این مناسبت دردناک بپذیرید.

اکبر هاشمی رفسنجانی
رئیس مجلس شورای اسلامی

پیام تسلیت به مناسبت ترور خانم گاندی

مذاکره شد و بخشی از آئین‌نامه جلسه به تصویب رسید. آقایان [محی‌الدین]انواری و [محمدعلی]موحدی کرمانی، درباره اعتبارنامه یکی از نمایندگان صحبت کردند. خواهان تحقیق بیشتر و توضیح به نمایندگان بودند و آقایان [محمدعلی]هادی، [اسدالله]بیات و [محمد]اصغری در جهت عکس [خواسته] آنهاَ مراجعه کردند. قرار شد در جلسه خصوصی مطرح شود.

عصر، هیأت رئیسه [مجلس] جلسه داشت. بیشتر درباره کارهای جاری اداری مجلس [شورای اسلامی] بحث کردیم. شب، مهمان احمد آقا بودیم. امام هم شرکت کردند و درباره دوران اقامت در نجف، کمی حرف زدند.

درباره کیفیت برخورد با جمعی از سران ضدانقلاب کردستان ـ که می‌خواهند تسلیم [جمهوری اسلامی] ـ شوند و هم درباره رسیدگی بیشتر به خانواده مفقودان بحث شد. آقای [موحدی] کرمانی، تلفنی اطلاع داد که در اهواز با آقا شیخ محمد کرمی صحبت کرده و مشکل او را حل کرده است، ولی آقای خامنه‌ای معتقدند این اقدام کافی نیست. دیر وقت به منزل آمدم.

خانم [ایندیرا] گاندی ـ نخست وزیر هند ـ توسط محافظان خود ترور و کشته شده است. قاتلان از سیکها هستند که اخیراً با دولت هند درگیر شده‌اند و چون گروهی از آنها در معبد طلائی سیکها کشته شده‌اند، اینها [با ترور نخست وزیر]، انتقام گرفته‌اند.[1]

پنجشنبه ۱۰ آبان ۱۳۶۳

تا ساعت هشت صبح، در دفترم گزارش‌ها را خواندم. مسئله مهم، کشته شدن خانم [ایندیرا] گاندی [نخست وزیر هند] و توافق اوپک و کاهش [تولید] ۱/۵ میلیون بشکه نفت در روز، برای حفظ قیمت و مبارزه با توطئه غربیها است.

۱- خانم ایندیراگاندی، نخست وزیر ۶۶ ساله هند، ساعت ۹/۴۰ دقیقه صبح در خانه خود مورد سوء قصد قرار گرفت و به علت اصابت هشت گلوله و جراحت در ناحیه شکم، کشته شد. دو تن از ضاربین که از گروههای افراطی سیک بودند، بوسیله گاردهای امنیتی کشته و نفر سوم نیز دستگیر شد. خانم ایندیراگاندی، تنها فرزند جواهرلعل نهرو، نخست وزیر شهیر هند بود. ایندیرا نخستین بار در ژانویه سال ۱۹۶۶ به نخسبت وزیری هند انتخاب شد. وی در انتخابات ۱۹۷۷ شکست خورد، اما بار دیگر در سال ۱۹۸۰ به این سمت انتخاب شد. خانم گاندی، رئیس جنبش عدم تعهد نیز بود. در پی قتل وی، آقای راجیو گاندی ـ فرزند خانم ایندیرا ـ در کاخ ریاست جمهوری به عنوان نخست وزیر، سوگند یاد کرد.

در سخنان پیش از دستور مجلس، از ترور خانم [ایندیرا]گاندی اظهار تأسف کردم[۱] و پیام تسلیت برای رئیس مجلس هند فرستادم. طرح تبدیل وزیر مشاور سازمان برنامه‌وبودجه به معاون نخست وزیر تصویب شد؛ من هم دفاع کردم. ظهر، گروهی از دانشجویان پیرو خط امام که روی اسناد لانه جاسوسی آمریکا کار می‌کنند، آمدند و حدود پنجاه نسخه چاپ شده از این اسناد را آوردند و گزارشی ازکارشان دادند و من هم مفصل برای آنها صحبت کردم.[۲]

آقای محمد مجتهد شبستری آمد و راجع به دانشگاه و تلویزیون، پیشنهادهایی در جهت جذب قشر تکنوکرات داشت. آقای [سیدکاظم] اکرمی وزیر آموزش و پرورش آمد. حمایت ما را برای تغییر نظام آموزشی و تحصیل بودجه می‌خواست. شب، با جمعی از حزبیها برای بحث درباره شروع کار واحد حزب [جمهوری اسلامی] در مجلس جلسه داشتیم؛ اعضاء را مشخص کردیم.

جمعه ۱۱ آبان ۱۳۶۳

در منزل بودم.[۳] آقای خامنه‌ای [نماز]جمعه را اقامه کردند. عصر آقایان [سیدمحمد] خاتمی

۱- در این نطق آمده است: "میلاد پربرکت امام هفتم(ع) را به خدمت امام امت و ملت عزیز تبریک و تهنیت عرض می‌کنم و از حادثه ترور نخست وزیر کشور دوست، هندوستان، خانم گاندی رئیس جنبش غیرمتعهدها ابراز تأسف می‌کنیم و امیدواریم که دنیایی داشته باشیم که این گونه حوادث در آن وجود نداشته باشد." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۲- در این دیدار که جمعی از خانواده‌های شهدا و عده‌ای از دانشجویان مسلمان پیرو خط امام و برادران دانش آموز و دانشجو که در تنظیم اسناد لانه جاسوسی همکاری می‌کردند، حضور داشتند، آقای هاشمی گفت: "این که آمریکایی‌ها، این همه اسناد مهم را پشت دیوارهای سفارت، در میان آتش فشان عظیم انقلاب اسلامی مردم ایران، نگه داشتند، مسأله جالبی است. آمریکا برای خود اطمینانی را احساس می‌کرد و انقلاب اسلامی را سطحی و زودگذر می‌پنداشت. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۳- در این روز شبکه تلویزیونی ABC ایالات متحده، برنامه معروف خود موسوم به "نایت لاین" را به موضوع اشغال سفارت آمریکا در تهران به دست دانشجویان مسلمان پیرو خط امام اختصاص داده بود. در این برنامه آقایان سعید رجایی خراسانی نماینده دائم ایران در سازمان ملل، حسین شیخ الاسلام معاون سیاسی وزارت امور خارجه، جودی پاول سخنگوی کاخ سفید در

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

[وزیر ارشاد اسلامی]، [محمد]عبائی [خراسانی]، [اسدالله]بیات، جعفری لنگرودی، هادی خامنه‌ای، [مهدی] کروبی، [محمدعلی]هادی [نجف‌آبادی] آمدند. نگران پیشرفت خط محافظه کار به تعبیر آنها از طریق جامعه مدرسین [حوزه علمیه قم] و حزب [جمهوری اسلامی] و [جامعه]روحانیت مبارز [تهران] و انزوای آقای منتظری بودند و در این باره چاره‌جوئی می‌کردند.

گفتم باید حزب [جمهوری اسلامی] و [جامعه] روحانیت مبارز [تهران] تعدیل شود و تأکید کردم که رابطه خود را با آقای خامنه‌ای [رئیس جمهور] بیشتر کنند و آنها را از برخوردهای حذفی و طرد دیگران تحذیر نمودم و استفاده تعبیراتی مثل راست و محافظه کار مرتجع را نادرست خواندم.

خانم سلامت آمده بود؛ برای پیدا کردن اموالشان که بین راه تهران و قم، دزدی با بُردن آنها به بیراهه، ربوده بود، کمک می‌خواست.

شنبه ۱۲ آبان ۱۳۶۳

در منزل بودم. خانواده علم‌الهدی اهوازی با آقای [صادق]آهنگران [مداح] سپاه آمدند. از وضع اهواز پس از انتخابات و تضعیف استاندار و امام جمعه و مدیریت استانی توسط نمایندگان مجلس، شاکی بودند.

شورای سرپرستی [صداوسیما]، جلسه داشت. مسئولان کانال یک تلویزیون آمدند و برنامه‌های آینده [کانال یک] را ارائه دادند. مدیر شبکه یک، متهم به ضعف مدیریت است؛ از خودش دفاع کرد. مقبول افتاد.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

دوره کارتر، ابوالحسن بنی‌صدر رئیس جمهور مخلوع ایران و دو تن از گروگانها بنامهای مورهندکندی و باری روزن شرکت داشتند. مهمترین موضع حاصل از این برنامه، اظهارات سخنگوی کاخ سفید در دوره کارتر و اعتراف به نقش آمریکا در وقوع جنگ تحمیلی بود. جودی پاول در پاسخ به اظهارات شیخ‌الاسلام که خود از دانشجویان تسخیرکننده سفارت آمریکا بود، اعلام داشت: "نتیجه مشهود و آشکار گروگان‌گیری، جنگ ایران و عراق می‌باشد و بدون گروگان‌گیری، این جنگ به وقوع نمی‌پیوست." وی دربارهٔ سخنان شیخ‌الاسلام درباره اهمیت تسخیر لانه جاسوسی گفت: "وقتی ایشان از افتخار آنچه انجام داده‌اند، به خود می‌بالند، بهتر است کمی مکث کنند و فهرست تلفات را مطالعه بفرمائید که دهها هزار نفر از هموطنان ایشان کشته شده‌اند. بعد از ذکر نام هر یک از آنها، وی می‌تواند بگوید که آنها به خاطر حماقت من کشته شده‌اند."

شب، آقای حسین سالاری آمد. گزارشی از خرید تعداد زیادی کشتی توسط وزارت نفت داد و معتقد بود که مسئولان شرکت نفت در این مورد در جهت منافع شرکت "سی ترانس" آلمان عمل می‌کنند و به کوتاهی آنها در تربیت کادر خدمه کشتی‌ها انتقاد داشت. علی حمامی و مرده‌شوی بهرمان هم از "نوق [رفسنجان]" آمده بود و برای رفع مشکلات، کمک می‌خواست.[1]

یکشنبه ۱۳ آبان ۱۳۶۳

قبل از دستور [جلسه علنی مجلس شورای اسلامی]، صحبت کوتاهی در مورد [سالروز سیزده آبان]، تبعید امام و تصرف سفارتخانه آمریکا کردم.[2] بعد از وقت تنفس، ریاست جلسه را به نواب رئیس سپردم.

شخصی را که اخوان مرعشی معرفی کرده بودند، آمد و برای گرفتن اجازه احداث کارخانه بطری‌سازی کمک می‌خواست که گفتم قبل از برخورد به موانع، توصیه نمی‌کنم. [آقای عباس علی

۱- در پی احضار دو روز قبل سفیر ژاپن در بغداد و هشدار به وی، صبح این روز (۱۲ آبان) سفیر ژاپن در تهران به مقامات وزارت امور خارجه اظهار داشت که وزارت امور خارجه عراق اخطار کرده است که به زودی تأسیسات ذخیره نفت در جزیره لاوان را که به وسیله متخصیص ژاپنی شرکت تویوکانیت در دست اجرا است، مورد حمله هوایی قرار خواهد داد و بهتر است اتباع ژاپنی، جزیره را ترک گویند. سفیر ژاپن با توجه به این تهدید، خواستار اقدامات حفاظتی و امنیتی جهت حفظ جان اتباع ژاپن شد. در پاسخ به وی اطمینان داده شد که اقدامات امنیتی کافی به عمل آمده است و جان اتباع ژاپنی به هیچ وجه در خطر نیست. اخطارهای قبلی عراق مبنی برحمله به تأسیسات پتروشیمی بندر امام خمینی(ره)، عملی شد و باعث شد ۵۹۰ متخصص ژاپنی، ایران را ترک گویند. این باعث می‌شود نگرانی فعلی ژاپنی‌ها، طبیعی محسوب شود.

۲- در این نطق آمده است: "۱۳ آبان سالگرد تبعید حضرت امام و سالگرد حادثه تاریخی تسخیر لانه جاسوسی آمریکا است که تقارن این دو حادثه در ۱۳ آبان، یکی از طنزهای مهم تاریخی است. آمریکایی‌ها در سال ۱۳۴۳ به امید سلطه کامل بر ایران و تحمیل کاپیتولاسیون، رهبر انقلاب، حضرت امام را از کشور تبعید کردند، ولی پس از ۱۵ سال بعد، جوانان غیور و مسلمان انقلابی ما جواب دندان شکن به آمریکا دادند و در یک حمله متقابل، اعتبار آمریکا را که سالها تحصیل کرده بود، در دنیا به هم زدند و نشان دادند که ابرقدرتها هر قدر هم که روئین تن باشند، باز در مقابل ارادهٔ ملت‌ها آسیب‌پذیرند و خداوند چنین انتقامی از این جنایت آمریکایی‌ها و عمال آنها گرفت." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

بهاری] نماینده ساری آمد. راجع به مزاحمت اداره جنگلداری برای دامداران و کشاورزان مازندران، مطالبی مطرح کرد.

[آقای سید حسین محمد آذری] نماینده تاکستان هم آمد. برای عمران طارم سفلی درخواست کمک کرد و از عدم هماهنگی با امام جمعه [تاکستان] گفت. عصر، با تلویزیون درباره مجلس، خیلی مفصل، مصاحبه‌ای انجام دادم.[1]

۱- آقای هاشمی در جواب سوال خبرنگاران دربارهٔ قانون اساسی و وظایف مسئولیتهای نمایندگان و تذکرات نمایندگان به مسئولان اجرایی، گفت: "قانون اساسی برای مجلس شورای اسلامی به طور مجموع و برای نماینده‌ها به طور فردی، حقوق و تکالیفی در نظر گرفته است که در مجموع این طور از قانون اساسی به دست می‌آید که مجلس شورای اسلامی و نمایندگان، بعد از رهبری، نقش اول را در کارهای اساسی کشور دارد. قانون اساسی در یک نقطه (فصل قوه مقننه) حدود ۲۸ اصل را به مجلس اختصاص داده است (۶۲ تا ۹۰) و در جاهای دیگر به مناسبت‌های دیگر باز به حقوق مجلس اشاره می‌کند، بعضی از این اصول حقوق نمایندگان و بعضی در کل مسائل کشور است، یعنی در هر چه که در مملکت می‌گذرد، مجلس حق وضع قانون دارد، مشروط براین که خلاف شرع و خلاف قانون اساسی نباشد. این عمده‌ترین کار مجلس است، نماینده هم به عنوان عنصری از آن، هم رابطه و هم حق دارد در اینجا کار بکند. نمایندگان، طبعاً با چنین مسئولیتهایی که دارند باید از شخصیتهایی باشند که بتوانند این وظایف را به عهده بگیرند. در هیچ جای دنیا، این همه قدرت که قانون اساسی به مجلس داده است، وجود ندارد."

ایشان دربارهٔ مقایسه مجلس اول و دوم گفت: "درباره مقایسه‌ای که می‌خواهم بکنم، این است که این مجلس دوم را از جهاتی از مجلس دوره اول قویتر و موفقتر می‌بینم. اولاً که مجلس دوم تجربه مجلس دورهٔ اول را دارد، وقتی در مجلس اول، کارمان را شروع کردیم کار پارلمانی بلد نبودیم، آئین نامه‌ای نداشتیم، آئین‌نامه‌ای که مال قبل بود، برای مجالس فرمایشی دوران شاه نوشته شده بود که به هیچ وجه به درد مجلس آزادی مثل این مجلس نمی‌خورد؛ خیلی طول کشید تا آئین‌نامه داشته باشیم تا بتوانیم کارمان را انجام بدهیم. یک نقطه‌ای که از امتیازات این مجلس است یعنی عیوب مجلس قبل را ندارد، یک گروهی بودند در مجلس قبل که مزاحم مجلس بودند در آن قسمت و بخش اول مجلس، حسابی می‌خواستند، مجلس را به هم بزنند چون بنی‌صدر با مجلس مخالف بود، اصلاً فکر می‌کرد این مجلس با او نمی‌سازد، برنامه داشتند که مجلس را تعطیل بکنند. در هر چه که در مملکت بگذرد، مجلس حق وضع قانون دارد، مشروط به اینکه خلاف شرع و خلاف قانون اساسی نباشد. هیچ مقامی در کشور حق ندارد با خارج از کشور قراردادی منعقد بکند که تعهدی در آن بیاید، برای مردم و کشور، مگر اینکه مجلس آن را تصویب کند. طبق قانون اساسی هیچ کار اجرائی که در مقابل مجلس مسئول نباشد، وجود ندارد. یکی از اصول قانون اساسی

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

آقای [محسن]رفیق دوست [وزیر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی] آمد. گزارشی از پیشرفت کار مقدمات کار عملیات آینده داد و آقای بهزاد نبوی [وزیر صنایع سنگین]، تلفنی در مورد زمان‌بندی ساخت ادوات مورد نیاز جنگ، سئوال کرد. احمد آقا، تلفنی گزارش ملاقات [ایرج فاضل] وزیر علوم و ستاد انقلاب فرهنگی را داد که امام اشاره به امکان جایگزینی شورای عالی فرهنگی به جای ستاد [انقلاب فرهنگی] فرموده بودند.

دوشنبه ۱۴ آبان ۱۳۶۳

در منزل بودم و بیشتر مطالعه می‌کردم. پیش از ظهر، احمد آقا آمد. راجع به حزب [جمهوری اسلامی] و خطوط موجود و ستاد انقلاب فرهنگی و مطالب دیگر مذاکره شد. عصر، آقای [عبدالمجید] معادیخواه آمد و راجع به کار بنیاد تدوین تاریخ، مذاکره شد. شب، آقای [علی] داودی از "نوق [رفسنجان]" چند گونی پسته آورد که برای مصرف سال و هدیه به نزدیکان است.[۱]

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

می‌گوید، گرچه نماینده از یک جای دیگری انتخاب شده اما در مقابل کل مردم مسئول هست و در مقابل همه مردم، باید جوابگو باشد." آقای هاشمی در جواب این سئوال که نقش شما به عنوان رئیس مجلس در دورهٔ قبل و در این دوره تا چه حد توانسته است در پیشبرد این وظایف و مسئولیتهای مجلس مؤثر باشد؟ گفت: "من خودم نمی‌توانم این را درست جواب بدهم، دیگران باید قضاوت بکنند. من نیز یکی از نماینده‌ها هستم که به هر حال یک کاری در مدیریت مجلس دارم و یک مقدار هم کارهای دیگری به خاطر نمایندگی امام در شورای عالی دفاع و اینها به عهده من هست که انجام می‌دهم. سعی می‌کنم حتی‌الامکان مشکلاتی که در مجلس هست، حل بکنم. در رابطه با قوه مقننه و سایر قوا اگر مسائلی پیش بیاید، حل بکنم. در داخل مجلس مواظب حسن جریان امور باشم، آئین‌نامه را اجرا بکنم. مشکلاتی که نماینده‌ها به خاطر شرایط خاص دارند، اگر از عهده‌ام برآید حل بکنم. این رابطه مردم را حتی‌الامکان با مجلس بیشتر و محکم‌تر نمایم." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۱- در این روز از رادیو صدای آمریکا برنامه‌ای پخش شد که طی آن، یک مفسر به بررسی تأثیر جنگ براقتصاد ایران و عراق پرداخت. محور اصلی این بررسی، ترسیم وضعی خوش بینانه و امیدوارکننده برای آینده اقتصاد عراق بود. در این گزارش آمده است: "چهار سال پیش، قبل از شروع جنگ، صادرات نفت خام عراق سه میلیون بشکه در روز بود و درآمد خالص عراق را به

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

سه شنبه ۱۵ آبان ۱۳۶۳

بعد از نماز صبح، به مجلس رفتم. گزارش‌ها حاکی از این بود که دیشب دو نفر یمنی یک هواپیمای عربستان سعودی را آورده‌اند، در فرودگاه مهرآباد نشانده‌اند. با [آقای ولایتی] وزیر خارجه در این باره صحبت کردم. قرار شد که هواپیما را سعی کنیم صحیح و سالم بگیریم و [به عربستان سعودی] پس بدهیم. ظهر گفتند که خود مسافران، هواپیماربا‌ها را دستگیر کرده‌اند و سپس نیروهای انتظامی وارد عمل شده و آنها را تحویل گرفته‌اند. بعداً معلوم شد که خبرها را اشتباهاً گفته‌اند، نیروهای ما، آنها را وادار به تسلیم کرده‌اند.[۱]

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

رقمی بالغ بر ۶ میلیارد دلار در سال می‌رساند ولی جنگ چهار ساله این کشور با ایران، صادرات نفت و در نتیجه درآمد آن را به طرز فاحشی کاهش داده است. در اواسط سال گذشته، صدور نفت عراق به ۷۰۰ هزار بشکه در روز تقلیل یافت و چون ۹۶ درصد درآمدهای ارزی این کشور، بسته به میزان صدور نفت است، این کاهش در صادرات عراق، تأثیری فاحش گذاشته است. دولت عراق با اطمینان کامل پیش‌بینی می‌کند که سال آینده میزان صادرات نفت خود را به سطح صادرات قبل از جنگ برساند. البته این اطمینان براساس برنامه‌هایی است که عراق برای رساندن نفت خام به وسیله لوله‌های نفتی از طریق ترکیه و عربستان به بنادر دریای مدیترانه و دریای سرخ، طرح‌ریزی کرده است. در حال حاضر صادرات سالانه نفت عراق کمی کمتر از سهمیه تعیین شده از طرف اوپک می‌باشد. مقامات عراقی سهمیه تعیین شده اوپک را غیر واقعی می‌دانند و معتقدند که پس از تکمیل کار ساختمانی لوله‌های نفتی، اوپک باید سهمیه این کشور را افزایش دهد".

۱- بامداد امروز یک فروند هواپیمای سه موتوره جت که از کشور عربستان سعودی ربوده شده بود، در فرودگاه مهرآباد به زمین نشست. هواپیمای ربوده شده که از نوع‌تری استار است، در پرواز لندن ـ ریاض اندکی پس از توقف و پرواز مجدد از جده ربوده شد و ساعت سه بامداد در تهران به زمین نشست. این هواپیمای مسافربری را که یک نفر از اتباع یمن شمالی ربوده است، دارای ۱۱۷ مسافر و ۱۵ خدمه است. رباینده، یک جوان عربستانی را نیز وادار به همکاری با خود کرده است. مقامات ایرانی به دلیل آن که اعلام شد سوخت هواپیما به پایان رسیده و سقوط هواپیما حتمی است، اجازه دادند هواپیما در فرودگاه مهرآباد تهران به زمین بنشیند. در پی این امر، ایران هیأتی در فرودگاه مهرآباد مستقر کرد. این هیأت ضمن تماس و مذاکره با ربایندگان، از آنها خواست که فوراً مسافران هواپیما را آزاد و خود را به مقامات جمهوری اسلامی ایران تسلیم کنند.

در ساعت ۵/۳۰ بامداد، حافظ اسد پیامی به وسیله فاروق‌الشرع، برای آقای خامنه‌ای رئیس جمهور ارسال کرد که در آن

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

تا ساعت ۱۰ صبح، در مجلس کار کردم و سپس به خاطر بحث درباره اعتبارنامه آقای [اکبر]حمیدزاده [نماینده بوئین زهرا] به تقاضای نمایندگان مجلس، جلسه را خصوصی و

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

آمده است: "پرزیدنت حافظ اسد از شما خواهشمند است چنانچه ممکن باشد، هواپیما و مسافران آن را بازگردانید و رباینده‌گان را نگه‌دارید. شاه فهد به خاطر همین موضوع با پرزیدنت اسد تلفنی تماس گرفته و امیدوارند که سوریه برای این مقصود، مساعی جمیله خود را نزد برادران ایرانی به کار برد. ما معتقدیم بازگرداندن هواپیما با مسافران، چهره خوبی از انقلاب اسلامی، به جهان نمایان خواهد ساخت، و این برخلاف کاری است که معمولاً رژیم عراق می‌کرده است. با سلام و درودهای پرزیدنت حافظ اسد برای برادرشان پرزیدنت خامنه‌ای." در این حال دولت جمهوری اسلامی ایران، ضمن تأکید بر مخالفت با هرگونه هواپیماربایی، ربوده شدن هواپیمای سعودی را محکوم کرد.

از سوی دیگر، در یادداشت امروز سفارت عربستان در تهران به وزارت امور خارجه آمده است: "مقامات عربستان از مسئولان محترم جمهوری اسلامی ایران خواهشمندند که تمام کوشش خود را مبذول فرمایند تا هواپیما و مسافران را سالم بازگردانند، موجب تقدیر دولت عربستان سعودی است." ساعت ۱۰/۱۰ هواپیماربایان با بیرون انداختن ورقه‌ای از هواپیما، درخواست‌های خود را به شرح زیر اعلام کردند: "۱- حکومت سعودی دست‌های خود را از سر یمنیها برداشته و مردم آن جا را در کشور خود آزاد بگذارند. ۲- معلمین سعودی از یمن فراخوانده شوند. ۳- نیم میلیون دلار آمریکایی برای رفع خسارت وارده، از سوی تجار سعودی به هواپیماربایان پرداخت شود. ۴- دولت ایران این مسئله را تضمین کند تا به هواپیماربایان پناهندگی سیاسی دهد." نیم ساعت بعد، یک درگیری در داخل هواپیما رخ داد که نهایتاً منجر به ورود نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی و دستگیری هواپیماربایان شد. براساس گزارش منابع مختلف وزارت خارجه و سپاه، روند ماجرا و نحوه ختم آن به قرار زیر است: "حدود ساعت ۱۰/۴۰ یکی از مسافران هواپیما یکی از هواپیماربایان را با چاقو مجروح کرد." به این ترتیب، در داخل هواپیما بین خدمه و رباینده هواپیما درگیری ایجاد شد و تیراندازی گردید. در همین حین نیز سُرسُری هواپیما باز شد و هماهنگ با آن، برادران سپاه به داخل هواپیما وارد شدند و هواپیماربا را که زخمی شده بود به همراه دستیارش دستگیر کردند. مسافران، به سالن فرودگاه راهنمایی شدند و پس از پذیرایی، به هتل استقلال انتقال داده شدند. پس از آزاد شدن مسافران و دستگیری رباینده به وسیله جمهوری اسلامی ایران، عربستان سعودی بیانیه‌ای صادر کرد و از اقدام جمهوری اسلامی ایران تشکر نمود. از سوی دیگر، گزارش سپاه حاکی است: "بلافاصله پس از وقوع این حادثه، مسئول هواپیمایی عربستان ازکار برکنار شده است." درخصوص این حادثه، خبرگزاری یونایتدپرس از ابوظبی به نقل از خبرگزاری کویت گزارش داد: "یک سخنگوی وزارت خارجه کویت، در پایان واقعه در فرودگاه مهرآباد اظهار داشت که دولت ایران، با اعطای پناهندگی سیاسی به هواپیماربایان موافقت نموده است."

غیررسمی و سرّی کردیم. مخالفان و موافقان درباره اعتبارنامه او صحبت کردند. مصلحت نبود که از تریبون پخش شود. این جلسه تا نزدیک ساعت سه بعد از ظهر، طول کشید. نمایندگان از مصاحبه تلویزیونی من درباره مجلس راضی بودند و نامه‌ای مبنی بر تشکر، امضاء کردند.

عصر، ملاقات‌هائی داشتم. شب، در مجلس ماندم. کارهای عقب افتاده را انجام دادم. چند روزی است، دست راستم کمی درد دارد. دکتر [موسی] زرگر با تشخیص اینکه اعصاب دست متورم شده، قرص‌هائی داده است. وقتی قرص‌ها را می‌خورم، مقداری خمار آلود می‌شوم. شب، دو فیلم «خط قرمز» و «خانه عنکبوت» را دیدم که علیه ضدانقلاب ساخته شده است. اولی را چپی‌ها ساخته‌اند؛ فیلم خوبی نیست. دومی، بد نیست.

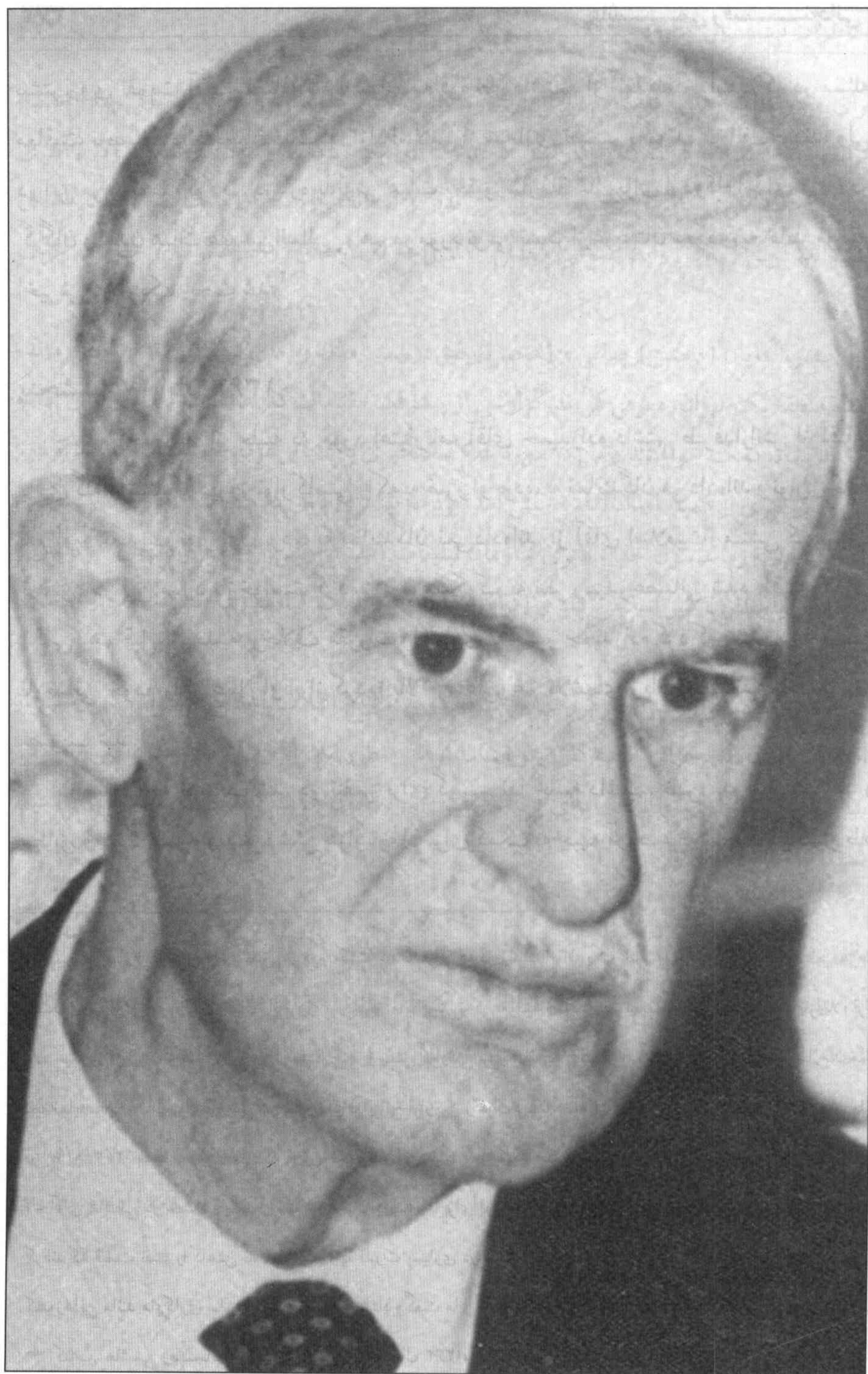
چهارشنبه ۱۶ آبان ۱۳۶۳

با آقای خرازی ملاقات داشتم که برای تبلیغات جنگ، اطلاعاتی از برنامه جنگ و بودجه بیشتر برای خبرگزاری جمهوری اسلامی می‌خواست. آقای حبیبی وزیر دادگستری آمد و درباره سازمان جدید وزارت دادگستری گزارشی داد؛ کم‌کم دارد احساس کم اختیاری می‌کند؛ تاکنون راضی بود.

با نمایندگان تهران و مسئولان شهرداری و استانداری و وزارت مسکن، جلسه داشتیم. کمیسیون از بازدید طرحهای انتقال آب‌های جنوب تهران به رودخانه کرج و کن و خشکاندن باتلاقها، گزارش داد و قرار شد درباره فاضلاب کلی تهران و انتقال آب به اراضی جنوب تهران، کار شود. [آقای سراج‌الدین کازرونی] وزیر مسکن، مقداری از وضع زمینها و متقاضیان زمین تهران گزارش داد و ادامه کار جلسه به هفته آینده موکول شد.

عصر، هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت. اول شب در دفتر رئیس‌جمهور، با مسئولان ارتش و سران سه قوه، برای تأمین کمبود پول ارتش، جلسه‌ای داشتیم. سپس با اعضای ستاد انقلاب فرهنگی ـ که امام ابقاء یا انحلال آن را موکول به نظر سران سه قوه کرده‌اند ـ جلسه‌ای داشتیم.

دو طرف مفصلاً حرف زدند. اعضای ستاد [انقلاب فرهنگی] مخالف انحلال [ستاد] بودند و [آقای ایرج فاضل] وزیر فرهنگ و آموزش عالی مخالف ادامه کار آن بود و سپس در جلسه خودمان، برای چاره اختلاف، بحث شد. انحلال [ستاد انقلاب فرهنگی] را به صلاح ندانستیم.



حافظ اسد رئیس جمهور سوریه

بیشتر روی تقویت آن، با اضافه شدن سران سه قوه نظر داشتیم. از آنها هم خواستیم که در مسئله معافیت تحصیلی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی از سربازی تصمیم بگیرند؛ مخالف بودند، ولی در این مورد تأکید کردیم. درباره پذیرش هیأت تحقیق سازمان ملل برای اردوگاه اسرای عراق در گرگان و آمدن هیأت عفو بین‌َالمللی [1] و هم در مورد نوعی تشکر از عربستان سعودی به خاطر موضع اخیرش در اوپک، بحث شد.[2]

پنجشنبه ۱۷ آبان ۱۳۶۳

چند مراجعه قبل از جلسه در مورد اعتبارنامه آقای حمیدزاده داشتم. طرفدارانش از آقای یزدی گله داشتند که دیروز نوار کاستی را که به ضرر او بوده، به نمایندگان می‌داده‌اند و نواری که به نفع او و تکذیب نوار اول بوده، به نمایندگان نمی‌داده‌اند. از آقای اسلامیت، منشی کمیسیون تحقیق، در این مورد بازخواست کردم. چون مشکوک به نظر رسید، عصبانی شدم. آقای آذری [قمی] هم قبل از جلسه برخلاف مقررات، اظهاری به ضرر حمیدزاده کرد که زننده بود و من نارضائی خودم را از عمل او ابراز کردم؛ بالاخره علی‌رغم تلاشهای زیاد مخالفانش، اعتبارنامه تصویب شد.

دو سه لایحه تصویب شد. در تنفس برای کمیسیونها جلسه داشتیم. ظهر، پدر شهیدی آمد و مطابق وصیّت پسر شهیدش، شش هزار تومان برای کمک به جبهه آورد. من هم، یک انگشتر طلا

۱- دبیر کل سازمان ملل برای تحقیق در مورد کشته شدن عراقی‌ها در زندان ایران یک هیأت سه نفره برگزیده بود. این هیأت متشکل از پروفسور "تورکل اوسپال" از نروژ، پروفسور "ماسایوکی تاکی موتو" از ژاپن و سرتیپ "انجل واله هورتا" از ونزوئلا، قرار بود، پنج روز از ایران و پنج روز از عراق دیدار کنند و سپس گزارشی برای ارائه به دولتهای ایران و عراق و نیز دبیرکل سازمان ملل تهیه نمایند. این هیأت برای بررسی شرایط زندانیان ایرانی قرار بود از عراق دیدن کنند. آقای خاویرپرزدکوئیار دبیر کل سازمان ملل در ۱۳۶۳/۸/۲۸ به علت اختلافاتی که درباره نحوه کار این هیأت به وجود آمد، از اعزام آن منصرف شد.

۲- آقای هاشمی در خطبه‌های نماز جمعه ۱۸ آبان گفت: "ما برای اولین بار از عربستان سعودی مردانگی دیدیم. اینها مقاومت کردند که قیمت نفت را کاهش ندهند. البته آنها قدرت بسیاری در صدور نفت دارند و اگر آنها هم دنبال نیجریه می‌رفتند، از کشورهایی مانند ما، کاری ساخته نبود. عربستان ایستاد و گفت ما این کار را نمی‌کنیم. وزیر نفت ما هم مقاومت کرد." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های نماز جمعه سال ۱۳۶۳، جلد هفتم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

برای مادر شهید، هدیه فرستادم. یکی از کارمندان که قبلاً دانشجوی نیروی دریائی بوده است، مراجعه کرد؛ توصیه کردم که به کارش برگردد ولی او مایل نیست [برسرکارش] برود. [آقای عطاءالله فضائلی] نماینده سمیرم آمد. از فرماندار و استاندار [اصفهان] شکایت داشت. آقای سعیدالذاکرین [مدیر روابط عمومی مجلس] آمد. راجع به کارهای روابط عمومی و خبرنامه حرف زد.

عصر، آقایان [محسن]رضائی و [محسن]رفیق‌دوست آمدند و آقای دهقان را به عنوان فرمانده سپاه منطقه یک تهران، معرفی کردند. گزارشی از پیشرفت مقدمات کار عملیات دادند و برای ادامه کارهایشان کمک خواستند و من در مورد عدم سختگیری با عشایر عرب خوزستان، تأکید کردم.

آقای تیری از کمیته امداد امام خمینی آمد. بودجه بیشتری برای کمک امداد می‌خواست. آقای [محمد علی] زم، مسئول حوزه هنری سازمان تبلیغات آمد. گزارشی از وضع فیلمهای خودشان و شیطنت فیلمسازان غیر اسلامی داد و [برای مقابله با اقدامات فیلمسازان غیراسلامی] کمک می‌خواست.

آقای معادیخواه همراه سرگروههای بنیاد تدوین تاریخ انقلاب اسلامی آمدند. گزارشی از اقداماتشان دادند و برای ادامه کار تشویقشان کردم. منظورشان از ملاقات، پخش خبر و معرفی بنیاد بود. بعد از نماز، جلسه‌ای برای برنامه جلسه آینده کانون حزب [جمهوری اسلامی] داشتیم. شب، به خانه آمدم.

جمعه ۱۸ آبان ۱۳۶۳

تا ساعت ده‌ونیم صبح در منزل مطالعه می‌کردم. خانواده نقّاش - که از عراقی‌های انقلابی اخراجی هستند - برای عقد ازدواج دخترشان آمدند. پدر و پسری از خانواده آنها را، پنج سال پیش صدامی‌ها به جرم هواداری از امام، بازداشت کرده‌اند و تاکنون هیچ خبری از آنها نیست. زن و هشت دختر و دو پسرش به ایران فرار کرده‌اند و دو دخترش در عراق هستند. یک مهندس فراری عراقی، با دخترش ازدواج می‌کند. عقدشان را خواندم و به آنها محبت کردم و هدیه دادم و هدیه‌ای

کمکهای مردم به جبهه های جنگ

هم عفت داد. استحقاق محبت دارند. تمام ثروتشان را، بعثی‌ها مصادره کرده‌اند[1]. همشیره فاطمه و آمیرزااحمد هم آمدند.

برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه [تهران] رفتم.[2] امام جمعه دهلی‌هند هم آمده بود و بین دو

۱- اکنون بعد از سقوط حزب بعث و حکومت صدام، هنوز هیچ اثری از شهدای این خانواده در زندان‌ها و گورهای دسته‌جمعی بدست نیامده است.

۲- در خطبه اول نماز، ادامه بحث عدالت اجتماعی در اسلام با موضوع قراردادهای کشورهای خارجی در ایران دنبال شد. در بخشی از این خطبه آمده است: "اگر برای کشور ما طرحی می‌دادند و قراردادی منعقد می‌کردند، سعی داشتند اجرای آن به نحوی باشد که ضمن وابستگی کامل به قطعات یدکی و متخصصین خارجی، اگر روزی نیز نخواستند آن را اجرا کنند، کارشناسان و کارگران ما قادر به انجام آن نباشند و قراردادها را نیز طوری تنظیم می‌کردند که در صورت عدم اجرای آن در محاکم بین‌المللی محکوم نشوند."

در خطبه دوم نیز در موضوع مهم جهانی شامل مذاکرات نظامی لبنان با اسرائیل و مسأله نفت تحلیل و تبیین شد در این خطبه آمده است: "در دو سه هفته اخیر توطئه شیطنت آمیزی از سوی استکبار جهانی آغاز شده بود که خوشبختانه در مراحل اول، این توطئه خنثی شد. درباره مسأله نفت دو استدلال عوام فریبانه وجود دارد که ما می‌توانیم آن را جواب دهیم. آنها می‌گویند، شما اگر نفت را گران کنید، کشورهای فقیر، ضرر خواهند کرد؛ اما ما می‌گوئیم مصرف نفت آنها کم است و ما می‌توانیم از درآمد نفتمان، خسارت آنها را بدهیم. هفتاد تا هشتاد درصد نفت را کشورهای صنعتی می‌برند که با قیمتهای گزاف، محصولات آن را به ما می‌فروشند.

استدلال دوم این است که اگر نفت را گران کنید، محصولات دیگر گران می‌شود. در اینجا باید گفت: اولاً تأثیر نفت خیلی زیاد نیست، ثانیاً کشورهای اروپایی تا آنجایی که بتوانند این قیمت را بالا می‌برند؛ آنها که رحم ندارند. ما ازکشورهای اسلامی می‌خواهیم که بهای نفت را به قیمت واقعی برسانند؛ ما حاضریم خسارت کشورهای ضعیف را بپردازیم."

آقای هاشمی دربارهٔ مذاکرات لبنان و اسرائیل نیز گفت: "از دو روز پیش، مذاکراتی بین رؤسای کشور لبنان و نمایندگان غاصب اسرائیل آغاز شده که چگونه این نیروها از لبنان خارج شوند. ما به هر قیمتی که اینها بیرون بروند، می‌توانیم قانع باشیم، اما آن چیزی که در حال وقوع است و بسیار زشت است، و باید دید که چه عاملی باعث شده که اسرائیل حاضر به خروج شده است؛ اینها باید به ما جواب بدهند. اما از مذاکره نمی‌ترسیم چون منطق برحق، از مذاکره نمی‌ترسد؛ اما مسأله چیز دیگری است. اگر مردم مسلمان جنوب لبنان، مبارزه کردند و پیروز شدند، مسئولان لبنانی با ذلت و با وساطت آمریکا، برروی خون آنها معامله

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

نماز صحبت کرد. شب، خانواده مرحوم حاج میرزا خلیل کمره‌ای، برای تشکر به خاطر کمک در هنگام مرگ پدرشان آمدند. عفت و فاطی برای شرکت در مراسم سالگرد شهادت همشیره‌زاده، کاظم‌داودی‌زاده که در عملیات والفجر ۴ به شهادت رسیده، رفته بودند. من و مهدی، شام را حاضری خوردیم و خوابیدم.

شنبه ۱۹ آبان ۱۳۶۳

تمام روز را در منزل بودم. تا ساعت نه صبح، مطالعه می‌کردم و سپس تا ساعت یک بعد از ظهر، شورای سرپرستی [صداوسیما]، جلسه داشت. درباره واحد طرح و برنامه و مدیریت شبکه

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

نکنند. هیچ چیز به جز زور و اسلحه و فشار، اسرائیل را از منطقه بیرون نخواهد کرد." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های نماز جمعه، سال ۱۳۶۳، جلد هفتم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۷۵.

خبرگزاری یونایتدپرس خطبه‌های نماز جمعه تهران را پوشش خبری داد. در این خبر آمده است: "هاشمی رفسنجانی به نمازگزاران در نماز جمعه تهران گفت که هفته گذشته عربستان سعودی برای نخستین بار با موافقت کردن با کاهش تولید نفت، مجری کاهش قیمت در اوپک، از خود دل و جرأت نشان داد. آقای هاشمی رفسنجانی در سخنانی به ستایش از عربستان سعودی پرداخت؛ کشوری که ایران معمولاً آن را پیش از این، به عنوان یک کشور محافظه کار و طرفدار غرب، مورد انتقاد قرار می‌داد. آقای هاشمی رفسنجانی آنچه را که وی تلاش‌های اخیر عراق برای مذاکره جهت پایان جنگ چهار ساله‌اش با ایران به دنبال حملات گسترده ایران در ماه گذشته خواند، ردکرد. آقای هاشمی رفسنجانی گفت: "اگر او [صدام حسین] عاشق صحبت کردن با ماست، به این علت است که احساس ضعف می‌کند." آقای رفسنجانی گفت: "این مردم لبنان به ویژه مسلمانان هستند که با حملات خود به سربازان آمریکایی و فرانسوی در نیروهای چند ملیتی حافظ صلح و حملات همه روزه خود به نیروهای صهیونیستی، اسرائیل را به موضع ضعف کشاندند."

روزنامه تایمز لندن نیز در این باره نوشت: "[آقای هاشمی] رفسنجانی گفت: عربستان سعودی با مقاومت در برابر کاهش قیمتها برای نخستین بار، عملی شجاعانه انجام داده است." اما وی در ادامه سخنان خود به سعودیها هشدار داد که آنان باید به همکاری خود با کشورهای عضو اوپک ادامه دهند.

روزنامه القبس چاپ کویت نیز نوشت: "[آقای هاشمی] رفسنجانی تهدید کرد، چنانچه ایران در فشار قیمتهای نفت قرار گیرد، بحرانی در منطقه شبیه بحران روزهای انقلاب، پیش خواهد آورد."

یک و کیفیت اخبار، بحث بود. عصر، گزارش‌ها را آوردند، خواندم. اظهارات دیروز من در نمازجمعه، درباره اوپک و عربستان سعودی و جنگ و مذاکرات لبنان و اسرائیل، انعکاس وسیع در رسانه‌ها داشته است.[1]

عربستان، پیغام سری به مقامات ایرانی داده که دیگر به عراق کمک نمی‌کند. حزب محافظه کار انگلیس، خواهان ارتباط بیشتر با ما شده [است]. از اردوگاه غرب و شرق، چنین حرکتهائی دیده می‌شود. با [آقای میرحسین موسوی]نخست وزیر و [آقای طباطبایی] مسئول بنیاد مستضعفان، درباره شرکت ساختمانی جدیدشان، مذاکره کردم. آقای [احمد]توکلی از عدم پیشرفت کار گله‌داشت. [آقای عابدی] وزیر بازرگانی، درباره کیفیت برخورد در کنفرانس اقتصادی سازمان کشورهای اسلامی، مشورت کرد.

یکشنبه ۲۰ آبان ۱۳۶۳

ساعت هفت صبح به مجلس [شورای اسلامی] رفتم. درگزارشها، تازه مهمی نداشتیم. در جلسه علنی، دو لایحه تصویب کردیم. بدون وقت تنفس، خسته شدم. ظهر در دفترم، آقای [محمد] صالحی عضو شورای نگهبان آمد، برای استعفاء از شورا و رفتن به مأموریت خارج از کشور مشورت کرد. از محیط حاکم بر شورا راضی نیست؛ موافقت نکردم.

آقای خیّر آمد. راجع به خرید قطعات و لوازم ابزار جنگ گزارشی داد و درباره شایعه خیانت واسطه اسلحه به نام «کاشانی» توضیح داد که از بودجه مربوط به خرید اسلحه نتوانسته چیزی بردارد. معتقد بود، چون ترسیده به ایران نیامده است. مدعی بود، دارند تکنولوژی ساخت قطعات مهم موشک "هاگ" را [به ایران] می‌آورند.

مسئول ساختمان‌های جدید مجلس، آمد. راجع به ساخت تالار جدید و خیابان احداثی کنار خانه‌های مجلس سابق، کسب تکلیف کرد. عصر، مولانا بخاری امام جمعه اهل سنت دهلی‌نو آمد.

۱- روزنامه فاینشنال تایمز نوشت: "روحانیون حاکم برایران، ستیزه‌جویی فزاینده‌ای را در روابط خارجی خودشان ادامه می‌دهند که این امر، احتمالاً بخشی از کشمکش‌های داخلی آنان بر سر جانشینی آیت‌الله خمینی است که اینک ۸۳ ساله است. حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی که برجسته‌ترین این رقبا است، دیروز (جمعه) تهدید کرد در صورت عدم افزایش قیمت نفت در آینده نزدیک، ایران تمامی صادرات نفت از خلیج [فارس] را متوقف خواهد کرد."

از انقلاب ما تعریف کرد. از حکومت هند ناراضی است و برای اجرای برنامه‌هایش، کمک می‌خواست. از ما می‌خواست که صدای مظلومیت مردم مسلمان هند را بلند کنیم.[۱]

در جلسه شورای مرکزی حزب [جمهوری اسلامی] شرکت کردم. مسائل اختلافی دو خط سیاسی، جوّ نامطلوبی را در جَلسات شورا به وجود می‌آورد. بعد از شورا هم در جلسه شورای دادرسی، بحث بر سر همین مطالب بود؛ من اصرار دارم که حزب [جمهوری اسلامی] باید از حالت طرفداری از یک جناح به در آید.

دوشنبه ۲۱ آبان ۱۳۶۳

صبح زود، به مجلس رفتم. در گزارشها، مطلب مهمی نبود. تا ساعت ۱۰ صبح، در دفترم کار کردم. جلسه نمایندگان تهران داشتیم که [آقای سراج‌الدین کازرونی] وزیر مسکن، درباره برنامه مسکن سازی توضیحاتی داد؛ جالب به نظر رسید. در جلسه بعد به بحث گذاشته می‌شود. ظهر، چند ملاقات داشتم و عصر، جلسه کانون حزب [جمهوری اسلامی] داشتیم. مقداری درباره جنگ و سیاست خارجی توضیح دادم. درباره لزوم اتحاد نیروهای اسلامی و احتراز حزب از عوامل تفرقه و خط بازی‌ها، بحث کردم.

شب، با رئیس جمهور، درباره لزوم جامعیت حزب و جذب نیروهای جوان انقلابی، جلسه

۱- در این دیدار، مولانا امام سید عبدالله بخاری ـ امام جمعه و جماعت مسجد جامع دهلی ـ با ابراز خوشحالی از سفر به ایران گفت: "توجه تمام دنیا بخصوص مسلمانان، به ایران دوخته شده است و مردم با علاقه شدیدی، رویدادهای ایران را دنبال می‌کنند. من از سوی مستضعفین و مسلمانان هندوستان، پیروزی انقلاب اسلامی ایران را صمیمانه تبریک می‌گویم. انقلاب اسلامی ایران به دلیل اسلامی بودنش، تنها انقلاب موفق و پیروز در جهان است."

آقای هاشمی نیز با اشاره به اینکه دشمنان اسلام برای دور کردن مسلمانان از فرهنگ اسلامی، صدها سال تلاش کرده‌اند گفت: "ما باید دوباره سعی کنیم که اسلام واقعی را در کشورمان پیاده کنیم و این کار در جمهوری اسلامی در حال شکل گرفتن است؛ اما یک کار طولانی است. آنچه که در توان داشته باشیم برای بهبود وضع مسلمانان جهان و هند انجام خواهیم داد. دشمنان اسلام برای اینکه نگذارند ما فرهنگ اسلامی را در کشور پیاده کنیم، مشکلاتی از قبیل جنگ تحمیلی برای ما بوجود آوردند، اما ما علاوه برآنکه در این جنگ به دشمن مسلط شدیم، از مشکلات دیگر مسلمانان جهان نیز غافل نشده‌ایم و حمایت از مسلمانان را از هر طریقی که ممکن بود، انجام دادیم".

خصوصی داشتیم. و قرار شد برای رفع این خطر تفرقه و خط بازی سیاسی به تعادل در واگذاری مسئولیتهای حزبی و تقسیم آنها بین دو سه جریان، تأکید شود. و از ایشان خواستم که بیشتر [برای اقامه] نماز جمعه بروند که قرار شد دو هفته من و دو هفته ایشان و یک هفته یکی از آقایان دیگر باشیم. برای صرف شام و خواب به مجلس رفتم.[۱]

سه شنبه ۲۲ آبان ۱۳۶۳

در جلسه علنی، چند لایحه تصویب شد. پس از تنفس جلسه را به آقای ربانی سپردم و به دفترم آمدم. آقای سیدمهدی طباطبائی آمد و از ضعف تعلیمات حزب [جمهوری اسلامی] و بزرگ‌نمائی اشتباهات ایشان در واگذاری زمینهای تهران از طرف مقامات، گله داشت. آقای [سیدحسین] حسینی، نماینده قائنات هم درباره حزب [جمهوری اسلامی] مطالبی داشت. نگران اثر سوء انتقادات زیاد و افراطی نمایندگان در نطقهای قبل از دستور بود که من هم تأیید کردم و لازم است تذکر بدهم.

عصر، جلسه هیأت رئیسه داشتیم. سر شب، عده‌ای پاسدار آمدند و از فرماندهان سپاه شکایت

۱- در این روز نشریه "انقلاب اسلامی در هجرت" که توسط ابوالحسن بنی‌صدر در پاریس منتشر می‌شود، درخصوص رفتن مجاهدین خلق (منافقین) به عراق، مسایل بیشتری را افشا کرد. این نشریه نوشت: "رجوی، شبی به دفتر بنی‌صدر رفت و طرح رفتن به عراق را به این شرح با او در میان گذاشت. اگر قطعه زمین قابل دفاعی در عراق بگیریم و من (رجوی) در آنجا مستقر شوم و بخشی از اسرا که طرفدار ما هستند در اختیار ما بگیرند و با فراخواندن، نیروهای طرفدار خود را از سراسر ایران در آنجا جمع کنیم و حمله را به رژیم آغاز کنیم، ظرف یک سال، رژیم را از پا در می‌آوریم و جنگ را به پایان می‌بریم. رجوی گفت: "شما بیایید به محلی که دارند برای شما آماده می‌کنند (خانه قطب‌زاده در ورسای) بروید و سکونت کنید. من می‌روم به عراق اگر نتیجه گرفتم که چه بهتر و اگر نگرفتم، شما سالم بمانید و مبارزه تعطیل نشود. بنی‌صدر گفت: سکوت در مقام بیان، علامت رضا است، چطور ممکن است شما به عراق بروید، با رژیمی دست یاری دهید که مستبدی خون‌ریز و متجاوز به ایران است و اینجانب سکوت کنم و سالم بمانم؟ و سکوت غیر ممکن است. و متأسفانه دیدیم که بالاخره مطبوعات غرب از جمله "پاری ماچ" و بعد "لوموند"، پرده از راز برداشتند و نوشتند که مجاهدین و دمکراتها و دیگران، در خاک عراق مستقر شده‌اند و سرانجام هم هفته نامه مجاهد نوشت که نیروها به خاک کردستان عراق، عقب‌نشینی کردند. البته لوموند، توجیه رجوی را درباره روی آوردن به عراق، دستیابی به صلح درج کرد؛ توجیهی تکراری که برای سازش با عراق به کار می‌رود."

داشتند ولی حرف روشنی نبود. جلسه شورای عالی دفاع داشتیم؛ کیفیت برخورد با پیشنهاد ژاپن در مورد آتش‌بس در خلیج فارس در دستور بوده که نظرم را درباره پیشنهاد، به آقای خامنه‌ای گفتم. شب، به منزل آمدم. آقای [واعظ] طبسی از مشهد، مخالفت خود را با تشکیل سمینار محققان تدوین تاریخ انقلاب، تلفنی مطرح کرد؛ نپذیرفتم.

چهارشنبه ۲۳ آبان ۱۳۶۳

برای خطبه‌های نماز جمعه مطالعه کردم. عصر، آقای ایوبی مسئول واحد ارزشیابی شورای سرپرستی [صداوسیما] آمد و از نامه مدیر شبکه یک، گله داشت.

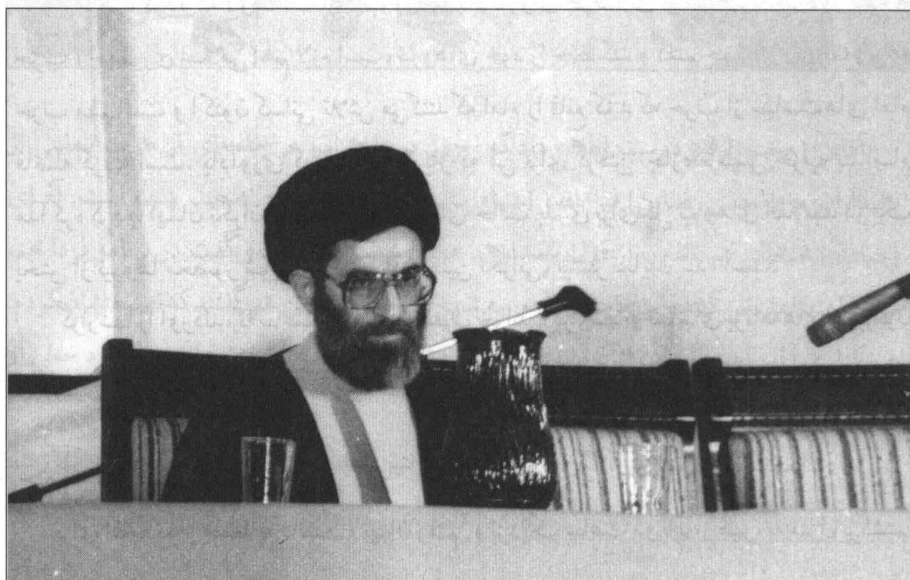
شب، به نخست وزیری رفتیم. با سران دیگر قوا، مهمان نخست وزیر بودیم. درباره تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی به جای ستاد انقلاب فرهنگی، با شرکت سران قوا، برای پیشنهاد به امام، به دستور خودشان، تصمیم‌گیری شد. درباره تعویق محاکمه سران حزب توده تا پایان جنگ و تحکیم روابط با شوروی به خاطر جلوگیری از بهره گیری غرب از سردی روابط ایران و شوروی، توافق شد.[1]

قرار شد حق استفاده از ساختمان خرم که قبلاً در دست آقای [شیخ علی اصغر] مروارید بود، به عنوان کتابخانه به ایشان واگذار شود. درباره پرداخت ارز به صنایع نظامی صحبت شد و آقای ولایتی اطلاع داد، آقای [عبدالحلیم]خدّام [معاون رئیس جمهور سوریه]، با پیامی از آقای

۱- دادستانی انقلاب اسلامی تهران در ۱۷ آبان اعلام کرد: "اولین جلسه محاکمه چند تن از اعضای مرکزیت حزب منحله و جاسوس توده، در روز دوشنبه ۱۳۶۳/۸/۲۱ و ساعت ۹ صبح، در دادگاه انقلاب اسلامی ایران مستقر در زندان اوین، تشکیل خواهد شد. اسامی عده‌ای از متهمین به شرح زیر است: ۱- نورالدین کیانوری ۲- فرج‌الله میزانی ۳- محمد مهدی پرتوی ۴- انوشیروان ابراهیمی ۵- منوچهر بهزادی ۶- عباس مجری ۷- رضا شلتوکی ۸-گارنیک آوانیسان و عده‌ای دیگر از عناصر مرکزیت این حزب." صداوسیمای جمهوری اسلامی در روز ملی یا استقلال کشورهای دارای سفارت در تهران، برنامه‌ای را به سفیر آن کشور در تهران اختصاص می‌داد که معمولاً در این برنامه، درخصوص آن روز و یا ارتباط بین دوکشور، پیامی به وسیله سفیر خوانده می‌شد. این بار، اعلام محاکمه سران حزب توده در مطبوعات، بعد از پخش پیام تلویزیونی سفیر شوروی، مورد توجه ناظران قرار گرفت. دادستانی انقلاب تهران در ۱۳۶۳/۸/۲۰ اعلام کرد، محاکمه اعضای کمیته مرکزی حزب منحله و جاسوس توده تا اطلاع ثانوی، به تأخیر افتاد.



ملاقات با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی



حافظ‌اسد و همچنین وزیر امور خارجه چین، به زودی به ایران می‌آیند. دیر وقت به منزل آمدم.

پنجشنبه ۲۴ آبان ۱۳۶۳

ظهر، احمد آقا آمد. از سفرَ ده روزه برگشته. به روستاهای اطراف اصفهان، کاشان، نجف آباد و قم رفته [بودند]. از روحیه و رضایت روستائیان و کمک‌های جهاد سازندگی و دولت به این مناطق، خیلی راضی است. تصمیمات جلساتی که در غیبت ایشان، با سران قوا درباره ستاد انقلاب فرهنگی داشتیم، به ایشان گفتم که خدمت امام بگویند.

آقای عسکراولادی آمد. از بی‌تفاوت شدن مردم نسبت به انقلاب، ابراز نگرانی می‌کرد. می‌خواست نتیجه بگیرد که دولت، خوب عمل نکرده است. برضرورت همکاری بیشتر من با جامعه مدرسین اصرار داشت. در مورد موضوع اول گفتم که باید هدف‌گیری ما، قشر محروم جامعه باشد که اکثریت‌اند و مورد رضایت خدا و اسلام هم هست. در مورد موضوع دوم، تصدیق کردم و به ایشان توصیه کردم که لازم است انقلاب را از اتهام ناروای طرفداری از سرمایه‌داران دور کنیم و حزب [جمهوری اسلامی] هم لازم است، نیروهای خود را حفظ کند و گفتم حمایت‌های امام برای حزب مهم است و اکنون کسانی تلاش می‌کنند که امام را قانع کنند که حزب از سیاست‌های امام فاصله گرفته است. یادآوری کردم، آخرین بار که من برای گرفتن اجازه تأسیس حزب با امام مذاکره کردم، ایشان نگران بودند که ماها به جای حالت پدری برای کل نیروهای انقلاب، در یک بخش از نیروها محصور شویم و اکنون افق چنین نگرانی، بیشتر نمایان شده است.[1]

گزارشها را آوردند، تا ساعت ده شب، مشغول خواندن گزارشها و تماشای برنامه‌های تلویزیون بودم.

جمعه ۲۵ آبان ۱۳۶۳

برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه تهران رفتم[2] و نزدیک ساعت دو بعد از ظهر، به منزل برگشتم.

۱- برای آگاهی از شرایط تشکیل حزب جمهوری اسلامی رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، کارنامه و خاطرات سال ۱۳۶۰، عبور از بحران،" زیر نظر یاسر هاشمی، دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۷۶.

۲- در خطبه اول، ابتدا بحث نژادپرستی در غرب مطرح شد. سپس خطیب جمعه به نقش زنان در جامعه ایرانی پرداخت و گفت:



آقای [محسن] رفیق‌دوست اطلاع داد که امروز در باختران، در جلسه‌ای از طرف بعضی از پاسداران، به [محسن رضایی] فرمانده [سپاه پاسداران] اعتراض و اهانت شده است. آقای [صادق] خلخالی هم تلفنی، از قول پاسداری، همین خبر را نقل کرد و گفت در برنامه فردا هم، می‌خواهند اعتراض کنند. این پاسداران دو سه شب پیش، به خود من هم گفتند که نصیحتشان کردم. به برکناری آقای عبدالوهاب از فرماندهی منطقه ۱۰ سپاه، اعتراض دارند و مدعی برخورد خطی او هستند.

آقای [سیدعباس] سالاری، کاردار ایران در آرژانتین آمد و از اینکه قانون، از ادامه سفارت،

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

"زنها در جمهوری اسلامی مانند مردها در تمامی کارها شریک هستند. در جوامع منحط غربی به اسم آزادی زن، فساد کاریها و فواحش مختلفی را انجام می‌دهند، حتی در بعضی از کشورها از فروش خانمها به عنوان مسأله‌ای برای تأمین "ارز" یاد می‌کنند".

رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های نماز جمعه، سال ۱۳۶۳، جلد هفتم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۶۳.

پس از گذشت یک دوره چهار ساله منع کرده است، ناراحت بود. پیشنهاد می‌کرد، مجلس این قانون را اصلاح کند تا از تجربه سفرا، بهتر استفاده شود. همچنین از عملکرد مستقل مأموران فرهنگی وزارت ارشاد [اسلامی] در خارج از کشور، انتقاد داشت.

شنبه ۲۶ آبان ۱۳۶۳

پیش از ظهر، شورای سرپرستی [صداوسیما] جلسه داشت. درباره بودجه و کیفیت نمایش زنان در فیلمها، بحث شد. تصویب کردیم که در صداوسیمای شهرستانها، زبانهای قومی مثل ترکی [آذری] و کردی و... به کار گرفته شود و مانع نمایش لباسهای بومی در سینماهای محلی نباشیم.

عصر، آقای ری‌شهری [وزیر اطلاعات] آمد و گزارش مفصلی از کشف گروه ضدانقلاب در ارتش و... داد و از نحوه شناخت عناصر نفوذی بعضی از جریانهای ضدانقلاب که مهم و جالب است. گزارشی هم از پیشرفت کار وزارت [اطلاعات] در تشکیلات و امکانات داد؛ خوب کار کرده‌اند.

آقای امیر عراقی [از وزارت نفت] آمد و راجع به سیاست فروش نفت سئوال کرد. تشویق به فروش بیشتر نفت، برای رفع مشکل ارزی کردم. آقای حسین سالاری مباشر املاک عفت آمد و تقاضای اجرت بیشتر برای کار روی املاک موروثی عفت، در کشکوئیه [رفسنجان] داشت.

گزارشها را از مجلس آوردند. با آقای ناطق نوری درباره کارهایش، تلفنی صحبت کردم. اطلاع داد که [گروه] حزب‌الله [تهران] اعلان تظاهرات، علیه بی‌حجابی کرده است. برای کیفیت برخورد با آنها، مشورت کرد. عفت به عیادت خانم دکتر [حسن]روحانی رفت که در بیمارستان بستری است.

یکشنبه ۲۷ آبان ۱۳۶۳

تا ساعت ده‌ونیم صبح، جلسه [مجلس شورای اسلامی] را اداره کردم و بعد از تنفس، ریاست جلسه را به آقای یزدی سپردم. با آقای [عبدالحلیم] خدام معاون رئیس جمهوری سوریه و هیأت همراه ملاقات داشتم.[1] [آقای عبدالحلیم خدام] بیشتر روی لزوم تقویت محور کشورهای مترقی

۱- آقای عبدالحلیم خدام معاون رئیس جمهوری سوریه در این دیدار، خواستار هماهنگی و انسجام بیشتر کشورهای مسلمان در

عرب، برای مقابله با محور ارتجاع عرب و... تکیه داشت و معتقد بود، آمریکا در منطقه برای اجرای طرح کمپ دیوید فعال شده است. روی لزوم حمایت نیروهای اسلامی لبنان برای مبارزه با اسرائیل تأکید شد. سیاست سوریه، حذف طرفداران آقای [یاسر]عرفات است و در مورد تحسین روابط با عربستان سعودی و شوروی به ما توصیه می‌کرد؛ ما هم قبول داشتیم.[۱]

ظهر، [آقای اسحق جهانگیری]، نماینده جیرفت آمد. از مشکلات جیرفت و اینکه امکانات طبیعی منطقه، هرز می‌رود، گفت و از امام جمعه جیرفت گله‌داشت و از تضعیف نیروهای حزب‌اللهی در دانشگاه‌ها اظهار نگرانی می‌کرد. [آقای مصطفی قادری]نماینده پیرانشهر، آمد و از میدان ندادن به نیروهای داوطلب در کردستان و اعتماد بیش از اندازه به تواب‌ها گله‌داشت و

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

مقابله با اسرائیل شد و بار دیگر حمایت قاطع سوریه از جمهوری اسلامی ایران را اعلام کرد. وی همچنین پیام شفاهی حافظ اسد رئیس جمهوری سوریه درباره دعوت از آقای هاشمی برای سفر به سوریه را رساند. آقای هاشمی در این دیدار گفت: "گزارش آقای خدام برای ما بسیار امیدوارکننده است؛ مخصوصاً اینکه تحولی و حرکتی در مردم مسلمان منطقه ایجاد شده که الگوی خوبی برای تمام مسلمین برای دفاع خواهد بود. قطعاً سوریه مبارزه خود با اسرائیل غاصب را تداوم خواهد بخشید و مطمئن باشید که این غده سرطانی حزب بعث عراق را به زودی از میان خواهد رفت تا صلح سریعتر بتواند به خاورمیانه برگردد."

۱- رادیو اسرائیل در پی دیدار عبدالحلیم خدام از ایران در تفسیری مدعی شد: "ناظران سیاسی عقیده دارند که علت اصلی مسافرت ناگهانی عبدالحلیم خدام به تهران، اختلاف نظر شدیدی است که درباره مذاکرات لبنان و اسرائیل بین حکومت اسلامی ایران و رژیم بعث سوریه بروزکرده است. در حالی که سوریه به طور غیر مستقیم از آغاز گفتگو به منظور خروج سربازان اسرائیلی‌ها از لبنان جانبداری کرده، حکومت تهران عقیده دارد که باید در امر خروج اسرائیلی‌ها کارشکنی شود، تا عملیات تروریستی در جنوب لبنان و ناآرامی در سراسر آن کشور ادامه یابد. آقای هاشمی رفسنجانی پس از ملاقات امروز با عبدالحلیم خدام بدون اشاره به این اختلاف نظر گفت: "سوریه، قطعاً مبارزه خود را با اسرائیل، تداوم خواهد بخشید." به گزارش رادیو دولتی ایران در گفتگوهای عبدالحلیم خدام با ایران، همه جا بر لزوم همکاریهای استراتژیک بین دوکشور تأکید شده است." رادیو بی بی سی هم در تفسیر خود درباره دیدار عبدالحلیم خدام از ایران اعلام کرد: "سوریه، متحد اصلی ایران در منطقه است و در جنگ طولانی ایران و عراق، همواره از ایران حمایت کرده است. از این گذشته، سوریه از موقعیت خاصی برخوردار است که تنها کشور صاحب نفوذ عربی است که باکادر رهبری ایران، تماس مستقیم و منظم دارد و بسیاری از دولتهای عربی، معتقدند که اگر قرار باشد، جنگ ایران و عراق از طریق مذاکره پایان یابد، در این صورت، سوریه در این زمینه خواهد توانست، نقش اصلی را ایفا کند.

نگران سازش بارزانیها و طالبانیها بوده و از امام جمعه بیجار، به خاطر کم توجهی به اهل سنت، گله داشت.

آقای [شیخ فضل‌الله]محلاتی [نماینده امام در سپاه] آمد. گزارشی از موج مخالفت با فرماندهی سپاه گفت و اعلان خطر کرد و از عدم توجه فرماندهی [سپاه پاسداران] به نصایح خودش و تضعیف ایشان، گله داشت.

عصر، در شورای مرکزی حزب [جمهوری اسلامی] شرکت کردم. علاوه بر شرح وظایف واحدها، درباره بودجه و وضع مالی دولت و کمبود ارز و بودجه، بحث شد.

رئیس جمهور درباره کرمان که به زودی به آنجا مسافرت می‌کنند، مشورت کردند و آقای ناطق نوری وزیر کشور درباره استاندار کرمان و خوزستان، و آقای [حبیب الله] عسکراولادی درباره کمیته صنفی صحبت کرد. من در این جلسه، تذکر دادم که حزب [جمهوری اسلامی] با یک بعدی شدن، تدریجاً حمایت امام را از دست خواهد داد و از هم اکنون نیز، شکایات زیادی از این جهت، به امام می‌رسد.

دوشنبه ۲۸ آبان ۱۳۶۳

ساعت هشت‌ونیم صبح، احمد آقا اطلاع داد که آقای خامنه‌ای به دفتر امام آمده‌اند که با هم، به زیارت امام برویم؛ رفتیم. موضوع دانشگاه‌ها و اختلافات [آقای ایرج فاضل] وزیر [فرهنگ و آموزش عالی] با ستاد انقلاب فرهنگی و مسئله اصلاح ستاد انقلاب فرهنگی مطرح بود. در جهت تعدیل ستاد و درباره دانشجویان و تندروها صحبت شد. امام لازم می‌دانستند که آنها را باید راضی نگه‌داشت. موضوع طرح ژاپن در مورد آتش‌بس در منطقه خلیج فارس هم مطرح شد که در گذشته [امام با این طرح] موافقت کرده بودند؛ ولی فعلاً موافق نیستند و احتمال تأثیر منفی، در روحیه مردم و تضعیف جبهه‌ها و بهره‌برداری مخالفان را می‌دادند.

گزارش مذاکرات با هیأت سوری هم خدمت ایشان داده شد. سپس احمد آقا به منزل آمد و راجع به مشکل اراضی واگذاری حاکم شرع شهرداری و سئوالی که دادستان تهران در این خصوص از امام کرده بود، مشورت کرد. با دادستان تماس گرفتیم که قبلاً روشن کنند که اراضی واگذاری، مشمول قانون اراضی شهری مجلس بوده است یا خیر؟ درباره مشکلات سپاه و مسئله مخالفت جمعی از پاسداران با فرماندهی بحث شد.

آقای معادیخواه، درباره پیشنهادهای اصلاحی آستان قدس [رضوی] درباره اساسنامه بنیاد تدوین تاریخ، تلفنی صحبت کرد که یک طرفه است؛ آن را خواندم، درست می‌گوید. شب، اعضای شورای فرماندهی سپاه آمدند و برای مشکل مخالفت‌های پاسداران با فرماندهی، تقاضای چاره‌جوئی داشتند. قرار شد من با آنها صحبت کنم و آنها را از مخالفت در این موقعیت جنگ، برحذر دارم. آقای نخست وزیر هم، تلفنی در مورد نحوه دفاع مسئولان دادگاه لاهه در جلسه روز سه شنبه، صحبت کردند[1] و آقای ناطق‌نوری [وزیر کشور]، درباره حل مشکل استانداری

۱- رادیو آمریکا امروز در یک گزارش تحقیرآمیز، به طور غیر مستقیم بر موضع ضعیف ایران در دیوان لاهه تأکید کرد و قوت آمریکا را به رخ شنوندگان ایرانی صدای آمریکا کشید. در این گزارش نسبتاً مفصل، آمده است: "هنگامی که رژیم جمهوری اسلامی اعلام کرد که کلیه پول‌های خود را از بانک‌های آمریکایی خارج می‌کند، پرزیدنت کارتر رئیس جمهور وقت آمریکا، پس از جلسه‌ای که پیش از سحر در کاخ سفید با اعضای دولت خود تشکیل داد، دستور داد که کلیه دارایی‌های ایران در بانک‌های آمریکایی و از جمله شعبات آنها در سایر کشورها، باید توقیف بشوند. طی ۱۴ ماهی که هزاران میلیون دلار از دارایی‌های ایران تحت توقیف بود، این مسئله مهم‌ترین عامل آزادسازی گروگان‌های آمریکایی در تهران شناخته می‌شد.

پس از آن که کارمندان سفارت آمریکا در تهران آزاد شدند، دارایی ایران نیز به دستور دولت آمریکا آزاد شد؛ اما هزار میلیون دلار از آن دارایی‌ها، در یک حساب تضمینی یا امانی در بانک مرکزی انگلستان نگه داشته شد؛ تا به وسیله یک دیوان داوری خاص که برای رسیدگی به شکایات اتباع و مؤسسات آمریکایی تشکیل می‌شد، آنها بتوانند با شکایت علیه تصرف و چپاول اموالشان به وسیلهٔ مأموران حکومت اسلامی در ایران، خسارت خودشان را از ایران پس بگیرند.

طبق سازشی [توافقی] که رژیم اسلامی با دولت آمریکا کرد، قرار شد که هرگاه این صندوق تضمینی پرداخت خسارات آمریکائیان، ذخیره‌اش از میزان معینی پایین‌تر برود، ایران فوراً صندوق را پر کند و دوباره به سطح یک میلیارد دلار افزایش بدهد.

روزنامه نیویورک تایمز می‌نویسد: "حقوق دانان معتقدند که دیوان داوری دعاوی ایران و آمریکا وسیله‌ای است برای حفظ و اعمال قانون بین‌الملل، و ایران را مجبور کرده است که بابت اموال خارجیانی که غصب کرده، به آنها غرامت بپردازد. مؤسسات آمریکایی تاکنون حدود سه هزار و هشتصد شکایت علیه ایران در این دیوان اقامه کرده‌اند که تاکنون فقط تعداد کمی از این دعاوی، محاکماتشان به پایان رسیده و در اکثریت قریب به اتفاق آنها، دیوان، حکم به محکومیت ایران و پرداخت غرامت به شاکی‌های آمریکایی صادر کرده است.

آرتور رووایز نماینده سابق رابط دولت آمریکا در دیوان داوری لاهه می‌گوید: "شاکیان آمریکایی اگر به دادگاه‌های آمریکا

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

خوزستان، کمک خواست.[۱]

سه شنبه ۲۹ آبان ۱۳۶۳

در جلسه علنی [مجلس شوَرای اسلامی] تا وقت تنفس ماندم. مراجعات زیادی از طرف

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

شکایت کرده بودند، آن قدر که در دیوان لاهه برنده شده‌اند در دادگاه‌های آمریکا برنده نمی‌شدند. در دادگاه‌های آمریکا، ایران می‌توانست برای دفاع از خود، به قانون مصونیت دولت‌های مستقل که در آمریکا به تصویب رسیده بود رجوع کند؛ اما در دیوان داوری لاهه، ایران نمی‌تواند از این دفاع برخوردار بشود.

تاکنون دیوان لاهه حکم پرداختن ۳۰۶ میلیون دلار خسارت به شرکت‌های آمریکایی را صادر کرده، و این خسارات، از صندوق تضمینی ایران به آمریکائیان پرداخت شده؛ اما ایران ضمناً مجبور شده بیش از این مقدار یعنی متجاوز از ۴۰۰ میلیون دلار بهره تأخیر تأدیه، از حساب جداگانه‌ای به شرکت‌های آمریکایی بپردازد. در دیوان لاهه سه قاضی از سوی ایران، سه قاضی از سوی آمریکا و سه قاضی بیطرف نیز توسط خود دیوان انتخاب می‌شوند که باید مورد موافقت هر دو کشور قرار بگیرند. قضات ایران تقریباً همیشه به نفع طرف‌های ایرانی رأی داده‌اند و قضات آمریکایی هم به نفع شاکیان آمریکایی؛ بنابراین رأی تعیین کننده همیشه توسط داوران بیطرف داده شده است.

۱- بحث بر سر خبر واگذاری سه جزیره کویتی به عراق و صحت و سقم آن، همچنان ادامه دارد. از ظواهر چنین پیداست که لااقل از نظر عراق، این واگذاری وجه‌المصالحه حل اختلاف مرزی بین کویت و عراق است. در همین زمینه رادیو کویت گزارش داد: "بامداد امروز شیخ نواف الاحمدالجابر وزیر کشور کویت، در نقطه مرزی ابدالی (عبدلی) با آقای سعدون شاکر وزیر داخله کشور برادر، جمهوری عراق، ملاقات نمود. در این ملاقات، برخی از مسئولان وزارت داخله دو کشور برادر نیز حضور داشتند. آنگاه شیخ نواف الاحمد و آقای سعدون شاکر، به اتفاق از مناطق مرزی مشترک، دیدن نمودند. طرفین این گردهمایی، دربارهٔ کلیه مسائل مربوطه در مورد خدمت به منافع دو ملت برادر، بحث و گفت‌وگو نمودند."

به گزارش آسوشیتدپرس، ملاقات امروز در ابدالی کویت، به منظور امضای قریب‌الوقوع یک موافقتنامه تعیین حدود مرزی بوده است. در این گزارش، به نقل از بیانیه دولت کویت در این باره آمده است: "گفت‌وگوها و بازدید منطقه مرزی توسط شیخ‌نواف‌الاحمد از کویت و سعدون شاکر از عراق، در جهت تفاهم حاصله بین دو کشور در جریان دیدار هفته گذشته شیخ سعد عبدالله ولیعهد کویت از عراق بود."

بسم الله الرحمن الرحیم

خانواده های معظم شهدا

پرده برداشتن از چهره زیبای اندیشه و قلم زدن در پهنه وسیع علم و دانش و اسرار آفرینش و هیبت جهان بسیار سهلتر از آن است که بخواهیم در وادی شهادت برانیم و از هجرت سرخ عاشقان شهادت دم زنیم. چگونه می توان حماسه شهیدی نشسته بر موج خون و شناور در دریای بیکران عشق خدا را ترسیم نمود! شیفتگانی که تنها با اشاره ای از خدای خویش و پیامی از کربلای حسین مشتاقانه به سر دویدند تا سرانجام از دست سالار شهیدان صهبای عشق نوشیدند.

بر صفحات کتاب بزرگ تاریخ در کنار هر ورقی از ایثارگری شهیدان کلماتی زرین از برای یادگار و آرامش عمر فانی بازماندگان آنها خودنمایی می کند، که برای ما درسی و عبرتی و برای آیندگان بشارتی بر تداوم انقلاب اسلامی مردم ایران که همان ادامه راه شهداست می باشد.

مایه تسلی خاطر شما ایمان و باور تابناک به این حقیقت است که این پرورش یافتگان دامانتان خونبهائی چون نظاره بر جمال ذات مطلق احدیت و مأوائی چون باغ بهشت و سایه طوبی و مشربی از کوثر دارند و هیچ حزن و اندوهی سرنوشت آنان نشانه نگرفته است.

خوبان بر حال شما خانواده های صبور و شهیدانتان غبطه می خورند.

و به درگاه خداوند دعا می کنند، که از رهروان

این راه استوارشان دهد و بسوی

نور راهنمائی شان فرماید،

رئیس مجلس شورای اسلامی

اکبر هاشمی رفسنجانی

۶۳/۸/۲۹

پیام به خانواده های شهدا

نمایندگان داشتم. معمولاً این مراجعات کوتاه داخل مجلس را، در خاطرات نمی‌نویسم. با اینکه گاهی مهم و تاریخی است ولی اگر بخواهم بنویسم، وقت و جای زیادی می‌گیرد.

ظهر، پسر آقای موحدی کرمانی -که یکی از فرماندهان سپاه است - آمد و انتقاداتی به شیوه عمل فرماندهی سپاه داشت و مشورت می‌کرد برای ماندن در سپاه که گفتم بماند؛ به خصوص از طرح مناطق بزرگ، شیوه آزادسازی نیروها و برخورد با مخالفان حرف زد.

آقای سید محمد رضا بهشتی، [فرزند شهید بهشتی] آمد. برای سازمان فجر اسلام، کمک می‌خواست و خبر از کامل شدن نامه انتقاد به حزب [جمهوری اسلامی] توسط پنج نفر را داد. آقای ریاضی آمد و گزارش پیشرفت کار خرید اسلحه از آرژانتین را داد.

عصر، استاندار تهران آمد و گزارشی از برنامه کار انتقال سیلاب‌های نهر کن به نهر کرج، به منظور آبیاری اراضی جنوب غرب تهران و کم کردن باتلاق‌های جنوب شرق تهران را داد و برای طرح‌های دیگر کمک می‌خواست.

آقای حسین حقانی آمد و از دادستان کل کشور در مورد اجازهٔ بردن اثاث مدرسه حقانی، به نفع مخالفان ایشان، گله داشت. به خاطر اختلاف نظر مدیران مدرسه، به جای دیگر منتقل شده‌اند. تجهیزات و اثاث را هم برده‌اند. مدعی است، مال وقف مدرسه است.

آقای [عباسعلی] زالی [وزیر کشاورزی] و معاونانش آمدند. گزارشی از موفقیت‌ها در امر کشاورزی و اصلاح کشت دیم داد و از تداخل وظایف وزارت کشاورزی با جهاد سازندگی، گله داشت و در این مورد تقاضای چاره‌جوئی کرد. شب، آقای عبدالوهاب فرمانده معزول منطقه ده سپاه تهران آمد. گزارشی از برخورد و اختلافاتش با فرماندهی سپاه داد و ادعای مظلومیت دارد. ناراحتی‌های اخیر [سپاهیان]، تا حدودی مربوط به طرفداران ایشان است. ایشان را نصیحت کردم که در زمان جنگ، چاره‌ای جز صبر و گذشت نیست. شب، در مجلس ماندم. تا دیر وقت کار کردم.[1]

۱- وزرای شش کشور عربی عضو شورای همکاری خلیج فارس، قبل از ظهر امروز اولین نشست مقدماتی خود را به منظور آماده ساختن دستورکار اجلاس سران کشورهای شورای همکاری -که قرار است در ۲۷ نوامبر جاری (۱۶ آذر ماه) درکویت برگزار شود - پشت درهای بسته هتل "هایت ریجنس" درکویت به پایان رساندند. در این نشست، شیخ صباح‌الاحمد وزیر خارجه کویت در

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

چهارشنبه ۳۰ آبان ۱۳۶۳

تا ساعت هشت صبح، در دفترم کار کردم. آقای [دکتر عبدالله]جاسبی آمد. گزارش پیشرفت کار دانشگاه آزاد اسلامی را داد و کمک خواست. درباره حزب [جمهوری اسلامی] و سازمان زنان اسلامی، صحبت کرد. آقای [رضا]امراللهی مسئول سازمان انرژی اتمی آمد و گفت، آلمان حاضر نیست در زمان جنگ، کار نیروگاه اتمی بوشهر را به طور جدی شروع کند و حتی ممکن است بعد از جنگ هم، همکاری لازم را ننمایند و تحت فشار آمریکا است. قرار شد پیگیری کنیم. در مورد سهام ایران در اورودیف فرانسه و وام ایران به آنها هم و درباره مواد تولیدی و وارداتیمان و پیشرفت کار برنامه‌های اصفهان گزارش داد.

دکتر حسن روحانی آمد. ایشان را در جریان برنامه عملیات آینده، قرار دادم و از ایشان خواستم که به نمایندگی من با فرماندهان [سپاه و ارتش] تماس بگیرد و برای رفع نیازها، کمک کند.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

حضور وزرای خارجه کشورهای عربستان سعودی، قطر، بحرین، امارات عربی متحده و عمان و هیأتهای همراه و خبرنگاران، سخنان مشروحی ایرادکرد. وی بخش عمده‌ای از سخنان خود را به مسائل مهمی از قبیل تحولات جنگ تحمیلی، خطرات ناشی ازگسترش دامنه آن، تهدیدات جاری در منطقه، مسئله جنگ نفتکش‌ها، بستن تنگه هرمز و تهدیدات خطوط کشتیرانی در خلیج فارس وکشانده شدن کشورهای منطقه به جنگ، اختصاص داد.

وی گفت: "جنگ ایران و عراق با گذشت بیش از چهار سال از آغاز آن، صلح و امنیت و استقرار منطقه و جهان را تهدید می‌کند." وی با اشاره به اثر گسترش این جنگ به کشورهای منطقه، بدون به میان آوردن نام کشوری، از ادامه جنگ ایران و عراق ابراز نگرانی کرد. وزیر خارجه کویت در نطق خود اعلام کرد که کشورهای شورای همکاری، در چهارچوب ادامه تلاش‌های خود جهت پیدا کردن راه حلی برای جنگ ایران و عراق، از هیچ گونه تلاشی جهت پایه گذاری اساسی صلح در منطقه فروگذار نخواهد کرد. پس از این نطق، خبرنگاران از محل انعقاد اجلاس خارج شدند و جلسه، "در بسته" اعلام شد.

رادیو بی.بی.سی. در این باره گزارش داد که وزرای خارجه ممالک حوزه خلیج فارس، تحت تدابیر امنیتی شدید، در حومه شهر کویت و تنها ۱۶۰ کیلومتر دورتر از جبهه جنگ ایران و عراق با یکدیگر ملاقات کرده‌اند. تنها عده کمی از ناظران سیاسی در کویت معتقدند که گردهمایی اخیر، پیشنهاد جدیدی برای خاتمه جنگ ایران و عراق ارائه خواهد کرد. اما این شایعه مجدداً مطرح شده است که "شورای همکاری" بار دیگر بر پیشنهاد جدید دایر براین که بخشی از خسارات وارده بر طرفین را جبران کند، تأکید خواهد کرد. انتظار می‌رود که این امر، مقامات دولت ایران را به گشودن باب مذاکره با عراق ترغیب کند.





در جلسه نمایندگان تهران شرکت کردیم. نیازهای آموزش و پرورش تهران برای زمین و ساختمان مطرح شد و راجع به برنامه وزارت مسکن، بحث و انتقاداتی شد و ایشان جواب داد؛ بد نبود. شهردار تهران، گزارش موفقیت برنامه اخیر طرح ترافیک را داد که با کمک سربازان وظیفه انجام شده است.

ظهر، سرهنگ [اسماعیل] سهرابی رئیس ستاد مشترک [ارتش جمهوری اسلامی] آمد.[1] برای ارتشی‌ها از جهت مسکن و حقوق کمک می‌خواست. با ایشان در مورد آماده کردن ستاد، برای همکاری در جنگ، صحبت کردم.

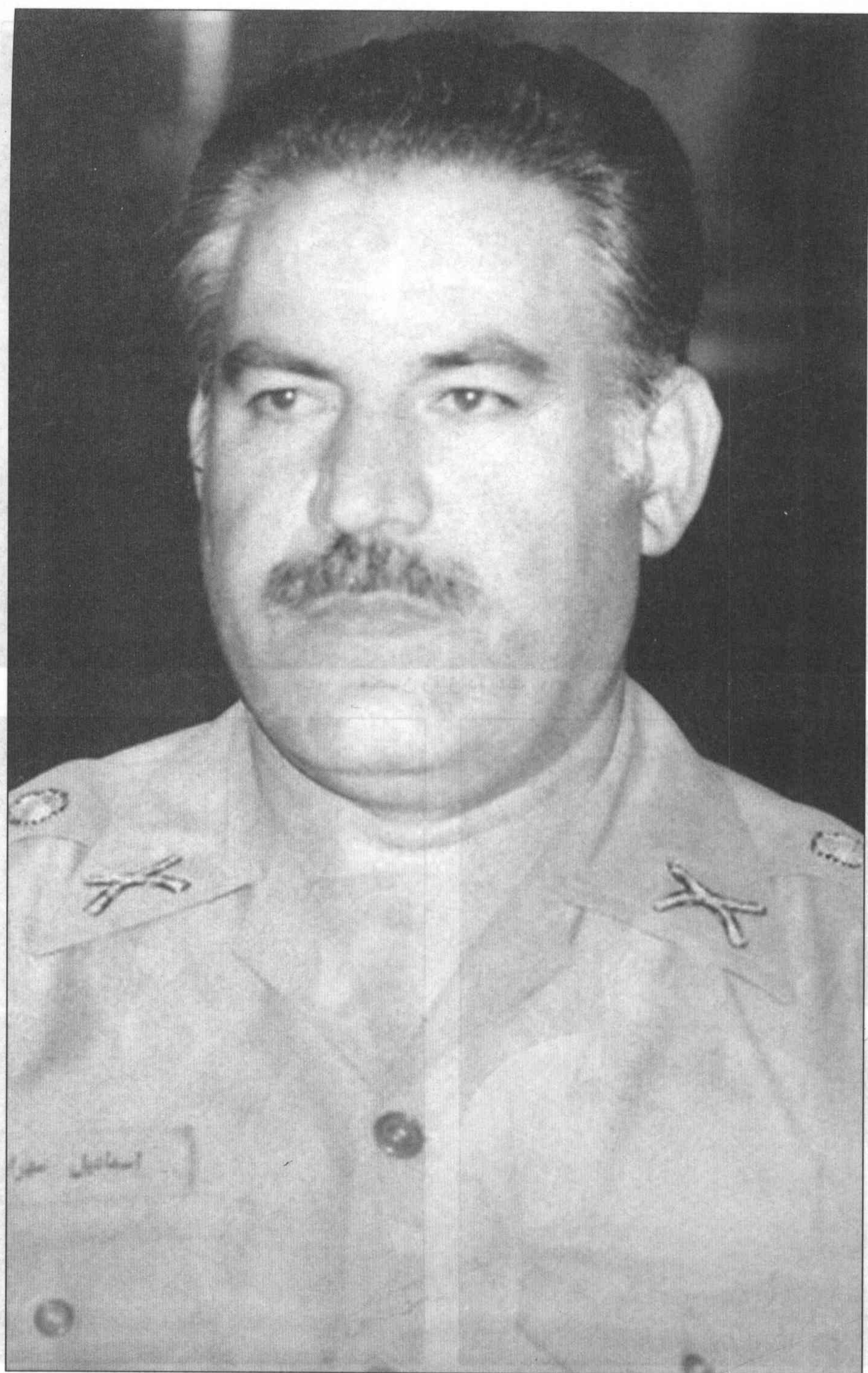
عصر، هیأت رئیسه جلسه داشت. شب، نخست وزیر آمد. به خاطر مسافرت آقایان خامنه‌ای و

۱- در پی استعفای سرتیپ ظهیرنژاد، امام خمینی(ره) فرمانده کل قوا در حکمی، سرهنگ پیاده ستاد اسماعیل سهرابی را در سوم آبان ۱۳۶۳ به سمت ریاست ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی منصوب کردند و از زحمات صادقانه و تلاش پیگیر تیمسار سرتیپ ظهیرنژاد قدردانی نمودند.

موسوی اردبیلی جلسه سران قوا نداشتیم؛[۱] ولی با آقای میرحسین موسوی درباره حزب [جمهوری اسلامی] صحبت کردیم؛ ایشان و دوستانش، بنا دارند در صورت تداوم سیاست کنونی، از حزب کناره گیری کنند. من به ایشان پیشنهاد کردم که بهتر است در جهت اصلاح حزب حرکت کنند. قرار شد برای اصلاح اقدام شود. در مورد ارز، توزیع و بنیاد مستضعفان و خیلی چیزهای دیگر هم تصمیماتی گرفتیم.[۲]

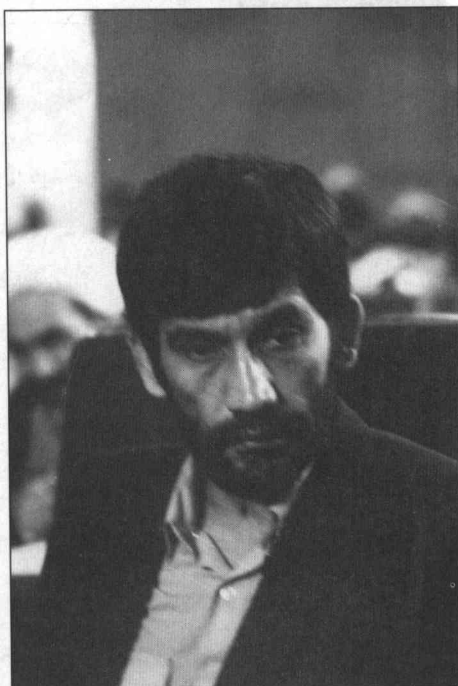
۱- آیت‌الله خامنه‌ای رئیس جمهور به استان کرمان و یزد و آیت‌الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی رئیس دیوان عالی کشور به دمشق سفر کرده بودند.

۲- در پی آزمون موفق سپاه در عرصه‌های مختلف محوله از جمله در امر حفاظت بسیاری از شخصیت‌ها، در این روز ۴۸ تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی اصلاحیه‌ای را به شرح زیر به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد کردند: "از آنجا که حضور سپاه در کلیه شهرستان‌ها و بخش‌ها و دیگر نقاط کشور بیش از دیگر ارگان‌ها بوده و با توجه به تجربیات زیادی که سپاه در رابطه با حفاظت شخصیت‌ها دارد و در چندین سال گذشته [با وجود] جریانات انحرافی و تشکیلاتی وابسته به شرق و غرب، توانسته است خوب از عهده این مسئولیت برآید و در حال حاضر هم در اکثر موارد، حفاظت از شخصیت‌ها به عهده سپاه است و تغییر این وضع بدون تردید صلاح امنیت نمی‌باشد؛ [لذا] ماده واحد زیر، برای تصویب به مجلس تقدیم می‌گردد: از تاریخ تصویب این قانون، حفاظت از شخصیت‌ها به عهده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خواهد بود. تبصره ۱ـ ماده واحده فوق به قانون شورای امنیت مصوب ۱۳۶۲/۶/۸ مجلس شورای اسلامی و نیز به اساسنامه سپاه، در ردیف وظایف اضافه می‌گردد. تبصره ۲ـ کلمه شخصیت‌ها از ماده ۲ و ماده ۱۰ قانون شورای امنیت حذف می‌گردد." در ماده ۲ و ۱۰ قانون شورای امنیت، حفاظت از شخصیت‌ها به عهده وزارت کشور گذارده شده بود و وظیفه سپاه به هنگام لزوم، فقط در حد همکاری و هماهنگی بود که در صورت تصویب این ماده واحده، حفاظت از شخصیت‌ها از وظایف خاص سپاه محسوب خواهد شد.

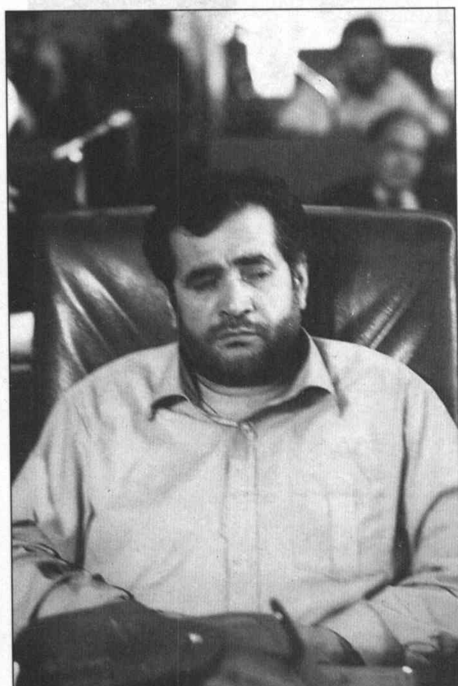


سرهنگ اسماعیل سهرابی

محسن رفیق دوست



ابولقاسم سرحدی زاده



اکبر پرورش

آذر ۱۳۶۳



پنجشنبه ۱ آذر ۱۳۶۳ ۲۸ صفر ۱۴۰۵ 22 NOVEMBER 1984

در منزل بودم. پیش از ظهر، آقای محسن رضائی آمد. گزارشی از پیشرفت کار تهیه مقدمات عملیات آینده داد و مخصوصاً از ابتکار [ساخت] بولدوزر فعال در آب راضی بود.[1] از تحرک مخالفانش در سپاه و کارشکنی در منطقه تهران، علیه فرماندهی [سپاه] اظهار ناراحتی شدیدی و درخواست اجازه برخورد خشن‌تر و تنبیه مخالفان را داشت.

عصر آقای غرضی آمد و گزارشی از وضع فروش نفت و اشکالات موجود در کار فروش

۱- ضرورت به کارگیری نفربرهایی که بتوانند در آب و باتلاق حرکت کنند، به عنوان یک مسئله مهم از مدت‌ها قبل، ذهن برخی از مسئولین و فرماندهان سپاه را به خود مشغول نموده بود. شهید حسن باقری، قبل از عملیات رمضان مأموریت‌هایی مشخص کرده بود که براساس آن، روی خودروهایی که در آب و باتلاق می‌توانند حرکت بکنند، کار بشود. در زمینه تهیه این نفربرها مشکلاتی وجود داشت که سپاه در صدد تحویل گرفتن آنها از ارتش برآمد. تعداد زیاد و بلااستفاده این نفربرها در ارتش (دو هزار دستگاه) وجود داشت. در جریان عملیات خیبر، برای نصب پل‌های "خیبری" از این نوع نفربرها به تعداد ۲۰ دستگاه استفاده شد که نتایج مطلوبی در برداشت.

پس از عملیات خیبر مسئله به طور جدی پیگیری شد و از طرف فرماندهی سپاه، یگان زرهی مأمور شد تا بر روی انواع نفربرهای آبی - خاکی که بیش از ۳۶ نوع بود، تحقیقات لازم را به عمل آورد. در سپاه و ارتش فقط ۴ نوع از آنها (پی‌ام پی، خشایار، بی‌تی‌آر و اسکورپین) موجود بود و نوع خشایار برای این امر انتخاب گردید. پس از نتیجه نسبتاً مطلوبی که در جریان آزمایش نفربرهای بازسازی شده به دست آمد، مأموریت تحویل گرفتن ۱۲۰۰ دستگاه از نفربرهای خشایار ارتش و بازسازی آن، به یگان زرهی سپاه واگذار گردید.

برای آموزش نیروهایی که پس از آماده شدن نفربرها، باید آنها را راه‌اندازی می‌کردند، قرار شد ۱۲۰۰ نفر مشترکاً از سپاه و ارتش، آموزش رانندگی و مانور با آنها را ببینند، که کار آموزش نیز به صورت مشترک (در شیراز با مسئولیت سپاه و در دزفول با مسئولیت ارتش) شروع گردید و در مجموع ۹۶۶ نفر (۳۵۰ نفر از ارتش و بقیه از سپاه) طی دو مرحله، آموزش دیدند. پس از این که تعداد نفربرهای تحویلی به ۵۰۰ دستگاه رسید، ارتش طی نامه‌ای، تحویل مابقی آنها را متوقف نمود و این باعث شد که نامه اعتراضیه فرماندهی سپاه، به نیروی زمینی ارتش ارسال گردد.

مأموریت‌هایی که جهت آنها در عملیات در نظر گرفته شد، عبارت بود از: ۱- انتقال و نصب پل‌های خیبری. ۲- انتقال امکانات تدارکاتی و وسایل مهندسی. ۳- پدافند هوایی (با نصب توپ ۲۳ میلی‌متری بر روی آنها). ۴- انجام مأموریت تهاجمی در مواقع مورد نیاز (با نصب دوشکا بر روی یک گروهان از آنها).

[نفت] داد و خواست از ایشان حمایت کنم و تقاضای توصیه به نخست وزیر، در مورد همکاری وزرا در تنظیم برنامه فروش تهاتری نفت را داشت.[۱]

روز و شب را به مطالعه گذراندم. عفت با بعضی از دوستانش به منزل یکی از خانواده‌های شهدای هفتاد و دو تن، برای شرکت در مراسم روضه رفت.

جمعه ۲ آذر ۱۳۶۳

تمام امروز در منزل بودم. اقامه نماز جماعت جمعه را به عهده آقای امامی کاشانی گذاردم و طبق معمول درباره مطالب روز مشورت کردند و موضوعاتی را [برای ارائه] تذکر دادم. به مطالعه و استراحت گذشت.

عصر، جمعی از اعضای مؤتلفه [اسلامی] آمدند؛ انتقاداتی به وضع قوه قضائیه، عدم برخورد سخت با رشوه‌خوارها و ضدانقلاب و بی‌حجابی و... داشتند. و نیز انتقاداتی به دولت، در مورد

۱- فروش نفت ارزان به وسیله ایران، همچنان از موضوعات خبری رسانه‌های غربی است. امروز نیز خبرنگار اقتصادی خبرگزاری آسوشیتدپرس، از سنگاپور به نقل از معامله گران نفت گزارش داد: "انتظار می‌رود هجوم تازه‌ای از نفت خام ایران که با تخفیف‌های قابل ملاحظه‌ای عرضه شده، بازار نفت و محصولات نفتی آسیا را که هم اکنون نیز با تقدم عرضه بازار برتقاضا روبرو است، تحت فشار بیشتری قرار دهد. ظاهراً این اقدام ایران به تلافی تصمیم اجلاس سازمان کشورهای صادرکننده نفت در ژنو اتخاذ شد که سقف تولید ایران را صد هزار بشکه در روز کاهش داد. هم اکنون نفت ارزان‌تر ایران در بازار آسیا، جایگزین نفت خام عربستان سعودی شده است. مطابق این خبر، انتظار می‌رود تا پایان ماه نوامبر، ایران با دادن تخفیف‌هایی مانند ۱/۳۵ دلار در هر بشکه برای نفت سنگین و ۲/۱۰ دلار در هر بشکه برای نفت سبک نسبت به قیمت رسمی تعیین شده اوپک، بین ۷ تا ۱۰/۵ میلیون بشکه نفت خام به بازار آسیا صادر کند. این تخفیف ۵۰ سنت بالاتر از میزان تخفیفی که در هفته‌های اخیر ایران برای نفت نوع سنگین می‌داد، می‌باشد، ضمناً برای نفت نوع سبک، این تخفیف تا ۹۰ سنت افزایش دارد."

این خبرگزاری می‌افزاید: "معامله گران نفت در بازارهای توکیو و سنگاپور که در سه هفته اخیر حداقل ۱۵ میلیون بشکه از نفت ارزان ایران را جذب کرده‌اند، نگران هستند که این دو بازار به وسیله صادرات نفت ایران، تحت کنترل درآید. به نقل از یک مقام کمپانی تجاری ژاپن، آنها انتظار دارند معادل حجم حداقل چهار تا شش سوپر تانکر دیگر، نفت ایران وارد بازار آزاد توکیو شود. منابع وابسته به تجارت نفت عقیده دارند که ایران می‌خواهد با یک برنامه تضمین شده و فروش با تخفیف نفت، مطمئن باشد که از کل ۲/۳ میلیون بشکه در روز، سقف تولید تعیین شده خود، استفاده می‌کند."



حذف نیروهای مخالف خط خودش و ضعف مدیریت‌ها داشتند. از عدم هماهنگی من در مجلس، با خط خودشان، گله‌داشتند. توضیحاتی دادم و خطر حمایت از سرمایه‌داری و عدم حمایت از محرومان را [به آنها] تذکر دادم.

گزارشها را آوردند، خواندم؛ مطلب مهمی نداشتیم. مسئله روز، تشکیل جلسه شورای ملی فلسطین در اردن است که ظاهراً [یاسر] عرفات، علی‌رغم مخالفت سوریه و چپها موفق شده، شورا[ی عالی فلسطین] را تشکیل دهد؛ ولی تشکیل شورا در اردن و سخنرانی ملک‌حسین در دراز مدت به ضرر آنها است.[1]

۱- علی‌رغم مخالفت‌های سوریه و بخشی از نیروهای فلسطینی با برگزاری اجلاس شورای ملی فلسطین در امان، سرانجام این امر صورت گرفت و امروز این اجلاس که در واقع پارلمان در تبعید فلسطینیان است، در پایتخت اردن افتتاح شد. در این اجلاس، حسین شاه اردن، طی نطقی به سازمان آزادیبخش فلسطین پیشنهاد کرد که برای یافتن یک راه جهت حل بحران خاورمیانه، دست به یک اقدام هماهنگ بزنند. وی سپس بدون نام بردن، سوریه را متهم کرد که درصدد نابودی این سازمان می‌باشد. شاه حسین که

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

شنبه ۳ آذر ۱۳۶۳

ساعت هشت صبح، برای افتتاح مراسم هفته بسیج به استادیوم ورزشی یکصد هزار نفری [آزادی] رفتیم، ۱۲ هزار بسیجی از پایگاه‌های مقاومت سراسر کشور آمده بودند. ابتدا پیام امام قرائت شد. سپس رژه بسیجیهایِ خردسال انجام گردید. درباره بسیج، سخنرانی مفصلی کردم.[1] پیش از ظهر، شورای سرپرستی صداوسیما جلسه داشت. تصمیماتی اتخاذ شد.

عصر، آقای طباطبائی مسئول بنیاد مستضعفان آمد. از دخالتهای زیاد آقای ـ نخست وزیر ـ در کارش و بهم‌زدن برنامه‌هایش شکایت داشت. می‌خواهد استعفاء بدهد و فکر می‌کنم، نخست وزیر هم می‌خواهد، ایشان را عزل کند. شب، بچه‌های اخوی قاسم مرحوم، آمده بودند و مهمان ما بودند.

آقای [کمال] خرازی و آقای [علی اکبر] ولایتی، تلفنی درباره کیفیت برخورد با اعلامیه الکساندرهی، رئیس صلیب سرخ بین‌المللی ـ[2] که در مورد اسرای عراقی، مغرضانه با ما برخورد

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

بارها با کف‌زدن‌های اعضای پارلمان فلسطین مورد تشویق قرار گرفته بود، همچنین پیشنهاد کرد که سازمان آزادیبخش فلسطین، قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت سازمان ملل متحد را بپذیرد.

۱- در بخشی از این سخنرانی آمده است: "ما از هر جهت خودمان را آماده کرده‌ایم که کار جنگ را یکسره کنیم. تجربیات عملیات گذشته را جمع‌بندی کرده‌ایم. تمامی نقاط ضعف و قدرت دشمن را ارزیابی کرده‌ایم، نقاط آسیب پذیر را دریافته‌ایم و با کمک شما و تمامی نیروهای رزمی مسلح، و با تدارک همه جانبه، در هر نقطه‌ای که لزوم داشته باشد، آمادگی رزمی داریم. هیچ چیز غیر از حذف بعث عفلقی از منطقه و کوتاه شدن شر صدام و اطرافیانش از سر مردم عراق و گرفتن حق تضیع شده مردم ایران، نمی‌تواند ما را از ادامه جنگ و حرکت باز دارد". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" زیر نظر محسن هاشمی، دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۲- درگزارش الکساندرهی رئیس صلیب سرخ بین‌المللی آمده است: در نهم اکتبر ۱۹۸۴ هشت هیأت و یک هیأت پزشکی از کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به همراه هیأت تهران جهت دیدار از، تقریباً ۳۴۰۰ اسیر عراقی به اردوگاه گرگان رفتند. بعد از مصاحبه مقدماتی با مأموران مسئول، هیأتهای صلیب سرخ از ۱۴ اسیر عراقی در بیمارستان این اردوگاه عیادت کردند. ضمن ستایش از امکانات ماده بند یک، میان حدود ۳۰۰۰ زندانی بندهای یک، دو و سه، کارت شناسایی توزیع کردند. در نخستین روز

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

کرده ـ مشورت کردند. آقای [محسن] کنگرلو درباره کاری که در فرانسه دارد، کمک خواست.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

این دیدار، هیأتها، قادر بودند طبق خواسته‌های کنوانسیون ژنو انجام وظیفه نمایند. روز بعد برخی از هیأتها با ۳۷۴ اسیر عراقی در بند چهار دیدار کرده و مشکلات آنها را در این رابطه با خانواده‌های خود در عراق جویا شدند. هیأتهای پزشکی تعدادی از اسرا را در بیمارستان اردوگاه و در آسایشگاه‌ها مورد معاینه قرار داد. هیأتهای دیگر به منظور مصاحبه با زندانیان به بند یک رفتند. در حدود ساعت ۱۱/۵ صبح بود که یکی از هیأتها در حیاط مشاهده می‌کند که مشاجره‌ای بین دو اسیر عراقی رخ داده است. این موضوع خیلی سریع به تمام اردوگاه سرایت کرد و به زودی شورش سراسر اردوگاه را فرا گرفت.

گاردها ابتدا تیرهای هوایی شلیک کردند و بوسیله بلندگوها به اسرا دستور می‌دادند که به آسایشگاه‌های خویش بازگردند. هیأتها به سهم خود کوشش می‌کردند که زندانیان را آرام سازند. هیأتهای دیگر تلاش می‌کردند اسرائی را که با یکدیگر می‌جنگیدند از هم جدا کنند و از گاردها خواستند که از آتش گشودن بر روی آنها خودداری نماید. تلاشهای هیأتها، بی‌نتیجه بود. دقایقی بعد، اسرا به درب خروجی اردوگاه هجوم بردند. بعد از پرتاب بمبهای گاز اشک‌آور شلیک هوائی، گاردها به داخل جمعیت آتش گشودند. در حدود ساعت ۱۲/۵ بعد از ظهر، آرامش به داخل اردوگاه حکمفرما شد. سپس از هیأتهای کمیته بین‌المللی صلیب سرخ خواسته شد که محل اردوگاه را ترک نمایند. در یازدهم اکتبر ۱۹۸۴ یک هیأت به همراه هیأت پزشکی اجازه یافت از سه جسد که هنوز شناسایی نشده بود و ۳۵ اسیر عراقی مجروح، معاینه به عمل آورد. روی سر اجساد زخمهایی دیده می‌شد که ناشی از ضربات بوده است. ژنو، سی و یکم اکتبر ۱۹۸۴

پاسخ آقای میرحسین موسوی نخست وزیر، در مورد ادعای صلیب سرخ راجع به اسرای عراقی:

مسأله جاسوسی عناصر صلیب سرخ از ایران، برای دولت جمهوری اسلامی ایران کاملاً روشن است و طرفداری رئیس این سازمان از عراق، بهترین دلیل برای عدم بی‌طرفی صلیب سرخ در سطح جهان است. تا زمانی که صلیب سرخ مأمورین خود را در ایران تعویض نکند و تغییر خط مشی خود را رسماً اعلام ننماید، محلی برای فعالیت در کشور ما نخواهد داشت. البته ما شرط سومی هم برای فعالیت صلیب سرخ در ایران داریم و آن تهیه گزارش دقیق از وضعیت اسرای ما در عراق توسط سازمان ملل خواهد بود. ما بارها نگرانی خود را از وضعیت آقای تندگویان و سایر اسرای ایران در زندانهای رژیم صدام اعلام کرده‌ایم. آیا صلیب سرخ در این زمینه چه معنائی جز عدم حفظ بی‌طرفی می‌تواند داشته باشد. ناراحتی این آقای رئیس (هي) آن است که چرا اسیران عراقی نماز می‌خوانند و به اسلام روی می‌آورند. ما به آنها می‌گوییم که آنها به این دلیل به اسلام روی می‌آورند که از حکومت صلیبی‌ها خسته شده‌اند. با وضعی که پیش آمده است، ما نمی‌توانیم به گزارشات صلیب سرخ اعتماد داشته باشیم و به همه ملتهای مستقل جهان توصیه می‌کنیم که مراقب حرکات مأمورین صلیب سرخ در کشورشان باشند.

گزارشها را آوردند، خواندم؛ تازه مهمی نیست.

یکشنبه ۴ آذر ۱۳۶۳

بعد از نماز، به مجلس رفتم. معمولاً اخبار ساعت هفت صبح را از رادیوی ماشین در بین راه می‌شنوم. در گزارشها، مطلب مهمی نبود. ضدانقلاب خارجی، روی اظهار ناراحتی تماشاچیان [مسابقه] فوتبال روز جمعه که به خاطر سمینار بسیج در ورزشگاه آزادی به امجدیه منتقل شده بودند، خیلی حساب باز کرده‌اند.[1] الغریق یَتَشَبَّثُ بِکُل حَشیش[2]. در جلسه علنی فقط یک لایحه اصلاح قانون ثبت احوال انجام شد.

در تنفس، آقایان روحانی و هادی درباره برنامه آقای محسن رضائی که در جلسه سه‌شنبه بنا است، توضیحاتی بدهد، مشورت کردند که می‌خواهند، در رد اظهارات او صحبت کنند؛ مخالفت کردم.

نمایندگان شیراز برای سفر من به شیراز به مناسبت سالگرد شهادت آیت‌الله دستغیب اصرار داشتند؛ گفتم به خاطر اختلافات شیراز، آمدن من مشکل است.

ظهر، آقای [سیدکاظم] اکرمی به دفتر آمد و درباره همکارانش و برنامه‌های دینی و زبان قومی

۱- امروز یک نابسامانی در امر مدیریت انجام مسابقات فوتبال پدید آمد و بی‌توجهی به کثرت جمعیت تماشاچی یک مسابقه ملی و سطح فرهنگ و توقعات آنان، و این که از سحرگاه برای تهیه بلیط و تماشای مسابقه وقت می‌گذارند و طبعاً درجه حساسیت‌ها و برخوردهای غیر طبیعی آنان بالا می‌رود، منجر به حوادثی نامطلوب در سطح خیابان‌های تهران شد که از سوی عده‌ای از مخالفان نظام نیز یک حادثه سیاسی وانمود شد. به دنبال اعلام خبر بازی فوتبال بین تیم‌های ملی جمهوری اسلامی ایران و بوتوف کشور بلغارستان در ساعت ۱۵ روز ۱۳۶۳/۹/۲ در استادیوم آزادی، که از طریق روزنامه‌ها اعلام شده بود، عده کثیری از مردم در ساعت مقرر به محل ورزشگاه آزادی مراجعه کردند، اما به علت اعزام نیرو به جبهه از آن محل و انتقال بازی به ورزشگاه شهید شیرودی به این ورزشگاه رفتند که پس از فروش بلیط و تکمیل شدن ظرفیت ورزشگاه، تعدادی از مردم که بالغ بر حدود هفت الی هشت هزار نفر بوده و اکثراً از ورزشگاه آزادی به محل اعلام شده ثانوی رفته بودند، با نبودن بلیت و تکمیل بودن ظرفیت استادیوم، مبادرت به درگیری و پرتاب سنگ و دادن شعارهای مختلف کردند. پلیس مبادرت به شلیک تیر هوایی و پرتاب گاز اشک‌آور کرد. در ساعت ۱۶/۵۰ با دستگیری تعدادی از محرکین و متفرق کردن جمعیت حاضر در مقابل استادیوم، غائله خاتمه یافت.

۲- کسی که غرق می‌شود، به هر وسیله‌ای دست می‌یازد.

ارامنه، مشورت کرد؛ اصولاً درحد تجویز قانون اساسی با آنها مماشات می‌شود؛ خودشان برنامه دینی‌شان را بنویسند و خارج از برنامه رسمی بتوانند از زبان ارمنی استفاده کنند.

عصر، با [ووشه‌چیان] وزیر امور خارجه چین ملاقات داشتم.[1] بیشتر درباره توسعه روابط بحث شد؛ از روسها بیشتر از آمریکائیها، ناراضیند. به آقای ولایتی گفتم به تقاضای نماینده سیستان توجه کند و برای بازکردن راه ورود آب بیشتر به سیستان به آنها کمک کنند.

شب، آقای محسن رضائی آمد. از من می‌خواست در مراسم معرفی فرمانده سپاه مرکز که احتمال ابراز مخالفت از طرف بعضی‌ها می‌رود، شرکت کنم. گفتم صلاح نیست. نشان از ضعف شما و قدرت مخالفان است. قرار شد آقایان ساداتیان و اقبالی بروند. گزارشی از پیشرفت کار [تهیه مقدمات] عملیات و هم پیشرفت کار نصب موشک‌های اسکاد داد. آقای [بهزاد]نبوی هم، تلفنی از پیشرفت کار ساخت پلهای سنگین نظامی، اطلاع داد.

تلفنی از آقایان [موسوی]اردبیلی و [آیت‌الله]خامنه‌ای که از سفر آمده‌اند، احوالپرسی کردم. به خانه آمدم. گزارشها را خواندم. اظهارات من در استادیوم آزادی درباره جنگ انعکاس وسیعی داشته است.

۱- در این دیدار "آقای ووشوکیان" وزیر امور خارجه چین، ضمن اظهار خوشحالی از حضور در ایران گفت: "ما به خاطر قدومت روابط و مشترکات بسیار در بعد مبارزاتی، خواهان توسعه روابط با شما هستیم." وی افزود: ما برای اینکه بتوانیم بنیه انقلابی خود را حفظ کنیم، دوستی دیرینه خود با شما را توسعه خواهیم داد. "وی ضمن ستایش از مبارزات ضدامپریالیستی مردم ایران، گفت: "برای ما روشن است که چه مشکلاتی برای شما به خاطر اینکه انقلاب مستقلی انجام داده‌اید، ایجاد نموده‌اند ولی امیدواریم که همه موانع را هرچه سریعتر پشت سر بگذارید". سپس آقای هاشمی رفسنجانی اظهار داشت: "ما از همان اوایل انقلاب با مشکلاتی مواجه شدیم و هرچه زمان می‌گذشت زمینه توطئه ابرقدرتها در ایران بیشتر می‌شد ولی تمام توقع ما این بود که کشورهای مستقلی که خواهان صلح و آرامش در جهان هستند، جانب مظلوم و جلوی شرارت متجاوزین را بگیرند که این حرکات کمتر دیده شد. ما به خاطر اینکه روحیه سلطه‌طلبی را در ملت چین مشاهده نمی‌کنیم، خواهان توسعه روابط با آنها هستیم. علیرغم خواسته ابرقدرتها و هم مشکلاتی که برایمان ایجاد کرده‌اند، با نیروهای ملت مسلمان در منطقه حضور داریم و تا جایی که توان داشته باشیم، جلوی شرارت متجاوزین را هم خواهیم گرفت".



ملاقات با وزیر خارجه چین

دوشنبه ۵ آذر ۱۳۶۳

امروز در منزل بودم. ظهر، آقایان [محسن] رضائی و [محسن] رفیق‌دوست و [سیدجلال] ساداتیان آمدند. گزارش مراسم معرفی فرمانده سپاه [پاسداران] تهران را آوردند که عده‌ای از مخالفان فرماندهی، شلوغ و اغتشاش کرده بودند. اجازه تعقیب آنها را می‌خواستند. وزیر نیرو، از نپرداختن مخارج کارهای انجام شده در هورالهویزه، تلفنی گله داشت.

آقایان [شیخ حسن] صانعی و [محمد علی] انصاری آمدند و گفتند، امام سرماخوردگی دارند و از اندرون بیرون نمی‌آیند. احمد آقا هم از شهر بیرون رفته است. به خدمت امام رفتم. امام در اندرون، تنها بودند و سرفه می‌کردند. دکتر سفارش کرده است از اتاق بیرون نروند. به امام ورود [محموله] اسلحه مهم از لیبی به ایران را اطلاع دادم. خبر عملیات آینده را گفتم و راجع به [جایگزینی] شورای انقلاب فرهنگی به جای ستاد انقلاب فرهنگی هم صحبت کردم. عصر، آقای دعاگو آمد و گله از اخوی محمد [رئیس سازمان صداوسیما]، داشت که بعضی از مصوبات شورا[ی سرپرستی صداوسیما را] اجرا نکرده است و آقای کیوان‌آرا را از مسئولیت پخش [سیما] برداشته است.

سه شنبه ۶ آذر ۱۳۶۳

صبح زود، به مجلس رفتم. بعد از خواندن گزارشها به جلسه علنی رفتم. [آقای ایرج صفاتی دزفولی به عنوان] رئیس دیوان محاسبات انتخاب شد و کلیات لایحه مالیات خودروها تصویب شد. ظهر، دو سه ملاقات داشتم. مسئله اختلافات داخلی سپاه درباره فرماندهی خیلی وقتم را گرفت.

عصر، آقای ناطق‌نوری آمد. از درگیری‌های افراد سپاه [پاسداران] با افراد کمیته [انقلاب اسلامی] بر سر مسائل حجاب، نگران بود. عصر، همچنین اعضای شورای مرکزی خانه کارگر آمدند. گزارشی از تعداد اعضای [شورای مرکزی خانه کارگر] و کیفیتَ تشکیلات آن دادند.[1] قدرت

۱- در این ملاقات، ضمن تبادل نظر در مورد مسائل کارگری و مشکلات مسکن و درمان کارگران و گزارش اعزام کارگران به جبهه‌های جنگ، آماری از کمک‌های نقدی و غیرنقدی آنها ارائه شد.

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

قابل توجهی در کارخانه‌ها هستند. با مرکزیت حزب [جمهوری اسلامی] هم اختلاف دارند. در گذشته، رابطه بهتری با حزب داشتند ولی با قوی شدن خط مقابل، آنها با حزب کمتر همکاری می‌کنند. شب، در مجلس ماندم.

چهارشنبه ۷ آذر ۱۳۶۳

گزارشها را خواندم. تظاهرات دانشجویان مصری علیه حکام مصر، مسئله مهم روز شده است.[۱] [چگونگی برقراری] روابط عراق و آمریکاو شورای [ملی] فلسطین در اردن هم مسئله روز است.[۲]

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

آقای هاشمی رفسنجانی نیز از زحمات مسئولین خانه کارگر و کارگران در سنگر کارخانجات و جبهه‌های جنگ تحمیلی عراق علیه ایران تقدیر و تشکر نمود و مبلغی جهت کمک به خانه کارگر هدیه کرد.

۱- در پی کشته شدن یک دانشجوی مصری در تصادف با خودروی پلیس، دانشجویان دانشگاه الازهر قاهره دست به تظاهرات زدند. در این تظاهرات که بیش از یک هفته به طول انجامید، دانشجویان شعارهای ضد دولتی سر دادند. در ادامه تظاهرات دانشجویی، نیروهای امنیتی به دانشگاه الازهر حمله کردند و حدود ۳۰۰ دانشجو را بازداشت نمودند.

۲- امروز رسماً اعلام شد که عراق و آمریکا روابط دیپلماتیک خود را از سر می‌گیرند. به گزارش خبرگزاری فرانسه، "در یک بیانیه مشترک که در بغداد و واشنگتن انتشار یافت، خبر از سرگیری روابط بین دوکشور اعلام شد. گفته می‌شود دوکشور در اسرع وقت به انتصاب سفیرانشان مبادرت خواهند کرد و احتمال انتصاب نزارحمدون به سمت سفیر آینده رژیم عراق در واشنگتن وجود دارد." به این ترتیب ایالات متحده روابط دیپلماتیک خود با عراق را بعد از وقفه‌ای ۱۷ ساله از سرگرفت. این اقدام بلافاصله پس از ملاقات ۳۵دقیقه‌ای رونالد ریگان رئیس جمهور آمریکا با طارق عزیز وزیر خارجه عراق اعلام شد. از زمان قطع روابط دوکشور به وسیله بغداد ـ که در پی جنگ ۱۹۷۶ اعراب و اسرائیل روی داد ـ تاکنون، طارق عزیز بلندپایه‌ترین مقام عراقی است که از واشنگتن دیدن می‌کند.

در بازتاب تجدید رابطه آمریکا و عراق، و در بررسی علل و پیامدهای آن، مفسر آسوشیتدپرس اعلام کرد که آمریکا در جست‌وجوی گسترش نفوذ خود در جهان عرب، به این کار مبادرت کرده است. اما ارتباط این تجدید با جنگ عراق و ایران، از مهم‌ترین محورهای بازتاب وسیع این خبر است. از جمله در تفسیر رادیو بی.بی.سی در این باره آمده است: "از هنگامی که جنگ ایران و عراق آغاز شد، عراق در پی جلب حمایت غرب بوده است. فرانسه در حمایت از عراق، سلاح در اختیار ارتش عراق

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

آقای [ایرج] صفاتی دزفولی ـ که به عنوان رئیس دیوان محاسبات، انتخاب شده ـ آمد و برنامه آموزش حسابرسی را توضیح داد. جلسه نمایندگان تهران داشتیم. درباره مترو و فاضلاب تهران بحث بود. آقای [محی‌الدین] انواری، نامه آقای [ناصر] میناچی را آورده بود که خواستار جواب در وسائل ارتباط جمعی بود.[1]

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

گذارده است؛ اما آمریکا تا به حال سلاحی به عراق نداده است. اکنون به نظر می‌رسد جنگ فرسایشی بین ایران و عراق، فعلاً ادامه خواهد یافت. مسلماً تجدید روابط دیپلماتیک بین عراق و آمریکا، آغاز تقویت روحیه رهبران عراق خواهد شد و دولت عراق حداقل، توقع خواهد داشت که آمریکا در جهت پایان دادن به جنگ تلاش کند. علاوه بر آن، تجدید رابطه با آمریکا به اعتبار سیاست خارجی عراق به عنوان یک دولت غیر متعهد خواهد افزود چون عراق که با یکی از دو ابرقدرت یعنی شوروی پیمان مودت و همکاری دارد، نمی‌تواند بدون داشتن هیچ رابطه‌ای با آمریکا یک سیاست معتبر عدم تعهد را دنبال کند. از نظر دولت آمریکا هم تجدید رابطه با عراق امتیازات مهمی دارد و دولت آمریکا که در سالهای اخیر، بر مناسبات تجاری‌اش با عراق افزوده و اعتبارات مالی هنگفتی در اختیار دولت عراق گذاشته است، براهمیت این امتیازات واقف است. شاید مهم‌تر از هر چیز، اعتباری است که آمریکا بعد از ماجراهای لبنان به این ترتیب در خاورمیانه کسب می‌کند. به علاوه مقامات آمریکا می‌گویند که امیدوارند عراق را در تعدیل نظراتش در مورد مسئله فلسطین، ترغیب کنند.

دولت آمریکا، نام عراق را از فهرست کشورهایی که به اعتقاد دولت آمریکا مراکز مهم تروریسم بین‌المللی‌اند، خط زده است. اما اگر دولت عراق تصور می‌کند که تجدید روابط دیپلماتیک با آمریکا، به حمایت آشکار آمریکا از عراق در جنگ علیه ایران خواهد انجامید، احتمالاً دچار اشتباه شده است. چون مقامات آمریکا قویاً تأکید کرده‌اند که دولت آمریکا در جنگ ایران و عراق همچنان بیطرف خواهد ماند؛ زیرا پیروزی قاطع هر یک از دو طرف در این جنگ به نفع دولت آمریکا نیست و رهبران آمریکا معتقدند که یک چنین سرانجامی برای جنگ، باعث بی‌ثباتی بیشتر منطقه خواهد شد".

۱- دانشجویان مسلمان پیرو خط امام که سفارت آمریکا را تسخیر کرده بودند، اسنادی را انتشار دادند که نشان دهنده آن بود، یک جاسوس سیا به نام "بهرام بهرامیان" عضو رهبری عالی نهضت آزادی در سالهای پیش از انقلاب در قبال دریافت سالیانه ۵۰۰۰ دلار، به گزارش فعالیتهای انقلابیون می‌پرداخت. در پی افشاگری دانشجویان، نهضت آزادی اعلام کرد: بهرام بهرامیان، قبل یا بعد از انقلاب، عضو نهضت آزادی، عضو ساده یا عضو مرکزیت و یا کادر برجسته نبوده و این مطلب، کذب محض است. بهرامیان تماسی با دکتر ابراهیم یزدی در جریان تصرف سفارت در سال ۱۳۵۷ نداشته و اصولاً در آن زمان (۲۵ بهمن ۱۳۵۷) وزیر امور

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

عصر، هیأت رئیسه مجلس، جلسه داشت. شب، مهمان آقای [موسوی] اردبیلی بودیم. آقای [موسوی] اردبیلی مذاکرات خصوصی خود با آقای حافظ‌اسد [رئیس جمهور سوریه] را نقل کرد. درباره مسئله ستاد انقلاب فرهنگی و وزیر علوم هم بحث شد. [در این باره] به جایی نرسیدیم. درباره آزاد کردن [خرید و فروش] بخشی دیگر از کالاها، مثل برنج و درباره تقویت صادرات و اجازه استفاده از ارز صادراتی به صادرکنندگان صحبت شد.[1]

پنجشنبه ۸ آذر ۱۳۶۳

تا ساعت هشت، در دفترم کار کردم. آقای [جواد] اژه‌ای آمد و رونوشت نامه‌ای را که به امضای پنج نفر: آقایان مهندس [میرحسین] موسوی، [مسیح] مهاجری، [جواد] اژه‌ای، [سید محمدرضا] بهشتی و [ابوالقاسم] سرحدی‌زاده به آیت‌الله خامنه‌ای نوشته‌اند ـ و به خط غالب در حزب انتقاد کرده‌اند ـ آورد. وقت جلسه علنی صرف شور دوم مالیات فروش خودروهای دست دوم شد. مراجعات زیادی از طرف نمایندگان درباره مسائل جاری سپاه داشتم.

ظهر، آقای عبدالله نوری آمد و راجع به مسائل جاری و تلاش برای طرد انقلابی‌ها و محاصره آیت‌الله منتظری و... اظهار نگرانی نمود. نماینده گچساران آمد. خواستار سفر من به کهکیلویه و کمک به نیازمندیهای منطقه بود و کسی را نیز همراه آورد که برای حل مشکل عده‌ای که در زمین وقفی شهرری، خانه ساخته‌اند و دچار مشکل شده‌اند، کمک می‌خواست.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

خارجه دولت موقت، هنوز شروع به کار نکرده بود. گفتنی است آقای ناصر میناچی، وزیر ارشاد ملی درکابینه دولت موقت مهندس مهدی بازرگان بود.

۱- در این روز همچنین فرماندهان هسته‌های گردان‌های قدس با ایشان دیدار کردند. آقای هاشمی در بخشی از سخنان خود گفت: "یکی از کارهای بسیار شایسته‌ای که برادران نیروی زمینی انجام دادند، همین تشکیل گردانهای قدس بود که این ابتکار در میدانهای جنگ، خیلی کارساز شد. با تشکیل این گردانها، ما یک نیروی ورزیده‌ای را از افراد علاقمند برای دفاع از کشور و انقلاب در میدانهای جنگ پیدا کردیم که اینها باعث شدند، نیروهای عمده‌ای که باید کارهای بزرگی را انجام می‌دادند، از یک نقطه غیر مهم آزاد و فعال شوند." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

عصر، برای مسئولان آموزش استانهای حزب [جمهوری اسلامی] صحبت کردم و روی اتحاد و احتراز از باندبازی و یک بعدی کردن حزب [جمهوری اسلامی] و تأکید بر موضع حمایت از محرومان حزب صحبت کردم.[1] فرماندهان سپاه و نمایندگان امام در سپاه آمدند. مفصل برای آنها درباره نقش نیروهای مسلح و برخورد دشمنان و احتراز از دو دستگی صحبت کردم.[2] آقای [شیخ حسن] صانعی [از دفتر امام] تلفن کرد و گفت امام دستور داده‌اند، سران قوه درباره وضع دانشگاه‌ها، فوراً تصمیم‌گیری نمایند[3]. گفتم ما تصمیم گرفته‌ایم و خدمت امام هم گفته‌ایم. رئیس جمهور و نخست وزیر هم تلفن کردند و در همین باره صحبت کردیم. در این مورد مشکلی داریم.

۱- در بخشی از این سخنرانی آمده است: "حزب جمهوری اسلامی، مخصوص ایران نیست و ما تحت لوای اسلام به عنوان یک حرکت اسلامی در آن تلاش می‌کنیم. ما هرگز در ایجاد حزب جمهوری اسلامی تفکر اینکه حزب را به صورت یک جریان محدود برای بخشی از سلیقه‌های جامعه تنظیم کنیم، نداشته‌ایم. اگر چنین چیزی بود دیگر نباید اسمش را حزب جمهوری اسلامی می‌گذاشتیم. ما مایل نیستیم غیر از اسلام، چیزی برما حاکم شود. اگر گاهی اختلافات جزئی در فتوای علمای ما پیدا می‌شود، همان علمایی که فتاوی مختلفی داده‌اند، حاضر نیستند از لحاظ سیاسی و از لحاظ حکومتی و از لحاظ جریانهای اجتماعی با یکدیگر اختلاف داشته باشند و علیه یکدیگر فعالیت کنند. بنابراین اختلافهای محدودی که در نظرات اسلام شناسان در مسایل فقهی پیدا می‌شود، نمی‌تواند مجوزی برای ایجاد جریانهای مختلف بشود". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۲- در بخشی از این سخنرانی آمده است: "هفته بسیج بسیار خوب برگزار شد و نشاط و امید جدیدی در دلهای مردم ایجاد کرد. امیدواریم که شما بتوانید امیدهای مردم را در افق دیدشان مجسم سازید و مردم همان طورکه شاهد پیروزیهای شما بودند، تداوم و تکامل حرکتهای پیروزمندانه جهاد اسلامی را نظاره گر باشند. همچنین امیدواریم به روزهایی برسیم که تلاشهایمان از حدود مرزهای کشور عبور کند و پیام رهایی بخش اسلام را به همه مردم عرضه کنیم. اگر نگوییم که نیروهای مسلح سرنوشت سازترین نیروها هستند، باید بگوئیم که یکی از موارد بسیار مهم و سرنوشت ساز جنگ نیروهای مسلّح است. در یک جامعه نیروهای مسلح معمولاً نقش بازدارنده و ممانعت کننده از جنگ دارد، اما حالا که جنگ را برای از پای در آوردند، انقلاب اسلامی ایجاد کردند و نقطه آسیب پذیر ما را در بعد نظامی تشخیص دادند، ما باید در همین نقطه بایستیم و دشمن را مأیوس کنیم و با قدرت به آنها ضربه هم بزنیم". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۳- منظور تبدیل ستاد انقلاب فرهنگی دانشگاهها به شورای عالی انقلاب فرهنگی با حضور سران سه قوه است.

نماز جمعه را آیت‌الله خامنه‌ای اقامه کردند. از دیشب، باران می‌بارد. امسال به جز در مناطق جنوبی کشور، بارندگی خوبی داشتیم. شب، آقای حسین مرعشی، معاون استاندار کرمان آمد. توضیحاتی درباره حوزه آبریز جیرفت و کهنوج و جازموریان و طرح‌های آنجا گفت. آب و زمین [در این مناطق] زیاد است ولی سرمایه گذاری و کشاورز پرکار، کم است. بیشتر حرفهایش، درباره مسائل اختلافی استان [کرمان] بود.

شنبه ۱۰ آذر ۱۳۶۳

در منزل بودم. تا ساعت نه صبح، مطالعه می‌کردم. آقای [محمد حسن] زورق آمد و گزارشی از وضع سازمان صداوسیما داد و سپس جلسه شورای [سرپرستی صداوسیما] تشکیل شد. معاون فنی [صداوسیما] درباره اولویت‌های پوشش دادن سیما به روستاها، مشورت داشت. گزارش داد که سی‌وسه هزار روستا (نصف روستاهای کشور)، [به دلیل عدم پوشش فرستنده سیما]، از تماشای تلویزیون محرومند. درباره کیفیت عمل واحد نظارت شورای [سرپرستی صداوسیما] هم بحث و اتخاذ تصمیم شد. قرار شد، چهارچوب برنامه‌ها[ی سیما] از طرف شورا تعیین شود.

آقای ولایتی، تلفنی با پخش سریال مربوط به اشغال مجارستان توسط شوروی مخالفت کرد؛ به خاطر مصالح مقطعی که به خاطر شرایط جاری جهانی داریم و قرار شد [پخش سریال] لغو شود و به وقت مناسب موکول گردد.

یکشنبه ۱۱ آذر ۱۳۶۳

در جلسه علنی [مجلس شورای اسلامی] قبل از دستور، در مقابل اظهارات آیت‌الله منتظری تشکر کردم و با تشکر، راه سوء استفاده نفاق افکنان را ـ که شروع کرده بودند به گفتن اینکه، ایشان از مجلس انتقاد کرده است ـ بستم[1] و متقابلاً از ایشان خواستم که به مسائل بنیادی فکری بپردازند.[2]

۱ـ آیت‌الله منتظری در دیدار با یکصد تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به انتقاد از کار مجلس پرداخت و گفت: "ما برای اداره کشور و تأمین خواسته‌های مردم و پیاده کردن اهداف انقلاب، محتاج به لوایح زیربنایی و قوانین اصلی می‌باشیم. این طور نباشد که بیشتر وقت مجلس صرف تصویب یک سری قوانین جزیی، غیر مهم و غیر ضروری مانند تغییر لفظ و اسم‌گذاری و امثال

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

لایحه مالیات خودرو، در دستور بود. بعد از تنفس جلسه را به آقای ربانی [املشی] سپردم.

در جلسه‌ای در دفتر رئیس جمهور با حضور آقای محسن رضائی شرکت کردم. بیشتر وقت را، بحث درباره مشکل مخالفان فرماندهی سپاه گرفت. [آقای محسن رضایی] درباره عملیات آینده توضیحاتی داد. مشکل احتمالی، توافق با فرماندهان ارتش، در مورد طرح عملیات است.

آقای [شیخ حسن] صانعی، تلفنی از امام دستور ابلاغ کرد که سعی کنیم در مورد ستاد انقلاب فرهنگی با آقای خامنه‌ای به وحدت نظر برسیم و نتیجه را به امام پیشنهاد نمائیم؛ مذاکره کردیم. اضافه شدن افرادی را بر تعداد مورد نظر گذشته، توافق کردیم. قرار شد بعداً روی [انتخاب] افراد، تصمیم بگیریم. ظهر، در دفترم ملاقاتی با امام جمعه الموت داشتم که کمکی از مردم [الموت]

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

آن بشود و مسایل اصلی کشور که مربوط به مشکلات اقتصادی، کشاورزی، تجارت، زمین و حقوق کارگران و امثال آن است، مغفول‌عنه بماند و اگر نمایندگان عمر مجلس را با این گونه مسایل سپری نمایند، ملت ما قطعاً از این معنا نگران خواهد شد. در این شرایط که مشکلات و مسایل مهم کشور مانند جنگ و امور اقتصادی زیاد است، طبیعی است که انتظار حل این مشکلات به دست شخص رئیس جمهور و یا رئیس مجلس، انتظار درستی نیست، این بزرگواران با اینکه قطعاً بی‌تفاوت نیستند ولی گرفتاری‌ها وکارهای زیاد آنان، اجازه اطلاع و رسیدگی به تمام مسایل و امور کشور و حل تمام مشکلات را نمی‌دهد، از این رو وظیفه مجلس شورای اسلامی است که نسبت به مسایل اصلی کشور مثل جنگ و امور اقتصادی مردم به دور از خط بازی‌ها و اینکه کی در خط فلان است و کی در سابق چه بوده، دخالت نماید و نواقص را برطرف نماید. مجلس نباید نسبت به آنچه در کشور می‌گذرد، بی‌تفاوت باشد.

۲- در این نطق آمده است: "اظهارات حضرت آیت‌الله جناب آقای منتظری در مورد مجلس، توجه خاصی که به موفقیت و وظایف و حقوق مجلس فرمودند و عنایت مخصوصی که به خود بنده که لایق نیستم، اظهار داشتند، مورد تشکر و تقدیر ما است و ما هم متقابلاً از ایشان انتظار داریم که علاوه براین راهنمائیهایی که در مسائل سیاسی، اخلاقی، اجرایی می‌فرمایند، از اطلاعات و علوم وسیع که از معارف اسلامی دارند، در راهنمایی بنیادی برای مسائل بنیادی کشور دریغ نفرمائید که ما سخت نیازمند به آن هستیم، حتی در انجام وظایفی که خودشان اشاره فرمودند، در مسایلی مثل اراضی کشاورزی، توزیع و چیزهایی از این قبیل که مسائل مهم کشور است، راهنمائیهای بنیادی شخصیت عظیم‌القدری مثل آیت‌الله منتظری که از همه شرایط اظهار نظر برخوردار هستند، بسیار می‌تواند راهگشا باشد". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های قبل از دستور سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

برای جبهه آورده بود. سلمانی، برای اصلاح آمد.

عصر، آقای دکتر ولایتی آمد. گزارشی از مذاکراتش با مقامات هندی داد. معتقد است، هندیها به تحسین روابط با ما اهمیت می‌دهند و تأکید بر جذب زردشتیان هند داشت که نیروی قابل توجهی در هند هستند و تمایل طبیعی به ایران دارند. درباره نحوه مذاکرات با مجارستانیها که دو سه روز دیگر به آنجا سفر می‌کند، مشورت کرد. در شورای مرکزی حزب [جمهوری اسلامی] شرکت کردم. بیشتر بحثها راجع به [تأمین] بودجه [حزب] بود. مخالفان دولت، از [میزان] بودجه [حزب] انتقاد می‌کردند. شب، به خانه آمدم. برف می‌بارد.

دوشنبه ۱۲ آذر ۱۳۶۳

برف سنگینی می‌بارد. ظهر [صیغه] عقد دو نفر آواره عراقی، خانم نقّاش و آقای شیرازی را بستم و هدیه‌ای به آنها دادم. تلفنی با نخست وزیر، رئیس جمهور، رئیس دیوان‌عالی کشور، بیت امام، صداوسیما و با دفترم، درباره امور جاری مذاکره نمودم. از نخست وزیر خواستم که یکی از معاونانش را در امر تدارکات جنگ تعیین کند. با آقای مهدوی کنی درباره نماز جمعه، تلفنی گفتگو کردم.

سه شنبه ۱۳ آذر ۱۳۶۳

صبح زود، به مجلس رفتم. درگزارشها، ربوده شدن یک هواپیمای کویتی با ۱۵۵ سرنشین و ۱۱ خدمه و آمدن [هواپیمای ربوده شده] به فرودگاه مهرآباد مطرح بود.[1] در جلسه علنی [مجلس

۱- هواپیمای مسافربری کویتی با ۱۵۰ مسافر و ۱۱ خدمه در برنامه یک پرواز به پاکستان ربوده شد و در فرودگاه مهرآباد تهران به زمین نشست. سازمان "هفده سپتامبر برای حفاظت از فلسطینی‌ها" مدعی شد که مسئولیت ربودن هواپیمای کویتی را برعهده دارند. این گروه نام خود را از هفده سپتامبر ۱۹۸۲ (۲۶ شهریور ۱۳۶۱) روز قتل عام مردان و زنان و کودکان فلسطینی در اردوگاههای صبرا و شتیلا در بیروت، برگرفته بود. ربایندگان، خواستار آزادی دوستانشان از زندان دولت کویت بودند. این زندانیان، ۲۱ نفری بودند که به جرم شرکت در حوادث بمب گذاری ۱۱ ماه پیش در سفارتخانه‌های آمریکا و فرانسه درکویت، به مرگ محکوم شده بودند. به دنبال این هواپیما ربایی، آقای سعد عبدالله الصباح، نخست وزیر و ولیعهد کویت، پیامی فوری برای آقای میرحسین موسوی

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

شورای اسلامی] تا ساعت ده صبح، ماندم و سپس به دفترم آمدم. آقای [احمد] بهشتی نماینده فسا که اعتبارنامه‌اش [در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی] مطرح بود، از غیبت من ناراحت بود. از آنجایی که می‌داند برای ایشان احترام قائلم، انتظار داشت در جلسه بمانم؛ [چون] کار فوری داشتم [نتوانستم در جلسه حضور داشته باشم].

ظهر آقای موسوی نماینده رامهرمز آمد. از تورم، ضعفهای ادارات [دولتی]، سپاه، جنگ و بودجه اظهار ناراحتی می‌کرد. با ارائه توضیحات، [او را]، کمی راضی کردم. آقای [سیدرضا] زواره‌ای [نماینده تهران] آمد و از ضعف دولت و [از احتمال] خطر نارضایتی عمومی حرف زد و در این مورد پیشنهاد مشخصی، به جز تعویض دولت، آن هم بدون داشتن جانشین نداشت. گفتم: دولت ماندنی است؛ راه حل این است که با آن همکاری شود.

عصر، آقای [هادی] مروی، قاضی و رئیس شعبه اول دادگاه انتظامی قضات آمد و از ضعف رئیس شعبه دوم [دادگاه انتظامی قضات] گفت. آقای میرمحمد صادقی [از بازاریان تهران] آمد؛ گزارش کاروان کمک به جبهه کردستان و کمبودهای جبهه را داد و درباره اتاق بازرگانی ـ که با وزیر بازرگانی اختلاف دارند ـ کمک خواست.

آقای محمدجواد حجتی‌کرمانی که اخیراً مشاور فرهنگی رئیس جمهور و معاون علمی کتابخانه مجلس [شورای اسلامی] شده، آمد؛ حرفهای تازه‌ای نداشت. روحیه‌اش بهتر شده است. از لزوم بیداری در مقابل توطئه ایجاد تفرقه، مخصوصاً بین من و آقای خامنه‌ای گفت و پیشنهاد احیاء کتاب جامع لغت عربی به فارسی را نمود که قبل از انقلاب در کتابخانه مجلس شروع شده است.

شب، در مجلس ماندم. برف می‌بارید. از وضع ربایندگان هواپیمای ربوده شدهٔ کویتی جویا

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

نخست وزیر فرستاد و درخواست کرد که اقدامی فوری و مؤثر برای حفظ هواپیما و نجات جان مسافران بنمایند. هواپیماربایان چند بار با کاردار کویت در تهران مذاکره کردند. آنها درخواستهای خود را، آزادی بازداشت شدگان در کویت اعلام کردند تا در مقابل آزادی آنها، هواپیماربایان نیز مسافران هواپیما را آزاد کنند. آنها تهدید کردند در غیر این صورت هواپیما را به همراه مسافران منفجر خواهند کرد.

صحنه ای از هواپیمای ربوده شده و مسافران آن در فرودگاه مهرآباد

شدم. گفتند ربایندگان هواپیما، از عربهای مسلمان انقلابی هستند و آزادی همرزمانشان را از زندان کویت می‌خواهند که پس از انفجار سفارت آمریکا در کویت بازداشت و محکوم شده‌اند. [پس از ربودن هواپیما]، یک آمریکائی را کشته و جسدش را تحویل داده‌اند و عده‌ای [از مسافرین هواپیما] را آزاد کرده‌اند. می‌گویند، شخصیت‌های مهم کویتی، پاکستانی و آمریکائی در هواپیما، گروگان هستند.

چهارشنبه ۱۴ آذر ۱۳۶۳

تا ساعت نه صبح، در دفترم مطالعه می‌کردم. مسئول موتورپول [= امور نقلیه] مجلس آمد. نیازها و مشکلاتش را گفت. تقاضای رسیدگی درباره اضافه کار، قطعات یدکی، وضع تعمیرگاه و تنبیه و تشویق رانندگان [سرویس دهنده مجلس] را می‌خواست. آقای احمد بهشتی [نماینده فسا] آمد؛ از مشکلات فسا و ناسازگاری با امام جمعه فسا گفت.

جلسه نمایندگان تهران داشتیم. درباره مراتع بحث بود و نمایندگان و مسئولان تهران، درباره حدود و ثغور مراتع بحث کردند. نمایندگان، بیشتر روی افراط کاری جنگلداری در خصوص محدود کردن دامداران و کشاورزان، حرف داشتند. آنها گفتند، نود میلیون هکتار مرتع داریم که فقط ۱۰ میلیون تن علوفه تولید می‌کند؛ از تخریب مراتع نگران بودند.

ظهر، آقای [حسن] روحانی آمد و گزارشی از ساخت قایق و پل و پیشرفت کارهای جنگ را داد. عصر، هیأت رئیسه مجلس، جلسه داشت. شب، سران قوا در مجلس، مهمان من بودند. بخشی از بحث، در کیفیت برخورد با هواپیماربایان گذشت. خواستشان آزادی زندانیان مسلمان مجاهد کویت است و برای انتقام از دولت کویت به خاطر همکاری آنها با عراق، در بردن هواپیمای ربوده شده ایرانی به عراق آورده‌اند. سپس درباره توزیع و به کار گرفتن زندانیان تواب و مسائل دیگر هم، بحث کردیم. شب، در مجلس ماندم. فیلم تماشا کردم.[1]

۱- در حالی که جمهوری اسلامی ایران، تجدید رابطه آمریکا و عراق را علامتی از افزایش حمایت آمریکا از عراق در جنگ می‌شمارد، به گزارش ای.بی.سی جرج شولتز وزیر خارجه آمریکا، گفت: "ما بیطرف می‌مانیم؛ ولی این بیطرفی بدان معنی نیست که بنشینیم و در انتظار پایان جنگ باشیم." در این حال به گزارش رادیو آمریکا، "طارق عزیز طی یک کنفرانس مطبوعاتی در

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

پنجشنبه ۱۵ آذر ۱۳۶۳

از وضع هواپیمای ربوده شده، استفسار کردم؛ بحرانی است. احتمال خطر برای مسافران هواپیما موجود است. قبل از دستور در جلسه علنی [مجلس شورای اسلامی]، راجع به هفته وحدت و حادثه ناگوار پخش مواد سَمی ازکارخانه شیمیائی آمریکائی، در "بوپال" هندوستان ـ که منجر به مرگ حدود دو هزار نفر و مسموم شدن حدود هفتاد هزار نفر شده است، ـ صحبت کردم.[1]

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

در واشنگتن اظهار داشت: "برقراری مجدد روابط سیاسی میان آمریکا و عراق بدین دلیل صورت گرفته است که دو کشور، طرز فکر خود را تغییر داده و به یکدیگر نزدیک‌تر شده‌اند".

همچنین طارق عزیز در ضیافتی با سردبیران و گزارشگران واشنگتن پست گفت: "در صورتی که هیأت حاکم آمریکا اقدامات فعال و مهمی در رابطه با هم پیمانان خود به عمل آورد، این امر می‌تواند به کاهش توانایی ایران در ادامه جنگ و همچنین پیگیری سیاست‌های خود در منطقه، کمک نماید. این امر مستقیماً به خاتمه جنگ منتهی نمی‌شود؛ بلکه توانایی‌های ایران را محدود می‌نماید. به نظر می‌رسد که مقامات رسمی دولت آمریکا، در تئوری موافقت دارند تا کوشش‌های بیشتری در منزوی کردن ایران از لحاظ اقتصادی و نظامی به عمل آورند؛ اما من نمی‌توانم قضاوت کرده و بگویم که آنها دقیقاً چه انجام خواهند داد."

۱- روز دوشنبه ۱۲ آذر ماه ۱۳۶۳ به دنبال انفجار یک تانکر ذخیره زیرزمینی در یک کارخانه شیمیایی حشره کش سازی در "بوپال"، مرکز ایالت مادیار پرادش هند در نیمه‌های شب، گازهای سمی به سرعت در هوا منتشر شد و ساکنان منطقه پس از استشمام گاز، وحشتزده از خانه‌های خود پا به فرار گذاشتند. اما اکثر آنها به علت غفلت و شدت گاز در هوا، مسموم وکشته شدند. یکی از مدیران منطقه‌ای کارخانه شیمیایی "یونیون کارباید" که یک شرکت چند ملیتی آمریکایی است، علت واقعه را تراوش گاز سمی از یکی از سه منبع زیر زمینی این کارخانه دانست.

آقای هاشمی در این مورد، در نطق قبل از دستور اظهار داشت: "نکته دیگری که این روزها داریم، حادثه غم‌انگیز نشت گاز در هندوستان است که موجب تلفات شدیدی در بین محرومان و فقرزده‌های مردم هندوستان شده و این از حوادث نادر تاریخ است، مخصوصاً اگر این صحیح باشد که این سرمایه‌ها هست که در هندوستان با مردم فقیر این جوری برخورد می‌کند و کارخانه‌های خطرناک مواد شیمیایی را به جای اینکه درکشورهای خودشان به‌کار بیندازند، در مواردی مثل هند، کشورهای عقب افتاده و فقیر و نیازمند به سرمایه گذاری به‌کار می‌برند، این از همان جائی است که ارزش سرمایه بر انسان و خون انسان می‌چربد، از نظر انسانهای مادی و دنیا پرست، ما این حادثه تلخ را به مردم هند تسلیت می‌گوییم و امیدواریم که این حادثه، باعث بشود که

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

برای بحث درباره مسئولیت حفاظت شخصیتها، جلسه [مجلس شورای اسلامی] را غیر علنی کردیم. طرح پیشنهاد واگذاری آن به سپاه رأی نیاورد که این جریان، اثر ناگواری برروی سپاهیان خواهد داشت.

ظهر، با ائمه جمعه خوزستان ملاقات داشتم؛ ازکمبودها و مشکلات استان گله‌داشتند. قرار شد هر موضوع مورد شکایت را جداگانه بنویسند که مشکلات مربوط به آن موضوع را تعقیب کنیم. [همچنین] خواهان ادامه جنگ بودند.

آقای نیکنام، مسئول فرهنگی ستاد نماز جمعه [تهران] هم آمد. برای پخش سخنرانیهای قبل از خطبه‌ها از رادیو، کمک می‌خواست. از خلوت شدن نماز جمعه‌های شهرستانها، اظهار ناراحتی می‌کرد.

عصر، دادستان‌ها و حکام شرع سپاه [سراسر کشور] آمدند. برای آنها مفصلاً صحبت کردم.[1]

مسئولان بنیاد [امور] مهاجران جنگ آمدند و ازکمی بودجه وکارشکنی نمایندگان مجلس [در کار بنیاد]، گله داشتند. خبر رسید که امروز هواپیماربایان یک [مسافر] آمریکائی [دیگر] راکشته‌اند

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

کشورهای جهان سوم بیدار بشوند و این حرکات ذلت آور را نپذیرند". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۱- در این دیدار، آقای هاشمی گفت: "دستگاه قضایی سپاه، عهده دار یکی از حساسترین و ضروری ترین کارها می‌باشد. سپاه اصافاً از مهمترین نهادهای انقلاب است که از متن انقلاب جوشیده و مراحل تکامل و تشکیل و انسجام آن، مملو از ایثار برادران سپاه و امدادهای غیبی بوده است. در انقلابهای دنیا معمولاً گاردهایی را برای حفظ انقلاب درست می‌کنند، اما کیفیت آنها با سپاه، بسیار فرق می‌کند. معمولاً گاردها از عناصر فرصت طلب تشکیل می‌شوند که با نفوذ در مراکز حساس و با فرصت طلبی، ثمره انقلاب را می‌چینند اما در جمهوری اسلامی با هوشیاری مسئولان سپاه، زندگی سطح پائین بدون درجه برای افراد سپاه در نظر گرفته شد، در حالی که خطیرترین شغلها که در آن جان افراد باید کف دستشان باشد، همیَن سپاهی بوده است. در نتیجه زمینه برای ورود خالصترین و پاکباخته‌ترین افراد فراهم گردید و سپاه با استفاده از این موقعیت، توانست مسئولیتهای اساس خویش را در رابطه با قانون اساسی و اهداف پیشتازان سپاه انجام بدهد و جای خود را در کل کشور باز کند. این حرکت تکاملی سپاه، بـه طـور خودجوش و بدون تمهید ابراز اولیه و ساختمان و تجهیزات و نیازهای دیگر شکل گرفت". رجوع کـنید ← کـتاب "هـاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.


KUWAIT
كاظمه
KADHMA
هواپیمائی جمهوری اسلامی ایران

و جسدش را بیرون انداخته‌اند و برای بدست آوردن خواسته‌هایشان از دولت کویت تهدیدات بیشتری کرده‌اند.

شب، با تماس تلفنی با مراجع مسئول، وضعیت هواپیمای کویتی را استفسار کردم. قائم مقام وزارت امور خارجه، آقای [علی محمد] بشارتی گفت، امید به حل مسالمت‌آمیز [جریان هواپیما ربایی] بیشتر شده است. شب، به خانه آمدم. برف هم می‌بارید. برف زیادی در شمیرانات جمع شده است.

جمعه ۱۶ آذر ۱۳۶۳

در منزل بودم. با آقایان خامنه‌ای و [میرحسین]موسوی درباره سرنوشت هواپیمای ربوده شده کویتی، صحبت کردم. پیشرفتی [در حل مسأله هواپیماربایی] نیست، ولی امید به پذیرش بعضی خواسته‌های آنها، از طرف [دولت] کویت، بیشتر شده است. در اخبار گفته شد، نامه‌ای هم از [طرف رونالد] ریگان [رئیس جمهور آمریکا] به خاطر اهمیت آمریکائیان موجود در هواپیما، به امیر کویت آمده است. قرار شده بیانیه هواپیماربایان در مقابل آزادی گروهی از گروگانها، از رسانه‌ها پخش شود.[1]

۱- در بیانیه ربایندگان هواپیمای کویتی آمده است: "ستایش خدایی را که ما را موفق نمود که دینمان را یاری کنیم و ما را به حُکامی مزدور و ضعیف النفس مورد آزمایش قرار داد. کسانی که دین خدا را به بیگانگان فروختند و با خون ملت خویش تجارت کردند و به شهوات پرداختند و به رعایت حلال و حرام خدا اهمیت ندادند. و ستایش خدایی را که ما را با آنها که در دنیا نگذاشت و از او می‌خواهیم که در آخرت نیز ما را با آنها محشور نکند. اما بعد ما اعلام می‌کنیم که: با این اقدام، دشمنی نسبت به کسی نداشته و قصد سلب آزادی و ترساندن کسی را نداریم. ما از کسانی که برای دنیا کار می‌کنند، نیستیم. علت این اقدام از جانب ما، اولاً به خاطر رضای خداوند متعال و ثانیاً جهت یاری برادران مظلوم ماست که رژیم کویت آنها را با بهتان و ظلم متهم کرده است. حکومت کویت و دستگاههای جلاد مشترک کویت، آمریکا و فرانسه با شکنجه و اعتراف گرفتن از آنها، نسبت به مسائلی که صحت ندارد به همراه نیروهای قضایی ظالم کویت دروغهایی را به آنها بسته که برخلاف قوانین الهی و عرف بین‌المللی و حتی برخلاف عرف حکومت ظالم کویت، می‌باشند. ... ما اعلام می‌کنیم که هم چنان یک گروه از شخصیت‌ها که جهان آنها را مهم می‌پندارند، ولی به نظر ما یک مجموعه جنایتکار هستند که به حکم خدا و قرآن شایسته اعدام می‌باشند، در اختیارمان هستند از

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

ظهر، بستگان عفت و من، مهمانمان بودند. طیبّه همشیره و نصرت خانم و محمود آقا از سفر سوریه خیلی راضی‌اند.

به خبرگزاری جمهوری اسلامی گفتم، اعلامیه هواپیماربایان را [از رسانه‌ها] پخش کنند و منتظر موافقت دولت کویت نباَشند تا از این طریق، عده‌ای [گروگانهای ربایندگان هواپیما] آزاد شوند و خطر کم شود. از رئیس جمهور خواستم که دستور آماده‌باش به پدافند [هوایی] بدهند. احتمال ماجراجوئی آمریکائیها [درباره هواپیمای ربوده شده] می‌رود. مقامات آمریکائی به منطقه آمده‌اند و دولت کویت را به مقاومت [در مقابل خواسته‌های ربایندگان هواپیما] تشویق می‌کنند. اخوی محمد [رئیس سازمان صداوسیما] گفت، آمریکا فیلم یک دقیقه‌ای حالت چند آمریکائی [گروگان گرفته شده] کنار پله‌های هواپیما را، می‌خواهد پنجاه هزار دلار بخرد، گفتم: [فیلم را] ندهد؛ چون می‌خواهند از این فیلم بهره گیری سیاسی [علیه ایران] کنند.

شب، آقایان [کمال]خرازی، [خسرو]تهرانی و [محسن]رضائی آمدند. درباره هواپیمای کویت بحث کردیم. قرار شد، تلاش شود که کویت قولی به آنها بدهد که وسیلهٔ ختم غائله شود.

شنبه ۱۷ آذر ۱۳۶۳

در منزل بودم. اسامی جمعی از دانشگاهیان را برای عضویت در شورای عالی انقلاب فرهنگی که مورد توافق [آیت‌الله خامنه‌ای] رئیس جمهور و من بود، برای امام فرستادم. احمد آقا هم تلفن کرد و درباره آن افراد و متن بیانیه امام [درباره عضویت آن افراد در شورای عالی انقلاب فرهنگی] مشورت کرد.[1]

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

میان آنها: ۱- چارلز کبیر، عضو سازمان ۱۰۱ ی. دی وابسته به [سازمان] سیای جنایتکار می‌باشد که او از کارمندان کاخ به اصطلاح سفید است که ما آن را کاخ سیاه می‌دانیم. ۲- ابراهیم المنهی "مستشار". ۳- خلیفه حسین المسلم سفیر فوق‌العاده و تام الاختیار کویت. ۴- محمود عبدالرحیم الغنری "رئیس اداره بازرسی و دادستان سابق کویت". که وی و سایر رفقایش در اتهام زدن به برادران و صدور حکمهای ظالمانه برای آنها شرکت داشته است.

۱- در بخشی از بیانیه امام در خصوص انتصاب جدید اعضای ستاد انقلاب فرهنگی آمده است: "ستاد انقلاب فرهنگی در مدت

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

شورای سرپرستی [صداوسیما] جلسه داشت. درباره روابط شورا و مدیر عامل و برنامه‌ها[ی صداوسیما] و وقت پخش نماز جمعه تهران [از سیما] بحث شد. قرار شد، وقت پخش نمازجمعه به طور ثابت، ساعت نه شب روزهای شنبه باشد. قرار شد درباره پخش نماز جمعه‌های دیگر [از سیما] هم، طرحی تهیه شود. با وزارت خارجه و خبرگزاری [جمهوری اسلامی] هم درباره هواپیمای ربوده شده کویتی تماس گرفتیم. شب، احساس ناراحتی و کمی تب کردم؛ احتمالاً آنفلوانزا است که این روزها در بین اعضای خانواده جاری است.

یکشنبه ۱۸ آذر ۱۳۶۳

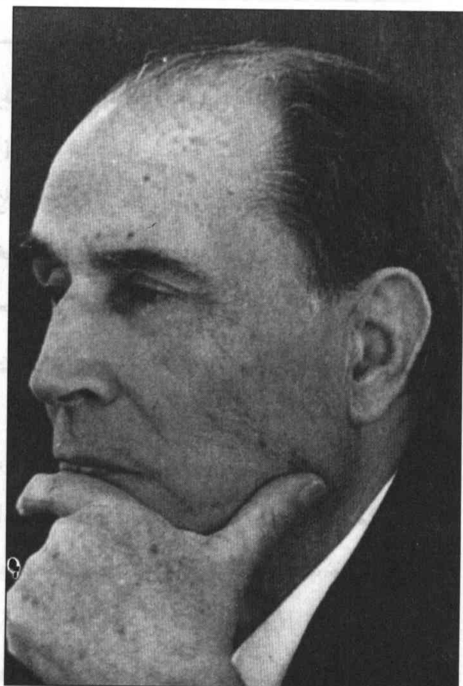
شب گذشته را با ناراحتی گذراندم، تب شدیدی داشتم. نتوانستم به مجلس بروم. دکتر معتمدی ـ یکی از پزشکان کشیک بیت امام ـ معاینه‌ام کرد؛ دو درجه تب داشتم. مسهل و مایعات خوردم. از عصر، حالم رو به بهبود رفت.

مسئله هواپیمای کویت، حاد شده بود. [ربایندگان هواپیما] اعلام داشته بودند که هواپیما را با هفت نفر باقی مانده ـ که گویا آمریکائی و کویتی بودند ـ منفجر خواهند کرد. دولت کویت هم خودش را از این جریان کنار کشیده است. با حالت تب، مرتباً مورد مشورت [مسئولین امر] قرار می‌گرفتم.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

کوتاهی که از عمرش گذشته، خدمتهای ارزنده و کارهای مفید و مؤثری در این امر حیاتی برداشته و مورد تقدیر و تشکر است، ولی خروج از فرهنگ بدآموز غربی و نفوذ و جایگزین شدن فرهنگ آموزنده و اسلامی، ملی و انقلاب فرهنگی در تمام زمینه‌ها در سطح کشور آن چنان محتاج تلاش و کوشش است که برای تحقق آن، سالیان دراز باید زحمت کشید و با نفوذ عمیق ریشه‌دار غرب مبارزه کرد و ما می‌دانیم که اگر با دقت ریشه یابی کنیم، آنچه برملت ما گذشته و اکنون می‌گذرد، حتی جنگ تحمیلی سرچشمه از دانشگاه غرب زده و متخصصان غیر متعهد و وابسته گرفته است.

... اینک با تشکر از زحمات ستاد انقلاب فرهنگی برای هرچه بارورتر شدن انقلاب در سطح کشور، تقویت این نهاد را لازم دیدم. بدین جهت علاوه برکلیه افراد ستاد فرهنگی و روسای محترم قوه سه گانه، حجج‌الاسلام آقای خامنه‌ای و آقای اردبیلی و آقای هاشمی رفسنجانی و همچنین جناب حجت‌الاسلام آقای مهدوی کنی و آقایان سید رضا اکرمی، وزیر آموزش و پرورش و سید رضا داوری و نصرالله پورجوادی و محمد رضا هاشمی گلپایگانی را به آنان اضافه نمودم".



فرانسوا میتران - رئیس جمهور فرانسه



رونالد ریگان - رئیس جمهور آمریکا



سعودالفیصل- وزیر خارجه عربستان سعودی



هانس دیتریش گنشر- وزیر خارجه آلمان غربی

عصر هم دکتر ولایتی آمد، [از جریان هواپیماربایی] ناراحت بود. بالاخره قرار شد مسئله را حتی [اگر شده]، با عملیات نظامی ختم کنیم. تصمیم به مسئولان سپاه ابلاغ گردید و قرار شد [جریان باز پس گیری هواپیما] حتی‌الامکان، بدون تلفات صورت گیرد. شب، با مسکّن و خواب آور، نسبتاً راحت خوابیدم.

دوشنبه ۱۹ آذر ۱۳۶۳

صبح زود از رادیو، خبر پایان یافتن جریان هواپیمای ربوده شده کویت را ـ که انتظار [خبر] آن را داشتم ـ شنیدم. نیروهای ویژه ما، در یک عملیات برق آسا، آنها را خلع سلاح کرده و گروگانها را آزاد کرده‌اند.[۱] حالم نسبت به دیروز، بهتر است ولی تب دارم و بی‌اشتها هستم. قرار بود به مجلس بروم، نرفتم. قرار سخنرانی در دانشگاه امام صادق(ع) را هم لغو کردم.

آقای مهدوی کنی [رئیس دانشگاه امام صادق(ع)] تلفنی گله کرد؛ پذیرفتم به طور مختصر شرکت کنم که مفسده‌ای بر لغو سخنرانی، مترتب نباشد. پاسدارانم، مخالف [شرکت در سخنرانی] بودند. آنها را قانع کردم. با اینکه متفرق بودند، جمع شدند و نزدیک غروب [در سخنرانی] شرکت کردیم. آقای [محمد تقی] فلسفی، به جای من صحبت کردند. من جوایز شاگردان ممتاز را دادم و

۱ـ مأمورین امنیتی با لباس نظافتچی، پزشک و خدمه در اطراف هواپیما پراکنده شده بودند. رایندگان هواپیما، تقاضای شارژ نمودند که در خواستشان انجام شد و در عین حال یک مأمور امنیتی پشت دستگاه شارژ مخفی شد. سپس رایندگان برای بیماران داخل هواپیما تقاضای پزشک کردند که دو نفر از مأمورین امنیتی بلافاصله به عنوان پزشک داخل هواپیما شدند. در همین موقع، رایندگان درخواست دو نفر نظافتچی نمودند که مجدداً مأمورین امنیتی به عنوان نظافتچی وارد عمل شدند. هنگامی که یکی از رایندگان هواپیما مشغول تفتیش بدنی یکی از نظافتچی‌ها بود، مأمورین امنیتی با یک حرکت برق آسا هواپیما ربا را خلع سلاح کرده و او را به پائین انداختند. در این موقع مأمور دیگری که از آغاز ماجرا پشت سر دستگاه شارژ مخفی شده بود به کمک مأمورین داخل هواپیما شتافت. مأمورین امنیتی به محض ورود به داخل هواپیما با پرتاب گاز دود زا، عملیات نجات را شروع کرده و در یک لحظه هواپیما ربایان را خلع سلاح کردند. گروگانهای کویتی و آمریکایی، پس از دستگیری رایندگان هواپیما، با ناباوری مأمورین امنیتی ایران را در آغوش گرفتند و در ساعت سه بامداد روز دوشنبه، اضطراب شش روزه پایان پذیرفت و یک ساعت بعد، فرودگاه مهرآباد وضع عادی خود را باز یافت. پس از این، هیأت دولت کویت طی بیانیه‌ای از ایران و از همه کسانی که در تلاش برای پایان دادن به عملیات ربودن هواپیمای کویتی مشارکت نمودند، سپاسگزاری کرد.

چند کلمه‌ای حرف زدم و به خانه آمدم.

گزارشها را آوردند، خواندم. ناظران جهانی از توفیق کم نظیر نیروهای ویژه ایرانی در خلع سلاح هواپیماربایان، در تعجب بودند و دشمنان در حسدوحسرت، و عجیب‌تر برای آنها، اقدام جمهوری اسلامی برای نجات عناصر آمریکائی و کویتی که هر دو، تا حدودی با عراق در جنگ علیه ایران شرکت دارند. مقامات رسمی کویت و آمریکا از ما تشکر کرده‌اند. گرچه مطبوعاتشان شیطنت می‌کنند.[1] بالاخره دو نفر [از مسافرین] آمریکائی کشته شده و دو سه نفر هم کمی مجروح شده‌اند.

۱- نشریه فارین ریپورت چاپ انگلستان در این باره نوشت: "چهار تروریستی که هواپیمای خطوط هوائی کویت را ربوده و مدت شش روز در تهران نگه‌داشتند، احتمالاً از بنیادگرایان شیعه عراقی بودند که به حزب غیر قانونی الدعوه اسلامی، که شدیداً با صدام حسین رئیس جمهور عراق مخالفت دارد، تعلق داشتند. گزارش‌های رسیده به نشریه "فارین ریپورت" مؤید گمان‌هائی است که در کویت و دیگر کشورها وجود دارد، مبنی براینکه یورش موهوم به هواپیمای مذکور از سوی پاسداران انقلابی ایران یک هجوم نمایشی بوده است. براساس منبع خبری ما، نمایندگان برخی از گروههای شیعه ضددولتی عراق، از جمله "الدعوه" و "العمل الاسلامی"، در تاریخ بیست و سوم نوامبر برای ملاقات با آیت‌الله حسینعلی منتظری، مسئول نهضت آزادسازی شیعیان در خاورمیانه، به تهران رفتند. آنها بر آن شدند تا به تلاش‌های مسلحانه بیشتری علیه حامیان صدام حسین در جنگ خلیج [فارس] یعنی کویت، عربستان سعودی و اردن دست زده و مبارزات ضد آمریکایی خویش را به اروپای غربی بکشانند. به گفته این منبع، نخستین اقدام علیه سفارت آمریکا در رم ناموفق مانده و ربوده شدن این هواپیمای کویتی هم دومین اقدام در این زمینه بود. اجلاس تهران و تصمیمات محرمانه متخذه آن به رقابت‌های فزاینده میان چهار شخصیت برجسته ایران بعد از آیت‌الله خمینی یعنی منتظری و همفکر او هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس، پرزیدنت علی خامنه‌ای میانه روتر و میرحسین موسوی نخست وزیر، ارتباط دارد. این مبارزه جدید، ظاهراً از سوی جناح منتظری طراحی گشته است، تا علاوه بر صدمه زدن به کشورهای دوست عراق، طرح‌های جناح‌های نزدیک به رئیس جمهور و نخست وزیر در جهت گسترش روابط ایران با غرب و نیز در جهت خاتمه بخشیدن به جنگ بی پایان با عراق را بی اثر سازد. انتخاب کویت به عنوان هدف، دو دلیل داشت: یکی آزاد ساختن هفده تروریست شیعه‌ای که به دنبال یک سلسله حملات با بمب علیه اهداف آمریکایی و فرانسوی در این کشور باز داشت و سپس به مرگ محکوم گردیده‌اند؛ دوم وارد آوردن فشار برکویت تا مانع از آن شوند که این کشور دو جزیره خود در خلیج [فارس] را به عنوان پایگاههائی علیه نیروی دریایی ایران، در اختیار عراق قرار دهد. براساس گزارش منبع اطلاعاتی ما، چهار هواپیماربای مزبور درست قبل از عملیات، شبانه به کمک قایق از ایران به دوبی انتقال یافتند. دو نفرشان از آنجا با هواپیما به کویت رفته و سوار

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

آیت‌الله منتظری، بعد از ملاقات با امام، به منزل ما آمدند و دو ساعتی با هم درباره امور کشور و جنگ مذاکره کردیم. ایشان، طبق معمول از کمبودها و نارسائی‌ها گفت. من از ایشان به خاطر انتقاد زیاد از دولت و خالی کردن دل مردم، گله کردم و در خصوص جنگ، به ایشان حُسن پیشرفت امور را تأکید نمودم.

سه شنبه ۲۰ آذر ۱۳۶۳

هنوز کسالتم تمام نشده است. گزارشها را تا ساعت نه صبح، در منزل خواندم. مراکز خبری و خبرساز دنیا از عمل ایران در مورد خلع سلاح ربایندگان هواپیما و بازپس گیری هواپیما از هواپیماربایان مات مانده‌اند. خبرگزاریهای خارجی نه مایلند از این اقدام ستایش کنند و نه می‌توانند به طور مستدل این اقدام را محکوم نمایند. [در واقع، هم] به نعل و [هم به] میخ می‌زنند.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

هواپیمای کویتی مزبور شدند که قرار بود با توقفی در دوبی عازم کراچی شود. دو نفر دیگرشان در دوبی بدانها پیوستند. این چهار تن مسلح نبودند. آنها فقط نارنجک‌های ساختگی چوبینی همراه داشتند که کشف نگردیدند. در فرودگاه تهران، مأموران امنیتی ایران در لباس مسئولان حمل مواد غذایی، سرویس کاران و پزشکان، طپانچه‌ها و دست کم یک مسلسل دستی در اختیار آنان قرار دادند. این مأموران امنیتی همچنین هواپیما ربایان را در مورد اقدامات بعدی‌شان در عملیاتی که ظاهراً یک جنگ عصبی بود، توجیه نمودند. حساب‌ها غلط از کار در آمد. کویت از آزاد ساختن تروریست‌های شیعه سرباز زد. فشارهای بین‌المللی افزایش یافت: فهد شاه عربستان سعودی و رؤسای جمهور سوریه، پاکستان و الجزایر مصرانه از ایران خواستند به این هواپیما ربایی خاتمه دهد. [آقای] خامنه‌ای، مشاور امنیتی خود یعنی مصطفی میرسلیم را مسئول حل و فصل این بحران دیپلماتیک نمود. در اجلاسی در تهران که عبدالحلیم خدام معاون رئیس جمهور سوریه، در آن شرکت داشت، رئیس جمهور و نخست وزیر ایران با [آقایان] منتظری و رفسنجانی برخورد پیدا کردند. [آقای] خامنه‌ای خواستار سازمان دهی عاجلی جهت یک عملیات نجات دروغین شدند تا از بروز دردسرهای بیشتر در کشور جلوگیری به عمل آید. وی اظهار داشت: نبایستی مشاهده گردد که به تروریسم اجازه وقوع در خاک ایران داده می‌شود. [آقای] منتظری بی‌آنکه موفقیتی کسب کند به [امام] خمینی متوسل شد. [آقای] خامنه‌ای با اعلام اینکه هواپیماربایان محاکمه خواهند شد، برسلطه و اقتدار خویش تأکید ورزید. منبع اطلاعاتی ما می‌گوید هم اکنون یک آزمایش اراده و مقاومت بر سر این محاکمه در تهران جریان دارد. اگر خامنه‌ای بتواند در مورد آن پافشاری نماید، دست بالاتر را خواهد داشت، اما چنانچه هواپیما ربایان آزاد گردند، حرف منتظری به کرسی نشانده خواهد شد!"

به مناسبت عید میلاد [حضرت رسول اکرم(ص)]، برای زیارت امام، به حسینیه جماران رفتیم. حدود یک ماه بود که امام، ملاقات عمومی رسمی نداشتند. امام در این ملاقات خیلی خوب و شاداب حرف زدند و به شایعات کسالت خودشان پایان دادند؛ مایه سرشکستگی منابع [خبری] شایعات [بیماری] خواهد شد.[1]

بعد از مراسم، رئیس جمهور و آقایان صیاد [شیرازی] و محسن رضائی آمدند. درباره نیازهای عملیات آینده بحث کردیم. نظامی‌ها، [فرماندهان سپاه و ارتش] عملیات را وسیع‌تر از حد مورد نظر، ترسیم کرده‌اند و نیازهای جدید[ی برای عملیات] خلق شده است. قرار شد نیازهای عملیات حتی‌الامکان تهیه شود.

با آقای [محسن]رضائی در مورد برنامه ملاقات آینده آنها، با مخالفانشان [در سپاه]، با امام صحبت کردم. آقای موسوی اردبیلی هم آمدند و با حضور آقای خامنه‌ای، در باره کیفیت برخورد قضائی با هواپیماربایان، بحث و در این مورد، تصمیماتی اتخاذ شد.

عصر، [از نظر جسمی]کمی احساس سلامتی نمودم و استحمام کردم و به آقای ولایتی، تلفنی گفتم وزارت امور خارجه نظارت نماید که نسبت به آمریکایی‌هایی که در هواپیما زنده مانده‌اند و در بیمارستان هستند، بدرفتاری نشود.

اول شب، آقای [مصطفی]کفاش‌زاده آمد. از فرانسه آمده و مدعی است که شخصیتی از نزدیکان [فرانسوا] میتران [رئیس جمهور فرانسه]، می‌خواهد با نماینده‌ای از طرف من، صحبت کند. قبلاً قرار بود [این شخص] همراه [فرانسوا] میتران به سوریه برود و در آنجا با آقای محتشمی [سفیر ایران در سوریه] صحبت کند؛ نتوانسته به آنجا برود.

شب، در بین نامه‌های رسیده، قصیده‌ای از آقای [محمد حسین] شهریار ـ شاعر معاصر ـ در

۱- در این دیدار، امام خمینی(ره) فرمود: "اینهائی که گمان می‌کنند، اسلام نگفته است جنگ، جنگ تا پیروزی؛ اگر مقصودشان این است که این عبارت در قرآن نیست، درست می‌گویند و اگر مقصودشان این است که بالاتر از این با زبان خدا نیست، اشتباه می‌کنند. قرآن می‌فرماید. "قاتلواهم حتی لاتکون فتنه" همه بشر را دعوت می‌کند به مقابله برای رفع فتنه: یعنی جنگ جنگ تا رفع فتنه در عالم."



وصف خطبه‌های نماز جمعه‌ام دیدم و با شعر، جواب ایشان را تهیه کردم.[۱]

چهارشنبه ۲۱ آذر ۱۳۶۳

صبح، بعد از نماز به مجلس رفتم. گزارشها را خواندم. پیش از ظهر، آقایان [قربانعلی]درّی [نجف‌آبادی] و استاندار تهران آمدند. راجع به متروی تهران بحث کردیم. قرار شد جلسه‌ای در روز دوشنبه آینده، داشته باشیم. آقای [حسن]روحانی آمد و گزارشی از پیشرفت کار مهندسی و تدارکات عملیات آینده داد. حدود چهل روز از زمان تعیین شده [برای تحویل پروژه] عقب هستند. قرار شد انجام کارها به سرعت پیگیری شود.

عصر، آقایان محسن رضائی و [علی]شمخانی آمدند و برای ملاقات با آیت‌الله منتظری مشورت کردند. جلسه هیأت رئیسه [مجلس شورای اسلامی] داشتیم.

شب، با سران دیگر قوا، مهمان رئیس جمهور بودیم. درباره برنامه‌های صداوسیما، جنگ، مسافرت نخست وزیر به ترکیه و آلمان شرقی، مالیات‌ها، دادگاه‌ها، تعویض آقای [اسدالله] لاجوردی [دادستان انقلاب تهران]، شورای عالی انقلاب فرهنگی و موارد دیگر بحث شد. برای خواب به مجلس آمدم. دیر وقت خوابیدم. هنوز کمی از آثار کسالت باقی است.

پنجشنبه ۲۲ آذر ۱۳۶۳

بعد از نماز صبح، تا ساعت هشت مطالعه کردم. مراکز خبری جهان، هنوز داستان هواپیماربائی را رها نکرده‌اند. کم‌کم دارد نظریهٔ بهره گیری آمریکا از این حادثه هواپیماربائی، برای تحت‌الشعاع قرار دادن فاجعه نشت گاز کارخانه آمریکائی در "بوپال" هند ثابت می‌شود. پیش از دستور [جلسه علنی مجلس شورای اسلامی]، کمی صحبت کردم.[۲] یک لایحه تصویب شد. کمیسیون ویژه برای

۱- شعر استاد شهریار و پاسخ ایشان در بخش ضمایم همین کتاب چاپ شده است.

۲- در این نطق آمده است: "به مناسبت سالگرد شهید بزرگوار محراب، آیت‌الله دستغیب، یاد این مرد بزرگ را گرامی می‌داریم و برای روح مقدس‌اش و روح همه شهدا، مخصوصاً شهدای محراب از خداوند، مقام عالی تقاضا می‌کنیم. برای خانواده بسیار محترم شهید دستغیب که راه بزرگوارشان را ادامه می‌دهند و مشعل هدایت ایشان را روشن نگه داشته‌اند از خداوند توفیق بیشتر

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

پیگیری بیانیه الجزایر انتخاب گردید. بعد از وقت تنفس به دفترم رفتم. گزارشها را خواندم. تازه مهمی نیست.

ظهر، آقای [آیت‌الله ملک حسینی] امام جمعه یاسوج آمد. از وضع خوب ایرانیان در سوریه تعریف می‌کرد. عصر، گروه‌هائی از اهل سنت و شیعه استان‌های مرزی و عشایر آمدند. برای آنها به مناسبت هفته وحدت و درباره آثار وحدت، مفصلاً صحبت کردم.[1] دو سه نفر از دانشجویان و نماینده آقای منتظری در دانشگاه آمدند که مرا برای شرکت در سمینار وحدت حوزه و دانشگاه دعوت کنند. تا ساعت هشت شب، در دفترم کار کردم.

آقای [شیخ حسن] صانعی از طرف امام پیغام داد که من با مخالفان فرماندهی سپاه صحبت کنم. بنا بود، خود امام با آنها صحبت فرمایند. رئیس جمهور در این مورد نظر مخالف داده‌اند و امام منصرف شده‌اند. گفتم روزشنبه، خدمت امام خواهم رسید. با آقای [واعظ]طبسی درباره بنیاد تدوین تاریخ انقلاب صحبت کردم. از به عهده گرفتن مسئولیت آن بنیاد منصرف شده‌اند. با آقای [ابوالفضل] توکلی‌بینا صحبت کردم، ساختمان زرگنده را که بنیاد مستضعفان در اختیار دانشگاه

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

می‌خواهیم. و ضمناً از کسانی که در هفته وحدت برای ایجاد هماهنگی و همکاری در جامعه اسلامی تلاش کرده‌اند، چه شخصیتهای اهل سنت و چه سنت و چه شخصیت‌های شیعه تشکر می‌کنیم. مخصوصاً کاروانی از نمایندگان محترم مجلس که تشریف بردند به کردستان و در آن منطقه اثر زیاد و مثبتی از خودشان به جای گذاشتند، ممنونیم. امیدواریم که نمایندگان محترم این راه را مخصوصاً در منطقه کردستان ادامه بدهند که آنجا سخت نیازمند به حضور افرادی مثل شماها است." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۱- در این دیدار که به مناسبت میلاد رسول اکرم(ص) و هفته وحدت انجام شد، آقای هاشمی گفت: "از اجتماعات بسیار ثمربخش ما همین اجتماعات وحدت برادران شیعه و سنی است که می‌تواند منشأ اثر عمیقی در امروز و فردای جامعه ما و نسلهای آینده باشند. عوامل اختلاف ما همیشه یا از ناحیه کسانی که تفرقه می‌اندازند ویا از ناحیه افکار و عوامل اختلافی که در مغز انسانها است بروز می‌کند، وحدت از درخت‌های طیبه‌ای است که بسیار پر خیر و برکت است ولی به شدت احتیاج به باغبان و محافظ دارد تا آن را از آفات درونی و بیرونی از ناحیه انسانها حفظ کند. در مقابل اختلاف، درخت خبیثی است که در شوره‌زارها و مزبله می‌روید و هر چه شاخ و برگ آن را بزنید، باز هم جوانه می‌زند و هیچگاه نباید از آن غفلت نمود". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

آزاد اسلامی گذاشته است، تکمیل نماید.

گروهی از نمایندگان، نامه‌ای نوشته‌اند و خواسته‌اند، چاپخانه‌ای که متعلق به بنیاد مستضعفان و در اختیار روزنامه آزادگان است، از این روزنامه گرفته شود و در اختیار آموزش و پرورش قرار گیرد. شب، به خانه آمدم. بچه‌ها هم، برای تبریک تولد نوزاد خانم آقای خامنه‌ای رفته بودند. برف شدیدی می‌بارید.

جمعه ۲۳ آذر ۱۳۶۳

تا ساعت ده‌ونیم صبح، در خانه برای [آماده کردن خطبه‌های] نماز جمعه، مطالعه می‌کردم. برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه تهران رفتم.[۱] عصر هم کار زیادی نداشتم. به خاطر نقاهت موجود، استراحت می‌کردم و بیشتر پای تلویزیون بودم.[۲]

شنبه ۲۴ آذر ۱۳۶۳

خدمت امام رسیدم. راجع به ملاقات امام در یک جلسه‌ای با فرماندهان سپاه و مخالفان آنها و نصیحت مخالفان و ضبط مذاکرات، نظر موافق دادم. قبلاً هم نظر خود امام، همین بوده است. ولی

۱- ایشان در خطبه اول نماز جمعه، به ادامه بحث عدالت اجتماعی در مورد عدالت اسلام در ارتباط با نژادهای گوناگون و مظالم دنیای غرب نسبت به نژادهای غیر سفید پرداخت. در خطبه دوم نماز جمعه نیز با اشاره به موفقیت جمهوری اسلامی ایران در خاتمه دادن به ماجرای هواپیمای ربوده شده کویتی، یادآور شد: "استکبار جهانی طبیعی است که از اینگونه حوادث بهره‌برداری کند و ایران را مورد هدف قرار دهد. در مجموع این حادثه بسیار عجیب بود. بعضی از محافل قوی معتقدند که حادثه کلاً ماهیت آمریکایی دارد". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های نماز جمعه، سال ۱۳۶۳، جلد هفتم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۷۵.

۲- روزنامه کویتی القبس، در شماره این روز خود در پاسخ به این سئوال که چه علتی باعث گردید حکومت اسلامی ایران برای رهایی مسافران هواپیمای کویتی به عملیات کماندوئی متوسل شود، تئوری جدیدی مطرح می‌سازد. به گزارش القبس، ایالات متحده برای آزاد ساختن مسافران یک واحد عملیات را به طور بسیار محرمانه به یکی از کشورهای عرب مجاور ایران اعزام داشت و مقامات ایران هنگامی که از طریق سوریه از این امر اطلاع یافتند، تصمیم گرفتند تا دیر نشده مسافران را آزاد کنند تا ربایندگان بدست آمریکاییها گرفتار نشوند و هویت واقعی آنان کشف نگردد."

آقای رئیس جمهور، مصلحت نمی‌دانند که مخالفان برای ملاقات با امام دعوت شوند. قرار شد در این مورد با رئیس جمهور مذاکره شود.

در مورد شورای عالی انقلاب فرهنگی، پیشنهاد کردم که امام در دستوری تصریح فرمایند که سیاست‌گذاری و تصویب برنامه‌ها با شورا، و کارهای اجرائی برعهده مجریان باشد. راجع به فکر مخالفت با اصل مالیات به عنوان حکم اولی که بعضی‌ها دارند و آقای [احمد]آذری قمی هم در این خصوص جزوه‌ای پخش کرده است، با امام صحبت کردم.

آقای [محمدرضا] توسلی به منزل آمد و راجع به مشکل نماز جمعه باختران بحث کرد. جلسه شورای سرپرستی [صداوسیما] داشتیم و راجع به کم کردن یک ساعت از برنامه‌های کانال یک تلویزیون به منظور بهتر شدن کیفیت آن تصمیم گرفتیم.

یکشنبه ۲۵ آذر ۱۳۶۳

حمله اسرائیل به چند روستای جنوب لبنان، برای انتقام از عملیات مجاهدان اسلامی، مهمترین خبر روز است. در جلسه علنی دو لایحه تصویب شد. مراجعات نمایندگان، فراوان بود. پیغام شفاهی امام را قبل از شروع جلسه به نمایندگان گفتم که امام از دخالت بعضی از نمایندگان در امور سپاه و همراهی با مخالفان فرماندهی، ابراز نارضایتی کرده بودند. برای خواباندن سروصداها خیلی مؤثر افتاد. گرچه آنها را خیلی دمق کرد. حدود نود نفر از نمایندگان به من نامه‌ای نوشته بودند و خواسته بودند نمایندگان مخالف، اعتراضاتشان را [در مورد فرماندهی سپاه] در حضور نمایندگان مجلس، علیه فرماندهی مطرح کنند.

ظهر، [محمد کوسه غراوی] نماینده گنبدکاووس آمد. برای آزادی زندانیان سیاسی گنبد، کمک می‌خواست. آقای صالحی نماینده اصفهان آمد، مطالب متفرقه‌ای گفت. عصر در جلسه شورای حزب شرکت کردم. بیشتر بحث در تأمین نیازهای مالی [حزب جمهوری اسلامی] بود.

شب، با شورای سپاه با حضور رئیس جمهور جلسه داشتیم. دربارهِ کیفیت حل مشکل مخالفتها در سپاه بحث بود. بالاخره قرار شد از امام بخواهم، پیامی شبیه پیام به نمایندگان مجلس به سپاهیان بدهند. دیر وقت، به خانه رسیدم.

دوشنبه ۲۶ آذر ۱۳۶۳

به مجلس رفتم. گزارشها را خواندم. عراق، مدعی است چند کشتی نفتکش را در خلیج فارس زده است ولی فقط یک کشتی یونانی دو بار موشک خورده و یک کشتی کویتی هم - لابد اشتباهی - از طرف عراق، موشک خورده است.

[آقای محمد نبی حبیبی] شهردار تهران و گروهی از مسئولان متروی تهران آمدند. به وضع طرح مترو، رسیدگی شد. قرار شد برای فعال شدن آن اقدام شود. در قوانین قبلی [مسئولیت طرح مترو] در اختیار شهرداری تهران بوده و شورای انقلاب، آن را در اختیار وزارت کشور گذاشته و هیأت دولت دو، سه سال پیش، بی‌جهت طرح مترو را متوقف کرده است. نزدیک یک میلیارد تومان خرج شده و ۲/۷ کیلومتر تونل حفر شده است. ماشین‌های مدرن تونل‌کنی از خارج وارد شده، ولی اکنون کادر مترو متلاشی شده است. بودجه‌اش قطع گردیده و قرارداد شرکت [سوفرتو] فرانسوی با مترو لغو گردیده. دعوا در [مورد لغو قرارداد در] دادگاه مطرح است.

ظهر، آقای [حسن]روحانی درباره پیشرفت تدارکات عملیات آینده، گزارش داد. کار [تهیه مقدمات عملیات] از زمان تعیین شده عقب [افتاده] است. عصر، واحد حزب [جمهوری اسلامی] مجلس، جلسه کانون داشت. آیت‌الله خامنه‌ای صحبت کردند.

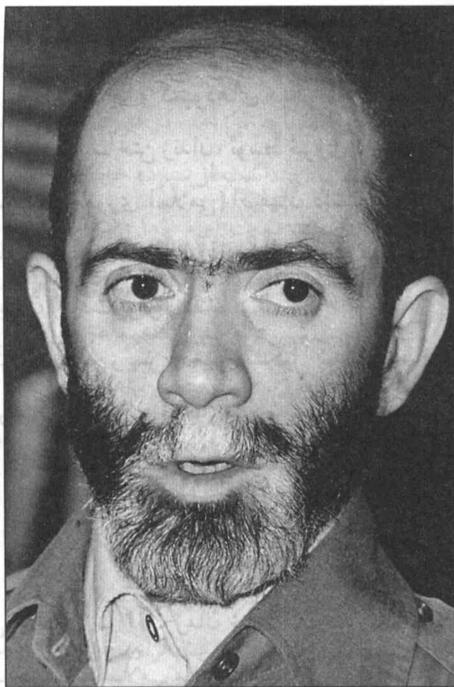
بعد از نماز مغرب، در دفترم با مسئولان جهاد سازندگی جلسه داشتم. گزارش جامعی از امکانات آب عراق برای ایجاد مزاحمت علیه ایران در جبهه جنوب داد و راه‌های چاره را گفتند. تصمیماتی در این مورد اتخاذ گردید. شب، در مجلس ماندم. کارهای عقب افتاده را انجام دادم.

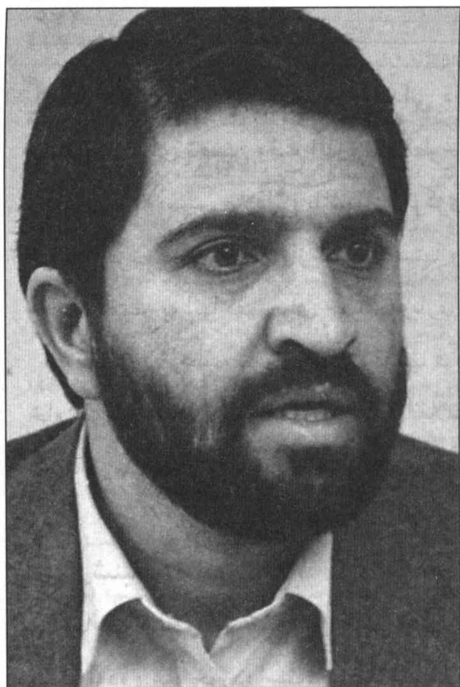
سه شنبه ۲۷ آذر ۱۳۶۳

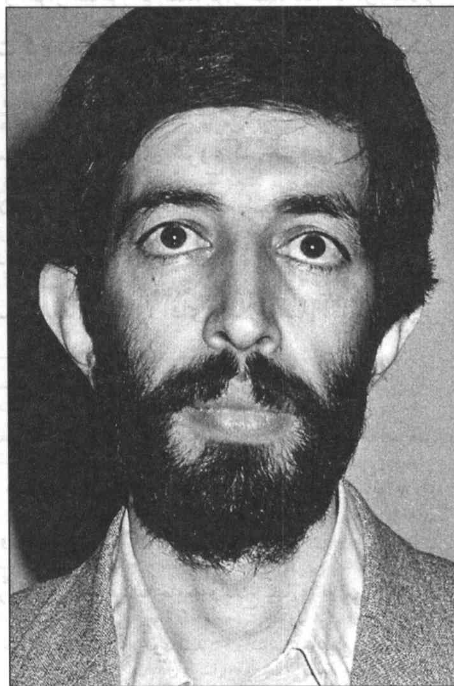
تا ساعت هشت صبح، در دفترم کار کردم. گزارش مهمی نداشتیم. در جلسه علنی، لایحه مالیات‌ها مطرح بود. چون لایحه، مهم و مفصل است و موافق و مخالف زیادی ثبت نام کرده‌اند، تمام وقت را گرفت و باز هم برای ادامه بحث وقت را تمدید کردیم.

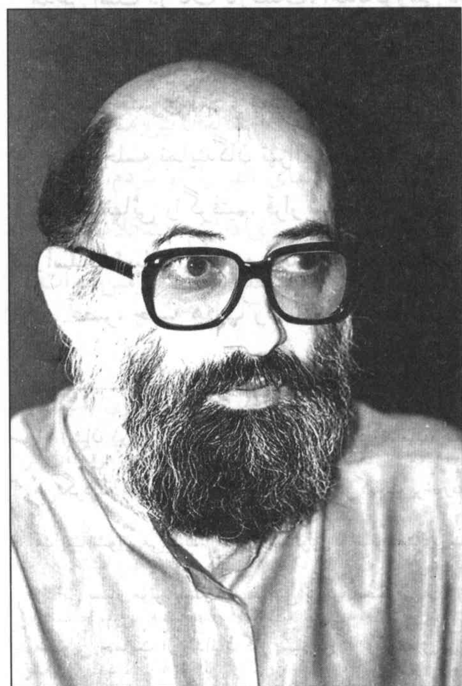
ظهر، آقای صابری همدانی آمد. قبلاً نماینده آقای آیت‌الله بروجردی در ترکیه بوده است. پسرشان در اسپانیا به اتهام نادرست شرکت در باند تروریستی ایرانی دستگیر شده؛ برای استخلاص او کمک می‌خواست. مدتی است چند نفر از جوانان ایرانی به این اتهام، در آنجا بازداشتند.

عصر، ملاقاتی با شورای سرپرستی زندانیان و انجمن حمایت از خانواده‌های زندانیان داشتم.


محمد نبی حبیبی


عبداله جاسبی


غلامعلی حداد عادل


مهدی چمران

گزارش دادند که حدود هشتاد هزار زندانی داریم. از کمبود جا و کمبودهای دیگر گله داشتند. پیشنهاداتی برای تحسین وضع آنها و کار مطرح شد. از جمله ساختن زندان، توسط نیروی کار خود زندانیان بود.[1] سپس ملاقاتی با شورای مرکزی حزب [جمهوری اسلامی] اصفهان داشتم که از انزوای حزب در اصفهان و از تصرف پستها و مقامها توسط طرفداران آقای طاهری که مخالف حزبند، گفتند. به آنها گفتم برای جبران دوباره، با ایشان رفاقت برقرار کنند.

شب، اولین جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی، در دفتر رئیس جمهور تشکیل شد. آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان رئیس [شورای عالی انقلاب فرهنگی] انتخاب شدند. قرار شد محدوده کار شورا، در سیاستگزاری و تصویب برنامه‌ها باشد و در مسایل اجرایی دخالت نکنیم.

چهارشنبه ۲۸ آذر ۱۳۶۳

ساعت هشت‌ونیم صبح، به مجلس رفتم. یکی از سران ساواک زمان شاه آمد. چند سال در زندان بوده و عفو خورده است؛ پیشنهاد همکاری با جمهوری‌اسلامی می‌کرد. سؤالاتی از او کردم. مدعی است در یک پارکینگ، اغذیه‌فروشی دارد و امرار معاش می‌کند. قرار شد، بعداً به او اطلاع بدهم. شب، در جلسه سران قوا در این مورد مشورت کردم؛ موافق بودند که از او استفاده شود. یک خبرنگار مصری آمد و مصاحبه طولانی و جامعی با او انجام دادم.

در جلسه نمایندگان تهران با مسئولان مترو، شرکت کردم. برای شروع کار متروی شهر تهران تصمیم نهائی را گرفتیم. قرار شد برای رفع مشکلات و تأمین بودجه اقدام شود. ظهر با آقای [اسدالله] بیات، عقد زوج پاسداری را بستیم و هدیه‌ای به آنها دادم.

عصر، جلسه هیأت رئیسه مجلس داشتیم. و شب، بعد از نماز، آقای [غلامرضا] آقازاده وزیر

۱- ایشان در این دیدار گفت: نظر ما در مورد زندانیان، همان نظر اصلاحی اسلام است که به زندانی به دیده یک مریض می‌نگرد که عموماً قابل اصلاح هستند و اگر کیفیت برخوردهای مسئولین و دلسوزی به انسان دوستی آنها را ببینند، آنها به راه هدایت تشویق می‌شوند. رسیدگی مسئولین به خانواده‌های زندانی و رفع مشکلات مادی و معنوی آنها در بازسازی روحی و معنوی زندانی بسیار مؤثر است. این عبادتی بزرگ محسوب می‌شود. برگرداندن یک فرد به جامعه و علاج بیماری او می‌تواند برای مسئولین حمایت از زندانیان کار بسیار بزرگ و توشه‌ای برای آخرت آنها باشد." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

مشاور در امور اجرائی آمد. در مورد کیفیت تأمین مخارج ضروری فاقد اعتبار آخر سال، مشورت کرد. پیشنهاد برداشت از سپرده حجاج و پیش فروش طلا و سکه و پیش برداشت از نفت ماه آخر سال را داشت. کمک امام و ما و کمیسیون برنامه و بودجه لازم است.

در جلسه سران قوا در دفتر نخست وزیر، درباره کیفیت مبارزه با فساد اخلاقی ـ که رو به توسعه است ـ بحث شد. قرار شد [آقای ناطق نوری]، وزیر کشور، طرحی بیاورد. نامه وزیر نفت از اوپک، مطرح شد که وزیر نفت مصر، پیامی از [آقای حسنی مبارک] رئیس جمهور مصر به رئیس جمهور داده که مایل است با ایران، روابط صمیمی بشود و مدعی است که دیگر به عراق کمک نمی‌کند و خانواده شاه معدوم را به مصر راه نمی‌دهد.

قرار شد جواب بدهند که مانع اصلی ایجاد روابط صمیمی، جریان کمپ دیوید است،[1] ولی برای رفع مانع و برقراری روابط، پیگیری شود. درباره موضوعات دیگری هم، بحث و تصمیم‌گیری شد. دیر وقت برای خواب به مجلس رفتم.

پنجشنبه ۲۹ آذر ۱۳۶۳

تا ساعت هشت، در دفترم کار کردم. خطبه عربی نماز جمعه را نوشتم. در جلسه علنی، لایحه مالیاتها مطرح بود. من هم در حمایت از لایحه، صحبت کردم.[2] با اینکه مخالفان نیرومندی داشت با اکثریت قوی، تصویب شد؛ به خاطر طولانی شدن جلسه، ملاقاتهای ظهر را لغو کردم.

عصر، ملاقاتی با هیأت مرکزی هفت نفری واگذاری زمین کشاورزی داشتم. مشکلات زیادی [در امور واگذاری زمین] دارند و در آستانه استعفاء قرار گرفته‌اند. مرجع تشخیص زمین موات و

۱- در قرارداد کمپ دیوید، انور سادات رئیس جمهور وقت مصر به آرمان فلسطین خیانت کرد و با میانجی‌گری آمریکا با اسرائیل سازش نمود. کمپ دیوید نام مکانی است در ایالات متحده که در آن جیمی کارتر رئیس جمهور وقت آمریکا، رئیس جمهور مصر و نخست وزیر اسرائیل را با هم سازش داد.

۲- آقای هاشمی در موافقت با لایحه مالیاتهای مستقیم گفت: "ما اگر اصل حکومت در اسلام را بپذیریم، بدیهی است که باید مالیات را هم بپذیریم، اگر حکومت اسلامی برای حسن اداره کشور، نیاز داشت، می‌تواند مالیات را وضع کند و این هم حکم اولیه است. خرج اصلی کشور را ارتش، ژاندارمری، شهربانی، آموزش و پرورش و وزارت علوم دارند و اینها چیزهایی نیست که بخش خصوصی، بتواند آن را انجام دهد."

لغو سندهای بی‌اعتبار سابق، روشن نیست. قرار شد در مجلس، برای روشن شدن تکلیف، تسریع شود.

ملاقاتی با فرماندهان کمیته‌های انقلاب [اسلامی] داشتم. گزارشی از کارشان دادند و من هم مفصلاً در دلداریشان صحبت کردم.[1] از اینکه امام، مانع انتقال [مسئولیت] حفاظت [از شخصیتها] از سپاه به کمیته [انقلاب اسلامی] شده‌اند، ناراحت‌اند. تا ساعت هشت شب، در دفترم کار کردم و سپس به خانه آمدم.

جمعه ۳۰ آذر ۱۳۶۳

تا ساعت ده‌ونیم صبح، در منزل کار کردم. و برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه تهران رفتم.[2] درباره تصمیمات اوپک و کنفرانس اسلامی صحبت کردم. ظهر، تلفنگرام وزارت نفت رسید که به دو کشتی نفتکش نروژی و لیبریائی که از خارک بارگیری کرده بودند، موشک عراقی خورده است. اخیراً عراقی‌ها شرارت در اطراف جزیره خارک را زیاد کرده‌اند؛ باید فکری در این باره کرد. با رئیس جمهور در این خصوص، تلفنی صحبت کردم.

۱- در این دیدار ایشان گفت: "کمیته انقلاب اسلامی یکی از آشناترین نهادهای بعد از پیروزی انقلاب اسلامی است که بنابر ضرورت فوری بوجود آمد و روحانیون، مسئولیت آن را برعهده گرفتند. آن روزها ما در هیأت دولت و شورای انقلاب از این موضع صحبت می‌کردیم که سخت‌ترین کارها، کار اداره کمیته‌هاست. امنیتی که کمیته‌ها در همان اوایل بوجود آوردند، جزو امن‌ترین دوران‌های کشورمان، در طول چند دهه گذشته بود. روحانیون با کمک افراد حزب‌الله اسلحه‌هائی که از پادگانها گرفتند، حفاظت و امنیت دقیقی برجامعه حاکم کردند و این کار آنها باید به عنوان الگو و نمونه برای انقلاب‌های دیگر، تدوین و به یادگار بماند. فداکاری برادران کمیته که با حقوق کم برای انقلاب کار می‌کنند و هیچ چشمداشتی ندارند، قابل تحسین و تقدیر است و جمهوری اسلامی به آنها سخت نیاز دارد و هیچ مانعی برای رشد و توسعه کمیته‌ها وجود ندارد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۲- در بخشی از این خطبه نماز جمعه آمده است: "مکتب اسلام صلاحیت پرچمداری جهان را دارد چرا که ساختن انسان، هدف اسلام است. قرآن مردم را به اخلاقیات خوانده است و از مسیحیان و کلیمیان گله‌مند است که چرا به دستورات انجیل و تورات عمل نمی‌کنند". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های نماز جمعه سال ۱۳۶۳، جلد ششم،" زیر نظر محسن هاشمی، دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

شب، آقای صیاد شیرازی آمد. گزارشی از وضع جبهه داد و درباره تغییر مختصر در برنامه عملیات توضیح داد و درباره وزارت دفاع، صحبت کرد.



تشییع پیکر پاک شهدا



جمهوری اسلامی ایران

جانشین فرماندهی کل قوا

شماره ....
تاریخ ....
پیوست ....

خطبه اول تقوی ـ مبعث.

شخص اول تمام بشریت فرد اول تاریخ

دعوت ـ انگیزه از لحاظ مسائل شخصی. و تمام بشر

آن معلم ندیده‌ای که بیشترین فضیلت علم در وجود خود دارد.

ما کنت تتلوا من قبله الکتاب ... قرآن ـ علم و دعوت.

مجموعه‌ای از فضایل

شرایط امروز اعراب و جهان. جاهلیت و فترت.

امتداد اسلام در جهان. اعراب و عرب. جزیره العرب. و بیش ... جهان

تا اوج تمدن اسلام و توسعه در شرق و غرب و استقلال و جهاد ... در

یک چهارم مردم دنیا.

عظمت نفوذ اسلام، مبتنی بر قرآن. جامعیت مکتب ـ

و جامع ... مسائل ـ در سیاست و حکومت ـ اقتصاد، علم و فن ... ـ عدالت

اولین سوره: علم ـ عدالت ـ ...

دی ۱۳۶۳



شنبه ۱ دی ۱۳۶۳ ۲۸ ربیع الاول ۱۴۰۵ 22 DECEMBER 1984

در منزل بودم. ساعت نه صبح، آقای [محمدحسن] زورق [از صداوسیما] آمد و از نوعی اختلاف در کارکنان صداوسیما گفت که منجر به اختلال در پخش برنامه‌ها می‌شود و مدعی بود که از تحصیل کرده‌های خارج حمایت می‌شود.

جلسه شورای سرپرستی داشتیم. تصمیم گرفتیم که بخشی از سریال «جاده ابریشم» تکمیل و پخش شود و بخش مربوط به مشروطه جدا و مستقل شود. در مورد کیفیت پخش خبر میهمانان خارجی هم آئین‌نامه‌ای تصویب شد.

عصر آقای غرضی، وزیر نفت آمد. گزارش مذاکرات کنفرانس اوپک و توطئه غربیها برای پایین آوردن قیمت نفت و پیشنهاد وزرای نفت مبنی بر کنترل شدید سازمان اوپک بر مقدار فروش اعضاء برای مراعات سهمیه و قیمت را داد.

آقای ری‌شهری آمد. گزارشی از ضربه‌ای که اخیراً به [سازمان] فدائیان [خلق ایران، شاخه] اکثریت وارد شده، داد. راجع به آقای [بهزاد] نبوی هم [درخصوص پرونده بمب‌گذاری نخست وزیری] مشورت کرد. گفتم، وارد جریانهای سیاسی نشود. موضوع [اعلام آمادگی] یکی از مأموران بلندپایه ساواک و پیشنهاد همکاریش را به او گفتم که پرونده‌اش را ببینند.

یکشنبه ۲ دی ۱۳۶۳

صبح زود به دفتر رئیس جمهور رفتم. با حضور نخست وزیر و وزیر نفت، جلسه داشتیم. پیشنهاد اعضای اوپک [در مورد قیمت و مقدار فروش نفت] را تأئید کردیم. قرار شد برای حفظ قیمت نفت محکم باشیم.[1]

۱- رادیو اسرائیل درباره تشکیل این جلسه چنین گفت: موضع حکومت اسلامی ایران در قبال طرحهائی که درکنفرانس اوپک مطرح می‌باشد، امروز در جلسه‌ای با حضور رئیس جمهوری، نخست وزیر و وزیر نفت و رئیس مجلس شورای اسلامی بررسی شد. با توجه به آنکه در جلسه امروز علاوه بر نخست وزیر ایران، حجت‌الاسلام خامنه‌ای رئیس شورای عالی دفاع و حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی نماینده شخصی آیت‌الله خمینی در این شورا حضور داشتند، احتمال می‌رود که مسئله حملات روز افزون نیروی هوایی عراق بر نفتکش‌های عازم ایران نیز در این جلسه بررسی و مطرح شده باشد. عراقی‌ها در ده روز اخیر با دست زدن به

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

بعد، آقای دکتر ولایتی آمد. گزارش مفصلی از کنفرانس [وزرای کشورهای] اسلامی صنعا [پایتخت یمن] داد و اینکه موفقیت‌های زیادی داشته[1] و پیشنهادهایی که در قطعنامه گنجانده شده، جلوی حرکت‌های مخالفان ما را گرفته است. رئیس جمهوری یمن شمالی، دوبار با ایشان ملاقات کرده و خواستار تحسین روابط با ایران شده و از ما، برای همکاری در اکتشاف نفت در یمن ـ که مورد مخالفت عربستان است ـ کمک خواسته است. با رئیس جمهور هم درباره وزارت دفاع و حزب [جمهوری اسلامی] و ستاد برگزاری کنگره صحبت کردیم.

ساعت ده‌ونیم صبح به مجلس رفتم. به خاطر نیامدن اعضای شورای نگهبان و یک فوریتی بودن دستور، بعد از وقت تنفس، مجلس تعطیل شد.

در دفتر تا دیر وقت کار کردم. دو نفر از سپاه و هوانیروز باختران آمدند؛ مدعی اختراعهای نظامی از قبیل مین دریائی و موشک و لباس نسوز و [ضد] شیمیائی و... بودند و از عدم همکاری سپاه شکایت داشتند. به آقایان [محسن] رفیق‌دوست و [حسن] روحانی گفتم، تا به کارشان رسیدگی کنند.

خانم [مریم] بهروزی آمد. از خانم [گوهرالشریعه] دستغیب [نماینده تهران]، به خاطر مخالفت با حزب [جمهوری اسلامی] و از اطلاعات نخست وزیری، گله داشت. دو سه نفر سپاهی آمدند. از وضع سپاه و جبهه و جامعه، گله داشتند. خبر دادند، یک نفر از راننده‌های مجلس [شورای اسلامی] که دیشب به ایست پلیس توجه نکرده [و در اثر تیراندازی مأموران پلیس به طرف او]، گلوله خورده و فوت کرده است. آقای روحانی و رفیق‌دوست آمدند. راجع به کارهای عملیات [آینده در

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

هشت حمله هوایی حداقل به چهار نفتکش و کشتی باری که عازم ایران بودند، آسیب رساندند. تنها در حمله پریروز (جمعه) عراقی‌ها دو نفتکش بزرگ سوئدی و لیبریایی را هدف قرار داده و آنها را به آتش کشاندند. بیم آن می‌رود که با ادامه این گونه حملات، دوباره صدور نفت ایران به شدت کاهش یابد. ایران در ماههای اخیر صادرات نفتی خود را تقریباً دو برابر ساخته و آن را تا حدود دو میلیون بشکه در روز افزایش داده است.

۱- رسانه‌های غربی بزرگترین دستاورد کنفرانس وزرای کشورهای اسلامی در صنعا را بازگشت مصر به جامعه کشورهای اسلامی، پس از اعضای قرارداد صلح با اسرائیل، معرفی کردند. ایران به همراه سوریه و لیبی، از اجلاس صنعا خواسته بود هر کشوری را که با اسرائیل پیمان صلح امضا کند، از عضویت در سازمان کنفرانس اسلامی محروم سازد، اما این پیشنهاد با شکست مواجه شد.

جبهه‌ها] مذاکره کردیم.

دوشنبه ۳ دی ۱۳۶۳

تمام روز را در منزل بودم. آقای صانعی آمد. درباره آقای [آیت‌الله سیدکاظم] شریعتمداری مشورت کرد که کسالت دارند و نظر بعضی دکترها، این است که برای معالجه، [او را به] تهران بیاورند. احتمال می‌دهد، پخش خبر کسالت، فشار برای رفتن به خارج باشد. بیشتر وقتم به مطالعه گذشت.

عصر، نامه‌ای به امام درباره مسئله مالیات و اختلاف نظرهای موجود در آن‌که بعضی‌ها حکم ثانوی می‌دانند و بعضی‌ها حکم اولی، نوشتم. کم کم دارد مسئله می‌شود.

نخست وزیر، راجع به تأمین مجوز برای پرداخت پول بیشتر به جبهه و جنگ، تلفنی چاره‌جوئی کرد. اطلاع داد که سرهنگ [مصطفی] ترابی که برای وزارت دفاع در نظر بود، خودش مصلحت نمی‌داند. شب، مقداری از وقتم را به تماشای برنامه‌های تلویزیون گذراندم.

سه شنبه ۴ دی ۱۳۶۳

بعد از نماز صبح، به مجلس رفتم. در جلسه علنی، چند دستور تصویب شد. ظهر، چند ملاقات داشتم. عصر، ملاقاتی با [آقای شوکوکانو] وزیر امور خارجه سیرالئون داشتم. مطلب مهمی نداشتیم.[1] اول شب، شورای عالی انقلاب فرهنگی جلسه داشت. قسمتی از آئین‌نامه کار شورا

۱- آقای "شوکوکانو" وزیر امور خارجه سیرالئون در این دیدار گفت: "مردم ایران به خوبی در برخورد با تمدنهای دیگر، ماهیت اسلامی خویش را حفظ کرده است و این پیروزی بزرگی برای کشور شماست. امروز جمهوری اسلامی ایران در مبارزات کشورهای محروم برای آزادی، پیشگام است و این حرکت شما، مقدمه‌ای برای آزادی واقعی جهان سوم است".

آقای هاشمی رفسنجانی نیز اظهار داشت: "مسأله مهم برای جهان سوم، حفظ هویت خویش، مخصوصاً هویت اسلامی است. قدرتهای سلطه جو، تلاش می‌کنند که ما را از هویت اسلامی‌مان جدا کنند. ما از اینکه این جنگ بوجود آمد، متأثریم و به همین دلیل سعی می‌کنیم ریشه جنگ و فتنه انگیزی را در منطقه بخشکانیم و امکاناتمان را پس از جنگ در اختیار کشورهای جهان سوم قرار دهیم".



صحنه ای از انفجار بمب در میدان شوش توسط تروریست ها


دیدار با وزیر خارجه سیرالئون

تصویب شد.

جلسه بعدی، شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز تهران بود. بیشتر بحث، درباره مشروعیت جعل مالیات در حکومت اسلامی بود. بیشتر حضار، اظهارات آقای امامی کاشانی سخنگوی شورای نگهبان را ـ که گفته بود مالیات در موارد ضرورت اخذ می‌شود ـ نادرست می‌دانستند و آقای امامی، دفاع محکمی نداشت. این مسئلهٔ مهم امروز ما است که به دنبال تصویب شور اول لایحه مالیات در مجلس، پیش آمده. خبر رسید که بمبی در میدان شوش منفجر شده و چهار نفر در صف اتوبوس [شرکت واحد]، شهید و جمعی مجروح شده‌اند.[1] برای خواب، به مجلس رفتم.

۱- ساعت ۱۹ و ۱۵ دقیقه شب، بمبی در میدان شوش در جنوب تهران منفجر شد. بمب در داخل یک اتومبیل پیکان کارگذاشته شده بود که در اثر شدت انفجار، شاسی آن به بالای مسافرخانه دو طبقه‌ای که روبروی محل انفجار قرار داشت، پرتاب شد. پلیس تهران اعلام کرد: مواد منفجره احتمالاً "تی. ان. تی" بوده است و وزن آن بین ۲۰ تا ۲۵ پوند تخمین زده شد. در اثر این انفجار ۴۲ مغازه آسیب کلی و جزئی دید و ۱۲ دستگاه واحد مسکونی که در طبقه دوم این مغازه‌ها قرار داشتند، شیشه‌هایشان شکسته شد. همچنین در این انفجار شش نفر شهید و بیش از ۵ نفر مجروح شدند.

چهارشنبه ۵ دی ۱۳۶۳

بعد از نماز صبح، مطالعه کردم. آقای [صلاح] زواوی سفیر فلسطین آمد؛ ضمن اعتراف به اشتباه مشی رهبری الفتح، از اینکه ایران کمک عمده‌ای به مردم فلسطین نمی‌کند و مقامات ایرانی، وقت ملاقات به ایشان نمی‌دهند، گله داشت. تصدیق کردم که باید کمک رفاهی بیشتری به فلسطینی‌ها بکنیم. شب [مطالب وی را] در جلسهٔ سران قوا مطرح کردم؛ قرار شد کمک بیشتری بکنیم.

آقای بهرامی داور ایران در دادگاه لاهه آمد. گزارشی داد و نگران مخالفت‌های دکتر [محمود] کاشانی بود.[1] به ایشان گفتم، با شرکت آمریکائی که دستگاههای حفر تونل‌های متروی تهران را فروخته و فقط دو دستگاه از سه دستگاه را تحویل داده است، توافق شود که کارش را تمام کند. با وزیر خارجه کره شمالی ملاقات داشتم. مطلب مهمی نداشتیم؛ تشریفاتی بود.

آقای عباسعلی زالی [وزیر کشاورزی] آمد. از اینکه اصلاح دیم را به [وزارت] جهاد [سازندگی] داده‌اند، گله داشت. گفتم درباره استفاده کشاورزی از منطقه هورالهویزه ـ برای توجیه فعالیت‌های تدارکات نظامی در آنجا ـ مصاحبه نماید.

جلسه‌ای با حضور رئیس جمهور و مسئولان سپاه داشتیم؛ برای مشورت در کیفیت برخورد با مخالفان فرماندهی سپاه ـ که امام دستور مدارا داده‌اند ـ قرار شد، سیاست جذب آنها اِعمال شود. عصر، هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت.

شب، مهمان آقای [موسوی] اردبیلی [رئیس دیوان عالی کشور] بودیم. درباره مسائل کشور، تصمیماتی گرفتیم؛ از جمله در مورد تشکیل جلسه با آقای منتظری. دیر وقت به منزل آمدم. یک کشتی نفتکش اسپانیائی که به سواحل عربستان می‌رفته، زده شده و دیروز هم یک کشتی هندی موشک خورده بود. در این باره، مقداری در جلسه امشب، بحث و قرار شد که با کشورهای جنوب خلیج فارس مذاکره شود تا تلاش کنند، جلوی زدن کشتی، به طور کلی گرفته شود.[2]

۱- در پی بروز درگیری در دادگاه لاهه، آقای میرحسین موسوی نخست وزیر، آقایان حمید بهرامی و سید محسن مصطفوی را به عنوان داوران جدید در این دادگاه برگزید و پرویز انصاری به عنوان داور سوم از طرف جمهوری اسلامی به دادگاه لاهه معرفی گردید.

۲- در این روز سرپرست و اعضای شورای مرکزی نهضت سواد آموزی با آقای هاشمی دیدار کردند. در این دیدار حجت‌الاسلام

پنجشنبه ۶ دی ۱۳۶۳

در سخنان پیش از دستور مجلس، در مورد بمب‌گذاری در میدان شوش و ماهیت ضدانقلاب و حمایت استعمارگران از آنها صحبت کردم.[۱] اساسنامه شرکت برق منطقه‌ای غرب را تصویب کردیم؛ باید کاری کنیم که اساسنامه شرکتها به مجلس نیاید، چون که خیلی وقت‌گیر است. بعد از وقت تنفس به دفترم آمدم.

با آقای سید محمد هاشمی درباره دبیر شورای سرپرستی صداوسیما مشورت کردم. قرار شد آقای [محسن] دعاگو را مجدداً [به دبیری شورا] انتخاب کنیم. تلفنی از آقای مهدوی کنی که در بیمارستان قلب بستری شده است، احوالپرسی کردم. آقای محسن رضائی برای تهیه مسکن برای پاسداران، کمک خواست. گفتم برنامه‌ای تدوین کنند. ظهر، آقای [سید مطهر] کاظمی نماینده خلخال آمد. از کمبود راههای ارتباطی خلخال شکایت داشت.

عصر، اعضای واحد روحانیت حزب [جمهوری اسلامی] آمدند. برای آنها مفصلاً صحبت کردم و جواب سئوالات را دادم.[۲] سپس آقای معزّی ـ داماد آقای صدوقی ـ آمد و برای تأسیس

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

محسن قرائتی گزارشی از عملکرد این نهضت ارائه داد. در بخشی از سخنرانی آقای هاشمی آمده است: "جمهوری اسلامی ایران، با این همه امکاناتی که دارد، بی‌شک خیلی سریع‌تر می‌تواند با بسیج امکانات و توجه مردم، امر سواد آموزی را توسعه دهد. ما با برنامه‌های فوری و حساب شده، انشاءالله می‌توانیم، خیلی از بی‌سوادان را خواندن و نوشتن بیاموزیم." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۱- در این نطق آمده است: "بمب‌گذاری ضدانقلاب در میدان شوش و به خاک و خون کشیدن مردم رنج دیده و فقیر و محرومی که در سرمای شدید و در صف اتوبوس بودند، بار دیگر ماهیت ضد مردمی و ضد انسانی مخالفان جمهوری اسلامی را روشن کرد. ما فقط تذکر می‌دهیم به آنهایی که مدعی مبارزه با تروریسم هستند و اینها را در پاریس تحت حمایت خودشان گرفته‌اند، این تناقض در ادعا و عمل برای مردم جهان روشن باشد. آنهایی که مدعی‌اند که نمی‌خواهند در دنیا ناامنی باشد، چرا چنین عناصری را که رسماً چنین جنایتی را به عهده می‌گیرند، زیربال خودشان نگه داشته‌اند؟ رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۲- آقای هاشمی رفسنجانی در این دیدار با اشاره به نبرد میان اسلام و طاغوت‌های زمان، اظهار داشت: "همانطور که انتظار

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

کارخانه‌ای برای موقوفه‌ای در یزد، کمک خواست.

شب، بچه‌ها به مجلس آمدند و تا ساعت هشت شب، در دفتر کار کردم. در راه بازگشت به منزل، برای عیادت آقای مهدوی کنی، به بیمارستان قلب رفتم. ایشان را از بخش سی‌سی‌یو بیرون آورده بودند؛ حالشان خوب است، ولی همسرش نگران بود.

جمعه ۷ دی ۱۳۶۳

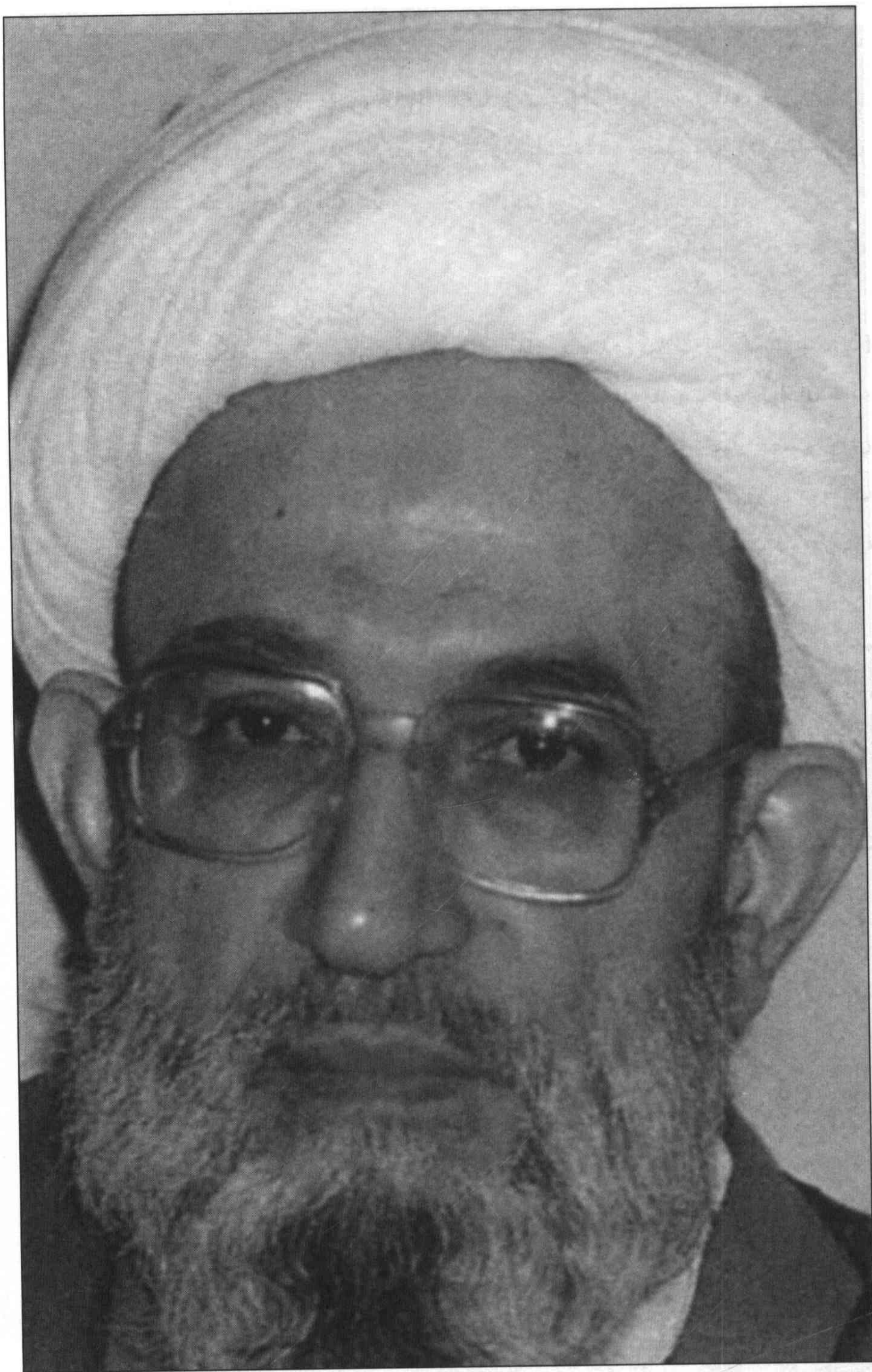
نماز جمعه را آیت‌الله خامنه‌ای اقامه کردند و درباره مسئله مالیات -که مسئله روز است- موضع خوبی گرفتند.[1] پسر آقاسیدابراهیم طباطبائی، داماد آقای حکیم، برای کار برادرش آمد. مقداری از وضع پدرش -که در عراق مانده- گفت و پیغام آقای حکیم در مورد لزوم توجه

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

می‌رفت، کم کم دشمنان اسلام این واقعیت را پذیرفتند که یک مبارزه‌ای بین اسلام و کفر از نظر ما و مبارزه‌ای بین شیعه و طاغوتهای زمان آغاز شده است. بعد از آنکه انقلاب پیروز شد، باز هم دشمنان تصور نمی‌کردند که روحانیون بتوانند کمر مشکلات را خم کنند اما علیرغم همهٔ فشارها و سختی‌ها و تهاجمات ناجوانمردانه دشمن، معلوم شد که اسلام نه تنها می‌تواند کشور را اداره کند، بلکه بهترین مکتب برای اداره یک جامعه است."

ایشان در پاسخ به سوالی در مورد صدور نفت و حملاتی که علیه صدور نفت ایران انجام می‌گیرد، گفت: "آنها می‌خواهند ما را از خارک محروم کنند تا نتوانیم نفت صادر کنیم و در این راه، آواکسها و اگزوسه‌ها و موشکهای پیشرفته را بکار گرفته‌اند. آنها می‌دانند که به غیر از بخش کوچکی از خلیج فارس، تمامی قلمرو خلیج فارس در اختیار هواپیماهای ایران است و می‌توانیم در مقابل هرکشتی، یک کشتی از آنها را بزنیم." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۱- آیت‌الله خامنه‌ای در خطبه اول نماز درباره مسئله مالیات، گفت: ولی فقیه برای اداره جامعه مجاری مختلفی دارد که یکی از آنها دولت اسلامی است و برطبق قانون اساسی که امام هم آن را امضاء کرده‌اند و قبول دارند، کارگزاران جامعه اسلامی همین دستگاههای اجرائی هستند. بنابراین یکی از وظایف دولت اسلامی این است که مالیات وضع کند و از مردم کمک بخواهد. از سوی دیگر لایحه مالیات باید این خصوصیات را داشته باشد که عمومی باشد. از همه مردم مالیات گرفته شود. سنگینی آن برروی دوش مستضعفین نباشد و نباید از همه به یک اندازه بگیرند. باید از تمام قشرهای جامعه گرفته شود. من از دستگاههای اجرائی و قانونگذاری می‌خواهم کوشش کنند که این لایحه مالیات به بهترین وجهی وضع گردد.



آیت اله مهدوی کنی

بیشتر به مبارزه در عراق را آورد. عصر، خانواده شهید [مهدی] عراقی آمدند؛ برای حل مشکل ملکی که در دست آموزش و پرورش دارند، کمک می‌خواستند. در مجموع، روزِ کم مراجعه‌ای داشتم. گزارش‌ها را هم از مجلس نیاوردند.

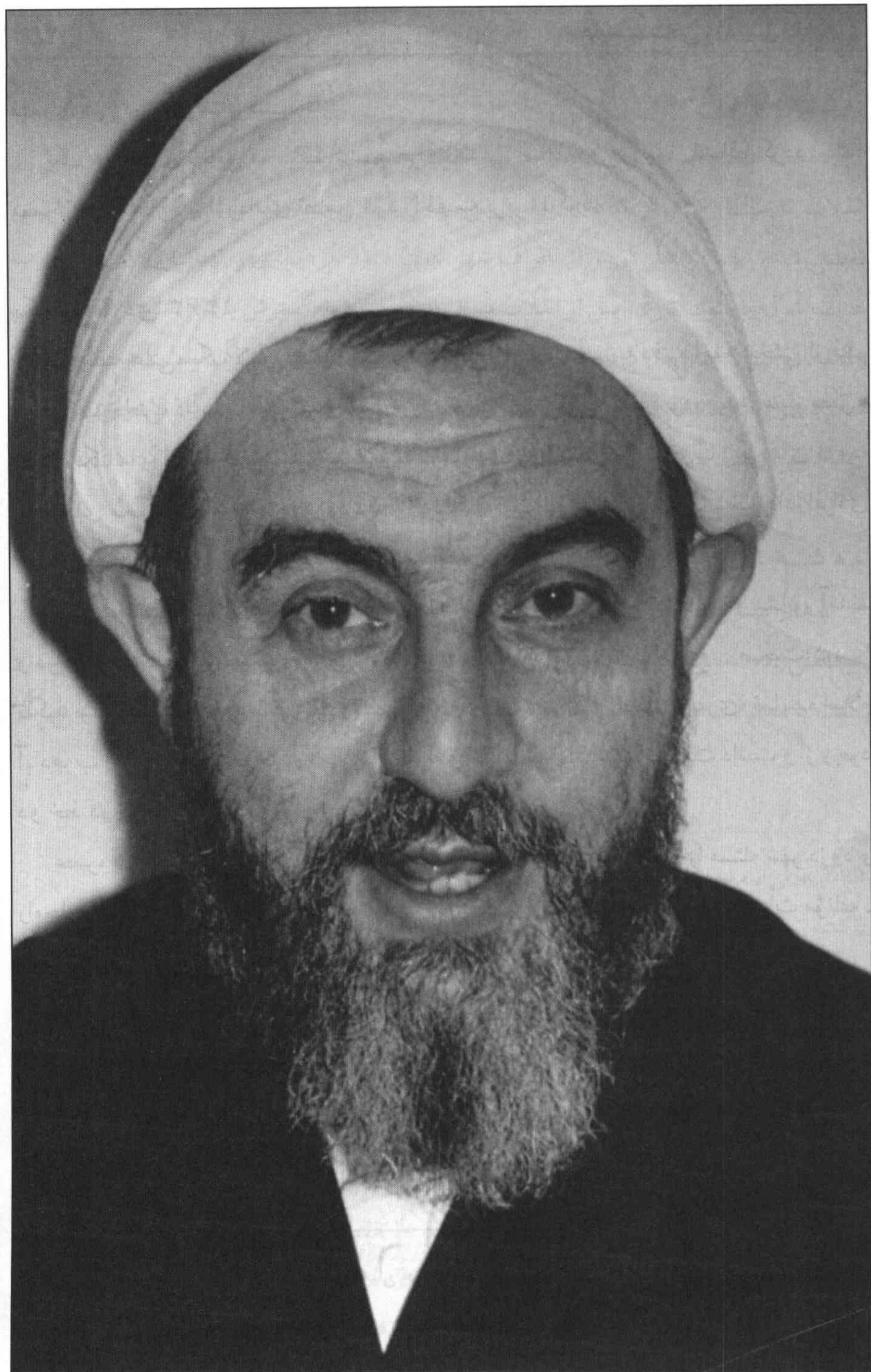
شنبه ۸ دی ۱۳۶۳

در منزل بودم. گهگاهی برف می‌بارید. اول وقت، آقای محمدی گیلانی [حاکم شرع تهران] آمدند. گزارشی از زندانیان عفو شده دادند؛ حدود ۲۵ هزار نفر هستند. باز هم عفو زندانیان ادامه دارد. درباره اموال [مرحوم ابوالفضل] تولیت ـ که مال خیریه است و عملاً در اختیار نهضت آزادی قرار گرفته ـ صحبت شد. قرار شد، فکری برای استفاده مناسب از آن شود. این اموال درحیات مرحوم تولیت به امور خیریه اختصاص یافته و من هم عضوی از هیأت مدیره هستم.[1] درباره موضوع مالیات هم صحبت کردیم.

آقای [سید محمد] هاشمی، عضو شورای سرپرستی [صداوسیما] آمد. راجع به دبیر شورا و هم درباره تأمین نظرات آیت‌الله منتظری صحبت شد. شورای سرپرستی جلسه داشت. بحثی درباره کیفیت برخورد با مخالفان سیاسی داشتیم؛ تمام نشد. آقای دعاگو به عنوان دبیر شورا برای شش ماه دیگر انتخاب شد. چند عبا به اعضای شورا، هدیه دادم. درباره کیفیت نمایش خانمهای غیر محجبه در فیلمها بحث شد. درباره تشویق مردم به شرکت در نماز جمعه، صحبت شد. اخیراً تعداد شرکت کنندگان در نماز جمعه‌ها، کمتر شده است؛ ضرر سیاسی عمده‌ای دارد.

عصر، خانم [شهید] مطهری آمد. برای پخش بیشتر سخنرانی‌های شهید مطهری از رادیو و تهیه محلی برای فروش کتابهای ایشان، کمک خواست؛ [خانم شهید مطهری] با عفت به ملاقات خانم

۱- مرحوم ابوالفضل تولیت در دوره پیش از انقلاب مقام نایب‌التولیه آستان قدس حضرت فاطمه معصومه(س) در قم را برعهده داشت. وی مرد خیّر و نیک اندیشی بود که کمک مهمی به انقلابیون در آن دوره ستم شاهی انجام داد. "شرکت طاهر" از اموال مرحوم تولیت، برای پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی، تأسیس شد. برای آگاهی از خدمات مرحوم ابوالفضل تولیت و شرکت طاهر، رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، دوران مبارزه، کارنامه و خاطرات،" زیر نظر محسن هاشمی، دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۷۵.



آیت اله محمدی گیلانی

مهدوی کنی در بیمارستان قلب رفتند.

یک هواپیمای نظامی ما ساقط شده و عراق، مدعی است، دو هواپیما را ساقط کرده است؛ معمولاً عراق آمار دستاوردهای نظامی خود را دو سه برابر می‌گوید.

یکشنبه ۹ دی ۱۳۶۳

در جلسه علنی، یک لایحه را تصویب کردیم. بعد از وقت تنفس به دفترم آمدم. بخشی از فیلم مراسم عیدخاص، در مدرسه مجتهدی تهران راکه توسط جمعی برگزار شده بود، دیدم؛ عمل مضّر و تفرقه افکنانه‌ای است؛ معلوم شد تحت تعقیبند. نماینده درود از تظاهرات حزب اللهی‌های درود، علیه آقای محمودی، امام جمعه درود ـکه از نزدیکان آیت‌الله گلپایگانی است ـ خبر داد. افرادی هم به اتهام کارگردانی تظاهرات، بازداشت شده‌اند.

ظهر، در دفترم آقایان [غلامرضا] سلطانی و [حسین] سبحانی نیا نمایندگان کرج و نیشابور آمدند و درباره اختلافات در حزب [جمهوری اسلامی] و مجلس [شورای اسلامی] و... صحبت کردند؛ تأکید برلزوم بیداری و بی‌طرفی من و آقای خامنه‌ای داشتند. آقای لطیف صفری، نماینده اسلام آبادغرب آمد و از آقای موحدی قمی امام جمعه و حاکم شرع آن شهر، شکایت داشت و از وجود دو خط در روحانیت گفت و چاره‌جوئی داشت.

عصر، در جلسه شورای [مرکزی] حزب شرکت کردم. بیشتر وقت جلسه را مسئله شهر درود و راه‌چاره اینگونه مسائل در ارتباط با حزب و اختلافات وزارت بازرگانی با اعضای هیأت مؤتلفه ـ کمیته صنفی ـ گرفت.

با آقایان خامنه‌ای و [واعظ] طبسی جلسه داشتیم. درباره بنیاد تدوین تاریخ و خط سه و گروه قهدریجان [ـ سید مهدی هاشمی ـ] و هم درباره لزوم کم کردن حضور زیاد روحانیون در تلویزیون مذاکره شد. دیر وقت به منزل آمدم. گزارشهائی را آوردند که عراق، چند حمله هوائی به شهر بستان و اطراف سوسنگرد داشته و [در این حادثه] عده‌ای شهید و زخمی شده‌اند.[1]

۱- حملات پیاپی هوائی عراق به منطقه بستان در حالی صورت گرفت که عراق متعهد شده بود که از حمله به مناطق مسکونی خودداری کند. حمله عراق به منطقه بستان ساعت ۱۱ و ۴۵ دقیقه صبح یکشنبه، بوسیله ۸ فروند توپولف و ۲ فروند میگ با پرتاب

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

دوشنبه ۱۰ دی ۱۳۶۳

ساعت هشت صبح، برای دیدن متروی تهران رفتیم. ۲/۷ کیلومتر تونل، در سالهای قبل از انقلاب تا سال ۱۳۶۰، از تپه‌های بلامعارض عباس آباد به صورت ترانشه باز، حفاری و سپس تعطیل شده. سپس با هلی‌کوپتر از اطراف شهر تهران دیدن کردیم. شهر تهران، در غرب، جنوب غرب، شرق و جنوب شرق، پس از انقلاب بی‌حساب و بی‌رویه، گسترش یافته است. از محل دپوی زباله‌های تهران هم دیدن کردیم. تولید روزی ۴۵۰ تن زباله، مشکلی بزرگ است و کارخانه تبدیل به کود هم راکد مانده. هلی‌کوپتر در دانشکده افسری نشست و از آنجا به پادگان لاهوتی [واقع در میدان حرّ] رفتیم. در سمینار فرماندهان نیروی زمینی ارتش، شرکت و سخنرانی کردم.[۱]

سه شنبه ۱۱ دی ۱۳۶۳

بعد از نماز صبح، به دفترم رفتم. در جلسه علنی تا هنگام تنفس ماندم. ظهر، آقای [علی] عبدالعلی‌زاده، نماینده ارومیه آمد. در امور قانون استخدامی کشور، پیشنهادهای جدیدی داشت و گفت با مسئولان سازمان امور استخدامی در این موارد به توافق رسیده‌اند؛ نوعی کنترات در کار

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

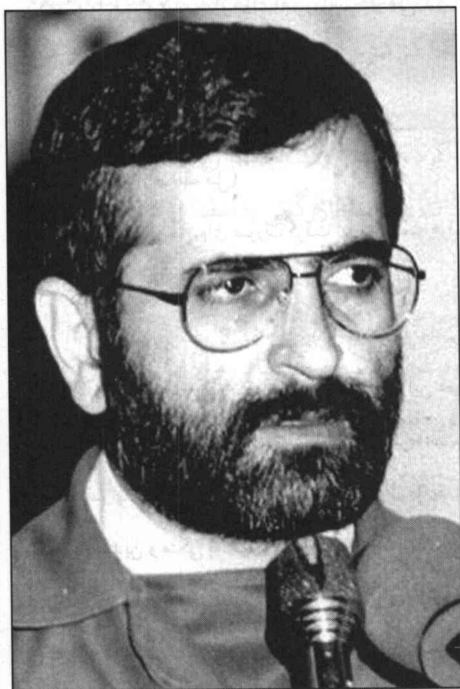
راکت و بمب‌های خوشه‌ای صورت گرفت. در این حمله هوایی هفت تن شهید و بیش از ۵۰ تن مجروح شدند و ۳۰ واحد مسکونی ویران گردید.

۱- آقای هاشمی رفسنجانی در این دیدار خطاب به حاضرین گفت: "ما امروز به خاطر انقلاب و به خاطر توجه خاصی که دشمنان و دوستانمان به انقلاب دارند، درکانون تاریخ این عصر قرار گرفته‌ایم. کسی فکر نمی‌کرد که چنین موقعیتی در این زمان که همه چیز دور کاکل صنعت و قدرتهای جهانی می‌گردد، نصیب کشوری مثل ایران شود که در دو سه قرن گذشته، مثل بازیچه در اختیار قدرتهای جهانی بود." ایشان ضمن قدردانی از مقاومت و ایثار رزمندگان ارتش گفت: "برای یک فکر نظامی و یک روحیه شجاع و متدین و متکی به خود و دلسوز برای تاریخ و بشریت، این حالت زیباست که داخل سنگر برود و با دشمنان بجنگد و ما می‌بینیم که نظامیان واقعی شما هستید... جنگ برای ما از لحاظ مادی و نیروهای انسانی‌گران تمام شد. ما تقریباً یک سوم بودجه کشور را خرج جنگ می‌کنیم که اگر به هر بخشی ریخته می‌شد، تحرک زیادی را بوجود می‌آورد." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.


حجت الاسلام والمسلمین سید هادی خامنه ای


حجت الاسلام والمسلمین اسداله بیات


علی محمد بشارتی


کمال خرازی

ادارات. نمایندگان کردستان آمدند. از مسئول آموزش و پرورش و امام جمعه بیجار، گله داشتند.

عصر، گروهی از کارکنان پارس خودرو و جنرال الکتریک آمدند. هدیه‌ای برای کمک به جبهه‌ها آوردند و گزارش کار دادند. برای آنها صحبت کردم.[1]

در جلسه سه‌شنبه نمایندگان شرکت کردم. درباره تعدیل در انتقادات نمایندگان از مجریان صحبت کردم و گفتم، اینگونه انتقادات تند و حساب نشده، باعث تضعیف روحیه مردم و انقلاب خواهد شد؛ البته اصل انتقاد لازم است ولی باید منصفانه و مستدل باشد.

شورای عالی انقلاب فرهنگی در دفتر رئیس جمهور، جلسه داشت. آئین‌نامه داخلی را تکمیل کردیم. به [آقای ایرج فاضل] وزیر فرهنگ [و آموزش عالی] گفتم که مشکل سربازی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی را حل کند. وضع موجود، عامل تبعیض است و دانشجویانی که با هزینه خودشان تحصیل می‌کنند از امتیازی که دانشجویان دانشگاه دولتی ـ که هزینه تحصیل نمی‌پردازند و وام و شهریه و خوابگاه هم می‌گیرند ـ محروم هستند.

شب، به مجلس رفتم. اختلاف بین وزیر نفت و رئیس بانک مرکزی و سازمان برنامه [و بودجه] به خاطر گرفتن ارز، وقت زیادی گرفت. چون [بانک مرکزی و سازمان برنامه] با آنها همکاری نکرده‌اند.

چهارشنبه ۱۲ دی ۱۳۶۳

بعد از نماز تا ساعت نه صبح، کار کردم. قرار بود با وزیر بازرگانی و آقای [حبیب‌الله]

۱ـ در بخشی از این سخنرانی آمده است: "شما که در محیط صنعت هستید، مطمئن باشید، یکی از کارهای بسیار مهم زمان ما مسئله استقلال صنعتی می‌باشد، در حدی که برای کشور مقدور است. یکی از وسایل و ابزار سلطهٔ غارت منابع ثروت مردم، ابزار صنعتی است. این حربه‌ای است که کشورهای استعمارگر آن را در دست گرفته است و بوسیلهٔ آن، هر چه می‌خواهند به کشورهای فاقد صنعت، ظلم می‌کنند. ما وارث یک سری کارخانجات پیچیده مونتاژ هستیم. اخبار بعضی از ابتکارات و خلاقیتهای مهندسین و کارگران ایرانی که منتشر می‌شود، برای همه خوشحال کننده است، اما این گامها باید خیلی بلندتر برداشته شود و ما باید به سرعت، صاحب رشته‌های اصولی صنعت بشویم. هدف ما خدمت به توده مردم و ایجاد رفاه و مقررات مناسب کار و شرایط صحیح زندگی است، آن چنان که مقبول اسلام باشد." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

حمایت مردم از جبهه های جنگ

عسکراولادی در دفتر امام، درباره کمیته صنفی و اختلاف وزیر و اعضای سابق کمیته [صنفی] جلسه داشته باشیم که من نرسیدم. رئیس جمهور، بعداً گفتند وزیر بازرگانی برای اقدام خودش، دلیل محکمی ندارد و سرسختی می‌کند؛ بهتر است کوتاه بیاید.

سه نفر از پایگاه هشتم [شکاری خاتم] اصفهان آمدند. از تضعیف حزب‌الله و قدرت گرفتن لیبرالها گله داشتند و در جهت اظهارات آقای سرهنگ [عباس] بابائی بودند. دکتر قارون آمد. به خاطر معالجه کسالت آیت‌الله منتظری، از ایشان تشکر کردم. از وزیر بهداری جدید راضی است که نسبت به اطباء، سختگیر نیست. آقای بهرامی ـ نصیربزم ـ برای احوالپرسی و شغل فرزندش آمد.

در جلسه نمایندگان تهران شرکت کردم [که به دلیل عدم حضور بیشتر نمایندگان، جلسه] به رسمیت نرسید. درباره حل مشکل زباله تهران و تهیه صنعت تبدیل زباله به کود، بحث شد. قرار شد آقای [سیدکمال الدین] نیکروش [نماینده تهران] رسیدگی کند و طرحی بیاورد.

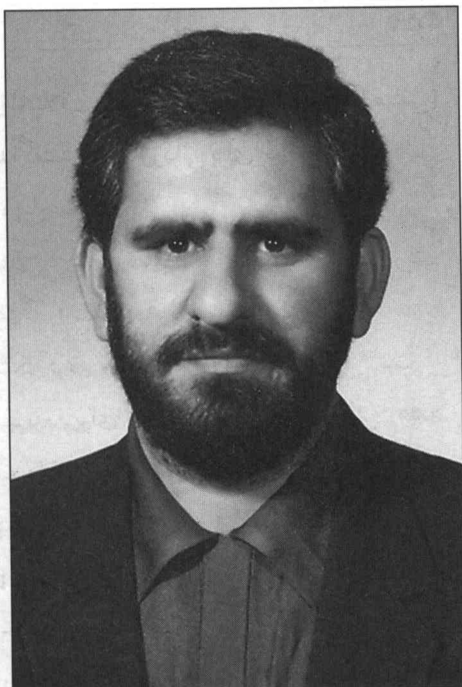
عده‌ای از روحانیون بندرعباس آمدند. عمده حرفشان در مخالفت با آقای احمدی امام جمعه بود؛ مدتها است که با او اختلاف دارند. ملاقاتشان با رئیس جمهور، لغو شده بود؛ ناراحت بودند. تلفنی، تجدید وقت کردم و به ملاقات رفتند.

عصر، هیأت رئیسه جلسه داشت. قرار بود شب، مسئولان قوا در قم، مهمان آیت‌الله منتظری باشیم؛ به خاطر برف سنگین دیشب و امروز، لغو کردیم و به مجلس آمدند. درباره داوران جدید دادگاه لاهه و کیفیت کمک به فلسطینی‌ها بحث و تصمیم‌گیری شد. درباره جنگ هم بحث شد. آقای نخست وزیر از عملکرد کمیسیون ویژه دادگاه لاهه، به خاطر ترکیب آن، نگران است.

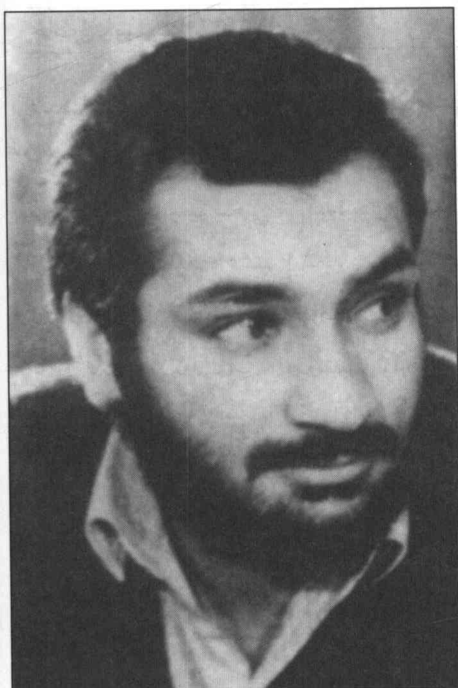
پنجشنبه ۱۳ دی ۱۳۶۳

در جلسه علنی، طرح تبدیل سازمان بهزیستی به وزارت و تبدیل رئیس سازمان برنامه و بودجه به معاونت نخست وزیر مطرح بود. این طرح به خاطر جناح بندی در مجلس، کاملاً جنبه سیاسی پیدا کرده است. بالاخره برخلاف تمایل شدید نخست وزیر، [تبدیل رئیس سازمان برنامه و بودجه به] معاونت [نخست وزیر] پذیرفته نشد و تبدیل آن به وزارت مستقل تصویب شد و رسیدگی به بقیه طرح، برای جلسه بعد ماند؛ مهندس موسوی ناراحت است. برنامه‌وبودجه را وسیله هماهنگ کردن دولت می‌داند.

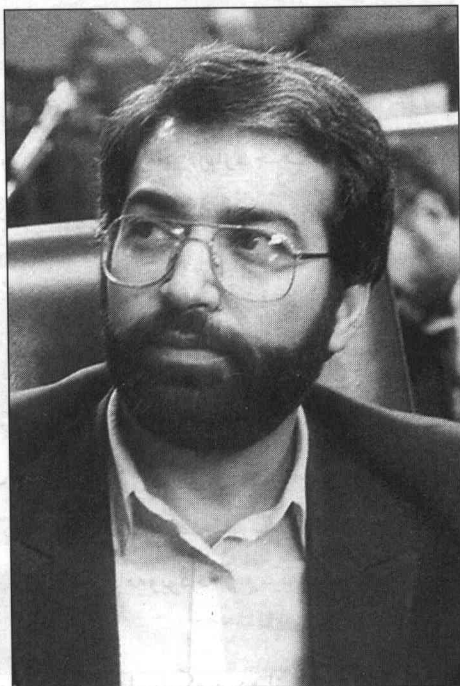
آقای بادامچیان آمد. در جهت مخالفت با دولت، معتقد است که مردم از دولت ناراضیند.



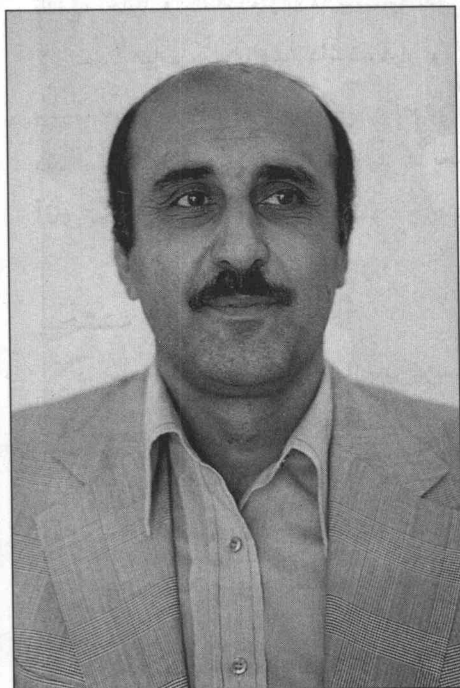
اسحاق جهانگیری



سید حسین مرعشی



محسن نوربخش



ایرج فاضل

اخیراً درگیری بین [آقای حسن عابدی جعفری] وزیر بازرگانی و هیأت مؤتلفه، تشدید شده است.

عصر، آقای هادی مدرسی آمد. پیشنهاداتی در جهت تسهیلات بیشتر برای نهضت‌های اسلامی و تماس بیشتر با شخصیتهای اسلامی داشت و یک کتاب انگلیسی ـ که اخیراً از طرف یکی از فرماندهان طرح عملیات آمریکا در مورد گروگانهای لانه‌جاسوسی نوشته شده ـ آورد. سرهنگ [مصطفی] ترابی آمد. گزارشهائی آورد. آقای توکلی‌بینا آمد. از عدم همکاری [آقای طهماسب مظاهری] مسئول جدید بنیاد [مستضعفان] با شرکت تولید مسکن بنیاد، گله داشت.

سرشب، با وزرای کشور و مسکن و مسئولان شهرداری تهران و مترو، جلسه‌ای برای تهیه مقدمات شروع کار متروی تهران داشتیم. قرار شد با همان شرکت دولتی، وابسته به وزارت کشور و امکانات شهرداری تهران انجام شود و پیشنهاداتی در مورد جعل عوارض بر اتومبیل‌های تهران و سوخت و زمین و پلاک ماشین و بالا بردن تراکم مناطقی از تهران و گواهینامه رانندگی و... داده شد. قرار شد کمیسیونی رسیدگی کنند و نظر بدهند. شب، به منزل آمدم. آقای نخست وزیر، تلفن کرد و راجع به محدود کردن پرداخت ارز به خاطر کمبود شدید، پیشنهادی داشت.

جمعه ۱۴ دی ۱۳۶۳

در منزل بودم. نماز جمعه را آیت‌الله خامنه‌ای اقامه کردند؛ برای اولین بار پس از مسئولیت من در اقامه نماز جمعه، دو هفته متوالی، ایشان اقامه کردند. نخست وزیر، تلفنی قرار ملاقات گذاشت که درباره حزب [جمهوری اسلامی] و اختلافات، جلسه‌ای داشته باشیم. قرار شد، فردا انجام شود.

از دفتر امام، حال احمد آقا را پرسیدم. گفتند هنوز در سفر است. به خاطر استراحت و معالجه کسالت زخم معده، غیبت ایشان موجب شایعات شده است.

شنبه ۱۵ دی ۱۳۶۳

صبح زود، آقایان مهندس موسوی، [مسیح]مهاجری، [سید محمدرضا]بهشتی، [جواد]اژه‌ای و [ابوالقاسم] سرحدی‌زاده آمدند که درباره حزب [جمهوری اسلامی] صحبت کنیم. در شورای مرکزی در اقلیت‌اند و مسئولیت واحدها هم، اکثراً از جناح دیگر است. خود را کنار کشیده‌اند و کمتر در جلسات حاضر می‌شوند. در ضرورت وجود حزب و ضرورت تلاش برای بهبودی حزب و تلاش برای برگزاری سالم کنگره دوم، دو ساعت بحث کردیم.

بلافاصله شورای سرپرستی [صداوسیما] جلسه داشت. درباره برنامه‌های مربوط به ماه رمضان و ایام خاص و درباره برنامه‌های برون مرزی صداوسیما مذاکره کردیم. آقای حجت فیلمی از "بی.بی.سی" انگلیس آورده بود که راجع به انقلاب ایران پخش کرده و می‌گفت [برای پخش در سیما] مثبت است؛ قرار شد به نحوی از آن استفاده شود.

با [آقای محسن رفیق‌دوست] وزیر سپاه، تلفنی برای تأمین سریعتر تدارکات عملیات و با [سرهنگ هوشنگ صدیق] فرمانده نیروی هوائی، برای تلافی تجاوزات هوائی عراق صحبت کردم؛ اجازه عملیات هوایی برون مرزی خواست. آقای [محسن] رضائی هم، تلفنی از ایذاءهای هواپیماهای عراقی شکایت کرد.

با آقای خامنه‌ای، تلفنی صحبت کردم. قرار شد اجازه [عملیات هوایی برون مرزی] داده شود. گزارشها را آوردند، خواندم. زمزمه مسلح بودن نیروهای کماندوئی ـ به اصطلاح ضدتروریستی ـ آمریکا به اسلحه اتمی شروع شده است.

یکشنبه ۱۶ دی ۱۳۶۳

در جلسه علنی [مجلس شورای اسلامی، با تصویب یک لایحه]، سازمان بهزیستی زیر نظارت [وزارت] بهداری قرارگرفت. نمایندگان، مراجعات زیادی داشتند. ظهر، آقای فخرالدین حجازی آمد و راجع به سپاه حرف داشت. آقای [اسماعیل] فدائی نماینده سربند [اراک] آمد و از امام جمعه [اراک] و استاندار استان مرکزی شکایت داشت.

آقای [محسن] رفیق‌دوست آمد. گزارش آزمایش موفقیت‌آمیز موشکی شبیه تاو ـ ساخت ایران ـ را داد که مهم است و علت تأخیر ورود وسائل موشک‌ها از لیبی را گفت که به خاطر نامه‌ای از یکی از ادارات وزارت خارجه بوده است. آقای روحانی، مشکلات اصلاح لوله‌های آسیب‌دیده قرارگاه ابوالفضل(س) در جبهه‌ها را گفت.

عصر، آقای [محمد] اصغری آمد و مدعی است، کمیسیون ویژه بررسی عملکرد دفتر بیانیه الجزایر و دادگاه لاهه، به جای رسیدگی واقعی، اغراض سیاسی علیه دولت و بهزادنبوی را تعقیب می‌کند. آقای [صادق] احسانبخش [امام جمعه رشت] آمد. از تفرقه‌اندازی بعضی روحانیون خارج از گیلان، در [امور] گیلان و از تضعیف مذهبی‌ها در کارخانه‌ها گله داشت.

در جلسه شورای حزب [جمهوری اسلامی] شرکت کردم. بیشتر بحث، بر سر مسائل دارو و

نظام پزشکی بود. به آقای [موسوی] اردبیلی، پیشنهاد اقامه نماز جمعه هفته آینده را دادم؛ گفت که آمادگی ندارند.

دوشنبه ۱۷ دی ۱۳۶۳

در منزل ماندم. اول وقت، پیامی برای کنگره زردشتی‌ها که در هند تشکیل می‌شود و آقای [پرویز] ملک‌پور نماینده زردشتی‌ها در مجلس، در این کنگره شرکت می‌کند، نوشتم.[1] سپس به زیارت امام رفتم. مدت زیادی، خدمتشان در اندرون نشستم. تمایل به انزوا در امام پیدا شده است. تأکید کردم که لازم است، بیشتر با مردم حرف بزنند؛ احتمال کناره‌گیری کامل را مطرح کردند. درخواست کردم که دیگر نفرمایند و مصلحت نیست و قبول کردند که غیبت احمد آقا، بیش از این صلاح نیست و [از آنجایی که] حالش هم بهتر شده است، [به سفرش خاتمه دهد].

در مورد نامه شورای نگهبان، در خصوص مالیات فرمودند، حکومت از احکام اولیه است و مالیات هم که از لوازم اولیه حکومت است، از احکام اولی است. و این احکام دیگر، شرط دو سوم آراء نمایندگان مجلس را برای تصویب نمی‌خواهد. پریروز هم این جواب را به آقای خامنه‌ای گفته‌اند.

نامه جامعه مدرسین [حوزه علمیه] قم را در مورد نارسائی‌های کشور فرمودند و اینکه از آنها طرح خواسته‌اند و آنها نتوانسته‌اند، طرحی بدهند و می‌فرمودند، آنها در متن کارها نیستند. از مسئله جواز استفاده از کلاه گیس به عنوان حجاب سئوال کردم؛ فرمودند حجاب نیست. فرمودند به هنرمندها بگوئیم در فیلمها و تئاترها از حالات تصنعی خودداری شود؛ عادی و طبیعی باشد.

۱- در بخشی از این پیام آمده است: "پارسیان محترم اطلاع دارند که هموطنان آنها در شش سال قبل، قیامی شکوهمند و انقلابی عظیم در ایران و منطقه پی‌افکندند و درگام نخست، ایران را از دام ذلت و اسارت آزاد کردند و امیدی در دل محرومان و مظلومان و مستضعفان بوجود آوردند. تنفس در محیط آزاد، احساس هویت و استقلال در اراده، تصمیم، انتخاب و عمل و حذف عوامل اسارت، انحطاط، وابستگی و استثمار و استعمار، نشاط جدیدی به مردم ایران داده که در میدانهای سازندگی و انتخاب و صحنه‌های پرشکوه مذهبی و مردمی شایستگی و صلاحیت خود را به معرض نمایش بگذارند." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های قبل از دستور و پیامهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

سه شنبه ۱۸ دی ۱۳۶۳

صبح زود به مجلس رفتم. گزارشها را خواندم. صدام در نطق خود به مناسبت روز تأسیس ارتش عراق، از اعراب برای مقابله با ایران، کمک خواسته است. در جلسه علنی سه دستور انجام شد.

بعد از تنفس، به دفترم آمدم. آقای ربانی املشی آمد. مطالب زیادی گفت؛ اعصابشان ناراحت است وکسالت دارد. تأکید کردم که به مسافرت بروند. از من، برای تقویت پیشنهادی که جمعی از آقایان روحانیون به امام داده‌اند و امام آن را رد کرده‌اند، کمک خواست. نظرشان این است که امام، گروهی را معین کند که هدایت کشور را به عنوان مشاور امام یا شورای عالی تصمیم‌گیری در امور کلی و سیاست‌های عمومی به عهده بگیرند.

آقای مهندس شیری مدیر عامل [شرکت ملی صنایع] مس سرچشمه و محسن ـ عموزاده ـ آمدند. گزارش وضع مجتمع را دادند که ممکن است با فروش محصولات، مخارج خودش را تأمین کنند. از افراط کاری‌های انجمن اسلامی مس سرچشمه، شاکی‌اند. به نظرم [مهندس شیری]، مدیر لایقی آمد. شورای حزب [جمهوری اسلامی] واحد مجلس، جلسه داشت.

عصر، آقای دکتر [عبدالله] جاسبی آمد. گزارش کار دانشگاه آزاد اسلامی را داد. دانشگاه، بحمدالله به سرعت توسعه می‌یابد. گروهی از حزب، با فرماندهان سپاه مرکز آمدند. برای آنها مفصلاً صحبت کردم.[1]

شورای عالی انقلاب فرهنگی، جلسه داشت. بیشتر درباره گزینش بحث شد. شورای مرکزی [جامعه] روحانیت مبارز [تهران]، جلسه داشت. بحث مالیات بود و نظر امام را گفتم. قرار شد

۱- در بخشی از این سخنرانی آمده است: "کسانی که وارد سپاه شدند، همگی برای خدا و برای انجام وظائف انسانی و اسلامی به این راه قدم نهادند و خلوص و معرفت و قرب به خداوند در کسانی که با این انگیزه وارد سپاه شدند همواره رو به فزونی است. من از روزهای اول با سپاه از فرماندهان گرفته تا افراد ساده، مأنوس بوده‌ام. شما موفق شدید در پیکار با عراقیها و دشمنان داخلی قدرت ایمان و خصوص خویش را نشان بدهید. ولی هیچگاه مغرور نشوید و بدانید که این موهبتی الهی است که نصیب شما شده است، چراکه در هنگام پیروزی احتمال زیادی وجود دارد که انسان خود را فراموش کند. تداوم حالت سپاهیگری و فداکاری در سپاه از همان سرمایه و علت اصلی حرکت انقلاب مایه گرفته است، خیلی معلوم و روشن است که اگر انسان بخواهد با انگیزه‌های مادی زندگی کند، با وصفی که افراد سپاه دارند، سازگار نیست." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

آقای امامی کاشانی با توجه به نظر صریح امام، اظهارات گذشته را در مصاحبه آینده اصلاح کند.

چهارشنبه ۱۹ دی ۱۳۶۳

صبح زود به مجلس رفتم. در گزارشها، تازه مهمی نبود. آقای سعدمجبر سفیر سابق لیبی و فرستاده آقای قذافی آمد و پیام شفاهی ایشان را آورد. از من دعوت کرد که به لیبی بروم. در مورد تکمیل سایت موشکی تأکید کردم. در جلسه نمایندگان تهران شرکت کردم. مقداری از آئین‌نامه را تصویب کردیم.

ظهر، آقای گلسرخی آمد. گزارشی از عملکرد ستاد ارسال کمکهای مردم به جبهه‌ها را داد. از بی‌نظمی تدارکات جبهه گله داشت. کمک خواست.

آقای روحانی آمد. گزارش پیشرفت مقدمات کار عملیات را داد؛ مقداری عقب است. از نتیجه آزمایش موشک شبیه تاو ساخت سپاه و بولدوزر آبی ـ خاکی اختراع سپاه، راضی است.

عصر، آقای شهاب، معاون آقای غرضی [وزیر نفت] آمد. می‌خواست کمبود نفت و گازوئیل را به گردن بانک مرکزی و سازمان برنامه‌وبودجه بیندازد. برای جواب وزیر نفت به سئوال آقای [سیدمحمد] کیاوش در این‌باره، چاره‌جوئی می‌کرد. آقای فواد کریمی از فشار دادگاه علیه او، به خاطر اهانت به آقای محصل، ناراحت است.

شب، به اتفاق سران سایر قوا به منزل آیت‌الله منتظری در قم رفتیم. قرار شده ماهی یک بار جلسه داشته باشیم؛ یکبار در قم و یکبار تهران برگزار شود. بیشتر به انتقادات ایشان در مورد توزیع کالا، قوه قضائیه، حزب [جمهوری اسلامی]، صداوسیما و... گوش دادیم. مقداری درباره طرح واگذاری توزیع به بخش خصوصی مذاکره کردیم. به نتیجه قطعی نرسید. قرار شد دولت راهکارها را مشخص کنند. دیر وقت به تهران رسیدیم و در مجلس خوابیدم.

پنجشنبه ۲۰ دی ۱۳۶۳

بعد از نماز صبح، کمی ورزش و مطالعه کردم. در جلسه علنی ماندم و سپس به دفترم آمدم. کارهای عقب افتاده را انجام دادم. آقای دکتر جزایری برای درد دستم آمد. ظهر، چند ملاقات انجام دادم.

عصر، مسئولان دفاتر خبرگزاری جمهوری اسلامی در کشورهای خارجی آمدند. برای آنها

صحبت کردم.[۱] آقای مهندس رضوی رئیس سازمان امور استخدامی کشور آمد. گزارشی از پیشرفت کار اصلاحات اداری آورد و مشورت کرد.

سرهنگ حسینی فرمانده نیروی دریائی ارتش آمد. گزارشی از وضع نیرو داد؛ مدعی است که وضع بهتر شده. از اختراع قایق بدون سرنشین و بالون‌های منحرف کننده موشک گفت.

شب، جلسه هیأت رئیسه مجلس خبرگان برای برگزاری سمینار ولایت فقیه داشتیم. وقت اجلاس فوق‌العاده در بهمن ماه تعیین شد.

جمعه ۲۱ دی ۱۳۶۳

تا ساعت ده‌ونیم صبح، در منزل مطالعه می‌کردم. نماز جمعه را در دانشگاه تهران، اقامه کردم.[۲]

عصر، در منزل با آقایان [میرحسین] موسوی، [محمد رضا]بهشتی، [مسیح] مهاجری و

۱- در بخشی از این سخنرانی آمده است: "یک سلطه که برای عموم مردم نامرئی و برای افراد خاص و زیرک محسوس است، همان سلطهٔ خبری دنیای ابرقدرتها و بیشتر دنیای غرب است. مردم باید یاد بگیرند که نسبت به هر خبری که از سوی خبرگزاریهای جهانی پخش می‌شود، شک و تردید کنند. بنابراین باید به مردم توجه داد که همیشه به خبرهای اینها به دیده تردید نگاه کنند و در جاهای دیگر واقعیت را بفهمند و البته واقعیت نیز در اختیار آنها قرار می‌گیرد. باید کاری کنیم که با انتشار خبرهای سالم و واقعی افکار را به نفع محرومین و مظلومین و علیه ظالمین تجهیز کنیم." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۲- در این خطبه‌ها دربارهٔ مسایل مربوط به جنگ، مقابله به مثل، شرایط اتمام جنگ، انتقال یهودیان اتیوپی به اسرائیل و سازندگی در اقتصاد کشور مطالبی بیان شد. در بخشی از خطبه دوم آمده است: "ما نمی‌خواهیم برای رسیدن به صلح از دریای خون عبور کنیم، اما عراق می‌خواهد بحران درست کند. ما برای خودمان برنامه‌ریزی داریم و صلح هم می‌خواهیم؛ صلح واقعی و بدون صدام. می‌توانیم میلیونها نفر را در عراق آواره کنیم اما [این کار را نمی‌کنیم و] منتظر موقع مساعد می‌مانیم تا کار حزب بعث را تمام کنیم. ما نشان دادیم که در مقابله به مثل قدرت بیشتری داریم، اما تا کارد به استخوانمان نرسد، اقدام به مقابله به مثل نخواهیم کرد... انتقال یهودیان اتیوپی به اسرائیل از مسایل عجیب روزگار ماست. نقطهٔ زشت و مهم این قضیه آن است که چگونه کشور سودان به خود اجازه داده است که وسیله انتقال مهاجر به اسرائیل باشد و زشت‌تر اینکه بقیه کشورهای اسلامی نیز ساکت شده‌اند و در این مورد هیچ عکس‌العملی از خود نشان نمی‌دهند." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های نماز جمعه سال ۱۳۶۳، جلد هفتم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

[جواد] اژه‌ای برای بحث پیرامون همکاری با سایر جناحها در حزب جمهوری اسلامی و برگزاری سالم کنگره، جلسه داشتیم. شام را هم ماندند.

احمدآقا که مدتی برای رفع کسالت به سفر رفته بود، آمد؛ بیشتر در منطقه چابهار بوده‌اند. از ضعف صداوسیما در آنجا و غیر سیاسی بودن محیط و مشکلات کامیونداران می‌گفت و در این مورد پیشنهاداتی داشتند. از جمله هدایت کنگره به نحوی که منجر به انتخاب افراد مورد نظر با ترکیب جامع از همه اقشار کشور شود. بعد از شام رفتند.

شب، آقای ساداتیان اطلاع داد که عراقیها خواسته‌اند به جزیره مینو حمله کنند؛ شکست خورده‌اند. از آقای [محسن] رضائی پرسیدم، گفت معلوم نیست، حمله باشد، ممکن است اشتباه ژاندارمری باشد. پلهائی از طرف عراق به اروندرود وارد شده است و مأموران ما، منهدم کرده‌اند.[1]

شنبه ۲۲ دی ۱۳۶۳

تا ساعت نه‌ونیم صبح، مطالعه و کتابخانه را مرتب کردم. جلسه شورای سرپرستی [صداوسیما] داشتیم. آئین‌نامه پخش اخبار مربوط به امام از صداوسیما تصویب شد و درباره برنامه‌های صداوسیما در ایام خاص و مناسبتها در طول سال بحث شد. استعفای آقای [محمد حسن] زورق [معاون سیاسی صداوسیما] مورد بحث قرارگرفت و قرار شد بکار خود ادامه دهد تا رسیدگی کنیم.

عصر، آقایان [علی] شمخانی [قائم مقام فرمانده کل سپاه] و [محسن] رفیق‌دوست [وزیر سپاه پاسداران] آمدند. آقای رفیق‌دوست، گزارش پیشرفت کارهای تدارکاتی عملیات را داد. آقای شمخانی هم درباره تهیه مسکن برای افراد سپاه، کمک خواست و گزارش اظهارات طبیب مخصوص صدام که به ایران پناهنده شده را داد. او مطالب جالبی درباره حرفهای صدام گفته که از مصاحبه او، فیلم تهیه شده است.

این شخص از افراد سرشناس اروپایی است که بعد از جنگ [جهانی دوم] تاکنون در فرانسه [مقیم] است و از شهود دادگاه [سران] نازی‌ها است. فرانسه او را بهِ عنوان طبیب مخصوص صدام

۱- مقارن ساعت ۱۵ و ۴۵ دقیقه عصر جمعه، یک گروه از نیروهای عراقی با نصب دو پل متحرک هر یک به طول ۱۰۰ متر و عرض ۵۰ متر بر روی اروند رود، قصد نفوذ به جزیره مینو، در غرب آبادان را داشتند. در اثر اجرای آتش یگانهای ایرانی یکی از پل‌ها به کلی منهدم و دیگری توسط دشمن، عقب کشیده شد.



فرستاده است که به خاطر اختلافی که با صدام پیدا کرده‌اند، به ایران آمده است؛ ممکن است [پناهندگی او به ایران] مرموز باشد. موافقت شد که مصاحبه‌اش پخش شود و با آقای خامنه‌ای هم، تلفنی مشورت کردم.[۱]

احمد آقا گفت خبری دریافت کرده که یک هواپیمای مسافربری آلمانی، در آبهای خلیج فارس سقوط کرده است و مسافرانش ـ که ۶۲ نفر بوده‌اند ـ در دریا سرگردان هستند. به ستاد مشترک [ارتش] گفتم که برای نجات آنها اقدام نمایند.[۲]

یکشنبه ۲۳ دی ۱۳۶۳

صبح زود، به مجلس رفتم. گزارشها را خواندم. موضوع سقوط هواپیمای آلمانی که دیشب مطرح شده بود، چند ساعتی مورد توجه قرار داشته و اولین گزارش، از برج مراقبت فرودگاه اسرائیل بوده است که پیام کمک را دریافت داشته ولی کم‌کم معلوم شده که از اصل، این خبر دروغ بوده است. با نیروی دریائی تماس گرفتم. آنها هم به این نتیجه رسیده‌اند که دروغ است. در جلسه علنی چند لایحه تصویب کردیم. مراجعات زیادی از نمایندگان داشتیم.

۱- دکتر "آشور بابا بارهاو" ۶۸ ساله، متخصص جراحی مغز و اعصاب از دانشگاه سوربن پاریس در سال ۱۳۶۲ به همراه تیم پزشکان متخصص اعصاب از فرانسه به بغداد عزیمت کرد اما پس از پایان مهلت مقرر، با ممانعت صدام از بازگشت به فرانسه مواجه شد و در آذر ۱۳۶۳ به جمهوری اسلامی پناهنده گردید. وی در مصاحبه با واحد مرکزی خبر، صدام حسین رئیس جمهور عراق را مبتلا به بیماری روانی "خود بزرگ بینی" معرفی کرد و تأکید نمود که وضع روحی وی براثر ناکامی‌های مکرر در جنگ، روز به روز بحرانی‌تر می‌شود.

۲- پیام دریافت شده حاکی از این بود که یک هواپیمای مسافربری با ۲۰۰ سرنشین در آبهای دریای عمان سقوط کرده است و ۱۳۰ تن جان خود را از دست داده‌اند و بقیه سرنشینان هواپیما به حال شناور در دریا سرگردان هستند. بدنبال دریافت این پیام توسط نیروی دریایی و هوایی بندرعباس و استانداری هرمزگان، چندین پرواز از سوی پایگاه شکاری بندرعباس در منطقه، صورت گرفت ولی اثری از چنین هواپیمائی بدست نیامد و مقامات سیاسی و نظامی استان هرمزگان پس از بررسی ماجرا، این خبر را تکذیب کردند. همچنین مقامات فرودگاه کویت اظهار داشتند: به نظر می‌رسد این اعلام خطر، ساختگی و شوخی بوده و احتمالاً از یک فرستنده خصوصی پخش شده است. به دنبال این پیام، مسئولین هواپیمائی آلمان غربی نیز از بروز چنین حادثه‌ای، اظهار بی‌اطلاعی کردند.

ظهر، [آقای سیدفخرالدین هاشمی] نماینده جهرم آمد. از امام جمعه و طرفداران آقای [علی محمد] بشارتی [قائم مقام وزارت امور خارجه] گله داشت و برای کارهای عمرانی [در جهرم] کمک می‌خواست. در مورد اِجسادی که در قناتی در جهرم کشف شده بود، خبر داد که از طرف بازماندگانشان، تعقیب می‌شود؛ گفتم به مراجع قضائی برای کشف حقیقت، مراجعه کنند.

آقای هاشم‌زائی از کمیسیون نیرو آمد. گزارش تحقیق راجع به احتمال سوء استفاده در یک مناقصه راگفت که هنوز به جائی نرسیده‌اند. [سید محمدکاظم امام موسوی] نماینده شوشتر آمد. از امام جمعه [شوشتر] گله داشت و برای عمران این شهر، کمک می‌خواست.

عصر در مجلس ماندم و کارها را انجام دادم. به وزیران صنایع سنگین و بازرگانی برای تحویل سیصد دستگاه بولدوزر به جبهه تذکر دادم و به وزیر کشاورزی در مورد تحویل یک محل به سپاه، برای آموزش دفاع شیمیائی تذکر دادم. به آقای امامی [کاشانی] گفتم که نماز جمعه آینده را اقامه نمایند. نوبت آقای [موسوی] اردبیلی بود که نپذیرفتند. به خانه آمدم. باران می‌بارد.

دوشنبه ۲۴ دی ۱۳۶۳

بیشتر وقتم را به مطالعه پرداختم. اخوی محمد و آقای [محمد حسن] زورق [از صداوسیما] آمدند. اختلافاتشان را توضیح دادند؛ رفع اختلاف کردم. احمد آقا آمد. خبر داد که امام، پیامهائی در تأیید دولت به رئیس جمهور و حزب [جمهوری اسلامی] و [جامعه] مدرسین [حوزه علمیه قم] داده‌اند. [آقای محمد غرضی] وزیر نفت، اطلاع داد که قیمت نفت، محکم‌تر شده است. نخست وزیر، تلفنی از کمبود ارز اظهار ناراحتی کرد.

سه شنبه ۲۵ دی ۱۳۶۳

در جلسه علنی لایحه حدود فعالیت بخش خصوصی، مطرح بود که کلیات آن تصویب شد. بعد از تنفس، اعضای کمیسیون برنامه و بودجه آمدند؛ درباره غیر واقعی بودن بخشی از درآمدها و کسری زیاد نامرئی بودجه گفتند و خودشان قبول دارند، که غیر عادی بودن وضعیت اقتصادی کشور متأثر از جنگ است که یک چهارم بودجه را می‌بلعد و اگر جنگ نباشد، بودجه متعادل است و درست نیست که در بحثها، این مطلب را ندیده بگیریم و یا ضعف‌های ناشی از جنگ را بزرگ جلوه بدهیم که باعث ضعف روحیه‌ها در جنگ و پشت جبهه خواهد شد.

آقای کریمی، نماینده مرند آمد. از نهادهای انقلاب مرند گله داشت که با ایشان مخالفند. عصر، آقایان [بهزاد] نبوی، [محمد تقی] بانکی و [محسن] نوربخش آمدند. راجع به جنگ و لزوم تهیه بیشتر مقدمات عملیات برای پیروزی، صحبت کردند و از وزیر نفت گله داشتند که در فروش نفت، مسامحه می‌کنند.

آقای مجید انصاری آمد. از بهتر شدن وضع زندانها گفت و برای جذب زندانیان آزاد شده‌در جامعه، چاره‌جوئی داشت و بودجه بیشتری برای زندانها می‌خواست. گروهی از اعضای فدائیان اسلام آمدند. برایشان صحبت کردم.[1]

در جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی شرکت کردم. بحث درباره گزینش دانشجو و وظائف شورا بود که ناتمام ماند. سپس جلسه‌ای با سران قوا داشتیم. درباره سفر نخست وزیر به ترکیه و آمریکای لاتین صحبت شد و توصیه کردیم که با ترکیه قرارداد احداث خط لوله نفت و گاز منعقد کنند. قرار شد، برای ملاقات و صحبت بیشتر امام با مردم برنامه‌ریزی کنیم.

چهارشنبه ۲۶ دی ۱۳۶۳

صبح زود به مجلس رفتم. مه شدیدی، خیابان‌ها را فراگرفته بود. باران هم می‌بارید. امسال بارندگی خوب است. جلسه مشترک هیأت دولت و رؤسای کمیسیون‌های مجلس را داشتیم و این، اولین جلسه بود. خیلی خوب برگزار شد. من جلسه را اداره کردم. من و آقای نخست‌وزیر، کمی

۱- در بخشی از این سخنرانی آمده است: "ای کاش پیشتازان حرکت فدائیان اسلام، همگی در این جلسه حضور داشتند و به چشم می‌دیدند که راهی را که آنان انتخاب کرده بودند، اکنون به ثمر می‌رسد. انتخاب شعار «الاسلام یعلواولایُعلی علیه» یک شعار بسیار بلند و بالا بود؛ یعنی یک گروه در آن زمان سلطه‌ها را نفی کند. این از آن شعارهای بسیار مترقی و قوی بود. هر حرکت متناسب با شعارهای بسیار مترقی اینها در تاریخ آفریدند؛ حماسه بسیار نیرومند و سازنده‌ای بود. در آن مقطع، سهم بزرگی از پیروزی که نصیب مردم شد، متعلق به فدائیان اسلام بود، منتهی ثمره ایثار فدائیان اسلام را به آنها ندادند. اینها به خاطر سلامت و دور بودن از حیله‌های سیاسی و صحنه‌های سیاسی متکی بودند به تنها طبقهٔ جوان وعده‌ای از بازار، آمادگی برای برخی کارها را نداشتند و حیله‌گران برسر آنها کلاه گذاشتند." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

جلسه مشترک دولت و مجلس

صحبت کردیم.[1] درباره نظرات و انتقادات طرفین نسبت به لوایح بحث شد. مطالب مفیدی مطرح گردید. قرار شد، این جلسه را ماهانه داشته باشیم.

عصر، هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت. آقای [محمد] رشیدیان [نماینده آبادان] آمد و از قوه قضائیه گله داشت که حرمت نمایندگان را مراعات نمی‌کنند. آقای [محمد علی] هادی، خواهان در جریان گذاشتن نمایندگان در مسائل مهم کشور در جلسات سری بود. بعد از نماز، کارهای عقب افتاده را انجام دادم.

شب، با سران قوا و احمد آقا مهمان آقای [موسوی] اردبیلی بودیم. درباره مصلحت پذیرفتن آتش‌بس در خلیج فارس بحث شد و قرار شد احمد آقا از امام اجازه بگیرد. قبلاً امام مخالفت کرده‌اند و درباره زمان به کار بردن موشک اسکاد بی -که از لیبی گرفته‌ایم- علیه بغداد بحث شد. قرار شد، هنگام حمله آینده باشد؛ در صورت استفاده کردن عراق از موشک، علیه شهرهای ما به عنوان مقابله به مثل از این موشک استفاده شود. درباره مسائل دیگر، از جمله محاکمه اعضای حزب توده هم بحث شد.

پنجشنبه ۲۷ دی ۱۳۶۳

در جلسه علنی [مجلس شورای اسلامی]، چند دستور از تصویب گذشت. قبل از دستور، به نمایندگان درباره لزوم انضباط و حضور بیشتر در جلسه رسمی تأکید کردم. بعضی‌ها مقاومت کردند. برخورد قاطع نمودم. بعد از تنفس به دفترم آمدم؛ برای انجام کارهای عقب افتاده که بیشتر خواندن گزارشهای ارگانها است.

ظهر، عقد یک جانباز انقلاب را بستم و ملاقاتی با آقای فروغی و دو نفر از پاسداران مسئول در کردستان داشتم. از عدم هماهنگی بین مسئولان در کردستان و عدم قاطعیت قوه قضائیه و فراوانی ترور نسبت به افراد حامی نظام، گله داشتند.

۱- در این سخنرانی آمده است: "این جلسه با خصوصیات خود تقریباً اولین جلسه از نوع خود در تاریخ مجلس شورای اسلامی و هیأت دولت جمهوری اسلامی بعد از انقلاب است و امیدواریم که این تجربه موفقی باشد و مایه خیر و برکت برای اسلام و انقلاب و مردم ما باشد." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

عصر، دبیران جغرافیا و پرسنل عقیدتی سیاسی ارتش آمدند؛ برای آنها مفصلاً صحبت کردم.[۱]
امام جمعه ایذه آمد. مقداری طلا برای جبهه‌ها آورد و برای مدرسه طلبگی جدید التأسیس، کمک خواست و اوضاع آنجا را گفت.

شب، جلسه‌ای با نخست وزیر و آقای توکلی‌بینا و آقای [طهماسب] مظاهری سرپرست بنیاد مستضعفان داشتیم؛ برای تعیین تکلیف مؤسسه مسکن تابع بنیاد مستضعفان. با بحث‌های طولانی به توافق‌های شکننده‌ای رسیدند. سپس با آقای نخست وزیر، درباره بودجه و وزارت برنامه‌وبودجه - که اخیراً مجلس به آن رأی داده و شورای نگهبان تأیید کرده است و نخست وزیر به همین خاطر سخت ناراحت است، بحث کردیم. تأکید بر لزوم تصویب کمک به کارمندان دولت در بودجه شد.

شب به خانه آمدم. محمدتقی، کارگرمان از نوق [رفسنجان] آمده بود. از وضع زندگی مردم و رفاه آنان و بارندگی، خیلی راضی است. گفت که حاجیه والده، سرماخوردگی و کسالت دارند. اخوی محمد، برای عیادت ایشان به نوق رفته است.

جمعه ۲۸ دی ۱۳۶۳

تا ساعت نه‌ونیم صبح، در منزل بودم. آقای اقبالی آمد و کمبودها و نیازهای حفاظت و از جمله بلاتکلیفی واحد حفاظت مجلس شورای اسلامی را گفت. سپس به باغ شیان که نمایشگاه صنایع نظامی سپاه شده، رفتیم و تا ساعت هفت شب، تقریباً یکسره از طرحها و پیشرفتهای صنایع نظامی سپاه بازدید به عمل آوردم و محققان و مخترعان توضیح دادند. در طرح ساخت موشک شبیه تاو - که تقریباً نزدیک به کمال است - موفقیت و پشتکار جوانان حیرت‌انگیز است. اقدامات تهیه امکانات دفاعی جنگ شیمیائی، با همه اقسام معمول پدافندی، بسیار چشمگیر است. ارتش هم با آن همه امکانات و سوابق، نیازمند به کارگیری این وسایل است. سپاه در ساخت انواع

۱- ایشان با اشاره به لزوم غنی سازی درس جغرافیا در مدارس، گفت: "از چیزهایی که همیشه به آن اهمیت بسیار می‌دادم و تأسف می‌خوردم، این بود که با درس جغرافیا در تعلیمات مدارس خشک برخورد می‌شد. نمی‌دانم بعداز انقلاب، چقدر این خشکی برطرف شده و در این سمینار چه فکری به آن کرده‌اند." آقای هاشمی خواستار توجه بیشتر به آموزش جغرافیا در مدارس و ارتقای سطح بینش مسئولان عقیدتی - سیاسی در ارتش شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" زیر نظر محسن هاشمی، دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

خمپاره و وسائل مخابرات و رمزکننده و کشف رمز، پیشرفتهای جالبی دارند. گروه ساخت هواپیما، کارهای جالبی در ساخت هواپیمای بدون سرنشین دارد که در بعضی از طرحها، آزمایش هم با موفقیت انجام شده.

ظهر، با اینکه بستگان مهمان ما بودند، نتوانستم به خانه بیایم. مهدی [فرزندم] هم در این بازدید همراه من بود، خیلی خسته شدیم. نماز جمعه را به آقای امامی کاشانی محول کرده بودم.

شنبه ۲۹ دی ۱۳۶۳

تمام روز در منزل بودم. آقای [محسن] دعاگو آمد و راجع به حزب [جمهوری اسلامی] و کار طرح «کلید قرآن» و صداوسیما مذاکره کرد. در جلسه شورای سرپرستی [صداوسیما] در مورد آئین‌نامه اخبار جنگ، تصویری کردن برنامه «احکام» و موارد دیگر بحث شد.

عصر، آقای [مصطفی] کفاش‌زاده آمد و گفت: "فرانسوی‌ها پیشنهاد می‌کنند که ملاقات [مقامات فرانسوی و ایرانی ابتدا] در یک کشور ثالث و ترجیحاً ایتالیا انجام شود." گفتم مانعی ندارد. اول شب، دکتر وحید [دستجردی سرپرست هلال احمر] و پسرش آمدند. گزارش سفر به آفریقا و عدن و بنگلادش را داد؛ برای مطالعه و تحقیق در زمینه‌های کمک هلال‌احمر به آن کشورها رفته بود. درباره وزارت بهداری و نظام پزشکی و دانشگاه‌ها و وزارت سپاه هم صحبت کردند.

به دفتر مشاورت [امام در ارتش] گفتم که به ارتشی‌ها بگوید، باند فرودگاه سمنان را برای آزمایش هواپیماهای اختراعی، در اختیار سپاه بگذارند. شب، آقای نخست وزیر برای سفر به ترکیه، تلفنی خداحافظی کردند.

یکشنبه ۳۰ دی ۱۳۶۳

صبح زود، به مجلس رفتم. در گزارشها آمده است که اسرائیل تحت فشارها، شروع کرده از جنوب لبنان عقب‌نشینی کند. پیروزی چشمگیری برای مسلمانان لبنان است.[1]

۱- خبرگزاری فرانسه گزارش داد عقب نشینی ارتش اسرائیل از منطقه صیدا در چارچوب نخستین مرحله از طرح خروج نیروهای

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

آقای [غلامعباس] زائری آمد. گزارشی از وضع بندرعباس و قهر استاندار هرمزگان و خلف وعده وزیر کشور که قرار بود با استاندار به محل برود، داد و نامه‌ای از علمای بندرعباس آورد.

قبل از دستور، وفات آیت‌الله آسید احمد خوانساری را تسلیت گفتم.[1] چند دستور انجام شد. در وقت تنفس، جمعی از علمای شیراز آمدند و خواستار سفر من به استان فارس بودند و برای تبلیغات، از اوقاف کمک می‌خواستند.

ظهر، آقای [قاسم مهرزاد] صدقیانی آمد؛ از خسارت و ترورهای ضدانقلاب در آذربایجان‌غربی گفت و از اختلاف آقای غفاری، نماینده دوره سابق مجلس، با امام جمعه سلماس گله داشت.

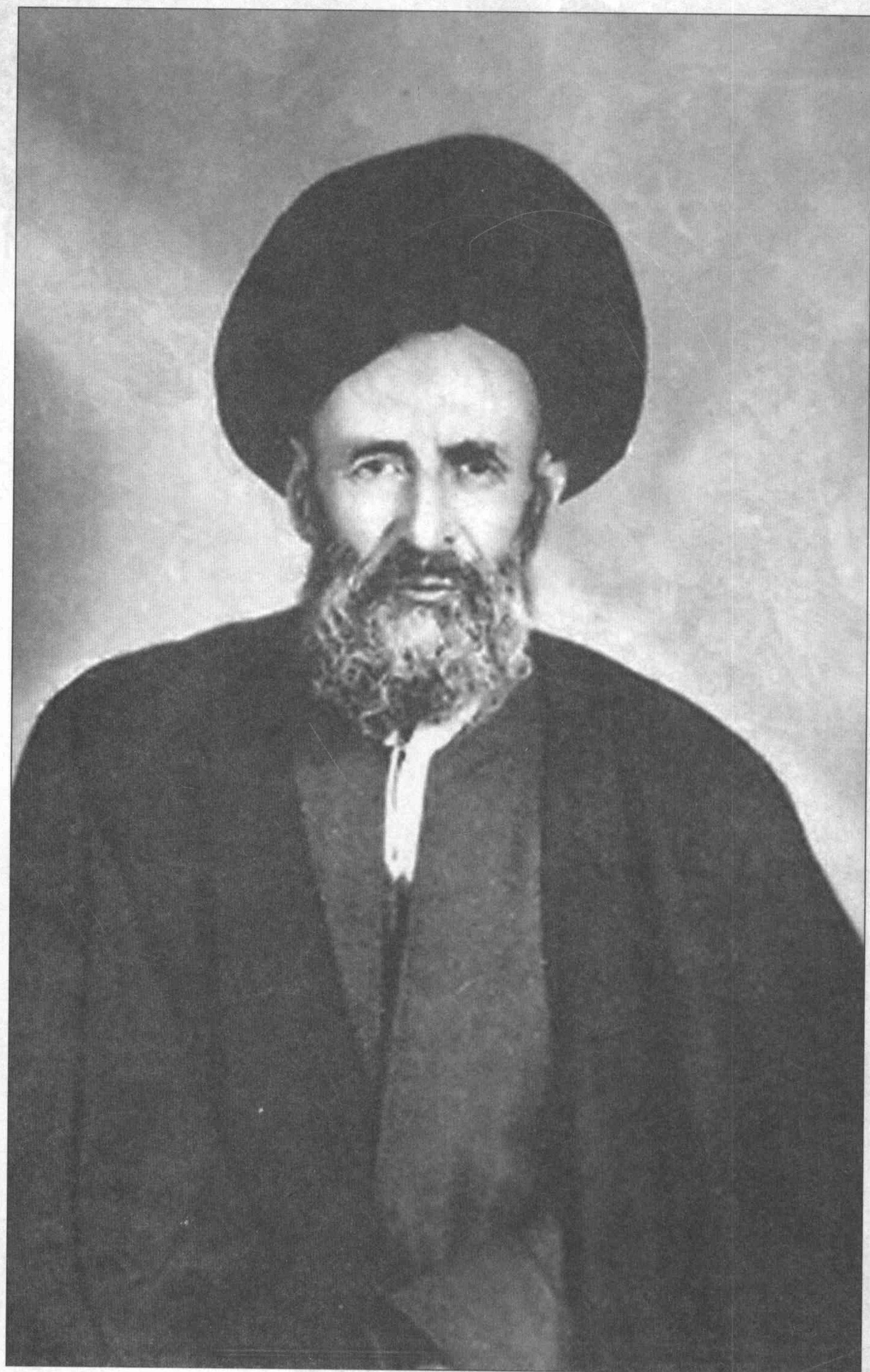
آقای [غلامرضا] رحیمی آمد و گزارشی از پیشرفت کار ستاد کشف فساد، در سطح بالای ادارات داد. گروهی از مسئولان لامرد فارس آمدند؛ برای شهر شدن آنجا، کمک می‌خواستند.

عصر، کارهای عقب افتاده را انجام دادم و گزارشها را خواندم. تلفنی، از آقای خامنه‌ای احوالپرسی کردم و تأکید کردم که به طرح بالن نیروی دریائی، بیشتر توجه کنند. از آقای [محمد علی] موحدی کرمانی در بیمارستان قلب و آقای دهدشتی در بیمارستان آبادان، تلفنی احوالپرسی کردم.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

اسرائیلی از جنوب لبنان آغاز شد. شاهدان عینی گفتند حدود هفتاد خودروی نظامی اسرائیل شامل کامیون و خودروهای زرهی را مشاهده کرده‌اند که از منطقه صیدا به سمت جنوب در حرکت بودند. اسرائیل اعلام کرده است نخستین مرحله طرح عقب‌نشینی پیش از همه هم فوریه (۲۹ بهمن) به پایان خواهد رسید. به گفته کارشناسان مسایل سیاسی، عامل اصلی تصمیم اسرائیل به عقب‌نشینی، مقاومت شیعیان جنوب لبنان و حملات پی در پی آنان علیه سربازان اسرائیلی بوده است. شیعیان جنوب لبنان هر ماه دست کم ۴۰ تا ۵۰ حمله برضد ارتش اشغالگر اسرائیل انجام می‌دادند.

۱- در بخشی از این نطق آمده است: "این عالم ربانی که عمر طولانی خود را در راه خدمت به اسلام و روحانیت و مقدسات بشریت گذراند به لقاءالله پیوست و ما می‌دانیم که علمای بزرگواری که عمرشان در خدمت اسلامی و اهداف مقدس اسلام است از ذخایر عظیم جهان اسلام و بشریت هستند و فقدان آنها باعث کمبودها است و در جامعه چیزی نمی‌تواند آن را جبران کند، امیدواریم خداوند روح این فرد بزرگ را قرین رحمت خود فرماید و به بازماندگان محترمشان تسلیت عرض می‌کنیم." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.



آیت الله حاج سید احمد خوانساری



بهمن ۱۳۶۳



دوشنبه ۱ بهمن ۱۳۶۳ ۲۹ ربیع الثانی ۱۴۰۵ 21 JANUARY 1985

تا ساعت سه بعد از ظهر، در منزل بودم و مطالعه می‌کردم. پیش از ظهر، آقایان [محمدرضا] توسلی و [حسن] صانعی [از دفتر امام خمینی] به منزل آمدند. راجع به نظر امام صحبت شد و پیام امام را در مورد حمایت از دولت آوردند.

عصر به مجلس رفتم. کانون حزب [جمهوری اسلامی]، جلسه داشت؛ درخصوص لزوم تقویت دولت و کم کردن انتقادات تند و دل خالی‌کن، مفصلاً برای اعضا صحبت کردم. پیام امام را خواندم؛ درباره درگیری‌هائی که بعضی از نمایندگان با قوه قضائیه پیدا کرده‌اند، توصیه به خودداری نمودم.

اول شب، ملاقاتی با آقایان [محمدتقی] بانکی، [محسن] نوربخش و [غلامحسین] نادی داشتم؛ از وضع ارز، نگران بودند. قرار شد در اولین فرصت، جلسه وزرا با حضور من و رئیس جمهور، برای بررسی این موضوع تشکیل شود. شب، در مجلس ماندم. فیلمی از پرویز صیاد، علیه انقلاب دیدم. شب، دیر وقت خوابیدم.

سه شنبه ۲ بهمن ۱۳۶۳

بعد از نماز [صبح]، گزارشها را خواندم. در جلسه علنی، طرح رسمی کردن دندان پزشکان تجربی، برخلاف میل و نظر وزارت بهداری، تصویب شد. بعد از وقت تنفس به دفتر آمدم. آقای روحانی وضع جبهه را گفت؛ کار تدارک بعضی از لوازم عقب است.

ارتشی‌ها در ستاد قرارگاه، خیلی موافق عملیات مورد نظر سپاه نیستند و سپاهی‌های [حاضر] در ستاد هم، [عملیات را] به جای دیگر تقدم می‌دهند و خواستار تأخیر زمان عملیات شده‌اند. با آقای رضائی در این خصوص صحبت کردم؛ جواب داد که برادران آمادگی دارند، ولی مطالبی هست که باید بحث شود؛ احتمال تأخیر می‌رود.

ظهر، شورای حزب واحد مجلس، جلسه داشت. درباره خوراک [فکری] جلسات حوزه‌ها بحث شد و قرار شد، فعلاً محور [این جلسات، تحلیل] مواضع حزب باشد. عصر، گروهی از همکاران آقای [اسدالله] لاجوردی آمدند و از تصمیم عزل ایشان از دادستانی انقلاب تهران، ناراحت بودند؛ گفتم شورای عالی قضائی می‌گوید که ایشان، تمکین به قانون و تصمیمات شورا ندارد.

ملاقاتی با شورای هماهنگی تبلیغات دهه فجر داشتم. برای آنها مفصلاً صحبت کردم.[1] شهردار تهران و معاون وزارت کشور آمدند؛ درباره منابع درآمد و مخارج متروی تهران مذاکره کردیم.

در [جلسه] شورای [عالی] انقلاب فرهنگی شرکت کردم. درباره کیفیت انتخاب رؤسای دانشگاه‌ها و شرایط پذیرش دانشجو، بحث و تصمیم‌گیری شد. سپس در [جلسه] شورای [مرکزی جامعه] روحانیت مبارز شرکت کردیم. آقای [محمدرضا] توسلی، پیام امام را در خصوص حمایت از دولت و تذکر به جامعه مدرسین [حوزه علمیه قم] و جامعه روحانیت مبارز تهران و بازاریان و حزب [جمهوری اسلامی] آورد و قرائت کرد. مقداری در این خصوص بحث کردیم. در این جلسه مطرح شد که بعضی‌ها، در روزهای آخر عمر آیت‌الله خوانساری، بنا داشتند که ایشان را به خارج از کشور ببرند. دیر وقت به خانه آمدم.

چهارشنبه ۳ بهمن ۱۳۶۳

تمام امروز را در منزل بودم و بیشتر به مطالعه و خواندن گزارشها پرداختم. تلفنی با رئیس جمهور، درباره کسالت آقای [محمد مهدی] ربانی [املشی] و [موضوع] مقابله به مثل در خلیج فارس و مسائل دیگر صحبت کردم. آقای رفیق‌دوست [وزیر سپاه پاسداران] برای رفتن به سوریه به منظور گرفتن کمک نظامی و دعوت وزیر امور خارجه سوریه برای آمدن به ایران، تلفنی خداحافظی کرد. در گزارشها، تازه مهمی نداشتیم.

۱- در این سخنرانی آمده است: "یکی از کارهای بسیار مهم و ضروری، زنده نگهداشتن ارزشهای انقلاب در اذهان مردم است. ما باید نشان بدهیم که انقلاب اسلامی ما همیشه بالنده و زنده است و زمانی جشن واقعی را خواهیم گرفت که انقلاب اسلامی پایگاههای اصلی خود را در دنیا پیدا کند و اسلام به عنوان راه گشای بشریت، مورد پذیرش دنیا قرار گیرد. دشمنان اسلام از جنگ تحمیلی و فشارهای دیگری که بر ما وارد کرده‌اند، نتیجه مطلوب را نگرفتند، تنها نتیجه‌ای که جنگ تحمیلی برای دشمنان ما داشت، مشغول کردن ما بود، البته ما در کنار خسارت‌های جنگ بهره‌های دیگری از این جنگ گرفتیم از جمله اینکه اتحاد و انسجام مردم، بسیار محکم‌تر شد." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۵.

پنجشنبه ۴ بهمن ۱۳۶۳

صبح زود، به مجلس رفتم. در گزارشها تازه مهمی نبود. عراقیها هر روز ادعا می‌کنند که کشتی زده‌اند، ولی عمدتاً دروغ و این [ادعاها] باعث بی‌اعتباری موشکهای اگزوست فرانسه و رسوائی عراق شده. در جلسه علنی، چند دستور انجام شد. بعد از تنفس، به دفترم آمدم.

ظهر، آقای [محمد علی] عربی [نماینده کاشمر] آمد و راجع به حوادث کاشمر که بین طرفداران وی و امام جمعه درگیری شده، توضیحاتی داد. آقای زنگنه، وزیر جهاد [سازندگی] آمد و از تلاشهائی که برای محدود کردن میدان عمل جهاد سازندگی می‌شود، اظهار نگرانی نمود. نهادهای انقلابی که معمولاً بخشی از کارهای ارگانهای دیگر را به عهده گرفته‌اند، این مشکل را دارند؛ سپاه با ارتش، کمیته با شهربانی و....

عصر، [گروهی از] اعضای حزب [جمهوری اسلامی] از تهران و اراک آمدند. برای آنها سخنرانی کردم.[1] آقای کاووس ـ عکاس ـ آمد و از بدی تقسیم مواد [عکاسی] گله داشت. اعضای مجلس اعلای [انقلاب اسلامی] عراق آمدند؛ از مشکلات اداری و کمی توجه به تمرینات نظامی و محدودیت‌های مجلس اعلای عراق، گله داشتند.

بعد از نماز مغرب، آقای ری‌شهری [وزیر اطلاعات] آمد. اولین بولتن‌های منتشره وزارت اطلاعات را آورد و گزارشی از کشف هسته‌های تروریستی در اصفهان و کرمان و شیراز داد. ماجرای فرار و دستگیری رئیس اداره هشتم ساواک را ـ که پس از انقلاب تاکنون با ما همکاری داشته و گویا دو طرفه کار می‌کرده ـ گفت. سپس، گروه سپاهی که برای آموزش موشک فراگ و اسکاد به سوریه رفته بودند، آمدند؛ گزارشی دادند و از آموزش و کمک‌های سوری‌ها راضی بودند. به خانه آمدم.

۱- در این سخنرانی آمده است: "حزب جمهوری اسلامی بیش از همه چیز، اصولاً یک نهاد سیاسی ـ فرهنگی است. از ابتدایی‌ترین مسئولیتهای افراد متشکل شده در حزب، این است که در رابطه با حوزه‌ها و کارهای جاری حزب، سعی کنند مسائل فرهنگی محیط خود و جهان و اهداف این مکتبی را که برای آن حزب بوجود آورده‌اند، بشناسند و آن را در جامعه اشاعه دهند. هرگاه در جامعه نیاز به موضع گیری خاص سیاسی و فرهنگی به وجود بیاید، افراد متشکل و تربیت شده در حزب باید به سرعت، موضع لازم را اتخاذ و برای دیگران راهگشا باشند." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

شب، رئیس جمهور تلفن کردند و از برنامه کانال دوم [تلویزیون] که در گزارش وضع آیت‌الله خوانساری، بد عمل کرده، گله داشتند. آقای [علی] رازینی که اخیراً به جای آقای [اسدالله] لاجوردی، [به دادستانی انقلاب تهران] منصوب شده، آمد؛ نگران است و از من کمک می‌خواست که به آقای لاجوردی بگویم که شغلی مثل معاونت آقای صانعی دادستان [کل کشور] را بپذیرد که رفتن ایشان [از این سمت]، انعکاس بدی نداشته باشد.

جمعه ۵ بهمن ۱۳۶۳

برای اقامه نماز جمعه، به دانشگاه [تهران] رفتم. در خطبه دوم درباره مترو و فاضلاب تهران توضیح دادم و فواید فراوان این دو طرح را گفتم؛ بعضی‌ها با اجرای این طرحها مخالفت دارند و به خصوص علیه [ساخت] مترو [به عنوان یک وسیله نقلیه لوکس و طاغوتی]، تبلیغ می‌کنند.[1]

عصر و شب را هم به مطالعه گزارشها پرداختم. دکتر ولایتی تلفن کرد و از اینکه قرار تشکیل

۱- ایشان در خطبه اول نماز جمعه بحث پیرامون برخورد اسلام با اشاعه علم و فرهنگ و برخورد غرب با این مسأله پرداخت و سپس در خطبه دوم نماز جمعه، ابتدا رحلت آیت‌الله خوانساری را تسلیت گفت و سپس به مسأله احداث فاضلاب و متروی تهران پرداخت.

در بخشی از خطبه این هفته آمده است: "اسلام در گرفتن و نشر علم، فوق‌العاده تأکید دارد و در روایات زیادی این مسأله را عنوان کرده است. باید در رویه علمی، دانشمندان و شخصیت‌های علمی را جلب کنیم و احساسات آنها را در نظر بگیریم، ولی محور تعهد و تقوی را هم در نظر داشته باشیم. علم باید همراه با فضیلت اخلاق باشد."

همچنین ایشان دربارهٔ مسأله فاضلاب و مترو گفت: "باید سازمانی ایجاد شود که این فاضلاب را برای استفاده کشاورزی، تصفیه و بکارگیرد که البته همه این خدمات خرج دارد. ... در مورد ترافیک، درگذشته کسانی بودند که با امر ایجاد مترو مخالف بودند، مانند ضدانقلاب و دشمنان انقلاب اسلامی، چون اینها نمی‌خواهند مردم در رفاه باشند. البته باید توجه داشت که پول نفت، مال همه مردم است، فقط به مردم تهران اختصاص ندارد. نظام جمهوری اسلامی نباید مسأله را یک طرفه نگاه کند، باید ضررهائی که مردم در نتیجه فقدان مترو با آن مواجه هستند، گفته شود". ایشان با برشمردن خصوصیات مترو، گفت: "طرح ایجاد مترو و خدمات شهری در تهران از ضروریات اقتصادی، سیاسی و رفاهی مردم است که با مشارکت عمومی عملیات آن آغاز شود. در نتیجه نبودن مترو، سالیانه بالغ بر ۲۵ میلیارد تومان، مردم تهران ضرر اتلاف وقت را می‌پردازند." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های نماز جمعه، سال ۱۳۶۳، جلد هفتم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۷۵.

جلسه وزرای امور خارجه کشورهای ایران، الجزایر، سوریه، لیبی و یمن جنوبی در تهران، تحقق نیافته، ناراحت است.

الجزایری‌ها به بهانه اختلاف با لیبی شرکت نکرده و یمنی‌ها به دنبال آنان و سوری‌ها به دلیل اینکه عدم حضور الجزایر، نشان شکست جبهه است، صلاح ندیدند [که در این جلسه شرکت کنند] و فقط وزیر خارجه لیبی آمد؛ بالاخره با رفتن آقای [محسن] رفیق‌دوست به سوریه و بردن پیام رئیس جمهور ایران برای آقای حافظ اسد [رئیس جمهوری سوریه]، سوریها شرکت کردند.

شنبه ۶ بهمن ۱۳۶۳

پیش از ظهر، جلسه شورای سرپرستی [صداوسیما] داشتیم. بحث درباره مدت مسئولیت شورا صرف شد. در مجلس [شورای اسلامی]، جمعی معتقدند که این شورا، بقیه عمر ناتمام آن شورای قبلی است. دربارهٔ [برنامه تلویزیونی] محلهٔ بهداشت که مورد اعتراض بعضی‌ها است، هم بحث شد. قرار شد [پخش آن] ادامه داشته باشد. درباره توده‌ای‌های کارمند صداوسیما هم بحث شد. حدود پنجاه نفر را، دادستانی انقلاب گفته باید [از کار] مرخص شوند. قرار شد قبلاً [پرونده آنها در مورد توده‌ای بودن]، کنترل و سپس بازخرید شوند.

عصر، مقداری در حیاط خانه قدم زدم. تلفنی با آقای خامنه‌ای درباره [اقامه] نماز جمعه و افتتاح کنگره مهمانان خارجی در جمعه آینده و مطالب دیگر مشاوره شد. شب، خانم [مریم] بهروزی و خانم علم‌الهدی مهمان عفت بودند. آقای محسن رضائی از جبهه آمد. گزارش پیشرفت کارها را داد. تدارکات، عقب است و همچنین برای آموزش نیروها مهلت خواست که موافقت کردم.

یکشنبه ۷ بهمن ۱۳۶۳

هفت‌ونیم به مجلس رسیدم. در جلسه علنی شرکت کردم. بعد از تنفس، به دفترم آمدم. نماینده کاشمر درباره مسائل کاشمر و آقای [رسول] منتجب‌نیا درباره ستاد برگزاری کنگره دوم حزب [جمهوری اسلامی] و آقای روحانی درباره جبهه، مذاکره کردند.



نزدیک ظهر، [دکتر علی عبدالسلام تریکی و فاروق الشرع] وزرای امور خارجه لیبی و سوریه آمدند. با آنها درباره تشکیل جبهه علیه اسرائیل، مذاکره کردیم؛ جلسه خوبی بود.[۱]

ظهر، نمایندگان میاندوآب و شاهین‌دژ آمدند. از امام جمعه [حوزه انتخابی خودشان]، شکایت داشتند. چهار نفر از نمایندگان که از جبهه آمده بودند، گزارشی از وضع جبهه دادند. عصر، پرستاران از بهداری و ارتش آمدند. به مناسبت روز پرستار، مفصلاً برای آنها صحبت کردم.[۲]

در شورای مرکزی حزب [جمهوری اسلامی] شرکت کردم. بحث بر سر لایحه مالیات بود. بعد از جلسه، با رئیس جمهور دو ساعتی درباره جنگ و تقاضای مهلت فرماندهان و وضع حزب [جمهوری اسلامی] و کیفیت برخورد با دو گروه معارض [در حزب] و برگزاری کنگره دوم و در مورد دو وزیر پیشنهادی دفاع و برنامه‌وبودجه و مسئله نفت و دولت و... مذاکره کردیم.

دیر وقت به منزل آمدم. تلفنی با نخست وزیر ـ که دیشب از سفر برگشته‌اند ـ مذاکره کردم؛ از سفر راضی هستند.

۱- در این دیدار ایشان ضمن ابراز خرسندی از این ملاقات، از پیشرفتهای حاصل شده در مواضع قاطع کشورهای لیبی و سوریه در قبال مسائل منطقه و جنگ تحمیلی عراق علیه ایران تمجید کرد وگفت: "صداقت و رفاقت و عمق همکاریهای بین ایران و لیبی و سوریه آن چنان مستحکم است که تبلیغات امپریالیسم از این رفاقت رنج می‌برد و موجبات خشم نیروهای استکبار و صهیونیسم را فراهم آورده است."

۲- در این سخنرانی آمده است: "شما پرستارها که غرق در شغل خود هستید و دائماً با انسانهای بیمار وگرفتار سروکار دارید، شاید مسأله برایتان عادی شود و ارزش کار خود را نتوانید به خوبی احساس کنید. برای اینکه به ارزش و تقدس کارتان به خوبی پی ببرید، خود را به جای خانواده مریض و یا خود مریض قرار بدهید، آنگاه می‌فهمید که کار شما از بهترین کار هاست."

ایشان در ادامه با اشاره به نقش پرستارها در جبهه‌های جنگ گفت: "با این که مسئولیت چندانی برای پرستاران در جبهه‌ها وجود نداشت، اما در طول این چند سال، پرستارها نقش خود را در جبهه‌ها نشان دادند و بیمارستانهای ما راکه پر از مجروح جنگی بوده است، اداره کردند." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

دوشنبه ۸ بهمن ۱۳۶۳

در منزل بودم. پیش از ظهر، به زیارت امام رفتم.[1] خبر مهلت خواستن فرماندهان جنگ را گفتم؛ خوششان نیامد، ولی مخالفت هم نکردند. درباره وضع مالی دولت صحبت شد؛ فرمودند، فردی به ایشان نوشته [است که] دولت در یک ماه، بیست و هفت میلیارد دلار مصرف کرده، لذا کم آورده. گفتم که گزارش مغرضانه است؛ کل بودجه دلاری در یک سال، حدود بیست میلیارد دلار است و ذخیره [بودجه] در سال گذشته، در اوج خود، نزدیک به هفت میلیارد دلار بوده است.

می‌خواستم مبلغی به عنوان تأیید از ایشان، برای [بودجۀ] مترو [تهران] بگیرم که فراموش کردم و توسط آقای [محمدرضا] توسلی، پیام دادم. قرار شد امام در دهه فجر، دو ملاقات با ارتشی‌ها و با میهمانان خارجی و اعضای خبرگان داشته باشند.

۱- خبرگزاری رویتر درباره این ملاقات گزارش داد: "آیت‌الله روح الله خمینی رهبر انقلاب ایران در منزلش واقع در شمال تهران، با اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس و نماینده [امام] خمینی در شورای عالی دفاع، گفتگو کرد. این مذاکرات نه فقط جنگ را شامل می‌شده (که به گفته دیپلماتها، غیرعادی نیست) بلکه امور مالی دولت و مسایل نفتی را که به گفته دیپلماتها، معمولاً [آقای هاشمی] رفسنجانی در مورد آنها به آیت الله گزارش می‌دهد، نیز شامل می‌شده است. این ملاقات موجب این تصور شده که حملات عراق به نفتکش‌هایی که ترمینالهای نفتی ایران را مورد استفاده قرار می‌دهند و همچنین عدم اطمینان در بازار جهانی نفت ایران را با مشکلات فزاینده‌ای روبرو ساخته است. منابع بانکی در تهران گفتند که بانک مرکزی (ایران)، هفته گذشته محدودیتهای سخت‌تری در مورد واردات به مورد اجرا گذاشت. یک منبع گفت که واردات، محدود به مواد غذایی و تسلیحات خواهد شد". بخش فارسی رادیو اسرائیل نیز چنین گفت: "پیش از ظهر دیروز، چند ساعت پس از آغاز حمله جدید عراق، آیت‌الله خمینی، حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی را به حضور خواند تا درباره وضع جبهه‌ها به وی گزارش دهد. به گزارش رویتر در دیدار دیروز حجت‌الاسلام رفسنجانی درباره اوضاع مالی ایران و وضع فروش نفت نیز به آیت‌الله خمینی گزارش داد. با توجه به آنکه این نخستین بار است، نماینده آیت الله خمینی در شورای عالی دفاع در باره این نوع مسائل نیز به وی گزارش می‌دهد، در تهران شایع گردیده که در اثر کاهش صدور نفت، حکومت اسلامی ایران با مشکلات مالی گسترده‌ای روبرو شده است، زیرا از یک سو به علت ادامه حملات عراق علیه نفتکش‌ها از صدور نفت ایران به میزان زیادی کاسته شده و از سوی دیگر، بازار جهانی نفت همچنان راکد است و ایران باید نفت خود را بشکه‌ای ۲ دلار و ۵۰ سنت ارزانتر بفروشد تا افزایش هزینه بیمه را جبران کند. رویتر در دنباله گزارش می‌نویسد، بانک مرکزی ایران برای جبران کاهش درآمد ارز خارجی، محدودیتهای تازه‌ای در مورد واردات قائل شده و در حال حاضر واردات ایران عملاً به مواد خوراکی و اسلحه محدود می‌گردد."

آقای [محسن] رضائی، خبر داد که عراق به جزیره مجنون جنوبی، حمله کرده و یک سنگر را گرفته است و حدود ظهر، اطلاع داد که نیروهای ما، سنگر را پس گرفته‌اند.[۱] عراق خیلی روی همین حرکت شکست خورده، سرو صدا و غوغا راه انداخته. آقای خامنه‌ای اطلاع دادند که دیروز یک بارج ایران، در خلیج فارس موشک خورده.

سه شنبه ۹ بهمن ۱۳۶۳

هفت‌ونیم، به مجلس رسیدم. گزارشها را خواندم. عراقیها روی عملیات ناقص دیروز خودشان، خیلی مانور می‌دهند. از مسئولان در این مورد تحقیق کردم. گفتند چند نفری از ما اسیر شده‌اند و ظاهراً یک سنگر هم در جزیره [مجنون] جنوبی، به دست آنها افتاده است.[۲] آقای [محسن] نوربخش رئیس بانک مرکزی آمد. درباره استفاده از طلاهای پشتوانه برای جبران کمبود ارز، مشورت کرد.

در جلسه علنی، دو لایحه تصویب شد و [آقای سراج‌الدین کازرونی] وزیر مسکن [و شهرسازی] گزارش داد. ظهر، آقای [حائری] فومنی سفیر [ایران] در امارات برای مشورت آمد. آقای [محمد] اشرفی اصفهانی [نماینده باختران] آمد و از امام جمعه باختران گله داشت.

عصر، سفیر هند آمد؛ کار مهمی نداشت. آقای مسعود بارزانی [از کردستان عراق] آمد. از

۱- در منطقه عملیاتی جنوب، ارتش عراق با هدف برهم زدن آرایش نیروهای ایران در جزیره مجنون، اقدام به عملیاتی کرد که با عکس‌العمل شدید رزمندگان مواجه شد و ضمن دفع کامل حمله دشمن، تلفات و ضایعاتی به نیروهای عراقی وارد آمد.

۲- رادیو صدای آزاد ایران به نقل از روزنامه دی ولت چاپ آلمان گفت: "عراق بعد از دو سال برای نخستین بار، اقدام به حمله ۴۰ هزار نفری می‌کند که به اعتقاد کلیه کارشناسان نظامی و دیپلماتهای غربی مقیم کشورهای عربی خاورمیانه، بسیار پرتلفات بوده است. تفسیرهای مخابره شده به سراسر جهان، نشان می‌دهد عده بسیار زیادی از نیروهای آیت‌الله خمینی که در بامداد روز دوشنبه غافلگیر شده بودند، در اسارت نیروهای عراقی درآمده و مقدار زیادی سلاح و مهمات و همچنین تعداد بیشماری از خودروهای نظامی مستقر در مواضع نیروهای آیت‌الله خمینی، بدست سربازان عراقی افتاده است."

بخش فارسی رادیو بی.بی.سی نیز گفت: "ایران می‌گوید که حمله دوشنبه را دفع کرده است و دویست نفر عراقی را به هلاکت رسانده‌اند و [آقای] هاشمی رفسنجانی این حملات را فاقد هر نوع اهمیت نظامی توصیف کرد. او گفت که این نوع برخوردها هر روز در جبهه جنگ پیش می‌آید. در حال حاضر به نظر نمی‌رسد که یک رویارویی عمده و وسیع در حال آغاز شدن باشد."

مشکلات بارزانی‌ها گفت و کمک می‌خواست. معاونان سیاسی استانداران آمدند.[1] برای آنها مفصلاً صحبت کردم.

در جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی شرکت کردم. مقداری از ضوابط و روش گزینش دانشجو تصویب شد؛ قرار شد، کنکور یک مرحله‌ای باشد. درباره کمیته‌ها و کارهای اجرائی وابسته به ستاد انقلاب فرهنگی هم، بحث ناتمام ماند. دیر وقت به خانه آمدم. تلویزیون یک تئاتر پر سروصدا گذاشته بود؛ خشن و بی روح.

چهارشنبه ۱۰ بهمن ۱۳۶۳

صبح زود به مجلس رفتم و گزارشها را خواندم. با فرماندهان نظامی، صحبت کردم. معلوم شد [نیروهای عراقی] در جزیره مجنون یک سنگر از [نیروهای] ما با ۱۵ نفر اسیر گرفته‌اند. در کنفرانس سازمان اوپک، یک دلار قیمت نفت سبک را پایین آورده‌اند؛ شکست است.

آقای توکلی‌بینا آمد. از تصمیمات اخیر بنیاد مستضعفان در ارتباط با مؤسسه تولید مسکن، ناراضی بود. مصاحبه‌ای با صداوسیما درباره جشن دهه‌فجر داشتم.

آقایان محلاتی و ربانی [املشی] آمدند؛ برای استمهال یا بخشیدن وامی که بانک مرکزی به صندوق قرض‌الحسنه داده، و برای حل مشکل کمیته صنفی کمک خواستند.

آقای [سعید] رجائی خراسانی آمد. از تمایل آمریکا برای بازکردن راهی برای آشتی با ایران گفت و ایشان از سیاست ایران در قبال آمریکا نگران است. گفتم بنا نیست که روابط را [با آمریکا] تیره‌تر کنیم؛ ولی آنها باید از شرارت خودشان کم کنند.

ظهر، دو ملاقات با نمایندگان داشتم. هیأت اعزامی به کشورهای جنوب خلیج فارس آمدند و گزارش سفر دادند. عصر، هیأت رئیسه [مجلس شورای اسلامی] جلسه داشت.

۱- ایشان در این دیدار، گفت: "از آغاز پیروزی انقلاب تا امروز همه ما شاهد الطاف الهی و هدایتهای رهبری عزیزمان بوده‌ایم و دیدیم که چگونه ایشان با اتخاذ تدابیر مناسب مواضع سیاسی و اجتماعی را در جامعه تثبیت کرده‌اند و مواضع سیاسی متناقص با نظام اسلامی را منزوی و بی‌آبرو ساختند. این مقطع، مقطع مبارزه با موذی‌گریها و کارشکنی‌های شکست خوردگان و رانده شدگان از مردم است. همه ارگانهای مسئول، مخصوصاً وزارت کشور، مسئول مبارزه با این کارشکنیها و مزاحمت‌ها هستند." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

شب، مهمان نخست وزیر بودیم. گزارش سفرش را داد، و وضع ترکیه و کوبا و نیکاراگوئه را تشریح کرد. خبر دادند که آقای [محمد مهدی] ربانی املشی به دنبال یک سر درد شدید در بیمارستان، مورد آزمایش قرار گرفته است و غده‌ای در سر ایشان کشف شده و احتمال سرطان می‌رود. قرار شد [پزشکان در این مورد] مشورت کنند و اگر لازم شد برای معالجه به خارج اعزام شود. احمد آقا به دیدن ایشان رفت و آخر شب، اطباء ترجیح داده بودند که در تهران آزمایش و عمل جراحی شود. برای خواب، به مجلس رفتم.

پنجشنبه ۱۱ بهمن ۱۳۶۳

ساعت هفت صبح، آقای صیاد [شیرازی] آمد. راجع به تأخیر افتادن عملیات [در جبهه‌ها] معتقد است، مهلت لازم است. در جلسه علنی راجع به دهه‌فجر صحبت کوتاهی کردم.[۱]

به دکتر روحانی ـ که نماینده من در قرارگاه [فرماندهی] است ـ گفتم که بیشتر به آنجا برود و پیشرفت کارها را کنترل نماید. اداره جلسه را به آقای یزدی سپردم و به دفترم آمدم و کارها را انجام دادم.

برای عیادت آقای ربانی املشی ـ نایب رئیس [دوم] مجلس ـ به بیمارستان قلب [شهید رجایی] رفتم. ایشان را آماده انتقال به کلینیک تهران، برای آزمایش و عمل [جراحی] کرده بودند. غده‌ای در مغز ایشان روئیده که خطرناک است؛ حال خوبی نداشت. اظهار وحشت از جهنم می‌کرد و می‌خواست که همه، ایشان را حلال کنند. با ایشان در زمان طلبگی، عقد اخوت بسته‌ایم؛ متأثر شدم.

ظهر در دفترم، اخوی شهید هاشمی‌نژاد آمد؛ برای اصلاح حزب [جمهوری اسلامی] استمداد کرد.

۱ـ در این نطق آمده است: "امروز که شش سال از آن روزگار می‌گذرد، خودمان را غرق در نعمت‌الهی می‌بینیم و هر روز که می‌گذرد به آینده این انقلاب و آینده اسلام تابناک امیدوارتر می‌شویم، باز دستمان را به آسمان بلند می‌کنیم و از خدای بزرگ برای موفقیت انقلابمان و رزمندگان و برای سلامتی رهبرمان و برای موفقیت دنیای اسلام دعا می‌کنیم." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۳، جلد چهارم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.



حجت الاسلام و المسلمین محمد مهدی ربانی املشی

عصر، سرهنگ [مصطفی] ترابی آمد. از کمبودهای ارتش و عوامل نارضایتی و ضعف روحیه به خاطر کمبودهای مادی گفت. گروهی از همکاران آقای صیاد [شیرازی در نیروی زمینی ارتش] آمدند. از اختلاف با [سرهنگ سهرابی] رئیس ستاد [مشترک] جدید، گله داشتند و تأکید بر تسریع در انتخاب وزیر دفاع داشتند؛ تمایل به انتخاب سرهنگ صالحی دارند.

با آیت‌الله مشکینی، درباره اجلاس خبرگان، تلفنی صحبت شد. شب، در کنفرانس اندیشمندان اسلامی، شرکت و سخنرانی مبسوطی ایراد نمودم.[1] جواب سئوالات را دادم. گروه سرود اسیران عراقی، سرود جالبی اجرا کردند.

آخر شب، احوال آقای ربانی [املشی] را از بیمارستان گرفتم، گفتند برای عمل جراحی فردا، مشغول تراشیدن سر ایشانند. با آقای محسن رضائی در مورد عملیات صحبت کردم. ایشان از تأخیر تدارکات [عملیات]، ناراحت است. آقای رفیق‌دوست آمد. گزارش سفر سوریه را داد. قرار شده سوریها هم، چیزهائی به ما بدهند.

جمعه ۱۲ بهمن ۱۳۶۳

به آیت‌الله خامنه‌ای تلفن کردم که عقد معلول انقلابی را ببندند. ایشان گفتند که معمول ایشان، این است که عقدهای با مهریه کمتر از هفتاد هزار تومان را می‌بندند و چون مهر ایشان، سیصد هزار تومان بوده، دفتر او را نپذیرفته است. قرار شد، قبولش کنند. راجع به هجوم اخیر نیروهای عراقی در سومار هم صحبت کردیم؛ بنا شده افسر [سهل‌انگار] مسئول [در این جریان] را تنبیه کنند.

برای افتتاح مراسم دهه‌فجر،[2] به تالار وحدت رفتم. درباره مقایسه وضع بعد از انقلاب و قبل از

۱- در بخشی از این سخنرانی آمده است: "حرف ما این است که در جهان و تاریخ، هیچ راهی جز راه اسلام و هیچ نظامی جز نظام حکومتی اسلام، نمی‌تواند ناجی بشریت باشد و سعادت انسانها را تأمین کند و اگر به طور موقت نظامهائی در بخشهایی از جهان جای خود را باز کنند، حرکت آنها مقطعی خواهد بود. امروز در دنیا هیچ مکتبی را نمی‌یابیم که پایه‌های فکری آن متکی برفطرت انسانها و خالی از محدودیت‌های نژادی و فرهنگی خاص خود باشد." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۲- خبرگزاری رویتر از تهران گزارش داد: "دهه فجر؛ ایران روز جمعه برگزاری جشنهای ششمین سالگرد قیام انقلابی را که به

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

انقلاب سخنرانی کردم.[1] ظهر، به خانه آمدم و به مطالعه گزارشها پرداختم. دو سه روزی است که باران می‌بارد. امسال بارندگی خیلی خوب است.

عصر، آقای غرضی [وزیر نفت] آمد. گزارش جلسات اوپک را داد؛ عربستان سعودی و کویت، یک دلار نفت سبک را ارزان کرده‌اند. درباره مشکلات و مسائل نفت، مطالبی گفت. با پروژه لوله کشی [نفت و گاز] از طریق ترکیه، مخالف است. تأکید کردم که فروش نفت باید وضع مطمئنی به خود بگیرد.

شب، عفت در هتل لاله، در جمع مهمانان کنگره اندیشمندان، دعوت داشت. تلفنی احوال

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

حاکمیت رژیم ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی خاتمه بخشید آغاز کرد. در یک چنین روزی در شش سال قبل آیت‌الله روح الله خمینی پس از عزیمت به فرانسه ـ که در پی اقامت ۱۵ ساله در عراق صورت گرفت ـ به تهران بازگشت تا به هنگام ورود در فرودگاه اعلام کند که دولت ما بر فریاد امت و اراده الله استوار است.

همچنین [آیت‌الله] علی خامنه‌ای رئیس جمهوری ایران در خطبه نماز جمعه خود در برابر هزاران مسلمان گفت که این حادثه، نقطه تحول مهمی در تاریخ امت اسلامی است. وی همچنین افزود: "ما فکر می‌کنیم که این امر نقطه تحولی در تاریخ کشورهای جهان باشد، از سوی دیگر حجت‌الاسلام علی اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس پارلمان ایران در اجتماعی با حضور ۲۰۰ تن از علمای مسلمان از ۶۵ کشور جهان که برای شرکت در این مراسم دعوت گردیده‌اند، جشنهای این دهه را افتتاح کرد. این مراسم شامل برگزاری کنفرانس‌ها، سخنرانیها و بازدید از مراکز فنی ـ اقتصادی و دست آخر بازدیدهای نظامی در یازدهم فوریه (۲۲ بهمن) می‌باشد. در این حال همزمان با شروع این جشنواره به طور رسمی اعلام شد که مجلس خبرگان ـ که ۶۲ عضو دارد و برای تعیین جانشین آیت‌الله [خمینی] تشکیل گردیده است ـ روز یکشنبه آینده جلسه خواهد داشت.

۱- ایشان در این سخنرانی، با توجه به گذشت شش سال از ۱۲ بهمن ۱۳۵۷، به مقایسه دوران رژیم طاغوت و دوران جمهوری اسلامی ایران از بُعد مسائل اقتصادی، سیاسی، قضایی، نظامی، اداری، فرهنگی پرداخت.

آقای هاشمی رفسنجانی در بخشی از سخنانش در مورد مقایسه از بعد سیاسی اظهار داشت: "در آن روزها، حاکمیت واقعی و مطلق در دست آمریکا و رفقای آمریکا بود. گرچه حکومت در برابر ملت و مردم عربده می‌کشید، اما در مقابل آمریکا و قدرتهای بزرگ خاضع و ذلیل بود. همه امور مهم زیر نگین کارشناسان خارجی بود، در ارتش، در صنایع، در نیروهای سه گانه، در خرید ابزار نظامی و همه جا تصمیم‌گیری به عهده آنها بود." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.





هیات دولت و رئیس جمهور

آقای ربانی [املشی] را گرفتم. امروز عمل [جراحی] کرده‌اند. [ایشان] به هوش آمده‌اند و دکترها [از وضعیت او] راضی‌اند.

شنبه ۱۳ بهمن ۱۳۶۳

تا ساعت سه بعد از ظهر، در منزل بودم. شورای سرپرستی [صداوسیما] جلسه داشت. معمولاً جلسات شورای سرپرستی روزهای شنبه است که مجلس جلسه ندارد و در منزل من تشکیل می‌شود. درباره وظایف واحد ارزیابی و نظارت ـ که در کار خود دچار مشکل شده [است] ـ بحث شد. قرار شد [واحد ارزیابی و نظارت]، نظراتش را درباره فیلمها و سریال‌ها، قبل از پخش به شورا بدهد تا شورا تصمیم بگیرد.

عصر، به جلسه هیأت دولت برای بحث درباره وضع فروش نفت رفتم. با رئیس جمهور، جلسه کوتاهی درباره وزرای جدید و [مسایل مربوط به جبهه‌های] جنگ داشتیم. جلسه هیأت دولت، با حضور رؤسای سه قوه تشکیل شد و چهار ساعت به طول انجامید. درباره فروش نفت و تعیین اولویت‌ها در مصرف ارز مذاکره شد. اختیار فروش نفت، به یک کمیسیون پنج نفره و اختیار تعیین اولویت مصرف ارز به کمیسیون دیگر با قید آوردن پیشنهاد به هیأت دولت برای تصویب، داده شد.

شب به خانه آمدم. می‌خواستم به عیادت آقای ربانی [املشی] بروم. احمد آقا پیغام داد که بیمارستان امن نیست.

یکشنبه ۱۴ بهمن ۱۳۶۳

با اعضای [مجلس] خبرگان و ائمه جمعه سراسر کشور و مهمانان خارجی دهه‌فجر به زیارت امام رفتیم. امام مفصلاً صحبت کردند.[1]

۱- امام خمینی(ره) در این ملاقات فرمود: "آقایان (میهمانان خارجی) تکلیف شرعی دارند به اینکه، هر وقت در کشورهای خودشان در حضور جمعیت‌هائی که هستند مسائلی را آن طور که مشاهده کردند، منعکس کنند. ما توقعمان این است که این آقایان که آمده‌اند اینجا، این طور نباشد که یک اجتماعی باشد و یک صحبت‌هایی باشد و یک قطعنامه‌هایی باشد و تمام شد و

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

به مجلس رفتم. آخر وقت مجلس، مهمانان دهه‌فجر آمدند. برای آنها صحبت کردم.[۱] نماز جماعت خواندیم و بین دو نماز هم، صحبت شد.[۲] عصر [مجلس] خبرگان جلسه داشت. مطلب مهمی در دستور نداشتیم. شب در مجلس ماندم.

دوشنبه ۱۵ بهمن ۱۳۶۳

تا ساعت هشت [شب]، در دفترم کار کردم. در جلسه خبرگان، شرکت کردم. دو طرح ارائه و رد شد. سخنرانی‌های قبل از دستور داشتیم.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

رفت. شما (علما و روحانیون کشورهای اسلامی) اسلام را به مردم بگوئید. شما احکام اسلام را نروید سراغ فقط نماز و روزه. آنها را هم باید بگوئید. اما احکام اسلام که منحصر به اینها نیست. علمای اسلام ننشینند تا دشمن هجوم کند. این یک تکلیف شرعی است که مفاسد قدرتهای بزرگ را برای مسلمانان بگویند و آنها را بیدار کنند. کسی اگر بخواهد، درد خودش را شخصاً دوا کند، باید خصیصه خود بینی را از بین ببرد. باید ریاضت بکشد و خودش را بزرگ حساب نکند. نگوید من عالمم. نگوید من خودم مقدس هستم، چنانچه ملائکه می‌گفتند. نگوید من ثروتمندم و. ... در هر یک از این خصیصه شیطانی باشد، حجاب است." رجوع کنید ← کتاب "صحیفه نور، جلد یازدهم، ، سازمان فرهنگی انقلاب اسلامی.

۱- در این سخنرانی آمده است: "خلاصه حرف این است که امروز در زیر این آسمان و برپشت این خاک ما، فقط یک مجلس شورائی سراغ داریم که اعضای آن مؤظفند قوانین جاری کشور را براساس آئین مقدس اسلام و قرآن تدوین کنند و هر قانونی ولو جزئی با اسلام مخالفت داشته باشد، در این جمهوری اسلامی اعتباری ندارد و اصلاً ارزش عمل نخواهد داشت." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۲- در این نطق آمده است: "من امیدوارم روزی در پیش داشته باشیم که مجلس شورای اسلامی بین‌المللی برای همه جهان اسلام بوجود بیاید و نمایندگان مسلمانان همه جهان، زیر یک سقف برای مصالح جهان اسلام اقدام کنند. این چهره‌هایی که از نمایندگان مردم ایران ملاحظه می‌کنید، نمایندگان توده ملت و از قشر محروم و مستضعفَ جامعه هستند که به این امید به مجلس آمده‌اند تا امکانات خودشان را در اختیار محرومان این کشور و کل جهان برای آزادی قدس عزیز و نجات دنیای اسلام و محرومان که تحت سلطهٔ استکبار جهان و شرایط نامساعدی که حاکمیت قدرت‌ها تحمیل کرده است، قرار دهند و بتوانند خدمت کنند و این راه را یک وظیفه می‌دانند." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

ظهر، آقای آیت‌اللهی امام جمعه جهرم، برای دیدن و بحث درباره مسائل روز آمد. با دکتر جراح آقای ربانی [املشی] صحبت کردم. گفت غده خطرناک، سرطان تشخیص داده شده؛ خیلی متأثر شدم.

عصر هم، خبرگان جلسه داشت. تصویب شد که بودجه دولتی داشته باشیم؛ قبلاً اکثریت با گرفتن بودجه از دولت موافق نبود. تا ساعت هشت شب، در دفترم کار کردم. آقای رفیق‌دوست آمد. گزارش تدارکات جبهه را داد. شب، به عیادت آقای ربانی املشی رفتم. فکر می‌کند معالجه شده. نخست وزیر هم آمد. به خانه آمدم. فیلم «مرگ دیگری» را تماشا کردم؛ خیلی خوب نبود.

سه شنبه ۱۶ بهمن ۱۳۶۳

هفت‌ونیم صبح، به مجلس رسیدم. در جلسه علنی، چند دستور انجام شد. بعد از تنفس، به دفترم آمدم. با وزیر دارائی، برای گرفتن پنجاه میلیون تومان وام برای مجلس، مذاکره کردم.

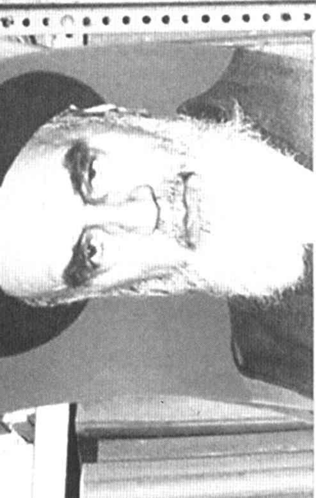
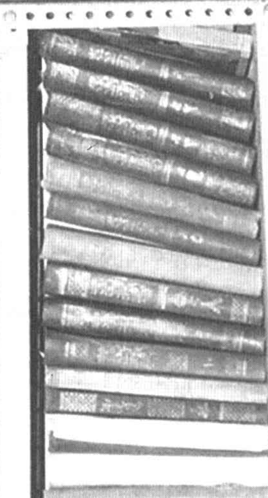
ظهر، آقای شیخ سعید شعبان، روحانی مبارز طرابلس [و رهبر حرکت توحید اسلامی] لبنان آمد؛ در مورد روابط با کشورهای اسلامی و اسرای عراقی و یک اسیر لبنانی مذاکره شد و دربارهٔ مسافرتش به مصر و [عربستان] سعودی مشورت کرد.

عصر، اعضای کمیسیون اصل نود آمدند. آقای [مرتضی] فهیم [کرمانی] از فشاری که پس از برخورد با قوه قضائیه بر او وارد می‌آید، و مخصوصاً به خاطر تهاجمی که از کرمان علیه او شده، شاکی است.

شب، جلسه شورای [عالی] انقلاب فرهنگی داشتیم. درباره روش گزینش دانشجو، تصمیم‌گیری شد. سپس جلسه‌ای با آقایان [واعظ] طبسی و خامنه‌ای داشتیم. درباره حزب [جمهوری اسلامی] و بنیاد تدوین تاریخ و چگونگی حفاظت از اجناس عتیقه‌ای مصادره‌ای، مذاکره کردیم.

چهارشنبه ۱۷ بهمن ۱۳۶۳

پیش از ظهر، احمد آقا آمد. درباره مسائل روز مذاکره شد؛ از جمله اظهار ناراحتی آیت‌الله منتظری از سخنان امام. گرچه همه [سخنان ایشان] پخش نشده و گفتند امام از عزل آقای [اسدالله] لاجوردی [دادستان انقلاب تهران] بی‌اطلاع بوده و راضی نیستند.



شب، با سران قوا مهمان حاج احمد آقا بودیم. امام هم در جلسه، شرکت کردند. حالشان خیلی خوب است. درباره جنگ و ارز و امور دیگر بحث شد، پس از رفتن امام، مقداری [از وقت]، به تماشای فیلم گذشت. دیر وقت به منزل آمدم.

پنجشنبه ۱۸ بهمن ۱۳۶۳

بعد از نماز صبح، به مجلس رفتم. دو سه دستور، عمل شد. قبل از دستور، درباره روز شهدا و مفقودان و اسراء در دهه‌فجر و روز نیروی هوائی، صحبت کوتاهی نمودم؛[۱] به خاطر عجله نمایندگان برای سفر آخر هفته دهه‌فجر، ساعت ده‌ونیم [صبح]، جلسه را ختم کردم.

در دفترم، آقای زواره‌ای آمد؛ مثل همیشه، از ضعف دولت گفت. ظهر، آقای ریاضی آمد. گزارشی از سفر آرژانتین و صورت اقلام اسلحه‌هائی را داد که برای فروش به ایران، توافق کرده بودند؛ قرار است [سلاحهای مورد نظر]، با نفت مبادله شود.

آقای کیاوش آمد. راجع به وزارت نفت، سپاه آبادان و مهاجران جنگی، مطالبی داشت. عصر، مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی با خبرنگاران داخلی و خارجی داشتم؛[۲] طولانی و جامع بود.

۱- در بخشی از این نطق آمده است: "ما به مناسبت این دو روز مقدس در تاریخمان، برای شهدای عزیزمان و برای مفقودان و اسرا و برای جانبازان عزیز و صبورمان از خداوند مقام عالی و صبر و تحمل خواستاریم و برای خانواده‌های مکرم شهدا و مفقودان، اسرا و جانبازان، اجر و صبر و از نیروی هوائی مقتدر جمهوری اسلامی، بسیار متشکریم، به خاطر آن حرکت جانانه‌ای که مثل فردا در روزهای حساس پیش از انقلاب، ابراز داشتند که کمر رژیم منفور پهلوی را شکستند و به خاطر حماسه‌هائی که در طول جنگ آفریدند و به خاطر شهامتی که در دفاع از فضای کشور از خودشان بروز می‌دهند، خداوند به همه رزمندگان و مجاهدان اسلام موفقیت و پیروزی عطا فرمائید." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۲- در این مصاحبه، سوالاتی در رابطه با حمله نهایی ایران در جنگ با عراق، سفر حافظ اسد به ایران، طرح صلح جدید فرانسه، عربستان و الجزایر و شایعه وجود اختلاف نظر در سطح مسئولین جمهوری اسلامی، بمباران شهرها و روستاهای کشور توسط عراق، سیاست خارجی ایران و... از سوی خبرنگاران داخلی و خارجی مطرح شد.

ایشان درباره نقش میانجیگری حافظ اسد در جنگ گفت: "اینکه آقای حافظ اسد بخواهند نقش میانجی داشته باشند،

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

گروهی از بچه‌های جهاد [سازندگی] بافت کرمان، برای ملاقات آمدند. شب، رؤسای دانشگاه‌ها آمدند. نیازها و مشکلات خود را مطرح کردند. ساعت نه شب به خانه آمدم. تا ساعت یازده برنامه‌های تلویزیون را تماشا می‌کردم.

جمعه ۱۹ بهمن ۱۳۶۳

در منزل مطالعه می‌کردم و کتابخانه‌ام را مرتب نمودم. پاسدارانم برنامه شرکت در مراسم نیروی هوائی فردا را گفتند. فیلمی هم به نام «میلاد» تماشا کردم؛ فکر می‌کنم غیرمذهبی‌ها ساخته‌اند؛ ولی خوب است.

احمد آقا، تلفنی خواست که [در تلویزیون] از صحنه‌های برخورد مردم با نیروهای دولتی زمان انقلاب، بیشتر گذاشته شود؛ [پخش این گونه برنامه‌ها از تلویزیون] ضررش این است که بعضی‌ها را ناراحت می‌کند.

شنبه ۲۰ بهمن ۱۳۶۳

به ستاد نیروی هوائی رفتم. در جلسه خانواده شهدا و پرسنل نیرو[ی هوایی] شرکت کردم. سرودها اجرا شد و من مفصلاً صحبت کردم.[1]

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

مفهومی ندارد، زیرا سوریها نیز، همچون ما در یک طرف قضیه جنگ با عراق قرار دارند." همچنین ایشان در مورد تأثیر کاهش بهای نفت بر روی مسائل سیاسی و اقتصاد منطقه گفت: "در دراز مدت کاهش بهای نفت، آثار خود را به صورت آگاهی و قیام مردم منطقه علیه دولتهای مرتجع نشان خواهد داد که این گونه ثروت مسلمین را به جیب استکبار جهانی می‌ریزند." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۱- در بخشی از این سخنرانی آمده است: "نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران، حَق دارد خود را بخشی از صاحبان این انقلاب بداند؛ زیرا حرکت این پرسنل هم در تداوم و هم در پیروزی انقلاب اسلامی بسیار مهم و مؤثر بوده است و تحقیقاً این حرکت شجاع نیروی هوایی، سرنوشت ساز بود. از نشانه‌های بارز حضور قدرت الهی در دنیا همین سرنوشت نیروی هوایی است که آمریکا و خانواده شاه، همه همتشان را به خرج دادند، یک نیروی خالص در خدمت خود داشته باشند و امروز نقطه عکسش با

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)


ملاقات با پرسنل نیروی هوایی ارتش

در منزل، بیشتر وقتم به مطالعه گذشت. [آقای بیژن نامدار زنگنه] وزیر جهاد [سازندگی]، از اینکه تعدادی از بولدوزرهایش را سپاه گرفته است، شکایت داشت. به آقای [محمد تقی] بانکی [رئیس سازمان برنامه و بودجه]، تلفنی گفتم که با پرداخت پنجاه میلیون تومان، برای پرداخت بدهی‌های امسال مجلس موافقت نماید.

عصر، آقای امیر عراقی آمد. راجع به نفت و وصیت پدر بزرگش مشورت کرد و گفت وضع فروش نفت، خوب است.

شب، با آقای [احمد] جنتی، درباره رأی جدید شورای نگهبان درباره داوری قرارداد ایران و ترکیه، صحبت کردم؛ گفته‌اند چون اطلاق اجازه رجوع به داوری، شامل رجوع به داور غیر مسلمان هم می‌شود، رأی لازم را برای تصویب نیاورده است؛ گفتم این خطرناک است، چون باعث خواهد

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

اراده خداوند پیش آمده که نیروی هوایی درست خار چشم آنها شده است و دست آنها را می‌شکنند." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

شد که ما نتوانیم با هیچ کشور غیر مسلمانی، قرارداد ببندیم. زیرا آنها نمی‌پذیرند که به داور مسلمان رجوع شود؛ داوری مرضی‌الطرفین را قبول دارند. قرار شد از امام کسب تکلیف کنیم. اشکال را با احمد آقا هم در میان گذاشتم.

یکشنبه ۲۱ بهمن ۱۳۶۳

تمام امروز، در منزل بودم. مجلس تعطیل است. بیشتر وقتم به مطالعه گذشت. پیش از ظهر، آقای [سیدمحمد] موسوی خوئینی‌ها آمد؛ راجع به کار تحریر زندگی‌نامه ائمه مذاکره کردیم. پیش از انقلاب با ایشان و جمعی دیگر، برای نوشتن تاریخی کامل و جامع برای ائمه، همکاری می‌کردیم که سالها متوقف مانده است. اخیراً دفتر تبلیغات [اسلامی] قم، با استفاده از طرح و یادداشت‌ها، کار را ادامه می‌دهند و از من خواسته‌اند که مثل گذشته، هدایت کنم؛ درباره کار "کلید قرآن" و مسائل جاری هم صحبت کردیم.

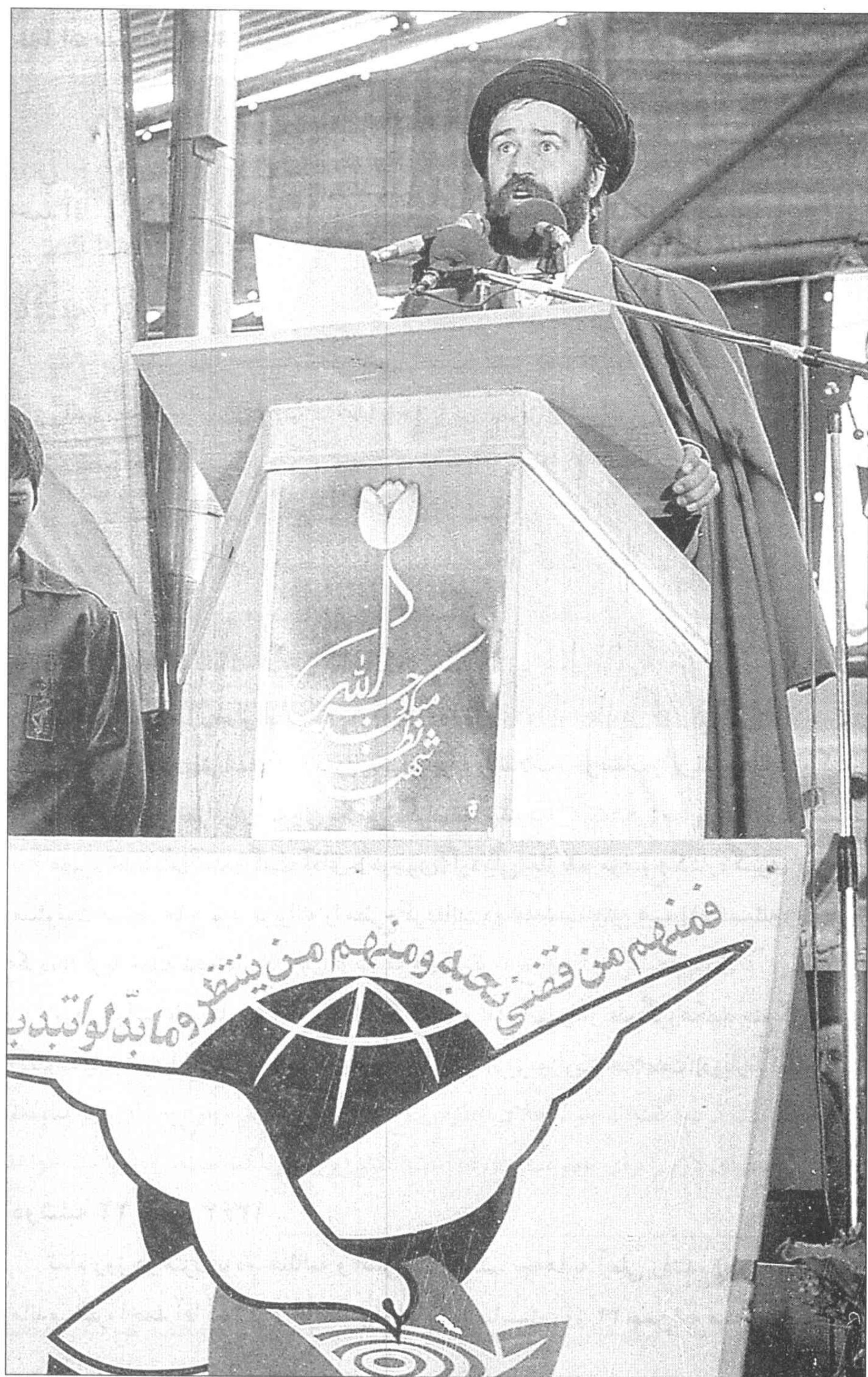
احمد آقا اطلاع داد که شورای نگهبان در خصوص ایرادشان نسبت به ارجاع به داوری، از طریق آقای [هاشم] رسولی [محلاتی] با امام تماس گرفته‌اند. امام فرموده اگر می‌خواهید این چنین برخورد کنید، بهتر است که دستور بدهید، ایران و انقلاب، خودشان را از تمام دنیا قطع کنند؛ به نظر می‌رسد این نظر برای شورای نگهبان، گران تمام شود.

عصر، احمد آقا آمد و گفت آقای [موسوی] اردبیلی، باز هم موضوع کناره گیری و تقبل مسئولیت مسجد حاج سید عزیزالله را مطرح کرده‌اند. دو سه شب پیش هم، [این مسئله را] مطرح کردند؛ گویا خسته شده‌اند.

امروز هیأت عفو امام، با امام ملاقات کرده‌اند و امام آنها را از عفو گروهکها، منع کرده‌اند و گفته‌اند باید خود امام، قبل از امضای لیست عفو، از طریق وزارت اطلاعات [دربارهٔ آنها] تحقیق نمایند.

دوشنبه ۲۲ بهمن ۱۳۶۳

تمام روز در منزل بودم. مطالعه و استراحت داشتم. بچه‌ها به آبعلی رفتند، [در منزل] تنها ماندم. ظهر، احمد آقا آمد. برای قرائت پیام امام [به مناسبت روز ۲۲ بهمن] به میدان آزادی رفته



حجت الاسلام و المسلمین حاج سید احمد خمینی در حال قرائت پیام امام



بود.[1] از کثرت جمعیت [شرکت کننده در] راهپیمایی [۲۲ بهمن] تعجب کرده بود. اصرار داشت که با هلی‌کوپتر [از حضور مردم در راهپیمایی]، فیلم گرفته شود.

تلفنی با صداوسیما صحبت کردم. معلوم شد که ارتش به خاطر مسائل امنیتی، مانع پرواز برفراز جایگاه است. با ارتش صحبت کردم، قرار شد اجازه داده شود.

ناهار را از دفتر امام آوردند. شب، بیشتر وقتم را به تماشای برنامه‌های تلویزیون گذراندم. از حال آقای ربانی [املشی] سوال کردم؛ فتح‌الله ـ فرزندشان ـ گفت کمی درد دارد و خیلی اظهار دلتنگی می‌کند.

سه شنبه ۲۳ بهمن ۱۳۶۳

صبح زود، به دفتر آقای خامنه‌ای رفتم. اشتباهی خیال می‌کردم که شورای عـالی انـقلاب فرهنگی جلسه دارد. معلوم شد که جلسه در وقت دیگری است؛ در عوض راجع به حزب و کنگره دوم و دو وزیر جدید و راهپیمائی دیروز و جنگ و... مذاکره کردیم.

آقای [حسین] محلوجی به دفترم آمد. راجع به کارهای اداری مجلس مذاکـره شـد. برنامه هفتگی را تنظیم کردیم.

تا ساعت پنج [بعد از ظهر]، در دفترم بودم. سپس به جلسه شورای عالی [انقلاب] فرهنگی رفتم. درباره سهمیه دانشجوی نهادها بحث شد و اهداف شورا و [انتخاب] رئیس دانشکده علم و

۱- امام خمینی(ره) در این پیام، هفت موضوع را مورد توجه قرار داده بودند: ۱- جنگ مسأله اصلی. ۲- رهنمودهایی به قوای سه گانه. ۳- تذکراتی در مورد قوه قضائیه. ۴- مسئولیت مهم قوه مجریه. ۵- لزوم یکپارچگی و وحدت دولتمردان. ۶- ضرورت رسیدگی بیشتر به محرومان جامعه. ۷- رسالت مهم رسانه‌های ارتباط جمعی.

در بخشی از این پیام آمده است: "مسئولین، صاحبان اصلی انقلاب را با بهانه‌های بی‌اساس پس نزنند تا به جای آنان کسانی را که وارثان رژیم گذشته و وابستگان فکری به آن هستند، جایگزین کنند. قوای محترم سه گانه که حکومت اسلام و رژیم جمهوری اسلامی هستند، مورد توجه همگان باید باشند و هر یک را وظایفی اسلامی است. امروز جنگ اصلی‌ترین مسأله کشور است. امروز اسلام در مقابل تمامی کفر است. باید شور و شوق دفاع از میهن اسلامی و اسلام را در تمامی قلبها زنده نگهداشت. دولتمردان خدای نخواسته در سیاست بازیهای گروهی وارد نشوند که با ناکامی مواجه می‌شوند. کشاندن امور به سوی مالکیت دولت و کنار گذاشتن ملت، بیماری مهلکی است که باید از آن احتراز شود."

صنعت، تصمیم‌گیری شد. شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز، جلسه داشت. درباره جلسات روحانیت مبارز در ایام دهه‌فجر، بحث بود. عده‌ای از جلسه مدرسه شهید مطهری انتقاد داشتند. دیر وقت، به خانه آمدم.

چهارشنبه ۲۴ بهمن ۱۳۶۳

صبح زود، به مجلس رفتم. در جلسه علنی، پیش از دستور، درباره پیام امام [به مناسبت ۲۲ بهمن] و حضور مردم در صحنه، صحبت کوتاهی کردم.[1] بعد از تنفس به دفترم آمدم و کارها را انجام دادم. اطلاع رسید که یک کشتی حامل نفت، در جنوب خارک، موشک خورده است. عصر، هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت.

شب، جلسه سران قوا، در دفتر رئیس جمهور بود. وزیر کشور، گزارشی از وضع فسادهای ضداخلاقی و راه‌های پیشنهادی مبارزه را داد. درباره نهضت آزادی هم بحث شد و درباره اسرای عراقی و وزرای جدید برای وزارت دفاع و برنامه و بودجه بحث شد، که به جائی نرسید. شب برای خواب، به مجلس رفتم.

پنجشنبه ۲۵ بهمن ۱۳۶۳

تا ساعت هشت، در دفترم کار کردم. آقای امراللهی آمد؛ برای بودجه بیشتر برای سازمان انرژی اتمی کمک می‌خواست.

بعد از تنفس به دفترم آمدم. آقای روحانی آمد. گزارش وضع جبهه‌ها و تدارک مقدمات عملیات را داد و از پیشرفت کار اظهار رضایت نمود.

آقای رفیق‌دوست هم اطلاع داد مأموران موشکی لیبی، قرار است امروز وارد شوند. ظهر،

۱- در این نطق آمده است: "در پیام امام امت، جمع‌بندی وضع انقلاب و کشور، تحلیل شرایط جاری و حاکم بر دنیا و کشور، انتقادهای سازنده، حکیمانه و پدرانه، راهنمایی‌های بسیار مفید و مؤثر که همگی از قلبی رئوف و حکیم سرچشمه گرفته بود، می‌تواند برای ما منشاء تحول باشد. ما امیدواریم که همه ارگانهای مربوط وظایف خودشان را و نواقص خودشان را در بیانات حکیمانه امام بفهمند، دقت کنند و اجرا کنند." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

اعضای کمیسیون کشاورزی آمدند و از وزارت کشاورزی و وجود فساد در خرید و مصرف گوشت و کود و سم و.... گله داشتند و قرار شد برای رسیدگی حکمی بدهم.

جمعی از اعضای حزب [جمهوری اسلامی] شیرگاه آمدند. از روحانی محل شاکی بودند.

عصر، اعضای کمیته‌های انقلاب [اسلامی] آمدند. برای آنها مفصلاً صحبت کردم.[1] عده‌ای از دندان پزشکان همراه رئیس دانشکده دندانپزشکی [دانشگاه تهران] آمدند؛ از تصویب طرح [قانون تعیین وضع شغلی دندانسازان تجربی] رسمیت دادن به دندانسازان تجربی که در شور اول تصویب شده است و آن را ضدعلم می‌دانستند، شاکی بودند. با آنها بحث کردم.

[آقای حسین نیلی] وزیر معادن و فلزات و معاونانش آمدند. گزارشی از وضع معادن دادند و کمک و حمایت سیاسی می‌خواستند. تا ساعت هشت شب، در دفترم کار کردم و دیر وقت به خانه آمدم. اطلاع دادند که عراق یک کشتی حامل نفت سفید [ایران] را نزدیک بوشهر زده است.

جمعه ۲۶ بهمن ۱۳۶۳

تا ساعت ده‌ونیم، در منزل مطالعه می‌کردم. برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه تهران رفتم. عفت و مهدی و یاسر هم [برای شرکت در نماز جمعه] آمدند. در خطبه دوم، روی حضور وسیع مردم در تظاهرات ۲۲ بهمن، تحلیل ارائه کردم.[2]

۱- در این سخنرانی با اشاره به بازتاب انقلاب اسلامی در خارج از کشور به ویژه در کشورهای اسلامی گفت: "ما پیشتاز یک حرکت اسلامی جهانی هستیم و براین عقیده‌ایم تا زمانی که مسلمانان در اقصی نقاط جهان، تحت ستم و سلطه کشورهای چپاولگر هستند، حرکت اسلامی ما باید ادامه داشته باشد، تا حکومت واحد جهانی اسلام، بردنیا حاکم شود؛ البته معنی حرف ما این نیست که به سراسر جهان لشکرکشی کنیم و بجنگیم، بلکه ما باید ایران را به عنوان پایگاه حرکت اسلامی و پشتیبان حرکات اسلامی حفظ کنیم." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم." دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۲- در خطبه اول نماز جمعه، بحث دربارهٔ عدالت اجتماعی در برخورد با نژادها و تهاجم فرهنگی نژاد سفید به سایر نژادها و اهداف نژاد سفید از این غارت‌ها ادامه یافت. در خطبه دوم نیز، ضمن اشاره به مناسبتهای مختلف هفته و یادآوری حضور کم سابقه مردم در مراسم ۲۲ بهمن، مسأله سالروز قیام مردم آذربایجان، مراسم دهه فجر، به تشریح پیام مهم امام خمینی(ره)، به

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

عصر، آقای سرهنگ [محمد] سلیمی آمد؛ درباره مسائل انجمن حجتیه، بحث شد و بنا به نظر امام، اگر به طور رسمی و صریح، انحلال انجمن اعلان بنمایند، امکان دفاع از افراد فراهم می‌شود.

رضاهاشمیان با خانواده‌اش آمدند. گزارشی از کنگره تایلند در مورد محیط زیست داد و از فساد اخلاقی ایرانیان توریست به تایلند، شکایت داشت.

شنبه ۲۷ بهمن ۱۳۶۳

در منزل بودم. شورای سرپرستی [صدا و سیما] جلسه داشت. دکتر ولایتی، برای اصلاح آئین‌نامه نقل اخبار مهمانان [خارجی] آمده بود. قرار شد اصلاح شود. درباره کیفیت انجام نظارت واحد نظارت شورا صحبت شد. اختلافات تا حدودی حل شد. درباره تأمین نظر امام درخصوص نواقص خبر صداوسیما صحبت شد.

قرار شد رسماً از امام نظرشان را بخواهیم. احمد آقا هم [در این جلسه] شرکت داشت. معلوم شد، نظرشان بیشتر متوجه نقل اخبار ملاقات‌ها و اخبار تشریفاتی بوده. اصلاح آن، مشکل سیاسی دارد و نیاز به پشتوانه نظر امام دارد.

آقای توکلی بینا تلفن کرد و اظهار داشت با سخت‌گیریهای آقای [طهماسب] مظاهری، نمی‌تواند با بنیاد [مستضعفان] همکاری کند؛ پیشنهاد کناره گیری دارد.

یکشنبه ۲۸ بهمن ۱۳۶۳

درگزارشها مطلب مهمی نبود. جلسه علنی را به آقای یزدی سپردم. به جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی رفتم. گروه‌های برنامه‌ریزی ستاد، در شور بود. دو سه ساعت درباره آنان بحث

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب پرداخته شد.

در بخشی از خطبه دوم آمده است: "شرکت مردم در مراسم ۲۲ بهمن، کل تحلیل‌های چند ماهه دشمنان را باطل و رگهای امید آنها را قطع کرد. امام قبل از آمدن مردم به صحنه، گفتند که مردم حضور دارند و به انقلاب علاقه دارند؛ این اظهار نظر امام امت، قبل از آمدن مردم به صحنه، نشان درکی فوق درک دیگران است." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های نماز جمعه، سال ۱۳۶۳، جلد هفتم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۷۵.

شد.

قرار شد از لحاظ سازمانی با وزارت فرهنگ و آموزش عالی مربوط باشند، ولی یک شورای عالی برنامه‌ریزی با انتخاب شورای [عالی] انقلاب فرهنگی آنها را اداره و مصوبات آنها را تأیید کنه و برای تصویب به شورا بیاورد؛ حدود سیصد نفر هستند. درگذشته برنامه‌ریزی‌ها توسط هیأت علمی دانشگاه‌ها انجام می‌شده است و در دوران بعد از انقلاب ستاد انقلاب فرهنگی، خودشان [برنامه ریزی را] به عهده گرفته بودند و امروز تعدیل شد؛ وزارت با آن وضع مخالف بود.

ظهر، در دفترم آقایان [محمد] خزاعی و [میرعباس] صفوی نمایندگان رشت و فومن آمدند. جریان برخورد حزب‌الله رشت با آقای احسانبخش [امام جمعه رشت]، در روز ۲۲ بهمن را گفتند؛ قبلاً هم اعضای جهاد [سازندگی]، تلفنی شاکی بودند.

عصر، آقای روحانی آمد. درباره عملیات آینده مذاکره کردیم و نظراتم را گفتم که برای قرارگاه ببرد. به بهداری مجلس رفتم؛ برای عکس گرفتن از دستم که مدتی است درد دارد. دکتر جزایری دستگاه عکسبرداری را از [بیمارستان] فیروزگر آورده بود. تا ساعت هشت شب، در دفترم کار کردم.

تلفنی، با رئیس جمهور، درباره خرید [هواپیماهای] اف ـ ۴ صحبت کردیم. با نخست وزیر هم، درباره اولویت دادن به کارکنان کارخانه‌ها در فروش کارخانه‌های دولتی و تأمین کسری‌های بودجه سال گذشته مذاکره شد.

شب، برای دیدن آقای ربانی [املشی] به منزلشان رفتم. دیروز از بیمارستان به منزل آمده است؛ حالشان خوب نیست. به منزل آمدم. خانواده شهید علم‌الهدی، مهمان عفت بودند. درباره کاروان زینب، توضیحاتی دادند.

دوشنبه ۲۹ بهمن ۱۳۶۳

در منزل بودم. پیش از ظهر، دکتر علفی تبریزی برای معاینه عفت و دوستانش آمد؛ من را هم معاینه کرد. قرار شد شربتی برای معده‌ام بدهد؛ مدعی اطلاعات وسیع در آثار گیاهان است و اجازه کار گرفته.



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره ۴۴۲۸۸۴/۱۱/۵-۰ م

تاریخ ۶۲/۷/۳

پیوست ندارد

بسمه تعالی

جناب آقای محسن رضایی

بنظر می‌رسد این طرح که سپاه را از [illegible] نجات دهد [illegible]

هم قرارگاه‌ها باید در سراسر جبهه سپاه را استقرار

و ارگانها را. در صورتیکه مشکلی یا سؤالی پیش آید

با حضور شخص طراح رفع شود.

[illegible]

پاسخ به نامه فرمانده سپاه پاسداران

عصر، شورای سرپرستی صداوسیما، جلسه داشت. درباره انجام اصلاحات در [نقل] اخبار، به دنبال انتقاد امام و گرفتن نظرات ایشان بحث و تصمیم‌گیری شد.

رئیس جمهور، تلفنی اطلاع دادند که یک کشتی حامل نفت اعراب در خلیج فارس، زده شده.

آقای سید محمد هاشمی، اطلاع داد که امام نظر داده‌اند که ائمه جمعه نباید عضو حزب باشند؛ اگر [این خبر] درست باشد، ضربه بزرگی به حزب [جمهوری اسلامی] وارد می‌شود.

سه شنبه ۳۰ بهمن ۱۳۶۳

ساعت هفت‌ونیم به مجلس رفتم. ساعت هشت‌وچهل‌وپنج دقیقه، جلسه علنی آغاز شد. بودجه [سال ۱۳۶۴] کل کشور در دستور است.

ظهر، [هادی یعقوبی] نماینده تربت حیدریه آمد و از نیازهای قرارگاه ثامن‌الائمه و احتمال خطر [حمله] از جانب افغانستان گفت.

عصر، آقای بهزادنبوی آمد. از کم شدن بودجه [وزارت صنایع سنگین] در کمیسیون و جوسازی‌ها علیه قرارداد لوله نفت و گاز از طریق ترکیه به اروپا، گله داشت. راجع به سفر به ژاپن که در آینده نزدیک خواهد رفت، مشورت کرد. گروهی از دندانپزشکان آمدند. درباره طرح و اجازه کار به دندانسازان تجربی، اعتراض داشتند.

در جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی شرکت کردم. درباره آئین‌نامه سهمیه نهادها و شورای برنامه‌ریزی بحث شد. به خانه آمدم. آقایان رفیق‌دوست و دکتر روحانی از پیشرفت کار و مقدمات عملیات راضی بودند و رفیق دوست برای مخارج جنگ پول خواست.

اسفند ۱۳۶۳



چهارشنبه ۱ اسفند ۱۳۶۳ ۲۹ جمادی الاول ۱۴۰۵ 20 FEBRUARY 1985

صبح زود به مجلس رفتم. در جلسه علنی، لایحه بودجه مطرح بود. ظهر، در دفترم طبق معمول چند ملاقات داشتم. عصر، هیأت رئیسه جلسه داشت.

شب، سران قوا، مهمان رئیس جمهور بودند؛ ولیمه [تولد] دخترشان «هُدی» را دادند. درباره اسرای عراقی، نهضت آزادی، توزیع و صادرات بحث کردیم. برای خواب، به مجلس رفتم. از حال آقای ربانی [املشی] جویا شدم. به بیمارستان منتقل شده؛ حالشان خوب نیست.

پنجشنبه ۲ اسفند ۱۳۶۳

بعد از نماز و کمی ورزش و صبحانه و دیدن گزارشها، به جلسه علنی رفتم. بحث در کلیات بودجه بود. بعد از تنفس، به دفترم آمدم.

ظهر، آقای [حسن] جعفری، نماینده شهر بابک آمد. از مخالفتهای حزب [جمهوری اسلامی] و طرفداران امام جمعه مرحوم شهر با ایشان، گله داشت. آقایان [اسدالله] بادامچیان و [محمدرضا] باهنر آمدند و با بودجه دولت مخالفت داشتند. خواهان تشکیل جلسات سرّی مجلس، برای گفتن نظراتشان شدند.

عصر، آقای علامه سیدفضل‌الله از علمای لبنان آمد و اوضاع لبنان را گفت. تشکیل حکومت اسلامی در لبنان را در این نزدیکی‌ها بعید می‌داند، ولی به قدرت رسیدن مسلمانان را [در لبنان] بعید نمی‌داند.

آقای چهپور [مدیر عامل شرکت اتوبوسرانی] آمد. گزارشی از شرکت واحد داد و بودجه بیشتر می‌خواست. اتحادیه حلوا سازان اهل جاسب، همراه با آقای جاسبی آمدند. پول برای کمک به جبهه‌ها و دانشگاه آزاد اسلامی آوردند و برای گرفتن اجازهٔ ورود کنجد برای حلوا سازی کمک خواستند.

تا ساعت ۸ در دفترم کار کردم به خانه آمدم. با [آقای محمد نبی حبیبی] شهردار تهران، تلفنی درباره مترو صحبت کردم که احساس پشتگرمی کند.

جمعه ۳ اسفند ۱۳۶۳

تمام روز را در منزل بودم. نماز جمعه را آقای امامی کاشانی اقامه کردند. عصر، بستگان برای



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره ه ۰۲/۱۴۰۱۱/۶۰۰

تاریخ ۶۹/۱۲/۲۴

پیوست

بسمه تعالی

دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

کتابهای ارسالی آن دفتر محترم دریافت شد.

خدمات ارزنده آن نهاد محترم در نشر معارف عالی اسلامی در خور تقدیر و تشکر است. خداوند به شما و سایر ناشران آثار و افکار سازنده توفیق بیشتر و به ما توفیق قدرشناسی عنایت فرماید. و در خاتمه امید داریم بیش از پیش به تصحیح و نشر متون اسلامی که در قرون گذشته غریب و متروک مانده بپردازید.

رئیس مجلس شورای اسلامی

اکبر هاشمی

نامه به دفتر انتشارات اسلامی حوزه علمیه قم

عقد ازدواج حمید محی‌الدینی ـ فرزند همشیره‌زاده‌ام ـ آمدند.

شنبه ۴ اسفند ۱۳۶۳

در گزارشها، تشدید خشونت اسرائیل در جنوب لبنان، به انتقام ضربات مجاهدان اسلامی، مسئله مهم روز است؛ همچنین گزارش سازمان ملل درباره اسرای ایران و عراق که بیشتر عراق محکوم شده و رسانه‌های خبری، ایران و عراق را در کنار هم می‌گذارد؛ گرچه گزارش سازمان ملل هم مغرضانه تهیه شده و ما را متهم به فشار ایدئولوژیکی علیه عراقی کرده است و درباره آنها، خشونت جسمی و شکنجه را [علیه اسرای ایرانی] گفته است.

[در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی] بحث درکلیات [لایحه قانون] بودجه [سال ۱۳۶۴ کل کشور] بود. ظهر، دو ملاقات داشتم. عصر و شب، در دفترم ماندم. حاجیه والده که از نوق [رفسنجان] به تهران آمده‌اند، احوالشان را پرسیدم.

یکشنبه ۵ اسفند ۱۳۶۳

تا ساعت هفت‌ونیم، مطالعه کردم. در جلسه علنی مجلس، بحث کلیات بودجه داشتیم. وزرا، از بودجه خودشان دفاع می‌کردند؛ کمیسیون [برنامه و بودجه]، حدود دویست میلیارد ریال از بودجه پیشنهادی دولت را کم کرده و منابع درآمد را تغییر داده است. اختلاف شدیدی بین دولت و کمیسیون برنامه و بودجه بود. کلیات بودجه تصویب شد.

ظهر، دکتر جزایری آمد؛ برای معاینه دستم، دکتر متخصص آورده بود. به نظرشان کسالت سطحی نیست؛ باید به فکر معالجه بود.

آقای روحانی آمد. گزارش پیشرفت کار جبهه‌ها را داد. باز هم چند روزی [عملیات را] عقب خواهند انداخت. مسئولان روابط عمومی نهادها و ارگانهای دولتی ـ که سمینار دارند ـ آمدند؛ برایشان صحبت کردم.[1] آقای [محمدرضا] رحیمی نماینده قروه آمد. گزارشی از پیشرفت کار

۱- در این سخنرانی آمده است: "از وظایف روابط عمومی‌ها، این است که آن حقایقی را که در ادارهٔ متبوع آنها می‌گذرد، منعکس کنند که ملت بفهمند، انقلابشان برای آنها چه چیزی آورده است. من احساس می‌کنم که دشمن، امروز بیشتر روی جنگ

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

تعقیب فسادهای مالی در خریدهای دولتی را داد. در جلسه حزب [جمهوری اسلامی] شرکت کردم. بیشتر بحث بر سر دستور امام مبنی بر منع عضویت ائمه جمعه در حزب بود. قرار شد آقای خامنه‌ای [دبیرکل حزب]، فردا با امام ملاقات کنند و در این خصوص بحث نمایند. من هم در جلسه، از یک بعدی شدن حزب انتقاد کردم. قرار شد در دستورکار و بحث قرار گیرد.

دوشنبه ۶ اسفند ۱۳۶۳

بحث درباره تبصره‌های بودجه [سال ۱۳۶۴] در جلسات علنی شروع شد. ظهر، به دفتر رئیس جمهور برای ملاقات فرماندهان نظامی رفتم؛ فرماندهانی که قرار است در عملیات آینده شرکت کنند، به مشهد رفته بودند و امروز هم به زیارت امام رفتند.[1]

پس از نماز جماعت، آیت‌الله خامنه‌ای و من، با آنها صحبت کردیم و ناهار را با آنها خوردیم. سپس جلسه خصوصی، با آقایان صیاد و محسن رضائی و رفیق‌دوست داشتیم. درباره زمان شروع

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

تبلیغاتی حساب می‌کند؛ اما یک زیرکی می‌خواهد که این انتقاد، دل مردم را خالی نکند و سیاست دشمن را اجرا ننماید. لذا من هشدار می‌دهم به ملت‌مان، به کسانی که به مسائل انقلاب و دولت و جریانات خدمتگزار مملکت، بی‌مهابا می‌تازند، اگر اطمینان به آنها ندارند، با شک به آنها نگاه کنند. روابط عمومی‌ها وظیفه‌شان این است آن حقایقی را که در اداره متبوع آنها می‌گذرد، منعکس بکنند. آن نقاط قوتی که در اداره هست، اخبار صحیحی که در آنجا اتفاق می‌افتد و آن چیزی که برای ملت خوراک می‌شود که ملت بفهمند که انقلابشان چه برایشان آورده است، اینها را منعکس کنند." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۱- در این دیدار امام خمینی(ره) فرمودند: "پیروزی ما با دست خالی بدست آمد و بحمدالله تا بدینجا رسیده‌ایم که امروز مورد توجه تمام قدرتهای بزرگ هستیم و تمام قدرتها در این فکرند که با این انقلاب چگونه برخورد کنند. مطمئن باشید از قدرتها کاری ساخته نیست. شما جنود خدا هستید و پیروزید. ما دفاع از حق تعالی و اسلام می‌کنیم و حق تعالی و اسلام شکست خوردنی نیست. مراکز شما، مراکز عبادت است و همان طور که اشخاص حول کعبه می‌گردند و عبادت می‌کنند، شما هم در سنگرهایتان عبادت می‌کنید. پشتوانه شما الهی است. باید این پشتوانه را حفظ کنید و وقتی ما چنین تکیه گاهی داریم، از هیچ چیز نمی‌ترسیم." رجوع کنید ← کتاب "صحیفه نور، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، جلد هفتم.



جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی
دفتر رئیس

شماره [illegible]۵/۲۵
تاریخ ۲۷/[illegible]
پیوست

بسمه تعالی

شورای محترم نگهبان

با توجه نخست وزیر از مجلس شورای اسلامی تقاضای رأی اعتماد درباره کابینه کرده است

اینگونه رأی‌گیری در مجلس شورای اسلامی سابقه ندارد و در آیین‌نامه روشن نشده و در رابطه با اصول مربوطه قانون اساسی شبهه وجود دارد

لطفاً در اسرع وقت جواب سئوالات زیر را در تفسیر اصول مربوطه بفرمائید

~~[illegible]~~

[illegible]

دستخط نامه به شورای نگهبان



حمله، مذاکره شد؛ به نتایج خوبی رسیدیم و موارد مهمی بود که رفع ابهام شد. آنها به جبهه رفتند.

ساعت سه ونیم بعداز ظهر، جلسه مشترک هیأت دولت و رؤسـای کـمیسیونهای مـجلس را داشتیم. سه ساعت طول کشید. درباره بسیج امکانات برای جنگ، بحث شد و نیمه تمام ماند. قرار شد در جلسه آینده که وضع جنگ روشن‌تر خواهد بود، دربارۀ آن تصمیم‌گیری شود. درباره تأمین کسری‌های بودجه سال جاری هم مشورت شد. قرار شد، تبصره‌ای به تبصره‌های بودجه پیشنهادی به مجلس اضافه شود.

شب به دفترم رفتم. کارهای اداری را انجام دادم. آقای روحانی آمد. درباره مسائل عملیات آینده مذاکره کردیم.

آقای خامنه‌ای، نتیجه ملاقاتشان با امام را گفتند؛ بی‌نتیجه است. امام همان موضع قبلی را با حزب [جمهوری اسلامی] داشته‌اند.

سه شنبه ۷ اسفند ۱۳۶۳

در دفترم به انجام کارهای عقب افتاده پرداختم. خبر مهمی در گزارشها نداشتیم. جلسه علنی مجلس، در مورد پیشنهادات تبصره دو گذشت؛ خیلی طول می‌کشد. ظهر، سفیران و کارداران ایران در کشورهای آفریقایی و عربی ـ که سمینار دارند ـ آمدند. مفصلاً برای آنها صحبت کردم.[1] آقای [محسن] رفیق‌دوست هم آمد. برای کـارهای جـبهه کـمک خـواست. در مـورد گرفتن وسـائل ارتباطات و چیزهای دیگر و کارهای کمکی از سوریه، تأکید کردم.

عصر، گروهی از طلاب که مجله «حوزه» را منتشر می‌کنند، آمدند. برای تقویت طلاب خط امام، کمک خواستند و خبر تکمیل مرحله اول نوشتن "معجم بحارالانوار" را دادند. [آقای ملا قادر

۱- ایشان در این دیدار با اشاره به توطئه‌های دشمنان اسلام علیه انقلاب اسلامی و یادآوری این نکته که دشمنان ما برای لکه‌دار کردن انقلاب اسلامی، هرکاری که بتوانند می‌کنند و سعی‌شان این است که رسوبات گذشته خود را در ذهن مردم احیاء کنند، گفت: "کار عمده ما، ساختن اساس فکر است و باید رسوبات را از ذهن مردم پاک کرده و ثابت کنیم که مذهب، واقعاً می‌تواند حرکت دهنده باشد. برای رسیدن به این هدف باید خوب کار کنیم تا موفقیت بدست آوریم و بتوانیم یک الگو و نمونه خوب، برای سایر مسلمانان باشیم." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.









دیدار با فرماندهان سپاه و ارتش

قادری] امام جمعه پاوه آمد؛ اظهار وفاداری به انقلاب نمود. از اول [پیروزی انقلاب] تاکنون همراه بوده است. اخیراً در رابطه با گروهی از سنی‌های متعصب که [گروهک تشکیل داده‌اند و] به کوه زده‌اند، ایشان آنها را صریحاً محکوم نکرده، مورد گله بعضی از مسئولان شده.

شورای [عالی] انقلاب فرهنگی، جلسه داشت. درباره تدوین کتب درسی دانشگاه‌ها بحث بود. قرار شد اداره نگارش کتب علوم انسانی، تأسیس شود. بعد از جلسه، درباره کیفیت حرکت حزب [جمهوری اسلامی] بعد از دستور امام در مورد ائمه جمعه حزبی، بحث شد. احتمال انحلال حزب مطرح شد. قرار شد در جلسه شورای مرکزی [حزب]، به بحث گذاشته شود. با دفتر آیت‌الله منتظری، راجع به جلسه فردا شب، تلفنی صحبت کردم.

چهارشنبه ۸ اسفند ۱۳۶۳

بعد از نماز به مجلس رفتم. در جلسه علنی مجلس تبصره دو و سه [قانون بودجه] مطرح بود. نمایندگان، پیشنهادهای زیادی می‌دهند و باعث کُندی کار می‌شوند؛ چون محدودیتی [در ارائه پیشنهادهای نمایندگان دربارهٔ تبصره] نیست. پیش از ظهر، به دفترم آمدم.

عصر، هیأت رئیسه جلسه داشت. در بیمارستان به عیادت آقای ربانی‌املشی رفتم. قرار است فردا، برای معالجه به سوئیس برود. در مورد [واگذاری] چند قطعه زمین در قم به عنوان خمس، وصیت کرد و از من خواست وسیله انتقال قانونی آن را به طلاب، فراهم آورم. غروب، به منزل آمدم.

شب، سران قوا و آیت‌الله منتظری و احمد آقا مهمانم بودند. احمد آقا زودتر آمد. اظهارات امام را در ملاقات آقای خامنه‌ای در مورد حزب، نقل کرد. تند است و نسبت به حزب، منفی. تقریباً مخالفت صریح با ادامه کار حزب [جمهوری اسلامی] است، ولی گویا امام نمی‌خواهند مسئولیت تعطیلی حزب را قبول کنند.

در جلسه، آقای منتظری انتقادات خودشان را نسبت به ترویج عملی از سیگار، مسافرت‌های بی‌حساب به خارج، واردات بی‌حساب الیاف و عدم نظم کافی در واردات و مواد دیگر گفتند و جواب داده شد. از اظهارات امام ناراحت بودند و از ما هم که به نظر خودشان در همراهی با ایشان، جدیت نکرده‌ایم، گله‌مند بودند؛ ولی با توضیحات آقای [موسوی] اردبیلی که امام با شرط دقت، موافق ادامهٔ کار حزب هستند و اظهارات ما، کمی آرام گرفتند.

نزدیک ساعت ۱۲ شب، جلسه ختم شد و آقای منتظری به قم رفتند. عفت، اول شب در مجلس مراسم ازدواج حمید محی‌الدینی شرکت کرده بود؛ ولی برای تهیه غذا و پذیرائی از مهمانان آمد.

پنجشنبه ۹ اسفند ۱۳۶۳

عراق، مدعی زدن یک کشتی شده است. از جبهه‌ها اطلاع گرفتم؛ باز هم عملیات را به تأخیر انداخته‌اند. در جلسه تبصره سه مطرح بود؛ تمام نشد.

ظهر، آقای غریبانی [نماینده اردبیل] از کمیسیون امور داخلی آمد و گزارش وضع اردوگاه‌های آوارگان عراقی را داد و از وزارت کشور ناراضی است.

آقای اسفندیارپور نماینده کوهدشت آمد. از رقبایش و دوستانش گله داشت که علیه او، در مجلس به عنوان مخالف روحانیت، تبلیغ می‌کنند.

عصر، گروهی از مسئولان آموزش سپاه آمدند. برای آنها مفصل صحبت کردم.[1] آقای اژه‌ای از اصفهان آمد. از حرکات و مواضع شورای حزب [جمهوری اسلامی] اصفهان گله داشت. از دبیری حزب استعفاء داده. دربارهٔ کیفیت همکاری مشورت می‌کرد.

هیأت چینی به ریاست [جانگ چین فو] معاون نخست وزیر چین آمد و از طرف رئیس مجلس، مرا به چین دعوت کرد؛ پذیرفتم.[2]

۱- در این دیدار، ایشان با تأکید براین نکته که تکیه بر ایمان برای استفاده از اسلحه، لازم و ضروری است، گفت: "داشتن فن، خود یک قدرت است، اما این قدرت باید در دست انسانهای مومن قرار گیرد. من معتقدم که سپاه در برنامه‌های آموزشی خود، نوعاً با موفقیت چشمگیری روبرو شده است. نکته‌ای که برای ما محرز شده و همیشه آن را به وضوح می‌دیدیم، سرعت یادگیری در نیروهای آموزشی سپاه بود که همواره بیش از حد و فوق انتظار بود. حماسه خیبر و آزادکردن جزایر مجنون از حماسه‌های عظیم جنگ در تاریخ بشر است که رسانه‌های استکباری، نخواستند آن را به مردم جهان نشان بدهند، این حماسه، بهترین زمینه برای نشان دادن شکست نیروهای مدرن و تجهیزات پیشرفته در مقابل نیروی ایمان بود." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

۲- در این دیدار آقای "جانگ چین فو" در سخنانی گفت: "مسئولان چین، موضعگیری‌های سیاسی مسئولان جمهوری اسلامی ایران در مورد جهان سوم و سیاست مبارزه با سلطه گری شرق و غرب را با دیده تحسین می‌نگرند و موفقیتهای شما را در تأمین رفاه

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

تا ساعت هشت شب، در دفترم کار کردم. آقای طاهری خرم‌آبادی تلفن کرد و پیشنهادهایی برای سفر آقای ربانی [املشی] داشت؛ گفتم به آقای خامنه‌ای بگوید. آخر شب، حاجیه بی‌بی والده آمدند. تا حدود ساعت ۱۲ شب، نشستیم و دیدار و گفتگو داشتیم؛ به خاطر اینکه در نوق مانده‌اند، توفیق زیارتشان کم است.

جمعه ۱۰ اسفند ۱۳۶۳

تا ساعت ده‌ونیم صبح، در منزل مطالعه می‌کردم. گزارشها را آوردند. برای اقامه نماز جمعه، به دانشگاه تهران رفتم.[1]

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

مردم و بالا بردن سطح تولیدات، مورد تجلیل قرار می‌دهند."

سپس آقای هاشمی رفسنجانی گفت: "رهبران چین توجه دارند که وجود یک کشور مستقل، مخالف با دو ابر قدرت پدیده بسیار مهمی در تاریخ جدید دنیا بود، بنابراین کشور چین، باید در فرصت‌هایی که پیش می‌آید به کشورهای جهان سوم و ملتهای مظلوم برای ایجاد همبستگی بیشتر و تحکیم موقعیت غیر متعهدها، تلاش نماید. آمریکا، اکنون به هوس افتاده است که از بازار یک میلیاردی کشور چین، برای فروش اجناس خود استفاده نماید. اینها همیشه با هدفهای فریبکارانه وارد می‌شوند. آمریکائیها، چین مستقل نمی‌خواهند. در مورد ایران و کشورهای اطراف ما نیز همین برخورد را دارند و سعی می‌کنند که آنها را همیشه وابسته به خود نگاه دارند."

۱- در خطبه اول نماز جمعه، بحث هفته‌های پیش در مورد ظلم عمومی که استعمارگران سفید پوست اروپائی در طول تاریخ، برملتهای جهان سوم اعمال کرده‌اند، ادامه یافت. سپس در خطبه دوم، ابتدا سالگرد شهادت شهدای فتح عملیات خیبر و رحلت بانوی بزرگوار اسلام حضرت زهرا(س) را تبریک و تسلیت گفت و بعد به دو مسئله روز، یکی جریان گزارش هیأت سازمان ملل در مورد اسرای عراق در ایران و دیگری جریان لبنان اشاره کرد.

در خطبه اول آمده است: "اروپائیان در طول تاریخ، برای نفوذ در مدیریت و حکومت براین کشورها از هر چه در توانشان بود استفاده کردند و این سیاست تاکنون هم ادامه دارد و اکنون هم از آن در جهت سلطه به ملتهای مستضعف استفاده می‌کنند".

در خطبه دوم درباره گزارش سازمان ملل دربارهٔ اسرای عراقی در ایران گفت: "گزارشی که توسط نمایندگان سازمان ملل از وضع اسرای عراقی در ایران تهیه شد، از مسائل مهم کشور ماست که در سطح جهان نیز مطرح است. ملت ما باید هوشیار باشد در

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

عصر، بخشی از فیلمی را تماشا کردم. از بستگان [به منزل] آمدند. سرشب، آقای عسکراولادی آمد و راجع به وضع جدید حزب [جمهوری اسلامی] صحبت کرد؛ بیشتر برای اینکه، من را تشویق به ادامه کار حزب نماید. خبر تشکیل گروهی مرکب از خودشان و جامعه مدرسین [حوزه علمیه قم] برای تأسیس یک روزنامه را داد که ارگان جریان فکریشان باشد.

شنبه ۱۱ اسفند ۱۳۶۳

بعد از نماز، به مجلس رفتم. تبصره‌های بودجه، در دستور کار مجلس است. ظهر، در دفترم، گزارشها را خواندم.

اخوی، محمود از وزارت امور خارجه آمد؛ پیامی از یکی از شخصیتهای فرانسه برای بهتر کردن روابط با ایران آورد. گفتم ما آماده مذاکره هستیم. مطابق معمول در ساعت دو بعدازظهر، برای استراحت و استماع اخبار رفتم.

عصر، جلسه شورای عالی دفاع داشتیم. بحث درباره احتمال خطر از جانب مرز افغانستان، از سوی نیروهای روسی و افغانی بود. ستاد مشترک، احتمال خطر را ضعیف می‌داند؛ ولی قرار شد طرح کامل آمادگی برای دفاع را، برای احتیاط آماده کنند. خبر جلسه را اعلان نکردیم.

اول شب، آقای دکتر ولایتی آمد درباره سفر آینده‌ام به ژاپن و چین مذاکره کرد. گفتم در نیمه اول سال ۱۳۶۴ قرار بگذارید. وقتی که پیروزی در جنگ را کسب نمودیم، برای سفر مناسب‌تر است. درباره تحسین روابط با فرانسه و شوروی هم صحبت شد؛ موافق هستم. همچنین گفتم: نظر من این است که در صورت پیروزی در عملیات، امام دستور بدهند که شعار "مرگ برآمریکا" و

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

برخورد با اینگونه مسایل وکف دست تبلیغات چی‌های دنیا را بخواند. ما اطلاعاتی در اختیار داریم که هیأت سازمان ملل تمامی آنچه که در عراق و ایران از وضع اسرا دیدند، گزارش نکردند که به موقع اعلام خواهد شد." ایشان در مورد مسأله لبنان گفت: "حماسه لبنان، به نظر من بزرگترین رویداد تاریخ است که مسلمانان موفق شدند اسرائیلی‌ها، آمریکایی‌ها و فرانسوی‌ها را بیرون بریزند که نمونه آن در تاریخ وجود ندارد. مردم دنیا بدانند امروز عامل اصلی تخریب جنوب لبنان فقط اسرائیل نیست، آنهائی که در بین کشورهای اسلامی و عربی ساکت هستند، آنها را به خاطر سکوتشان شریک ظلم می‌دانند." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های نماز جمعه، سال ۱۳۶۳، جلد هفتم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۷۵.

"مرگ برشوروی" از موضع قدرت، حذف شود. شب، در مجلس ماندم.

یکشنبه ۱۲ اسفند ۱۳۶۳

بعد از نماز و صرف صبحانه و خواندن گزارشها، به جلسه علنی رفتم. ظهر، در دفترم با آقای [حسین] تاج‌گردون سفیر ایران در هلند، ملاقات کردم. از لزوم کامپیوتری کردن [سازمانها و نهادهای] کشور گفت و مدعی بود که نمایندگان کشورهای خارجی، بیشتر از گذشته روی ایران حساب می‌کنند و خواهان همکاری با ایران هستند.

عصر، شورای مرکزی حزب [جمهوری اسلامی] جلسه داشت. آقای خامنه‌ای گزارش مذاکرات با امام را دادند. خلاصه این بود که امام، نظر مساعدی با اصل حزب ندارند و نظرشان این است که روحانیون در حزب نباشند ولی نهی نکرده‌اند، ولی ائمه جمعه را قاطعاً از عضویت در حزب منع کرده‌اند؛ با انحلال حزب هم مخالفت ندارند، ولی دستور انحلال نداده‌اند.

تمام وقت جلسه را درباره ابقاء یا انحلال حزب بحث کردیم. بالاخره قرار شد در جلسات دیگری بحث شود. اگر بتوانیم طوری عمل کنیم که حزب، وسیله اتحاد نیروهای انقلابی باشد، ادامه بدهد و اگر نتوانیم و مثل وضع امروز، وسیله اختلاف باشد، به طرف انحلال برویم؛ ولی تدریجی. شب به خانه آمدم.

دوشنبه ۱۳ اسفند ۱۳۶۳

صبح و عصر، جلسه علنی مجلس داشتیم. بعد از ظهر، خبر رسید که عراق به کارخانه لوله‌سازی شرکت نفت در اهواز، حمله کرده است. ۱۱ نفر شهید و ۳۰ نفر مجروح شده‌اند.[۱] نمایندگان [مجلس شورای اسلامی] مخصوصاً نمایندگان مردم اهواز، برای انتقام، بی‌تابی می‌کنند.

گروهی از روحانیون خدابنده زنجان، برای ملاقات آمدند. شب، جلسه شورای مرکزی حزب [جمهوری اسلامی] برای بحث در سرنوشت حزب بعد از اظهارات امام، داشتیم. در خاتمه جلسه،

۱- دو فروند هواپیمای عراقی در ساعت ۱۳ و ۲۵ دقیقه به شهر اهواز حمله کردند و با پرتاب شش راکت به سوی پمپ بنزین و کارخانه‌های یک و دو و سه لوله‌سازی شرکت نفت، باعث شهادت ۱۱ تن و مجروح شدن حدود ۳۰ نفر از کارکنان این کارخانه شدند.

آقای خامنه‌ای پیشنهاد استعفای خودشان و من را از حزب دادند؛ به عنوان یک راه برای انحلال بی‌سروصدای حزب. قرار شد در جلسه بعد، بحث ادامه یابد؛ اکثر اعضای شورای مرکزی با انحلال موافق نیستند. برای خواب به مجلس رفتم.

سه شنبه ۱۴ اسفند ۱۳۶۳

پیش از دستور، درباره تجاوز هوائی عراق به اهواز صحبت کردم و از انتقام حرف زدم.[۱] پیش از ظهر و عصر، در مجلس جلسه داشتیم. رئیس جمهور هم حضور داشتند. در مورد شرارت‌های عراق در حمله به شهرها و کشتی‌ها و سکوت رضایتمندانه سازمانهای جهانی و دولت‌های بزرگ و دادن امکانات بی‌حساب به عراق، برای انجام شرارت به منظور جبران کردن ضعف عراق در جبهه و زیر فشار گذاشتن، بحث شد. فشار زیادی از سوی نمایندگان و سایرین برای انتقام وارد می‌شود؛ سرانجام مقرر شد مقابله به مثل شود. تأخیرهای مکرر در انجام عملیات و انتظارهای مردم، فشار را شدیدتر کرده است.

شب، شورای عالی [انقلاب] فرهنگی، جلسه داشت. درباره سرنوشت جهاد دانشگاهی، بحث داشتیم که ناتمام ماند و درباره بعضی دیگر از گروههای وابسته به ستاد انقلاب فرهنگی، تصمیم‌گیری شد. شورای مرکزی روحانیت مبارز، جلسه داشت. بیشتر، بحث دربارهٔ کیفیت برخورد با روحانیون ضدانقلاب بود. آخر شب، به خانه آمدم.

چهارشنبه ۱۵ اسفند ۱۳۶۳

بعد از نماز صبح، به مجلس [شورای اسلامی] رفتم. برف می‌بارید و زمین یخ بود. بیش از معمول در راه معطل شدیم. پیش از دستور، نمایندگان مراجعات زیادی داشتند. کار بررسی

۱- در این نطق آمده است: "عراقی‌ها ادعای صلح طلبی می‌کنند و ما را متهم به جنگ افروزی می‌کنند، در حالی که این ماههای اخیر که ما جبهه‌ها را آرام نگه داشتیم، اینها تقریباً هر روز یا حداقل هر هفته، چنین جنایاتی را مرتکب شده‌اند و اسرائیلی‌ها، مردم لبنان را متهم به اعمال تروریستی می‌کنند و بدترین نوع تروریسم همین است که اینها مرتکب می‌شوند. در زمان مناسب انتقاممان را از جانیان بعث خواهیم گرفت." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

تبصره‌های بودجه، خیلی کند پیش می‌رود. به فکر چاره افتادیم. عصر هم، جلسه علنی داشتیم. گفتیم دیگر بعد از شروع بحث در هر تبصره، پیشنهاد جدید نمی‌پذیریم. مجلس استقبال کرد. اگر از اول، چنین کرده بودیم، پیشرفت بهتری داشتیم.

شب، با سران قوا مهمان آقای [موسوی] اردبیلی بودیم، دربارهٔ مورد هدف قرار دادن بغداد به وسیله موشک، بحث شد. امام اظهار نظر صریح نکرده‌اند. نخست وزیر از عدم موافقت رئیس جمهور با وزرای پیشنهادیش و از آقای غرضی [وزیر نفت] به خاطر عدم همکاری در فروش نفت، گله داشت.

عراق تهدید کرده است که سی شهر ایران را می‌زند. برای خواب، به مجلس رفتم. نگران بودم. تا آخر شب، گزارشی از زدن شهرها، نرسیده بود.[1]

۱- در این روز خبرگزاری تاس از مسکو گزارش داد: "روزنامه ملی "پراودا" در شماره امروز خود نوشت: "اخیرا در مطبوعات ایران درباره شوروی، روابط شوروی و ایران بیانیه‌های رسمی و مطالب اندکی به چاپ رسیده است. برخی از این بیانیه‌ها و نوشته‌ها موافق توسعه همکاری با اتحاد شوروی هستند در حالی که سایر آنها حاوی افتراهای آشکار علیه شوروی بوده و علناً یک خط دشمنانه ضد شوروی را دنبال می‌کنند.

پراودا یادآور می‌شود که علی اکبر رفسنجانی، رئیس مجلس ایران اخیراً در یک کنفرانس مطبوعاتی گفت: "ما امکانات قابل توجیه برای مبادلات دو جانبه داریم." و این در حالی است که وزارت خارجه در تهران طی بیانیه‌ای از اینکه" رهبری ایران مشتاق است که روابط با اتحاد شوروی بهبود یابد." سخن گفت.

پراودا می‌نویسد: "از این گونه کلمات تنها زمانی می‌توان استقبال کرد که اقدامات ملی آنها را پشتیبانی کند."

در این مقاله آمده است: "شوروی و ایران، دو کشور همسایه که دو هزار کیلومتر مرز مشترک دارند، از امکانات بسیار زیادی برای همکاری در جهات مختلف برخوردارند. حداکثر استفاده از این امکانات، بدون شک نفع ملی کشورها و ملت‌های طرفین را در برخواهد داشت. اهداف سیاست شوروی در قبال ایران همچنان بدون تغییر مانده است. این هدفها عبارت از تحکیم روابط اصیل حسن همجواری مبتنی براصول برابری و روابط متقابل می‌باشد. اتحاد شوروی در جستجوی گرفتن هیچ امتیازی برای خود در ایران نیست و هیچ ادعای سرزمینی نسبت به ایران ندارد و تنها خواسته آن این است که این کشور واقعاً مستقل باشد و ملت‌های ما در صلح زندگی کنند، با یکدیگر دوست باشند و در جهت منافع دو جانبه همکاری نمایند."

پراودا می‌افزاید: "لکن اظهارات و از آن مهم‌تر، اعمالی علیه این همکاری، نمی‌تواند نتیجه‌ای به جز ضرر داشته باشد. این

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

پنجشنبه ۱۶ اسفند ۱۳۶۳

بعد از نماز صبح، گزارشها را دیدم. عراق دیشب، هشت موشک به دزفول زده است که پنج نفر شهید و حدود هفتاد مجروح و خانه‌های زیادی خراب شده است.[1] گویا علت کمی تلفات، تخلیه شهر بوده است.

در جلسه علنی [مجلس شورای اسلامی] قبل از دستور، در این‌باره صحبت کردم.[2] نمایندگان سخت ناراحت و به شدت خواستار موشک باران بغداد هستند. با رئیس جمهور، درباره مقابله به مثل صحبت کردم. ملاحظات انسانی و نیز اُمید به آثار عملیات سرنوشت ساز آینده باعث خودداری از مقابله به مثل است.

عصر، ملاقاتی با [آقای علی اکبر محتشمی‌پور] سفیرمان در سوریه داشتم. وضع لبنان را تشریح کرد. گفتم که از آقای حافظ‌اسد [رئیس جمهور سوریه]، تعدادی موشک اسکاد بخواهد.

جامعه اسلامی دانشگاهیان آمدند. گزارشی دادند و من هم برای آنها صحبت کردم. تقویت مدیریت دانشگاهها را، می‌خواستند و من هم همکاری با نیروهای انقلابی را توصیه کردم.

آقای محصل همدانی آمد. راجع به اختلافی که با آقای فؤادکریمی در اثر انتقاد آقای کریمی و شکایت ایشان پیش آمده است مشورت کرد؛ گفتم بهتر است صلح کنند.

آقای خوانساری سفیر ایران در لیبی آمد. درباره گرفتن پلهای پی.ام.پی. توسط لیبی و سیستم

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

اظهارات و اعمال، در واقع شرایط غیر قابل تحملی را برای این همکاری فراهم می‌کند و این موضوعی است که به هیچ وجه با اظهارات ایران درباره تمایل این کشور نسبت به توسعه این همکاری مطابقت ندارد."

۱- حدود ساعت یک بامداد، شهر دزفول هدف حملات موشکی عراقی واقع شد. در این حملات هشت فروند موشک زمین به زمین دوربرد به سوی نقاط مختلف شهر دزفول پرتاب شد. در این حملات بخشی از یک بیمارستان و نیز دو دبیرستان آسیب دید.

۲- در بخشی از این نطق آمده است: "در شرایط جاری، وظیفه ما و رزمندگان ما است که برای حفاظت از جان شهروندان و مخصوصاً مردم غیر مسلح برای نجات منطقه از این جنگ، دست از صبر و تحملی که داشتیم، برداریم. ما به دنیا، مخصوصاً سازمان ملل اخطار می‌کنیم که با عدم توجه به وظایفی که به عهده آنها گذاشته شده، باعث شدند که این جنگ در نقاط مسکونی به عمق عراق کشیده بشود و چیزی که ما مایل نبودیم، پیش خواهد آمد." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

دفاع هوائی و مسائل دیگر گفت. به ایشان هم درباره گرفتن موشک بیشتر، مأموریت دادم. سفیر فعالی است. گزارشها می‌گوید که عراق پادگان اباذر را بمباران کرده که بیش از صد شهید و صدها مجروح داشته است. شب به منزل آمدم.

نزدیک نیمه شب از دفتر نخست وزیر زنگ زدند، بیدار شدم؛ گفتند که پنج موشک به شهر مسجد سلیمان زده‌اند.

جمعه ۱۷ اسفند ۱۳۶۳

از وضع مسجد سلیمان پرسیدم. معلوم شد که موشکها به شهر نخورده و تلفات نداشته‌ایم. رئیس جمهور گفتند به تلافی این موشکها، دستور مقابله به مثل داده شده است. آقای زرندی از باختران مکرراً تلفن کرد؛[1] درباره ضایعات زیاد بمباران پادگان اباذر و از مسامحه پدافند صحبت کرد.

عصر، آقای [محمدباقر] حکیم آمد و راجع به شهادت ده نفر از خانواده حکیم، در زندان‌های عراق صحبت شد و برای عکس‌العمل، مشورت نمود و از کمبودها و نیازهای مجلس اعلای [انقلاب اسلامی عراق] گفت. برف شدیدی از دیروز می‌بارد. آیت‌الله خامنه‌ای، زیر باران و برف، نماز جمعه [تهران] را اقامه کردند.

عصر، اطلاع دادند که عراق به پیرانشهر، سوسنگرد، آبادان، بستان و دهلران حمله [هوایی]

۱- خبرگزاری رویتر درباره زدن شهر بصره از این شهر گزارش داد: "ساکنان بصره دومین شهر بزرگ عراق گفتند که ایران بعد از ظهر امروز (جمعه) گلوله باران بصره را از سرگرفت. آنها تلفنی به رویتر گفتند که گلوله‌های توپ از ساعت ۱ و ۳۰ دقیقه بعداز ظهر (۱۰ و ۳۰ دقیقه به وقت گرینویچ) فرود آمد و حمله بیش از دو ساعت ادامه داشت. آنها همچنین گفتند که آژیرهای خطر به مردم هشدار می‌داد که به خیابانها نیایند. ایران اخطار کرده بود که به تلافی حملات دیروز پنجشنبه عراق به نواحی مسکونی ایران، امروز دوباره بصره را مورد حمله قرار خواهد داد. یکی از ساکنان بصره گفت او می‌توانست صدای انفجارها را به فاصله ۱۰ یا ۲۰ دقیقه بشنود. به نظر می‌رسد که گلوله‌ها در نخلستانهای امتداد شط‌العرب، دور از نواحی محل جمعیت شهرکه بیش از یک میلیون سکنه دارد، فرود می‌آمد." همچنین خبرنگار خبرگزاری رویتر از بحرین نیز گزارش داد: "عراق حملات موشکی علیه دو شهر ایران انجام داده و ایران نیز در موجی از حملات جنگ خلیج [فارس] علیه اهداف غیر نظامی، شهر بصره دومین شهر بزرگ عراق را به مدت هشت ساعت گلوله باران کرده است. خبرنگار رویتر از بصره گزارش داد گلوله‌های ایران روز پنجشنبه در مسیرهای مختلف به این شهر یک میلیون نفری اصابت کرد."

کرده و تلفات زیادی به جاگذاشته است.

وقت حمله را باز هم به تأخیر انداخته‌اند. از این تأخیرها ضرر می‌کنیم. شب، احمد آقا آمد. درباره جنگ و حزب [جمهوری اسلامی] مذاکره کردیم. قرار شد در این باره با امام صحبت شود. آقای [محمد] رشیدیان [نماینده آبادان] از حملات شدید و مکرر عراق به آبادان، ابراز خشم می‌کرد.[1]

شنبه ۱۸ اسفند ۱۳۶۳

به مجلس اطلاع دادم که دیر می‌رسم و آقای یزدی [نایب رئیس مجلس]، جلسه را شروع نمایند. برای مذاکره در مورد موشک زدن به بغداد، به زیارت امام رفتم. امام می‌گویند، ممکن است با زدن بغداد، آنها روی تهران شرارت کنند و قدرتهای بزرگ هم دستشان را باز گذارند و کمکشان کنند و زدن تهران [توسط عراق]، برای ما مشکل درست می‌کند. قبول کردند که به جاهای دیگر عراق، موشک بزنیم تا آنها بفهمند که موشک داریم و بغداد هم در خطر است.

ساعت نه [صبح]، به مجلس رسیدم. معلوم شد که جمعی از نمایندگان خوزستان، قبل از شروع جلسه [علنی مجلس] شلوغ کرده‌اند؛ درباره جنگ، احساساتی شده‌اند، و بیش از صد نفر [از نمایندگان] درخواست جلسه سّری کرده‌اند. از عدم اقدام ما برای مقابله به مثل در زدن شهرهای عراق عصبانی هستند. بعد از تنفس و پیش از شروع جلسه، صحبت کوتاهی کردم[2] و گفتم در

۱- بخش فارسی رادیو بی.بی.سی امروز گزارش داد: "اغلب روزنامه‌های بریتانیا امروز گزارش برخوردهای اخیر ایران و عراق را به چاپ رساندند اما از آن میان روزنامه اسکاتمن سرمقاله خود را برخوردهای اخیر اختصاص داده است. این سرمقاله می‌گوید که منشأ جنگهای مذهبی درخاورمیانه همیشه یک مسئله اسرارآمیز بوده است و جنگ ایران و عراق نیز از این قاعده مستثنی نیست ولی آنچه مسلم است، این جنگ به شدت خونین بوده است. هزاران نفر که اکثراً جوانان ایرانی بوده‌اند در جنگی شبیه جنگ اول جهانی، جان خود را از دست داده‌اند؛ جنگی که برای آن پایانی در افق پدیدار نیست. روزنامه اسکاتمن می‌نویسد که هدف قرار دادن و زیر آتش گرفتن مناطق غیر نظامی که در چند روز اخیر جریان داشته است، میزان تلفات را باز بالاتر برده است و اینکه کدام کشور موافقت برای عدم حمله به هدفهای غیر نظامی را نقض کرده است، اهمیتی ندارد، بلکه آنچه که مهم است خطر کشیده شدن پای سایر کشورهای منطقه به جنگی است که اکثر آنها امیدوارند هر چه زودتر خاتمه یابد."

۲- در این نطق آمده است: "نمایندگان استان لرستان و خود خرم آباد از حادثه‌ای که امروز در آنجا پیش آمده است که

اینگونه مسائل، باید صبر و متانت داشت و با احساسات نمی‌شود برخورد کرد و گفتم که امام اجازهٔ زدن بغداد را نمی‌دهند؛ آرامش [در بین نمایندگان] برقرار شد.

عراق امروز پیرانشهر، مسجد سلیمان و آبادان را زده است و تعداد زیادی مجروح و شهید به جا گذاشته است؛ ما هم خانقین غربی و علی‌شرقی را به اضافه بصره زده‌ایم. با اجازه امام، تصمیم گرفتیم با توپخانه همه شهرهای مرزی را که در تیررس هستند، بزنیم.

آقای دستغیب به ملاقات آمد. از آقای حائری شیرازی گله داشت و از امام برای اداره حوزه علمیه شیراز، کمک مالی می‌خواست.

عصر هم، جلسه [علنی] مجلس [شورای اسلامی] داشتیم. شب، در مجلس ماندم. مسئول موشک، تلفن کرد. درباره انتخاب شهر هدف، مذاکره کردیم. [آنها شهرهای] کرکوک و الاماره را انتخاب کرده‌اند. گفتند: "آمادگی برای حمله خوب است." امروز، یک هواپیما در داخل خاک ایران، سقوط کرده است.

یکشنبه ۱۹ اسفند ۱۳۶۳

صبح و عصر، جلسه داشتیم. امروز هم عراق، چند شهر را زده است؛ رامهرمز، اندیمشک، نهاوند، بانه، مریوان، آبادان، اصفهان، تبریز و ما هم چند شهر عراق را با توپ و چند شهر را با هواپیما زده‌ایم؛ جوّ جامعه ملتهب است. زدن اصفهان و تبریز با هواپیما از ارتفاع بالا و کم حجم و کم اثر بوده است.

ظهر، وزیر بازرگانی آمد. توضیح طرح واگذاری واردات، به بخش خصوصی را داد. شب، جلسه شورای مرکزی حزب داشتیم. برای بحث در سرنوشت حزب، به جائی نرسیدیم.

شب، خبر دادند که عراق، اعلان کرده است تهران را [با موشک] می‌زند. در عکس‌العمل [علیه عراق] مقداری بحث کردیم و تصمیم‌گیری به عمل آمد. درباره حفاظت از تهران و اصفهان، دستور

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

بعثی‌های عراقی به شهر موشک پرتاب کرده‌اند، اظهار تأسف نموده‌اند و تبریک و تسلیت به مردم منطقه و خدمت امام گفتند و از رزمندگان خواسته‌اند که جواب مناسب به این جنایتکاران بعثی بدهند." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های قبل از دستور سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.

خاصی صادر شد. مصاحبه تلویزیونی برای توضیح وضع جاری کشور کردم. آخر شب، به خانه آمدم.[۱]

دوشنبه ۲۰ اسفند ۱۳۶۳

صبح زود، به مجلس رفتم. گزارشها، از مورد حمله قرارگرفتن چند شهر ایران، توسط موشک و هواپیماهای عراقی، خبر می‌داد. نمایندگان مناطق مربوط، سخت ناراحت بودند ولی تحت تأثیر توصیه‌ها، از عکس‌العمل شدید خودداری می‌کردند. خبر رسید که هواپیماهای ایران چند شهر عراق از جمله بغداد را بمباران کرده‌اند[۲] باعث خوشحالی و روحیه نمایندگان شد.[۳]

۱- رادیو اسرائیل در این روز گفت: "ایران و عراق امروز به ضربات کوبنده و متقابل علیه اهالی بی‌دفاع و تأسیسات غیر نظامی یکدیگر ادامه دادند. مقامات کشور بدون ابراز واکنش به درخواست دبیر کل سازمان ملل که خواستارگردیده این حملات قطع شود، اعلام داشتند که در برابر ضربات طرف مقابل سکوت نخواهند کرد. با این همه رادیو دولتی ایران امروز دوباره طی تفسیری گفت ایران علاقه‌ای به کوبیدن شهرهای عراق ندارد و اگر عراق حملات خود را قطع کند، ایران نیز آن را ادامه نخواهد داد. حملات متقابل علیه نواحی مسکونی شهرها و تأسیسات غیر نظامی از شب پیش آغاز گردید و امروز با پرواز هواپیماهای عراقی برفراز اصفهان که در قلب ایران قرار دارد، عراقی‌ها شهر دیگری را به لیست طولانی اماکنی که هدف بمباران و حملات موشکی و خمپاره اندازیها قرار داده‌اند، افزودند. عراق امروز شش شهر ایران را مورد حمله قرار داد و ایران متقابلاً دو شهر عراق را بمباران کرد و به گلوله باران بندر بصره نیز همچنان ادامه داد. پرواز یک فروند جنگنده بمب افکن عراقی برفراز اصفهان که یکی از مهمترین شهرهای ایران و مرکز صنایع ذوب آهن می‌باشد از جانب ناظران سیاسی با اهمیت زیاد تلقی شد.

دیپلماتهای خارجی در تهران گفتند به دنبال این حمله، تردیدی نیست که زدوخورد بین دوکشور به وخامت تازه‌ای خواهد گرایید. هنوز درباره تلفات و خسارات احتمالی در اصفهان گزارشی حقیقی نرسیده ولی رویتر خبر داد که این شهر هدف چند بمب و تعدادی موشک هوا به زمین قرار گرفته است.

۲- حمله هوائی جنگنده‌های ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشتمین، نهمین، دهمین و یازدهمین مأموریت برون مرزی خود طی عملیاتی با نام "یا زهرا(س)" در ساعات هفت و هشت بامداد، با شکستن شبکه‌های دفاع هوائی شهر بغداد، هدفهای پیش بینی شده‌ای را در این شهر با خاک یکسان کرده و تلفات سنگین به نیروهای عراق وارد آوردند. همچنین مناطق عماریه و عقره و کفری و توزخور عراق را بمباران و بخشی از تأسیسات نظامی و اقتصادی شهرهای مذکور را به آتش کشیده و منهدم کردند. به

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

عصر هم جلسه داشتیم. شب، با جمعی از نمایندگان جلسه داشتیم. سئوالاتی درباره جنگ داشتند. توضیحاتی دادم که فکر می‌کنم، قانع کننده بود. گفتم برای نشان دادن قدرت موشکی دوربرد، یک موشک زمین‌به‌زمین اسکادبه کرکوک می‌زنیم.

تا ساعت یازده‌ونیم [شب]، بیدار ماندم. دکتر [حسن] روحانی اطلاع داد که حمله آغاز شده است. اسم عملیات «بدر» و رمز آن «یا فاطمه‌الزهراء(س)» است. گفت در دو محور [عملیاتی با

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

علاوه در جریان این عملیات، یک فروند میگ ۲۳ عراق که جنگنده‌های ایران را تعقیب می‌کرد، هدف قرارگرفت و سرنگون شد.

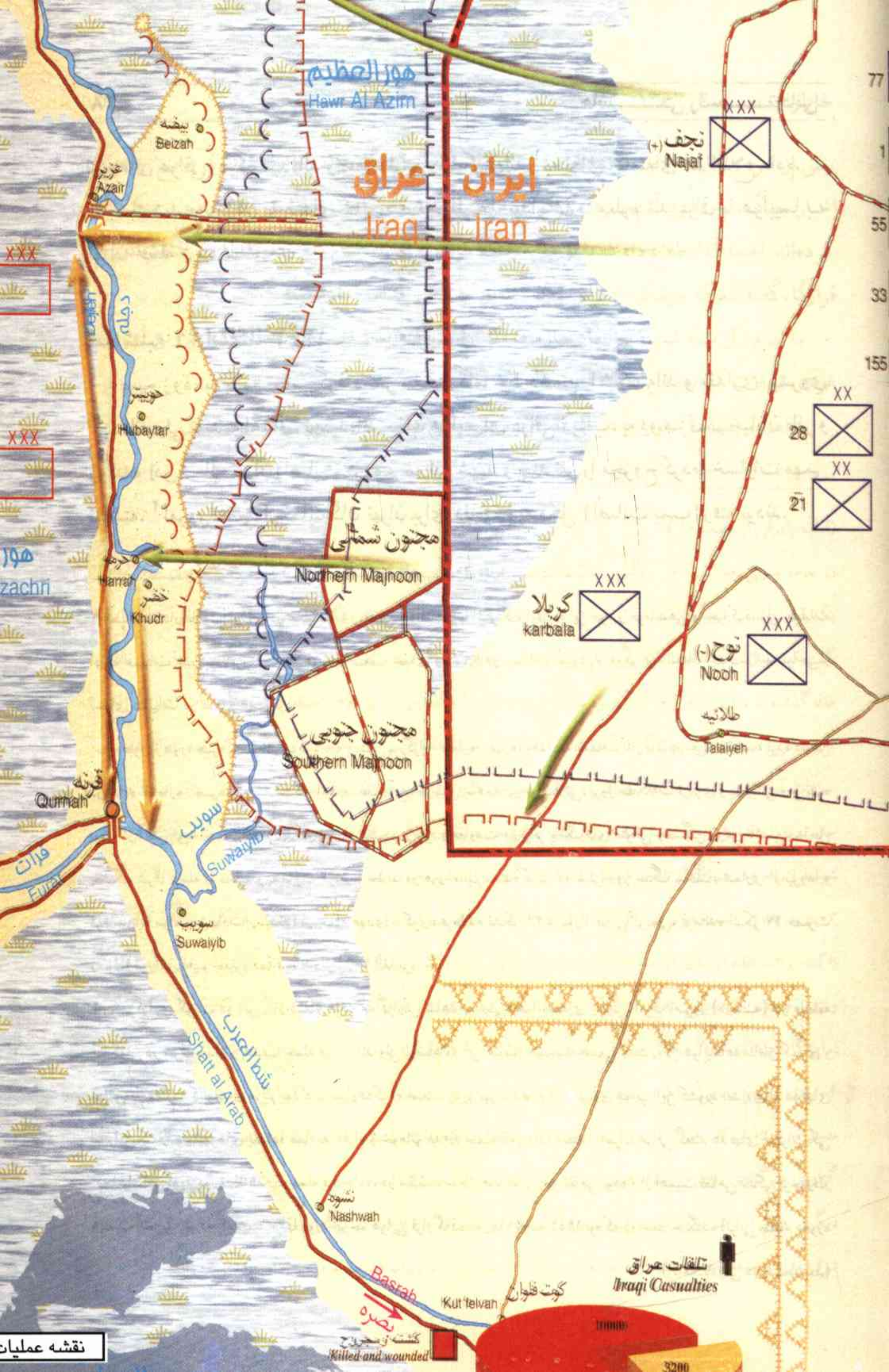
۳- به دنبال اعلام خبر بمباران بغداد توسط هواپیماهای نیروی هوائی جمهوری اسلامی ایران، رادیوهای بیگانه این خبر را منعکس ساختند. رادیو بی.بی.سی گفت: بامداد امروز هواپیماهای ایرانی چند نقطه را در بغداد بمباران نمودند و خسارات و تلفاتی وارد ساختند، چهار ساعت بعد هواپیماهای عراقی برفراز تهران ظاهر شدند ولی به احتمال قوی پیش از آنکه بتوانند به نواحی مسکونی برسند در اثر پرواز هواپیماهای شکاری ایرانی، مجبور به تغییر جهت گردیده و از آنجا دور شدند.

هواپیماهای ایرانی امروز همچنین به چهار شهرک عراقی حمله ور شدند ولی از میزان تلفات و خساراتی که وارد ساخته‌اند اطلاع موثقی در دست نیست. از سوی دیگر ارتش عراق نیز به حملات کوبنده خود علیه نواحی مسکونی چندین شهر ایران ادامه داد ولی درباره تعداد تلفات و میزان خسارات گزارشهای دقیقی در دست نیست. ایران اعلام داشت که یک فروند هواپیمای میگ ۲۳ عراقی را سرنگون ساخت ولی درباره جزئیات آن خبری منتشر ننمود. در یک هفته‌ای که از آغاز مرحله جدید جنگ می‌گذرد، ایران و عراق هر یک به بیست شهر و شهرک یکدیگر حمله بردند.

دبیرکل سازمان ملل از هر دو طرف درخواست کرده است که از نیمه شب امشب این حملات را متوقف کنند. طارق عزیز، وزیر خارجه عراق در پاسخ به درخواست دبیرکل سازمان ملل گفته که حاضر است فوراً به نیویورک برود و برای پایان دادن به این حملات مذاکره کند. پاسخ او نشان می‌دهد که شاید عراق چندان رغبتی به خاتمه این حملات نداشته باشد، چون به دلیل برخورداری از نیروی هوایی مجهزتر، امکانات بیشتری برای حمله به شهرهای ایران دارد.

اما رهبران ایران نیز گفته‌اند که اگر عراق حمله به مناطق مسکونی ایران را متوقف کند، نیروهای ایران نیز به حملات خود پایان خواهند داد و از نیمه شب امشب به آتش بس پیشنهادی دبیرکل سازمان ملل عمل خواهند کرد.





هورالعظیم
Hawr Al Azim
عراق
ایران
Iraq
Iran
نجف (+)
Najaf
XXX
بیضه
Beizah
عزیر
Azair
دجله
Dejleh
حوبیتر
Habaytar
مجنون شمالی
Northern Majnoon
مجنون جنوبی
Southern Majnoon
XX
28
XX
21
XXX
کربلا
karbala
نوح (-)
Nooh
طلائیه
Talaiyeh
هور
zachri
حرمه
Harrah
خضر
Khudr
قرنه
Qurnah
فرات
Furat
سویب
Suwaiyib
سویب
Suwaiyib
شط العرب
Shatt al Arab
نشوه
Nashwah
Basrah
بصره
Kut felvah
کوت فلوان
تلفات عراق
Iraqi Casualties
کشته و مجروح
Killed and wounded
10000
3200
77
55
33
155

نیروهای عراقی] درگیر شده‌اند و خط دشمن را شکسته‌اند.[1] به آقای خامنه‌ای هم اطلاع دادم.

ساعت سه بامداد، با صدای شلیک ضدهوائی‌ها، بیدار شدم. معلوم شد عراق با هواپیما به تهران حمله کرده است.

سه شنبه ۲۱ اسفند ۱۳۶۳

صبح زود، با جبهه تماس گرفتم. هر سه قرارگاه، خط دشمن را شکسته‌اند و مقداری پیشروی کرده‌اند ولی به همه اهداف نرسیده‌اند. بمب هواپیمای عراقی دیشب، به دو منزل در خیابان ظفر و زرگنده [در شمال تهران] اصابت کرده و سه نفر شهید و چند نفر را مجروح کرده؛ خسارات مهمی نداشته.[2] امروز بعضی از نمایندگان تهران برای دلجوئی به محل [اصابت بمب] رفته بودند.[3]

۱- سپاه پاسداران نقش اول را در عملیات بدر به عهده داشت و با اشتراک ارتش، این نبرد را فرماندهی و اجرا کرد. این عملیات ادامه عملیات خیبر بود. بررسی نقاط قوت و ضعف خودی و دشمن در عملیات خیبر، بار دیگر فرماندهان جنگ را به طراحی و اجرای عملیات در هور ترغیب کرد.

عبور از هور، تصرف ساحل شرق دجله و بستن بزرگراه العماره ـ بصره، اهداف عملیات بدر بود. در این عملیات، تردد دشمن در جاده العماره ـ بصره قطع شد، لیکن اتکا به عقبه آبی، نداشتن جاده‌های مواصلاتی، بروز مشکلات ترابری و پشتیبانی و بی‌بهره بودن از آتش توپخانه، سبب گردید که پس از شش روز نبرد و مقاومت در برابر پاتک‌های متوالی و سنگین زرهی دشمن، ساحل خشک شرق دجله را تخلیه و به تثبیت مواضع جدید در هورالعظیم بسنده کنند. در شش روز جنگ سخت، شماری از نیروها و فرماندهان سپاه به شهادت رسیدند؛ از جمله مهدی باکری، فرمانده لشکر ۳۱ عاشورا، عباس کریمی، فرمانده لشکر ۲۷ حضرت رسول(ص)، ابراهیم جعفرزاده، فرمانده تیپ ۱۸ الغدیر.

۲- خبرگزاری کویت در این روز اعلام کرد: "به گزارش شاهدان عینی، هواپیماهای جنگی ایران امروز (دوشنبه) دو منطقه مسکونی در شرق بغداد را هدف حمله قرار دادند ولی اوضاع در این مناطق همچنان طبیعی است. این هواپیماها مناطق کسری و عطش در دوازده کیلومتری مرکز بغداد را بمباران کرده است. رادیو تهران اعلام کرد. نیروی هوایی این کشور، تعدادی از هدفهای استراتژیک را در شهرهای بغداد، عمادیه، افرام و خوماتو هدف حمله قرار داده است. ناظران عراقی گفتند هدفهای استراتژیکی که ایران می‌گوید در بغداد هدف حمله قرار داده، در حقیقت مناطق فقیر نشین غیر نظامی بوده و از اهمیت نظامی اندکی برخوردار هستند. آخرین بارکه پایتخت عراق مورد تهاجم هوایی قرارگرفت در ماه ژوئیه ۱۹۸۲ بودکه دو جت جنگنده ایرانی منطقه دعوره

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

پیش از شروع جلسه، اخبار [عملیات در شهرها] را به نمایندگان دادم و برای کنترل وضع جبهه و اخبار جنگ، به دفترم آمدم. زدن کرکوک عراق با موشک، باعث وحشت آنها شده و سکوت کرده‌اند. احمد آقا اطلاع داد که با توجه به حمله عراق به تهران، امام منع زدن بغداد را برداشته‌اند. به قرارگاه گفته شد که موشک را برای زدن مناطق حساس بغداد، آماده کنند.

ما امروز از نیمه شب، پیشنهاد سازمان ملل را پذیرفته‌ایم و دست به حمله نزده‌ایم ولی امروز، عراق حملات کم توفیقی داشته است.[۴]

عصر، جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی داشتیم. سرپرستان گروههای برنامه‌ریز

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

در حومه جنوبی بغداد در محل بزرگترین پالایشگاه نفتی عراق را مورد حمله قرار داد اما موفق به فرو ریختن بمبهای خود نشده و یک فروند آنها نیز سرنگون شد. در این حال رادیو تهران به نقل از حجت‌الاسلام علی اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس ایران گفت که حملات ایران به مناطق غیر نظامی تنها به تلافی حملات عراق صورت می‌گیرد، رشته حملات علیه هدفهای غیر نظامی هفته گذشته به دنبال گلوله باران شهر بصره توسط توپخانه ایران که گفته می‌شد به تلافی حمله عراق به تأسیسات اتمی ایران در جنوب غربی این کشور صورت گرفته آغاز شد، به دنبال این مسئله، عراق سی شهر کوچک و بزرگ ایران را به عنوان هدفهای حملات خود تعیین کرده و تاکنون حداقل ده مورد از این شهرها را با توپخانه موشک و هواپیما مورد حمله قرار داده است. در این حال به دنبال اقدام ایران به اعمال شدیدترین گلوله باران بندر بصره در جنوب عراق این شهر امروز (دوشنبه) نیز همچنان در لاک خود فرو رفته بود. هنوز آمار تلفات وخسارات ناشی از گلوله باران شهر بصره مشخص نشده است".

۳- در جریان این حمله هوائی، سه هواپیمای عراقی در ساعت دوونیم صبح، دو راکت به سوی مناطق مسکونی پرتاب کردند. دو راکت پرتاب شده از سوی هواپیماها، به دو نقطه در خیابانهای ظفر و رئیسی (زرگنده) اصابت کرد و در اثر آن، پنج تن به شهادت رسیدند و چهار نفر مجروح شدند. به دنبال این حادثه دکتر عباس شیبانی، حجت‌الاسلام هادی غفاری و دکتر کمال نیک روش، نمایندگان مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، از محل حادثه بازدید کردند.

۴- بخش فارسی رادیو آمریکا در ساعت ۲۰/۳۰ در صدر خبر مربوط به جنگ به این مسئله که ایران با درخواست سازمان ملل متحد در زمینه متوقف کردن حملات به هدفهای غیر نظامی موافقت کرده است، اشاره کرد. این رادیو همچنین گفت: "بنا به گزارش خبرگزاری رویتر در حمله هوایی ایران به بغداد، دست کم ده تن کشته و جمعی مجروح شدند." رادیو آمریکا در خبر دیگری به نقل از یک مقام ارشد عراقی، ضمن تأیید حمله ایران به بغداد ادعا کرد هواپیماهای ایران صرفاً به مناطق غیر نظامی در شرق بغداد و حومه بعقوبه حمله کرده‌اند که در جریان آن تعدادی خانه ویران گشته و چند غیر نظامی کشته شده‌اند.

[دانشگاهها] را تعیین کردیم. سپس با سران قوا، درباره جنگ و موشک زدن به بغداد، به مشورت نشستیم. قرار شد امشب، [به بغداد موشک] نزنیم. دستور خاموشی شب را در تهران دادیم و از جبهه‌ها اطلاع دادند که امشب برای تکمیل عملیات می‌جنگند. شب به خانه آمدم. آخر شب، آقای رحیم‌صفوی گفت که آماده عمل شده‌ایم و [برای شروع حمله]، پیامی به رزمندگان دادم.

چهارشنبه ۲۲ اسفند ۱۳۶۳

اوضاع عملیات در جبهه‌ها را خوب توصیف کردند. در شرق دجله، پیشرفت داشته‌ایم و موفقیت پرتاب موشک به کرکوک، تغییر مهمی به نفع نیروهای ما پیش آورده. عراق، ابلهانه منکر [اصابت موشک به کرکوک] است و صدای انفجار را معلول خرابکاری معرفی می‌کند؛[1] کسی باور نمی‌کند.

در جلسه [مجلس] قبل از شروع، اخبار [جبهه] را به نمایندگان دادم. ظهر در دفترم، اخبار را تعقیب کردم. فشار نیروی عراقی به نیروهای قرارگاه‌نجف، زیاد است و نیروهای ایرانی قرارگاه‌نوح، به جای اول برگشته‌اند. پل‌ها هنوز وصل نشده است. وضع ناراحت کننده است و اخبار حمله عراق به شهرهائی مثل اصفهان، رشت و... بیشتر ناراحت کننده است.

عصر، در جلسه اشاراتی به مشکلات جنگ به نمایندگان کردم و به دفترم آمدم. شب هم، [در مجلس] جلسه علنی برای بحث بودجه گذاشتیم ولی شرکت نکردم. شب، سران قوا در مجلس، مهمان من بودند؛ بیشتر بحث، بر سر زدن موشک به بغداد بود. بالاخره تصویب نشد، ولی آخر شب از جبهه آقای [حسن] روحانی و دیگران اصرار کردند؛ به خاطر تأثیر آن در جبهه و شکستن روحیه دشمن و دادن روحیه به رزمندگان و مردم، موافقت شد که امشب، [به بغداد موشک] بزنند. درباره جنگ هم بحث شد. احتمال پذیرش آتش‌بس در صورت حفظ حضور نیروهای ایرانی در شرق دجله، در جلسه طرفدار زیاد داشت؛ اما امام موافق نیستند که فعلاً در این خصوص صحبت شود.[2]

۱- در ساعت دو و چهل دقیقه صبح، شهر کرکوک مورد اصابت موشک زمین به زمین ایران قرار گرفت. این موشک به کارخانه سیمان کرکوک اصابت و یکی از سالنهای بزرگ این کارخانه را کاملاً منهدم کرد.

۲- روزنامه انگلیسی گاردین در شماره امروز (سه شنبه) خود در مطلبی تحت عنوان چگونه جنگ نفتکش‌ها به سوی غیر نظامیان

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

درباره معرفی وزرای پیشنهادی جدید هم، صحبت شد. بین آقای [میرحسین] موسوی و آقای خامنه‌ای در این موضوع موافقت نیست. بحث‌های مفصلی هم دو طرف در این موضوع کردند. در

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

کشیده شد، به قلم دیوید هرست همراه با عکسی از غیر نظامیانی که از میان خرابه‌های خانه‌هایشان پس از یکی از بمبارانهای عراق به چاپ رسانده می‌نویسد: "هر دو کشور ایران و عراق، تمایل خود را به پایان بخشیدن واقعی به جنگ علیه غیر نظامیان مورد تأکید قرار داده‌اند." ایران دیروز آمادگی خود را برای یک آتش بس در مورد زدن هدفهای غیر نظامی مشخص کرد. دبیر کل سازمان ملل در ماه ژوئن گذشته در راه رسیدن به یک توافق مبتنی بر مذاکره که به موجب آن قرار شد دو طرف ایران و عراق از زدن شهرها و شهرک‌های یکدیگر خودداری کنند، موفق شد. این یکی از موفقیت‌های نادری بود که توسط یک میانجی‌گر خارجی در این جنگ حاصل شد؛ حال این موفقیت کوچک فرو می‌ریزد. در هفته گذشته طرفین، مراکز شهری را با قدرت بی‌سابقه مورد تهاجم قرار داده و آمادگی خود را در صورت لزوم جهت دنبال کردن این نوع جنگ با استفاده از تمام راه‌ها و امکاناتشان تبلیغ کرده‌اند. با وجود مغایر بودن ادعاها روشن است که مرحله جدیدی در جنگ ۵۳ ماهه خلیج (فارس) پیش آمده است. در این رابطه، ایران عقیده دارد که این عراقیها بودند که حملات را با حمله هوایی دوشنبه گذشته به شهر اهواز آغاز کردند. اما عراقیها تجاوز بیشتری به عمل آورده‌اند. هواپیماها و موشکهای آنها موجب ضایعات سنگینی در ده شهر ایران شده است. آنها حتی اصفهان دومین شهر بزرگ ایران را مورد حمله قرار داده‌اند. در بیشتر سال گذشته این عراق بود که ابتکار جنگ را در دست داشته و تاکنون اگر طرح حساب شده‌ای در پس شعله ور شدن اخیر جنگ درکار بود، بیشتر مربوط به عراق بوده است تا ایران. عراق علی‌رغم یک بهبودی نسبی در موقعیت همه جانبه نظامی‌اش، هنوز مترصد پایان بخشیدن به مبارزه‌ای است که احساس می‌کند در دراز مدت علیه آن است. عراق پس از چندین حرکت اشتباه، بار دیگر در ماه دسامبر دست به تلاش زد و پس از مدتی چنین می‌نمود که این کار ممکن است با موفقیت همراه باشد. در ماه ژانویه صادرات نفت ایران به پایین‌ترین حد خود که حدود ۷۰۰ هزار تا ۸۰۰ هزار بشکه در روز بود، کاهش یافت. در ماه فوریه ایران بار دیگر موفق شد که سطح صادرات خود را به میزان قبلی که حدود ۱/۳ تا ۱/۴ میلیون بشکه در روز بود، برساند. جنگ عراق علیه غیر نظامیان نتیجه منطقی این شکست است. این کشور (عراق) از یک مزیت روبه تزاید فنی بر ایران برخوردار است، در حالی که ایران، مشمول تحریم عمومی تسلیحاتی است، عراق با موشکهای روسی و میراژها و سوپراتاندارهای فرانسوی توانایی وارد آوردن خسارت به مراتب بیشتری را در این نوع جنگ (جنگ شهری) دارد. یک هدف این کار وادارکردن ایران به انجام یک حمله دیگر زمینی با این اعتقاد که ارتش عراق در پشت یک سری استحکامات و مواضع طبیعی سنگر گرفته، با شکست دادن مهاجمین، خسارات سنگین مالی و سیاسی به ایرانیها وارد خواهد کرد.

مجموع اختلاف نظر زیادی دارند. احتمالاً، امام باید حل کنند.
شب، در مجلس ماندم.

پنجشنبه ۲۳ اسفند ۱۳۶۳

با صدای انفجار و شلیک ضدهوائی‌ها، بیدار شدم. یک هواپیمای دشمن به تهران تجاوزکرده و دو راکت در شمال تهران به خانه‌های مسکونی زده است.[۱] ساعت سه‌ونیم [صبح]، موشکی به بغداد زده‌اند و لابد این حمله عراق و حمله به تبریز همزمان با تلافی موشک [ایران به بغداد] است.

به صدا و سیما گفتم تا خبر به هدف خوردن موشک به بغداد نرسیده، با صراحت خبر را اعلام نکنند. در جنگ‌های زمینی شرق دجله هم، دیشب موفقیت‌هائی داشته‌اند. پیش از دستور، در جلسه [علنی مجلس شورای اسلامی] خبرها را به نمایندگان دادم و صحبت مختصری هم درباره عملیات و موشک زدن به بغداد و غیره کردم.

حدود ساعت نه‌ونیم اطلاع رسید که موشک به ساختمان بانک رافدین در قلب بغداد خورده و این تحول عظیمی در وضع جنگ و زدن شهرها خواهد بود.[۲] نمایندگان مجلس خیلی خوشحال شدند و مردم بیش از این، خوشحال خواهند بود.

۱- این دومین حمله هوائی عراق به مناطق مسکونی تهران بود که در ساعت پنج‌ونیم صبح، صورت گرفت. در جریان این حمله سه راکت از سوی هواپیماهای عراقی پرتاب شد که به سه نقطه در شمال تهران اصابت کرد و در جریان آن سه منزل به طول کامل ویران شد. در اثر این حمله هوایی، پنج تن شهید و تعدادی از ساکنین محل، مجروح شدند.

۲- حمله موشکی به بغداد در ساعت سه و بیست دقیقه صبح پنجشنبه، صورت گرفت که در اثر این حمله موشکی، ساختمان مرکزی بانک رافدین در خیابان الرشید در قلب شهر بغداد در یک کیلومتری وزارت دفاع رژیم عراق، مورد هدف قرار گرفت.

خبرگزاری رویتر در این باره اعلام کرد: "[آقای] هاشمی رفسنجانی ضمن اعلام این نکته که تشدید درگیری‌ها فراتر از حد خود رفته است، از عراق خواست که ایران را مجبور به استفاده از موشکهای خود علیه شهرهای عراق نکند." بنابراین ایران، بغداد را هدف یک موشک زمین به زمین قرار داد. شاهدان عینی در پایتخت عراق گفتند: "ساختمان ۱۳ طبقه‌ای یک بانک در بخش بازرگانی مرکز بغداد براثر وقوع یک انفجار ویران شده است." در پی این جریان، عراق اعلام کرد که این حادثه براثر انفجار مواد منفجره که توسط عمال ایرانی کارگذاشته شده بود، به وقوع پیوسته است. دو روز پیش نیز در اولین حمله موشکی ایران به شهر نفت خیز کرکوک، رژیم عراق استفاده از موشک را در این حمله تکذیب کرده بود.

نزدیک ظهر، از جبهه خبر دادند که در پل علف چرده در هورالهویزه، حدود پانصد عراقی که در محاصره بوده‌اند، اسیر شده‌اند. فتح مهمی است. عراقی‌ها هم می‌خواهند که منکر خوردن موشک به بغداد شوند و انفجار را ناشی از خرابکاری معرفی می‌کنند که جا نمی‌افتد. از قدرت موشکی و زمینی ایران، دنیا گیج شده است. تا ساعت هشت‌ونیم شب، در دفترم گزارش‌های جنگ و بازتابهای جهانی آن را تعقیب کردم. خوب است.

آقای ولایتی اطلاع داد که امام به طور شفاهی، پیامی به رهبران شوروی داده‌اند و از دادن امکانات موشکی به عراق، انتقاد کرده‌اند. مهم است و از طرف ایران به سفیر شوروی گفته شده که موشک به ما هم بدهند و قرار شد که [آقای ولایتی]، شب به لیبی بروند؛ برای آوردن موشک بیشتر که اخیراً قول داده‌اند.

آقای [محسن] رضائی اصرار داشت که امشب هم، به بغداد موشک بزنیم. اکثریت مخالف هستند، با رئیس جمهور و احمد آقا و آقای [حسن] روحانی، در این خصوص مذاکره کردم. [طرح حمله موشکی به بغداد را مستلزم] نظر [موافق] اکثریت مسئولان جنگ، در جبهه گذاشتم. قرار شده که امشب [به بغداد موشک] نزنند.

جمعه ۲۴ اسفند ۱۳۶۳

بعد از نماز [صبح]، با جبهه تماس گرفتم. آقای روحانی گفت، پل بین جزیره مجنون و شرق دجله وصل شده که مهم است. دیشب، جز انهدام نیروی دشمن، کار مهمی نداشته‌ایم. وضع افراد متواری شده از قرارگاه نجف، معلوم نیست. آقای صیاد نسبت به آینده امیدوار است و گفت با وصل کردن پل، امکانات را تا پای کار برده‌اند.

با رئیس جمهور صحبت کردم. قرار شد [در خطبه‌های نماز جمعه] در مورد مقابله‌به‌مثل، مسئله زدن شهرها وکشتی‌ها و موشک و به کارگیری سلاح شیمیائی عراقی‌ها را به هم مربوط کنند و در نماز جمعه از موضع قدرت حرف بزنند.[1]

۱ـ آیت‌الله خامنه‌ای در خطبه دوم نماز جمعه، در این باره اظهار داشت: "ما مایل به زدن شهرها نیستیم، اما در صورت ادامه حملات، باکمال قدرت مقابله به مثل خواهیم کرد. این هفته برای ما، هفته مقابله به مثل خواهد بود که به فضل الهی آن را با قدرت

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

در اثر تهدیدات و شایعه‌ها، انتظار می‌رفت که عراق دیشب در تهران بمب‌اندازی کند؛ [روشنایی] شهر را خاموش کرده بودیم و آماده‌باش داده بودیم. اما خبری نشد. پیش از ظهر، احمد آقا آمد. راجع به جنگ و زدن موشک دیگری به بغداد، بحث شد. با جبهه تماس گرفتیم. عراق، بمب شیمیائی استعمال کرده که نشان استیصال عراق می‌دانند. نگرانی عمده‌ای نداشتند.

نماز جمعه را آیت‌الله خامنه‌ای اقامه کردند. در اثنای خطبه دوم، در بین مردم نمازگزار، انفجار عظیمی رخ داد که ۱۳ نفر شهید و حدود یکصد نفر مجروح شدند. مختصری خطبه قطع و سپس آیت‌الله خامنه‌ای، خطبه را ادامه دادند و تصادفاً در همان لحظه ضدهوائی‌های تهران، شروع به شلیک کردند؛ منظره جالبی پیش آمد.

مردم در حالی که خیال می‌کردند، انفجار [ناشی] از بمب‌های [پرتاب شده از] هواپیما است، با رشادت ایستادند و شعار دادند و بقیه خطبه و نماز همراه با غرش ضدهوائی‌ها برگزار شد. [این جریان] یک حادثه تاریخی و [موضوع یک] فیلم تاریخی [می‌تواند باشد].

معمولاً بعد از هر عملیات و شکست عراق، ضدانقلاب داخلی که به عنوان ستون پنجم دشمن عمل می‌کند، دست به چنین جنایاتی می‌زند. ارتکاب جنایت انفجار در صفوف نمازجمعه، نشان اوج خشم و درماندگی دشمن و لاصفتی ضدانقلاب است. همانگونه که استفاده شرورانه از سلاح شیمیایی در جبهه‌ها.

شب، عملیات داریم و قرار است از [رودخانه] دجله عبور کنند. قرار شد که واحد موشکی سپاه، دستور شلیک موشک دیگری را به مناطق نظامی بغداد صادر کند. عراق هم تهدید کرده [است که شهرهای] اصفهان، شیراز، همدان و تبریز را با موشک خواهد زد.

آقای ناصر کمره‌ای آمد و از برادرش که منزل قولنامه‌ای را که به او فروخته است و حالا می‌خواهد پس بگیرد، شکایت کرد.

وصیت نامه‌ای براساس خواست حاجیه والده نوشتم؛ یک سوم اموالش را برای امور خیریه،

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

کامل ادامه خواهیم داد. ما در همه جا مراکز اساسی و حساس عراق را مورد تهاجم قرار می‌دهیم و با کمال قدرت، حرکات وحشیانه رژیم عراق را پاسخ خواهیم داد. اگر قرار باشد آنها کشتی‌ها و شهرهای ما را هدف قرار دهند و از سلاحهای شیمیایی استفاده کنند، ما محکمتر پاسخ می‌دهیم و مطمئن باشید که چنین کاری را خواهیم کرد."

وصیت کرد و بقیه را به طور عمری، به خواهرانمان دادند. مجموعاً چیز مهمی نیست؛ در حدود دو جریب باغ پسته [است].

شب هم به احتمال حمله هواپیماها[ی عراقی]، مدتی [روشنایی‌های] تهران خاموش شد و ضدهوائی‌ها کار کردند.

شنبه ۲۵ اسفند ۱۳۶۳

خبر از جبهه گرفتم که در محور غرب دجله، نیروها عملیات کرده‌اند و از دجله عبور و اتوبان بغداد - بصره را تصرف کرده‌اند ولی از شمال عمل نکرده‌اند که این نقطه ضعف کار است. بعداً معلوم شد که یکی از فرماندهان سپاه، مخالف [عملیات در این منطقه] بوده. حدس زدم که از همان جا، دشمن پیشدستی خواهد کرد [و دست به عملیات خواهد زد]؛ به آنها هم گفتم.

در مجلس، قبل از دستور، اخبار جنگ راگفتم و راجع به مقاومت عجیب مردم و رئیس جمهور در مراسم نماز جمعه در دانشگاه، هنگام انفجار بمب و وضعیت قرمز و صدای ضدهوائی‌ها تقدیر کردم و در مورد مقابله به مثل [با عراق] خط جدیدی ترسیم نمودم.[1] بصره در مقابل آبادان و

۱- در این نطق آمده است: "حادثه‌ای که دیروز در دانشگاه تهران و در مراسم نماز جمعه اتفاق افتاد، از صحنه‌های نادر و بی‌نظیر تاریخ بشریت است که باید روی این مسأله قدری توقف و درنگ شود و مسأله را باید قدری شکافت. هیچ مصداق روشنی بهتر از آنچه که دیروز ملت ما در دانشگاه تهران به نمایش گذاشته است، وجود ندارد. حیف که ناظران دنیا هم قلبشان مریض است و هم چشمانشان کور است و حسد اینها را کور کرده است و نمی‌توانند زیبایی‌های این صحنه‌ها را بفهمند و اگر بفهمند، حسدشان نمی‌گذارد، این صحنه‌های خوب را منعکس کنند و جور دیگری منعکس می‌کنند. مطالب دیگری هم که در جریان داریم، همان حضور عجیب و حماسه گویانهٔ نیروهای رزمنده ما در شرق دجله است که ناظران نظامی در دو سه ماه گذشته می‌گفتند آنجا از بزرگترین سدهای دفاعی است که در تاریخ جنگها بوجود آمده است. عبور از ۳۰ کیلومتر آب و باتلاق و آن دژهای محکم‌تر از دیوار بارلو و تصرف مواضع محکم در شرق دجله، اینها چیزهائی است که شامل حال افرادی می‌تواند باشد که مسلح به نیروی ایمان باشند و ارتباط واقعی با خداوند داشته باشند."

در بخشی دیگری از این نطق آمده است: "ما دیگر نمی‌پذیریم که صدام بگوید آبادان و خرمشهر منطقه جنگی است و بتواند به آنجا گلوله بزند. امروز گلوله زدن به آبادان و خرمشهر، جوابش گلوله زدن به بصره است و موشک پرانی و پرتاب بمب به

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

خرمشهر و بغداد در مقابل شهرهای دیگر وکشتی زدن‌ها و [به کارگیری] اسلحه شیمیائی [عراق] با بدتر از آن مقابله به مثل خواهد شد. در دفترم اخبار جبهه را تعقیب کردم. نقطه ضعف در قرارگاه نجف است؛ تدارکشان مشکل است.

عصر هم، در جلسه [مجلسِ شورای اسلامی] شرکت نکردم. آقایان ولایتی و رفیق‌دوست برای گرفتن موشک بیشتر، به کشور لیبی رفتند؛ برای ادامه مقابله به مثل.

شب را در مجلس ماندم. آخر شب، آقای [فضل‌الله] محلاتی [نماینده امام در سپاه] از قرارگاه اطلاع داد که وضع [عملیاتی در جبهه‌ها] خوب نیست. یک‌ونیم بامداد از دفتر امام زنگ زدند و بیدارم کردند. [اخباری] از [وضع] جبهه می‌خواستند. گفتم [اخبار جبهه] جالب نیست. همان لحظه آژیرها[ی خطر حمله هوایی] بلند شد و وضعیت قرمز اعلان گردید و ضدهوائی‌ها در سراسر شهر به صدا درآمدند. [موج صدای شلیک] ضدهوائی، [مربوط به ساختمان] مجلس، ساختمان [محل سکونت ما] را می‌لرزاند.

یکشنبه ۲۶ اسفند ۱۳۶۳

قرارگاه خاتم‌الانبیاء اطلاع داد که در قسمت شمال پل علف چرده، نیروهای قرارگاه نجف، عقب‌نشینی کرده‌اند. لشکر امام حسین(ع) بی‌اجازه و بدون خبر، عقب‌نشینی کرده و تیپ‌الغدیر را که از یزد هستند، تنها گذاشته [اند] و در نتیجه تیپ الغدیر قبل از عقب‌نشینی تلفات داده و فشار روی [تیپ] کربلا، خیلی شدید است.

نیروهائی که به پشت دجله، به طرف غرب رفته بودند، با شهادت آقای [مهدی] باکری، فرمانده لشکر [۳۱ عاشورا] که از سرداران رشید سپاه بود، به شرق عقب نشسته‌اند و زمزمه عقب‌نشینی کامل را مطرح کردند. با آقای [محسن] رضائی صحبت کردم. گفت خودش با عقب‌نشینی موافق

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

هر شهری از شهرهای ما، جوابش زدن موشک به بغداد است و زدن کشتیها در خلیج فارس هم، جوابش یا موشک است یا بمباران بصره. همه اینها به هم مربوط است و احتمال سلاح شیمیایی هم در میدان جنگ چیزی بدتر از آن را به عنوان جواب دریافت خواهد کرد." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۳، جلد چهارم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۵.



بانو ماه بی بی مادر گرامی آقای هاشمی

نیست، ولی دیگران اصرار دارند.

خبر زدن یک موشک دیگر به مرکز بغداد رسید. هدف کاخ صدام بوده است که بعداً معلوم شد موشک به ساختمانی نزدیک کاخ صدام، در کرواده شرقی اصابت کرده است. عراق، اخبار حمله موشکی [به بغداد] را سانسور می‌کند و به عنوان انفجار [توسط] عوامل داخلی مخالف دولت، معرفی می‌کند. رسانه‌های جهانی برای کاستن از تزلزل موقعیت صدام با او همراهی می‌کنند و معمولاً بمب‌اندازی‌های کم اهمیت عراق به ایران را، بزرگ جلوه می‌دهند.

در جلسه مجلس [شورای اسلامی] به نمایندگان خبر موشک و مشکلات جبهه را گفتم و بعد به دفترم آمدم. دائماً با جبهه تماس داشتم؛ به خاطر مشکلات بحث بودجه، باید در تهران باشیم. اضطراب شدیدی حاکم است. از آقای روحانی خواستم که به تهران بیاید و واقعیات جنگ را بگوید تا تصمیم بگیریم.

آقایان خامنه‌ای، احمد آقا، [میرحسین] موسوی و [موسوی] اردبیلی هم آمدند. قبل از اینکه به مشورت برسیم، آقای [محسن] رضائی خبر داد که تصمیم به عقب‌نشینی گرفته‌اند. مشورت منتفی شد، ولی در [مورد] کیفیت برخورد و جبران ضعف و نحوه تبلیغات بحث شد. دستاوردهای عملیات بدر و اعلان عقب‌نشینی به مواضع مستحکم جدید تصرف شده در آبهای هور، اعلام شد و دربارهٔ شلیک موشک‌های دیگری به بغداد تصمیم گیری شد.

با آقایان ولایتی و رفیق‌دوست [که برای خرید موشک به لیبی رفته‌اند]، تماس گرفتم؛ از توفیق در خرید موشک بیشتر خبر دادند.

درباره اصل [ادامه] جنگ هم صحبت کردیم. قرار شد بعداً ارزیابی نتایج کامل عملیات [بدر] و کسب نظر امام [دربارهٔ اصل ادامه جنگ]، بحث شود.

شب را در دفترم ماندم و چندبار با جبهه تماس داشتم. نگران بودم که عقب‌نشینی بدون نظم و با عجله برای نیروها مشکلاتی داشته باشد. قرارگاه، اطمینان داد که [عقب نشینی] با نظم و تحت کنترل انجام می‌گیرد. شب، دیر وقت خوابیدم.

دوشنبه ۲۷ اسفند ۱۳۶۳

بعد از نماز [صبح]، از جبهه دربارهٔ کیفیت عقب‌نشینی سئوال کردم. آقای رضائی گفت [نیروها] با نظم به طور کامل عقب نشسته‌اند ولی بعضی از وسائل [جنگی جا] مانده است که قسمتی [از این

وسایل هم] منهدم شده که به دست دشمنان نیفتد. حدود صد تا دویست نفر ممکن است [جا] مانده باشند.

[در مجلس شورای اسلامی] قبل از دستور، خبر عقب‌نشینی را به نمایندگان دادم. آنها هم مثل خود من، دمغ شدند. بعد از تنفس، به دفترم آمدم.

ظهر، خبر رسید که سومین موشک زمین به زمین به ساختمان جدید البناء وزارت خارجه بغداد، اصابت کرده است. صدای انفجار، مراسم جشنی را که صدامیها [بابت عقب‌نشینی نیروهای ایرانی] راه انداخته بودند، به هم‌زده و [صدای انفجار موشک] همراه صدای سخنران [مراسم] از رادیو پخش شده [است].[1] چندبار با قرارگاه تماس گرفتم و در تقویت روحیه و تنظیم امور [جبهه] به آنها کمک کردم.

آقای زائری و عزیزی برای مسئله ارز هیأت بین‌المجالس، و آقای [حسن] روحانی برای مسائل جبهه مراجعه کردند. با آقای [محمد حسن] زورق درباره [انتشار] اعلامیه کارنامه عملیات بدر، صحبت کردم.

عصر در جلسه علنی [مجلس شورای اسلامی] شرکت نمودم و با تلاش زیادی کار بررسی بودجه را تمام کردم و مشکلی را که بین آقای یزدی و پیشنهاد کنندگان تأسیس دفتری برای نمایندگان در حوزه‌های انتخابیه، پیش آمده بود، حل کردم.

عصر، در حالی که در مجلس [بودیم]، صدای ضدهوائی‌ها بلند شد؛ معلوم شد که سه هواپیمای عراقی به [حریم هوایی] تهران تجاوز کرده‌اند. گفته شد که یکی از آنها ساقط شده و [هواپیماهای عراقی] نتوانسته‌اند خسارتی بزنند. بمبهایشان را در بیابان انداخته‌اند.

تا ساعت نه [شب]، در دفترم کار کردم. آقای رفیق دوست از لیبی تلفن کرد و گفت موشکها[ی خریداری شده] فردا [به کشور] می‌رسد و پیشنهاد داشت که بجاست، در حالی که ملک حسین [پادشاه اردن] و [حُسنی] مبارک [رئیس جمهور مصر] در بغداد هستند، یک موشک [به بغداد] زده

۱- خبرگزاری رویتر گزارش داد: "انفجار عظیمی مرکز بغداد را به لرزه در آورد و در خیابانها وحشت ایجاد کرد." شاهدان عینی در بغداد نیز گفتند: "این انفجار در ساعت هشت و سی و دقیقه به وقت گرینویچ (۱۲ به وقت تهران) در بخش غربی رود دجله اتفاق افتاد و ستونی از دود در آن ناحیه مشاهد شد." محل انفجار در چند صدمتری کاخ صدام رخ داد، در حالی که مردم بغداد سرگرم جشن گرفتن «پیروزی مطلق» نظامی خود برایران بودند."

شود.[1]

شب، به منزل آمدم. تلفنی با رئیس جمهور و نخست وزیر و احمد آقا و... . درباره جنگ صحبت کردم. عراق اعلام کرده است که فضای ایران را، برای هواپیماهای مسافربری ناامن می‌کند؛ ما هم تهدید غیر مستقیم کردیم.

سه شنبه ۲۸ اسفند ۱۳۶۳

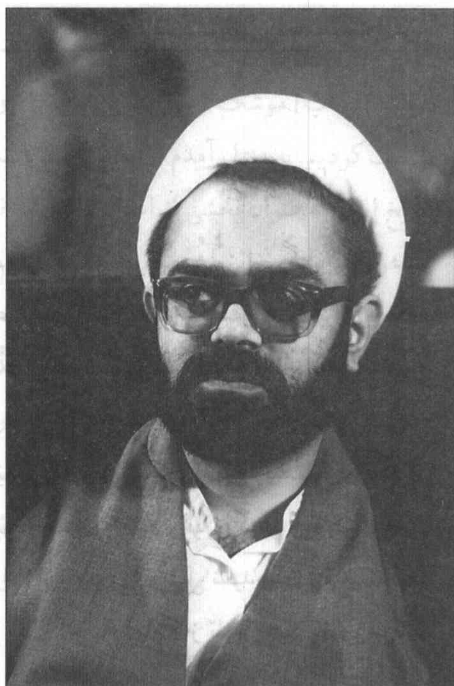
اول وقت، خبر دادند که یک موشک دیگر، به مناطق نظامی و حساس و استراتژیک بغداد زده شده. احمد آقا تلفنی گفت؛ خبرگزاریهای خارجی گفته‌اند که موشک امروز به مرکز صنعتی و نفتی «الدوره» در بغداد اصابت کرده است؛ مهم است. گفت که مصطفی فرزند آقای خامنه‌ای که در جبهه بوده، اطلاعی از ایشان در دست نیست. از فرمانده نیروی هوائی درباره خبر ساقط شدن هواپیمای عراقی در اطراف تهران و اصفهان، سؤال کردم؛ بالاخره معلوم شد که مصطفی سالم است و به تهران برگشته.

قرار شد، شب برای اصلاح لایحه بودجه و تأمین نظرات شورای نگهبان، جلسه داشته باشیم. به مجلس رفتم، ولی چون نظر شورای نگهبان دیر رسید، جلسه به فردا موکول شد. احمد آقا هم همراه من آمد. در بین راه در بیمارستان از آقای ربانی [املشی] عیادت کردیم. حالشان بهتر [شده] است و خیال می‌کند که معالجه می‌شود.

آقایان صیاد و محسن رضائی از جبهه آمدند و گزارش عملیات را دادند. باز هم [در مورد عملیات در جبهه‌ها] اختلاف نظر پیدا کرده‌اند. توفیق کم عملیات بدر و نیز تأخیرهای مکرر، معلول اختلاف نظر فرماندهان است.

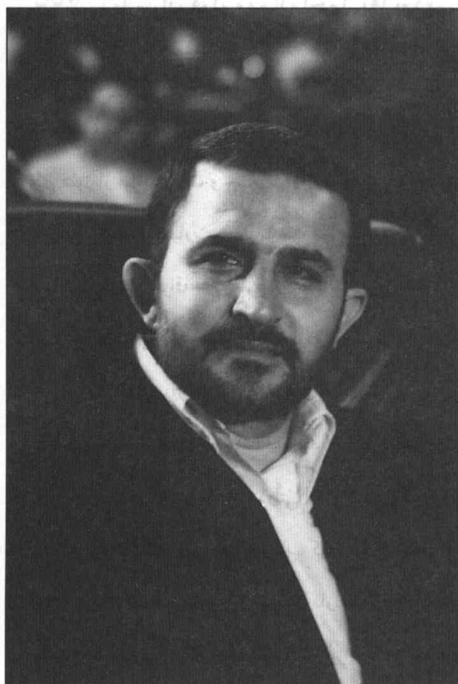
شب، در دفتر رئیس جمهور، جلسه‌ای برای عملیات تشکیل شد. نظر صیاد را تأیید کردیم و برای اجرای پیشنهادش، اختیارات را به او دادیم. آقای رضائی ناراحت شد. برای خواب، به

۱- حسنی مبارک رئیس جمهور مصر و حسین پادشاه اردن جهت نمایش همبستگی خود با عراق و به منظور بررسی راههای افزایش حمایت اعراب از عراق با صدام دیدار کردند. مبارک و شاه حسین در پی تشدید وضعیت جنگی به طور غیره منتظره‌ای وارد بغداد شدند. مبارک و شاه حسین به مدت چهار ساعت با صدام در زمینه تمامی جنبه‌های جنگ ایران و عراق مذاکره کردند.


حجت الاسلام و المسلمین جواد اژه ای


سرهنگ محمد سلیمی


مرتضی نبوی


محمد تقی بانکی

مجلس رفتم.[۱]

چهارشنبه ۲۹ اسفند ۱۳۶۳

تا ساعت دوونیم بعد از ظهر، در دفترم کار کردم. گزارشها را خواندم. هنوز [خبرگزاریهای] دنیا، در [ارتباط] با نتایج عملیات بدر، در ابهام‌اند. ساعت سه [بعداز ظهر]، جلسه مجلس برای اصلاح لایحه بودجه، تشکیل شد. قبل از جلسه، وضع جنگ را به نمایندگان گفتم و اشاره به عدم تأمین اهدافمان در عملیات کردم.

بعد از جلسه، به خاطر ضیق وقت و به پایان رسیدن سال جاری، تلفنی نظر تأیید شورای نگهبان را [درباره لایحه بودجه سال ۱۳۶۴] گرفتم و لایحه بودجه سال ۱۳۶۴ را ابلاغ کردم و به طرف منزل آمدم که موقع سال تحویل، در منزل باشم. در بین راه [از رادیوی اتومبیل شنیدم که] وضعیت قرمز اعلام شد و ضدهوائی‌ها فعال شدند. لحظه تحویل سال که پیام امام [از تلویزیون] پخش می‌شد، برق شهر خاموش شد.

شب با سران قوا، مهمان احمد آقا بودیم. امام هم در جلسه شرکت کردند. مقداری با ایشان

۱- رادیو اسرائیل در این روز گفت: "برای چهارمین بار ظرف شش روز گذشته، امروز دوباره انفجار مهیبی شهر بغداد را تکان داد ولی هنوز از میزان تلفات و خسارات وارده گزارشی منتشر نشده است. انفجار امروز بغداد نیز همانند انفجارهای قبلی در ساعت نخستین بامداد و به عبارت دقیقتر ساعت پنج صبح به وقت محلی روی داد که اکثر اهالی هنوز در خانه‌های خود به سر می‌بردند. سر فرماندهی ارتش عراق اعلام کرد در عملیات امروز، شهرهای همدان، بوشهر، اردبیل، کرند و خرم آباد هدف حمله قرار گرفته است. مقامات ایران به حمله عراق به اردبیل و کرند اشاره‌ای نکردند. در تهران پیش از ظهر امروز دوباره آژیر خطر به صدا در آمد ولی به احتمال قوی از حمله هواپیماهای عراقی خبری نبود. وضع فوق‌العاده در ساعت ده و چهل و پنج دقیقه به وقت محلی اعلام گردید و به دنبال آن مدت چند دقیقه صدای غرش آتشبارهای ضد هوایی در شمال شهر شنیده شد. دیروز نیز سه بار آژیر خطر در تهران به صدا در آمد و مقامات دولتی اعلام کردند یک فروند هواپیما قبل از آنکه هدف قرار بگیرد، موشکهای خود را به سوی ساختمانهای شمال غرب تهران پرتاب کرده بود که ظاهراً آسیبی وارد نساخته است. خبرگزاریها گزارش می‌دهند هزاران نفر از اتباع خارجی که قصد خروج از ایران را دارند، در فرودگاه مهرآباد و هتلهای شهر تهران سرگردان هستند. عراق اعلام داشته که از ساعت هشت وسی دقیقه امشب به وقت تهران به هواپیماهای مسافربری که برفراز ایران در پرواز باشند، حمله خواهد کرد. این تهدید، پروازهای داخلی ایران را نیز با اشکال جدی روبرو ساخته است.

درباره [پرتاب] موشک زمین‌به‌زمین به بغداد و مقابله‌به‌مثل با عراق و برنامه‌های آینده جنگ صحبت کردیم. به منزل آمدم و آخرین صفحات خاطرات سال ۱۳۶۳ را نوشتم که ان‌شاءالله برای تاریخ ایران به عنوان بخشی از اسناد [باقی] بماند.

در جمع‌بندی نهائی آخر سال که بخشی از آن در جلسه امشب منزل امام هم مطرح شد، [عبارت بودند از]: اختلافات فرماندهان ارتش و سپاه و دوگانگی سلیقه‌ها در نحوه جنگ که باعث تأخیرهای مکرر و اتلاف وقت شده و ضررهای زیادی هم وارد کرده [است] و حمایت‌های بی‌دریغ استکبار و ارتجاع از صدام و دادن چراغ سبز [به رژیم عراق]، برای هرگونه شرارت و ارتکاب جنایت و نقض مقررات بین‌المللی به منظور جبران ضعف [حزب] بعث عراق در جبهه‌ها و تضعیف روحیه مردم ایران، فصل مهم تاریخ شرم‌آوری برای مدعیان دموکراسی و حقوق بشر و نظم جهانی است.

پایان



ضمایم

نگاهی کلی به عملیات عاشورا

در یک سیر اجمالی، آنچه طی پنج روز آخر مهر ماه، در عرصه عملیات عاشورا در منطقه عمومی میمک و حواشی و عقبه‌های آن رخ داد، به نحو زیر قابل مرور است:

قرارگاه مشترک سلمان با فرماندهی مشترک برادر عباس محتاج از سپاه و سرهنگ زرهی امرالله شهبازی از ارتش، فرماندهی عملیات را بر عهده داشت. یک قرارگاه عملیاتی یا لشکری، به نام قرارگاه مرکزی فجر، با فرماندهی مشترک برادر باقر قالیباف فرمانده لشکر ۵ نصر سپاه و سرهنگ اتحادیه فرمانده لشکر ۸۱ باختران ارتش، امرِ هدایت و فرماندهی سه محور عملیاتی فجر ۱ و ۲ و فجر ۳ و نیز نیروی احتیاط فجر ۴ را بر عهده داشت. برادر قالیباف معاون و جانشین برادر محتاج محسوب می‌شد و در عمل، نقش اصلی فرماندهی و هدایت عملیات را وی بر عهده داشت.

عملیات، شب اول با تسلط رزمندگان خودی بر اهداف ارتفاعات گرکنی و فصیل پایان یافت. در عملیات این شب، یال میمک به دلیل عدم پاکسازی دشمن و همچنین شیار نی‌خزر، در دست دشمن باقی ماند. یکی از علل عدم موفقیت شب اول عملیات بر روی یال میمک، میدان مین گسترده‌ای بود که در حد فاصل فصیل و میمک قرار داشت. عملیات شب دوم به منظور تصرف یال میمک و تپه شهدا انجام پذیرفت. در این عملیات به دلیل ناهمواری‌های بسیار و شیارهای متعدد منطقه، نیروهای خودی در برابر یکدیگر قرارگرفتند که قبل از به وجود آمدن ضایعات قابل توجه، به وسیله فرماندهی قرارگاه به عقب فرا خوانده شدند. عملیات شب سوم که مجدداً برای دستیابی به یال میمک انجام پذیرفت. از دو محور آغاز شد. اهداف عملیات، در این شب به

تصرف کامل نیروهای خودی درآمد. تصرف یال میمک، در سرتاسری کردن خط پدافندی خودی و جلوگیری از نفوذ دشمن، نقش بسزایی را ایفا می‌نمود. پس از این موفقیت، واحدهای مهندسی خاکریز گرکنی و فصیل را به یال آزاد شدهٔ میمک وصل کردند و مرحله آفندی عملیات عاشورا در شب سوم به پایان رسید.

در پی عملیات ناموفق شب اول در شیار نی‌خزر، در شب‌های بعد نیز چه به وسیله نیروی عمل کننده در این محور (تیپ نبی‌اکرم) و به وسیله نیروی احتیاط (تیپ انصارالحسین)، عملیات ادامه نیافت و برای نجات نیروهای محاصره شده و عقب آوردن مجروحان و شهدای بر جای مانده در این محور، اقدامی میسر نشد و این خود درکنار روند جریان اصلی عملیات، به شکل یک موضع مهم، ذهن و احساس بسیاری از فرماندهان و نیروهای خودی را طی چند روز گذشته به خود مشغول داشته بود. ماجرای محاصره شدگان و مجروحان بر جای مانده، به جز تعدادی از آنها که به نحوی معجزه‌آسا نجات یافتند، پایانی دردناک یافت و برای آنان که شاهد و درگیر و به نحوی، دخیل در ماجرا بودند، رنجی عظیم باقی گذاشت.

درکنار آنچه بیان شد، حملات نیروی هوایی دشمن در منطقه و فشار زیادی که نیروهای خودی از آن ناحیه متحمل شدند، قابل ذکر است؛ به این ترتیب که: از روز دوم به بعد، نیروی هوایی عراق، در منطقه، فعالانه مراکز نیروهای خودی را مورد حمله شدید قرار می‌داد. این تهاجمات که از صبح آغاز می‌شد و تا شامگاه هر روز ادامه می‌یافت، کلیه جاده‌های عقبه، بنه و برخی مقرها را آزادانه به زیر بمباران می‌گرفت. این حملات که بعضاً در یک زمان حتی با هشت فروند جنگنده انجام می‌شد، در ارتفاع پایین، با چرخش‌ها و فرودهای ناگهانی و سپس اوج‌گیری سریع، آن چنان آزادانه صورت می‌گرفت که گویا عراق مانور هوایی خود را به نمایش گذاشته است. اگر چه این تکاپو، در روند عملیات تأثیر تعیین کننده‌ای نگذاشت و نیروهای خودی همچنان در مقابله با پاتک‌ها و حفظ ارتباطات (بین خطوط مقدم و عقبه) موفق بودند، لیکن تلفاتی به دنبال داشت؛ از قبیل: بمباران صالح‌آباد که باعث شهادت مردم غیر نظامی شد، انهدام زاغه مهمات ارتش در جنب رودخانه تلخاب، آسیب رساندن به اردوگاه و موتوری تیپ نبی‌اکرم(ص) و تعدادی از خودروهای بهداری که ستونی شکل در حرکت بودند، هدف قرار دادن جاده‌های عقبه و نیز جاده‌های اصلی ایلام و صالح‌آباد و ... در مجموع می‌توان گفت: صرف نظر از روز اول که هوا برای دشمن نامساعد بود و روز دوم عملیات که پایگاه موشکی نیروی هوایی جمهوری اسلامی سه فروند هواپیمای



دشمن را سرنگون ساخت، روزهای بعد، عقبه‌های خودی تأمین نداشت. در مورد نقاط قوت خودی، برادر محمد فرومندی یکی از فرماندهان لشکر نصر می‌گوید: «از نقاط قوت این عملیات این بود که نیروهای بسیجی از روحیه خوبی بهره‌مند بودند و با این که چهارمین ماهی بود که در منطقه بودند، اما روحیه خود را حفظ کرده بودند.» وی حتی اشاره می‌کند که پیروزی‌های بزرگ‌تری هم در دسترس من می‌توانست باشد و می‌گوید: «به علت کمبود نیرو نتوانستیم به عقبه دشمن برویم و هدف‌های مهم‌تری را بگیریم.» او همچنین به نقش زرهی خودی، به عنوان جنبه‌های دیگر از قوت خودی اشاره می‌کند: «ما در عملیات‌های دیگر شاهد بودیم که بندرت، تانک‌ها و ادوات، همراه نیروی بسیجی پشت خاکریز بیاید و جواب پاتک را بدهد؛ اما در این عملیات دیدیم که تانک‌ها هم پشت خاکریز آمدند و مقاومت کردند. دشمن هم که می‌دید ده پانزده تانک پشت خاکریز است، نمی‌توانست آن قدر جلو بیاید که با نیروی بسیجی درگیر شود.»

یکی دیگر از فرماندهان لشکر نصر، برادر سید ابراهیم شجیعی، درباره قوت‌های خودی می‌گوید: «از کارهای خوب این عملیات، تشکیل گردان ابوالفضل(ع) بود که کارهای پشتیبانی را انجام می‌داد؛ که هر گردان، در آن یک دسته داشت. دسته‌های ۲۴ نفری دارد که تعدادی از افراد آن را همان گردان‌هایی که قرار است تدارک با آنها کار کند، تأمین می‌کنند، و تیپ، بند تدارکاتی را به وسیله این ۲۴ نفر به گردان انتقال می‌دهد؛ به طوری که ما شب عملیات، همه چیزمان پای کار بود. یکی دیگر از کارهای خوب، آتش توپخانه بسیار جالب آن بود. دیگر این که دیده‌بان‌ها را در اختیار فرمانده گردان‌ها قرار داده بودند که او هم آنها را در اختیار فرمانده گروهان‌ها قرار داده بود؛ که هر دو نفر دیده‌بان در اختیار یک فرمانده گروهان بود و مثلاً دیده‌بان، همان شبانه با ما آمده بود. یکی دیگر، کار خوب مهندسی بود. البته آتش توپخانه از همه مهم‌تر بود که فرصت اقدام را از دشمن گرفت.» یکی از برادران جهاد نیز مهندسی را یکی از قوت‌های عملیات می‌شمارد و می‌گوید: «برادران جهاد و مهندسی سپاه توانستند در روز روشن و در مقابل دشمن، در محورهای پاسگاه گرکنی و اطراف آن خاکریز بزنند. در این عملیات فقط یک دستگاه گریدر که در خط اول مشغول کار بود، براثر (تیر) مستقیم تانک منهدم شد. پس از پایان عملیات نیز جهاد، کار جاده‌سازی یا بهسازی جاده‌ها و تسهیل ارتباطات جاده‌ای را عهده‌دار بود.»

در پایان شب سوم، هر چند عملیات آفندی خودی پایان یافت و در خط پدافندی مناسبی مستقر شد، اما از این پس، نوبت به پاسخ‌گویی به پاتک‌های دشمن برای حفظ منطقه تصرف شده

و تثبیت پیروزی‌های حاصل شده بود. این امر نیز دارای اهمیت و مشکلات خاص بود و یک پیکار سنگین چند روزه را شکل داد. عکس‌العمل شدید دشمن و مداومت پاتک‌ها بیان‌گر اهمیت این عملیات بود که با در نظر داشتن ملاحظات سیاسی، چهره‌ای فعال و پویا به جبهه‌های جنگ می‌بخشید. دشمن حتی پس از اعلان ورود خبرنگاران خارجی به منطقه میمک، سعی و تلاش زیادی داشت تا به هر ترتیبی شده است بازتاب این عملیات را خنثی کند. پخش مارش پیروزی نظامی از رادیو بغداد در جریان پاتک‌های دشمن، حتی قبل از آن‌که به موفقیتی جزئی در این مورد دست یابد، به همین دلیل صورت گرفت. از سوی دیگر، دشمن همچنین می‌اندیشید که می‌بایست در دشت وسیع هلاله، تحکیم موضع کند و نیروهایش را صرف پدافند در این قسمت نماید و این چیزی بود که برای دشمن در شرایط ضعف و کمبود نیروی انسانی‌اش گران می‌آمد.

در هر صورت، دشمن در پاتک‌های متعدد و سنگینش، به جز وارد کردن خسارات انسانی و تجهیزاتی ـ که خود نیز میزان عمده‌تری از آن را متحمل می‌شد ـ موفقیتی کسب نکرد. در یادداشت‌ها و گزارش‌های راویان در این عملیات، بخشی از دلایل این امر چنین ارائه شده است:

دربارهٔ توفیق نیروهای خودی در قبال پاتک‌های شدید دشمن، علاوه بر انگیزه‌های قوی رزمندگان اسلام، به چند عامل می‌توان اشاره کرد که ذیلاً ارائه می‌شود:

الف ـ دیده‌بانی خوب و اجرای آتش دقیق توپخانه؛ چه از نظر آتشی که بر روی افراد پیاده دشمن در خط ریخت و چه از نظر اجرای مؤثر ضدآتشبار که بر توپخانه دشمن غلبه یافته بود. محدودیت منطقه عملیاتی و امکان دید برتر دیده‌بان‌های خودی از روی تپه شهدا (۶۷۰) ـ که به محض شلیک توپ آتشبارهای دشمن مواضعشان را تشخیص می‌دادند ـ و همچنین تطبیق منظمی که منبعث از محدود بودن منطقه عملیاتی بود، از عوامل موفقیت توپخانه خودی است. انهدام یک آتشبار ۱۲۲ در پشت هلاله به همراه زاغه مهماتش و نیز هدف قرار دادن محل توپ ۱۳۰ دشمن، از نمونه کارهای ضدآتشبار توپخانه به شمار می‌رود. البته از روز چهارم، دشمن به موقعیت عالی دیده‌بان‌های خودی پی برد و فعالیت توپخانه خود را نسبتاً کاهش داد. برادران نیز طبعاً، همانند روزهای قبل اقدام به شلیک توپ نمی‌کردند. به جز فعالیت ضدآتشبار توپخانه خودی، علت دیگری که کاهش فعالیت توپخانه دشمن را موجب شد این بود که دشمن اکثر ارتفاعات مشرف به منطقه را از دست داده بود؛ بنابراین دید کاملی روی منطقه نداشت؛ کما این که کاتیوشای خودی زیر برد خمپاره‌های آنها بود، ولی به دلیل فقدان دید مناسب، فقط "مختصاتی" عمل می‌کردند و از

رزمندگان اسلام در جبهه های جنگ

دیده‌بانی ـ که عامل مهم‌تر و دقیق‌تری است ـ استفاده نمی‌کردند.

ب ـ فعالیت زرهی خودی: خصوصاً روز اول و دوم که خط از ضربه پذیری زیادی برخوردار بود، حضور فعال زرهی خودی، در تقویت روحیه نیروهای پیاده مؤثر بود.

ج ـ شیب زمین در خطوط مقدم (بین ما و دشمن) به‌گونه‌ای بود که پیشروی نیروهای پیاده را با اشکال مواجه می‌ساخت.

د ـ به دلیل نوع زمین دشت هلاله که چیزی شبیه خاک رس می‌باشد، به ویژه در مواقع بارانی تانک‌های دشمن تنها با اتکا به جاده می‌توانستند از سرعت عمل خود استفاده کنند و در غیر این صورت، ضربه‌پذیری‌شان بسیار بالا بود. از طرفی شیارهای اطراف ارتفاعات گرکنی و فصیل، براثر باران پر از آب می‌شد و نه تنها برای تانک، بلکه برای استفاده افراد پیاده نیز غیرممکن و یا دشوار می‌گردید.

در کنار نقاط قوت، به برخی نقاط ضعف نیز اشاره می‌شد و مد نظر فرماندهان و دست اندرکاران عملیات قرار داشت؛ از جمله یکی از فرماندهان گردان‌های لشکر نصر می‌گوید: «از نقاط ضعف ما در این عملیات، یکی این بود که ارتباط بی‌سیم ما خراب بود و ارتباط با سیم هم نداشتیم. یکی هم محدود بودن زمان شناسایی بود.» برادر امین شریعتی نماینده قرارگاه خاتم در این عملیات، نیز به نکته‌ای دیگر اشاره دارد: «برای ما تجربه شده است که نباید یک فرمانده لشکر را به عنوان فرمانده یک قرارگاه گذاشت و این مشکل بزرگی داشت و آن این بود که همیشه فرمانده لشکر به هر ترتیبی که باشد، مسائل لشکر خودش به عهده خودش است و کم‌تر به یگان‌های دیگر می‌رسد، و این اشکال بزرگی در رده قرارگاه بود که قرارگاه، بیشتر به محور فصیل و گرکنی اهمیت داد. در محور فصیل، اکثر ارتباطات قرارگاه با لشکر نصر بود.» حفاظت امنیت منطقه و هوشیاری دشمن نیز از جمله نقاط ضعف شمرده شده است؛ به نحوی که از فرماندهی قرارگاه سلمان خواسته شد که ضمن ارسال گزارش کامل عملیات، علل ضعف حفاظت منطقه را نیز بررسی کند و توضیح دهد.

نتایج و دست‌آوردهای کلی و نهایی عملیات میمک، در گزارش منتشر شده به وسیله سپاه چنین بازگو شده است: «ـ باز پس گیری بیش از ۵۰ کیلومتر مربع از مناطق اشغالی ـ تصرف بخش مهمی از ارتفاعات منطقه (فصیل و کرگنی) ـ تهدید جاده بدره ـ مندلی ـ آزاد شدن جاده مرزی خودی ـ وارد ساختن ضایعات و تلفات زیر به دشمن: ۱۴ گردان پیاده و زرهی دشمن از ۷۰ تا

صددرصد منهدم گشت. علاوه براین، ۱۹۰ نفر اسیر از دشمن تخلیه شد که در میان آنها ۷۲ درجه دار و ۱۲ افسر ارشد مشاهده می‌شد ـ سقوط سه فروند هواپیما و دو فروند هلی‌کوپتر ـ انهدام ۷۵ تانک و نفربر و ده‌ها دستگاه خودرو و همچنین سه دستگاه لودر و بلدوزر. همچنین در این عملیات، تعداد نه دستگاه تانک نیز به غنیمت گرفته شد.» در مورد تلفات خودی نیز به تعدادی شهید و حدود ۹۰ مفقود و اسیر اشاره شده است.[۱]

۱- منبع: "روزشمار جنگ ایران وعراق، جلد سی‌وسوم، مرکز مطالعات جنگ سپاه پاسداران، صفحه ۵۸۵.

پاسخ نامه یاسر عرفات

برادر گرامی جناب آقای یاسر عرفات
ریاست سازمان آزادیبخش فلسطین

نامه مورخ ۱۸ شعبان ۱۳۰۴ جنابعالی که فرستاده مخصوص شما جناب ابوخالد درباره آن توضیحاتی شفاهی و از روی نوشته دیگری که گفتند از الفاظ و انشاء خود جنابعالی تدوین شده دادند، دریافت گردید، مطالب ثبت و اظهار شده که متن آن را بعداً چند بار مطالعه کردم از جهتی سخت مایه اندو هم گردید و از جهتی مایه امید؛ مایه امید از آن جهت که برادران فلسطینی ما پی به اشتباهات خودشان و خیانتهای دشمنانِ دوست نمایشان برده‌اند و دارند آماده اصلاح خط حرکت می‌شوند. و تأسف و اندوه از آن جهت که شخصیتهای بزرگ مبارز و پر سابقه و کار آزموده فلسطین، چرا به این آسانی در تله فریب فریبکاران خود فروخته اِفتاده بودند.

اینکه فرموده‌اید برای شما روشن شده که حزب بعث عراق و شخص صدام به نیابت از آمریکا جنگ را علیه انقلاب اسلامی ایران آغاز کرده است و ادامه می‌دهد، کشف و اظهار این مطلب مایه امید است ولی دیر فهمیدن یا دیر گفتن شما مایه تأسف.

اعلان اینکه در کنفرانس شوم طائف، شاهِ یکی از کشورهای مهم عربی در محضر جنابعالی به

ص ۱

جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی
دفتر رئیس

شماره ۰۰/۹۸۳۵/۱۰۰
تاریخ ۶۲/۲/۱۶
پیوست دارد

بسمه تعالی

برادر گرامی ریاست سازمان آزادیبخش فلسطین جناب آقای یاسر عرفات

نامه مورخ ۱۸ شعبان ۱۴۰۳ جنابعالی که توسط [illegible] فرستاده مخصوص شما جناب ابو[illegible] درباره آن دو صفحه شفاهی و از دو نوشته دیگر که گفته اند از الفاظ و [illegible] خود جنابعالی نه دستی شده داده اند دریافت گردید مطالب مثبت و اظهار شده که متن آن را اینجانب چند بار مطالعه کردم از جهتی سخت مایه اندوهم گردید و از جهتی مایه امید است مایه امید از آن جهت که برادران فلسطینی ما هم به زشتیهای خودشان و جنایتهای دشمنان دولت [illegible] پی برده اند و دارند آماده اصلاح خط حرکت میشوند و تأسف و اندوه از آن جهت که شخصیتی بزرگ و مبارز

صدام گفت: "جنگ را علیه ایران شروع کن و تا نابودی انقلاب اسلامی ادامه بده و من در مقابل هر سنگی که از دست بدهی، پنج سنگ به عراق می‌دهم."

افشاء این سند تکان دهنده ضمن اینکه امروز هم پر ارزش است، اما اگر زودتر می‌گفتند آن هم نه به ما بلکه به مسلمین و آزادی خواهان دنیا و مخصوصاً مردم فلسطین، شاید برای پایان جنگ و جلوگیری از ریختن خون مسلمین مؤثر می‌افتاد و تعجب و تأسف ما این است که چرا آزادگان و آوارگان فلسطینی خودشان از این اطلاع استفاده نکردند.

اینکه امروز به این نتیجه رسیده‌اید که: "سگهای حریص عرب ـ گر چه از نظر اینجانب این تعبیر برای مسئولان به ظاهر مسلمان عرب، زیاد مناسب و خوشایند نیست ـ که فلسطین و سازمان فلسطین را دارند می‌خورند و در عزایشان ریاکارانه اشک تمساح می‌ریزند." شناخت ماهیت خیانت کاران برای آینده جهاد مقدس، آزادی فلسطین را نوید می‌دهد ولی غصه‌ای است که دیر فهمیدن یا دیر اظهار کردن این مطلب، خسارت عمده‌ای به آرمان مردم فلسطین و مسلمانان و عرب وارد آورده است و ان‌شاءالله جبران خواهید کرد.

اعتراف به اشتباه مسئولان فلسطینی در ملاقات با دشمنان تروریست ما که دستشان به خون بهترین مسلمانان و حامیان مردم فلسطین از قبیل دکتر بهشتی و دکتر باهنر و محمد منتظری و رجائی و ... آلوده است، چنین اشتباه مهمی اندوه دارد و اگر جبران بشود سازنده است.

نصایح و خیرخواهی‌ها و توضیح توطئه جدید آمریکا و ارتجاع علیه ایران را که در نوشته جداگانه ارائه دادند و راه‌حلهای پیشنهادی و پیشنهاد کمکهای مشخص سازمان فلسطین در به هم زدن توطئه و رسوا نمودن صدام قابل توجه و قدردانی است.

اینکه از مذاکرات مأمور و عامل یکی از کشورهای عمده عربی و اسلامی با شولتز و مهره‌های کنگره آمریکا و تکمیل توطئه و خطوط اجرائی آن ما را مطلع فرمودید و راه‌های مبارزه و به هم زدن آن را پیشنهاد نمودید، متشکرم.

در قسمت اول، مطلب همان است که فرموده‌اید و اسناد و کانالهای دیگری هم آن را تأیید می‌کند. همانگونه که نوشته‌اید آمریکا دارد با فعالیتهای سیاسی زمینه دخالت نظامی را درست می‌کند و همانگونه که فهمیده‌اید قصدشان خاتمه دادن جنگ نیست و بلکه می‌خواهند از این طریق حضورشان را در خلیج فارس عینیّت دهند و انقلاب اسلامی را نابود کنند و سپس به بهانه‌های دیگر به این حضور ادامه دهند و حکام عرب را مثل اسیر در اختیار داشته باشند و در

نتیجه آرمان فلسطین را هم قربانی کنند و دوام حکومت صهیونیسم را تضمین نمایند. اما راه نجات آن نیست که شما پیشنهاد کرده‌اید.

از کنفرانس اسلامی و غیر متعهدها چیزی بدست نخواهد آمد. دشمن و مخصوصاً ابرقدرتها در آنجاها نفوذ قوی دارد. پیشنهاد محور قرار گرفتن قرارداد ۷۵ الجزیره هم راه‌گشا نیست: اولاً صدام آن را یک طرفه لغو کرده و ثانیاً شخص صدام با جنایات فراوانش دیگر نمی‌تواند طرف صحبت و مذاکره و عهد قرار گیرد. و اگر بشود آنگونه که شما حساب کرده‌اید از این طریق به سقوط او نمی‌رسیم. زیرا بوقهای تبلیغاتی استکبار جهانی به گونه‌ای توجه خواهند کرد که آبروی رفته او را برگردانند و ملت عراق را گول بزنند و باز قهرمان صلح قادسیه بسازند. بی‌شک چنین مزدوری را که تا این حد حاضر بشود به جهان اسلام ضربه بزند به آسانی از دست نخواهند داد.

ولی اگر صدام سقوط کند ما می‌توانیم با مردم عراق با صلح و صفا زندگی کنیم و اینگونه مسائل مادی را حل کنیم. پذیرفتن آتش‌بس، مرزهای ما را مثل مرز سوریه و لبنان با اسرائیل خواهد کرد و برای مدت طولانی ملتهای منطقه دچار کشمکش و مسابقه تسلیحاتی و برخوردهای کینه‌توزانه تبلیغاتی خواهند شد و وسیله سوء استفاده دشمنان و باجگیری فرصت طلبان از دو طرف یا چند طرف و اسرائیل در این میان نفس راحت خواهد کشید.

باید ریشه فساد را کند و امنیت و صلح واقعی به مردم منطقه داد. شما اگر در این حرکت پیشقدم شوید، به جای جلب اعتماد مردم ایران مورد تهمت جدیدی هم قرار می‌گیرید. بهتر است خودتان را کنار بکشید و اگر مانعی ندارید حقایق را بگوئید که از این راه بهتر به مقصد می‌رسیم.

اظهار تأسفتان از تحویل اسلحه‌های جدید توسط شوروی و غربیها به عراق بجا است ولی تجربه ثابت کرده این اسلحه‌ها نمی‌تواند صدام را نجات بدهد. در طول جنگ همیشه دشمن ما از نظر سلاح بر ما تفوق داشته و همیشه شکست خورده و عملاً این سلاح‌ها بعد از هر عملیات مقداری سالم در اختیار ما قرار گرفته. ان‌شاءالله این سلاح‌ها علیه اسرائیل و برای نجات مردم فلسطین به کار خواهد رفت.

از دخالت آمریکا هم نگران نباشید. ایران مثل افغانستان و ویتنام و لبنان نیست. در ایران چند میلیون جوان آماده شهادت آموزش دیده و در میدان جنگ دوره دیده‌اند و اگر آمریکا مستقیماً وارد جنگ با ما شود، در سراسر دنیا جنگ واقعی اسلام با کفر راه خواهد افتاد و در آن صورت کاخ شیشه‌ای امپریالیسم از هر سو سنگباران خواهد شد و همانگونه که خودتان پیشنهاد داده‌اید در



یاسر عرفات (ابو عمار) رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین - ساف

آن حال نیروی فلسطین هم در همه دنیای عرب و غیر عرب می‌توانند درکنار ما علیه دشمن واقعی‌شان و عامل اصلی و عمال دست نشانده او به جهاد برخیزند.

فرستاده شما گله‌هایی هم از مسئولان ایرانی مطرح کردند که می‌خواستند از عوامل دور شدن سازمان شما از جو انقلاب و نزدیک شدن به مرتجعان و مخالفان انقلاب به حساب آورند. ما ضمن اینکه نمی‌خواهیم خودمان را از عیوب تبرئه کنیم، این گله‌ها را نمی‌پذیریم. شما می‌دانید به محض پیروزی انقلاب، سفارت اسرائیل در ایران رژیم گذشته را به سفارت فلسطین تبدیل کردیم و اولین کشوری هستیم که عنوان سفارت به نمایندگی شما دادیم و امام امت روز جمعه آخر رمضان را روز قدس اعلان کردند و با طاغوتیان مصر و جنایتکاران کمپ دیوید قطع رابطه کردیم و ایران را خانه دوم شماها اعلان نمودیم. تا امروز هم همان سیاست را ادامه می‌دهیم و یک روز هم در هدف اعلان شده انقلاب که تشکیل حکومت فلسطینی در کل اراضی فلسطینی است، دست برنداشته‌ایم و برنخواهیم داشت و در بحبوحه گرفتاریها، نیرو به لبنان اعزام داشته‌ایم و شما خود سهم اساسی ما در اخراج ارتشهای اشغالگر از لبنان و به هم زدن توطئه تشکیل اسرائیل دوم توسط فالانژها در لبنان می‌دانید و مطلعید که امروز قدرت انقلاب اسلامی ماست که تنور جهاد را در جنوب لبنان گرم دارد که اسرائیل را در تنگنا قرار داد.

به نظر اینجانب آنچه را که علت و عامل در این خصوص خواندند، معلول حرکت شما در جهت رفتن به سوی تز غلط حل مسالمت‌آمیز مشکل فلسطین است که یکی از مسئولان طراز اول دنیای عرب در تهران به خود اینجانب گفت: "ما از فلسطینی‌ها بیشتر فلسطینی نیستیم و آنها می‌گویند سالها با جنگ نتوانستیم چیزی بدست بیاوریم، بگذاریم یکبار هم با صلح اقدام کنیم" من همان روز به ایشان گفتم: این به معنای قبول غصب همیشگی فلسطین توسط صهیونیسم و نابودی آرمان فلسطین است و امروز هم همین را می‌گویم.

در خاتمه یکبار دیگر اعلان می‌کنم: راه درست نجات فلسطین، اسلامی کردن انقلاب فلسطین است و اگر چنین چیزی بوجود آید، خواهید دید که جمهوری اسلامی با همهٔ امکانات در صحنه نبرد آنجا حاضر است. والسلام علی من اتبع الهدی

رئیس مجلس شورای اسلامی
اکبر هاشمی رفسنجانی

نامه اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

اشاره: در پی ایراد خطبه نماز جمعه مورخ ۱۶ شهریور ۱۳۶۳ و حمایت از دولت مهندس میرحسین موسوی، جناح مقابل دولت با ارسال این نامه به خطبه مذکور واکنش نشان دادند. این نامه و پاسخ آقای هاشمی رفسنجانی بخشی از چالش‌های جاری و مداوم سال ۶۳ را به تصویر می‌کشد.

حضور محترم حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای هاشمی
امام جمعه موقت تهران دامت برکاته

باسلام و اهداء تحیت و آرزوی سلامتی و توفیق روز افزون شما

از آنجاکه مقام امامت جمعه در شرع مقدس اسلام از والاترین و مقدس‌ترین مقامات اسلامی است که امام چهارم حضرت امام علی‌بن‌الحسین زین‌العابدین علیه و علی آبائه الاف التحیه و الثناء دربارهٔ آن فرموده است: اللهم ان هذا المقام لخلفائک واصفیائک و مواضع امنائک فی‌الدرجه

الرفیعه التی اختصصتهم بها.

لازم است خطبه این نماز مقدس از هرگونه ریب و شکی مصون و محفوظ بماند. به خصوص خطبه‌هایی که توسط شخصی مثل آن جناب در مکانی مثل دانشگاه تهران ایراد و در سطح کشور پخش می‌شود و مایلیم که سمعه و شخصیت شما و تأثیر تحلیلهائی که از سوی جنابعالی مطرح می‌شود، محفوظ بماند.

خطبه جنابعالی در روز جمعه ۶۳/۶/۱۵ حاوی مطالبی بود که به نظر قابل گفتگو می‌رسد. برای انجام یک وظیفه اسلامی و به عنوان نصح و یادآوری و تحقق فرمایش معصوم: (المؤمن مراةالمؤمن) نمونه‌هائی را تذکار و اشاره می‌نمائیم و امیدواریم که مورد توجه شما قرار گرفته در فرصتهای مناسبی، همانطور که وعده فرموده‌اید ترمیم نمائید.

۱- تعبیرات شما درباره سخنان امام در ملاقات هیأت دولت که "این بیان اختلافات جدیدی را بوجود آورد" و یا اینکه "توده خلق و صاحبان انقلاب درباره آن متحیرند" و یا اینکه "مقصود امام عین کاری است که دولت تا به حال می‌کرده است" و یا اینکه "تحقیقاً نظر امام این نیست" و یا اینکه "اگر آدم خیال می‌کند الان بخش خصوصی در میدان نیست، یک اشتباه است" (که تصور نسبت "با امام را بوجود می‌آورد) و آن را مقطعی تفسیر کردن، در مجموع مورد انتظار نبود چه اینکه کلام امام کاملاً مبین و مقصود از آن برای همه روشن و آشکار بود و صراحتاً دستور فرمودند "دولت کارهائی را به عهده بگیرد که از عهده مردم خارج است" و جلوی آزادی مردم را گرفتن (مشروع نیست) و شما هم می‌دانید که اگر کسی بگوید تا به حال هم همینگونه بوده است، خالی از (اشتباه) نیست.

۲- آیا نقل بعضی از تفسیرهای رکیک رادیوهای خارجی که مثلاً امام برای جلب نظر بازاریان چنین فرموده در یک تریبون عمومی مصلحت بود؟ و منشاء شبهه برای کسانی نمی‌شد؟

۳- اینکه ارز حاصل از صادرات در اختیار خود صادر کننده است، جز در موارد محدود و معدود واقعیت ندارد و اگر چنین بود، صنعت فرش و صادرات آن به نابودی و اضمحلال کشیده نمی‌شد.

۴- آماری که در مورد تقسیم‌بندی تجارت خارجی و سهم بخش خصوصی در تجارت نقل کرده‌اید، مطابق واقع نیست و به نظر می‌رسد کسانی که این آمار را در اختیار جنابعالی گذارده‌اند با زیرکی خاصی موارد را خلط کرده‌اند و آماری را هم که در مورد برنج نقل کردید، همین‌گونه است

بسمه تعالی

حضور محترم حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای هاشمی امام جمعه موقت تهران دامت برکاته

با سلام و اهداء تحیت و آرزوی سلامتی وتوفیق روز افزون شما

از آنجا که مقام امامت جمعه درشرع مقدس اسلام ازوالاترین ومقدسترین مقامات اسلامی است که امام چهارم حضرت امام علی بن الحسین زین العابدین علیه وعلی آبائه الاف التحیه والثناء درباره آن فرموده است : اللهم ان هذا المقام لخلفائک واصفیائک و مواضع امنائک فی الدرجه الرفیعه التی اختصصتهم بها .

لازم است خطبه این نماز مقدس از هرگونه ریب وشکی مصون ومحفوظ بماند . بخصوص خطبه‌هائی که توسط شخصی مثل آنجناب درمکانی مثل دانشگاه تهران ایراد ودرسطح کشور پخش میشود و مایلیم که سمعه وشخصیت شما وتاثیر تحلیلهائی که ازسوی جنابعالی مطرح میشود محفوظ بماند .

خطبه جنابعالی در روز جمعه ۶۳/۶/۱۵ حاوی مطالبی بود که بنظر قابل گفتگو میرسد. برای انجام یک وظیفه اسلامی وبعنوان نصح ویادآوری وتحقق فرمایش معصوم : (المؤمن مراه المؤمن) نمونه‌هائی راتذکار واشاره مینمائیم وامیدواریم که مورد توجه شما قرار گرفته در فرصتهای مناسبی همانطور که وعده فرموده‌اید ترمیم نمائید .

۱ـ تعبیرات شما درباره سخنان امام درملاقات هیئت دولت که "این بیان اختلافات جدیدی را بوجود آورد" ویا اینکه "توده خلق وصاحبان انقلاب درباره آن متحیرند" ویا اینکه "مقصود امام عین کاری است که دولت تابحال میکرده است" ویا اینکه "تحقیقاً نظر امام این نیست" ویا اینکه "اگر آدم خیال میکند الان بخش خصوصی در میدان نیست یک اشتباه است" (که تصور نسبت " اشتباه " بامام را بوجود میآورد) وآن را مقطعی تفسیر کردن، در مجموع مورد انتظار نبود چه اینکه کلام امام کاملا" مبین ومقصود از آن برای همه روشن وآشکار بود وصراحتا" دستور فرمودند" دولت کارهائی را بعهده بگیرد که ازعهده مردم خارج است " وجلوی آزادی مردم را گرفتن (مشروع نیست) و شما هم میدانید که اگر کسی بگوید تابحال هم همینگونه بوده است خالی از (اشتباه) نیست .

۲ـ آیا نقل بعضی از تفسیرهای رکیک رادیوهای خارجی که مثلا" امام برای جلب نظربازاریان چنین فرموده دریک تریبون عمومی مصلحت بود ؟ ومنشاء شبهه برای کسانی نمیشد؟

۳ـ اینکه ارز حاصل ازصادرات در اختیار خود صادر کننده است جز در موارد محدود ومعدود واقعیت ندارد واگر چنین بود صنعت فرش و صادرات آن بنابودی واضمحلال کشیده نمیشد .

۴ـ آماری راکه درمورد تقسیم بندی تجارت خارجی وسهم بخش خصوصی درتجارت نقل کرده‌اید مطابق واقع نیست وبنظر میرسد کسانیکه این آمار را دراختیار جنابعالی گذارده‌اند با زیرکی خاصی موارد را خلط کرده‌اند وآماری را هم که درمورد برنج نقل کردید همینگونه است چه اینکه آمار مصرف در سال ۶۲ طبق نقل مصادر رسمی (وزارت بازرگانی و وزارت کشاورزی) بین ۱/۲۵۰ تا ۱/۴۰۰ ملیون تن بوده نه دو ملیون تن انتظار

چه اینکه آمار مصرف در سال ۶۲ طبق نقل مصادر رسمی (وزارت بازرگانی و وزارت کشاورزی) بین ۱/۲۵۰ تا ۱/۴۰۰ میلیون تن نه دو میلیون تن؛ انتظار می‌رود دستور دهید بعدها آمار دقیق‌تری در اختیارتان بگذارند.

۵- اینکه قسمت عظیم صادرات را بخش خصوصی انجام می‌دهد با توجه به اینکه صادرات کشور در حال اضمحلال است و در سال ۶۲ (طبق مجموعه جداول آمار مقدماتی صادرات و واردات گمرک ایران) فقط ۳۵۰ ملیون دلار بوده است، تعبیر جالبی است که خالی از لطف نیست.

۶- آمار موافقتهای اصولی وزارتخانه‌های صنایع و صنایع سنگین صحیح بود اما اشاره نفرمودید که اولاً ارزش دلاری آن به چه نسبتی بوده و لابد توجه دارید که امروز وارد کردن کوچکترین دستگاه مورد نیاز یک کارگاه معمولی، نیاز به موافقت اصولی دارد که آمار چشم پرکن بالا را تأمین می‌نماید و ثانیاً چند درصد از موارد یاد شده تا به حال اجراء شده و پیاده گردیده است. بد نیست یادآور شویم که میانگین ارزشی موافقتهای اصولی مزبور بسیار پائین بوده و به خصوص با توجه به بالا رفتن شاخص قیمتها، نتیجه بسیار تفاوت می‌کند.

۷- به نظر می‌رسد لزومی نداشت که مسأله برنج این چنین بزرگ مطرح شود و تصمیم‌گیری درباره آن همچون گذشته به حساب مسئولین سه قوه و فرمایشهای آیت‌الله منتظری و و و گذارده شود که خود نشان ضعف تصمیم‌گیری دولت و خوراک جالبی برای رادیوهای خارجی خواهد بود.

امیدوارم طرح جدید با حسن نیت کامل و پیش‌بینی لازم و نظم دقیق اجرا شود؛ نکند خدای ناکرده به شکلی پیاده شود که موجب نارضائی بیشتر کشاورزان زحمتکش و مصرف کنندگان مستضعف و بدبینی آنها نسبت به مقامات محترمی شود که در اینجا نام بردید و احیاناً بهانه‌ای برای شکست طرح جدید و بازگشت به وضع سابق گردد.

۸- اعتراف صریح جنابعالی به کسر ارزش ریال نسبت به قیمت اعلام شده، قطع نظر از گفتگوهائی که در تحلیل آن وجود دارد، سیاست و روش درستی به نظر نمی‌رسد و احتمالاً موجب سقوط بیشتر ریال در بازارهای بین‌المللی می‌گردد.

۹- در پایان انتساب تراشیدن سر ـ که در روایات مطرح است و از سنن حضرت ابراهیم(ع) شمرده شده ـ به (سنتهای قدیم بت پرستهای طرفهای شرق) همراه با تعبیرات طنزگونه و اهانت‌آمیز نسبت به مقام علماء اعلام، جمله‌ای است که لازم است ترمیم شود. لطفاً به باب ۶۰

ابواب آداب الحمام کتاب الطهاره وسائل الشیعه مراجعه فرمائید. به خصوص که این جمله مقارن روزهائی گفته می‌شود که هزاران مسلمان متدین و متعهد به عنوان یک فریضه شرعی سر تراشیده‌اند!!

در مجموع، خطبه یاد شده خالی از یک نوع اضطراب نبود و نکات قابل گفتگوی فراوانی داشت که به طور خلاصه یادآور می‌شویم.

۱- انتظار نمی‌رفت دستورات و رهنمودهای مکرر و مؤکد و صریح امام بزرگوار که نشان دهنده نگرانی خاص معظم له از ادامه وضع موجود و ضرورت اتخاذ رویه جدید بود تا حدی که فقیه عالیقدر آیت‌الله منتظری بر همین مبنا، دولت را مؤظف به جبران اشتباهات گذشته و اتخاذ تصمیمات جدید فرمودند، و ریاست محترم جمهوری جناب آقای خامنه‌ای در نماز جمعه ۹ شهریور بیانات حضرت امام را به ترسیم خط اساسی در برنامه‌های حکومت اسلامی تعبیر نمودند، اینگونه تفسیر و تأویل شود، آن هم به وسیله مثل جنابعالی که در اذهان عمومی موضعگیری در مقابل حضرت امام تلقی گردد و این فاجعهٔ بسیار بزرگ و خطرناکی است.

۲- با صراحت می‌گوئیم، با هیچ معیاری صحیح نیست افرادی راکه می‌خواهند از احکام اسلام دفاع کنند با برچسب طرفداری از مستکبران و هژبرها به آنان حمله شود. هیچکس نمی‌خواهد از گردن کلفتها و مستکبران حمایت کند، ولی شرعاً جایز نیست که به افراد متدین بازاری که همواره در خدمت انقلاب بوده‌اند، تنها به جرم داشتن امکانات مادی با این الفاظ زشت و ناشایست توهین شود.

۳- به طور مسلم نباید اجازه داد عده‌ای حقوق مردم را غصب نموده و اموال عمومی را به غارت برند ولی مورد حمله قرار دادن قشری و نادیده گرفتن قشر دیگر، سؤال انگیز است.

۴- بدون تردید خط انقلاب تغییر نکرده و نخواهد کرد، چه اینکه خط انقلاب خط اسلام است و حلال و حرام شرع مقدس اسلام الی یوم القیامه غیر قابل تغییر است، ولی به همین دلیل چه بسا خطوط اجرائی موجود باید با رهنمودهای امام لامحاله تغییر نماید.



جناب آقای هاشمی، امیدواریم این تذکرات دوستانه را از دوستانتان بپذیرید و در نزدیکترین فرصت جبران فرمائید که داشتن شهامت جبران اشتباه، زیبنده مثل شما است. باشد که خداوند

متعادل در ظل توجهات حضرت ولی عصر(عج) و با رهبری امام امت مرجع عالیقدر امام خمینی مدظله العالی، انقلاب و حکومت جمهوری اسلامی ایران را به اهداف عالیه خود نائل گرداند.

والسلام علیکم و رحمت‌الله و برکاته

آقایان: روحانی ـ آذری ـ کریمی ـ ابطحی ـ راستی ـ تهرانی ـ محقق ـ یزدی ـ طاهر شمس ـ مکارم ـ استادی ـ خرازی ـ مظاهری ـ حرم پناهی و شرعی

تعبیر نمودند، اینگونه تفسیر وتأویل شود آنهم بوسیله مثل جنابعالی که درأذهان عمومی موضعگیری درمقابل حضرت امام تلقی گردد واین فاجعه بسیار بزرگ و خطرناکی است .

۲- با صراحت میگوئیم با هیچ معیاری صحیح نیست افرادی را که میخواهند از احکام اسلام دفاع کنند با برچسب طرفداری از مستکبران وهژبرها بآنان حمله شود.

هیچکس نمیخواهد ازگردن کلفتها و مستکبران حمایت کند ولی شرعاً جایز نیست که به افراد متدین بازاری که همواره درخدمت انقلاب بوده اند تنها بجرم داشتن امکانات مادی با این الفاظ زشت وناشایست توهین شود.

۳- بطورمسلم نباید اجازه داد عده ای حقوق مردم را غصب نموده و اموال عمومی را بغارت برند ولی مورد حمله قرار دادن قشری ونادیده گرفتن قشر دیگر سؤال انگیز است .

۴- بدون تردید خط انقلاب تغییر نکرده ونخواهد کرد چه اینکه خط انقلاب خط اسلام است وحلال وحرام شرع مقدس اسلام الی یوم القیامه غیر قابل تغییر است ، ولی بهمین دلیل چه بسا خطوط اجرائی موجود باید با رهنمودهای امام لامحاله تغییر نماید.

* * *

جناب آقای هاشمی، امیدواریم این تذکرات دوستانه را از دوستانتان بپذیرید ودرنزدیکترین فرصت جبران فرمائید که داشتن شهامت جبران اشتباه زیبنده مثل شما است باشد که خداوند متعال درظل توجهات حضرت ولی عصر (عج) وبا رهبری امام امت مرجع عالیقدر امام خمینی مدظله العالی انقلاب و حکومت جمهوری اسلامی ایران را به اهداف عالیه خود نائل گرداند.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

۶۳/۹/۱۹

تاریخ ــــ ماه ــــ ۱۳۶ــــ

شماره ــــ

بسم الله الرحمن الرحیم

محضر شریف حضرات آیات و حجج اسلام و آقایان روحانیون اعضاء محترم جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

اطال الله بقائهم.

نامه بی امضای شما که ظاهراً با انگیزه حفظ حوزه و اصلاح امر تهیه شده توسط جناب آقای [illegible]

بدستم رسید از نصایح و تذکرات شما استفاده کردم و متشکرم. لازم دیدم در جواب به نکاتی اشاره کنم:

۱- تنظیم کننده نامه عجله و ناشی گری در تفاهم و ایرادات و در ارتباط مطالب انتهایی در خطبه

مورخ ۱۵/۱۰/۶۷ [illegible] نموده است و لذا بعضی از انتقادات مکرر یا غیر مربوط آمده است.

۲- امکان یا فرصت مراجعه به منابع مطالب هم ظاهراً برای نویسنده نبوده و مطالبی از

یا بکلی غیر صحیح شده و یا توضیحی که در باره بعضی از آنها در نامه شما مطرح شده [illegible]

۳- [illegible]

۴- در تذکر شماره ۱ و ۲ که [illegible] است ربطی به [illegible] مربوط نمی شود [illegible]

تا انتقادات خود را منعکس [illegible] خدمتتان پیام دادم که [illegible] [illegible]

درباره راهنمایی ایشان صحبت کنم و [illegible] که اگر [illegible] [illegible]

توجه فرمایید و اگر [illegible] ملاحظه کرده اند [illegible] اصلاح کشور و [illegible]

پاسخ به نامه جامعه مدرسین

بسم‌الله الرحمن الرحیم

محضر شریف حضرات آیات و حجج اسلام آقایان روحـانی، آذری، کـریمی، ابطحی، راستی، تهرانی، محقق، یزدی، طاهر شمس، مکارم، استادی، خـرازی، مظاهری، حرم پناهی و شرعی اطال الله بقائهم.

نامه پند آموز شما که بی‌شک با انگیزه خیرخواهی و اصلاح امور تهیه شده، توسط جناب آقای شرعی بدستم رسید. از نصایح و تذکرات شما استفاده کردم و متشکرم و لازم دیدم در جواب به نکاتی اشاره شود.

۱- تنظیم کننده نامه، حوصله و تأمّل کافی در مضامین و اهداف و روابط مطالب اینجانب در خطبه مورخ ۱۳۶۳/۶/۱۶ نفرموده است، لذا بعضی از انتقادات معکوس یا غیر مـربوط آمـده، امکان یا فرصت مراجعه به منابع مطالب و آمار برای نویسنده نبوده و دچار اشتباه یا نتیجه گیری غیر صحیح شده و با توضیحی که درباره همه بندهای نامه شما می‌دهم، مطالب روشن می‌شود.

۲- شما می‌دانید که خود من به بعضی از تندرویها و افراط کاری‌ها در دولت و مجلس و قوه

قضائیه و نهادهای دیگر اعتراض دارم؛ ولی حق نمی‌دانیم که کارهای خوب را ندیده بگیریم.

۳- در مورد بند ۱ و ۲ که به امام امت روحی له الفداء مربوط می‌شود، بهتر است من و شما تابع قضاوت خود معظم له باشیم. اینجانب قبل از خطبه به خدمتشان پیام دادم که می‌خواهم درباره راهنمائیهای ایشان صحبت کنم و هدف و جهت را هم گفتم و نظرم این بود که اگر تذکری دارند بدهند و نیز به مطالب من توجه فرمایند و اگر اشتباهی ملاحظه کردند، بفرمایند که اصلاح شود و خوشبختانه بعد از شنیدن اظهارات اینجانب به حاج سید احمد آقا ـ آیت‌الله زاده محترم ـ از مطالب خطبه مورد بحث، اظهار رضایت فرموده بودند و شما می توانید از محضر شریفشان استفسار نمائید و در نتیجه چند تذکر را که در بندهای یک و دو آمده پس بگیرید.

۴- در بند ۳، نویسنده خیال کرده که من گفته‌ام در گذشته دولت ارز حاصل از صادرات را به خود صادرکننده داده در حالی که نظر من بیان حکم مالکیت ارز است که گفته‌ام ملک اوست و اگر عینک دیگری بر چشم بود، این مطلب را در جهت افکار و عقاید خودتان می‌دیدید و تحسین می‌فرمودید (گرچه در مورد عمل دولت هم عادلانه در نامه قضاوت نشده زیرا دولت به چند طریق صادرات را تشویق می‌کند، ارز را گرانتر از آنچه که خودش به بخش خصوصی می‌دهد، می‌خرد و به صادرکننده به اندازه ارزش اجازه وارد کردن جنس می‌دهد و ... رکود صادرات عوامل دیگری دارد که مربوط به بحث اینجانب نیست) و بنابراین به بند ۵ نامۀ شما نمی‌پردازم.

۵- در مورد آمار سهم بخش خصوصی در تجارت خارجی، مدرک اینجانب آمار رسمی منتشر شده از طرف بانک مرکزی و وزارت خانه‌های مربوطه است که در موقع خود منتشر شده و برای راضی کردن اینجانب نبوده و این هم شایسته شما بزرگواران نیست که اینگونه با صراحت مسئولان سطح بالای جمهوری اسلامی را متهم به دروغگوئی و اغواء بفرمائید. اگر این رویّه را ما پیش بگیریم، هیچ چیز قابل اعتماد و اتکاء نمی‌ماند و حقیر به صحت نسبی این آمار اطمینان دارم.

٭ در مورد برنج هم آمار رسمی کشور چنین است:

ـ واردات، مطابق سهمیه‌ای که ارز آن تخصیص یافته	۷۵۰ هزار تن
ـ تولیدات [استانهای] مازندران و گیلان طبق آمار وزارت کشاورزی	۹۸۲ هزار تن
ـ تولیدات جاهای دیگر، طبق برآورد مقامات مسئول	۳۰۰ هزار تن
جمع کل	۲۰۳۲ هزار تن

ملاحظه می‌فرمائید که تعبیر "حدود دو میلیون تن" تعبیر دور از واقعیتی نیست و عجیب است که در نامه خودتان هم به آماری تکیه کرده‌اید که در قسمت دیگری، من را از اتکاء به آن برحذر داشته‌اید و محکوم کردن سیاست برنج خور شدن مردم روستاها هم شایستهٔ جامعه مدرسین نیست؛ چرا ما باید از اینکه مردم محروم با درآمد بیشتری از غذای بهتری استفاده کنند، ناراضی باشیم؟

۶- در خصوص مطالب مربوط به موافقت نامه‌های اصولی، توجه و مطالعه کافی نشده و انتقاد وارد نیست. کتابی در این خصوص که مشتمل بر آمار رسمی و مفصل است به خدمتتان می‌فرستم؛ ملاحظه بفرمائید بعد قضاوت کنید.

می‌بینید سالهای بعد از انقلاب در مقایسه با هشت سال آخر عمر رژیم منفور پهلوی که اوج فعالیت بخش خصوصی آن زمان است، حضور بخش خصوصی حجم بیشتری داشته، با توجه به اینکه در زمان مورد مقایسه سرمایه‌داران وابسته با استفاده از منابع بانکی و کمکهای خزانه کشور و بهره گیری از ارز فراوان ناشی از جهش در مقدار نفت صادره وقیمت آن و سوء استفاده از روابط با مراکز قدرت، در به دست آوردن تسهیلات اعتباری و گمرکی و اجازه تأسیس و هجوم استعمار برای تحمیل صنعت وابسته و حتی سرمایه‌های خارجی و ... در حد اعلای چپاول و رضایت و اطمینان خاطر در این به اصطلاح "جزیره ثبات" تلاش داشته‌اند. از لحاظ تعداد که خودتان هم پذیرفته‌اید و هفده هزار در برابر ۲۳۶۵ بدون چشم‌بندی، خیلی بزرگتر است.

همین‌جا لازم است تأکید شود که کوچکتر بودن واحدها، نشان سلامت حرکت نظام جمهوری است که میدان داری از دست سرمایه‌داران بزرگ گرفته شده و به قشر متوسط یا پایین تحویل شده که لابد از نظر شما هم مثبت است نه منفی.

حجم سرمایه بکار رفته هم در مجموع چند برابر بیشتر از حجم سرمایه به کار رفته در زمان مورد مقایسه است، زیرا به طوری که در جدول می‌بینید در هشت سال آخر عمر رژیم گذشته، مجموعاً ۱۲۲/۷۱۶ میلیون ریال و در پنج سال اول انقلاب فقط در بخش ۱۴ هزار موافقت اصولی وزارت صنایع ۷۰۱/۱۵۲ میلیون ریال حجم سرمایه گذاری است و به طوری که در صفحات ۴۲ تا ۵۰ کتاب می‌بینید، تعداد واحدهای به بهره‌برداری رسیده نیز خیلی بیشتر از آن تعداد است و تعداد اشتغالات ایجاد شده را هم ببینید.

همه اینها در شرایطی انجام شده که مقدار نفت صادراتی ما قابل مقایسه با زمان شاه نیست و مشکلات انقلاب و جنگ و محاصره اقتصادی و فرار مدیرها و سرمایه‌ها هم بر کسی پوشیده

نیست و خودتان هم می‌دانید و در صورت حفظ روند رو به رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی که بعد از انقلاب تا سه سال دیگر که به هشت سال مورد مقایسه از لحاظ مدت نزدیک می‌شویم، خیلی سنگین‌تر خواهد بود.

حرف من هم همین است که در پنج سال گذشته، حضور بخش خصوصی چشمگیر بوده و نباید دولت را متهم کرد که مانع فعالیت آنها می‌شده.

البته من هم می‌پذیرم که افرادی در بعضی از نهادها بوده و هستند که با سلیقه‌های شخصی سنگ جلوی راه بعضی از سرمایه‌های بخش خصوصی انداخته و اول صحبت هم به آنها اشاره کردم و تأکید نمودم که سخنان امام برای جلوگیری از عمل اینگونه افراد بوده است و شما اصلاً به آن نکته توجه نکرده‌اید. و این بی انصافی است که شما امیدهای انصاف جامعه بنویسید که "خیلی از موافقتهای اصولی مربوط به خرید کوچکترین دستگاه مربوط به یک کارگاه است" و این روندِ درست را مخدوش جلوه دهید.

توجه داشته باشید آمار کتاب ارسالی فقط مربوط به موافقتهای اصولی وزارت صنایع است و موافقت‌های اصولی وزارت صنایع سنگین، ارقام این کتاب را در مورد بحث ما غنی‌تر می‌کند. برگه‌ای از آمار وزارت صنایع سنگین پیوست است که می‌بینید در طول هفده ماه، سه هزار و یکصدو پنجاه و چهار فقره موافقت اصولی صادر کرده که نزدیک هزار مورد آن، تاکنون به مرحله تأسیس و بهره‌برداری رسیده و مبلغ ۱۰۵/۲۵۸ میلیون ریال سرمایه‌گذاری دارند.

۷- در مورد ضعف ارزش ریال در برابر ارزهای معتبر جهان این موضوع بر کسی پوشیده نیست و بارها تاکنون در رسانه‌های جمعی آمده است و به نظر می‌رسد برای بالا بردن عدد ایرادهای خطبه در نامه گنجانده شده و توجه نشده که ممکن است ضعف مبرم یک ایراد در تضعیف ایرادهای دیگر اثر داشته باشد.

در مورد تراشیدن سر، در کلماتِ من با صراحت آمده که پیغمبر(ص) گاه به گاه سرشان را می‌تراشیدند یا کوتاه می‌کردند. اعتراض من این است که شیوه عمل بعضی از علماء چنان نشان می‌دهد که تراشیدن دائمی، سنّت است و بلند شدن موی سر، مخالف با سنّت است و عمل پیغمبر(ص) غیر از این بوده و لذا اثر آن این شده که هر کس می‌خواهد مقدس و متشرع باشد، معتقد است باید موی سرش کوتاه باشد و قبول بفرمائید اگر امروز فقیهی موی سر بلند داشته باشد در عرف متشرعه مقبول نیست و شاید خلاف مروّت به حساب آورند. و شما با مغالطه‌ای ظریف به

گونه‌ای مطرح فرموده‌اید که گوئی من می‌خواهم منکر حُسن سر تراشی در موارد خاص و گاهی از اوقات بشوم که دقت در اظهارات من برای رفع شبهه مفید است و روایات مورد اشاره حضرات، مورد غفلت اینجانب نبوده است.

۸- نمی‌دانم چرا نویسنده نخواسته توجه نماید که من با صراحت از شورای محترم نگهبان و سایر کسانی که با انحصار تجارت خارجی در دست دولت مخالفت کرده‌اند، دفاع نمودم و گفتم آنها طرفدار مستکبران نیستند و اهداف صحیح دارند.

صراحتهای اینجانب را ندید گرفته‌اید و تذکر داده‌اید که نباید به حامیان احکام اسلام لکه طرفداری از مستکبران را چسباند. بفرمائید این تذکر به کجای مطالب خطبه می‌خورد. اگر به جای این تذکر، از آن دفاع صریح من تشکر می‌کردید، تأثیر بعضی مطالب حقِ نامهٔ شما را قوی‌تر می‌کرد و با مقام شما هم سازگارتر بود.

در خاتمه ضمن اینکه از توجه و تذکرات و نصایح شما بزرگواران باید متشکر بود، لابد حق هم داریم که متقابلاً تذکر بدهیم که دستور بفرمائید مشاوران شما در کنار عینک تیره سوءظن به مسئولان اجرائی، گاهی از عینکهای شفاف حُسن ظن استفاده کنند و خدمات فراوان و زحمات طاقت فرسای بسیاری از مسئولان را از نظر دور ندارند و اگر چنین می‌کردند و می‌فرمودند، چنین حالتی در اثر مطالب خطبه اینجانب به وجود نمی‌آمد. من حدس می‌زنم همه این حرفها به خاطر این بوده که من خواستم بگویم اظهارات امام امت، ناظر به این نیست که دولت در گذشته خلاف می‌کرده و با موازین شرعی و قانونی با مصالح مخالف بوده و این مطلب را با اطلاع کامل از نظرات امام گفته‌ام.

شما می‌دانید که امام دو سه هفته پیش در پیامی که برای نمایندگان مجلس فرستادند، با صراحت فرمودند (کسانی که اعمال دولت را خلاف شرع معرفی می‌کنند یا ضدانقلابند و یا ناآگاه) انصاف بدهید این مطلب صریح را اگر در مقابل این استظهار و حدس از بیانات اخیر امام بگذاریم، باید چه قضاوت کنیم؟ و آیا کسانی که مغرضانه این روزها تلاش می‌کردند که به مردم القاء نمایند که دولت تاکنون برخلاف شرع عمل می‌کرده نباید جوابی بشنوند؟ و اذهانی که از طریق این شیطنت‌ها آلوده شده نباید پاک شود؟

امید دارم این جواب مفصل و خسته‌کننده باعث نشود در آینده از تذکرات و نصایح شما محروم بشوم.

لازم است توجه داشته باشید که یکی از اهداف من در این خطبه، دفاع از نظام است که بنا حق این روزها توسط دوستان نادان و دشمنان دانا متهم به اشتباه کاری و احیاناً خیانت در گذشته شده، و هدف دیگر حفظ روحیه قشر وسیع مستضعف و محروم و جوانان مبارز و فداکار که براثر هجوم تبلیغات دشمنان در این چند روز تردیدی در تداوم خط "حمایت از محرومان" انقلاب در وجودشان پیدا شده بود و هدف دیگر جلوگیری از بروز اشتهای کاذب و بی‌مورد در مال اندوزان و سود پرستان که این روزها ممکن است به فکر افتاده باشند که در آینده به اسم آزادی اسلامی، منابع ثروت مردم و جامعه، خوان یغمای آنها است.

و اجازه بفرمائید تعجب خودم را هم در مورد طرح "فاجعه موضعگیری در مقابل اظهارات امام" از طرف شما برادران در اینجا مکتوم ندارم. حتماً فراموش نکرده‌اید که جناب آقای آذری[قمی] که در رأس امضاء کنندگان‌اند (و از نظر خیلی‌ها سخنگوی شما) چند روز پیش در مجلس شورای اسلامی تحت عنوان "ارشادی" بودن دستورات امام در خصوص تایید آقای نخست وزیر، نیم ساعت در مخالفت با نظر امام صحبت فرمودند و مواردی دیگر را به عنوان اشتباهات امام (مثلاً در مورد بنی‌صدر و قطب‌زاده و بازرگان به رخ کشیدند) با این تفاوت که اینجا خود امام عزیز با اظهارات اینجانب موافق‌اند و آنجا ....

این نصیحت را از برادر کوچکتان بپذیرید. امثال شما باید حالت پدری برای همه نیروهای اسلامی داشته باشد. راضی نباشید اعضای جامعه مدرسین قم در اذهان مردم اینگونه معرفی شوند که فرصت‌طلبانه از اظهارات امام، آنجاکه با تمایلات خودشان سازگار است بهره می‌گیرند و آنجا که سازگار نیست، موضع مخالف می‌گیرند. و نگذارید این شبهه بوجود آیدکه چگونه است در مورد این صحبت کوتاه امام با حدس آن همه مطالب فهمیده شده و تلگراف‌های کذائی مخابره گردید و در مورد کلمات قاطع و روشنِ چند روز پیش امام در ملاقات با شورای محترم نگهبان با سکوت و ... برخورد شد.

و ضمناً توجه داشته باشید که برخوردهای طیف مورد حمایت شما در جریان اخیر، موانع عمده‌ای بر سر راه عادی‌تر کردن اوضاع اقتصادی و فعال‌تر کردن بخش خصوصی ایجاد کرد. لزومی نداشت که برای تأمین این مقصود، دولت مورد تایید امام که به تازگی از مجلس شورای اسلامی رأی اعتماد بالائی گرفته مورد هتک قرار گیرد. و بهتر بود با لحن تشویق دولت به هدف رسیده می‌شد که در تلگرافها و اعلامیه‌ها و جلسات خصوصی از بخشنامه دولت و اقدام جدید در



مورد طرح برنج بدون اشارات نیشدار به گذشته‌هائی که اکثراً به این دولت مربوط نبوده، هم دولت را ترغیب کرد و هم جلو اختلافات را گرفت و هم مخالفان را خلع سلاح کرد و حداقل اینکه سلاحی به دست آنان نداد.

نکتهٔ آموزنده اینکه این نامَه را قبل از بیانات امام در روز عید غدیر و دادن لقب شیاطین به مخالفان مزاحم دولت نوشته بودم و با بیانات امام به صحت و استحکام مطالب نامه‌ام مطمئن‌تر شدم. ولابد شما هم ... والسلام علیکم و رحمت‌الله و برکاته

اکبر هاشمی رفسنجانی

نامه‌ای به رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی(ره)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

محضر مقدس حضرت امام امت

بنیانگذار جمهوری اسلامی و رهبر گرانقدر انقلاب اسلامی دامت برکات وجوه الشریف

به احتمال قوی این یک نامه تاریخی خواهد شد. چون موضوع آن یکی از مهمترین مسائل اسلامی و اجتماعی است که مورد اختلاف علما است و هر طرف آن پیروز شود، سرنوشت‌ساز است؛ منفی یا مثبت. تقاضا داریم عنایت خاص مبذول بفرمائید بنا به مسئولیت رهبری و مرجع تقلید بودن و استادی. مسأله حق جعل مالیات از طرف حاکم اسلامی و حدود و شرایط و ضوابط آن مطرح است.



جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی
دفتر رئیس

شماره ....
تاریخ ....
پیوست ....



بسم الله الرحمن الرحیم

محضر مقدس حضرت امام امت دام ظله بنیانگذار جمهوری اسلامی و رهبر گرانقدر انقلاب اسلامی دامت برکات وجوده الشریف

به احتمال قوی این یک نامه تاریخی خواهد شد چون موضوع آن یکی از مهمترین مسائل اسلامی و اجتماعی است که در مورد اختلاف است و هر طرف آن پیروز شود سرنوشت ساز است. منبع یا محور

تنها حضرتعالی هستید که بنده دل خوش کرده‌ام به مسئولیت رهبری و مرجع تقلید بودن و استادی

مسئله حق جعل مالیات از طرف حاکم اسلامی و حدود و شرایط و ضوابط آن مطرح است

شش سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی دولت [illegible] شده که جامعترین نظام مالیاتی حاوی حدود سیصد ماده و صدها تبصره به مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید به منظور اجرا

گذارند هم اکنون دارند

منظورم از این نامه مطرح کردن مسئله در محضر حضرتعالی است که مقام اعلای نظر هستید و مسئول‌ترین فرد زمان در این خصوص

گرچه این مسئله محضر کشور و نظام ماست ولی با نظام موجود خود بحث را شروع میکنم

حضرتعالی اطلاع دارید که بودجه کل کشور که امسال به مجلس آمده چهارصد میلیارد تومان است

حدود سیصد میلیارد تومان بودجه جاری و حدود یکصد میلیارد تومان مخارج عمرانی

حدود یکصد و هشتاد میلیارد تومان از این مخارج از راه فروش نفت تامین میشود و تقریبا هشتاد میلیارد تومان از راه مالیه

در سالهای پس از انقلاب حاکم بودن در امور هم رایج و جاری است

همانگونه که انتظار میرفت این لایحه مورد آراء علما و طلاب [illegible] نظرات شده و در ظرف این مدت نظرات ابراز شده.

گروهی اصل حق جعل مالیات را برای حکومت به عنوان حکم اولی نمی‌پذیرند و فقط آن را در موارد ضرورت و به عنوان حکم ثانوی و طبعا موقت تجویز میکنند. نوشته‌ای [illegible] این گروه بود که منتشر شد [illegible] و تقریبا همان را گفته و این [illegible] پیشرفت [illegible]

و گروهی آن را به عنوان حق حکومت اسلامی در موارد نیاز و به عنوان حکم اولی قبول دارند و خودم جزو این عده هستم و [illegible] نهایت عقلی [illegible] حکومت و اسلام [illegible] معتقدم بدون چنین حقی امکان حکومت [illegible] دارا [illegible] قرار داده [illegible] کرد.



جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی
دفتر رئیس

شماره ....
تاریخ ....
پیوست ....

بسمه تعالی

و تعطیلی [illegible] با توجه به امکانات عمومی و [illegible] با نظر علمای عادل و زمان‌شناس مقابله کنیم.

البته ممکن است ما اشتباه کنیم و اگر چنین باشد حضرتعالی ما را از اشتباه درآورید.

بهر حال زمان تصمیم‌گیری عملی است. بحثهای مدرسی و طلبگی باید در نقطه‌ای به تصمیم برسد و کار [illegible] نشود.

ضمنا این یک مسئولیت [illegible] است.

حکومت نوپای اسلامی پس از ۱۴ قرن [illegible] الگوی [illegible] در تاریخ اسلام طبعا چنین مشکلاتی دارد و خداوند شخص حضرتعالی را برای حل چنین مشکلاتی [illegible] با اراده [illegible] از [illegible]

اکبر [illegible] [illegible]

شش سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تازه دولت موفق شده لایحه جامعی برای نظام مالیاتی حاوی حدود سیصد ماده و صدها تبصره به مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید. به منظور اصلاح نظام مالیاتی رژیم گذشته که از ده‌ها سال پیش و حتی در شش سال پس از انقلاب، حاکم بوده و هنوز رایج و جاری است.

همانگونه که انتظار می‌رفت، این لایحه معرکه آراء علما و طلاب و صاحب نظران شده و در ظرف این هفته نظراتی ابراز شده. گروهی اصل حق جعل مالیات را برای حکومت به عنوان حکم اولی منکرند و آن را فقط در موارد ضرورت و به عنوان حکم ثانوی و طبعاً موقت تجویز می‌کنند، نوشته آقای آذری قمی پیشتاز این فکر بود که سخنگوی شورای نگهبان تقریباً همان را گفت و این فکر در بسیاری از علمای دیگر هم هست. مثل "اِکلِ میته[1]" به تعبیر خودشان و جمعی آن را به عنوان حق حکومت اسلامی در موارد نیاز و مصلحت و به عنوان حکم اولی قبول دارند و خود من جزء این عده هستم و آن را از بدیهیات عقلی در صورت اعتقاد به وجود نظام حکومتی در اسلام می‌دانم و معتقدم بدون چنین حقی امکان حکومت و اداره کشور نیست. در جلسه [جامعه] روحانیت مبارز تهران به جز یک نفر، بقیه با نظر ما موافق بودند. ادله فراوانی هم می‌شود اقامه کرد. فعلاً کاری به ادله طرفین ندارم و مخصوصاً که اقوال دیگری هم هست که آنها هم ادله‌ای دارند. منظورم از این نامه، مطرح کردن مسأله در محضر جنابعالی است که صالح‌ترین مقام اظهار نظر هستید و مسئول‌ترین فرد زمان در این خصوص.

گرچه این مسأله مخصوص کشور و نظام ما نیست ولی با نظام موجود خودمان، بحث را شروع می‌کنم. لابد اطلاع دارید که بودجه کل کشور که امسال به مجلس آمده حدود چهارصد میلیارد تومان است. حدود سیصد میلیارد تومان بودجه جاری و حدود یکصد میلیارد تومان مخارج عمرانی؛ حدود یکصد و هشتاد میلیارد تومان از فروش نفت و صد و هشتاد و پنج میلیارد تومان از راه مالیات با قوانین موجود و جاری و بقیه از طرق دیگر، منجمله قرض گرفتن از بانک مرکزی به امید پیدا کردن راههای درآمد در آینده (که در این چهار سال جنگ، دولت حدود چهارصد میلیارد تومان به بانک مرکزی بدهکار است؛ تقریباً تمام خرجِ جنگ).

برای ساختن راهها، بندرها، راه‌آهن‌ها، نیروگاهها، سدها، بیمارستانها و خیلی کارهای دیگر

۱- اکل میته: خوردن گوشت مرده

هم نیاز به پول خیلی بیشتر از اینها داریم. اگر جنگ هم نباشد، مخارج نظامی و داشتن اسلحه‌های پیشرفته گران قیمت را می‌دانید تا چه برسد در فرض جنگ که برای نظامی که پیشتاز انقلاب اسلامی است، پیشامد آن همیشه احتمال قوی دارد. تازه این وضع برای کشور ما است که روی اقیانوس نفت قرار دارد و معلوم است برای کشورهائی مثل پاکستان و بنگلادش که نفت هم ندارند با همین احکام باید جاری باشد. در نظر داشته باشیم که نفت هم در آینده نه چندان دور منابعش خالی خواهد شد و شاید مجبور شویم وارد کنیم (با مقداری که زمان شاه مصرف می‌شده دوام منابع نفت خیلی کمتر بود).

لابد جنابعالی می‌دانید که موارد وجوب زکات، اکثرشان امروز نه تنها برای نظام منبع درآمد نیست بلکه از دولت کمک می‌گیرند؛ گندم، جو، خرما، مویز، گوسفند، شتر، گاو و همگی در مشاغلی هستند که از دولت سوبسید می‌گیرند وگرنه کار همه آنها تعطیل می‌شود. مثلاً یک کیلو گندم را که دولت از خارج کمتر از دو تومان وارد می‌کند از کشاور داخلی، چهار تومان می‌خرد به اضافه کمکهای زیادی که در تأمین کود و تراکتور ارزان و تأمین آب و سم و سایر نیازها به اضافه وام بدون بهره می‌نماید که اگر مجموع را حساب کنیم برای دولت هر کیلو گندم سر از هشت تومان در می‌آورد. بنابراین درآمد زکات در این موارد منتفی است. طلا و نقره مسکوک هم که امروز رایج نیست، وضع خمس را هم که خودتان می‌دانید، برای تأمین مخارج روحانیت هم مقدار وصولی آن کافی نیست.

در بودجه هر سال بعد از انقلاب، دولت حدود دو میلیارد و نیم ریال برای شورای تبلیغات اسلامی می‌پردازد. علاوه بر هزاران روحانی حقوق بگیر دولت در دستگاههای قضائی و سیاسی عقیدتی نیروهای مسلح و جاهای دیگر. اینها وظایف خاص روحانیت را انجام می‌دهند و حقوق از دولت می‌گیرند، اگر خمس حتی می‌توانست اینها را اداره کند بد نبود، که نمی‌کند. فتاوای موجود که زکات بر مال‌التجاره و سایر موارد درآمد را قبول ندارد. موقوفات هم هر سال در بودجه کل کشور از دولت بیش از پانصد میلیون ریال کمک می‌گیرد. گرچه بعضی از مسئولیتهای دولت را هم جبران می‌کند. می‌بینید از منابع مشخص مالیاتهای اسلامی نه تنها کمکی به دولت نمی‌شود بلکه کمک هم می‌گیرند (قبول دارم که اگر خمس نبود، دولت مجبور بود خرجهای دیگری هم داشته باشد ولی فعلاً دنبال تأمین مخارج مورد نیاز نظام اسلامی هستیم).

خواهش می‌کنم یکبار دیگر ارقام مخارج و درآمد را که نوشتم، ملاحظه بفرمائید و سپس به



امام خمینی (ره) در حال رای دادن در ج

عنوان رهبر انقلاب بفرمائید که چه باید کرد؟ اگر واقعاً نظر اسلام همان باشد که آقای آذری [قمی] نوشتند و سخنگوی شورای نگهبان [گفتند]، چگونه باید کشور را اداره کرد. فرض می‌کنیم که درآمد نفت برای همیشه باشد یا جایگزین داشته باشد، دویست و سی میلیارد تومان باقی را که حداقل نیاز فعلی است ازکجا باید تأمینَ کرد؟ تازه اگر به همین روند سازندگی اکتفا کنیم و نخواهیم به وعده‌ها عمل کنیم و قدمهای بلندی در راه عمران کشور برنداریم و بعد از جنگ هم وضع به همین صورت بماند. بعضی کارها هستند که از شروع تا نتیجه گیری سالها طول می‌کشد و میلیاردها تومان خرج برمی‌دارد. مثل ساختن سدهای بزرگ، نیروگاههای بزرگ، اسکله‌های بزرگ، فولادسازی‌ها، راه‌آهن و ... .

اینگونه امور در برنامه‌های پنجساله و ده ساله وگاهی بیست ساله درج می‌شوند و باید برای سالهای آینده بودجه در نظر گرفت و تضمین کرد و اگر در وسط کار قطع شود، کل سرمایه تلف می‌شود.

حال اگر قانون ثابت در آمد مشخص نباشد، چگونه می‌شود اینگونه کارهای بزرگ را شروع کرد و با پیمانکار قرار داد بست؟ گرچه کل نظام همین است کار ارتش، سپاه، بهداری، دانشگاه، مدارس و ... دائمی است و مخارج آنها روشن و قابل پیش بینی است و باید از حالا برای ده‌ها سال آینده هم روشن باشد. فکر بفرمائید اگر بخواهیم با منطق و طرز فکر آقایان که گوینده یک قشر وسیعی هستند، کشور را اداره کنیم، می‌توانیم برنامه‌ریزی کنیم؟

اینها می‌گویند مالیات مثل اکل میته است. مورد به مورد و سال به سال باید با اکثریت دو سوم مجلس ضرورت آن مشخص شود. نمی‌دانم از شنیدن اینگونه اظهار نظرها در دل برنامه‌ریزان و کارشناسان اقتصادی چه می‌گذرد؟ آیا آدمهای فهمیده حاضر می‌شوند برای چنین نظامی کار بکنند؟ این فکر ـ آن هم در شورای نگهبان که حق وتوی قوانین را دارد نه در اشخاص غیر مسئول و حاشیه نشین ـ تا چه حد قابل پذیرش است؟

ممکن است به ذهن مبارک بیاید که دولت از انفال درآمد دارد؟ البته این آقایان که معتقدند انفال هم با اجازه یا بدون اجازه دولت باید در اختیار مردم باشد، ولی جواب اصلی این است که بهره‌برداری از انفال، زمین، دریا، معادن و ... هم امروز احتیاج به سرمایه کلان دارد. از کجا بیاوریم؟ البته که همین آقایان که چنین نظری در مورد مالیات دارند، با صراحت و اصرار می‌گویند که دولت باید تمام کارهای تولیدی و تجاری و خدماتی را به بخش خصوصی واگذار نماید و

خودش سیاستگزار باشد. و حتی نفت و مس و اورانیوم و ... (گرچه در شرایط موجود الزام نمی‌کنند ولی اصل بینش این است) و خیلی‌هایشان معتقدند اگر خود مردم خواستند خودشان برق و آب و ... درست می‌کنند. گرچه این نظر در جای خود درست است ولی در همه اینها دولت وظایف مهم فراوان و هزینه‌بری دارد که از طریق مالیات بر فعالیت‌های بخش خصوصی باید تأمین شود.

اینها درد دل نیست، بازکردن مسأله است برای چاره‌جوئی و اگر جنابعالی چاره‌جوئی نکنید، نمی‌دانم چه کسی می‌تواند چاره کند؛ البته ممکن است به شیوه پارلمانی و بحث و جدل و اعمال قدرت و استفاده از افکار عمومی، مسأله را خودمان حل کنیم. اما تبعات خوبی نخواهد داشت. آنها با سوءنیت حرف نمی‌زنند، با دلسوزی و در شرایط امروز با فداکاری حرف می‌زنند و عقیده و نظر آنها است.

در خاتمه، تذکر این نکته لازم است که نظر ما هم این است که مالیات ثابت اسلام همان موارد خاص خمس و زکات و ... است و جواز جعل مالیات مستقل از این موارد مشروط به عدم‌کفایت درآمد مالیاتهای ثابت است. ولی نه تحت عنوان حکم ثانوی در حد حلال شدن محرمات بلکه نفس نیاز و مصالح جامعه اسلامی براساس نظر کارشناسان متعهد، مجوز جعل مالیات است و گرفتن مخارج اداره کشور از مردم.

و مطلب دیگر، بحث بر سر لایحه موجود در مجلس نیست. ممکن است موادی از این لایحه درست نباشد، عادلانه نباشد، بیش از حد نیاز باشد یا کمتر از حد نیاز، مطابق مصلحت باشد یا نباشد، آن را باید کارشناسان تشخیص بدهند و این هم معلوم است که هر سال در برنامه و بودجه سالانه در موارد و منابع درآمد دولت تجدید نظر می‌شود. یا کم می‌شود یا زیاد و یا تثبیت می‌گردد، مواردی حذف می‌شود و مواردی اضافه می‌گردد. فقط بحث بر سر این است که جعل مالیات حکم اولی مشروط است، یا از قبیل اکل میته مخصوص زمان و موارد اضطرار. و مصلحت نیست با حربه افکار عمومی و جوسازی با نظر علمای عادل زمانمان مقابله کنیم. البته ممکن است ما اشتباه کنیم و اگر چنین باشد جنابعالی باید ما را از اشتباه درآورید.

بهرحال زمان تصمیم‌گیری عملی است. بحثهای مدرسه‌ای و طلبگی باید در نقطه‌ای به نتیجه برسد و کار یک طرفه شود.

ضمناً این یک مسأله است و مسائل مشابه فراوان است. حکومت نوپای اسلامی پس از چهارده قرن با نداشتن الگوی مناسب زمان در تاریخ اسلام، طبعاً چنین مشکلاتی دارد و خداوند

شخص بزرگی چون شما را برای حل همین مشکلات به ما داده و تا کنون هم خیلی خوب از عهده برآمده‌اید.

رئیس مجلس شورای اسلامی
اکبر هاشمی رفسنجانی

رونوشت: حضرت آیت‌الله العظمی منتظری

تحلیلی از عملکرد
دوره اول مجلس شورای اسلامی

اشاره: این مقاله بیست روز بعد از اتمام دوره اول مجلس شورای اسلامی به عنوان مقدمه برای چاپ در کتاب "نگاهی به عملکرد دوره اول مجلس" نگاشته شده است.

بسم‌الله الرحمن الرحیم

دوره اول مجلس شورای اسلامی را با در نظرگرفتن نقاط قوه و ضعف و شرایط خاص زمانی و ترکیب نمایندگان و دستاوردهایش، می‌توان یکی از سرفصلهای مهم تاریخ قانونگزاری به حساب آورد.

نقاط قوت

از میان نقاط قوه فراوان مجلس پیش از هر چیز باید از صلاحیت‌های فکری اکثریت



ص ۱

جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی
دفتر رئیس

شماره ۹۰/۱۰/۹۷۸۹
تاریخ ۱۳/۱۱/۷۱
پیوست ندارد

بسم الله الرحمن الرحیم

دوره اول

مجلس شورای اسلامی را با در نظر گرفتن نقاط قوت و ضعف و شرایط خاص زمانی در ترکیب نمایندگان و در دست داشتن ... می‌توان یکی از سرفصلهای مهم تاریخ قانونگذاری کشور به حساب آورد.

نقاط قوت

از میان نقاط قوت فراوان مجلس، بیش از هر چیز باید از پختگی فکری اکثریت نمایندگان سخن گفت.

انقلابی، مسلمان، متقی، کم توقع، مبارز، قاطع، فداکار، آشنا به معارف اسلام و مقتضیات انقلاب و نیازها و دردهای مردم ~~...~~ از جمله صفات برجسته‌ای که براحتی میشود در مورد تعداد قابل توجهی از نمایندگان دوره اول بکار برد.



ص ۲

جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی
دفتر رئیس

شماره ....
تاریخ ....
پیوست ....

پرکاری

بیشک این دوره پارلمان ایران جزو پرکارترین دوره‌های همه پارلمانهای دنیا به حساب می‌آید.

در این دوره چهار ساله ... جلسه علنی و ... جلسه غیرعلنی تشکیل شده که مجموعاً ... ساعت وقت گرفته. و اگر توجه شود که اکثریت جلسه‌ها و رأی‌گیری منوط به حضور حداقل ۱۸۰ نفر نماینده (دو سوم مجموع اعضاء) بوده که چنین شرطی در پارلمانهای دیگر دنیا معمول نیست، روشن میشود که حضور نمایندگان در جلسات رسمی تا چه حد زیاد بوده.

بعلاوه ... عدد کمیسیونهایی که مطابق آیین‌نامه اجباراً هفته‌ای ... ساعت جلسه داشته‌اند در طول این دوره ... ساعت جلسه داشته‌اند و چون اکثریت جلسات کمیسیونها ...

نمایندگان گفت؛ مردمی، انقلابی، مسلمان، متقی، کم توقع، مبارز، قاطع، فداکار، صریح، شجاع، آشنا به معارف اسلامی و مقتضیات انقلاب و نیازها و خواستهای مردم از جمله صفاتی هستند که به راستی می‌شود در مورد تعداد قابل توجهی از نمایندگان دوره اول به کار برد.

پرکاری

بی‌شک این دوره پارلمان ایران، جزء و پرکارترین دوره‌های همه پارلمانهای دنیا به حساب می‌آید. در این چهار سال ۶۲۵ جلسه علنی و ۱۵ جلسه مخفی داشتیم که مجموعاً حدود ۲۴۰۰ ساعت وقت گرفته و اگر توجه شود که رسمیت جلسه‌ها و رأی‌گیری نیاز به حداقل ۱۸۰ (دو سوم مجموع اعضاء) نفر نماینده دارد که چنین شرطی در پارلمانهای دیگر دنیا معمول نیست، روشن می‌شود که حضور و شرکت نمایندگان در بحثهای رسمی تا چه حد زیاد بوده است. بیست و چهار کمیسیون اصلی و چند کمیسیون فرعی، عدد کمیسیون‌هائی که مطابق آئین‌نامه اجباراً بایستی لااقل در هفته ۲۴ ساعت جلسه داشته باشند، در طول این دوره ۶۵۳۶ جلسه داشته‌اند و چون رسمیت جلسات کمیسیونها مشروط به حضور حداقل دو سوم اعضاء است، نمایندگان بالاجبار و هم با علاقه اوقات زیادی صرف کار در کمیسیونها کرده‌اند، معلوم است که برای نظر دادن در امور مهم کشور نمی‌شود به حرف، حضور و استماع مذاکرات اکتفا کرد و انسانهای متعهد و متقی که خود را مسئول عواقب رأی و امضاء خود می‌دانند با وسواس و دقت، قبل از اظهار رأی به تحقیق و تفحص تا سرحد تحصیل نظر می‌پردازند و بسیاری از نمایندگان ما از این قماش‌اند. و به همین جهت در خارج از اوقات کار کمیسیونها و مجلس علنی، ناچار به مطالعه و مذاکره و تفکر پرداخته‌اند و روی هم رفته اینگونه نمایندگان به غیر از اوقات استراحت، تمام هم و غم و قدرت خود را مصروف مسئولیت نمایندگی می‌نموده‌اند؛ شکرالله سعیهم.

علاوه براینها مسافرت به حوزه‌های انتخابیه و تماس با مردم و شرکت در مجامع و مجالس مردم و رفتن به جبهه و مأموریت‌های خارج از کشور و داخِل کشور، تماس با مسئولان اجرائی برای تأمین نیازهای مردم و حتی مشکلات انقلاب و تعقیب و نظارت براجرای مصوبات مجلس را نیز باید به حساب کارهای فوق برنامه نمایندگان گذاشت که معمولاً مرخصی‌ها و روزها و ساعت تعطیل و استراحت رسمی را صرف این گونه امور می‌نمودند.

مصوبات

در این دوره هشتصد و چهار لایحه و طرح در مجلس به طور رسمی مطرح شده که تعداد ۳۶۵ لایحه و طرح تصویب و ابلاغ گردیده و ۲۹۱ لایحه و طرح قبل از بحث یا پس از بحث، استرداد شده یا مسکوت مانده و یا رد شده و تعداد ۱۴۷ لایحه و طرح اکنون در کمیسیونها و یا مقاطع دیگر مسیر کارها مانده که در دوره آینده تکلیف آنها روشن خواهد شد.

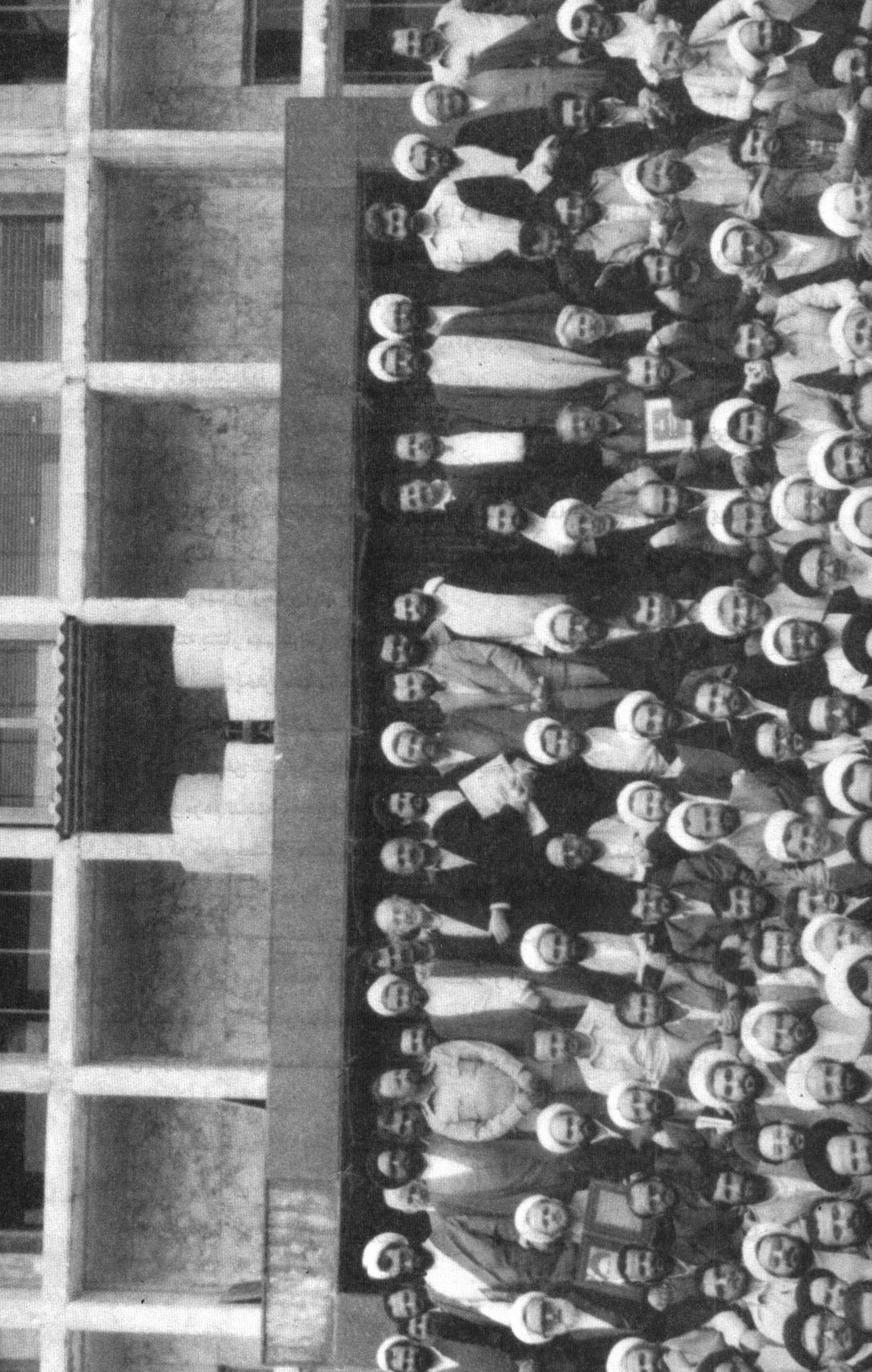
۳۱ بار بحث درباره اعضاء و کابینه دولت مطرح شده و ۱۰۲ نفر وزیر از مجلس رأی اعتماد گرفته‌اند و ۸ نفر مطرح شده‌اند ولی رأی اعتماد نیاورده‌اند.

چهار بودجه سالانه و ۱۰ تقاضا و یا متمم بودجه از مجلس گذشته و نقّادی برنامه پنجساله پیشنهادی دولت که هنوز کارش ناتمام است هم وقت زیادی از نمایندگان به خود اختصاص داده است که بی‌شک در تکمیل آن، آثار ارزنده‌ای به جای گذاشته.



در بین مصوبات، لوایح و طرحهای سرنوشت ساز و مهمی وجود دارند که در صورت حسن اجراء تحولات چشمگیری در تاریخ انقلاب و اسلام بوجود خواهند آورد. لایحه حذف ربا از سیستم بانکی که در تاریخ اسلام اولین اقدام در نوع خود است. لایحه اراضی شهری که اگر در اجراء دستکاری نشود و درست پیاده گردد، مشکل زمین برای مسکن را رفع خواهد کرد. لایحه بازرگانی خارجی که متأسفانه هنوز گیر دارد ولی سرنوشت‌ساز و تحول آفرین خواهد بود. طرح توزیع عادلانه آب و طرح بهره‌برداری از معادن کشور و لوایح و طرحهای اجازه تعیین نرخ برای مصارف خانگی و صنعتی و همه محصولات کشاورزی، ایجاد شهرکهای صنعتی و شرکتهای روستائی و روابط مؤجر و مستأجر که همگی مهم و زیربنائی‌اند و انقلابی.

لوایح و طرح‌های دیوان محاسبات و دیوان عدالت اداری و بازرسی کل کشور و تأسیس وزارتخانه‌های جهاد و سپاه و صنایع سنگین و معادن و فلزات و وزارت اطلاعات و بازسازی نیروی انسانی و مکلف کردن دولت به تقدیم لایحه انقلاب اداری و نحوه اداره صداوسیما و تأسیس دانشگاه بین‌المللی اسلامی و بنیاد امور جنگزدگان و چیزهائی از این قبیل، می‌تواند در دگرگونی نظام اداری کشور کار ساز و افتخار آفرین باشند و کارهای مهم سیاسی مجلس دوره اول فراوان است.



رأی قاطع به عدم کفایت سیاسی بنی‌صدر، موجب نجات انقلاب و در حقیقت انقلاب در انقلاب بود که ارزش و اعتبار مجلس را آفتابی کرد. سخنان قبل از دستور نمایندگان در مسائل سیاسی، اجتماعی و نظامی و ... جهانی و داخلی صحنه دیگری از حضور سیاسی مجلس در مسائل زنده روز بود. فشاری سیاسی بَرگرده لیبرالها و ضدانقلاب و مراکز و چهره‌های بی‌بند و بار یا مزاحم انقلاب از کارهای روزمره مجلسیان دوره اول بود. لوایح و طرحهای نحوه فعالیت احزاب و جمعیتها و فعالیت مطبوعات و تشکیل شوراهای کشوری و کار نیمه وقت بانوان و قوانین قصاص و دادگاه‌های انقلاب و شورای امنیت کشور آثار ارجدار سیاسی و فرهنگی و اجتماعی برای تاریخ انقلاب اسلامی به بار آورده و خواهد آورد. و یک رشته از خدمات جاری و روزانه مجلس ما کارهای کوچک در اصلاح قوانین گذشته بود که به مقتضای انقلاب از نیازهای جاری کشور است. گرچه تک تک این کارها چیز مهمی به نظر نمی‌آید، اما مجموع آنها که وقت زیادی هم از مجلس گرفته، بسیار مهم و ارجدار و اثربخش است.

یک نکته بسیار مهم سیاسی، اجتماعی درباره مجلس شورای اسلامی، ویژگی باز و علنی بودن کامل آن از طریق پخش مستقیم مذاکرات جلسه علنی است که از این جهت هم در تاریخ مجالس دنیا نظیر ندارد. بی‌تردید پخش مستقیم این بحثها برای رشد فکری و علمی و اجتماعی مردم عامل مهمی است و به حق نقش یک دانشگاه عمومی را ایفاء می‌کند و نکته باریکتر این ویژگی آرامشی است که در مردم نسبت به مدیریت انقلاب به وجود می‌آید.

وقتی که مردم مطمئن باشند که در مهمترین مرکز تصمیم‌گیری مملکت، همه چیز علنی و بی‌پرده است و ساخت و سازهای معمول سیاستمداران دنیا که دور از چشم مردم انجام می‌شود در این انقلاب نیست، صمیمیت و صفای لازم را نسبت به مسئولان و مدیران و تصمیم‌گیریهای کشور پیدا خواهند کرد. و ما با همه وجودمان این اعتماد و آرامش را در مردم کشورمان می‌بینیم و بی‌شک این صبر و تحمل و مقاومت و حضور در صحنه مردم مسلمان ایران بی‌ارتباط با این ویژگی مجلس شورای اسلامی نیست و رشد فکری و بالا رفتن سطح اطلاعات مردم، از این رهگذر محسوس و ملموس است.

اطاعت از رهبری

از ویژگیهای اکثریت نمایندگان این دوره، اطاعت از رهبر بزرگوار انقلاب است که ما ندیدیم

برخلاف نظر رهبری نظری بدهند، البته مشروط براینکه اطمینان داشته باشند که نظر واقعی رهبر چی وکدام است. خوشبختانه روحیه بسیار جالب امام بزرگوار هم این است که حتی‌الامکان درکار و مسئولیتهای نهادها دخالت نکنند و استقلال آنها را محفوظ و محترم نگهدارند، و به غیر از موارد بسیار نادر خواسته‌ای را بر آنها نقبولانند. گرچه آنها از خواسته امام استقبال می‌نمایند و به جان می‌پذیرند و به تجربه دریافته‌اند که نظرات امام کارساز، مدبرانه و نوعاً صائب است.

در اینجا توجه به این نکته هم لازم است که مجلس در این دوره، بخشی از اعتبار خود را مرهون تأئیدها و تعریفهای امام امت است. واگذاری تشخیص ضرورت برای عناوین ثانویه احکام اسلامی به مجلس نشان اعتماد عمیق امام به اکثریت مجلس است و تعبیرهائی از قبیل مجلس در رأس همه امور است یا مجلس حاصل خون شهدای ما است. و یا ... . شأن مجلس و مجلسیان را خیلی بالا برد و به آنها اعتبار و ارج و اعتماد در قلوب مردم داد.

حمایت مردم

حمایت بی‌دریغ مردم از مجلس شورای اسلامی، مخصوصاً در روزهائی که لیبرالها و مخالفان برای شکستن مجلس توطئه کرده بودند، برای نمایندگان و خود مجلس بسیار مؤثر افتاد. اجتماعات انبوه مردم در تشییع جنازه شهدای مجلس و مسئولان دیگر نیروهای خط امام و تظاهرات میلیونی در سراسر کشور به نفع نیروهای خط امام و علیه دشمنان، مایه قوت قلب و نشاط و پشتکار مجلسیان گردید و آنها را در راه خود مصمم‌تر کرد و همانند اصل انقلاب و جنگ و مبارزه با تروریسم و سایر مشکلات کار انقلاب در نقش مردم دارای رتبه درجه اول است.

شهدای مجلس

مجلس بخشی از اعتبار و توفیقات خود را از برکت خون شهدای بزرگوارش دارد. سی و دو نفر شهید از تبار شهدای اُحُد و فخ و کربلا که هر یک از آنها در حد اشتهار خود، سند مستحکمی برای حقانیت راه مجلس به حساب می‌آید و سرمایه عظیمی برای نهاد قانونگذاری است. البته جای خالی آنها تا آخر کار مجلس محسوس بود و بی‌شک بسیاری از آنان در صورت ادامه حیات و کار در مجلس، می‌توانستند در پربارکردن مصوبات مجلس نقش ارزنده‌ای ایفا نمایند. گو اینکه خون مقدسشان برای اسلام و انقلاب و مجلس ارج بیشتری را خلق کرده و خواهد کرد.

حزب الله

در این دوره به شیوه معمول مجالس دنیا، فراکسیون و اقلیت و اکثریت نداشتیم. اما حزب‌الله برای خودشان جلسات مرتبی برقرار کرده بودند و بحثها و تصمیمات آن جلسات در نتیجه کار مجلس مؤثر بود، مخصوصاً در تصمیمات سیاسی.

اوائل اعضای حزب جمهوری اسلامی و حزب اللهی‌های غیر حزبی جداگانه جلسه داشتند ولی پس از کم شدن حرکت لیبرالها دو جلسه در هم ادغام شدند و مدیریت آن، مرکب از افراد دو جلسه شد. گو اینکه همین جلسه هم تا حدودی تحت تأثیر جریان کوچکتری که جلسات سرّی داشته و برای اعمال نفوذ در آن برنامه‌ریزی می‌کردند بود. لیبرالها و به طور کلی مخالفان خط امامی‌ها در ماههای اول کار، مجلس فراکسیونی با حدود چهل نفر تشکیل داده بودند که بیشتر نقش تخریبی و مزاحمت برای اکثریت داشت ولی پس از ختم فتنه بنی‌صدر و انزوای مخالفان و متزلزل شدن بعضی از افرادشان، انسجامشان از دست رفت اما تا همین اواخر در عمل به طور نسبی با هم هماهنگی داشتند و مخصوصاً در رأی‌گیریهای انتخاباتی مجلس، این تناسب و تجاذب خودش را نشان می‌داد.

آزادگی

از امتیازات کم نظیر مجلس اول، آزادگی نمایندگان بود. هیچ نماینده‌ای به هیچ وجه مجبور به ابراز رأئی برخلاف تشخیص نشده است، حتی آنها که عضو حزب جمهوری اسلامی بودند و با کمک حزب به مجس آمده بودند، حزب از آنها نمی‌خواست که برخلاف فهم و درک خودشان رأی بدهند.

مکرر اتفاق افتاد که اعضای حزب برعلیه کاندیداهای حزب برای وزارت که در مواردی عضو شورای مرکزی آن بودند، رأی دادند.

حتی امام امت هم از نمایندگان نخواستند که در موضوعی رأی خامی بدهند. البته معمولاًخط امامی‌ها اگر به نظر امام پی می‌بردند از صمیم قلب، تابع رأی امام بودند. ممکن است گاهی جّوی به وجود می‌آمد که بعضی‌ها شهامت مخالفت نداشتند ولی این به خود آنها مربوط است نه به دیگران و مجلس.

نقاط ضعف و مشکلات

یکی از نقاط ضعف، بی تجربگی نمایندگان و عدم اطلاع از شیوه کار قانونگزاری این دوره بود. هیچ یک از آنها سابقه کار پارلمانی نداشت و بسیاری از ما شاید نحوهٔ کار مجالس دیگر را هم ندیده بودیم و خیلی وقت و نیرو صرف شد که این ضعف تجربه جبران شود و یکی از وسائل جبران پشتکار و پرکاری و عمق وجودی بسیاری از نمایندگان بود.

نقطه ضعف دیگر، عدم اطلاع از وضع ادارات، نهادها و قوانین جاری کشور و نپختگی سیاسی بسیاری از نمایندگان بود که این هم با زحمت و با پشتکار کم کم رفع شد.

عدم ترکیب اعضا، به تناسب نیازهای مجلس از نواقص و مشکلات دیگرمان بود که مثلاً برای کارهای فرهنگی و اجتماعی و اسلامی نیرو پیش از نیاز داشتیم و برای خیلی از نیازهای فنی و اداری و حقوقی و ... کمبود متخصص مشهود بود. این نقص تا آخر هم به طور کامل رفع نشد؛ گرچه وضع در این اواخر خیلی بهتر شده بود.

نداشتن آئین‌نامه مناسب برای چنین مجلسی آزاد و پرتحرک هم از اشکالات دیگرمان بود که وقت زیادی را تلف می‌کردیم و هنوز برای تکمیل آئین‌نامه باید وقت مصرف کنیم. آئین نامه مجلس شورای ملی نظام قدیم به درد مجالس شاه ساخته و فرمایشی می‌خورد و به کار مجلسی که به طور مستقیم پخش می‌شود و اعضایش را انسانهای آزاد و پرمایه و دلسوز و اکثراً پر حرف و دارای سوابق سخنرانی و معلمی تشکیل می‌دهند، نمی‌خورد.

لیبرال‌ها و باطله‌ها

نقص و مشکل دیگر کار، وجود جمعی لیبرال کم خاصیت بود که در دو بخش مختلف تاریخ این دوره به دو گونه مزاحم بودند. در چند ماه اول داعیه رهبری مجلس و مملکت را داشتند و با پشت گرمی به موقعیت خیالی رئیس جمهور معزول و با همکاری با باندهای ملی‌گرا و مارکسیست و نیروهای بی‌بندوبار و عافیت طلب و به کمک و ارشاد شیاطین داخل و خارج و روزنامه‌های خود برای طرد نیروهای خط امام فعال بودند.

چون مجلس را با بنی‌صدر در تضاد می‌دیدند، نقشه متلاشی کردن مجلس را داشتند و "بن بست" و "کی باید برود" را مطرح می‌کردند و نمی‌گذاشتند مجلس راه خود را برود.

در بخش دوم و پس از حذف بنی‌صدر و انزوای نیروهای مخالف خط امام، همانها به شکل

دیگر مانع راه بودند. دل به کار نمی‌دادند، نوعاً جوری رأی می‌دادند که کار درست نشود. در کمیسیونها فعال نبودند و با توجه به کمبود اعضای مجلس به خاطر شهادت یا رفتن به کارهای اجرائی، عدم هماهنگی اینها همیشه بی‌تأثیر نبود و اگر هم مثلاً در نطق پیش از دستور شرکت می‌کردند، جوری صحبت می‌نمودند که خشم نمایندگان را تحریک کنند و عکس‌العمل بروز دهند که آزادی و اعتبار مجلس را مخدوش سازند و به همین هم دل خوش داشتند.

همین‌جا بگویم که بعضی از دوستان افراطی حزب اللهی هم در این گونه موارد با کم صبری و عجله، به آنها در رسیدن به اهدافشان کمک می‌کردند. گرچه زهر چشمی که از آنها می‌گرفتند، ترمز بدی برای حرکات ایذائی نبود.

تعدادی از نمایندگان بی‌خاصیت هم وجود داشتند که فقط اسم و حقوق نمایندگی را داشتند، نه در جلسات به طور جدی شرکت می‌کردند نه در بخشها و نه در کمیسیونها و نه در رأی دادن‌ها در حد حفظ نصاب حضور و سمت نمایندگی خودشان را نشان می‌دادند. دلگرمی از مجلس و انقلاب نداشتند یا به دلیل اینکه سرخورده شده بودند و یا به خاطر کم خاصیتی ذاتی خودشان، که بیشتر آنها در ارتباط با جریانهای مخالف، به چنین وضعی افتاده بودند و یا قبل از انتخاب، دید دیگری نسبت به مجلس داشتند ولی در عمل چیز دیگری دیده بودند و شاید وجود چنین افرادی در اکثر نهادهائی از این قبیل معمولی باشد.

ادارات

بخش اداری هم به خاطر جدید و قدیم بودن کارکنان و بروز اختلاف سلیقه‌ها، مشکلاتی داشت. گرچه باقیمانده‌های قدیم کارآئی خوبی ارائه دادند و جدیدالورودها هم زود به کارشان آشنا شدند و برخوردها هم زیاد شدید نشد، ولی مراجعات برای حل مشکلات این دو جناح وقت گیر و اعصاب خردکن بود و در عین حال ترکیبشان یک ضرورت.

نقص عضو

یکی دیگر از مشکلات تمام این دوره، کمبود اعضای مجلس بود. اوائل کار به خاطر انتخاب نشدن در مرحله اول و در مراحل بعدی به خاطر شهید شدن سی و دو نفر از بهترین افراد مجلس در فاجعه انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی و در سوء قصدهای دیگر محاربان ضدانقلاب

و یا منتقل شدن به کارهای اجرائی به لحاظ نیاز شدید و ضرورت‌های انقلاب که مجلس شده بود قلک پس انداز سمتهای مهم اجرائی.

اگر برای رسمیت مجلس و رأی گیری نیاز به دو سوم (۱۸۰) نفر نداشتیم، این مشکل خیلی مجال بروز نداشت ولی به این خاطر، دائماً در اداره جلسه علنی مشکل داشتیم و به انتظار رسیدن به حد نصاب در شروع مجلس و هنگام رأی‌گیری، وقت زیادی تلف کردیم و اعضایمان هم کوفته شده و احیاناً تندی‌هائی هم سرزد و توبیخ‌هائی که گرچه قانونی و حق بوده ولی بالاخره آدم مایل است از طرف عذر بخواهد و همین جا از همه همکاران نجیب که بزرگورانه بداخلاقی‌ها را تحمل می‌کردند، پوزش می‌خواهم و برای آنها و خودم از خداوند غفار، غفران می‌طلبم.

ضعف کار دولت در تهیه لوایح خوب و آوردن خورده کاری‌ها و تکرار عوض شدن کابینه‌ها و وزراء و نواقص کارهای اجرائی و پیاده نشدن بعضی از مصوبات مجلس که نمایندگان را وادار به سئوال و تذکر و استیضاح می‌کرد هم باید از مشکلات کار این دوره و در حقیقت از مشکلات انقلاب به حساب بیاید.

شورای محترم نگهبان هم علی‌رغم همکاری‌ها و صمیمیت و صفایشان بی‌زحمت و دردسر برای مجلس نبودند، گرچه آنها وظایف قانونی و شرعی خودشان را عمل می‌کردند ولی در مجموع فکر حاکم براکثریت مجلس و اکثریت شورای نگهبان، کاملاً در یک خط نبود و باعث معطل شدن لوایح و رفت و برگشت و اتلاف وقت و نیرو می‌گردد. البته این اشکال طرفینی است آنها هم می‌توانند بگویند اکثریت مجلس مزاحم روانی کار شورای نگهبان می‌شده بالاخره کارهای مشورتی با طبیعی بودن اختلاف نظر این گونه مشکلات را دارد. کمااینکه در خود مجلس هم همین اختلاف‌های فکری و خطی وقت‌گیر بود. البته اگر برخوردها با موازین اسلامی و اخلاقی حسنه باشد، اختلاف نظرها خلاق و سازنده و باعث رشد افکار و معارف هم خواهد بود.

از عیوب دیگر این مجلس این بود که گاهی افرادی که در مجلس نبودند و امکان دفاع از خود نداشتند از تریبون آزاد و پخش مستقیم، مورد قدح و جرح و هتک قرار می‌گرفتند. پیداست که بر سر آنها چه می‌آید. و مخصوصاً کسانی که مسئولیت سنگینی به عهده داشتند و این گونه مطالب، قدرت مدیریت و کار را از آنها می‌گرفت. خداکند که در مجلس آینده چنین نباشد.







امنیت

از مشکلات دیگر این دوره به هم خوردن امنیت نمایندگان است. شیوع تروریسم و کثرت موارد عوامل نفوذی ضدانقلاب در نهادها و ضعف امکانات اطلاعاتی و امنیتی کشور، مشکلات زیادی برایمان پیش آورد. عده‌ای از بهترین همکارانمان را گرفت. نیرو و وقت زیادی صرف تأمین امنیت و جان نمایندگان شد، برای محافظت کارهای زیادی که می‌توانستیم انجام دهیم، ندادیم. رابطه نمایندگان را با مردم کم کرد، گرچه مردم خودشان قبول داشتند. مجبور شدیم از اتومبیلهای لوکس و قوی و ضدگلوله استفاده کنیم، به جای اینکه منازلمان در میان مردم باشد ناچار به منطقه‌های محافظت شده پناه بردیم. در جلسات و اجتماعات به طور طبیعی کمتر شرکت می‌نمودند و همه اینها هم برخلاف میل و طبیعت نمایندگان بود و هم عوارض نامطلوب داشت و هم وسیله استفادهٔ دشمنان و معترضان. البته این وضع منحصر به مجلس نبود و سایر نهادها و مسئولان هم چنین وضعی داشتند، گرچه مجلس به خاطر اهمیتش و به خاطر ضربه‌هایی که بر رأس ضدانقلاب وارد کرده بود از اهداف مهم ضدانقلاب بود. و شاید همین کمی ارتباط با مردم باعث شد که بسیاری از نمایندگان لایق و پرکار در انتخابات دوره دوم مجلس از رقبای خود شکست بخوردند، و امید دارم که اینگونه افراد بتوانند در تکمیل کادر مجریان نقش شایسته‌ای ایفاء نمایند.

***

با این توضیحات مختصر می‌شود نتیجه گرفت که مجلس شورای اسلامی در عین داشتن آن مشکلات و آن نواقص در سایه نقاط قوت خود توانسته است کارهای عظیمی انجام دهد. اصولاً مجلس شورای اسلامی، مجلس قانونگزاری منحصر به فرد تاریخ است که مقررات کشورداری را براساس اسلام می‌نویسد که البته این از افتخارات انقلاب اسلامی است. توفیق تدوین این همه مقررات براساس فقه اسلام کار فوق‌العاده با ارزشی است.

در این افتخار سهم شورای محترم نگهبان را نباید نادیده گرفت. انصافاً اگر شورای نگهبان وجود نداشت، تضمینی برای صددرصد اسلامی بودن مصوبات مجلس نداشتیم، چون مصوبات مجلس براساس آراء نمایندگان است و ممکن است بعضی از این آراء از کسانی باشد که اسلام را به خوبی نشناسند و با آنها اکثریت بدست بیاید.

نقطه مهم دیگر این است که مجلس دوره اول پیشتاز و مصداق "سابقون مقرّبون" است و

ابتکارات و تجربیاتش می‌تواند راهنمای دوره‌های بعد باشد و ما به امید و انتظار و تکمیل این حرکت مقدس در آینده هستیم.

رئیس مجلس شورای اسلامی
اکبر هاشمی رفسنجانی
۶۳/۳/۲۷

مقاله‌ای درباره
شهید علی اکبر مقصودی

اشاره: این مطلب به مناسبت سالگرد شهادت شهید علی اکبر مقصودی برای چاپ در کتاب زندگینامه آن شهید در تابستان سال ۱۳۶۳ نگاشته شده است.

بسم‌الله الرحمن الرحیم

شهید علی اکبر مقصودی را از دوران کودکی‌اش می‌شناختم. بچه‌ای دوست داشتنی بود. در جلسات اُنس در جلسات هیأت انصارالحسین در اردوهای سازنده دوستان "رفاه" و برخوردهای دیگر با او برخورد داشتم.

اولین بار در "انصارالحسین" توجهم را جلب کرد. من در آن جلسات هفتگی برای برادران و خواهران مسلمان انقلابی سخنرانی می‌کردم. معمولاً جلسات را به صورت درس برگزار می‌کردم. به شیوه مدارس تخته سیاه و گچ و ... داشتیم. معمول این بود که در هر جلسه، درس جلسه قبل را از حضار پس می‌گرفتم. سئوالاتی طرح می‌کردم و برای جواب از قشرها و اصناف مختلف حضار جواب می‌خواستم. از دانشجویان، دانش آموزان، کسبه، طلاب و .... به تناسب سطح معلوماتشان



مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره ....

تاریخ ....

پیوست ....

بعونه تعالی

بسم الله الرحمن الرحیم

شهید علی اکبر مقصودی را از دوران کودکی و نوجوانی‌اش میشناختم. بچه‌ی دوست داشتنی بود
در جلسات انس در جلسات "بیت الثارالحسین" در اوائل سال ۵۵ در دبستان "رفاه"
و برخوردهای دیگر با او برخورد داشتم.

اولین بار در "ثارالحسین" توجهم را جلب کرد. هر شب در آن جلسات
سخنرانی برای برادران و خواهران مسلمان انقلابی سخنرانی میکردم. معمولاً
جلسات را بصورت درس برگزار میکردم. به شیوه مدارس تخته سیاه و گچ
و ... داشتیم. معمول این بود که در هر جلسه درس جلسه قبل را از حضار
پس میگرفتم. سؤالاتی طرح میکردم و برای جواب از قشرهای مختلف
حضار جواب میخواستم. از دانشجوها، دانش آموزان، کسبه، طلاب
و ... به تناسب سطح معلوماتشان چیزی میپرسیدم. و آنروزها این شیوه
تحولی در وضع جلسات هیئات های دینی بشمار میآمد.

استاد علی اکبر مقصودی را که آنروزها بنام "علی" میخواندند در آن جلسات کشف کردم.
صحبتهای جلسه را خود به خوبی ادا میکرد [illegible] علی ده دوازده ساله بود.

چیزی می‌پرسیدم. و آن روزها این شیوه، تحولی در وضع جسات هیأت‌های دینی این به شمار می‌آمد.

استعداد علی اکبر مقصودی را که آن روزها بنام "علی" می‌خواندند، در آن جلسات کشف کردم. در سالهای اواخر دهه چهل و اوائل دهه پنجاه، علی ده دوازده ساله بود. ابتداء به اقتضاء سنش سئوالات ساده‌ای از ایشان می‌نمودم ولی او آن قدر خوب جواب می‌داد که کم کم سطح سئوالات او رابا بزرگسلان یکی کردم و در این مرحله هم خوب از عهده برمی‌آمد.

بیان خوبی داشت و موقع صحبت لبخندهای شیرینی برلبانش نقش می‌بست و نجابت و شعور و هنر را به نمایش می‌گذاشت. آن روزها امید بسته بودم که در آینده از چهره‌های ارزنده اسلامی بشود و از صمیم دل دوستش داشتم.

من به زندان افتادم و مدتها او را ندیدم و بعد از پیروزی انقلاب هم یادم نیست که برخوردی با ایشان داشته باشم، گرچه با پدر داغدیده و مقاوم و پر تلاش در ستاد نماز جمعه تهران و ملاقات با اعضای دوستان مؤتلفه، زیاد ملاقات پیش می‌آمد، ولی گرفتاریها و اشتغالات زیاد، انسان را غافل از توجه به بعضی از وظایف اخلاقی منجمله یادآوری آشنایان فراوان قدیم می‌کند.

وقتی که خبر شهادت علی را شنیدم، خیلی تأسف خوردم که چرا قبل از شهادتش و در سالها و ماههای اخیر که به گفته دوستان خیلی رشد معنوی داشته از او خاطره‌ای ندارم.

و اکنون همان خاطره‌های کودکیش و نوجوانیش و دکلمه‌هایش و محبتهایش و خوب درس پس دادنش و بیان خوبش در نظرم جلوه و معنای بیشتری دارد.

اصولاً خون شهدا به حق ارزشهای شهید را جلا و ارزش و اعتبار بیشتری می‌دهد. کسانی که گفته‌ها و نوشته‌ها و رفتار خودشان را با خونشان و با نثار جانشان به امضاء می‌رسانند، آن چنان سندی در تاریخ به جای می‌گذارند که دست زمانه، نمی‌تواند در غبار ابهام و غناء پنهان نماید و علی اکبر مقصودی از همان نوع انسانها است و می‌تواند الگوی خوبی برای جوانان اسلامی جهان اسلام باشد.

خداوند شهادت را برایش گوارا دارد و این افتخار بر والدین محترم و همسرش و سایر بستگانش مبارک باد و امید دارم که با علی اکبر فرزند اباعبداله الحسین محشور گردد.

اکبر هاشمی رفسنجانی

۶۳/۵/۸



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره ۵۰/۲۸۷۸۴/ده

تاریخ ۲۰/۳/۵۹

پیوست ندارد

بسمه تعالی

ریاست کل [illegible]

در پاسخ نامه شماره ۱۹۳-۵-۲۵ / ۲۲/۱۱/۶ در مورد شکایت های جمعی از افراد دیگر [illegible]

نماینده‌گان تهران توضیحات زیر را ارائه میدهم.

در جریان حوادث روز سه‌شنبه ۱۰/۳/۱۳۵۹ انتخاب [illegible]

نامه تحلیلی [illegible] کردم.

اظهارات [illegible] را با اینکه قسمتی در آن خلاف حقیقت

و تهمت به نظام اسلامی بود به جهت آزادی نماینده‌گان ملاحظه کردم و نماینده‌گان

را هم از دخالت منع کردم با اینکه نماینده‌گان تحت فشار [illegible]

~~[illegible]~~ پس از تمام شدن وقت ایشان که تشخیص دادم اظهار

نگرانی [illegible] داشت [illegible] پیش [illegible] نماینده‌گان

ناحیه [illegible] هم [illegible]

[illegible] ~~[illegible]~~ از [illegible]

گزارشی از حادثه
دهم آبان ۱۳۶۲

ریاست کمیسیون اصل ۹۰

در پاسخ نامه شماره ۶۲/۱۱/۳ / ۱۹۳-۵-۲۵ در مورد شکایت آقایان معین فر و دکتر سامی نمایندگان تهران توضیحات زیر را لازم می‌دانم:

در جریان حوادث روز سه‌شنبه ۱۳۶۲/۸/۱۰ اینجانب براساس آئین نامه مجلس عمل کردم. اظهارات آقای صباغیان را با اینکه قسمتی از آن خلاف حقیقت و تهمت به نظام اسلامی بود، به خاطر حرمت آزادیِ نمایندگان تحمل کردم و نمایندگان را هِم از دخالت منع کردم؛ با اینکه نمایندگان سخت عصبانی بودند.

پس از تمام شدن وقت ایشان (به تشخیص خودم)، اخطار تمام شدن وقت دادم و اگر حادثه‌ای پیش نمی‌آمد، مثل دیگر نمایندگان تا چند دقیقه اضافی هم مسامحه می‌کردم.

به آقای قره باغ که عملاً در جلوگیری از ادامه صحبت ایشان دخالت کردند، اعتراض نمودم و

در آن لحظه بیش از آن کاری ساخته نبود.

دخالت آقای معین فر به اعتراف خودشان برخلاف حق و آئین نامه بود و من نگفته‌ام بگذارید ایشان بیاید. به نوار موجود مراجعه نمائید و ببینید این جمله به چه کسی مربوط می‌شود.

فیلم مجلس نشان می‌دهد که حمله از طرف آقای معین فر به آقای قره‌باغ شروع شده. کلاً در مورد برخورد ایشان و نمایندگان دیگر، حق شکایت از یکدیگر برای همه محفوظ است و مراجع صالحه رسیدگی می‌نمایند.

قطع برنامه از رادیو مخالفتی با قانون اساسی و آئین‌نامه ندارد و آنجا آقای صباغیان به دروغ - در فیلم مشخص است - قبل از درگیری از رادیو فریاد می‌زدند: "چرا من را می‌زنید" اما چاره‌ای جز آن بود؟ اعلام تنفس را لازم ندیدم و به سرعت جلسه را به طور عادی ادامه دادیم.

آقای معین به گونه‌ای خود را به من و صندلی من نزدیک کرد که برای نمایندگان و خود، احتمال سوء قصد مطرح شد و ایشان را از من جدا کردند و من همانجا مواظب بودم به ایشان صدمه‌ای وارد نشود و از مأموران خواستم ایشان و آقای صباغیان را حفظ کنند و به جای امنی ببرند.

برای انجام مسئولیت حفظ انتظام مجلس، لازم دیدم مدتی آقایان را در جائی خلوت و محفوظ نگهداریم که این کار را به عهده آقای بشارتی مسئول حفاظت مجلس گذاردم و ایشان به خوبی این وظیفه را انجام داد و پس از آرام شدن جو و محیط به مجلس آمدند. رئیس، حق صحبت قبل از دستور دارد و به مقتضای این حق توضیحاتی دادم.

صحبت‌های آقای منتجب نیا بنا بر تقاضای نمایندگان بود که این رویّه در مجلس تا به حال وجود داشته. اظهارات من در نماز جمعه و جاهای دیگر در توضیح همین مسائل بوده است.

در مورد جمله "اسحله را بگذارید زمین" که آقای معین فر ادعا کرده‌اند، این ادعا صحیح نیست و می‌توانید نوار را گوش بفرمائید.

اگر در صورت مذاکرات مجلس مطلب نادرستی آمده - که نیامده - قابل اصلاح است.

خداوند جمهوری اسلامی را از شر مخالفان و دشمنان حفظ کند.

رئیس مجلس شورای اسلامی
اکبر هاشمی رفسنجانی
۶۳/۱/۲۰

نامه‌ای به دبیر کل

اشاره: در سال ۱۳۶۳ پس از اعلام نتایج انتخابات دوره دوم مجلس شورای اسلامی، اختلافات گروههای چپ، راست و میانه در حزب جمهوری اسلامی، به مرحله حادی رسید. نامه زیر بخشی از این مشاجرات و اختلاف نظرها را به خوبی نشان می‌دهد:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

حضور محترم برادر بزرگوار جناب آقای خامنه‌ای
دبیر کل محترم حزب جمهوری اسلامی

با سلام و آرزوی توفیق هر چه بیشتر جنابعالی برای خدمت خالصانه در راه خدا.

مدتی است بر این تصمیم قرار گرفته‌ایم که پاره‌ای از مسائلی را که در سرنوشت آینده انقلاب

اسلامی و به ویژه حزب جمهوری اسلامی، نقش حیاتی دارند، طی نامه‌ای با جنابعالی در میان گذاشته و ضمن ارزیابی عملکرد این مجموعه، نگرانی خویش را از روند مسائلی که در حزب می‌گذرد ابراز داریم.

حرکت جمعی، هر چندگاه نیاز به این ارزیابی‌ها دارد، زیرا بازنگریها احتمال رفتن به خطا را کم و ابعاد مثبت و منفی حرکت را مشخص می‌کند. محاسبه، همان‌گونه که در حرکت فردی امری لازم و ضروری است، در حرکت جمعی نیز ضروری می‌باشد، زیرا به همان نسبت که توان و شتاب حرکت جمعی بیشتر است، آسیب‌پذیری آن هم بیشتر می‌باشد.

مدتهاست که احساس می‌کنیم، حرکت جمعی ما در حزب جمهوری اسلامی نیز نیاز به چنین تجدید نظری دارد. تردیدی نیست که تشکل، وسیله‌ای است برای رسیدن به اهدافی و اگر از این وسیله به درستی استفاده شود، یکی از ابزارهای مؤثر در جهت پیشبرد حرکت جامعه ما به سمت تحقق آرمانها و ایده‌آلهای انقلاب اسلامی است و گذشته از دریافتهای ذهنی، تجربه عملی حزب در مقاطع حساس آغازین انقلاب نیز ثابت کرده است که داشتن تشکل سالم براساس اندیشه اصیل اسلامی از ضرورتها و پشتوانه‌های انقلاب است.

اما یک تشکل ممکن است دچار آسیبها و آفتها بشود، که بایدبا دقت و چشمی باز مراقب پیدایش این آفتها بر پیکره آن بود و در سخنان بنیانگذاران بزرگوار حزب هم همواره براین امر تکیه شده است.

برادر عزیز! ما به روشنی آثار بروز برخی از این آفتها را بر پیکره حزب می‌بینیم:

۱- حزب یک حرکت فکری سیاسی است که محور اندیشه آن تکیه برمبانی اصیل مکتب اسلام توسط روحانیتی پایبند به اصول اسلامی و آگاه نسبت به ضرورتهای جامعه انقلاب اسلامی است و شاخص این اندیشه را می‌توان شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی دانست که جامعیت ایشان نسبت به آشنایی عمیق با علوم اسلامی از یک سو و جامعه قبل و پس از انقلاب، از سوی دیگر ایشان را به صورت محور فکری حزب در آورده بود.

تبلور اندیشه حزب در اساسنامه و مرامنامه آن منعکس است که با تکیه براصول بنیادین اسلامی، بینشی جامع راجع به تحول جامعه کنونی پس از انقلاب به جامعه نمونه اسلامی ارائه شده است؛ جامعه‌ای که در آن احکام الهی حاکم و عدالت فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برقرار باشد.

بسم الله الرحمن الرحيم

حضور محترم برادر بزرگوار جناب آقای خامنه ای

دبیرکل محترم حزب جمهوری اسلامی

با سلام و آرزوی توفیق هرچه بیشتر جنابعالی برای خدمت خالصانه در راه خدا. مدتی است براین تصمیم قرار گرفته‌ایم که پاره‌ای از مسائلی را که در سرنوشت آینده انقلاب اسلامی وبه ویژه حزب جمهوری اسلامی، نقشی حیاتی دارند، طی نامه‌ای با جنابعالی درمیان گذاشته و ضمن ارزیابی عملکرد این مجموعه، نگرانی خویش را از روند مسائلی که در حزب می‌گذرد ابراز داریم.

حرکت جمعی، هرچند گاه نیاز به این ارزیابی‌ها دارد، زیرا بازنگریها احتمال رفتن به خطا را کم و ابعاد مثبت ومنفی حرکت را مشخص می‌کند. محاسبه همانگونه که در حرکت فردی امری لازم وضروری است، در حرکت جمعی نیز ضروری میباشد، زیرا به همان نسبت که توان وشتاب حرکت جمعی بیشتر است، آسیب‌پذیری آن هم بیشتر میباشد.

مدتهاست که احساس می‌کنیم حرکت جمعی ما در حزب جمهوری اسلامی نیز نیاز به چنین تجدید نظری دارد. تردیدی نیست که تشکّل، وسیله‌ایست برای رسیدن به اهدافی، واگر از این وسیله بدرستی استفاده شود، یکی از ابزارهای مؤثر در جهت پیشبرد حرکت جامعه ما بسمت تحقق آرمانها وایده‌آلهای انقلاب اسلامی است و گذشته از دریافتهای ذهنی، تجربه عملی حزب در مقاطع حساس آغازین انقلاب نیز ثابت کرده است که داشتن تشکّل سالم بر اساس اندیشه اصیل اسلامی ازضرورتها وپشتوانه های انقلاب است.

اما یک تشکّل ممکن است دچار آسیبها و آفتها بشود، که باید با دقت و چشمی باز مراقب بود ایشان آفتها بر پیکره آن بود و درسخنان بنیانگذاران بزرگوار حزب هم همواره براین امرتکیه شده است.

برادر عزیز! ما بروشنی آثار بروز برخی از این آفتها را بر پیکره حزب می‌بینیم:

۱ـ حزب یک حرکت فکری سیاسی است که محور اندیشه آن تکیه برمبانی اصیل مکتب اسلام توسط روحانیت پایبند به اصول اسلامی و آگاه نسبت به ضرورتهای جامعه انقلاب اسلامی است و شاخص این اندیشه را می‌توان شهید مظلوم آیت الله بهشتی دانست که جامعیت ایشان نسبت به آشنائی عمیق با علوم اسلامی ازیکسو و جامعه قبل و پس از انقلاب، از سوی دیگر ایشانرا بصورت محور فکری حزب درآورده بود.

تبلور اندیشه حزب در اساسنامه و مرامنامه آن منعکس است که با تکیه بر اصول بنیادین اسلامی بینشی جامع راجع به تحول جامعه کنونی پس از انقلاب به جامعه نمونه اسلامی ارائه شده است؛ جامعه‌ایکه در آن احکام الهی حاکم و عدالت فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برقرار باشد.

بیان روشنتر این آرمانها در کتاب "مواضع ما" آمده است که محصول تلاش فکری بنیانگذاران حزب و بویژه شهید مظلوم آیت الله بهشتی است. با کمال تأسف باید اذعان نمائیم که بُعد فکری و عقیدتی حزب مدتهاست که مورد بی توجهی قرارگرفته است، بگونه‌ایکه از آرمانها وایده‌آلها و شعارهای حزب، نامی بیش باقی نمانده است و حتی برخی از آنهارا از زبان کسانی می‌شنویم ...

بیان روشنتر این آرمانها در کتاب "مواضع ما" آمده است که محصول تلاش فکری بنیانگذاران حزب و به ویژه شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی است. با کمال تأسف باید اذعان نمائیم که بُعد فکری و عقیدتی حزب مدتهاست که مورد بی توجهی قرار گرفته است، به گونه‌ای که از آرمانها و ایده‌آلها و شعارهای حزب، نامی بیش باقی نمانده است و حتی برخی از آنها را از زبان کسانی می‌شنویم که خارج از حزب هستند.

۲- حیات و پویائی یک تشکل، هنگامی است که در همه صحنه‌های جامعه حضور داشته باشد، مشکلات را با واقع بینی ببیند، از روبرو شدن با مسائل نهراسد، به قلب موانع وارد شود و راه حل صحیح را براساس معیارها، اصول و ارزشهای خود بیابد و به جامعه ارائه دهد. اگر جسارت برخورد با مسائل را نداشته باشیم و آنها را دور بزنیم، مسلماً کاری از پیش نخواهیم برد، بلکه این موانع و مسائل بر روی هم انباشته می‌شوند و روزی همچون موجی عظیم از پشت، بر سر ما فرود خواهند آمد.

برادر عزیز! بی پرده بگوئیم که در طی سالهای اخیر، با وجود مسائل گوناگون سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بسیاری که در کشور ما و در مسیر انقلاب اسلامی ما پیش آمده است، جای این امر را در حزب خالی می‌بینیم. در طی این مدت تقریباً در هیچیک از مسائل مهمی که بر کشور گذشت، حزب به عنوان "حزب" نظری نداشته، موضعی اعلام نکرده و راه حلی ارائه نداده است. سهل است که گاه خود منشأ بروز بسیاری از مشکلات و موانع بوده است. آیا در سه سال اخیر هیچ موضعگیری از حزب مشاهده کرده‌ایم؟ آیا بیانیه یا تحلیلی راهگشا داشته‌ایم؟ آیا حداقل حزب برای اعضای خود موضع درست، سالم و راهگشا را بیان کرده است؟ اگر چنین نبوده علت چیست؟

بی‌برنامگی حزب از یک سو و ترس حزب از موضعگیری روشن و اصولی در قبال مسائل پیچیده جامعهٔ ما باعث شده است که جلسات شورای مرکزی تبدیل به جلسات تصویب آئین‌نامه‌های خشک اداری و چگونگی چاپ و پخش قبوض فروش سهام کارخانه نئوپان سازی (آن هم بیش از پنج جلسه!) گردد.

سی نفر که میان آنان از مسئولین درجه اول کشوری نیز حضور دارند، با قبول ریسک و مخاطرات، در جلسه‌ای می‌نشینند و ساعتها وقت خود را در هفته می‌گذرانند تا کاری را انجام دهند که چند نفر اعضای معمولی ولی مطمئن و مورد اعتماد حزب هم می‌توانند با دقت بیشتر آن را

انجام دهند. در جلسه‌ای که رئیس جمهور، رئیس مجلس، نخست وزیر، چند وزیر و چندین نماینده مجلس شرکت دارند، چند تصمیم مهم سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مفید به حال کشور گرفته شده است؟ چه توصیه‌ای به دولت برای حل مشکلات انجام گرفته است؟ کدام طرح را متفکرین و اندیشمندان حزبی برای اجرا جهت ابلاغ به اعضای حزبی در دولت و مجلس تهیه کرده‌اند؟ آیا سخن از اختلافات فلان و بهمان، همان چیزی است که مرامنامه و اساسنامه و مواضع حزب آن را می‌طلبد؟

در کنگره اول حزب تصمیم گرفته شد که به جای "شورای افتاء" که در اساسنامه آمده بود، شورای فقهائی تشکیل شود تا تصمیمات متخذه در شورای مرکزی را از نظر مبانی اسلامی بررسی نماید. آیا در عرض دو سال اخیر، تصمیمی گرفته شده است که اصولاً به "شورای فقها" نیازی باشد؟ همین مسأله، خنثی بودن کامل حزب را در مقابل حیاتی‌ترین مسائل کشور می‌رساند، مسائلی که حتی کم اطلاعترین فرد این ملت بزرگ با ایمان نسبت به آن حساسیت نشان می‌دهد و موضع دارد. اگر یک حزب نتواند در قبال مسائل کشورش، موضعی داشته باشد، پس به چه کاری مشغول است؟ چه دردی از مردم را دوا می‌کند؟ آیا چنین تشکیلاتی خود بالاترین نمونهٔ کار "لغو" نمی‌گردد؟

"تشکیلات (باید) به درد مردم بخورد، نه اینکه باری باشد بر دوش این جامعه (لغو). این تشکیلات الان مقداری هزینه می‌برد، مقداری نیروی انسانی می‌برد، روی این تشکیلات سرمایه گذاری می‌شود. اگر این تشکیلات به درد این مردم نخورد "لغو" می‌شود و ما هم اگر اهل ایمانیم باید از لغو گریزان باشیم، عَنِ‌اللّغو مُعرِضُون.

"پندهائی برای تشکیلات" از سخنان شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی چند روز قبل از شهادت

۳- ما تشکل را همواره به چشم وسیله‌ای در جهت برآورده ساختن آرمانها و به اجرا در آمدن آنچه به عنوان موضعگیری فکری‌مان مطرح بوده است، نگریسته‌ایم. یکی از آفتهای خطرناکی که ممکن است در هر تشکلی بروز کند، جایگزین شدن وسیله به جای "هدف" است. این پدیده که انحرافی روشن از مبانی اندیشهٔ اصیل اسلامی است، آهسته آهسته در یک تشکل ظهور می‌کند و با کم توجهی نسبت به آن به صورت یک بیماری همه‌گیر، درون تشکل را فرا می‌گیرد و ناگاه متوجه می‌شویم تشکلی که قرار بود "پاسدار ارزشها باشد نه پاسدار خود، نگهبان ارزشها باشد نه نگهبان خود" (پندهائی برای تشکیلات، شهید بهشتی). جای خود را به مجموعه‌ای داده است که در آن آرمانها و

مواضع و شعارها رو به فراموش شدن هستند، و آنچه باقی مانده است تنها نامی و خاطره‌ای از گذشته درخشان است. دیگر تشکل نه یک تجمع فکری بر محور یک اندیشه اصیل اسلامی، بلکه کنار هم قرارگرفتن افراد است، آن هم خدای ناکرده بر محورهائی که نه تنها مایهٔ تقرب به خداوند نیست، بلکه ممکن است خود بازدارنده و منحرف کننده باشد.

دیگر در ارزیابی افراد و اندیشه‌ها و برنامه‌ها و طرحها، معیار نه نزدیک یا دور بودن آنها نسبت به مواضع و آرمان‌ها، بلکه نزدیک یا دور بودن آنها نسبت به این ابزار و وسیله‌ای است که قرار بوده است ما را به آن آرمانها رهنمون باشد. این در حالی است که خود ما در آغاز حرکت اعلام کردیم که هر تشکلی چنین اندیشه‌ای را محورکار خود قرار دهد، به بیراهه رفته است.

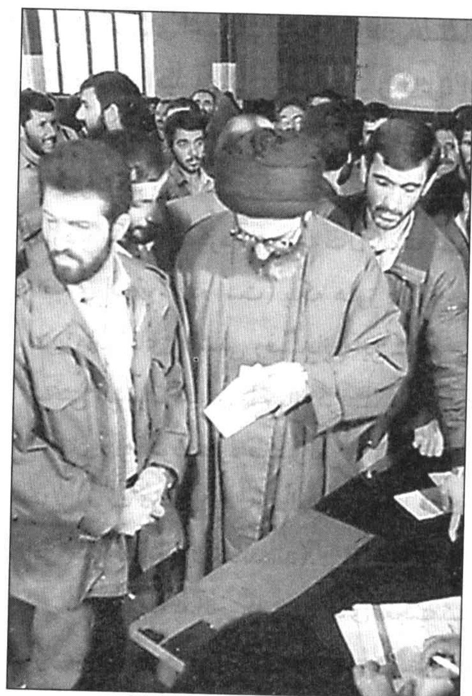
حزب جمهوری اسلامی از آغاز خود را تشکیلات منحصر به فرد نمی‌دانست و قرار ما براین بوده است که اگر افراد یا تجمعهای اسلامی دیگری در مسیر انجام این اندیشه و آرمان گام برداشتند با آنها در یک مسارعهٔ به سمت خیرات، مشارکت کنیم نه آن که هر کس راکه به نحوی از انحاء نسبت به ما "منتقد" است یا در جمع ما حضور ندارد به چشم خصومت بنگریم:

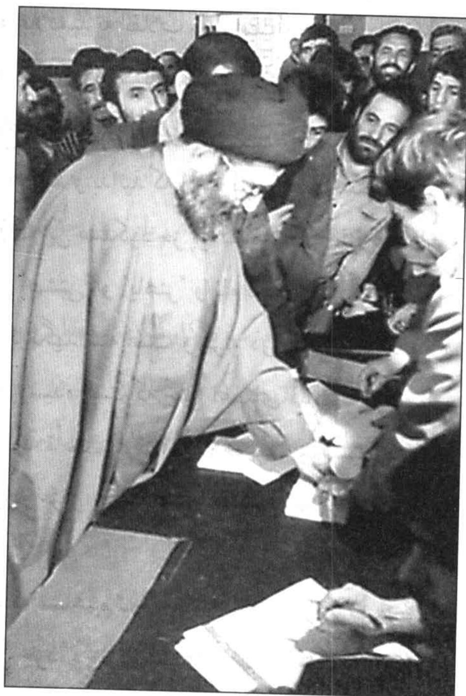
"حزب جمهوری اسلامی با همه احزاب و جمعیتهای اصیل اسلامی در ایران و کشورهای دیگر رابطه برادرانه دارد و بر اساس تعالیم پاک و فلاح آور قرآن که "ویسارعون فی الخیرات" خود را با آنها در یک مسابقه مثبت و سازنده در جوی برادرانه می‌یابد، و هرگونه رقابت منفی و رشک آمیز با آنها راگناه و انحرافی خطرناک از مکتب می‌شمرد و خود را مؤظف می‌داند با رسوبات اخلاقی نامطلوب که متأسفانه در جامعهٔ ما در این رابطه وجود دارد، و در میان برادران تشکیلاتی هم گهگاه آثار آن دیده شده، همواره در ستیز باشد."

/مواضع ما ـ صفحه ۳۹/

این انحراف در ارزیابی افراد و مجموعه‌ها، متأسفانه در داخل حزب پیدا شده است و برخوردهای نادرستی که از سوی بخشهائی از حزب انجام گرفته، باعث فاصله گرفتن بسیاری از نیروها از حزب شده است.

به ویژه پس از اعتماد گسترده مردم که در پی حوادث زمان بنی‌صدر و انفجار دفتر مرکزی و شهادت عزیزان ما به طور شگفت‌آور نسبت به حزب پدیدار شد، بسیار بجا بود که با حرکتی درست براساس معیارهای روشن و به دور از اینگونه انحرافات، از این امکان تاریخی در جهت تشکل "همه" نیروهای متعهد و مومن به انقلاب اسلامی و رهبری آن استفاده می‌شد و متأسفانه این کار





آیت اله خامنه ای رئیس جمهور در پای صندوق رای

انجام نگرفت.

۴- با توجه به روحیهٔ مثبت و سازنده‌ای که در "مواضع" و همچنین در گفتارهای برادران بنیانگذار منعکس بود، حزب در آغاز حرکت، تمام سعی خود را بر این داشت تا هر آنچه ممکن است در جذب بیشتر افراد مسلمان و با ایمان و معتقد به ولایت فقیه بکوشد و در این راه با تأسی به سیرهٔ پیامبراکرم(ص) گاه حتی به سراغ افرادی رفت که نه تنها از این حرکت سالم و بی شائبه استقبال نکردند، بلکه از آن رویگرداندند و آن را حمل بر چیزهائی کردند که مسلما در اعماق و زوایای دل تجمع ما نیز راه نداشت. اما حزب پیروز اندیشه‌ای بود که شعار خویش را "جاذبه در حد ممکن و دافعه در حد ضرورت" قرار داده بود و از اینگونه برخوردها دلسرد نمی‌شد. آشکارا می‌یابیم که این روحیه در حزب جای خود را به آن داده است که جمعی، جذب و دفعها را نه با چنین اندیشه‌ای، بلکه براساس ذهنیت بیماری که: "هر کس با ما نیست پس برماست"، انجام می‌دهند و حتی سلیقه‌های شخصی، ملاک جذب و یا دفع افراد و مجموعه‌ها از حزب می‌شود و با انگ زدنها، اشخاص به سمت مخالفت با این تشکل سوق داده می‌شوند و اکنون در شرایطی به سر می‌بریم که در طی سالهای اخیر بسیاری از نیروهای مسلمان و علاقمند به انقلاب را در مقاطع مختلف از خود رانده‌ایم، و امید آنهائی را که حزب را کانون امید خود می‌دانستند، تبدیل به یأس و دلسردی کرده‌ایم. اکنون به چه امیدی جوانان غیور و شجاع و مؤمن و انقلابی به سمت حزب بیایند؟

برادر عزیز، شما بزرگ حزب و بزرگ قوم ما هستید و بدانید که اگر حزب امروز هنوز نامی دارد به خاطر عملکرد آن در سه سال گذشته نیست (که این عملکرد جز پراکنده ساختن نیروها،کار مفیدی انجام نداده است) بلکه هنوز عبای خونین "بهشتی" و "باهنر" و نام نیک شما و برادر عزیزمان آقای هاشمی رفسنجانی این "شبح" را برپا نگهداشته است وگرنه در داخل حزب به سختی می‌توان امیدی را سراغ گرفت. کار تا بدانجا رسیده است که حتی اعضای قدیمی حزب با انگهای گوناگون مورد طرد و لعن قرار گرفته‌اند و آنچه تأسف بارتر است، سکوت موسسین بسیار عزیز حزب در قبال این مسأله بوده است. (حتی برادر عزیز جناب آقای هاشمی رفسنجانی نیز از این حملات مصون نمانده‌اند).

۵- با توجه به آنچه گذشت، جای تعجب نیست که مشاهده شود سیاسی کاری در حزب محور قرار می‌گیرد و حزب به جای حرکت مستقیم و روشن خود، دچار تشتت و تزلزل در حرکت می‌شود و بگونه‌ای که گاه حرکات انجام شده توسط حزب توجیه ناشدنی هستند. از جمله این حرکات که

باید به دقت مورد ارزیابی و نقد قرار می‌گرفت، حرکت ما در انتخابات مجلس است.

در انتخابات میاندوره‌ای سال شصت و دو، صرفاً براساس طناب کشی‌های سیاسی برخی در درون حزب، افرادی به عنوان کاندیدای حزب جمهوری اسلامی معرفی شدند که بدون تردید افراد کار آمدتر و صالحتری از آنها برای مجلس یافت می‌شدند. حزب این افراد را کاندیدا کرد، بدون آنکه جمعبندی درستی از مسأله داشته باشد و در انتخابات دورهٔ دوم مجلس همان افراد را کاندیدا نکرد بدون آنکه پاسخ روشنی در قبال سوالاتی که در این‌باره صورت می‌گیرد، داشته باشد. مکرر از حزب سوال شده است که چرا در آن انتخابات این افراد از جانب حزب کاندیدا شدند در حالی که هیچیک از آنها را حزب در دوره دوم مجلس کاندیدای خود نکرد.

در انتخابات دورهٔ دوم مجلس هم - در مواردی - آنچه گذشت مسلما انتخاب اصلح نبود. انتخاب برخی از کاندیداهای تهران و شهرستانهای حزب، نشان دهندهٔ حرکت بر محور سیاسی و نه با معیارهای اصیل و روشن بود. چه بسیار افراد صالحتری که به دلیل نداشتن "روابط" و نیز عدم حاکمیت "ضوابط" کنار گذاشته شدند و این حرکت هم در تهران و هم در برخی شهرستانها صورت گرفت. بجا بود با ارزیابی انتخابات گذشته حداقل به این پرسش در پیشگاه وجدان خویش پاسخ دهیم که آیا شایسته‌تر از این افرادی که معرفی شدند، نبودند؟ آیا طریق شناسائی افراد صحیح بوده است؟ آیا تلاش برای انتخاب اصلح صورت گرفت؟ آیا ستاد انتخاباتی حزب مخلصانه و بی غرضانه حرکت کرد؟ چرا در انتخابات اینگونه عمل شد؟

امیدوار بودیم که این ارزیابی در حزب صورت گیرد، اما متأسفانه به سادگی از کنار مسأله‌ای چنین مهم عبور شد.

آیا برخورد حزب با کارگران، معلمان و دانشجویان درست بود؟

مگر جز این بود که در خانهٔ کارگر دو نفر از اعضای حزب حضور دارند؟ مگر نه این است که اینان خانهٔ کارگر را با صلاحدید شهید آیت‌الله بهشتی از چنگ کمونیستها بیرون کشیدند؟ چرا با چنین مجموعه‌ای برخورد بیگانه می‌شود؟ مگر نه این است که این برادران چهار کاندیدای کارگر خود را نخست به ستاد انتخابات معرفی کردند و پس از بی اعتنائی آنجا، توسط نامه‌ای به وسیله یکی از اعضای شورای مرکزی به شورا معرفی کردند و به سهولت به دلیل نداشتن "رابطه" از آنها عبور شد؟ مگر نه این است که با صلاحدید جناب آقای هاشمی رفسنجانی، علی‌رغم فشاری که از سوی انجمنهای اسلامی کارگران به آنها وارد می‌آمد، تنها به کاندیدا کردن چهار نفر اکتفا کردند؟

چرا با این افراد که حتی مصلحت نظام بر تقویت آنهاست، اینگونه برخورد شد و هنوز هم می‌شود؟
چرا انجمن اسلامی معلمان که از نخستین انتخابات در جمهوری اسلامی تاکنون همراه و مؤتلف حزب بود، این بار به سادگی کنار گذاشته شد؟ مگر نه این است که آنها حاضر بودند تنها با کاندیداکردن یک نفر از جانب حزب، که به اعتقاد ریاست محترم مجلس و جمعی از اعضای شورا فردی متعهد و کارآمد برای مجلس بود با ما ائتلاف کنند؟

آیا برخورد حزب با دانشجویان درست بود؟ برفرض اشتباهاتی در حرکت آنها وجود داشته باشد آیا حزب به عنوان نخستین و بزرگترین تشکیلات اسلامی، مسوولیت ارشادی در قبال آنان دارد یا بایدآنها را رقیب و حریف خود در "جنگ" به حساب آورد؟

در مورد انتخابات شهرستانها چگونه عمل شد؟ آیا فرمان امام در مورد عدم دخالت در حوزه‌های دیگر مورد عمل قرار گرفت؟ آیا با دخالت آشکار افرادی از مرکز در شهرستانها، برخورد قانونی شده است؟ آیا حرکت حزب در استان اصفهان درست بود؟ چه شد که در این استان جز یک نفر از ۱۷ نماینده، بقیه حزبی نیستند؟ چرا در شیراز کاندیداهای حزب رأی نیاوردند و حال آنکه کاندیداهای دیگر نیز افرادی ناصالح نبودند و یکی از آنان حتی عضو علی‌البدل شورای مرکزی حزب است؟ در استان خراسان چرا تعداد قابل توجهی از کاندیداهای حزب رأی نیاوردند؟ آیا حرکت حزب در قم به صورت صحیحی انجام گرفت؟

در مقابل آیا افرادی که در بسیاری از نقاط، از جانب حزب معرفی شدند با معیارهای اعلام شده توسط خود حزب برگزیده شده بودند؟ دامنهٔ این کشاکش تا بدانجا رسید که حتی روزنامه حزب با وجود حفظ یک خط سالم در انتخابات از جانب بخشی از حزب، مورد حمله و تهاجم قرار گرفت که در این "جنگ"!! روزنامه همانند "توپ"!! است که بر روی دشمن باید شلیک کند اما بر روی خودیها شلیک کرده است. (از اظهارات مسوول تشکیلات تهران در جلسه هیئت اجرائی پس از انتخابات مجلس دوم).

۶- فعالیت واحدهای تشکیلاتی حزب چه در تهران و چه در شهرستانها، متأسفانه روند اشتباهی را دنبال می‌کند، به گونه‌ای که حزب را که باید کانون امن و محیطی سالم و پرصمیمیت برای فعالیت همه نیروهای مسلمان متعهد باشد، به مراکزی مبدل کرده است که با کمال تأسف ناسلامتی‌ها را ترویج می‌کنند و اشاعه می‌دهند. رشد بله قربان‌گوئی، عوام‌فریبی و موذی‌گری و جایگزین شدن این خصلتها به جای صراحت لهجه و صداقت در برخوردها، آفتی خطرناک است

که بر پیکر برخی از واحدهای تشکیلاتی افتاده است. فیلترسازی بر اخبار و اطلاعات و جهت دادن آنها به سمت دلخواه عده‌ای خاص در درون حزب، در جهل نگهداشتن اعضای حزب و افراد مرتبط، ایجاد جوی مسموم و پر از خلافِ واقع‌گوئی و حذف افراد مومن، فداکار و مخلص و جایگزینی آنها توسط کسانی که تنها ویژگیشان "مطیع" بودن است، رویه عادی تشکیلات است و به جای نیروهای فعال و پر جوشش به تدریج "کارمندانی" در حزب مشغول کارند که تعداد قابل توجهی از آنها خدمت در حزب را شاید دیگر "شغلی برای گذران معاش" ببینند.

مدتهاست که عده‌ای دردرون حزب تیغ "حذف" را برکشیده‌اند. برخوردهای ناسالم و ناصحیح با روزنامه حزب، دفتر سیاسی، عروةالوثقی، واحد خواهران، شاخه کارگری، شاخه دانشجوئی شاخهٔ مهندسین و واحد شناسائی و امثال آن نمونه‌های اخیر این مسأله‌اند.

در بسیاری از دفاتر شهرستانها نیز در سالهای اخیر نیروهای "مطیع!!" جایگزین افراد علاقمند و پرکار و مخلص و مدافعان حزب در زمانهای دشوارگذشته شده‌اند. آیا لازم نبود که در این سالها یکبار به طور جدی، کار همه واحدهای حزب و منجمله واحدهای تشکیلاتی، مورد ارزیابی قرار گیرند؟ محصول کار تشکیلاتی پنجساله حزب چه بوده است؟

۷- تشکل باید یکپارچه و هماهنگ باشد و از قشرگرائی، صنف گرائی وگروه گرائی مبرا، چرا که این امر باعث متلاشی شدن یک تشکل می‌شود. حزب تشکیل شده بود تا تمام اقشار را در درون خود جای دهد. قدرت حزب از آنجا سرچشمه می‌گرفت که روحانی، بازاری، کارگر، دانشجو، معلم، دانش آموز و همه و همه مردم کوچه و بازار در آن شرکت مؤثر داشتند. از خاطر نمی‌بریم، تصمیم شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی و شورای مرکزی را که حتی اصرار بر ترکیب شورای مرکزی وکاندیداهای حزب برای مجلس از اقشار مختلف مردم داشتند و در این زمینه تصمیمات روشنی نیز گرفته شد که متأسفانه نه درکنگره و نه در انتخابات مورد توجه قرار نگرفت.

اجازه بدهید در این مورد کمی روشن‌تر و جزئی‌تر سخن بگوئیم. به نظر می‌رسد افراد درون یک تشکل اگر چه با یکدیگر پیوندهای گروهی قبلی هم داشته‌اند لازم است با ورود در یک تشکل بزرگتر پیوندهای گذشته خویش را ملاک کار در این مجموعه بزرگتر قرار ندهند و در آن ذوب شوند. گروه سازی در حزب و ایجاد فاصله میان خود و دیگران از آفتهائی است که آسیب زیادی بر پیکر یک تشکل وارد می‌آورد.

باید اذعان کرد که اختلاف نظرها از آغاز تشکیل حزب در آن وجود داشته و این امری طبیعی

است که نظرهای مشابه با هم نزدیکتر باشند. اما آنچه در این میان مهم است، این است که این امر باعث عدول از مبانی حزب و ایجاد تشکیلات در درون تشکیلات نشود. با صراحت باید بگوئیم که پس از حادثه انفجار دفتر مرکزی، تشکل درون تشکیلاتی که هم از نظر سیاسی و هم از نظر مالی مستقل از حزب عمل می‌کرد، برادران "هیأت مؤتلفه" بودند. ما از اینکه برادرانی گرد هم باشند و تبادل نظر کنند، نه تنها ناراحت و نگران نمی‌شویم، بلکه خوشحال هم هستیم، اما اگر این مجموعه تحت نام حزب عمل می‌کند، باید در آن ذوب شود. همه باید یک حزب باشیم، نه آنکه جمعی در درون حزب از نظر مالی مستقل و از نظر سیاسی نیز با افرادی در تهران و قم و سایر نقاط در تماس و هم پیمان باشند، که نه تنها در نهان بلکه گاه بالعیان با اندیشه بنیانگذاران حزب در تضاد بوده و حتی به نام، آنها را مورد طعن قرار داده و می‌دهند.

متأسفانه سکوت و مسامحه در برخورد با این مسأله، باعث تکه تکه شدن حزب گردیدو طبیعی است که در برابر چنین مجموعه‌ای، مجموعه‌های دیگر هم تشکیل شود، به طوری که هم اکنون حزب را "سه" حزب می‌بینیم. آیا عامل این مسأله هنوز هم ناشناخته مانده است؟ چرا با چنین پدیده‌ای مقابله نگردید؟ چرا در قبال آن حساسیت لازم به خرج داده نشده؟ چرا با وجود تلاش برای مطلع ساختن برادران بزرگوار و باقیماندگان بنیانگذاران نخستین حزب، نسبت به این امر کم توجهی شد؟

۸- مسأله دیگری که در حزب در حال حاضر به چشم می‌خورد، برخورد نادرستی است که توسط بخشی از حزب با دولت انجام می‌گیرد. مسلم است که دولت کنونی بدون نقص و اشکال نیست و بعضی از اعضای آن نیز ایده‌آل نمی‌باشند. اما آنچه نیز مسلم است این است که این دولت مورد تایید امام امت، ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی است و ریاست آن نیز با فردی حزبی بوده و تعدادی از اعضای آن نیز حزبی هستند. آیا برخوردی که با دولت توسط بخشی از حزب انجام می‌گیرد، صحیح است؟ چرا به حرکت ناسالمی که در قبال دولت صورت می‌گیرد، میدان داده می‌شود؟ برخی از افراد در حزب به گونه‌ای برخورد می‌کنند که حتی با دولت موقت هم نکردند. چرا نسبت به حرکات "موذیانه" و شیطنت‌آمیزی که بسیاری منشأشان از افرادی در درون حزب است، واکنش صحیح نشان داده نمی‌شود.

۹- اگر قرار باشد حرکتی دسته جمعی، موزون و هماهنگ صورت گیرد باید تخلفاتی که نسبت به مبانی حزب و تصمیم‌گیریهای آن انجام می‌گیرد مورد رسیدگی قرارگرفته و پیگیری شوند تا نظم

معقول مقبولی در تشکیلات بوجود آید و برای این مسأله نیز در اساسنامهٔ حزب پیش بینی واحدی بنام "شورای داوری" شده بود که در نخستین کنگره حزب اعضای آن تعیین شدند و امید آن می‌رفت که نابسامانیهای پس از سال شصت که در اثر نبود عناصر هماهنگ کننده مقبول در متن کارهای حزب به وجود آمده بود، اصلاح شود.

با کمال تأسف شاهد آن بوده و هستیم که تخلفات متعددی از تصمیم‌گیری‌ها و حتی اصول و مبانی اولیه حزب صورت می‌گیرد و هیچگونه پیگیری و مؤاخذه‌ای از هیچ جانبی انجام نمی‌شود. مکرر تخلفاتی که قبل از نخستین کنگره حزب در سال ۶۲ و درگیرودارآن (چه در تشکیل و کار ستاد برگزاری کنگره و چه در شیوهٔ انتخاب و به خصوص انتصاب افراد برای ورود به کنگره و چه در طول برگزاری مراسم کنگره) انجام گرفت را، متذکر شدیم و از آن تاریخ تاکنون نیز تخلفات متعددی که یا از اعضای تشکیلاتی و یا از خود مسوولان تشکیلاتهای حزب صورت گرفته است را شفاهاً و کتباً منعکس نمودیم، اما هیچ نتیجه‌ای حاصل نگردید.

نمونه‌های این مسأله فراوانند و آثار سوء برخی از تخلفات نه تنها در دایره حزب باقی نماند بلکه به بیرون آن نیز منتقل شد که از آن جمله می‌توان از تحلیلی که به طور کاملاً غیر قانونی توسط تشکیلات تهران در مورد مجلس نوشته شد و بازتاب نامطلوبی برای حزب در مجلس به همراه داشت، نام برد. آیا شورای داوری حزب نسبت به وظیفه خود عمل کرده است؟

آیا هیچ تخلفی تاکنون پیگیری شده، و مسأله به نتیجه‌ای رسیده است؟ پاسخ برادران شورا در قبال انتخاب کنندگان خود در نخستین کنگره در برابر این سوال چه خواهد بود؟ آیا جز این است که با غوغاگری افرادی نسبت به هرگونه تخلفی که مرتکب شدند، از پیگیری و مواخذه برکنار ماندند؟

۱۰- از مهمترین مسائلی که حزب با آن مواجه است برخورد رهبری عظیم‌الشأن انقلاب امام بزرگوار، با حزب است. اعتماد حضرت امام به حزب همواره از طریق شناسائی برادران مؤسس بوده و این مسأله، بارها و بارها مورد تأکید ایشان قرارگرفته و حزب به عنوان حزب نتوانسته است اعتماد ایشان را به خود جلب کند. آیا این تنها به واسطهٔ گلایه گذاریها و شکایتها و جوسازی‌ها است که علیه حزب در شهرستانها و نقاط مختلف انجام می‌گیرد؟ آیا این کم اعتمادی ریشه‌ای عمیق‌تر ندارد؟

حزب نردبانی است که مردم به اعتماد بنیانگذاران آن، اجازه داده‌اند بر لب بام خانه‌شان قرار

گیرد. برادر عزیز، یا مطمئن شویم که از این نردبان افراد سالم و غیر فرصت طلب و امین بالا می‌ایند و یا حتی یک لحظه هم حق نداریم از این اعتماد استفاده کنیم. اعتقاد ما بر این است که حزب باید به گونه‌ای باشد که در صورت عدم حضور جنابعالی و جناب آقای هاشمی رفسنجانی نیز نردبان برای اینگونه افراد قرار نگیرد. باکمال تأسف شاهدیم که حتی در زمان حضور شما دو برادر عزیز در حزب نیز کارهائی انجام می‌گیرد که نگران کننده است.

آیا با وضع موجود می‌توان به آینده حزب اعتماد کرد؟ آیا صحیح است اعتمادی را که خود ما با وضعیت موجود نسبت به آینده حزب نداریم از حضرت امام متوقع باشیم؟ ما در این زمینه هشدار رهبر ارجمند انقلاب و نگرانی ایشان را بجا می‌بینیم و هشدار می‌دهیم که مبادا سرنوشت حزب بدانجا کشدکه سرمایه‌هائی عزیز چون شما را از انقلاب بگیرد. پیوند شما با حزب، سؤال از وضعیت موجود حزب را به تدریج به مقام شامخ آن دو برادر نیز می‌کشاند. ما مطمئن هستیم که شما داوری امام امت را ارج بسیار می‌نهید و به نگرانی ایشان، نگران می‌شوید.

آیا دلیلی محکمتر برای نگرانی امام از تذکرات اخیر ایشان می‌یابید؟ براستی برای اجرای فرمایشات خصوصی ایشان چه کاری صورت گرفته است؟ آیا اعزام هیأتهائی برای برخی شهرستانها که تکرار ملال آور گذشته‌هاست، آن هم با آن ترکیب یک جانبه خاص این هیأتها، پاسخ مقبولی به فرمایشان ایشان است؟ ما به خدا پناه می‌بریم از روزی که حزب آشکارا به خاطر مصالح اسلام مورد نکوهش امام امت قرار گیرد، و شما و همه برادران متعهد دیگر می‌توانید حدس بزنید که عاقبت چه خواهد شد.

با توجه به مجموع آنچه گذشت، متأسفانه روند موجود حزب اجازهٔ برخورد صحیح با این مسائل را نمی‌دهد. ما تنها راه نجات حزب را بازگشت به مواضع، و تکیه براصول تبیین شده در آن و حاکمیت بینشی سالم بر حزب می‌دانیم. لازم است. بیان کنیم که به دلیل مسوولیتی که به واسطهٔ عضویت در شورای مرکزی برعهده داریم در قبال اینگونه مسائل احساس وظیفه می‌کنیم، و چون بارها از طرق گوناگون این مطالب را با شما در میان گذاشته و هیچگاه در برابر آن برخوردی اصولی مشاهده نکرده‌ایم، ادامهٔ پذیرش بار این مسوولیت نیز برایمان ممکن نمی‌باشد. لذا ضمن ابراز تأسف از جریاناتی که هم اکنون حزب را به سمتی سوق می‌دهد که مسلماً دچار انحرافی اصولی نسبت به اهداف و مواضع تعیین شده در آغاز حرکت خویش گردیده است، به اطلاع جنابعالی می‌رسانیم که شرکت در کنگرهٔ آینده حزب را به منزلهٔ صحه گذاشتن بر آنچه گذشته است

مقبولی به فرمایشات ایشان است؟ ما بخدا پناه می بریم از روزیکه حزب آشکارا بخاطر مصالح اسلام مورد نکوهش امام امت قرارگیرد ، وشما و همهٔ برادران متعهد دیگر میتوانید حدس بزنید که عاقبت چه خواهد شد .

با توجه به مجموع آنچه گذشت ، متاسفانه روند موجود حزب اجازهٔ برخورد صحیح با این مسائل را نمی دهد . ما تنها راه نجات حزب را بازگشت بمواضع ، و تکیه بر اصول تعیین شده در آن وحاکمیت بینش سالم برحزب می دانیم . و لازم است بیان کنیم که بدلیل مسوولیتی که بواسطهٔ عضویت در شورای مرکزی برعهده داریم در قبال اینگونه مسائل احساس وظیفه می کنیم ، وچون بارها از طرق گوناگون این مطالب را با شما درمیان گذاشته و هیچگاه در برابر آن برخوردی اصولی مشاهده نکرده ایم ، ادامهٔ پذیرش بار این مسوولیت نیز برایمان ممکن نمی باشد . لذا ضمن ابراز تأسف از جریاناتیکه هم اکنون حزب را بسمتی سوق میدهد که مسلما دچار انحرافی اصولی نسبت به اهداف و مواضع تعیین شده در آغاز حرکت خویش گردیده است ، باطلاع جنابعالی می رسانیم که شرکت در کنگرهٔ آیندهٔ حزب را بمنزلهٔ صحه گذاشتن بر آنچه گذشته است می دانیم ، واین عمل نیز برای ما مقدور نخواهد بود . والسلام .

آذرماه ۱۳۶۳

جواد ازه‌ای ــ محمد رضا بهشتی ــ ابوالقاسم سرحدی زاده ــ میرحسین موسوی ــ مسیح مهاجری

اعضاء شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی

۶۳/۹/۶ ۶۳/۹/۶

رونوشت : برادر ارجمند جناب آقای هاشمی رفسنجانی .

می‌دانیم، و این عمل نیز برای ما مقدور نخواهد بود. والسلام.

آذر ماه ۱۳۶۳

جواد اژه‌ای ـ محمد رضابهشتی ـ ابوالقاسم سرحدی زاده ـ میرحسین موسوی ـ مسیح مهاجری

اعضای شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی

رونوشت: برادر ارجمند جناب آقای هاشمی رفسنجانی

پای خطبه‌های حجت‌الاسلام رفسنجانی

○ شعری از شهریار

اشاره: این شعر با عنوان "پای خطبه‌های حجت‌الاسلام رفسنجانی" توسط استاد محمد حسین بهجت تبریزی متخلص به شهریار در سال ۱۳۶۳ سروده شده است. شعر مزبور و پاسخ آقای هاشمی چنین است:

ای غریو تو ارغنون دلم — سطوت خطبه‌ات، ستون دلم
خطبه‌های نماز جمعه‌ی تو — نقشه حمله با قشون دلم
چه فسونی است در فسانه تو — که فسانه‌ات از او فسون دلم
با دلی لاله‌گون، تو را گوشم — ای لبت، لعل لاله‌گون دلم
چشم از نقش تو، نگارین است — می‌نگارد، مگر به خون دلم
عقل من، پاره می‌کند زنجیر — که به سر می‌زند، جنون دلم
من هم از آن فن و فنون دانم — که جنون زاید از فنون دلم

کلماتت، چو تیشه فرهاد   می‌شکافند، بیستون دلم
وز مواعظ که می‌کنی، آن گاه   صبر می‌زاید از سکون دلم
انقلاب من، از تو اسلامی است   که حریفی به چند و چون دلم
گوهر شبچراغ رفَسنجان   ای چراغ تو، رهنمون دلم
کفه‌ای، هم تراز خامنه‌ای   در ترازویِ آزمون دلم
بازوان امام، آنکه دگر   بی‌قرین است در قرون دلم
چشم امیدی و چراغ نوید   هم شکوهی و هم شکون دلم
در رکوع و سجود خامنه‌ای   من هم از دور سرنگون دلم
خاصه، وقت قنوت او کز غیب   دست‌ها می‌شود، ستون دلم
او به یک دست و من هزاران دست   با وی افشانم از بطون دلم
عرشیان می‌کنند، صف به نماز   از درون دل و برون دلم
من برونی نیم، خدا داند   کاین صلا خیزد از درون دلم
من زبان دلم، ولی افسوس   بس که بی همزبان، زبون دلم
پیرم از چرخ واژگون و علیل   بشنو از بخت واژگون دلم
چون کمانی خمیده‌ام، لیکن   تیر آهی است در کمون دلم
طوطی عشقم و زبان از بر   جمله ماکان و ما یکون دلم
در ترازوی سنجشم مگذار   ای کم عشق تو، فزون دلم
درس من خارج است و حاشیه نیست   که دگر فارغ از متون دلم
دگرم بخشی از تن و جان نیست   دل به جانان رسیده جونِ دلم
"شهریارم،" لسان حافظ غیب   شعر هم، شأنی از شئون دلم



این شعر با صدای استاد شهریار که در نوار کاستی ضبط شده بود، توسط خود ایشان به اینجانب هدیه شد و من هم تحت تأثیر صفای آن پیر روشن ضمیر، شعری با وزن شعر ایشان سرودم؛ گرچه میان ماه من تا ماه گردون، تفاوت از زمین تا آسمان است.

آن نوار یک بار از رادیو هم پخش شد و در آرشیو صدا و سیما موجود است و شعر ایشان در



استاد محمد حسین شـ

(در پای خطبهٔ رفسنجانی)

دی غروب تو ای فسون دلم — شوکت خطبه‌ات ستون دلم
خطبه‌ای ساز جبههٔ تو — نغمهٔ حمله با فسون دلم
چه فسونی است در فسانهٔ تو — که فسانه است راز و فسون دلم
با دل دردگون، ترا گوشم — در لبت سحر دردگون دلم
چشمم از نقش تو نگارین است — نیست کاری جگر بخون دلم
عقل من پاره میکند زنجیر — که بسر میزند جنون دلم
من هم از آن فن و فنون دانم — که جنون زاید از فنون دلم
وز مواعظ که میکنی آنگاه — صبر میزاید و سکون دلم
انقلاب من از تو اسلامی است — که حریفی به چند و چون دلم
گوهر شبچراغ رفسنجان — در چراغ تو رهنمون دلم
گفته‌ای هم تراز (خامنه‌ای) — در ترازوی آزمون دلم
بازوان امام، که دگر — بهترین است در قرون دلم
چشم بینا و هم چراغ نور — هم شکوه و هم شگون دلم
در رکوع و سجود (خامنه‌ای) — من هم از دور سرنگون دلم
خاصه وقت قنوت او که غیب — دستها میشود ستون دلم
دو به یک دست و من هزاران دست — بادی فش نهان ز بطون دلم
مرشدان میکشند صف به نماز — از درون دل و برون دلم
من به بروز نیم، خدا داند — کاین صلا خیزد از درون دلم
دل بدیوان سبک شد و بارش — که ز دو دیده شد برون دلم
پیرم از چرخ واژگون و علیل — بشنو از بخت واژگون دلم
چون کمانم خمیده‌ام لیکن — تیر آهی است در کمون دلم

x

دلی عشقم و زبان از بر — جمله ماکان و مایکون دلم
در ترازوی سنجشم مگذار — در کم عشق تو فزون دلم
درس من خارج است و حاشیه نیست — که دگر فارغ از متون دلم
درس و بحثی از تن و جان نیست — دل به جانان رسیده (جان دلم)
شهریارم، نشان اهل غیب — شعر هم شاهد از شئون دلم

تبریز - آبانماه ۶۳ سید محمدحسین شهریار

دستخط استاد شهریار

صفحه ۱۲۲ کتاب «شهریار و انقلاب اسلامی» هم چاپ شده.

به نام خدا

در جواب شعر استاد شهریار که با عنوان «در پای خطبه‌های حجت‌الاسلام رفسنجانی» و نماز خامنه‌ای سروده بود و در تاریخ ۱۳۶۳/۹/۱۹ با مطلع: ای غریو تو ارغنون دلم، آغاز شده برای من ارسال داشت سروده‌ام که ناظر به اشعار دیگر ایشان در مورد علی(ع) و انقلاب و امام و دفاع مقدس و جبهه و بسیج و جانباز و دهه فجر و ... است:

ای صفای تو، رهنمون هنر / شعرهایت پر از طلا و گهر
ادبت، اسوه هنر جویان / هنرت، جلوه‌گاه خوش منظر
پارسی گوی ترکِ کشورمان / همنوا ساختی، سهند و خزر
همدلی، رمز عزت ملّت / همرهی، راز قُدرت کشور
عاشق اهل بیت پیغمبر(ص) / مادحِ فاتح دژ خیبر
عشق تو در "همای رحمت" تو / جلوه دارد به صورت اختر
که تماشا کنی، خدایت را / در وجود ولّیِ حق محور
از خدایت، گرفته‌ای پاداش / که شدی رهرو ره حیدر
دعبل عصر ما که خود گوئی / طوطی عشقی و زبان از بر
طوطی اهل بیت را زیبد / خلعت "هَل آتی" کُند در بر
خطبه‌های من و نماز علی / در مسیر هدایت رهبر
می‌شود ارغنون ترا در دل / می‌فزاید، تو را جنون در سر
از رکوع و سجود خامنه‌ای / می‌بری از خضوع، سهم و اثر
شهریار، ای عجوبه دوران / حق نگهداردت زخوف و خطر
دشمنان خدا، زتو دلگیر / که چَرا سفته‌ای به عشق، دُرر
چون کمان خمیده‌ای اما / می‌زنی با ادب به کفر اژدر
تو که در جبهه‌ها، خداجوئی / می‌سرائی، سرود از سنگر
اشک و آهیست چو پیک خوش فرجام / در پس جبهه‌ها، چو نجم سحر

خـــاک پــای دلاوران جـهاد مـی‌نماید بـه چشـم تـو زیـور
اسـتخوان شکسـته جـانباز مـومیای دل شکسـته زشـرّ
پـیر بـه افـلاک مـی‌کشد سرباز در نگـاهت چـو زفـزف اخـضر
نـخله طـورِ سـَینه سـینا مـی‌نماید کـلیم را آذر
سـاقی تشـنگان تـو مـی‌گویی آن بسـیجی عشـق حـق در سـر
در عـبادت، بسـان مـرغ سـحر در شـجاعت، یَـل است و شـیر جگـر
بت شکـن دیـده‌ای خـمینی را کـه بـتازد بـه شـر بـه دست تـبر
فـجر و خـورشید را تـو مـی‌بینی در طـول امـامت رهـبر
کـز امـامش گـرفته خـط امـان بـه ره حـق و خـلق بسـته کـمر
آتش افکـن بـه جـان اسـتعمار کـه بسـوزد بُـن سـتم یکسـر
کـرده آزاد کشـور ایـران از جـنایات پـهلوی و قـجر
از سـلیمان بـرفت مـلک و نگـین او گـرفته زدیـو، انگشـتر
"هـاشمی،" الحـذر ز صـحنه شـعر کـه در آنـجا بـریزد عـنقا پـر
یـا مَـیا در مـصاف اسـتادان یـا بـپرداز، شـعر از ایـن بـهتر

مبارحه در جواب شعری است از شهریار که با عنوان ... به حضرت حجت الاسلام ... سروده بود ... بر ... سال ... سروده ام که با مطلع « ای عزیز تو از عشوت دلم » آغاز شده ... در ... علی ... داده ام و ... در سبک ... است

ای صفای تو رهنمون هنر — شعرهایت پر از طلا و گهر
ادبت اسوه هنرجویان — هنرت جلوه‌گاه هر تشنه نظر
پارسی گوی ترک کشور من — هم تو استاد حسن شهد و شکر
مهدی رمز عزت ملت — هم پس راز قدرت کشور

عاشق اهل بیت پیغمبر — مادح فاتح در خیبر
عشق تو در بهار حجت ناز — جلوه‌ای دارد از ... اطهر
که تماشا کنی صدایت را — در وجود ولی حق محور
از صدایت گرفته است با قدر — که شده سره رو به ره حیدر
در عمل عقرباکه ... — طوطی عشق و ... از بر
طوطی اهل بیت را بینه — خلق ... کند در بر
حضرت علی ... — در مسیر هدایت رهبر

بشود ... — ... دو سر
از ... — ... از ... سهم دابر
الخلوت به عقل ... — گرچه دریا ... از قطره اثر

شهریار ... — حق ... اوف و خطر
دشمنان خدا ... دیگر — که چرا ... دور
چون ... — ... ادب ... از در

من زبان دلم ولی افسوس — بسکه بی‌همزبان زبون دلم
پرم از جرح و واژگون — تشنه از رنگ و واژگون دلم
چون کمان چرخ خمیده دم لیکن — تیر آهی است در کمون دلم
طره عشقم و زمان زیر و زبر — جلوه ماکان و مایکون دلم
در ترازوی سنجش فلک ار — ای که عشق تو فزون دلم
درس‌ها رایج است و ... نیست — که دگر فارغ از فنون دلم
دگرم کجی ز رشت و هان نیست — دل به جانان رسیده چون دلم
شهریارم لسان حافظ غیب — شعر هم شانی از شئون دلم

در بارهٔ این شعر با صدای مرحوم شهریار که در نوار کاستی ضبط شده بود توسط دوستان به رئیس ... ونهم ... تا نیز حفظ آن ... ضمیر شعری با ذوق شوراث سال سرود، اگرچه ... ماه‌ها و ماه ... ارزشمند ... است

آن نوار یکبار از رادیو پخش شد ولی به دور ... سرود است ... شوراث ... در صفحه ۱۲۲ کتاب شهریار و انقلاب اسلامی چاپ شده

در این زمینه اشاراتی به اشعارات ... دیگر ... علمای امام، رهبری انقلاب، دفاع مقدس، جبهه ... و ... دیگر دارد

ترکه در جبهه ی خدا جوئی — می برآید سر دو باز جنگر

ای شگفت ورد نیست چو بیت خون فشانم — در پیش جبهه چو کمین سحر

خاک پاری دلاوران جهاد — می تپید به جسم تر از نور

الخودن شکسته چو بنیاد — سرمایه دل شکسته ز شرر

پیر به رهی که میکشد سرباز — در نگاهش چو روح احمر

نخله ظلمت به سینه سیا — می تپد ظلم را آذر

ساقی تشنگان ثری [illegible] — آن بسیج عشق حق در سر

در علاوت به سان مرغ سحر — در سینه عشق بیدارت و شیر جگر

نت شکن دیده اش چمن را — که بیاورد به بیشه سه نیت بر

فخر وضو بسته ز ثری هیبی — در طلوع امامت رهبر

کز زمامش گرفته قطرانش — به زره خلق و صف بی سینه کمر

آتش از فلک به جان پیغام — که بسوزد به چشم ملبر

گرده ای از ادا کشته یاران — ز حقانیت پهلوی و کبر

الرسلیان به ادبیک وتنگیب — او گرفته ز دل انگشتر

ای شمر الحذر ز صحنه شعر — که در آن ابر ز عشق پیر

یا بیا کز شکاف رستادرت — یا ببر دور شعر را زان پیش



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

بسمه‌تعالی

شماره ۲۵۰/۱۳۸۱/د.ه

تاریخ ۱۷/۱۱/۶۳

پیوست دارد

جناب استاد شهریار

با سلام و دعا برای موفقیت بیشتر جنابعالی، لازم می‌دانم از اظهار لطفی که نسبت به خطبه‌های نماز جمعه تهران نموده‌اید تشکر نمایم. یک جلد کلام الله مجید و یک جلد کتاب امیرکبیر قهرمان مبارزه با استعمار به عنوان قدرشناسی تقدیم می‌گردد. شعری که هم در جواب اشعار زیبایتان سروده‌ام که برای ثبت در تاریخ نزد خودتان می‌ماند.

رئیس مجلس شورای اسلامی

اکبر هاشمی رفسنجانی

شعر طنز

○ سید احمد زرهانی

اشاره: این شعر بخشی از یک شعر بلند است که در سال ۱۳۶۳ و پس از اعلام نتایج انتخابات دومین دوره مجلس شورای اسلامی سروده شده است.

...انصاری شکست اقتدارت
لاری چه نشسته درکنارت

سید حسن و حسین و محسن
خاموش شدند و بی‌حرارت

شد ساوجی باز وکیل مجلس
ناطق بخورد دو صد انارت

افسوس وکیل شهر بابک
کو هیچ نکرد به کس جسارت

با آن همهٔ هواشناسی
نابود بشد به صد حقارت

اخلاقی نیا بخورد تیری
لعنت به رقیب بی مهارت

برخیز عجم برو خراسان
مشغول نیایش و زیارت

گردید چو متکی سیه روز
دل شاد نموده بر سفارت

خلخالی بخند تا بخندیم
از آب گذشته است حمارت

افتاده زمین تن مظفر
کروبی نیامده به کارت

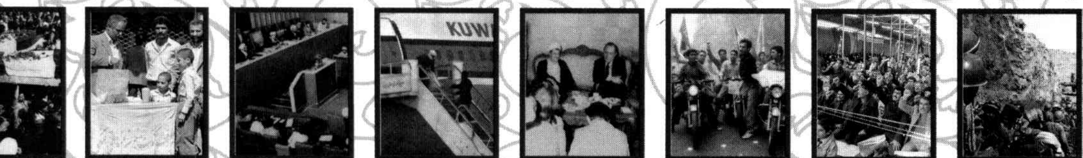
ای هاشمی شاد و بی تفاوت
می باش به جای استوارت

زرهانی نیامدی به میدان
از جبهه بداده‌اند فرارت ...

فهرست اعلام

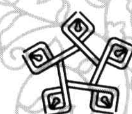
فهرست جایها

فهرست اصطلاحات



... من فرماندهی جنگ را به عهده داشتم. از سوی دیگر ریاست مجلس را هم داشتم و توقعات رزمندگان این بود که به سرعت، نیازهای جبهه را به وفور تأمین کنیم. آنها مشکلات مالی و تدارکاتی و روابط خارجی دولت را کمتر می‌دانستند و افشاکردنی هم نبود و معلوم بود که اگر دولت از تأمین نیازهای ضروری جامعه غافل شود، پشت جبهه، دفاع و انقلاب دچار ضعف خواهد شد و جمع بین این دو نیاز مهم، بسیار مشکل داشت.

بخشی از مقدمه کتاب



دفتر
نشر معارف انقلاب

قیمت: ۷۰۰۰۰ ریال
ISBN 964-7193-11-4
شابک ۴-۱۱-۷۱۹۳-۹۶۴